

فصلنامه پژوهش و سنجش

سال یازدهم، شماره ۳۹ و ۴۰ (رسانه و حقوق)، پاییز و زمستان ۱۳۸۳

ISSN : ۱۰۲۵-۳۹۶۳

صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: علیرضا پویا

سردبیر: احسان قرنی

شورای علمی: دکتر یونس شکرخواه، دکتر حسام‌الدین آشنا، دکتر ناصر باهنر،

دکتر اصغر افتخاری، دکتر اسماعیل بیابانگرد

دوران این شماره: دکتر محسن اسماعیلی، غلامرضا رفیعی، دکتر

محمد اسحاقی، دکتر عباس کدخدایی

مدیر داخلی: محمدرضا رضایی‌بایندر

همکار ویژه این شماره: فرشته جعفری

کارشناسان همکار: ملوک عباسی، مرضیه محمودی

ویراستار: سیما زریسفی

چکیده به انگلیسی: سیدمرتضی میرهاشمی

طراحی روی جلد: مهناز حسامی

صفحه آرایی: علیرضا سیاوشان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سروش

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان هتل استقلال، ساختمان اداری جام‌جم،

طبقه دوم، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای - صندوق پستی

۱۹۳۹۵-۴۷۴۸

نشانی سایت: <http://www.CRSPA.ir/Sanjesh>

پست الکترونیکی: managm@irib.com

تلفن: ۲۲۰۱۳۷۳۴ - ۲۲۱۶۷۱۴۵

دورنگار: ۲۲۰۱۳۷۳۴

بها: ۸۰۰۰ ریال

مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای

فهرست مطالب

عنوان صفحه

.....	سخن نخست	۵
.....	میزگرد پخش فرامری و حقوق ارتباطات رسانه‌ای	۹
	اجرا و تدوین: فرشته جعفری	
.....	ویژگی‌های نظام حقوقی رادیو و تلویزیون	۴۳
	دکتر کاظم معتمدنژاد	
.....	حقوق رسانه‌ها	۶۹
	دکتر محسن اسماعیلی	
.....	حقوق پخش فرامری	۱۰۳
	غلامرضا رفیعی	
.....	تکالیف و جرایم رسانه‌های الکترونیک	۱۲۵
	دکتر محمد اسحاقی	
.....	حقوق مرتبط با حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری	۱۵۹
	محسن صادقی، حسن محسنی	
.....	حریم خصوصی در رسانه‌های همگانی	۱۹۳
	دکتر باقر انصاری	
.....	ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی	۲۳۳
	سیدعلی محسنیان	
.....	رسانه‌ها و حریم خصوصی افراد	۲۶۵
	رضا معین‌آبادی	
.....	محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر پخش در انگلستان و ایران	۲۹۵
	احمد رنجبر، فرشته جعفری	

عنوان صفحه

- ۳۳۷..... مسئولیت ناشی از جرایم مطبوعاتی
قاسم محمدی
- ۳۶۷..... نمایه کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی
و کارهای در دست انتشار
گردآوری و تنظیم: نسرين حداد
- ۳۹۹..... ضمايم: فراخوان رسانه و بحران، راهنمای تنظیم مقالات، فرم اشتراک
چکیده‌ها به زبان انگلیسی

سخن نخست

پیدایش و گسترش رسانه‌های جدید، افق‌های تازه‌ای را بر روی انسان گشود، به گونه‌ای که سخن از عصر رسانه‌ها و ارتباطات و انفجار اطلاعات به میان آمد و انسان عصر ارتباطات، در حوزه ملی و یا در عرصه جهانی، ساکن دهکده‌ای تلقی شد که خبرهای این سو و آن سو دور از دسترسش نیستند و در کوتاه‌ترین زمان می‌تواند با سرعتی روزافزون، مکان را درنوردد و از رویدادها باخبر شود و بلکه شاهد و ناظر آنها باشد.

روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، اینترنت و ... ارمغان‌های فناورانه‌ای هستند که یکی پس از دیگری، جامعه انسانی را دچار تحولاتی شگرف کردند و زمینه‌های لازم را برای تعامل فکری و مشارکت سیاسی - اجتماعی انسان‌ها و تعاطی اندیشه‌ها و تعامل فرهنگ‌ها فراهم آوردند. اما شاید سرسخت‌ترین طرفداران فناوری و افراطی‌ترین دوست‌داران رسانه‌ها نیز نتوانند آسیب‌هایی را که در نتیجه فعالیت‌های رسانه‌ها به جامعه انسانی وارد می‌شود، یکسره نادیده بگیرند و گمان برند که این حوزه نیاز به مراقبت و ایمن‌سازی ندارد. هرچند ممکن است در شیوه‌ها و راهکارها اختلاف نظر جدی وجود داشته باشد.

مباحثی مانند اخلاق حرفه‌ای دست‌اندرکاران و نقش‌آفرینان رسانه‌ها و نیز سواد رسانه‌ای مخاطبان، هدفی جز ایجاد بسترهای مناسب برای استفاده بهینه از رسانه‌ها و

نیز به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های گوناگون و گسترده وسایل ارتباط جمعی ندارند. توجه بیشتر به این گونه بحث‌های مهم، به جامعه انسانی کمک می‌کند که با اطمینان افزون‌تری به سوی آینده گام بردارد.

اما رسانه‌ها با کارکردهای گوناگون خود ناگزیر به حوزه‌هایی وارد می‌شوند که امکان لغزش در آنها وجود دارد زیرا از یک سو، مسئله آزادی بیان و افکار و تعاطی اندیشه‌ها مطرح است و از سوی دیگر، پاسداشت منافع فردی و جمعی؛ و حفظ توازن میان دو راه را هموار می‌کند تا جامعه از دستاوردهای اساسی رسانه‌ها استفاده کند و از آسیب‌های احتمالی ایمن باشد.

حوزه حقوق رسانه‌ها می‌کوشد با استفاده از منابع گوناگون به ایجاد این توازن کمک کند. هر چند این مطالعات به ویژه در حوزه رسانه‌های الکترونیک، از تازگی و پیچیدگی برخوردار است، زیرا سرعت پیشرفت فناوری در این شاخه‌ها با مطالعات حقوقی انجام شده هماهنگ نیست. در کشور ما، با توجه به پیشینه مطبوعات، مطالعات به نسبت گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است، هر چند پژوهش‌های بیشتر می‌تواند زمینه‌ساز پر شدن خلأهای قانونی و نیز بهره‌مندی بیشتر جامعه از مطبوعات باشد. در حوزه رسانه‌های الکترونیک، به ویژه رادیو و تلویزیون، مطالعات اندکی انجام شده و به رغم سابقه طولانی رادیو و بیش از سه دهه فعالیت تلویزیون، به دلایل مختلف، این بخش از حقوق رسانه‌ها مغفول مانده است، هر چند در سال‌های اخیر، با گسترش اینترنت و نیز نفوذ تدریجی ماهواره‌ها توجه بیشتری به این حوزه معطوف شده است.

موضوع حقوق رسانه‌ها در بخش‌های: مبانی نظری حقوق رسانه‌های جمعی؛ تاریخچه و سیر تحول حقوق رسانه‌ها؛ چالش‌ها و تنگناهای حقوق رسانه‌ها؛ مسئولیت و جرایم رسانه‌ای؛ رسانه‌ها و اطلاعات محرمانه یا حریم خصوصی افراد و حق مالکیت معنوی آثار رسانه‌ای مورد توجه قرار گرفته و مقالاتی از استادان و پژوهشگران این حوزه ارائه شده است. میزگرد این شماره، به موضوع مهم پنخس برنامه از طریق ماهواره اختصاص دارد که طی آن شرکت‌کنندگان موضوع قطع پنخس برنامه‌های شبکه سحر را

از ماهواره اروپا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و به مسئله ادعای جریان آزاد اطلاعات در جهان کنونی و نقش کشورهای که کنترل این جریان را بر عهده دارند توجه کرده‌اند.

کوشش شده است که مقالات ارائه شده بخشهای مورد نیاز را پوشش دهد. هر چند ضرورت برداشتن گامهای بلندتری وجود دارد که اهتمام محققان حقوق رسانه‌ها را می‌طلبد و فصلنامه پژوهش و سنجش نیز با توجه به نیازهای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران این مجموعه را گام اول تلقی می‌کند.

سردبیر

میزگرد پخش فرامرزی و حقوق ارتباطات رسانه‌ای

اجرا و تدوین: فرشته جعفری

چکیده

انتخاب موضوع «فناوری ارتباطات و تأثیر آن بر جنبه‌های حقوقی ارتباطات رسانه‌ای با تأکید بر پخش فرامرزی» برای بحث در میزگرد حقوقی - ارتباطی فصلنامه پژوهش و سنجش، به دلیل کاربردی بودن این موضوع در حوزه حقوق رسانه‌های پخش شده است.

پخش فرامرزی با استفاده از ماهواره‌های شخصی یا اجاره‌ای، سال‌هاست که در جهان مرسوم است. این فناوری، کشورها و ملت‌ها را قادر می‌سازد مخاطبان خود را از سطح سرزمینی، به سطوح فرامرزی و بین‌قاره‌ای، گسترش دهند و به آسانی به مبادلات فرهنگی، اقتصادی، تجاری و سیاسی بپردازند.

توسعه و گسترش فناوری ارتباطات از سه منظر فنی، حقوقی و فرهنگی قابل بحث و بررسی است. جنبه‌های فنی و حقوقی پخش فرامرزی برنامه‌های ماهواره‌ای، به طور کلی و عمومی، هدف اصلی این میزگرد بوده است و قطع پخش برنامه‌های شبکه سحر (۱) ایران از طریق کشور فرانسه که یکی از چالش‌های جاری رسانه ملی در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود مصداق عینی و ملموسی است که برای تبیین ابعاد گوناگون این موضوع مورد نظر قرار گرفته است. از بهمن ماه ۱۳۸۳، شورای عالی سمعی و بصری فرانسه (CSA)^۱، از تصمیم شبکه سحر (۱) مبنی بر پخش مجموعه «چشمان آبی زهرا» مطلع می‌شود و پیش از

پخش آن طی رأی صادره در ۱۰ / فوریه / ۲۰۰۵ دستور قطع پخش برنامه‌های این شبکه را صادر می‌کند.^۲

در این میزگرد سه ساعته، از آقایان مهندس مفتاح، مدیر کل اداره امور کالا و رابط سازمان صدا و سیما و «BT»^۳، مهندس رضایی، قائم‌مقام معاونت فنی سازمان از مطلعان بخش فنی و دکتر اشرافی و رفیعی حقوقدانان درگیر با مباحث و مسائل حقوق رادیو و تلویزیون، دعوت به عمل آمد تا با حضور دست‌اندرکاران نشریه، به بحث و گفتگو پیرامون پرسش مطرح پردازیم و جنبه‌های فنی و حقوقی موضوع را تبیین و تشریح کنیم. قابل ذکر است جناب آقای رفیعی در سمت نماینده اداره کل حقوقی سازمان در این میزگرد حضور داشتند.

مقدمه

توسعه فناوری فضایی و رقابت در تسخیر فضای ماورای جو، ضرورت تدوین نظام حقوقی حاکم بر پرتاب و استقرار ماهواره‌ها و مسئولیت‌های بین‌المللی را در مورد خسارات ناشی از اجسام فضایی، ثبت سفینه‌های فضایی ارسالی و فعالیت دولت‌ها در فضا مسلم ساخت، به نحوی که در فاصله سال‌های ۷۹-۱۹۶۷، معاهدات فضایی متعددی منعقد شد و نظام حقوقی حاکم بر ماهواره‌ها از نظر سخت‌افزاری، تا حدودی تدوین یافت.^۴ اما روند پیشرفت و توسعه شگفت‌انگیز این فناوری از سال ۱۹۶۲ با پیدایش ماهواره «تله استار» که از آمریکا به فضا پرتاب شد و امکان ارسال برنامه‌های زنده تلویزیونی این کشور را در قاره اروپا فراهم آورد، سیر تازه‌ای به خود گرفت. از این پس، گستره ارتباطات ماهواره‌ای جهانی و منطقه‌ای بر فعالیت‌های ارتباطی بسیاری سایه افکند. تأثیر این فناوری بر ارتباطات تلفنی، هواشناسی، ناوبری و ... رضایت‌بخش بود اما افزایش قدرت ماهواره‌های پخش تلویزیونی، جامعه بین‌المللی را با چالش‌هایی مواجه ساخت.

امکانات فنی دریافت این برنامه‌ها روز به روز آسان‌تر و کم هزینه‌تر می‌شد به نحوی که دیگر مراجع ذی‌صلاح ملی، قدرت حفاظت از حاکمیت خود را در برابر

هیچ‌کدام از فرهنگ‌ها، سیاسی و اجتماعی این فناوری نداشتند. تقابل میان اصل جریان «آزاد اطلاعات» و «حاکمیت ملی دولت‌ها»، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت با تنظیم «معاهده جامع پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای» در صدد تصویب آن برآیند اما نظریه‌های حقوقی حاکم بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای که همواره مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته،^۵ حاکی از آن است که واکنش کشورها با توجه به شرایط مختلف، در برابر این قضیه یکسان نبوده و بسته به در اختیار داشتن یا نداشتن این امکانات، فرستنده یا گیرنده بودن تلاش‌های متفاوت و بسیاری از خود نشان داده‌اند تا با کمترین آسیب بیشترین بهره را از این فناوری بگیرند نظریه‌های:

۱- حاکمیت دولت بر قلمرو خود

۲- حاکمیت دولت‌ها و ارتباطات زمینی

۳- نظریه آزادی اطلاعات

۴- مسئولیت دولت‌ها و اصل منع سوء استفاده از حق

هر یک مؤید این مسئله است. در این میان نظریه آزادی اطلاعات بیش از همه مورد تأکید کشورهای دارنده فناوری پخش ماهواره‌ای است. بر اساس این نظریه «آزادی اطلاعات حقیقی است اساسی و ایجاد آن برای حصول، تشویق و افزایش آزادی افکار و نظریات بدون توجه به مرزها بوده و شامل آزادی دسترسی به پیشرفته‌ترین امکانات و گسترده‌ترین منابع اطلاعات و نیز، مسافرت به جهت آن (اخذ اطلاعات)، و نیز حفظ منابع آن می‌شود».^۶ در خصوص این نظریه اگرچه در منشور سازمان ملل مقررات صریحی وجود ندارد، در کنوانسیون‌ها و پیمان‌های بین‌المللی از جمله: ماده ۱۹ / اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۹ / میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی و ماده ۹ و ۱۰ / پیمان اروپایی حقوق بشر، مورد شناسایی قرار گرفته است. با این حال این اصل به لحاظ حقوقی دارای اطلاق نیست و با توجه به شرایط زمان و مکان دامنه اجرایی آن می‌تواند محدود شود.^۷

مسئولیت دولت‌ها و اصل سوء استفاده از حق نیز از سوی حقوقدانان، یک اصل مسئولیت‌آور برای دولت‌های پخش‌کننده برنامه‌های ماهواره‌ای در نظر گرفته می‌شود.

اما دولت‌ها با ذکر این مطلب که برنامه‌ها را به طور کلی در فضا رها کرده‌اند تا هر کس مایل باشد از آنها استفاده کند، به نوعی از خود سلب مسئولیت می‌کنند و عواقب فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پخش برنامه‌ها را به عهده نمی‌گیرند. از این رو به موجب اصل سوء استفاده از حق، دولت‌ها نمی‌توانند از حقوقی مانند «آزادی جریان اطلاعات» به گونه‌ای استفاده کنند که منجر به ضرر و خسارت به دول دیگر باشد.^۸

تا زمانی که کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته از امکانات تولید و پخش فرامرزی محروم بودند و جریان یک‌طرفه پخش فرامرزی از غرب به شرق سرازیر بود و ترویج الگوهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به راحتی از شمال به جنوب صورت می‌گرفت، کشورهای دریافت‌کننده تلاش می‌کردند کمتر در معرض دریافت این برنامه‌ها قرار گیرند و در سطوح بین‌المللی اقداماتی را برای تدوین و تصویب معاهدات انجام دهند. اما امروزه که انحصار این فناوری‌ها شکسته شده و دیگر تنها اطلاعات و اخبار تولیدی بنگاه‌های خبرپراکنی امریکایی و صهیونیستی نیست که در جهان منتشر می‌شود، کشورهای اروپا و امریکا عکس‌العمل خود را نسبت به دریافت و پخش برنامه‌های ماهواره‌ای تغییر داده‌اند و بر اساس مقررات داخلی خود - با توجه به محتوای برنامه‌های ماهواره‌ای - محدودیت‌هایی را برای کشورهای آسیایی ایجاد می‌کنند. به همین منظور، در میزگرد حاضر ابعاد فنی و حقوقی پخش ماهواره‌ای را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.

پژوهش و سنجش: ایران، در جایگاه کشوری که برای پخش برنامه‌های تلویزیونی فرامرزی خود در قاره اروپا، از ماهواره «Utel Sat» استفاده می‌کند و به این واسطه با «BT» مرتبط است، چه رابطه حقوقی تعریف شده‌ای با این شرکت دارد؟

آقای مفتاح: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، برای اولین بار در سال ۱۳۷۶، مناقصه‌ای برگزار کرد تا شرکت مورد نظر خود را برای پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای برای دریافت مستقیم در منازل، «DTH»^۹، انتخاب کند. در این مناقصه، از میان شرکت‌هایی که خدمات ماهواره‌ای ارائه می‌کنند، «BT» یک شرکت دولتی

انگلیسی، برنده شد (گرچه در حال حاضر این شرکت خصوصی شده است). شرکت «BT»، بر اساس قراردادی که با «Utel Sat» دارد بر روی ماهواره «Hot Bird 3» ظرفیت‌هایی را به صورت اجاره‌ای در اختیار گرفته که برای مشتریان طرف قرارداد خود، مورد استفاده قرار می‌دهد. از جمله بخشی از این ظرفیت، بر اساس قرارداد این شرکت با سازمان صداوسیما، به ایران اختصاص یافته است. همچنین شرکت «Utel Sat» که در کشور فرانسه قرار دارد، بر اساس مقررات شورای عالی سمعی و بصری فرانسه (CSA) با طرف قرارداد خود عمل می‌کند.

ماهواره «Hot Bird 3» به دلیل امکانات مناسب و برخورداری از استانداردهایی که می‌توانست نیاز ایران را برطرف کند، انتخاب شد. این ماهواره از امکان پخش مستقیم به منازل (DTH) برخوردار است که استاندارد تعریف شده‌ای است، به این معنا که بینندگان دارای دیش‌های کمتر از ۶۰ سانت می‌توانند برنامه‌های آن را دریافت کنند. به عبارت دیگر هر کس در خانه می‌تواند از برنامه‌های «DTH» استفاده کند. بنابراین خدمات‌دهنده طرف قراردادها «BT» است که با توجه به ظرفیتی که از «Utel Sat» اجاره کرده، بر روی «Hot Bird 3» به ما خدمات می‌دهد. یعنی ما به لحاظ فنی، با ظرفیت‌ها و امکانات «Hot Bird 3» و به لحاظ حقوقی، با «BT» سر و کار داریم. البته اخیراً اخذ مجوز از فرانسه و یا هر یک از کشورهای اروپایی را مطرح می‌کنند اما در زمان انعقاد قرارداد، هیچ قیدی از جانب اتحادیه اروپا در کار نبوده است.

با توجه به این که «BT» صرفاً نقش یک کارور را ایفا می‌کند، همان‌گونه که در تمام دنیا هم مرسوم است، در این گونه قراردادها قید می‌شود که شرکت واسطه، هیچ مسئولیتی نسبت به محتوای پیام طرف فرستنده ندارد. البته فرستنده هم معمولاً اجازه ارزیابی محتوا را به عوامل فنی ارسال فرامرزی نمی‌دهد و این با رضایت هر دو طرف است. از سوی دیگر، در میان کشورهای دریافت‌کننده، چنانچه کسی معترض محتوای پیام‌های ماهواره‌ای شود، شرکت با چنین قیدی از خود سلب مسئولیت می‌کند. در زمان انعقاد قرارداد با «BT» از جانب اتحادیه اروپا هیچ قیدی برای عامل پخش مطرح نبوده است. اگرچه اروپاییان وقتی با کشورهایایی مواجه شدند که با استفاده از این

ابزار، امکان انتشار فرهنگ و اندیشه‌های دیگری را برای مخاطبان غربی فراهم می‌آوردند، بلافاصله عکس‌العمل‌های بازدارنده نشان دادند. اروپاییان که سال‌ها جوامع شرقی را به بسته بودن، غیردموکراتیک رفتار کردن و ... متهم می‌کردند، وقتی خود را گرفتار نقش و تأثیرات فناوری پخش برنامه‌های ماهواره‌ای دیدند، بلافاصله برای غربال‌گری و کنترل اطلاعات مقرراتی وضع کردند که بر اساس آن شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی که در خاک اروپا امکان پخش «DTH» دارند مکلفند از یکی از مؤسسات نظارت بر شبکه‌های رادیو و تلویزیونی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مجوز بگیرند. سقف زمانی هم برای اخذ این مجوز تعیین شده است. البته تاریخ این مصوبه بعد از زمان قرارداد ایران با «BT» است.

در هر یک از کشورهای اروپایی، یک نهاد تعریف شده که عمدتاً در انحصار دولت هم نیست، مسئولیت نظارت بر کیفیت محتوای برنامه‌های رادیو و تلویزیونی را عهده‌دار است. شرکت‌های پخش فرامرزی که برنامه‌های تلویزیونی خود را برای این قاره پخش می‌کنند، می‌توانند با اخذ مجوز یکی از این نهادها، به راحتی فعالیت کنند. در کشور فرانسه، شورای عالی سمعی و بصری (CSA) دارای چنین مسئولیتی است. این شورا مسئولیت صدور مجوز، نظارت بر محتوا و اختیار قانونی تعلیق یا توقف فعالیت‌های شرکت‌ها یا سازمان‌های پخش را بر عهده دارد و در هر زمان که تشخیص دهد با صدور رأی می‌تواند پخش برنامه‌های فرامرزی را که در خاک این کشور دریافت می‌شود، متوقف سازد.

شرکت «Utel Sat» متعلق به کل اروپاست و بخشی از سهام آن اخیراً در اختیار امریکایی‌ها قرار گرفته است. دفتر مدیریت مرکزی این شرکت، در پاریس است و خود آن در فرانسه به ثبت رسیده است، بنابراین ریشه فرانسوی دارد و به همین دلیل رأی شورای عالی سمعی و بصری (CSA) فرانسه درباره فعالیت‌های پخش ماهواره‌ای برای آن لازم‌الاجرا است. این شورا به صورت یک نهاد دولتی ناظر بر پخش عمل می‌کند. بنابراین شرکت «BT» که طرف قرارداد ایران است، از طرف «Utel Sat» به واسطه نقش

نظارتی «CSA» در مورد کم و کیف پخش برنامه‌ها، می‌تواند مورد سؤال قرار گیرد. این فرایند در مورد قطع پخش شبکه سحر (۱) نیز اتفاق افتاد.

قابل ذکر است که فرایند پخش برنامه‌های ماهواره‌ای در سایر قاره‌ها به این نحو نیست. در حال حاضر تنها اتحادیه اروپا چنین محدودیتی برای عاملان پخش فرامرزی در داخل اروپا قائل است. حتی در آمریکا پخش‌کننده‌ها چنین محدودیتی ندارند و نیازمند اخذ مجوز از نهاد یا مؤسسه نظارتی خاصی نیستند. همچنان که در حال حاضر ما برنامه‌های «جام جم ۲» و «العالم» را به صورت «DTH» در آمریکا پخش می‌کنیم و شرکت خدمات‌دهنده با ما طرف حساب است.

البته پیش‌بینی می‌شود چنانچه با نحوه تصمیم‌گیری کشورهایی که عاملان فنی دریافت و پخش «DTH» برنامه‌های ماهواره‌ای هستند، برخورد قاطع و اصولی صورت نگیرد، این رویه به سایر کشورها نیز تسری پیدا کند. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران از طریق «ABU»^۱ و سایر کانال‌های مرتبط بین‌المللی می‌تواند برخورد جدی حقوقی و فنی داشته باشد.

پژوهش و سنجش: آیا مشکلی که در بهمن ماه ۱۳۸۳، درباره قطع پخش شبکه سحر (۱) پیش آمد، به لحاظ فنی قابل پیش‌بینی و پیشگیری بود؟ نحوه برخورد ما با عکس‌العمل «CSA» چگونه بود؟

آقای مفتاح: صداوسیما به مثابه عامل پخش از ایران، متولی امر است و مسئولیت مستقیم دارد، نماینده جمهوری اسلامی ایران در «ABU» و طرف قرارداد شرکت‌هایی است که خدمات پخش ماهواره‌ای ارائه می‌دهند. اما از آنجا که این مسئله جنبه ملی دارد طبیعتاً ارگان‌های دیگری مانند وزارت خارجه نیز دخیل هستند. مسئله قطع برنامه‌های شبکه سحر (۱)، به دلیل محتوای مجموعه «چشمان آبی زهرا» آن هم پیش از آغاز پخش قسمت‌های مورد اعتراض این برنامه به لحاظ فنی و حقوقی غیرمنطقی و غیرقابل پیش‌بینی بود اما به لحاظ موقعیت ایران در سطح بین‌المللی و مواضع اروپا و آمریکا در سال ۱۳۸۳ و به علت هم‌زمانی پخش این برنامه با اعتراض صهیونیست‌ها به

محتوای اخبار شبکه «العالم» و شفاف‌سازی عملکرد آنان در فلسطین اشغالی، طبیعی می‌نماید.

اتحادیه اروپا به لحاظ حقوقی با توجه به مقررات جدیدی که شرح آن گذشت، حق چنین کاری را داشت چون به عاملان پخش اعلام شد ظرف شش ماه مجوز سازمان‌های پخش طرف قرارداد خود را ارائه نمایند. اما نکته اینجاست که ما باید به گونه‌ای عمل کنیم که تمکین‌کننده و منفعل نباشیم. حال که مسئولیت سنگین نمایندگی نظام را با عضویت در «ABU» دارا هستیم، به راحتی می‌توانیم از نقش این سازمان در حل و فصل مشکلات و رخدادهای مربوط در سطح بین‌المللی بهره‌مند شویم.

پژوهش و سنجش: «Down Link» و «Up Link» امواج رادیو تلویزیونی، در قوانین و مقررات اتحادیه اروپا چه مفهومی دارد؟

آقای رضایی: ابتدا بهتر است توضیح کلی درباره ماهواره‌ها بدهم، در اتحادیه بین‌المللی مخابراتی تنها دو نوع ماهواره «FSS»^{۱۱} و «BSS»^{۱۲} تعریف می‌شود. ماهواره‌های «FSS»، «مدار ثابت» هستند و مسئولیت آنها سیگنال‌رسانی است و «ماهواره‌های مخابراتی» هستند. هدف اولیه از ارسال امواج ماهواره‌ای «FSS»، به فضا، پخش مستقیم به منازل نیست اما در حال حاضر به دلیل توان پخش سیگنال فناوری موجود ماهواره‌های «مدار ثابت» برای پخش «DTH» نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. ماهواره‌های نوع دوم نیز که از نوع ماهواره‌های «BSS» می‌باشند، با هدف خاص پخش مستقیم برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به منازل مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

اما «Up Link» به معنای انتشار سیگنال از ایستگاه زمینی به ماهواره و «Down Link» به معنای انتشار سیگنال از ماهواره به گیرنده‌های زمینی به منظور دریافت است و در هر دو نوع ماهواره «مدار ثابت» و «رادیو تلویزیونی» همین معنا را دارد. در ماهواره‌ها این سیگنال می‌تواند دیتا، اینترنت، سیگنال تلفن و سایر کاربری‌های مخابراتی یا پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی باشد.

ماهواره «Hot Bird3» از شرکت «Utel Sat» که ما از طریق آن برای اروپا برنامه ارسال می‌کنیم، از این نوع است. اگرچه در حال حاضر به جز چند مورد در امریکا و در اروپا که از ماهواره «BSS» استفاده می‌کنند، پخش برنامه‌های نود و نه درصد شبکه‌های رادیو تلویزیونی با ماهواره‌های نوع «FSS» صورت می‌گیرد.

در ایران از حدود ۸۵۰ کانال قابل دریافت، شاید حدود ۷۰۰ کانال را بتوانیم از ماهواره‌های «مدار ثابت» بگیریم و ۱۵۰ کانال دیگر را از ماهواره «BSS».

از نظر فنی، تنها پهنای باند این دو کمی با یکدیگر متفاوت است. یعنی باند فرکانسی هر دو در مجاورت هم هستند و جایی که فرکانس «FSS» پایان می‌یابد «BSS» آغاز می‌شود و دوباره در فرکانس بالاتر «FSS» هم داریم. توسعه فناوری در واقع این امکان را فراهم آورده که ماهواره‌های «BSS» از بعد از باند «مدار ثابت» شروع کنند حتی در جایی ارسال سیگنال مشترک است و به عبارت دیگر «Primary Service» برای ماهواره «BSS» و «Secondary Service» برای «FSS» است و گاهی بر عکس. از این رو تنها تفاوت عمده این ماهواره‌ها در این است که کاربران غیرحرفه‌ای بتوانند آنها را دریافت کنند. اما تفاوت فنی در حفاظت دریافت سیگنال‌هاست. در ماهواره‌های «BSS»، طبق مقررات، وظیفه حفاظت و سهولت دریافت و جلوگیری از تداخل امواج به عهده کشوری است که «Down Link» در آنجا صورت می‌گیرد اما در مورد ماهواره‌های «FSS» چنین ضمانتی با این شدت وجود ندارد.

چنانچه ما بپذیریم کشوری روی ما پوشش ماهواره‌ای داشته باشد، موظف به جلوگیری از تداخل در امواج دریافتی آنها می‌شویم. یکی از چالش‌های ما در کنفرانس‌های WRC ۱۹۹۷^{۱۳} و WRC ۲۰۰۰ و WRC ۲۰۰۳ (ITU) WRC^{۱۴} همین بحث بود. از آنجایی که ما از معدود کشورهایی هستیم که به محتوای امواج دریافتی اهمیت ویژه‌ای می‌دهیم، در این کنفرانس‌ها به اتفاق دو سه کشور دیگر، معتقد بودیم که صرف نظر از مقررات مخابراتی و ثبت ماهواره‌ها، هر کشوری که می‌خواهد در کشور دیگر پخش برنامه داشته باشد، باید از آن مجوز بگیرد. در صورتی که کشورهای دیگر این را از

مقررات داخلی خاص هر کشور تلقی می‌کردند و آن را نه به عنوان یک بخش از قوانین بین‌المللی بلکه تنها به صورت شرطی دلخواه برای کشورهای موافق می‌پذیرفتند. بر اساس مقررات مخابراتی بین‌المللی، اگر کسی بخواهد ماهواره «BSS» بفرستد باید علاوه بر اخذ مجوز فنی یک موافقتنامه صریح و مجزا^{۱۵} هم بگیرد. با توجه به چنین موافقتنامه‌ای، بعضی کشورها از پوشش خارج می‌شوند. یعنی هنگامی که برای تعریف قدرت و توان آن ماهواره نقاط آزمایشی^{۱۶} تعریف می‌کنند، کشور مورد نظر را از پوشش خارج می‌کنند و آن کشور دیگر موظف به حفاظت فنی از سیگنال دریافتی نیست. اگر چه به لحاظ فنی، در صورت مخالفت یک کشور هم این امر امکان‌پذیر نیست که از پوشش خارج باشد، زیرا کشور مخالف قادر به کنترل امواج نیست، اما در صورت اختلال در دریافت افرادی که گیرنده دارند، متعهد به حفاظت و پاسخگویی می‌باشد.

آقای رفیعی: در دوران جنگ سرد با توجه به تبلیغاتی که بین بلوک شرق و غرب جریان داشت، چنین به نظر می‌رسید که بلوک شرق حاضر نیست اجازه دهد بلوک غرب با پخش امواج رادیو تلویزیونی بر افکار و اندیشه‌های مردم منطقه‌اش نفوذ کند. از این رو در ۱۳ دسامبر ۱۹۵۸، به دنبال مباحث بین‌المللی مطرح در سازمان ملل، مجمع عمومی «کمیته استفاده صلح‌جویانه از فضای ماورای جو» یا کوپیوس^{۱۷} را تأسیس کرد. در این کمیته، تأکید می‌شد کشورهایی که به فناوری پیشرفته فضایی دسترسی دارند و در فضا جولان می‌دهند، متعهدند فعالیت‌های صلح‌جویانه داشته باشند. بارزترین مصداق فعالیت صلح‌جویانه، ارسال نکردن امواج رادیو و تلویزیونی از طریق ماهواره‌هایی بود که می‌توانست موجب برهم ریختن نظم و امنیت کشورها و صلح جهانی شود، حاوی تبلیغات خصومت‌آمیز باشد، فضای سیاسی و امنیتی کشورها و جهان را به مخاطره اندازد، و منجر به شورش داخلی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای شود. پخش بی‌حد و مرز برنامه‌های خلاف اخلاق و هرزه‌نگاری هم از این دسته بود. از طرفی این بحث مطرح می‌شد که کشورهای دارای فناوری فضایی که ماهواره را تسخیر کرده‌اند، برای پخش برنامه‌های «Transfrontier»، نیاز به اخذ مجوز «رضایت

قبلی» از کشور دریافت‌کننده دارند اما با توجه به این که دانش فضایی و فناوری ارتباطی اختصاص به کشورهای خاصی داشت، بر اساس معاهدات و کنوانسیون‌های حقوق بشر، اصل را بر جریان آزاد اطلاعات گذاشتند تا مانع تصمیم‌ها و رفتارهای سلیقه‌ای کشورها باشند و حتی امکان دسترسی آزاد و بدون هزینه به اطلاعات را برای همگان فراهم کنند. این سیاست تا جایی پیش رفت که برای جلوگیری از سوء استفاده از پخش برنامه‌های ماهواره‌ای قطعنامه‌هایی در مجمع عمومی سازمان ملل صادر شد. از دهه ۹۰ که فناوری ارتباطات عمومی تر شد و به تعداد شرکت‌های خصوصی و کشورهای دارای این فناوری افزوده شد، شرکت‌های خصوصی بدون پرتاب ماهواره با اجاره ظرفیت‌های پخش ماهواره‌های پرتاب شده، بدون صرف بودجه‌های کلان، قادر به پخش فرامرزی برنامه‌های رادیو و تلویزیونی شدند؛ این، موضع‌گیری کشورهای طرفدار تام و مطلق جریان آزادی اطلاعات را تغییر داد زیرا دیگر بهره‌برداری انحصاری و استعماری از فناوری ارتباطات فضایی شکسته شده بود. از این رو تدبیر دیگری اندیشیدند تا جریان آزاد اطلاعات را، کنترل نمایند. قوانین وضع شده همان شرایطی بود که جهان سومی‌ها قبلاً در نظر داشتند. در سال‌های ۱۹۷۰ که کشورهای گیرنده ضرورت اخذ مجوز «رضایت قبلی» کشورهای دریافت‌کننده را مطرح می‌کردند و معتقد بودند محتوای برنامه‌های غرب خشونت، سکس و هرزه‌نگاری است، پاسخ داده می‌شد منظور شما از برنامه‌های سکس چیست؟ دایره این مباحث در کشورها متفاوت است. موضع اروپا و آمریکا، در برابر پخش برنامه‌های خلاف اخلاق متفاوت بود. اروپاییان با استفاده از بعضی تبصره‌های معاهدات حقوق بشر با انگیزه جلوگیری از تبلیغات سیگار، مشروبات الکلی، رقابت‌های تبلیغاتی و یا حفاظت از ظرفیت‌های فرهنگی اروپایی، در برابر پخش برنامه‌های هالیوود مقاومت کردند اما حوادث تروریستی و تغییرات سیاسی جهان در سال‌های اخیر، امریکایی‌ها و سایر صاحبان و مالکان فناوری ارتباطی ماهواره‌ای را به نحوی حساس کرد که تصمیم به تنظیم دستورالعمل‌ها و مقرراتی برای نظارت و کنترل بر پخش آزاد اطلاعات گرفتند.

اروپاییان در سال ۱۹۹۷ مجموعه مقرراتی درباره پخش برنامه‌های تلویزیونی تصویب کردند تا چون ابری بر سر دولت‌های اروپایی سایه افکند و آنها را از خطرات پخش فرامرزی برنامه‌های رادیو و تلویزیونی حفاظت کند.^{۱۸} در این مجموعه مقررات، ابتدا ممنوعیت پخش تبلیغات سیگار، مشروبات الکلی و فیلم‌های دارای محتوای هرزه‌نگاری را که سلامت جسمی و روحی کودکان را به مخاطره می‌اندازد، اعلام کردند و سپس بندهای دیگری از قبیل ممنوعیت ترویج تبعیض نژادی، ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و فرقه‌ها و تشویق و تحریک به خشونت و اعمال تروریستی را نیز افزودند. در واقع دست اروپا باز بود تا با توجه به مصالح ملی دولت‌ها، نسبت به اخذ پروانه، سازماندهی، تعیین موارد خلاف و تعریف اعمالی که پخش آن جرم محسوب می‌شود، تصمیمات لازم را اتخاذ کند. از همین رو شورای عالی سمعی و بصری فرانسه (CSA) به استناد قانون سمعی و بصری خود که در سال ۱۹۸۶ تنظیم و تدوین شده بود در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد هر برنامه‌ای که در خاک فرانسه دریافت می‌شود (Down Link) باید مجوز داشته باشد. در مقدمه هم ضرورت این امر تضمین جریان آزاد اطلاعات و پیشگیری از سوء استفاده اعلام شد. در واقع همان نظری را که کشورهایمانند جمهوری اسلامی ایران درباره محتوای برنامه‌های دریافتی در کشور خود داشتند و معتقد بودند پخش برنامه‌های خلاف اخلاق، مروج فساد و فحشا، خلاف امنیت ملی و تحریک کننده به اغتشاش و آشوب، بدون رضایت دریافت کننده نباید ارسال شود، فرانسوی‌ها به استناد قوانین و مقررات ملی رسانه‌ای خود اعلام کردند و اظهار داشتند این حق آنهاست که از پخش کننده مجوز بخواهند و جریان آزاد اطلاعات را به دلخواه فیلتر کنند. برنامه‌هایی که حاوی خشونت نسبت به عرب‌ها، مسلمانان و سیاهان است، برنامه‌هایی که حاوی هتک حرمت و افترا به گروه‌های مذهبی و قومی غیراروپایی و یا مردم کشورهای جهان سوم است، به راحتی پخش می‌کنند اما پیش از پخش برنامه «چشمان آبی زهرا» از شبکه سحر (۱) به دلیل نداشتن مجوز، جلوی پخش برنامه‌های این شبکه را در خاک خودشان می‌گیرند.

البته کشور ایران هم به موجب قوانین و مقررات خودمان این حق را دارد که به استناد قوانین کشوری و با روش‌های حقوقی، معترض پخش برنامه‌های خلاف امنیت

ملی، اخلاق حسنه و فرهنگ اسلامی ایرانی شود. برای مثال در دومین سالگرد ۱۸ تیر، از طریق رسانه‌های فرامرزی امواجی به سمت ایران روانه کردند که کارگران شرکت نفت را به اعتصاب، نانوایان را به تعطیلی پخت نان و جوانان را به تخریب و آتش کشیدن بانک‌ها و اموال عمومی تحریک می‌کرد. همه این موارد جای طرح دعوی حقوقی دارد اما در سازمان صداوسیما لازم است تشکیلات منسجمی با کادر متخصص حقوقی وجود داشته باشد یا از طریق شورایی متشکل از مدیران فنی، حقوقی و روابط بین‌الملل سازمان در هر زمان به فوریت دست به اقدامی اصولی و ضروری بزنند.

پژوهش و سنجش: نقش مراجع ذی صلاح ملی کشورها در مطالبه مجوز رضایت قبلی از کشورهایی که پخش تلویزیونی ماهواره‌ای دارند چیست؟
آقای رفیعی: فرانسه سازوکار بسیار دقیق و روشنی را به لحاظ حقوقی تعریف کرده است. اگرچه چرایی استفاده نکردن از این فرایند حقوقی از طرف ما قابل بحث است. در مجموعه مقررات و یا اصول راهنمای «CSA» در مقدمه بند ب، آمده است اخذ مجوز از سازمان‌ها و نهادهایی قابل قبول است که یا تحت حمایت حقوقی کشور فرانسه باشند یا کاربر آنها در اتحادیه اروپا باشد و یا یک اروپایی واسطه رسانه‌ای (Intermedia)^{۱۹} پخش قرار گیرد.

پژوهش و سنجش: سازمان صداوسیما به مثابه مرجع ذی صلاح، در خصوص اخذ مجوز درخواستی فرانسه چه فعالیتی انجام داده است؟
آقای مفتاح: از نظر فنی، مجوزهایی که ما می‌گیریم صرفاً جنبه ثبت موضوع فعالیت دارند. اگر در ثبت مجوزهایی که در سطح اتحادیه‌های بین‌المللی برای پخش ماهواره‌ای صورت می‌گیرد، قلمروهایی (Territories) را برای خود تعریف کنیم و اعلام کنیم خواهان این قلمروها هستیم، فرایند لازم را هم طی کنیم و پیش از ثبت موافقتنامه مجزا (Exclusive Agreement) بگیریم، با توجه به این که این فعالیت، فقط ثبت فنی است،

تنها مانع از ایجاد اختلال در سیگنال‌ها یعنی برای کشور طرف قرارداد از نظر حفاظت فنی مسئولیت‌آور است نه از نظر محتوایی.

تا وقتی مستأجر هستیم و خود به طور مستقل از امکانات فنی پخش فرامرزی برخوردار نیستیم، ماجر می‌تواند به شرکت خدماتی طرف قرارداد فشار بیاورد تا ما با توجه به وضعیت فنی، شرایط پخش برنامه را به شکلی تغییر بدهیم و یا به نوعی آن را قطع کنیم.

از آنجا که ما ارسال امواج و سیگنال‌های خود را در قالب یک بسته (Package) ارسال می‌کنیم، هنگام بروز مشکل نمی‌توانیم برنامه خاصی را قطع کنیم بلکه ناچاریم کل آن بسته ارسالی را تعطیل کنیم. از این رو برای پیشگیری از قطع سایر سیگنال‌های مخابراتی و تصویری اقدام به قطع سحر (۱) کردیم تا با فعالیت‌ها و رایزنی‌های بین‌المللی و اقدامات حقوقی لازم مشکل را حل کنیم.

پژوهش و سنجش: آیا سازمان از لحاظ فنی به سمت استقلال در زمینه پخش فرامرزی برنامه‌های ماهواره‌ای پیش رفته است؟

آقای رضایی: درباره ساخت و پرتاب ماهواره، معاونت فنی سازمان فعالیت‌های بسیاری داشته و تمهیداتی اندیشیده است. فعالیت‌های لازم در بخش درخواست و ثبت آن در سطح بین‌المللی انجام گرفته است اما بخش عمده، طراحی و تمهیدات مالی - اعتباری است تا بتوانیم وارد مرحله اجرایی و عملیاتی کار شویم. در حال حاضر، سازمان این بضاعت را ندارد، البته اگر عزم ملی در کار باشد، قابل حصول است. پس از اقدام به ثبت، چنانچه در زمان تعیین شده نتوانیم اطلاعات بعدی را که عبارتند از نام شرکت سازنده مورد نظر، تاریخ پرتاب، جلب موافقت کشورهای که تحت پوشش امواج ماهواره‌ای ما قرار خواهند گرفت و ... در اختیار «ITU» قرار دهیم، اعتبار ثبت و درخواست از بین خواهد رفت. اخیراً با اعلام این خطر به مسئولان سازمان، متقابلاً از معاونت فنی خواسته شده است پیگیری‌های ثبت را ادامه دهد.

در استراتژی بلند مدت (۱۰ ساله) سازمان، این فعالیت و دسترسی به پرتاب ماهواره اختصاصی از اهداف است، لکن عزم جدی و ملی در این زمینه ملاحظه نمی‌شود. به هر حال از نظر فنی همه اطلاعات مهیا شده و بحث مجوز پایان یافته است. تنها مشکل، تداخل سیگنال‌رسانی با کشورهای تحت پوشش است که با برخی تمهیدات که در مذاکرات دو جانبه قابل حصول است، آن را نیز می‌توان حل کرد و در فرصتی که داریم ماهواره اختصاصی خودمان را ساخته و در مدار قرار دهیم.

آقای مفتاح: به نظر من این بحث سه بخش دارد بخش اول آن امکان پرتاب ماهواره خودی است که تصور می‌کنم با توجه به بلند مدت بودن این سیاست، بهتر است در حال حاضر از آن بگذریم. دو بخش دیگر عبارتند از: چگونگی مواجهه با قطع برنامه سحر و تدوین استراتژی برخورد با مصوبه اتحادیه اروپا. حال ببینیم سازمان نسبت به رأی شورای عالی سمعی و بصری فرانسه (CSA) و تصمیمات اتحادیه اروپا، به تفکیک، چه موضعی باید اتخاذ کند؟

نقطه اشتراک هر دو موضوع، حقوقی بودن آنهاست. در واقع باید بپذیریم که با یک پدیده حقوقی مواجه هستیم و باید از منظر حقوقی آن را بشناسیم. تصور می‌کنم سازمان انرژی لازم و کافی را برای شناخت این پدیده صرف نکرده و از این رو راهکار و استراتژی برخورد با آن نیز حقوقی نبوده است. اگر سازمان پدیده را به درستی شناخته بود، با نظر مسئولان نظام و در سطح بین‌المللی، نسبت به حل آن اقدام می‌کرد نه در سطح مدیریت‌های داخل سازمان. از آنجایی که سازمان صداوسیما، متولی تدوین این استراتژی و ارائه راهکارهای عملی به مراجع ذی‌صلاح و تصمیم‌گیران ارشد کشور در این خصوص است، باید ابتدا هسته اولیه‌ای مرکب از حقوقدانان تشکیل می‌داد و سپس اقدام می‌کرد. بنده معتقدم حکم صادره درباره شبکه سحر (۱) از طرف «CSA»، امکان تجدیدنظر خواهی دارد، اگرچه سازمان هنوز فعالیتت نمی‌کرده است.^{۲۰} طی مسیرهای دیپلماتیک بدون فعالیت حقوقی مورد اشکال است. این که فرانسه حکمی صادر می‌کند، بدون این که از سازمان ما توضیحی خواسته شده باشد، جای شکایت رسمی دارد. در هیچ جا دادگاه بدون حضور متهم رأی صادر نمی‌کند. صداوسیما با

استناد به این موارد و موارد دیگری که حقوقدانان می‌توانند مطرح کنند، می‌تواند اعتراض کند. ایران را برای برنامه‌های پخش نشده محاکمه کرده‌اند، صرفاً به استناد این که قسمت‌هایی از این برنامه، ممکن است پس از پخش در فرانسه موجبات تنفر نسبت به قوم یهود را فراهم آورد و یا اینکه کشتار جمعی یهودیان در زمان جنگ جهانی در یک برنامه دیگر شبکه سحر (۱) مورد انکار قرار گرفته است.^{۲۱}

شورای عالی سمعی و بصری در رأی صادره ۱۰ فوریه ۲۰۰۵ اعلام کرده است در مجموعه «چشمان آبی زهرا»، «اسرائیلی‌ها و یهودیان در قالب شخصیت‌هایی که بدون عذاب وجدان می‌خواهند چشمان یک کودک را از او بگیرند، به صورت رسواکننده‌ای نشان داده شده‌اند». در حالی که در این مجموعه چهره شخصیت‌های معرفی شده یهودیان از برخی جهات منفی و از برخی جهات هم مثبت است اما چون دادگاه تشکیل نشده و از ایران دفاعیه‌ای گرفته نشده است، صرفاً بنا به سیاست‌های خود حکم را صادر کرده‌اند. البته معتقدم هنوز هم دیر نشده و فرصت یک برخورد جدی و تجدیدنظرخواهی باقی است.

پس از صدور این رأی، مدیر «Utel Sat» با توجه به جایگاه سازمانی و حقوقی خود خطاب به اینجانب که به عنوان رابط سازمان صداوسیما با «BT» هستم گفت: شما سه راه دارید، یکی این که بپذیرید و اصلاً اعتراض نکنید؛ دوم این که هیاهو به راه بیاورید و سوم این که با اصولی که خود شاکی پذیرفته با او برخورد کنید. که سومی بهترین راه حل است. از طرفی قطع برنامه در واقع باید آخرین مرحله باشد. اول، احراز خطا توسط «CSA» و گرفتن اخطار؛ در صورت تکرار، اخطار شدیدتر و در مراحل بعدی جریمه نقدی، قطع برنامه، به صورت موقت و در آخرین مرحله قطع دائم. در واقع ما در برخورد با این مسئله تنها از روش دوم استفاده کرده‌ایم و روش سوم را که همان برخورد رسمی حقوقی است، نادیده گرفته‌ایم.

پژوهش و سنجش: حال سؤال اینجاست که آیا ما باید برای اخذ مجوز اقدام کنیم یا خیر؟ صرفاً با گرفتن مجوز چه تعهداتی بر ما بار می‌شود؟

آقای مفتاح: بله، همین طور است. ممکن است با گرفتن مجوز، مشکل پنخس فرامرزی ما مضاعف شود. همان گونه که در مورد «المنار» اتفاق افتاد. تلویزیون «المنار» سه روز پس از اخذ مجوز، به استناد تعهداتی که پیدا کرده بود، قطع شد. حساسیت و اهمیت مسئله حاکی از آن است که این تصمیم‌گیری احتمالاً در سطح کلان با رایزنی مقامات و مراجع ذیصلاح ارشد کشور باید صورت پذیرد. نقش سازمان هم در طراحی این فعالیت بسیار مهم و برجسته است. ما باید چهارچوب این فعالیت فنی حقوقی، شقوق محتمل و فرایند هر یک از مسیرهای قابل پیش‌بینی و تعهدآوری هر یک را به روشنی تبیین و ترسیم کنیم تا کشور را به بهترین تصمیم برسانیم.

پژوهش و سنجش: آیا قانون یا رویه تعریف شده‌ای وجود دارد که در صورت رخداد چنین مسئله‌ای، شورای ویژه‌ای تشکیل و با تولیت سازمان صداوسیما مقامات مسئول دعوت شوند و پس از تشریح مواضع حقوقی و بین‌المللی ممکن به تصمیم برسند؟

آقای مفتاح: به طور قطع رویه منطقی همین است. در این قضیه با توجه به نقش اصلی و کلیدی صداوسیما، باید چنین اتفاقی می‌افتاد. البته قانون تعریف شده‌ای وجود ندارد ولی عرفاً باید به همین صورت عمل می‌کردیم. در واقع سازمان با توجه به این که از توان حقوقی خوبی برخوردار است، می‌تواند پرچمدار باشد و این کار را فرماندهی و هدایت کند تا در سطح بین‌المللی برای مثال با «ABU» وارد مذاکره بشویم. اگر تا به حال چنین مطالعاتی انجام شده و کارشناسی حقوقی صورت گرفته باشد، بسیار عالی است.

پژوهش و سنجش: آیا کشورها می‌توانند قوانین داخلی خود را در پخش فرامرزی برنامه‌های ماهواره‌ای دخیل کنند؟

آقای اشرفی: از مباحث ضروری، اولاً تشریح مقررات حقوق بین‌الملل درباره پخش مستقیم ماهواره‌ای در شرایط فعلی جهانی است. دیگر این که آیا فرانسه یا هر کشور دیگر اختیار وضع قوانینی را که محدودکننده قراردادهای بین‌المللی باشد دارند یا خیر؟ شبیه آنچه در اتحادیه اروپا اتفاق افتاده است. سوم آن که، به لحاظ حقوقی، ما دارای چه اختیاراتی هستیم و چه انتخاب‌هایی پیش رو داریم؟ به منظور رفع مشکل شبکه سحر یا پیشگیری از وقوع اتفاقات مشابه چه تمهیداتی باید اندیشید.

این یک واقعیت است که حقوق بین‌الملل رابطه تنگاتنگی با قدرت و اساساً روابط بین‌الملل دارد. عمده مباحثی که در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ میلادی در ارتباط با پخش مستقیم ماهواره‌ای در مجامع بین‌المللی، به ویژه در سازمان ملل و یونسکو صورت گرفته و حتی منجر به تصویب قطعنامه‌هایی در مجمع عمومی سازمان ملل یا مصوبات یونسکو شده است، متأثر از زمان جنگ سرد و شرایط بین‌المللی جهان دو قطبی آن روز بوده است. نکته حائز اهمیت دیگر این که حقوق فضا برخلاف سایر رشته‌های حقوق بین‌الملل پیشتازتر از مسائل فنی بوده است. در بسیاری از زمینه‌ها، ابتدا فناوری حادث شده و پیشرفت کرده و بعد مقررات برای آن وضع شده اما در زمینه حقوق فضا، قبل از پیشرفت این فناوری، با پیدایش چشم‌انداز آن، بحث‌های حقوقی نیز مطرح شده است. از همین روست که در زمان صدور قطعنامه‌های مربوط ما هنوز پخش ماهواره‌ای نداشتیم.

با توجه به نفی اخذ مجوز رضایت قبلی (Prior Consent) در آن زمان، شاید بتوان گفت سوء قضاوت صورت گرفته است. زمانی کشورهای جهان سوم، غیرمتعهدها و بلوک شرق، اساساً در یک موضع مشترک معتقد و مصر به اخذ رضایت قبلی برای پخش برنامه‌های فرامرزی در قلمرو خود بودند، اما امروزه بسیاری از ماهواره‌ها با توجه به این که قسمت عمده‌ای از سطح کره زمین را پوشش می‌دهند، بدون این که ارسال کنندگان امواج تلویزیونی در ارسال سیگنال‌ها قصد دریافت آن امواج را در نقطه

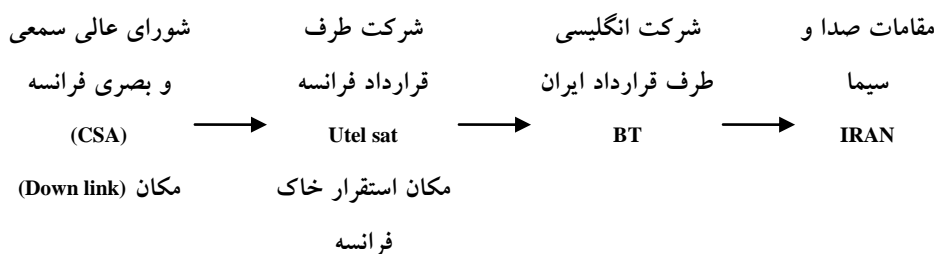
خاصی در نظر داشته باشند. فعلاً با در اختیار داشتن ابزار این فناوری، برنامه‌هایی را که برای مثال به هند، پاکستان و مالزی - در حال حاضر روی ماهواره «Hot Bird3» هستند - ارسال می‌شود، شما هم می‌توانید در ایران دریافت کنید. به واسطه ویژگی‌های فناوری، شرایطی به وجود آمده که دیگر مجوز «رضایت قبلی» مفهوم خودش را به نحوی که قبلاً تصور می‌شد از دست داده است.

از سال ۱۹۹۰ که بلوک شرق و شوروی از هم پاشید و جهان دو قطبی بی‌معنا شد، تغییرات عمده‌ای در حقوق بین‌الملل پدید آمد. مباحثی که به طور جدی در سازمان ملل طی چند دهه دنبال می‌شد، امروزه دیگر مطرح نیستند. از سوی دیگر اساساً با طرح مباحث جهانی‌سازی، حقوق بشر و حق دسترسی آزاد به اطلاعات، دیدگاه‌ها تغییر کرده است. در مجموع باید گفت مقررات ویژه و مشخصی که تنظیم‌کننده روابط بین دولت‌ها باشد وجود ندارد. از این رو در این شرایط باید به مقررات عام حقوق بین‌الملل، تعهدات و مسئولیت دولت‌های موجر و یا ارسال‌کننده مراجعه کرد.

برای مثال در خصوص اتفاقاتی که در اهواز افتاد گفته می‌شود شبکه «الجزیره» نیز بی‌تأثیر نبوده است. ما مقررات خاصی در برخورد با این مسئله نداریم. پس باید با توجه به چهارچوب مقررات حقوق بین‌الملل، اقدامات خود را طراحی و کارشناسی کنیم.

نکته دیگر این که جز موارد خاصی که در حقوق بین‌الملل جنبه الزام‌آور و عرفی دارد و دولت‌ها برخلاف آن نمی‌توانند رفتار کنند (مانند نقض اصول بنیادین حقوق بشر) در سایر موارد دولت‌ها حق دارند در قلمرو خود در جهت حفظ منافع و مصالح و نظم و امنیت کشورشان قوانین و مقرراتی وضع کنند. این قوانین در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی ارتباطات می‌تواند تنظیم، تصویب و اجرا شود. با توجه به این مطلب اتحادیه اروپا این حق را داشته که چنین قانونی وضع کند زیرا قانون را برای تبعه خود وضع کرده است، نه برای ما. چنانچه مواد ۳۳، ۴۲ و ۴۳ از مقررات «CSA» که به آن استناد شده است و بر اساس آن «شبکه سحر» را تعطیل کرده‌اند بررسی شود، ایرادی بر آن وارد نیست. مسئله قابل بحث تفسیر آن ماده و انطباق موضوع با واقعیت

است یعنی اشکال به مصداق وارد است. به عبارت دیگر دولت فرانسه یا اتحادیه اروپا در این مقررات جریان آزاد اطلاعات را منع نکرده، تنها گفته است برای تبعه فرانسوی این محتوا قابل دریافت نیست و دستور منع داده است. نکته مهم سیر انتقال محتوای حکم شورای عالی سمعی و بصری است. رأی صادره به ایران که بر روی « Hot Bird 3 » سیگنال می‌فرستد، با توجه به مسیر زیر دریافت شده است:



پژوهش و سنجش: پس چرا شرکت «BT» ایران را درگیر حل مشکل می‌کند؟ آقای اشرافی: شرکت انگلیسی «BT» به دلیل روابط قراردادی که با آن داشتیم خواست اعلام کند این شرکت به تعهدات خود عمل کرده، اما «Utel Sat» که طرف قرارداد او بوده به علت دستور و رأی «CSA» نمی‌تواند به ارائه این خدمت ادامه بدهد. من در بررسی قرارداد ایران با «BT» حتی به این نتیجه رسیدم که ما نمی‌توانیم «BT» را تحت پیگرد حقوقی قرار دهیم و ادعای غرامت کنیم زیرا به موقع اطلاع‌رسانی کرده است. ما مخاطب دولت فرانسه نبودیم، او به مخاطب خود «Utel Sat» اطلاع لازم را برای اقدام داده است.

حال ببینیم دولت فرانسه یا حتی اتحادیه اروپا، طبق مقررات جاری حقوق بین‌الملل مجاز به وضع چنین قانونی بوده‌اند یا خیر. به همین منظور باید به کنوانسیون اروپا، منشور حقوق بشر و مقررات اتحادیه اروپا رجوع کنیم زیرا این اتحادیه اصول و منشوری دارد که اگر کشوری خلاف آن مقرراتی وضع کند، قابل ابطال است. در واقع باید گفت اگر این مقررات علی‌الاصول با منشور و اصول اتحادیه اروپا مغایر نباشد،

منعی برای فرانسوی‌ها وجود ندارد. در محتوای مواد قانونی استناد شده در رأی «CSA» نیز مغایرتی به نظر نمی‌رسد. آنچه می‌تواند مورد اعتراض قرار گیرد انطباق قضیه با مصداق است.

پژوهش و سنجش: ما چه نقشی می‌توانیم ایفا کنیم و چه وظیفه‌ای داریم؟
آقای اشرافی: با توجه به اصل برابری کشورها در حقوق بین‌الملل، از این واقعیت نباید چشم‌پوشی کرد که سازمان صداوسیما یک نهاد دولتی و حکومتی است. دولت به معنای حاکمیت و به مفهوم کل نظام. از این رو سازمان یکی از اجزای دولت جمهوری اسلامی ایران است. اصل دیگری که در صدور این رأی به خصوص در فرانسه مورد چالش قرار نگرفته است، اصل مصونیت کشورهاست. بر اساس این اصل دادگاه‌های یک کشور نمی‌توانند کشور دیگری را مورد تعقیب قرار دهند.

همچنین بر اساس یک عرف بین‌المللی که جنبه نزاکتی دارد، دولت‌ها به هیچ وجه حاضر نیستند خود را برای مسائل حاکمیت‌شان تسلیم نظام قضایی کشور دیگری کنند. این اصل هم از نظر دیپلماسی و نزاکتی اصل جاافتاده‌ای است زیرا نه تنها دولت‌ها اکراه دارند در شرایط معمول خود را تسلیم نظام قضایی دیگری کنند بلکه این امر مغایر با اصل برابری کشورهاست.

در نتیجه با توجه به این که سازمان صداوسیما یکی از واحدهای حکومتی است، باید در مورد اقدامات و پیگیری‌های قضایی بررسی عمیق‌تری به عمل آید از این رو به لحاظ سیاسی می‌تواند اقدام کند. در زمان طرح مسئله شبکه سحر (۱)، با توجه به بار سیاسی آن، بنده پیشنهادهایی دادم اما در زمان مقتضی اقدام نشد. تا این که در اردیبهشت ماه از طرف ریاست سازمان از رئیس جمهور خواسته شد دولت وارد عمل شود. در چنین موقعیت‌هایی لازم است اقدامات سیاسی همه جانبه‌ای انجام و حتی اولتیماتوم داده شود و یا حتی سفیر فرانسه از طرف وزارت خارجه احضار شود تا مسئله حساس شود. از متن مکاتبات «Utel Sat» و «BT» نیز چنین برمی‌آید که نحوه

پی‌گیری ایران و برخورد منفعلانه با این مسئله خلاف انتظار بوده و پیگیری نکردن موضوع در سطح بین‌المللی و سیاسی آنها را متعجب کرده است. از طرفی ما می‌توانستیم تبلیغات لازم را به عمل آورده و علیه سیاست‌ها و مواضع رسمی فرانسه که در مجامع بین‌المللی مدعی لزوم جریان آزاد اطلاعات است، اعتراض کنیم. برای مثال از طریق نماینده ایران در یونسکو اعتراض خود را به این سازمان منتقل می‌کردیم یا مسئله را در «ITU» یا در «ABU» مطرح می‌کردیم. اگر به موقع چنین اقداماتی انجام می‌دادیم نه تنها چیزی از دست نمی‌دادیم بلکه شرایط مناسب‌تری برای پیگیری‌های حقوقی به دست می‌آوردیم.

پژوهش و سنجش: آیا این مسئله در «ABU» مطرح و از آن طریق پیگیری شده است؟

آقای اشرافی: متأسفانه چرایی قطع پخش شبکه سحر (۱) و چگونگی حل و فصل آن تنها در سازمان بررسی شده است. حتی در وزارت خارجه، هیئت دولت و دانشگاه‌ها نیز اطلاعاتی وجود ندارد.

به هر حال از آنجا که دستور قطع پخش این شبکه ماهواره‌ای تلویزیونی، دستوری اداری بوده است نه قضایی، یعنی یک تشکیلات اداری (Administration) چنین دستوری صادر کرده نه یک دادگاه یا مقام قضایی، احتمالاً به لحاظ قضایی راه‌حل‌هایی وجود دارد. ابتدا لازم است مطالعاتی صورت گیرد تا مراکز مشابه دیوان عدالت اداری در فرانسه شناسایی شود زیرا این دیوان نسبت به قراردادهای، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های صادره از طرف سازمان‌ها و ادارات که مغایر قوانین رسمی کشوری است حکم ابطال و لغو صادر می‌کند. به طور قطع در فرانسه و اتحادیه اروپا نیز چنین مراکزی وجود دارد.

آقای مفتاح: در شورای عالی سمعی و بصری (CSA) نماینده قوه قضائیه کشور فرانسه هم حضور دارد.^{۲۲} از این رو مصوبات این شورا بار قضایی دارد و یک حکم لازم‌الاجرا است. در گفتگویی که با مدیریت «Utel Sat» داشتیم از ایشان سؤال شد اگر به این

حکم تمکین نکنید چه می‌شود. ایشان پاسخ دادند در این صورت در سال اول ۵ درصد درآمد ناخالص مان را جریمه می‌شویم، در سال بعد ۲۵ درصد و در سال سوم اجازه فعالیت شرکت «Utel Sat» لغو می‌شود.

نکته‌ای که می‌تواند مورد سؤال باشد، قابل استیناف بودن این حکم است. همان‌گونه که بحث شد نظر ریاست «Utel Sat» هم این بود که مسئله شبکه سحر (۱) مصداق مواد قانونی استنادی در حکم صادره نیست.

آقای اشرافی: به لحاظ حقوقی، حضور نماینده‌ای از قوه قضائیه در یک مجمع یا شورا به این معنا نیست که حکم قضایی صادر شده باشد. برای نمونه در کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری جمهوری اسلامی ایران یک قاضی دادگستری حضور دارد و آرای صادره لازم‌الاجراست. حکم تخریب یا تعیین جریمه صادره هم الزامی است اما این حکم اداری است نه قضایی.

به طور قطع حکم قابل استیناف و ابطال است و مراجعی وجود دارد که از آن طریق بتوان ساز و کار موجود را به چالش کشید و رأی صادره را مورد سؤال قرار داد. یکی از شیوه‌های به چالش کشیدن این حکم می‌تواند مشورت با حقوقدانان متخصص فرانسوی و اتحادیه اروپا باشد. از راه‌حل‌های دیگر که ممکن است نتیجه‌بخش باشد این است که مخاطبان این شبکه که تعطیلی آن سبب محدودیت آنها در اطلاع‌رسانی شده است رأساً و از جانب خود اقدام قضایی به عمل آورند.

آقای مفتاح: یکی از نمونه‌های قطع پخش برنامه، مسابقه فوتبال ایران و امریکا بود، شبکه‌ای که مانع پخش بازی دوم فوتبال امریکا شد، در حال حاضر برنامه‌های ما را بدون پرداخت حق رایت، ارسال می‌کند.

هنر تجارت و حفظ مشتری امروزه در دنیا برای شرکت‌ها بسیار اهمیت دارد و در این زمینه شناخت ابزارها و اهرم‌های قدرت بسیار مهم است. در خصوص قطع پخش شبکه سحر (۱) به دلیل منافع و مسائل اقتصادی شرکت مدیران این شرکت خود راهکار حل مسئله را پیشنهاد کردند. مدیر این شرکت بلافاصله پس از دریافت حکم «CSA»، حدود یک هفته بعد، به ایران آمد و از ما خواست نامه‌ای با مضمون پیشنهادی

ایشان تهیه کنیم تا خود موضوع را پی‌گیری و حل کند. زیرا ما به جز قرارداد اپراتوری که با «BT» داریم با «Utel Sat» هم قراردادهایی داریم، به طور مستقیم نیز برای ارائه خدمات اینترنت و ماهواره با این شرکت قرارداد بسته‌ایم. از همین رو بالاترین سطح مدیریتی شرکت وارد عمل شد تا هنرمندانه از ابزارها و اهرم‌های موجود استفاده کند و با حل مشکل، یک مشتری بزرگ خود را حفظ کند.

اما متأسفانه در نظام اداری ما این خلأ به چشم می‌خورد. ما اهرم‌هایی را که در اختیار داریم، بالقوه و بالفعل، یا نمی‌شناسیم و یا به درستی و به موقع مورد بهره‌برداری قرار نمی‌دهیم این خلأ قابل انکار نیست.

آقای رفیعی: نکته قابل توجه در شناخت ابعاد فنی و حقوقی ارتباطات ماهواره‌ای این است که کشورهای مالک این فناوری و یا کشورهایمانند فرانسه که پایگاه و مرکزیت اداری انواع این فناوری هستند - با توجه به استقرار دفتر «Utel Sat» در پاریس - در تعمیم‌پذیری حرکات فنی و حقوقی که بر اساس قوانین داخلی خود انجام می‌دهند، نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. برای مثال این اقدام فرانسه که بر اساس قوانین «CSA»^{۲۳} درخواست قطع برنامه شبکه سحر (۱) را در خاک کشور خود می‌کند، آثاری دارد که به خارج از فرانسه هم کشیده می‌شود، زیرا ما دیگر روی ماهواره «Hot Bird 3» که گیرنده‌های کشورهای دیگر اروپا هم از آن طریق برنامه ما را دریافت می‌کردند، نمی‌توانیم سیگنال بفرستیم یعنی تا زمانی که مجوز مورد نظر اخذ نشود، طبیعتاً برای دیگران هم نمی‌توانیم برنامه‌ای پخش کنیم.

با توجه به جلسه یک ساعته‌ای که با مدیر منطقه‌ای «Utel Sat» در سازمان داشتیم و با توجه به سؤالات حقوقی‌ای که از وی پرسیده شد، همچنین با در دست داشتن متن قانون شورای عالی سمعی و بصری فرانسه (CSA)، تصور می‌کنم صداوسیما در جایگاه یک سازمان دولتی می‌تواند پس از مشورت با حقوقدانان و وکلای فرانسوی، طرح دعوا در فرانسه را نیز مورد بررسی و اقدام قرار دهد.

به استناد بند دو، ماده ۳۰/۵ قانون «CSA» فرانسه، «شوراهای نظارت بر رسانه‌های دیداری و شنیداری با مهلت ۲ ماهه به عامل پخش برنامه‌های دیداری و شنیداری، از

آنها می‌خواهند Comments خود را ارائه نمایند». یعنی بر اساس این ماده، شورا مکلف است قبل از اخذ تصمیم نهایی، با یک فرصت دو ماهه از عامل پخش توضیح خواسته و نظرات او را دریافت کند. یعنی پس از اعلام نظر قطعی «CSA» طبق مقررات فرانسه آنها باید صحبت‌های «distributer» را که همان شرکت «BT» است و نظرهای «Broadcaster» را که سازمان صداوسیماست بشنوند و در ضمن، نظر کارشناسی سایر مراجع ثالث (Third Parties) را هم دریافت کنند، سپس با دعوت از نماینده صداوسیما و استماع دفاعیه او که با قرارداد اپراتوری «BT» سیگنال‌های خود را روی ماهواره «Hot Bird3» ارسال می‌کند، به جمع‌بندی برسند و حکم صادر کنند. این فرایند در قوانین فرانسه به صورت مفصل و کامل پیش‌بینی شده است. در حالی که «CSA» چنین نکرده و «Utel Sat» هم به عنوان طرف قرارداد و مطلع از قوانین فرانسه چنین اعتراضی را به سازمان صداوسیما و یا «BT» منتقل نکرده است.

آقای مفتاح: اگر آنها صرفاً به ثبت و اخذ جواز استناد می‌کردند، سحر (۲) جام‌جم (۲) و سایر شبکه‌های ایران را نیز باید قطع می‌کردند، زیرا هیچ یک از این شبکه‌ها سابقه ثبت و اخذ مجوز از فرانسه یا سایر کشورهای اروپایی را ندارد. فرانسه در حکم صادره وارد بحث محتوای برنامه‌ها شده است.

آقای اشرافی: در حال حاضر بسیاری از کشورها برای پخش فرامرزی اقدامی برای ثبت شبکه‌ها و اخذ مجوز ننموده‌اند اما در مورد برخورد با ایران شاید با توجه به مسئله محتوایی که برایشان مطرح بوده، به عدم اخذ مجوز توسط ایران اشاره کرده‌اند. به هر حال اگر ما اقدام به اخذ مجوز و ثبت شبکه‌هایمان در هر کشوری نماییم لا محاله باید قوانین و مقررات آن کشور را رعایت نماییم که این حرکت به این معناست که سیاست‌های فرهنگی، تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی خود را تحت قوانین کشور بیگانه قرار دهیم و این امر به هیچ وجه به مصلحت نیست.

آقای رفیعی: مقنن فرانسوی در ماده ۴۲/۶ قانون «CSA» گفته است: تصمیم‌گیری شورای عالی باید منطبق با عقل و منطق و مستدل باشد و مراتب به تولیدکننده و عامل پخش خدمات رادیو و تلویزیونی ابلاغ شود و در روزنامه‌های رسمی کشور فرانسه

درج شود. و یا در ماده ۴۲/۱۳ قانون شورای عالی سمعی و بصری فرانسه، آمده است که این شورا موظف است تخلف از این قانون را به دادستان اطلاع دهد تا تعقیبات قانونی و حقوقی صورت پذیرد. در همین ماده قانونی سخت‌ترین و آخرین مجازات تعطیل کردن خدمات پخش تلویزیونی و ماهواره‌ای ذکر شده است و قبل از این مجازات باید مجازات‌های خفیف‌تری اعمال شود و در صورت تکرار تخلفات و تکرار محکومیت‌ها، آخرین مجازات قطع خدمات پخش ماهواره‌ای می‌باشد. البته در این ماده از قانون شورای عالی سمعی و بصری فرانسه آمده است که قطع پخش پس از یک ماه از تاریخ اطلاع به عامل پخش صورت می‌گیرد، در حالی که از طرف «CSA» هیچ مطلبی به طور مستقیم به ما منعکس نشده است. طبق مقررات قانون «CAS» صدور دستور موقت از دادگاه پاریس می‌تواند قطع پخش را لغو کند.

حتی چنانچه ایران در دعوای حقوقی خود در زمان مقرر مدعی شود که برنامه مورد اعتراض «CSA» اصلاً پخش نشده تا موجب قطع برنامه‌های این شبکه گردد یا برداشت فرانسه از محتوای آن، بنا به وجود شخصیت‌های مثبت و منفی صهیونیست در مجموعه صحیح نبوده یا به هر دلیل مناسب و منطقی دیگر، طبق ماده ۴۲ مقررات «CSA»، پرونده باید خارج از نوبت رسیدگی شود و حداکثر طی مدت یک ماه پس از اعتراض، دادگاه ذیصلاح فرانسه نظر خود را اعلام دارد.

همچنین بر اساس ماده ۴۲/۱۴ قوانین شورای عالی سمعی و بصری فرانسه در صورتی که فرد حقیقی یا حقوقی به رأی شورا که بر اساس ماده ۳۵ همان قانون صادر شده، اعتراض داشته باشد، تنها دادگاه تجدیدنظر پاریس صلاحیت رسیدگی به این دعوا را دارد. البته با توجه به این که جریان آزاد اطلاعات در مقدمه این قانون مورد تأکید قرار گرفته، شورا نمی‌تواند از هر مسئله کوچکی سوء استفاده کند و عامل پخش را به اتهام آن بر اشد مجازات مذکور در این قانون که همان قطع خدمات پخش تلویزیونی، ماهواره‌ای باشد، محکوم کند. نقض مقررات «CSA» محکومیت‌های زیر را در پی خواهد داشت:

۱- اخطار؛

۲- جریمه مالی؛

۳- تعویق تا تعطیلی موقت پخش تلویزیونی؛ و

۴- تعطیل.

برای اعلام اخطار باید نشانی ما را از طرف قرارداد خودشان گرفته و به طور کتبی به ما اعلام می‌کردند، سپس برای تحقیق و بررسی ادعایشان ما را به دادستان معرفی می‌کردند. شورای «CSA» برای تعقیب صداوسیما ما را به دادستان فرانسه معرفی کرده است. همان‌گونه که به واسطه حکم ۱۰ فوریه ۲۰۰۵ شورای عالی سمعی و بصری فرانسه، شورا به استناد جرایم «تحریک به تنفر نژادی» و «انکار نسل‌کشی یهودیان» که در مواد ۲۴ و ۲۴ مکرر قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۱ آمده است با ذکر این مطلب که این برنامه‌ها «می‌توانند موجب» وقوع جرایم فوق شوند، از دادستان پاریس درخواست رسیدگی نموده است. در ضمن شورا طبق مقررات، وزیر دادگستری و نخست‌وزیر را از صدور حکم مطلع کرده تا برای افزایش اختیارات قانونی پی‌گیری‌های لازم انجام شود.^{۲۴}

مباحث مطرح در این دعوا که نقاط ضعف حکم «CSA» می‌باشد، به قرار زیر است:

۱- در رأی «CSA» شبکه سحر (۱) در اروپا، به استناد اثرات پخش قبلی برنامه‌های مذکور از شبکه دیگر و به استناد پخش برنامه «الشتات» به عنوان برنامه مشابه (پخش شده از المنار) با پیشداوری اثرات آن بر مخاطبان فرامرزی فرانسوی قطع شده است؛

۲- شبکه سحر متهم گردید که مواد ۲۴ و ۲۴ مکرر قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه را در صورت پخش نقض می‌کرد؛

۳- سریال «الشتات» و «چشمان آبی زهرا» به زبان عربی پخش می‌شدند، نه به زبان فرانسه و تا اثر مستقیمی بر بیننده‌های فرانسوی داشته باشند؛ و

۴- شبکه سحر (۱) بر اساس مواد ۱-۳۳ / ۲-۴۳ / ۴-۴۳ قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ سمعی و بصری فرانسه چون تمام سرویس‌های تلویزیونی که به وسیله «Utel Sat» پخش می‌شوند و خارج از اتحادیه اروپا تأسیس شده‌اند باید با «CSA» قرارداد امضا کنند یا قبلاً از یکی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا برای پخش ماهواره‌ای اقدام به اخذ

مجاز کرده باشند، مشمول ممنوعیت شده است. هیچ اختطاری توسط «CAS» قبلاً به صورت مستقیم به سازمان، سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس و یا نمایندگی سازمان در پاریس داده نشده است.

آقای مفتاح: در هیچ یک از جلسات رسمی‌ای که ما با اروپاییان در مباحث تجاری و بازرگانی داشتیم، هیئت‌های اروپایی بدون حضور وکلای حقوقی تشکیل جلسه نمی‌دادند. کوچک‌ترین تصمیم‌گیری‌های خود را با دایره حقوقی اداره متبوع‌شان هماهنگ می‌کردند اما متأسفانه ما با افراد غیرحقوقی تصمیمات حقوقی می‌گیریم. **آقای اشرافی:** در خصوص این مسئله متأسفانه در کشور ما عکس‌العملی مشاهده نشد. تنها خانم شایق نماینده محترم تبریز هنگام سخنرانی پیش از دستور یک بار موضوع را در مجلس مطرح کردند اما وقتی شبکه «المنار» را علی‌رغم این که تلویزیون دولتی هم نبود، از طریق «Arab Sat» که آن هم با «Utel Sat» قرارداد داشت، قطع کردند، با عکس‌العمل مجلس، سخنگوی وزارت خارجه و دولت لبنان و اتحادیه نویسندگان عرب مواجه شدند حتی خطیبان نماز جمعه به فرانسه اعتراض کردند و در نهایت با پی‌گیری‌های حقوقی به عمل آمده خسارت قطع یک کانال تلویزیونی را از «Utel Sat» دریافت کردند.

آقای مفتاح: ما در اولین نشست که با مدیر «Utel Sat» که بلافاصله به ایران آمده بود، چنین تفهیم کردیم که پیش از مطلع شدن رئیس سازمان باید مسئله را حل کنیم، در غیر این صورت برای شما و قرارداتان مشکل ایجاد می‌شود و سه روز پیش از قطع برنامه نماینده «BT» هم به ایران آمد، یعنی نگران اقدامات ایران بودند و تلاش می‌کردند از خسارت‌های مالی و لغو قراردادشان جلوگیری کنند اما متأسفانه عکس‌العمل‌های ما آنان را از این نگرانی‌ها در آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Conseil Superieur de Audiovisuel

۲. ترجمه متن رأی شورای «CSA»: ۱- تصمیم و رأی شورای عالی سمعی - بصری فرانسه در مورد شبکه سحر(۱) با حضور تمام اعضا در نشست ۱۰ فوریه ۲۰۰۵ به شرح زیر است:

با توجه به کنوانسیون ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ در مورد تأسیس سازمان اروپایی ارتباطات از راه دور به وسیله ماهواره «Utel Sat» و اصلاحات مصوب ۲۰ مه ۱۹۹۹ در کاردیف که در روزنامه رسمی ۹ ژوئن ۲۰۰۱ منتشر شده است؛

با توجه به قانون ۱۰۶۷-۸۶، ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ (اصلاح شده) در مورد آزادی ارتباطات به ویژه مواد ۱، ۱۵، ۱-۳۳، ۴۲، ۲-۴۳ و ۴-۴۳؛ با در نظر گرفتن این که ماده ۳ کنوانسیون فوق پیش‌بینی کرده است «Utel Sat» تابع این تعهد است: «در مورد برنامه‌های وسایل ارتباطی سمعی - بصری کنونی و آینده طبق مقررات ملی عمل می‌شود.»؛

و با توجه به این که طبق ماده ۴۲ قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ (اصلاح شده)، شورای عالی سمعی - بصری می‌تواند متصدیان شبکه‌های ماهواره‌ای را ملزم کند به تعهداتشان طبق قانون و مقررات و اصول تعیین شده در موارد ۱ و ۳-۱ این قانون عمل کنند، و با ملاحظه این که از بند اول ماده ۱-۳۳ و مواد ۲-۴۳ و ۴-۴۳ قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ نتیجه می‌شود تمام سرویس‌های تلویزیونی که به وسیله «Utel Sat» پخش می‌شوند و فرستنده آنها خارج از اتحادیه اروپا قرار دارد چنانچه قبلاً به وسیله یکی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا برای پخش برنامه‌ها از طریق ماهواره‌ای که در صلاحیت آن دولت است، کنترل نشده باشند، باید با شورای عالی سمعی - بصری (CSA) قرارداد امضا کنند.

نظر به این که برنامه‌های شبکه تلویزیونی سحر (۱) که به وسیله صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (IRIB) تهیه می‌شود، (IRIB در ایران تأسیس شده است) قبلاً به وسیله هیچ یک از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا کنترل نشده است و این برنامه‌ها از طریق «Utel Sat» پخش می‌شود، بدون این که IRIB قراردادی با شورای عالی سمعی - بصری فرانسه داشته باشد؛

با توجه به این که طبق ماده ۱۵ همین قانون، شورای «CSA» از یک طرف مراقب حیثیت اشخاص در برنامه‌هایی است که به وسیله وسایل ارتباطی سمعی - بصری در اختیار عموم قرار می‌گیرد و از طرف دیگر مراقبت می‌کند برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به خاطر جنسیت، آداب و رسوم، دین و ملیت موجب تحریک به تفرق و خشونت نشوند شبکه سحر(۱) از ۱۳ دسامبر ۲۰۰۴ مجموعه‌ای با عنوان

«برای تو، فلسطین» یا «چشمان آبی زهرا» پخش کرده است، که در این مجموعه اسرائیلی‌ها و یهودیان در قالب شخصیت‌هایی که بدون عذاب وجدان می‌خواهند چشمان یک کودک را از او بگیرند؛ به صورت رسواکننده‌ای نشان داده شده‌اند. همچنین این شبکه در دسامبر ۲۰۰۴ و ژانویه ۲۰۰۵ مجموعه «الشتات» را پخش کرده است که موضوع آن توطئه قدیمی چندین قرن یک خانواده یهودی به نام «Rothschild» است و بازیگران اصلی آن خاخام‌ها و رهبران صهیونیست هستند. این مجموعه قتل یک کودک مسیحی را در یک مراسم دینی به وسیله یهودیان مذهبی نشان می‌دهد که می‌خواهند از خون او برای تهیه نان فطیر (برای عید پاک) استفاده کنند و نیز قتل یک یهودی را که مرتکب خطای ازدواج با یک غیریهودی شده است، به تصویر می‌کشد.

از آنجایی که پخش چنین برنامه‌هایی برای نظم عمومی خطرناک است و موجب نقض یکی از اصول تعیین شده در ماده ۱ قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ می‌باشد. همچنین در پخش این برنامه ماده ۱۵ این قانون رعایت نشده و موجب صدمه به حیثیت اشخاص می‌شود و می‌تواند به خاطر جنسیت، نژاد، دین یا ملیت موجب تحریک به تنفر، خشونت یا تبعیض شود؛ همان گونه که پخش قبلی این مجموعه از شبکه المنار نیز آن قدر تکان‌دهنده بود که احساسات بسیاری را در فرانسه متأثر کرد و موجب شد شورای عالی «CSA» از رئیس بخش مربوطه در شورای دولتی فرانسه درخواست رسیدگی برای صدور حکم و الزام «Utel Sat» به قطع پخش شبکه المنار را بنماید؛

همچنین برنامه «جهان زیر سؤال» که از این شبکه به زبان فرانسه در سوم فوریه ۲۰۰۵ بین ساعات ۲۲/۰۲ و ۲۲/۴۵ (به وقت فرانسه) پخش شد، به مسئله استفاده ابزاری از «نسل‌کشی یهودیان» با مقاصد سیاسی اختصاص داشت، در جریان این برنامه روبرت فوریسون (Robert Forison) که مورخ فرانسوی معرفی شده بود، به مدت ۱۰ دقیقه بدون هیچ مخالفتی توانست دیدگاه‌هایش را که نفی‌کننده نسل‌کشی یهودیان است و به همین خاطر در محاکم فرانسه محکوم شده است، شرح دهد. به ویژه اعلام کرد که «در آن زمان هیچ سیاستی برای نابودی فیزیکی یهودیان وجود نداشته و کشتن آنها ممنوع بود و تمام تصاویری که جنازه‌های یهودیان را در اردوگاه‌ها نشان می‌دهد، به جز چند مورد، تصاویر تشخیصی است که بر اثر بیماری‌های واگیردار به ویژه تیفوس جان خود را از دست دادند و هیچ اتاق گازی برای اعدام یهودیان به وسیله آلمانی‌ها وجود نداشته است»، این سخنان جرم «انکار

نسل‌کشی یهودیان» محسوب می‌شود که به موجب ماده ۲۴ مکرر قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ در مورد آزادی مطبوعات برای آن مجازات تعیین شده است؛

در نتیجه با توجه به این که پخش شبکه سحر (۱) به وسیله «Utel Sat» مغایر با مقررات مواد ۱، ۱۵ و ۳۳-۱ قانون سپتامبر ۱۹۸۶ و ماده ۲۴ مکرر قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ در مورد آزادی مطبوعات است، این شورا مقرر می‌دارد:

۱- «Utel Sat» ملزم است پخش شبکه تلویزیونی سحر (۱) را ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این رأی متوقف کند.

۲- این رأی به «Utel Sat» ابلاغ و در روزنامه رسمی جمهوری فرانسه منتشر می‌شود.

پاریس / ۱۰ فوریه ۲۰۰۵

شورای عالی سمعی - بصری / رئیس: دومینیک بودی

از آنجا که این جرایم در مواد ۲۴ و ۲۴ مکرر قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ پیش‌بینی شده شورای عالی سمعی بصری از دادستان پاریس درخواست نموده به موارد فوق که می‌تواند موجب جرایم تحریک به تنفر نژادی و «انکار نسل‌کشی یهودیان» شود، رسیدگی نماید.

همچنین وزیر دادگستری را از این درخواست رسیدگی مطلع نموده و نخست‌وزیر را نیز از این تصمیمات مطلع کرده است و از او خواسته است تا برای افزایش اختیارات قانونی، پی‌گیری‌هایی انجام شود تا اجازه تعلیق فوری هر شبکه‌ای که اقدام به پخش برنامه‌های دارای ویژگی نژادپرستانه یا ضدیهودی می‌کند، صادر شود. (متن رای شورای عالی «CSA» از سایت www.CSA.fr استخراج شده است.)

۳. (British Telecommunication) طرف قرارداد اپراتوری پخش برنامه‌های ماهواره‌ای سازمان

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

۴. برای اطلاع از محتوای این معاهدات به دیباچه کتاب حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای / گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جلد اول؛ انتشارات سروش ۱۳۸۰؛ مراجعه فرمایید.

۵ . کدخدایی، عباسعلی، حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای، جلد ۱، ص ۱۰۱،
سروش ۱۳۸۰.

۶ . همان.

۷ . همان.

۸ . همان.

9. Direct to Home

10. Asian Broadcasting Union

11. Fixed Satellite Service

12. Broadcast Satellite Service

13. World Radio Communication Conference (WRC)

14. International Telecommunication Union

15. Explicit Agreement

16. Test Points

17. Committee On the Peaceful Uses of Outer Space

18. European convention on transfrontier television

European Council Directive (3 October 1989) on the coordination of certain Provisions laid down by law regulation or administrative action in member states concerning the pursuit of television broadcasting activities. (89/552/EEC)

This documents is revised: Directive 97/36/EC of the european parliament and of the concil of 30 June 1997.

19. Article (2) of European council Directive (CONSLEG: 1989 Lo 552–30/07/1997)

۲۰ . قابل ذکر است که زمان برگزاری میزگرد ۸۴/۲/۲۱ بوده است.

۲۱. این مسئله به موضوع (Holo Cast) برمی‌گردد که ریشه در کشتار یهودیان توسط نازی‌ها دارد و در قوانین اروپا انکار کشتار جمعی یهودیان در زمان جنگ جهانی دوم توسط نازی‌ها، جرم شناخته شده است.

۲۲. بر اساس ماده ۴ شورای عالی سمعی و بصری فرانسه (CSA)، شورای عالی از نُه عضو تشکیل می‌شود که این افراد طی حکمی از طرف ریاست جمهوری منصوب می‌شوند. سه نفر از این اعضا را شخص رئیس جمهور، سه نفر را رئیس مجلس شورای ملی و سه نفر دیگر را مجلس سنا انتخاب می‌کند. قانون «CSA» ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶، اصلاحیه اکتبر ۱۹۹۳؛ ترجمه: خیل‌تاش، فهیمه؛ ۲۳۵/۱۳۷۷ مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.

23. Freedom of Communication Act No. 86-1087 of 30 September 1986.

این قانون در سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۰ میلادی مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت. اگرچه اسم این قانون، قانون آزادی ارتباطات می‌باشد، به قانون «CSA» نیز مشهور است.

۲۴ - قابل ذکر است که قبل از انتشار این مقاله، شورای دولتی فرانسه، به عنوان بالاترین مرجع داوری در این کشور با ممنوعیت پخش برنامه‌های شبکه ماهواره‌ای سحر متعلق به جمهوری اسلامی از طریق ماهواره «Utel Sat» در فرانسه موافقت کرد (به نقل از IRAN Press News).

ویژگی‌های نظام حقوقی رادیو و

تلویزیون

دکتر کاظم معتمدنژاد*

چکیده

نظام حقوقی رادیو و تلویزیون، که پس از مطبوعات و ارتباطات دور، سومین نوع فناوری‌های ارتباطی به شمار می‌روند، براساس تجربه‌های مقررات‌گذاری کشورهای بزرگ غربی در طول دهه‌های دوم تا نهم قرن بیستم استوار شده است. در این نظام حقوقی جهت تأسیس فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، پخش برنامه‌های سمعی و بصری، ضرورت دریافت اجازه‌نامه از نهادهای مستقل اداری دولتی، پیش‌بینی شده است. در توجیه این ضرورت به دلایل فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیاری استناد می‌شود.

به منظور تبیین ویژگی‌های این نظام حقوقی در مقاله حاضر ابتدا به شیوه اداره رادیو و تلویزیون در کشورهای مختلف جهان و ایران پس از جنگ جهانی دوم پرداخته شده است. این کشورها از نظر شیوه اداره به سه دسته: خصوصی، مختلط و دولتی قابل تقسیم‌اند. ایران با توجه ویژه به اداره مستقل امور رادیو و تلویزیون (اصل ۱۷۵ قانون اساسی) در مقررات‌گذاری اصولی برای تأمین استقلال مدیریت ارتباطات سمعی و بصری از لحاظ تاریخی بر بسیاری از کشورهای جهان حتی کشورهای غربی مانند فرانسه، تقدم یافته است. در ادامه ویژگی‌های حقوقی رادیو و تلویزیون؛ تجربه‌های حقوقی کشورهای بزرگ غربی چون ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه در این زمینه مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس با تاریخچه و

* استاد ارتباطات دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

ویژگی‌های دوره فعالیت مشترک رادیوهای خصوصی و دولتی، دوره فعالیت انحصاری رادیو و تلویزیون و عصر همزیستی رادیو و تلویزیون‌های عمومی و خصوصی آشنا می‌شویم.

وضعیت حقوقی فناوری‌های ارتباطی سمعی و بصری، که رادیو و تلویزیون و همچنین سینما را در بر می‌گیرند و پس از مطبوعات (کتاب و روزنامه) و ارتباطات دور (تلگراف و تلفن و بی‌سیم)، سومین نوع فناوری‌های ارتباطی به شمار می‌روند، در کشورهای مختلف جهان بر اساس تجربه‌های مقررات‌گذاری کشورهای بزرگ غربی در طول دهه‌های دوم تا نهم قرن بیستم، استوار شده است.^۱ در این مقررات‌گذاری‌ها، بر خلاف قوانین حقوق عام و قوانین اختصاصی مربوط به مطبوعات، که اصل انتشار آزادانه نشریات دوره‌ای را تضمین و محدودیت‌های پیش از انتشار را ممنوع کرده‌اند، برای تأسیس فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی و پخش برنامه‌های سمعی و بصری، ضرورت دریافت اجازه‌نامه از نهادهای مستقل اداری دولتی، پیش‌بینی شده است.^۲ برای توجیه ضرورت نظارت عمومی دولت بر تأسیس و فعالیت مؤسسات رادیو و تلویزیون، معمولاً به دلایل فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مختلفی از جمله محدود بودن امواج الکترومغناطیسی جو زمین، امکان‌پذیر نبودن ایجاد فرستنده‌های فراوان، هزینه بالای تجهیزات و تأسیسات فنی رادیویی و تلویزیونی، خطر تمرکزگرایی اقتصادی و توسعه انحصارهای تجاری، لطمه به منافع عمومی، حساس بودن تأسیس و اداره فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی از لحاظ حفظ حاکمیت ملی، امنیت، نظم عمومی و فرهنگ ملی و همچنین لزوم حراست از سلامت روانی و فکری کودکان و نوجوانان در برابر برنامه‌های سمعی و بصری خشونت‌آمیز و سایر برنامه‌های آسیب‌زننده به شخصیت آنان استناد می‌شود. در ضمن باید یادآور شد محدودیت‌های مربوط به تولید یا توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی نیز در اغلب کشورها به استناد آسیب‌پذیری‌های اخیر، ایجاد شده است.^۳

۱- شیوه‌های اداره رادیو و تلویزیون

شیوه‌های اداره رادیو و تلویزیون در کشورهای مختلف جهان، در دوره پس از جنگ جهانی دوم، اصولاً در سه دسته خاص از هم تفکیک می‌شوند:

الف - در برخی از کشورها، مانند ایالات متحده آمریکا، رادیو و تلویزیون نیز مانند مطبوعات و سینما، در اختیار بخش خصوصی قرار دارند اما برای تأسیس و فعالیت آنها، کسب اجازه‌نامه از یک نهاد مستقل دولتی، موسوم به «کمیسیون ارتباطات دولت فدرال» (FCC: Federal Communication Commission) و نظارت این کمیسیون بر چگونگی کار مؤسسه اجازه گیرنده، ضروری است.

ب - در بعضی دیگر از کشورها مانند انگلستان، تا مدت‌ها، اداره امور رادیویی و تلویزیونی در انحصار بخش عمومی دولتی بود و فرستنده‌های برنامه‌های ارتباطی سمعی و بصری با عنوان «مؤسسات رادیویی و تلویزیونی خدمت عمومی»، (Public Service Broadcasting)، تحت نظارت یک هیئت مدیره مستقل فعالیت می‌کردند.

اما از اواسط دهه ۱۹۵۰، در پی تأسیس تلویزیون‌ها و رادیوهای خصوصی در انگلستان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی غربی، یک شیوه فعالیت مختلط، مرکب از مؤسسات ارتباطی سمعی و بصری دولتی و غیر دولتی به وجود آمد. این شیوه مختلط، از اوایل دهه ۱۹۸۰، به دنبال خصوصی‌سازی رادیوها و تلویزیون‌ها در ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپایی، به کشورهای دیگر دنیا نیز گسترش یافت. چنان که اکنون در اکثر کشورها، رادیوها و تلویزیون‌های عمومی و خصوصی در کنار هم فعالیت می‌کنند و به همزیستی ادامه می‌دهند.

ج - یکی دیگر از شیوه‌های اداره رادیوها و تلویزیون‌ها در کشورهای جهان، مدیریت دولتی آنهاست. این شیوه تا اواخر دهه ۱۹۸۰، نمونه‌های مختلف و متفاوتی را در کشورهای فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه در برمی‌گرفت. با این تفاوت که در فرانسه، رادیوها و تلویزیون‌ها زیر نظر نخست‌وزیر یا یک وزیر خاص مانند وزیر اطلاعات، وزیر فرهنگ و نظایر آن اداره می‌شدند اما در

اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی، امور ارتباطات رادیویی و تلویزیونی تحت نظارت مستقیم کمیته مرکزی حزب کمونیست و یا یک سازمان عالی دولتی قرار داشت و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز شیوه‌هایی مشابه فرانسه یا اتحاد جماهیر شوروی، اعمال می‌گردید.

از اوایل دهه ۱۹۹۰، تحت تأثیر شرایط جدید جهانی، فروپاشی دیوار برلین و سقوط رژیم سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی، همراه با توسعه خصوصی سازی ارتباطات سمعی و بصری در اکثر کشورهای دنیا، همان گونه که گفته شد، شیوه مختلط فعالیت‌های مؤسسات رادیویی و تلویزیونی عمومی و خصوصی پدید آمد به گونه‌ای که تجربه دهه‌های اخیر انگلستان در مورد همزیستی رادیوها و تلویزیون‌های عمومی و خصوصی و نیز تجربه‌های خاص اداره امور رادیوها و تلویزیون‌های تحت نظارت نهادهای مستقل اداری، مانند شورای حکام «بنگاه رادیو و تلویزیون بریتانیا» (BBC: British Broadcasting Corporation) و همچنین «کمیسیون ارتباطات دولت فدرال امریکا»، برای نظارت بر مؤسسات ارتباطات سمعی و بصری این کشورها، گسترش جهانی یافته است.

در این میان، توجه ویژه به اداره مستقل امور رادیو و تلویزیون در ایران، به شیوه پیش‌بینی شده در اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - که نخستین بار در متن مصوب این قانون در سال ۱۳۵۸، با عنوان «شورای سرپرستی» منتخب قوای سه گانه مملکتی، مطرح شد و در تجدید نظر قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ با عنوان «شورای نظارت» منتخب قوای مذکور، منعکس گردید - نشان می‌دهد کشور ما در مقررات‌گذاری اصولی برای تأمین استقلال مدیریت ارتباطات سمعی و بصری، از لحاظ تاریخی بر بسیاری از کشورهای جهان و حتی برخی از کشورهای غربی مانند فرانسه، تقدم یافته است و اکنون باید امیدوار بود با اجرای دقیق مقررات مندرج در اصل یاد شده، در خصوص هیئت نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، استقلال مورد نظر در ارتباطات رادیویی و تلویزیونی، به طور عینی تحقق یابد.

۲- وضعیت حقوقی ویژه رادیو و تلویزیون

به طور کلی و صرف‌نظر از این طبقه‌بندی سه‌گانه، نظام حقوقی رادیو و تلویزیون، با توجه به طبیعت و ماهیت فنی و همچنین مقتضیات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی اداره امور آنها و نیز چگونگی پخش و انتشار پیام‌ها و برنامه‌ها و پوشش مخاطبان، در مقایسه با سایر وسایل و امکانات ارتباطی جدید، وضعیت خاص و ویژگی‌های مهمی دارد.

الف - ارتباطات رادیویی و تلویزیونی بر خلاف ارتباطات چاپی، مشمول اصل انتشار آزادانه و ممنوعیت محدودیت‌های پیش از انتشار نیستند و تأسیس و اداره آنها، مستلزم کسب اجازه از مقامات عمومی، تبعیت از مقررات خاص مورد پیش‌بینی در قوانین کشور و اجرای تعهدات و وظایف مندرج در اجازه‌نامه‌های فعالیت‌های ارتباطی سمعی و بصری است. به همین دلیل در ایالات متحده آمریکا، که مؤسسات رادیویی و تلویزیونی از زمان آغاز کار خود در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، به صورت خصوصی فعالیت می‌کنند، کوشش‌های مداوم مالکان و مدیران آنها، در طول دهه‌های اخیر، برای قانع کردن کنگره و نیز دیوان عالی این کشور در خصوص تعمیم مقررات مندرج در نخستین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا (مصوب ۱۷۹۱، مربوط به آزادی بیان و آزادی مطبوعات) به مؤسسات رادیویی و تلویزیونی، بی نتیجه مانده است.

ب - ارتباطات سمعی و بصری، در مقایسه با ارتباطات دور، که تلگراف و تلفن و بی‌سیم را شامل می‌شوند، دارای مقررات حقوقی خاص خود هستند. اما باید در نظر داشت که با وجود تفاوت‌های نظام حقوقی رادیو و تلویزیون با نظام حقوقی کتاب و نشریه دوره‌ای، بین این دو نظام شباهت‌هایی نیز وجود دارد. در حالی که وضعیت نظام حقوقی رادیو و تلویزیون با نظام حقوقی تلگراف و تلفن و بی‌سیم، به کلی متفاوت است.

باید یادآور شد نظام حقوقی ارتباطات دور، از همان زمان آغاز فعالیت تلگراف برقی (به جای تلگراف بصری) در اواسط قرن نوزدهم، با توجه به مشابه شناخته شدن فعالیت‌های ارتباطی تلگرافی با فعالیت‌های قدیمی حمل و نقل و پیام‌بری و محموله

رسانی معمول در پست و فعالیت‌های جدید مشابه آنها از طریق راه آهن، بر اساس رعایت آزادی و برابری افراد در مراجعه به مؤسسات مخابراتی و برخورداری از خدمات پیام‌رسانی آنها و همچنین احترام به محرمانه بودن پیام‌های ارتباطی افراد، استوار شده‌است. به عبارت دیگر همان‌گونه که در نیمه اول قرن نوزدهم همراه با ایجاد و توسعه خطوط راه آهن در انگلستان و سایر کشورهای غربی، نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های حمل و نقل این خطوط، بر مبنای اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های حمل و نقل پستی پایه‌گذاری گردیده بودند، در نیمه دوم قرن نوزدهم هم‌زمان با ایجاد و گسترش خطوط تلگرافی و اختراع و توسعه تلفن، اصول حقوقی جدیدی که به پیروی از حقوق پست برای راه‌آهن طراحی و اجرا شده بود، در زمینه ارتباطات دور مورد اقتباس و اجرا قرار گرفت.

به این ترتیب، اصول حقوقی رادیو و تلویزیون، با مبانی حقوقی ارتباطات دور، تفاوت اساسی دارد و به حقوق مطبوعات بسیار نزدیک‌تر است. تفاوت نظام حقوقی رادیو و تلویزیون با نظام حقوقی تلگراف و تلفن از اختلاف ماهیت فعالیت آنها ناشی می‌شود. به این معنی که فعالیت‌های ارتباطات دور مانند فعالیت‌های پست و راه‌آهن و هواپیمایی و کشتیرانی از امور حمل و نقل محسوب می‌شود در حالی که فعالیت‌های ارتباطی سمعی و بصری، مانند فعالیت‌های مطبوعاتی، از امور ارتباطی و فرهنگی به شمار می‌رود به همین جهت، صرف‌نظر از موضوع بنیادی تأسیس و اداره مؤسسات رادیویی و تلویزیونی که باید با کسب اجازه از مقامات دولتی صورت گیرد، سایر زمینه‌های کار مطبوعات و رادیو و تلویزیون از لحاظ مقررات آزادی کسب و انتقال و انتشار و دریافت اطلاعات و فعالیت آزاد و مستقل و بی‌طرفانه روزنامه‌نگاران در تحریریه‌های مطبوعات یا بخش‌های خبری مؤسسات رادیویی و تلویزیونی، مقررات حاکم بر محتوای مطبوعات و برنامه‌های رادیو و تلویزیون، محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها و جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای، با هم مشابه و در بسیاری از زمینه‌ها یکسانند.

ج - مهم‌ترین مبنای تفاوت نظام حقوقی ارتباطات سمعی و بصری با نظام حقوقی ارتباطات دور را می‌توان در اختلاف طبیعت و ماهیت ارتباط رادیویی و تلویزیونی با

ارتباط تلگرافی و تلفنی جستجو کرد. زیرا «ارتباط دور»، که از طریق تلگراف و تلفن صورت می‌گیرد، اصولاً ارتباطی فردی (Communication Individuelle) است. و با انتقال پیام شخصی یا مکالمه فردی، تحقق می‌یابد در حالی که ارتباط رادیویی و تلویزیون، ارتباط عمومی (Communication Publique) است. این ارتباط از طریق فرستنده‌های مبتنی بر امواج مغناطیسی، ماهواره‌های فضایی یا کابل‌های زیرزمینی، پیام‌ها و برنامه‌های گوناگون را برای استفاده همگانی مخاطبان انبوه در اختیار آنان می‌گذارد. بنابراین، به سبب تفاوت ماهیت و عملکرد ارتباطات فردی تلگرافی و تلفنی با ارتباطات عمومی رادیویی و تلویزیونی، مقررات حقوقی حاکم بر آنها نیز با هم متفاوت است.

د - به این صورت، مقررات حقوقی حاکم بر فعالیت‌های ارتباطات دور، بر اساس اصل برابری همگانی و رعایت تقدم مراجعان استفاده کننده از خدمات ارتباطی و همچنین اصل محرمانه بودن پیام‌ها، مکاتبه‌ها و مکالمه‌های اشخاص پایه‌گذاری شده است. در صورتی که مقررات حقوقی مربوط به ارتباطات سمعی و بصری، صرف‌نظر از محدودیت آزادی تأسیس مؤسسات رادیویی و تلویزیونی و ضرورت کسب اجازه فعالیت از طریق یک «اقتدار مستقل اداری» (کمیسیون، هیئت یا کمیته مورد پیش‌بینی قانون) و نظارت کلی این اقتدار مستقل بر تعهدات و وظایف آنها، به مقررات حقوقی حاکم بر مطبوعات شباهت دارد و آزادی انتشار اطلاعات و اخبار، پیام‌ها و برنامه‌ها و ممنوعیت سانسور آنها را نیز در بر می‌گیرد.

۳ - تجربه‌های حقوقی سه کشور بزرگ غربی

با توجه به اهمیت تجربه‌های تاریخی ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه در مقررات‌گذاری برای تأسیس و اداره فرستنده‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و به منظور شناخت بیشتر سه شیوه خاص آنها در این زمینه، چگونگی این تجربه‌ها و ویژگی‌های این شیوه‌ها، بررسی می‌شود.

الف - ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا، چند سال پیش از آغاز پخش برنامه‌های سخن‌پراکنی عمومی، به موجب «قانون رادیویی سال ۱۹۱۲» (The Radio Act of 1912)، برای ایجاد فرستنده‌های رادیویی آماتوری از سوی افراد، ضرورت کسب اجازه از وزارت بازرگانی این کشور، پیش‌بینی شده بود. همزمان با شروع پخش برنامه‌های عمومی رادیویی در اوایل دهه ۱۹۲۰، مؤسسان این گونه فرستنده‌ها موظف شدند اجازه‌نامه لازم را از وزارتخانه یاد شده دریافت کنند. در قانون رادیویی جدیدی (The Radio Act of 1927) که در ۲۷ فوریه ۱۹۲۷ از سوی کنگره ایالات متحده به تصویب رسید، مجموعه مقررات خاص نظام دهی امور رادیوها، بر مبنای فعالیت بخش خصوصی و غیر دولتی بدون مداخله دولت در تأسیس و اداره آنها مورد پیش‌بینی قرار گرفت و به یک اقتدار مستقل نظام دهی، موسوم به «کمیسیون رادیویی دولت فدرال» (FRE: The Federal Radio Commission) که اختیارات و وظایف آن در این قانون، مشخص شده بود، مأموریت داده شد اجازه‌نامه‌های مربوط به فعالیت فرستنده‌های رادیویی را، بر اساس اصول خاص، شامل پیش‌بینی «زمان برابر استفاده از میکروفن و آنتن رادیویی در مباحثات سیاسی و مبارزات انتخاباتی گروه‌های فکری مختلف»، «سانسور نشدن برنامه‌های رادیویی» و «خودداری از پخش برنامه‌های مغایر عفت عمومی و اخلاق حسنه و در نظر گرفتن مقتضیات، مصالح و منافع عمومی»، برای متقاضیان صادر کرده و با انحصارهای پخش برنامه‌های سخن‌پراکنی رادیویی مقابله کند.

در سال ۱۹۳۴، تحت تأثیر شرایط جدید ناشی از تحول و توسعه مؤسسات ارتباطات تلگرافی و تلفنی و گسترش و پیشرفت ارتباطات رادیویی و به ویژه، آغاز فعالیت تلویزیون، که پرجاذبه‌ترین وسیله نوین ارتباطی است، به جای قانون رادیویی سال ۱۹۲۷، قانون تازه‌ای با عنوان «قانون ارتباطات دور» (The Telecommunication Act of 1934) در کنگره ایالات متحده تصویب شد. مقررات این قانون که در سال ۱۹۹۶ مورد تجدید نظر قرار گرفت، علاوه بر فعالیت‌های رادیویی، فعالیت‌های ارتباطات تلویزیونی و همچنین ارتباطات دور را نیز در بر می‌گرفت به همین لحاظ، در قانون

اخیر به جای «کمیسیون رادیویی دولت فدرال»، کمیسیون دیگری به نام «کمیسیون ارتباطات دولت فدرال» پیش‌بینی شد که از آن زمان تاکنون بر اداره امور ارتباطات دور و ارتباطات سمعی و بصری، نظارت می‌کند. این کمیسیون دارای پنج عضو است که از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده منصوب می‌شوند و مجلس سنای آن کشور انتصاب آنان را تأیید می‌کند. رئیس کمیسیون نیز از میان همین اعضا از سوی رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود دوره عضویت این کمیسیون هفت سال است.

باید در نظر داشت بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و مدیران مؤسسات خصوصی ایالات متحده آمریکا، به دنبال تصویب دو قانون مصوب سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۳۴، با اجرای این قوانین و نظارت کمیسیون پیش‌بینی شده، به مخالفت برخاستند و با توجه به این که مقررات نخستین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا در خصوص آزادی بیان و آزادی مطبوعات، ارتباطات رادیویی و تلویزیونی و همچنین ارتباطات دور را در بر نمی‌گرفت، شکایت‌های فراوانی در دادگاه‌های ایالات متحده مطرح کردند که هیچ‌یک به نتیجه مورد نظر نرسید بسیاری از دادگاه‌ها، در سطوح رسیدگی قضایی ابتدایی، رسیدگی قضایی استینافی و همچنین رسیدگی نهایی دیوان عالی آمریکا به این دعاوی، با برخوردار شدن مؤسسات ارتباطی غیر مطبوعاتی، از مقررات آزادی‌گرایانه نخستین اصلاحیه قانون اساسی آن کشور، مخالفت کردند.^۴

به طور کلی، اصول حقوقی ارتباطات دور و ارتباطات رادیویی و تلویزیونی ایالات متحده آمریکا، بر مالکیت خصوصی مؤسسات تجارتي اداره‌کننده امور ارتباطی و صدور اجازه فعالیت آنها از سوی «کمیسیون ارتباطات دولت فدرال» استوار شده است. کمیسیون یاد شده علاوه بر اعطای اجازه‌نامه تأسیس و فعالیت مؤسسات ارتباطی، بر طرز کار آنها نیز به طور دقیق نظارت می‌کند. باید یادآور شد در کنار مؤسسات و شبکه‌های نیرومند رادیوها و تلویزیون‌های خصوصی و تجارتي ایالات متحده، مؤسسات رادیویی - تلویزیونی عمومی نیز فعالیت دارند و به پخش برنامه‌های خاص برای هدف‌های آموزشی داخلی و جلب مخاطب در کشورهای خارجی می‌پردازند اما

دامنه فعالیت آنها در برابر مؤسسات ارتباطات سمعی و بصری خصوصی، بسیار محدود است .

ب- انگلستان

در انگلستان بر خلاف ایالات متحده آمریکا، به پیشبرد فعالیت رادیوها و تلویزیون‌های خدمت عمومی - که با وجود استفاده از بودجه دولتی، مستقل از دولت اداره می‌شوند - توجه خاصی مبذول شده است. با آنکه نخستین مؤسسه سخن‌پراکنی رادیویی انگلستان، در نوامبر سال ۱۹۲۲ به وسیله شش کمپانی خصوصی و با کسب اجازه از «رئیس کل پست» (The Post Master General) کشور، با نام «کمپانی سخن‌پراکنی بریتانیا» (BBC: The British Broadcasting Company) دایر شد، در دسامبر ۱۹۲۶، پس از پایان مدت چهار ساله اجازه فعالیت این کمپانی، اداره کل پست انگلستان، طبق نظر کمیسیونی که دو سال پیش از آن، برای بررسی وضع رادیو در این کشور تشکیل شده بود، از تجدید اجازه‌نامه کمپانی یاد شده خودداری کرد. از آن زمان با توجه به تأثیر برنامه‌های رادیویی در افکار عمومی جامعه و برای نظارت بیشتر دولت بر این برنامه‌ها، اداره امور رادیویی انگلستان به یک «بنگاه عمومی» (The Public Corporation) مستقل از دولت و موظف به حفظ منافع ملی، موسوم به «بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا» (BBC: The British Broadcasting Corporation) واگذار شد. بر این اساس، در ۱۷ دسامبر ۱۹۲۶، یک «منشور سلطنتی» برای این بنگاه صادر شد و فرستنده رادیویی انگلستان از اول ژانویه ۱۹۲۷، با نام جدید، فعالیت‌های خود را دنبال کرد .

«بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا» (بی. بی. سی)، که به سبب تأسیس و فعالیت بخش تلویزیون آن در اواخر دهه ۱۹۳۰، باید در زبان فارسی «بنگاه برنامه‌پراکنی بریتانیا» نامیده شود، در طول دهه‌های اخیر، مانند نخستین کمپانی سخن‌پراکنی انگلستان، همچنان بر اساس کسب اجازه‌نامه دولت فعالیت داشته و پس از هر دوره، اجازه‌نامه جدید دریافت کرده است. این بنگاه تا سال ۱۹۵۴، انحصار پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی انگلستان را دارا بود اما از این تاریخ حکومت وقت حزب محافظه‌کار آن

کشور، به منظور حمایت از سرمایه‌داران و آغاز فعالیت مؤسسات خصوصی تلویزیونی با استفاده از درآمد آگهی‌های تجارتي، یک بنگاه عمومی جدید به نام «اقتدار مستقل تلویزیونی» (ITA: Independent Television Authority) ایجاد کرد. این نهاد، در سال ۱۹۷۰، همزمان با آغاز فعالیت مؤسسات رادیویی از طرف مؤسسات محلی و تجارتي، به «اقتدار مستقل رادیویی - تلویزیونی» (IBA: Independent Broadcasting Authority)، تغییر نام داد. در ژانویه ۱۹۹۱، به دنبال تصویب یک قانون رادیویی - تلویزیونی جدید، اقتدار اخیر به دو نهاد جداگانه با اسامی «کمسیون مستقل تلویزیونی» (ITS: Independent Television Commission)، و «اقتدار رادیویی» (Radio Authority)، که به ترتیب بر تأسیس و اداره مؤسسات خصوصی تلویزیونی و مؤسسات خصوصی رادیویی نظارت دارند، تبدیل شد.

بنگاه برنامه‌پراکنی «بی.بی.سی» را از آغاز فعالیت تا کنون، یک سازوکار جمعی، به نام «شورای حکام» (Governors Council)، اداره می‌کند. این شورا دارای ۱۲ عضو از جمله، رئیس و یک نایب رئیس است. اعضای شورا بر مبنای منشور سلطنتی «بنگاه برنامه‌پراکنی بریتانیا»، تا سال ۱۹۷۴ با پیشنهاد «رئیس کل پست» آن کشور و از سوی ملکه انگلستان منصوب می‌شدند اما از آن زمان، این انتصاب‌ها با پیشنهاد وزیر کشور صورت می‌گیرد.

امور اجرایی سازمان رادیو-تلویزیون «بی.بی.سی» به مدیر کل منصوب از سوی «شورای حکام»، سپرده شده است و وی در برابر این شورا مسئول شناخته می‌شود. در کنار مدیر کل «بی.بی.سی» شوراهای محلی و منطقه‌ای رادیویی و تلویزیونی در تهیه و پخش برنامه‌ها به او کمک می‌کنند. مدیر کل این سازمان، در قبال برنامه‌های سمعی و بصری فرستنده‌های آن، چند وظیفه مهم به عهده دارد. از یک سو، بدون اجازه صریح رئیس کل پست، از انتشار برنامه‌های دارای خصوصیت تجارتي منع شده است و از سوی دیگر موظف است برنامه‌های روزانه و هفتگی مشخصی را، که قبلاً موضوع‌های کلی و هدف‌های عمومی آنها، برای جلب مخاطبان داخل و خارج کشور از سوی شورای حکام تعیین شده است، پخش کند.

بنگاه «بی.بی.سی» وظیفه دارد تمام اطلاعاتیها و اخبار مورد نظر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی را به هزینه خود، از طریق فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی منتشر سازد. به موجب منشور سلطنتی تأسیس «بی.بی.سی»، به رئیس کل پست انگلستان اجازه داده شده است در موارد خاص و از طریق مکتوب، پخش یک موضوع یا مجموعه‌ای از موضوع‌ها را در یک زمان مشخص و یا در هر زمان، ممنوع سازد اما گفته می‌شود که در عمل، چنین ممنوعیتی تاکنون تحقق نیافته است.

«اقتدار رادیویی» انگلستان نیز مانند «بی.بی.سی»، دارای یک هیئت مدیره است که از ۱۳ عضو از جمله رئیس و یک نایب رئیس تشکیل می‌شود. اعضای این هیئت به پیشنهاد «رئیس کل پست» و از سوی وزیر کشور، منصوب می‌شوند. نهاد اخیر که از اختیارات و وظایفی مشابه «بی.بی.سی» برخوردار است، بر فعالیت‌های مؤسسات رادیویی خصوصی نظارت می‌کند. هیئت یاد شده، برای نظارت بر امور رادیوهای تجارتي، از کمک «کمیته‌های مشورتی»، بهره‌مند می‌شود.

«کمیسیون مستقل تلویزیونی»، نیز که بر اساس «قانون رادیویی و تلویزیونی سال ۱۹۹۰» (The Broadcasting Act of 1990)، به جای «اقتدار مستقل تلویزیونی» قبلی (تأسیس شده در سال ۱۹۵۴) ایجاد شده است، با هیئت مدیره‌ای مرکب از اعضای منصوب از سوی وزیر کشور انگلستان، فعالیت می‌کند. این نهاد بر تمام مؤسسات تلویزیونی، که انواع فرستنده‌های مبتنی بر امواج مغناطیسی، فرستنده‌های کابلی و فرستنده‌های ماهواره‌ای را اداره می‌کنند، نظارت دارد. باید یادآور شد که از زمان تأسیس این کمیسیون، «اقتدار تلویزیون کابلی»، (Cable Authority) که در سال ۱۹۸۴، با یک هیئت مدیره هفت نفری ایجاد شده بود و وظیفه اصلی آن، صدور امتیاز تأسیس و اداره فرستنده‌های تلویزیون خصوصی استفاده کننده از کابل بود، از میان رفته است.

در سال ۱۹۹۵، یازده کنسرسیوم تشکیل دهنده مؤسسات خصوصی پخش برنامه‌های تلویزیونی کابلی در انگلستان فعالیت داشتند و یکصد هزار مشترک را تحت پوشش قرار می‌دادند. نخستین کنسرسیوم پخش برنامه‌های مستقیم تلویزیون ماهواره‌ای انگلستان، موسوم به «رادیو - تلویزیون ماهواره‌ای بریتانیا» (BSB: British Satellite Broadcasting)، در

سال ۱۹۸۰ تأسیس شد. در ژانویه ۱۹۸۷، شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای دیگری به نام «سوپر چانل» (Super Channel) ایجاد گردید. برنامه‌های این شبکه، به زودی علاوه بر انگلستان، در چند کشور اروپایی دیگر نیز از طریق کابل مورد استفاده قرار گرفت. چنان که در سال‌های اول دهه ۱۹۹۰، بیش از ۱۸ میلیون بیننده داشت. بودجه این شبکه از طریق آگهی‌های تجارتي تأمین می‌شد. در نوامبر ۱۹۹۰، مؤسسه تلویزیونی ماهواره‌ای به قدرتی موسوم به «رادیو - تلویزیون آسمان بریتانیا» (BSB: British Sky Broadcasting) از طریق ادغام با «شبکه آسمان» (Sky Channel) که یک شبکه اروپایی بود، به وسیله مؤسسات بزرگ تجارتي به وجود آمد و دولت انگلستان ناچار شد برای مقابله با خطر سلطه انحصاری آن بر مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای آن کشور، چاره‌اندیشی کند و مقررات ضد انحصاری جدیدی وضع کند.

ج - فرانسه

بر خلاف ایالات متحده آمریکا و انگلستان، که از دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، به ترتیب نظام مالکیت خصوصی، تحت نظارت یک نهاد مستقل اداری (کمیسیون رادیویی دولت فدرال و کمیسیون ارتباطات دولت فدرال) و نظام خدمت عمومی مبتنی بر بودجه دولتی، تحت نظارت یک شورای مدیریت مستقل را انتخاب کردند، در فرانسه از اوایل دهه ۱۹۲۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰، نوعی رادیو و تلویزیون انحصاری دولتی، تحت نظارت یک وزارتخانه خاص، وجود داشت و نظام خدمت عمومی ارتباطات رادیویی و تلویزیونی همراه با نظارت یک اقتدار مستقل اداری، از سال ۱۹۸۲ در دوره ریاست جمهوری «فرانسوا میتران» ایجاد شد.

در این کشور، همچنان که فعالیت خطوط تلگرافی، از زمان اختراع و کاربرد تلگراف بصری در دوره انقلاب کبیر فرانسه تا زمان استفاده از تلگراف برقی در دهه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰، (بر اساس فرمان ۳۰ ژوئیه ۱۷۹۳، قانون مصوب ۶ مه ۱۸۳۷ و لایحه قانونی مصوب ۲۷ دسامبر ۱۸۵۱)، با هدف تأمین نیازهای نظامی و امنیتی این کشور، تحت کنترل و انحصار خاص دولت قرار داشت، پخش رادیویی نیز از سال

۱۹۲۱، پس از پخش نخستین برنامه‌های منظم و عمومی رادیو، به تدریج تحت نظارت و انحصار دولت درآمد. در فاصله سال‌های ۱۹۲۲ و ۱۹۲۶، همزمان با تأسیس شبکه‌های رادیویی خصوصی، مانند «رادیو پاریس»، «رادیو برج ایفل»، «رادیو لیون» و «رادیو تولوز»، وزارت پست و تلگراف فرانسه از سوی پارلمان آن کشور مأموریت یافت با استفاده از بودجه‌های خاصی که هر سال به تصویب می‌رسید، فرستنده‌های رادیویی مورد استفاده عمومی، ایجاد کند. در این دوره، تأسیس ایستگاه‌های رادیویی خصوصی، به سبب استناد مقامات وزارت پست و تلگراف و تلفن به تداوم انحصار دولت بر انتقال پیام‌های تلگرافی، به کسب اجازه از دولت مشروط شده بود در حالی که مؤسسان و همچنین متقاضیان اداره این ایستگاه‌ها استدلال می‌کردند طرز انتقال برنامه‌های رادیویی به لحاظ استفاده از امواج مغناطیسی و ارتباطات بی‌سیم، با شیوه انتقال پیام‌های تلگرافی که از طریق خطوط ارتباطی صورت می‌گیرد، متفاوت است و در این زمینه کسب اجازه دولت ضروری نیست.

اما به رغم استدلال اخیر، دولت فرانسه به موجب ماده ۸۵ قانون امور مالی مصوب ۳۰ ژوئن ۱۹۲۳، اختلاف نظرهای یاد شده را متوقف کرد و مقررات لایحه قانونی مصوب ۲۷ دسامبر ۱۸۵۱ را در مورد انحصار دولت بر خطوط تلگرافی، به «پخش دریافت علامات رادیو الکتریک از هر نوع آن»، تعمیم داد. به این ترتیب، با ادامه اعمال قوانین و مقررات قدیمی مربوط به ارتباطات تلگرافی و تلفنی در فعالیتهای پخش برنامه‌های رادیویی، قانونگذاران فرانسه بر خلاف ایالات متحده آمریکا و انگلستان، از توجه به یک نظام حقوقی جدید ارتباطات سمعی و بصری، باز ماندند.^۶

دوره فعالیت مشترک رادیوهای خصوصی و دولتی

دولت فرانسه در نخستین سال‌های فعالیت رادیویی این کشور، از ممنوع کردن مؤسسات خصوصی در این زمینه خودداری می‌کرد و وزارت پست و تلگراف و تلفن، که وظیفه نظارت بر امور رادیویی را نیز عهده‌دار شده بود، درباره صدور اجازه نامه برای

تأسیس و اداره ایستگاه‌های رادیو، تصمیم‌گیری می‌کرد. به این ترتیب، انحصار دولت بر ارتباطات رادیویی به معنای انحصار در بهره‌برداری از این ارتباطات به شمار نمی‌آمد و نوعی انحصار حاکمیتی و نظارتی محسوب می‌شد. به عبارت دیگر، در این زمان دولت فرانسه مصمم بود بهره‌برداری از ایستگاه‌های رادیویی را بر ضرورت کسب اجازه از وزارت پست و تلگراف و تلفن و تبعیت از نظارت آن در جهت حراست از منافع عمومی، استوار سازد. در عین حال، مقامات دولتی فرانسه به جنبه دیگری از انحصار فعالیت‌های رادیویی، شامل انحصار پخش و دریافت برنامه‌ها نیز که عملاً مشکلات خاصی پدید می‌آورد، توجه داشتند.

به همین دلیل، مطابق تصویب نامه مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۲۳، آزادی دریافت برنامه‌های رادیویی منوط به آن بود که استفاده‌کنندگان از برنامه‌ها، اعلام نامه‌ای در این خصوص به دولت تسلیم کنند و مبلغ مشخص شده برای حق استفاده از برنامه‌های رادیویی را به طور سالانه، پرداخت نمایند. به این ترتیب، انحصار دولت بر فعالیت‌های رادیویی تنها انحصار مربوط به پخش برنامه‌ها را در بر می‌گرفت و صاحبان دستگاه‌های گیرنده رادیویی، در قالب امکانات فنی آن زمان، می‌توانستند از برنامه‌های فرستنده‌ها و ایستگاه‌های مختلف بهره‌گیری کنند. بنابراین، هدف مهم ضروری شناختن تسلیم اعلام نامه درباره استفاده از گیرنده‌های رادیویی، به تدارک و تداوم پخش منظم برنامه‌های عمومی و مقابله با اختلال امواج و تهدید امنیت ملی معطوف بود.

در این میان، وزارت پست و تلگراف و تلفن فرانسه، بر مبنای تصویب نامه یاد شده، با همکاری یک کمیسیون میان وزارتی، متشکل از نمایندگان چند وزارتخانه، بر تأسیسات و تجهیزات فنی فرستنده‌ها و همچنین وضع مالی مؤسسات خصوصی رادیویی و به ویژه چگونگی پخش آگهی‌های تجارتي آنها کنترل داشت و برنامه‌های مورد نظر برای پخش را پیش از انتشار، بررسی و ارزیابی می‌کرد. اهمیت نظارت بر برنامه‌های رادیویی خصوصی در این زمان به حدی بود که در هر مؤسسه اداره کننده رادیو، یک کمیسر دولتی حضور داشت. وی در جلسات هیأت مدیره و مجامع عمومی

آن به صورت مشورتی شرکت می‌کرد و با برخورداری از نوعی حق وتو، مانع از تصمیمات مغایر با تعهدات مؤسسه می‌شد.

به طور کلی در نخستین سال‌های فعالیت رادیوهای خصوصی فرانسه، مؤسسات اداره کننده آنها، که از لحاظ حقوقی، عهده‌دار وظیفه همکاری با خدمات عمومی رادیویی کشور شناخته می‌شدند و بر این اساس به «استفاده خصوصی از عرضه عمومی» امواج مغناطیسی ضروری برای پخش برنامه‌ها، می‌پرداختند، وضع متزلزل و ناپایداری داشتند. به طوری که در هر زمان، مقامات دولتی می‌توانستند اجازه‌نامه آنها را با استناد به ضرورت حفظ منافع عمومی یا رعایت نکردن تعهدات، لغو کنند.^۷

در سال‌های بعد، بر اساس لایحه قانونی مصوب ۲۸ دسامبر ۱۹۲۶ و به موازات گسترش شبکه فرستنده‌های رادیویی دولتی فرانسه، صدور اجازه‌نامه‌های جدید برای تأسیس ایستگاه‌های رادیویی خصوصی کاهش یافت و از اول ژانویه ۱۹۲۹، دیگر هیچ گونه اجازه‌نامه‌ای صادر نشد. در این شرایط، به تدریج از سطح آزادی اطلاعات در پخش برنامه‌های خبری رادیوهای خصوصی نیز کاسته شد و سرانجام به موجب تصویب نامه مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۳۸ و با استناد به شرایط بحرانی بین‌المللی، دولت کنترل شدیدتری بر برنامه‌های خبری سیاسی، اقتصادی و مالی فرستنده‌های رادیویی، اعمال کرد. در حدود یک سال بعد و همزمان با شروع جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹، تمام ایستگاه‌های رادیویی خصوصی فرانسه موظف شدند، تنها به پخش اخبار شبکه فرستنده‌های دولتی بپردازند.

پس از پایان استیلای نظامی آلمان بر فرانسه، مؤسسات خصوصی اداره کننده فرستنده‌های رادیویی از سوی دولت مصادره شدند و چند هفته پیش از پایان جنگ جهانی دوم، مطابق فرمان مورخ ۲۳ مارس ۱۹۴۵، تمام اجازه‌نامه‌های این مؤسسات، لغو شد. از آن زمان، انحصار دولت بر بهره‌برداری از ارتباطات رادیویی و به زودی، انحصار آن بر ارتباطات تلویزیونی، جنبه مطلق پیدا کرد.^۸

دوره فعالیت انحصاری رادیو و تلویزیون دولتی

از دوره پس از پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۸۲، در فرانسه به مدت حدود چهل سال، نظام انحصار دولتی بر فعالیت‌های رادیو و تلویزیون حکمفرما بود و مؤسسات خصوصی، از تأسیس و اداره فرستنده‌های برنامه‌های سمعی و بصری، منع شده بودند. در طول این دوره، قوانین متعددی درباره چگونگی سازماندهی و طرز اداره رادیو - تلویزیون تحت انحصار دولت، وضع و اجرا شد.

ابتدا سازمانی با عنوان «رادیو - تلویزیون فرانسه» (RTF: Radiodiffusion Télévision Francaise) بر اساس فرمان مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۴ تأسیس شد و در سال‌های بعد مطابق مقررات تصویب‌نامه مورخ ۹ فوریه ۱۹۴۹ و فرمان مصوب ۳ فوریه ۱۹۵۹، به فعالیت‌های خود ادامه داد. چند سال بعد، بر مبنای قانون مصوب ۲۷ ژوئن ۱۹۶۴ به جای سازمان یاد شده، مؤسسه دیگری به نام «بنگاه رادیو - تلویزیون فرانسه» (ORTF: Office de Radiodiffusion - Télévision Francaise) ایجاد شد و مدتی پس از آن به موجب قانون مصوب ۳ ژوئیه ۱۹۷۲، در ارکان و وظایف این بنگاه تغییراتی صورت گرفت. دو سال بعد مطابق قانون مصوب ۷ اوت ۱۹۷۴، به جای بنگاه یاد شده، مجموعه‌ای از سازمان‌های تولید و پخش برنامه‌ها بدون یک نام جامع فراگیر، پدید آمد. در ماده اول فرمان مصوب ۳ فوریه ۱۹۵۹، برای نخستین بار یک تعریف صریح حقوقی درباره محتوای انحصار دولتی رادیو و تلویزیون، ارائه شده بود. در این تعریف، که در قانون مصوب ۲۷ ژوئن ۱۹۶۴ نیز بدون تغییر حفظ شد، درباره مشخصات انحصار مورد نظر چنین آمده بود:

«... راجع به زمینه‌های زیر، تنها سازمان (بنگاه) رادیو - تلویزیون فرانسه، در

سرزمین‌های جمهوری، دارای صلاحیت است:

۱ - ایجاد، سازماندهی، اداره، دگرگون‌سازی و بهره‌برداری شبکه تأسیسات و

تجهیزات رادیو - تلویزیونی

۲ - پخش برنامه‌ها یا عرضه آنها به سازمان‌های دیگر

۳ - دریافت حق استفاده افراد از رادیو و تلویزیون در برابر پرداخت هزینه‌های خدمات ارائه شده

۴ - مشارکت با سازمان‌های اداری و ارگان‌های حرفه‌ای ذی‌نفع برای تعیین

استانداردها و معیارهای فنی تأسیسات رادیویی و تلویزیونی و کنترل فعالیت آنها

۵ - تأمین پخش مستقیم برنامه‌های مورد نظر برای مخاطبان عمومی با استفاده از

ارتباطات بی‌سیم و با همکاری و مشارکت سازمان‌های پست و تلگراف و تلفن در

بهره‌برداری از ارتباطات با سیم

۶ - انعقاد قراردادهای لازم با سازمان‌های عمومی ذی ربط و به ویژه وزارت پست

و تلگراف و تلفن در مورد ارتباطات دور، به منظور تأمین پخش رادیویی و تلویزیونی

برنامه‌ها در سرزمین‌های برخوردار از فعالیت سازمان (بنگاه) رادیو - تلویزیون فرانسه و

با توجه به رعایت خصوصیت خدمت عمومی رادیو و تلویزیون در قراردادهای

مذکور...»

با ید خاطر نشان ساخت به موجب بند اخیر، سازمان رادیو - تلویزیون فرانسه، هم

از انحصار پخش رادیویی و تلویزیونی بدون سیم و هم از انحصار پخش برنامه‌های

سمعی و بصری با سیم برخوردار بود.

تعریف ارائه شده در ماده اول دو قانون یاد شده در خصوص انحصار دولت در

زمینه بهره‌برداری از ارتباطات رادیویی و تلویزیونی، به موجب ماده ۲ قانون مصوب ۳

ژوئیه ۱۹۷۲، که در قانون مصوب ۷ اوت ۱۹۷۴، نیز بدون تغییر مانده بود، اصلاح شد.

در این ماده چنین آمده بود:

«... خدمات عمومی ملی رادیو و تلویزیون فرانسه، یک انحصار دولتی است، که در

تمام قلمرو جمهوری، هدف‌های زیر را دنبال می‌کند:

۱ - مشخص ساختن برنامه‌های مورد پخش برای مخاطبان عمومی و یا برخی

مخاطبان خاص

۲ - پخش برنامه‌ها از طریق تمام شیوه‌های ارتباطات دور

۳- ایجاد، سازماندهی، اداره، و بهره‌برداری شبکه‌ها و تأسیسات تأمین‌کننده پخش برنامه‌ها ...»

در همان زمان، در «مجموعه مقررات مربوط به پست و تلگراف» (Code des Postes et Telecommunications, Article L - 32) فرانسه، مطابق ماده (۱-۳۲ ال) آن، تعریف وسیعی از «ارتباطات دور»، به صورت زیر ارائه شده بود:

«... ارتباطات دور، هرگونه انتقال، پخش و دریافت انواع مختلف علامت‌ها، نشانه‌ها، نوشته‌ها، تصویرها، صوت‌ها یا اطلاعات را از طریق سیم، امکانات بصری و نوری، رادیو الکترونیکی یا هر سیستم دیگر رادیو مغناطیسی شامل می‌شود ...»

ماده (۱-۳۳ ال)، مجموعه مقررات یاد شده نیز پیش‌بینی کرده بود هیچ نوع تأسیسات ارتباطات دور، جز از سوی وزارت پست و ارتباطات دور و یا با اجازه آن، نمی‌تواند ایجاد گردد یا به کار گرفته شود. همچنین ماده یاد شده تأکید می‌کرد: «مقررات این ماده، بر پخش و دریافت هرگونه علامت رادیو الکترونیک نیز قابل اعمال است»

باید خاطر نشان ساخت قانون مصوب ۷ اوت ۱۹۷۴، بر خلاف قوانین قبلی مربوط به رادیو و تلویزیون در دوره پس از جنگ جهانی دوم، که اعمال انحصار دولت را بر پخش و برنامه‌سازی به سازمان یا بنگاه رادیو - تلویزیون فرانسه واگذار کرده بود، پخش برنامه‌ها را به یک مؤسسه عمومی پخش رادیویی و تلویزیونی و تولید برنامه‌ها را به شرکت‌های ملی برنامه‌ها، سپرده بود و در کنار آنها، یک «موسسه ملی سمعی و بصری» (INA: Institut National de l'Audiovisuel)، را نیز به منظور پژوهش‌های علمی رادیویی و تلویزیونی، تربیت متخصصان مورد نیاز و نگهداری آرشیوهای تخصصی پیش‌بینی کرده بود. در قانون اخیر، بهره‌برداری از کابل‌های تلویزیونی، برای پخش برنامه‌های تصویری نیز مورد توجه قرار گرفته بود و یکی از زمینه‌های جدید انحصار دولت، قلمداد شده بود.

در بررسی تحولات بعدی مقررات حاکم بر فعالیت‌های رادیو و تلویزیونی فرانسه در اواخر دهه ۱۹۷۰، می‌توان به تصویب نامه مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۷ درباره مقررات تأسیس شبکه‌های تلویزیونی کابلی و ایجاد کمیسیون ملی نظارت بر این شبکه‌ها،

تصویب‌نامه مورخ ۲۰ مارس ۱۹۷۸ در مورد صدور اجازه تهیه و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای مخاطبان مشخص و محیط‌های محدود و قانون مصوب ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸ راجع به نقض انحصار دولت در مورد رادیو و تلویزیون از طریق پخش غیر قانونی برنامه‌های سمعی و بصری و مجازات کیفری متخلفان آن، که به منظور مقابله با فعالیت روز افزون رادیوهای آزاد تصویب شده بود، اشاره کرد.^۹

پایان انحصار دولتی و آغاز همزیستی رادیوها و تلویزیون‌های عمومی و خصوصی
 به دنبال پیروزی حزب سوسیالیست فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری آن کشور در بهار سال ۱۹۸۱ و آغاز زمامداری «فرانسوا میتران» رهبر حزب یاد شده، مقدمات یک دگرگونی عمیق در نظام انحصار دولتی رادیو و تلویزیون این کشور، فراهم شد. رهبران سوسیالیست فرانسه در این زمان، با توجه به گسترش فعالیت رادیوهای آزاد و ایجاد و توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی و به ویژه، تلویزیون کابلی و ماهواره‌های ارتباطی، تصمیم گرفتند انحصار دولت را در اداره مستقیم رادیو و تلویزیون از میان بردارند و وضعیت حقوقی آن را با شرایط تازه دهه ۱۹۸۰، انطباق دهند.
 تصویب قانون مورخ ۹ نوامبر ۱۹۸۱ درباره امکان ایجاد استثناء راجع به انحصار دولتی تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و صدور اجازه فعالیت به رادیوهای خصوصی (رادیوهای وابسته به انجمن‌های قانونی، در شعاع جغرافیایی ۳۰ کیلومتر با قدرت پخش کمتر از ۵۰۰ وات)، نخستین اقدام دولت جدید فرانسه در زمینه مورد نظر بود.
 چند ماه بعد، با تهیه مقدماتی که از اولین هفته‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری در بهار ۱۹۸۱، و به ویژه با واگذاری مأموریت به یک کمیسیون مطالعاتی و تحقیقاتی برای بررسی در خصوص تقویت و تحکیم آزادی ارتباطات و انطباق آن با مقتضیات و شرایط تازه فناوری‌های نوین ارتباطی، آغاز شده بود، دولت سوسیالیست فرانسه، بر اساس گزارش نهایی کمیسیون یاد شده، در چهارم مارس ۱۹۸۲، لایحه قانونی جدیدی درباره دگرگونی اساسی اداره امور رادیو و تلویزیون به پارلمان ارائه کرد. در این لایحه قانونی، بر سازماندهی غیر متمرکز ارتباطات سمعی و بصری، ایجاد

یک شرکت پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای خارج کشور و به خصوص تأسیس یک نهاد اداری مستقل، به نام «اقتدار عالی ارتباطات سمعی و بصری» (HACA: Haute Autorité de la Communication Audiovisuelle) برای نظارت بر اداره امور رادیو و تلویزیون، که برای اولین بار در فرانسه مورد توجه قرار می‌گرفت، تاکید خاصی شده بود. لایحه قانونی یاد شده، پس از جلسات پارلمانی متعدد و بحث‌ها و بررسی‌های طولانی و اغلب پر سر و صدا، سرانجام در ۸ ژوئیه ۱۹۸۲ به دنبال تأیید از سوی مجلس سنای فرانسه، در مجمع ملی آن کشور، تنها با آرا موافق نمایندگان سوسیالیست و به رغم آرا مخالف نمایندگان احزاب محافظه کار و دست راستی، تصویب شد و از ژوئیه ۱۹۸۲، اعتبار قانونی پیدا کرد.^{۱۰}

در ماده اول «قانون مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲، درباره ارتباطات سمعی و بصری» (Loi du 29 Juillet 1982 sur la Communication Audiovisuelle)، مانند ماده اول قانون مطبوعات فرانسه، که ۹۹ سال پیش در ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱، به تصویب رسیده بود و «چاپ و نشر» را آزاد اعلام کرده بود، بر آزادی ارتباطات سمعی و بصری، تاکید شده بود. در این ماده تصریح شده بود «ارتباط سمعی و بصری آزاد است».

ماده ۲ قانون یاد شده، تعریف‌هایی برای «ارتباط دور» و «ارتباط سمعی و بصری» ارائه کرده بود و به این طریق، ماهیت ارتباط اخیر و تفاوت آن با ارتباط دور را مشخص ساخته بود. در این ماده، چنین آمده بود:

«منظور از ارتباط دور، هر گونه انتقال، پخش یا دریافت علامت‌ها، نشانه‌ها، نوشته‌ها، تصویرها، صوت‌ها یا هر نوع اطلاع، از طریق سیم، امکان بصری و نوری، رادیو الکتریسته یا سیستم‌های دیگر الکترومغناطیسی است. منظور از ارتباط سمعی و بصری، هر گونه در اختیارگذاری علامت‌ها، نشانه‌ها، نوشته‌ها، صوت‌ها یا انواع پیام‌های فاقد ویژگی تماس و ارتباط خصوصی، برای مخاطبان عمومی یا برخی مخاطبان خاص است.»

چگونگی ایجاد «اقتدار عالی ارتباطات سمعی و بصری»، که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای قانون ارتباطات سمعی و بصری مصوب ۱۹۸۲ به شمار می‌رود، در ماده

۱۲ این قانون پیش‌بینی شده بود. اقتدار یاد شده که به مثابه یک نهاد اداری مستقل، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته بود و در واقع اختیارات قبلی دولت را در مورد اداره امور رادیو و تلویزیون فرانسه عهده‌دار می‌شد، دارای ۹ عضو بود. اعضای اقتدار یاد شده، شامل نمایندگان منتخب رئیس‌جمهوری (۳ نفر)، رؤسای مجمع ملی (۳ نفر) و رؤسای مجلس سنا (۳ نفر)، به فرمان رئیس‌جمهور برای مدت ۹ سال منصوب می‌شدند. تجدید انتصاب اعضای نهاد یاد شده برای دوره یا دوره‌های بعد، ممنوع بود. «اقتدار عالی ارتباطات سمعی و بصری»، وظیفه داشت بر مأموریت خدمت عمومی سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی فرانسه، رعایت کثرت‌گرایی و توازن برنامه‌ها و آزادی و برابری بیان جریان‌های فکری مختلف، نظارت کند، مدیران و رؤسای مؤسسات و سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی را منصوب کند، اجازه‌نامه‌های تأسیس و فعالیت رادیوهای خصوصی محلی و همچنین رادیو - تلویزیون‌های محلی را صادر کند، درباره وظایف و تعهدات خدمت عمومی رادیوها و تلویزیون‌ها، اظهارنظر کند، چگونگی رعایت اصول بنیادی مربوط به محتوای تبلیغات بازرگانی را کنترل می‌کند و معیارهای هماهنگی برنامه‌ها را مشخص سازد.^{۱۱}

در سال ۱۹۸۶، به دنبال پیروزی احزاب محافظه کار فرانسه در انتخابات پارلمانی آن کشور و تشکیل کابینه جدید به ریاست ژاک شیراک، نخست وزیر وقت و رئیس‌جمهوری کنونی، قانون مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت و به جای آن قانون تازه‌ای، موسوم به «قانون آزادی ارتباطات» (Loi du 30 September 1986 sur la Liberté de la Communication مصوب ۳۰ دسامبر ۱۹۸۶) وضع شد. در بند یکم ماده اول این قانون گفته شده است «ایجاد و کاربرد تأسیسات ارتباطات دور و استفاده و به کارگیری خدمات آن آزاد است». در ماده ۲ قانون یاد شده نیز طی دو بند، تعریف‌های مربوط به «ارتباط دور» و «ارتباط سمعی و بصری» به همان صورت مندرج در ماده ۲ قانون مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ حفظ شده است.

به موجب قانون مصوب ۳۰ دسامبر ۱۹۸۶، که اکنون نیز با اصلاحات و تغییرات مختلف، همچنان در حال اجراست، اداره امور ارتباطات سمعی و بصری به دو بخش عمومی و خصوصی، تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی همزمان با تصویب قانون اخیر و خصوصی سازی شبکه تلویزیونی شماره یک فرانسه، که در متن این قانون، پیش‌بینی شده بود، پدید آمد.

بر اساس ماده ۳ قانون یاد شده، به جای «اقتدار عالی ارتباطات سمعی و بصری» نهاد جدیدی موسوم به «کمیسیون ملی ارتباطات و آزادی» (CNCL: Commission Nationale de la Communication et des Libertés) ایجاد شد. در این ماده خاطر نشان شده بود «... این کمیسیون، مأموریت دارد بر رعایت احترام به آزادی ارتباطات، که هم ارتباطات سمعی و بصری و هم ارتباطات دور را در بر می‌گیرد، نظارت کند...». اعضای کمیسیون، ۱۱ نفر بودند که علاوه بر افراد منتخب رئیس‌جمهور و رؤسای دو مجلس قانونگذاری فرانسه، نمایندگان منتخب نهادهای عالی قضایی (شورای دولتی، دیوان محاسبات و دیوان تمیز) را نیز شامل می‌شدند.^{۱۲} پس از شکست احزاب محافظه کار فرانسه در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۸ و تشکیل کابینه جدید از سوی حزب سوسیالیست فرانسه، مقررات مندرج در قانون مصوب ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ در خصوص «کمیسیون ملی ارتباطات و آزادی‌ها»، مورد تجدید نظر قرار گرفت.

بر اساس این تجدید نظر، قانون تازه‌ای در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۹ در خصوص تأسیس یک «شورای عالی سمعی و بصری» (CSA: Conseil Supérieur de l'Audiovisuel) به تصویب رسید و به موجب آن، شورای اخیر جانشین کمیسیون پیشین شد. «شورای عالی سمعی و بصری» کنونی، مانند «اقتدار عالی ارتباطات سمعی و بصری» قبلی، از ۹ نفر اعضای منتخب رئیس‌جمهور و رؤسای مجالس مقننه (هر کدام ۳ نفر)، که با فرمان رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند، ترکیب یافته است. مدت مأموریت اعضای این شورا ۶ سال است و سن آنان به هنگام انتصاب در شورا نباید از ۶۵ سال تجاوز کند این اعضا قابل عزل نیستند و تجدید مأموریت آنان ممنوع است.

مهم‌ترین اختیار «شورای عالی سمعی و بصری»، صدور اجازه برای استفاده از فرکانس‌های امواج رادیویی و تلویزیونی و فعالیت مؤسسات خصوصی پخش برنامه‌های سمعی و بصری است. وظایف دیگر شورا، نظارت بر رعایت اصل برابری استفاده از تأسیسات و برنامه‌های خدمات ارتباطی رادیویی و تلویزیونی، حراست از کثرت‌گرایی و بیان آزاد جریان‌های فکری مختلف، نظارت بر هنجارها و استانداردهای فنی تأسیسات ارتباطی، کنترل اجرای وظایف و تعهدات مؤسسات راد یویی و تلویزیونی، انتصاب رؤسای شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، نظارت بر آگهی‌های بازرگانی رادیویی و تلویزیونی، کنترل تبلیغات سیاسی و نظارت بر مبارزات انتخاباتی از طریق رادیو و تلویزیون، حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر محتویات برنامه‌ها و تأمین و تضمین رقابت آزاد در میان بخش‌های دولتی و خصوصی ارتباطات سمعی و بصری را شامل می‌شود.^{۱۳}

باید در نظر داشت از سال ۱۹۸۶، به دنبال خصوصی‌سازی شبکه اول تلویزیون سراسری فرانسه، در کنار شبکه‌های دولتی تلویزیونی، شبکه‌های خصوصی متعددی در این کشور ایجاد شده‌اند که از فناوری‌های مختلف ارتباطی، شامل امواج مغناطیسی، کابل‌های زیر زمینی و ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی، استفاده می‌کنند. مهم‌ترین شبکه‌های تلویزیون خصوصی کنونی، علاوه بر «شبکه اول تلویزیون فرانسه» (TF 1)، «کانال پلوس» (Canal Plus) و «ام ۶» (M. 6) هستند و در کنار آنها، فرستنده‌های تلویزیونی خصوصی متعدد کابلی و ماهواره‌ای نیز فعالیت می‌کنند.

قدیمی‌ترین شبکه‌های تلویزیونی عمومی فرانسه، که در قالب تلویزیون‌های خدمات عمومی، با بودجه دولتی و تحت نظارت «شورای عالی سمعی و بصری» اداره می‌شوند، شبکه‌های «فرانس ۲» (France 2) و «فرانس ۳» (France 3) هستند. این دو شبکه، شبکه‌های ملی برنامه‌های تلویزیون به شمار می‌روند و زیر نظر یک مدیر واحد قرار دارند. شبکه تلویزیونی شماره ۵ فرانسه (Chaine 5) که از دسامبر ۱۹۹۴ کار خود را آغاز کرده است، به تهیه و پخش برنامه‌های آموزشی و تربیت نیروی انسانی توجه دارد. شبکه تلویزیونی فرهنگی، موسوم به «آرته» (ARTE) که از آوریل سال ۱۹۹۱ با

همکاری فرانسه و آلمان به کار پرداخته است، در میان تلویزیون‌های عمومی، مقام خاصی داراست. شبکه تلویزیونی بین‌المللی فرانسه زبان، به نام «تلویزیون ۵» (Chaîne Francophone TV5) نیز که از طریق ماهواره برای کشورهای خارجی برنامه پخش می‌کند از شبکه‌های تلویزیونی عمومی مهم فرانسه محسوب می‌شود.^{۱۴}

منابع

1. Ithiel de Sola Pool. Technologies of Freedom: On Free Speech in an Electronic Age. Cambridge, Mass.: The Belknap Press of Harvard University Press, 1983, pp.75-79
2. Ibid. pp.91,92
3. Ibid. pp.108-150
4. Charles Debbasch. Droit de l'Audiovisuel. 4 ème Edition. Paris: Dalloz, 1995, pp.66-70
5. Ibid. pp.70-74
6. Ibid. pp.93,94
7. Claude – Albert Colliard. «Une Situation Juridique Moderne: L'Emission Privée de Radiodiffusion». Revue Internationale de Radioélectricité. 1939
8. Charles Debbasch. Droit de l'Audiovisuel. pp.95-97
9. Ibid. pp.98-108
10. Ibid. pp.108-118
11. Ibid. pp.202-210
12. Ibid. pp.112-124
13. Ibid. pp.214-224
14. Ibid. pp.224-296

حقوق رسانه‌ها

(پایه‌ها، چشم‌انداز و بایسته‌ها)

دکتر محسن اسماعیلی*

چکیده

مقصود از حقوق رسانه‌ها، مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر کار رسانه‌ها و افراد فعال در این عرصه حکومت می‌کند. مباحث این رشته، گاه مربوط به حقوق عمومی و گاه مربوط به حقوق خصوصی است؛ همان‌گونه که در عین داخلی بودن، بی‌ارتباط با مقررات بین‌المللی نیست.

تأثیر دو سویه و فزاینده رسانه و توسعه موجب شده است حقوق رسانه‌ها در برنامه توسعه کشورها از جایگاه رفیعی برخوردار شود. قانون برنامه چهارم توسعه در کشور ما نیز چشم‌انداز قابل قبولی در این زمینه ترسیم کرده و از جمله، تدوین قانون جامع رسانه‌ها را تکلیف کرده است.

نگارنده، پس از تشریح موضوعات یاد شده تلاش کرده است براساس بیش از یک دهه تحقیق و تدریس حقوق ارتباطات و با استفاده از تجربه عملی و نیز مطالعه تطبیقی در حقوق سایر کشورها، بایسته‌ها و ضرورت‌های لازم را برای برداشتن این گام بلند تبیین کند.

جامعیت میان حقوق و حدود، عمومیت و رسانه محوری، تقویت جایگاه خود تنظیمی و اخلاق حرفه‌ای، تاکید بر نظارت‌های صنفی و مدنی و سرانجام رعایت اصول قانون‌نویسی، پنج معیاری است که برای دستیابی به نظام حقوقی مطلوب رسانه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است.

* استاد حقوق ارتباطات و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

حقوق رسانه‌ها از زمره رشته‌های نوپیدای دانش حقوق است که با شتابی فراوان در حال گسترش و تکامل است. جذابیت مباحث حقوقی رسانه‌ها به دلیل تأثیر روزافزون وسایل ارتباط جمعی در زندگی روزگار ما و ابتلای همگانی به آن است. میان رشته‌ای بودن این موضوع و ارتباط آن با دانش‌های دیگر نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست نیز بر جذابیت آن افزوده است. البته نباید تحول و دگرگونی روزانه فناوری را هم ناپیده گرفت.

برای مثال، ماهواره یا اینترنت را در نظر بگیرید که چگونه پرسش‌های حقوقی بی‌شماری را در زندگی اجتماعی ما مطرح کرده‌اند؛ پرسش‌هایی که هر روز بر انبوه آنها افزوده می‌شود و نمی‌توانند بی‌پاسخ بمانند. این چنین است که قلمرو مباحث حقوقی رسانه‌ها در جهان امروز، به سرعت گسترده و گسترده‌تر می‌شود. با وجود این، حقوق رسانه‌ها در ایران، چنان‌که شایسته است، رایج نبوده و رشد نکرده است. مقاله حاضر، درصدد است مبانی و پایه‌های نظام جامع حقوق رسانه‌ها را تبیین کند، چشم‌انداز و آینده آن را در ایران روشن کند و در نهایت بایسته‌های آن را گوشزد کند. اهداف یاد شده، در سه گفتار جداگانه بررسی خواهد شد.

گفتار نخست : پایه‌های حقوق رسانه‌ها

در این گفتار ابتدا مقصود از حقوق رسانه‌ها را تبیین می‌کنیم و پس از توضیح کوتاهی درباره تقسیم‌بندی‌های رایج در علم حقوق به تبیین جایگاه و فواید استقلال این رشته از حقوق حرفه‌ای می‌پردازیم.

۱-۱. تعریف حقوق رسانه‌ها

برای تعریف حقوق رسانه‌ها، ابتدا باید به معنای دو واژه «رسانه» و «حقوق» و سپس به مفهوم ترکیب آن دو اشاره کرد. «رسانه»، در اینجا به معنای وسایل ارتباطی مبتنی بر فناوری است که پیام‌هایی را خطاب به عموم ارسال می‌کند. بنابراین، استفاده از فناوری

و برقراری ارتباط توده‌ای، دو عنصر مهم در تعریف رسانه است و به این ترتیب، «حقوق رسانه»ها در برگیرنده قواعد مربوط به رسانه‌های سنتی و ارتباطات چهره به چهره نمی‌شود.

از سوی دیگر، واژه حقوق دارای معانی و کاربردهای متفاوتی است که در زبان فارسی گاه تا هشت مورد می‌رسد (ساکت، ۱۳۷۱: ۱۴۱)^۱ و (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱)^۲، چنین وضعی در زبان‌های بیگانه نیز کم و بیش مشاهده می‌شود (Black's law dictionary, 6ed:884) مهم‌ترین این معانی عبارتند از:

الف: «مجموع مقرراتی که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند». حقوق در این معنا، همیشه به صورت جمع به کار می‌رود و معنای اسم جمع از آن اراده می‌شود. واژه‌های «شرع» در عربی و «Law» در انگلیسی مترادف چنین معنایی از حقوق هستند.

ب: امتیازات و توانایی‌های خاصی که قانون به منظور تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماعی برای هر فرد قائل است نیز حقوق خوانده می‌شود. حقوق در این معنا، به صورت مفرد هم به کار می‌رود، نظیر حق مالکیت، حق زوجیت و حق نفقه. واژه‌های «حق» و «Law» در زبان عربی و انگلیسی به همین معنا به کار می‌روند.

پ: دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آنها می‌پردازد نیز «علم حقوق» یا «حقوق» نامیده می‌شود. این اصطلاح که معادل «فقه» یا «حق» و «Right» است بیشتر در نیم قرن گذشته رواج یافته است.

ت: دستمزد و آنچه در برابر کارکرد به اشخاص داده می‌شود.

ث: پولی که دولت برای ثبت اسناد رسمی و مانند آن می‌گیرد مانند حقوق

عوارض.

ج: تکالیف و وظایف معنوی و اخلاقی مانند حقوق والدین یا حقوق همسایگان.

چ: همچنین «حقوق به غلط در مقابل جزا به کار رفته و می‌رود با این که خود شامل دو رشته جزایی و مدنی است.» (جعفری لنگرودی: ۲۳۰)^۳ تقسیم و نامگذاری نادرست دعاوی و دادگاه‌ها به «حقوقی» و «کیفری» نیز براساس همین مفهوم است.

از میان معانی یاد شده آنچه در اینجا می‌تواند مناسب باشد، تنها دو معنای نخست است که براساس آن، اصطلاح «حقوق رسانه‌ها» ممکن است به دو معنا استعمال شود:

- ۱- مجموعه مقررات و قوانینی که بر رسانه‌ها و افراد وابسته به آن حکومت می‌کند.
- ۲- امتیازات و توانایی‌هایی که قانون برای رسانه‌ها یا افراد فعال در این عرصه به رسمیت شناخته است.

حقوق رسانه‌ها در معنای نخست، فراگیرتر و اعم از معنای دوم است و افزون بر «حق»ها، دربرگیرنده «تکلیف»ها و «مسئولیت»ها نیز هست. به هر حال، در این نوشتار عموماً اصطلاح نخست مورد نظر است.

۲-۱. شاخه‌های مختلف حقوق

حقوق را به شکل‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. اهمیت و لزوم این تقسیم‌بندی‌ها که ناشی از وسعت، گوناگونی و پیچیدگی روابط اجتماعی انسان‌ها و در نتیجه، قواعد و مقررات حاکم بر آنهاست، بر کسی پوشیده نیست.

در ساده‌ترین روش، حقوق را معمولاً براساس دو مبنای کلی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ یکی عمومی و خصوصی بودن آن و دیگری داخلی، ملی و یا بین‌المللی و خارجی بودن آن.

اینک به گونه‌ای کوتاه و مختصر به شرح هر یک از این بخش‌ها می‌پردازیم:

الف. حقوق عمومی (Public Law) و خصوصی (Private Law)

مقصود از «حقوق عمومی قواعدی است که بر روابط دولت و مأموران او با مردم حکومت می‌کند و سازمان‌های دولتی را منظم می‌سازد و حقوق خصوصی مجموع قواعد حاکم بر روابط افراد است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۴۸) و (Brown, P: 5)^۵

برای بیان تفاوت این دو گفته‌اند: «میان حقوق عمومی و حقوق خصوصی سه جدایی برجسته وجود دارد:

۱- جدایی در هدف: هدف و نشانه حقوق عمومی، تأمین مصالح جمعی و همگانی مردم است. به سخن دیگر، حقوق عمومی می‌کوشد با حکومت و اداره به وسیله کارمندان و کارگزاران در خدمات همگانی، منافع عمومی مردم را برآورده سازد. هدف حقوق خصوصی، تأمین مصالح و منافع خصوصی افراد است.

۲- جدایی در ماهیت: حقوق عمومی، حقوق قدرت عالی و حاکم و منافع همگانی است و اساساً «امری» است. همگی قواعد حقوق عمومی، مربوط به نظم عمومی است. اشخاص، حتی با توافق و همگامی خود نمی‌توانند برخلاف این مقررات و قواعد عمل کنند و آن را بشکنند. برعکس، حقوق خصوصی قواعدی است که افراد با تراضی و توافق میان خود، آنها را برقرار یا برکنار می‌سازند. این قواعد تکمیلی و تفسیربردار است. پس، سرشت قواعد حقوق خصوصی «تکمیلی» و گوهر قواعد حقوق عمومی «امری» است.

۳- جدایی در ضمانت اجرا: اگرچه حقوق خصوصی نامعلوم است و در خصوص قواعد آن اختلاف و ناهماهنگی وجود دارد، دولت به وسیله دادگاه‌ها در دادرسی و فرونشاندن کشمکش‌ها دخالت می‌کند و با فشار اجتماعی خواننده یا مشتکی عنه را محکوم می‌سازد. بدین‌گونه، ضمانت اجرای حقوق عمومی، نیروی رسمی و فشار اجتماعی است که از سوی دولت اعمال می‌شود. نقض و شکستن قواعد حقوق عمومی و تخلف از آنها با واکنشی همراه است که «ضمانت اجرا» (Sanction) نام دارد.» (ساکت، ۱۳۷۱: ۲۰۱)^۶

با چشم‌پوشی از آنچه درباره صدق این تفاوت‌ها گفته شده است، از شعبه‌های حقوق عمومی می‌توان به حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق جزا و حقوق کار اشاره کرد؛ چنان‌که حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق خانواده و مسئولیت مدنی را نیز از شاخه‌های حقوق خصوصی برشمرده‌اند.^۷

البته به دلیل پیچیدگی روزافزون نوع روابط اجتماعی و دخالت رو به گسترش دولت در زندگی مردم، این تقسیم‌بندی بسیار قدیمی که نشانه‌های آن در حقوق رومیان

نیز وجود دارد، مورد انتقاد واقع شده است اما با وجود این، هنوز هم اقتدار و اعتبار آن پابرجاست.

ب. حقوق داخلی و خارجی

حقوق داخلی یا ملی (Municipal law or National law) به قواعدی گفته می‌شود که تنها بر شهروندان و ساکنان یک کشور حکومت می‌کند در نتیجه هیچ عامل خارجی در آن وجود ندارد. در مقابل، به قوانینی که بر روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و روابط اتباع دولت‌ها حکومت می‌کند، حقوق بین‌المللی یا خارجی گفته می‌شود. بنابراین در حقوق بین‌المللی (International law) تنها در محدوده دولت یا ملت معینی سخن گفته نمی‌شود و همیشه پای حداقل یک عامل خارجی در میان است. حقوق بین‌الملل نیز همانند حقوق داخلی، به دو شعبه عمومی و خصوصی تقسیم شده است. در حقوق بین‌الملل عمومی، روابط دولت‌ها موضوع بحث است و در حقوق بین‌الملل خصوصی، روابط افراد در خانواده جهانی. برای مثال، قواعد حاکم بر معاهدات دولت‌ها (از انعقاد گرفته تا تعارض، فسخ یا خاتمه آنها) در حقوق بین‌الملل عمومی بررسی می‌شود اما قواعد حاکم بر ازدواج اتباع دو کشور متفاوت، در حقوق بین‌الملل خصوصی.

۳-۱. استقلال حقوق رسانه‌ها و فواید آن

چنان‌که دیدیم حقوق به دو شکل عمده تقسیم‌بندی شده و هر شاخه نیز در بردارنده شعب و رشته‌های گوناگونی است اما باید دانست شعبه‌های هر یک از این شاخه‌ها همواره در حال دگرگونی و افزایش بوده است. پیشرفت زندگی بشر و توسعه اقتصادی و صنعتی آن موجب شده است براساس نیازهای هر زمان، شاخه‌ای بر شاخه‌های حقوق افزوده یا حوزه آن گسترده‌تر شود؛ برای مثال حقوق مدنی که مهم‌ترین شعبه حقوق خصوصی به شمار می‌رود، در ابتدا شامل همه رشته‌های آن بوده و تمام روابط زندگی افراد با یکدیگر را در بر می‌گرفته است اما به تدریج با تحول زندگی اجتماعی،

حقوق تجارت، حقوق کار، حقوق دریایی و امثال آن، راهی جدا در پیش گرفتند و ساز استقلال نواختند.

این استقلال‌طلبی‌ها که مفید هم واقع می‌شد، تا آنجا پیش رفت که برخی شغل‌ها، گروه‌ها یا اشیای خاص را هم در برگرفت چنان که برای مثال، امروزه حقوق پزشکی، حقوق پرستاری، حقوق کودک، حقوق زن، حقوق ثبت، حقوق کشتی‌ها و ... از اصطلاحات رایج و پذیرفته شده به شمار می‌روند.

رسانه‌ها و به خصوص مطبوعات نیز که همین روند را دنبال کرده‌اند، به دلیل اهمیت بسیاری که در دنیای امروز یافته‌اند دارای نظام حقوقی مستقل شده‌اند. البته این استقلال، که بیشتر در جهان غرب نمایان شده و رشد کرده است، گاه زیر عنوان جامع‌تری به نام حقوق رسانه‌ها (Media law) یا حقوق ارتباط جمعی (Law of mass communication) مطرح شده است.

به هر ترتیب استقلال این شعبه از حقوق هم بسیار ضروری است و از میان فواید آن می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

۱- اهمیت مطبوعات و نقش مهم رسانه‌ها در زندگی روزمره مردم نیازی به توضیح ندارد. این حرفه از جمله مشاغلی است که به دلیل ارتباط با جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی، درگیر بسیاری از قوانین و مقررات است. آشنایی با این قواعد باعث انجام هرچه بهتر رسالت حرفه‌ای می‌شود. بر اثر این آشنایی، خبرنگار می‌تواند از امتیازات و توانایی‌های قانونی خود بهره‌بیشتری بیابد و از اهرم‌هایی که قانونگذار در اختیار او نهاده است، به خوبی استفاده کند. برای مثال هرگاه یک روزنامه‌نگار از «حق کسب خبر» (ماده ۵ قانون مطبوعات)، محدوده و چگونگی آن آگاه باشد، با اطمینان و شوق بیشتری به جستجو و تلاش می‌پردازد و بر اثر نگرانی، در انجام رسالت حرفه‌ای خویش کوتاهی نمی‌کند.

۲- وضع قوانین شفاف و مستقل و آشنایی با آن، همچنین، موجب خواهد شد فعالان رسانه‌ها با آگاهی از تکالیف و مسئولیت‌های قانونی، به مرزهای مشروعیت فعالیت خود بهتر واقف شوند. در این صورت است که خبرنگار پا از دایره صلاحیت

خویش فراتر نمی‌نهد و به دلیل آشنایی با ممنوعیت‌ها و عواقب عملکرد خویش، مرتکب جرایم و خطاهای رایج نمی‌شود. اهمیت این نکته آنگاه آشکارتر می‌شود که بدانیم جهل به قانون رافع مسئولیت نیست. برای مثال هرگاه خبرنگاری بداند «حق کسب خبر» و انتشار آن تا جایی است که به «فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحكامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی» منجر نشود (بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات) هم می‌تواند با دلگرمی و اطمینان به کسب و انتشار سایر اخبار بپردازد و هم از ارتکاب چنین جرمی برحذر و از عواقب و مجازات آن در امان باشد.

۳- سود دیگری که از رهگذر آشنایی با مقررات به دست می‌آید، جلوگیری از اعمال سلیقه‌ها و ایراد فشارهای غیرقانونی است. برای مثال ممکن است برخی مراجع یا افراد، براساس نگرش خاص خود محدودیت‌هایی فراتر از قانون برای فعالیت رسانه‌ای قائل باشند و به این وسیله، مانع انجام وظیفه آزادانه در این عرصه شوند. استقلال و توسعه حقوق رسانه‌ها، آشنا شدن با مقررات و در نهایت نهادینه و تبدیل به فرهنگ شدن آنها، راه احقاق حقوق صنفی و حتی احیای حقوق جامعه را هموارتر خواهد کرد.

برای مثال آشنایی با اصل ممنوعیت استخدام کارشناسان خارجی، اصل ممنوعیت تحصیل وام از کشورهای بیگانه و یا اصل علنی بودن محاکم دادگستری (اصول ۸۲، ۸۰ و ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و این‌که این ممنوعیت‌ها تا کجا و به چه معناست، از تفاسیر و عملکردهای احتمالی خلاف قانون جلوگیری می‌کند و موجب حفاظت و احیای حقوق جامعه می‌شود.

۴- بحث مستقل درباره حقوق رسانه‌ها و دستیابی به آنچه گفته شد، در مجموع به فایده مهم دیگری نیز منجر خواهد شد که می‌توان آن را استقلال حرفه‌ای و قرارگرفتن در جایگاه شایسته خود نامید. رشد و رواج مباحث علمی درباره مقررات ارتباطی ما را

در شناخت ضعف‌ها و کمبودهای قانونی، تکمیل آنها و اجرای آنچه وضع شده یاری می‌کند و این نخستین گام برای صعود به موقعیت مطلوب است.

۴-۱. جایگاه حقوق رسانه‌ها

گفته شد حقوق را به شاخه‌ها و گونه‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. اکنون می‌افزاییم شناخت این‌که هر شعبه از حقوق، و از جمله حقوق رسانه‌ها، در کدام یک از این بخش‌ها جای گرفته است، از آنجا ضروری و مفید است که ما را در شناخت میزان اهمیت، ضمانت اجرا و قواعد حاکم بر آن بخش یاری می‌دهد و تحلیل مقررات و استنباط‌های حقوقی را میسر می‌کند. برای مثال حقوق جزا از قواعد آمرانه است و تفسیر آن به شیوه موسع امکانپذیر نیست؛ گذشت مجنی علیه تنها در صورتی موثر است که جرم از نوع جرایم خصوصی باشد در حالی که حقوق مدنی، و به ویژه بخش اموال آن، اغلب متشکل از قواعد تکمیلی است و علاوه بر امکان تفسیر موسع، با توافق طرفین و یا گذشت خسارت دیده پرونده خاتمه می‌یابد.

اکنون باید دید حقوق رسانه‌ها در کدام موقعیت قرار دارد؟ واقعیت آن است که جای دادن این شعبه از حقوق نیز، مانند سایر شعبه‌ها، در جایگاه معین و محدودی از تقسیم‌بندی‌های ذکر شده دشوار و بلکه ناممکن است. هر رشته از حقوق را می‌توان از جهات مختلف در بخش‌های متفاوتی جای داد. به همین شکل، حقوق رسانه‌ها که از نوع حقوق داخلی (یا ملی) به شمار می‌رود، هم با شعبه‌هایی از حقوق عمومی ارتباط پیدا می‌کند و هم با شعبه‌هایی از حقوق خصوصی. برای مثال بسیاری از اصول مسلم حقوق رسانه‌ها نظیر آزادی بیان و آزادی نشر از جمله حقوق اساسی است؛ چنان‌که جرایم ارتكابی آنها به یک اعتبار، از زیرمجموعه‌های حقوق جزای کشور محسوب می‌شود. از سوی دیگر، قوانین رسانه‌ای، و از جمله قانون مطبوعات، به دلیل کوتاهی و اختصار در مورد بسیاری از مسائل ضرورت سکوت کرده و به همین جهت در آن موارد باید تابع قوانین عامی نظیر حقوق مدنی یا حقوق تجارت بود، همان‌گونه که

هرگاه از طریق رسانه‌ها به شخصی خسارت وارد آید، دادرسی براساس قواعد کلی مسئولیت مدنی خواهد بود.

به این ترتیب، در هر قسمت از حقوق رسانه‌ها، قواعد و مقررات خاص آن بخش حکومت می‌کند و در نتیجه، برخی مقررات این حوزه آمرانه هستند و برخی دیگر تکمیلی، که با توافق طرفین می‌توان آن را به کناری نهاد. برخی جرایم عمومی هستند و برخی خصوصی و

تعیین تکلیف هر قسمت را باید به هنگام بحث از آن جستجو و یا به مدد ذوق سلیم استنباط کرد.

گفتار دوم : چشم‌انداز حقوق رسانه‌ها

تأثیر متقابل رسانه و توسعه چندان قوی است که برنامه توسعه هیچ کشوری فارغ از توجه ویژه به ارتباطات و رسانه‌ها نبوده و نیست. بررسی این رابطه دو سویه و جایگاه حقوق رسانه‌ها در آخرین قانون برنامه توسعه ایران موضوع گفتار کنونی است.

۱-۲. تأثیر متقابل رسانه و توسعه

توسعه را با هر تعریفی که در نظر بگیریم، ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ و ارتباطات دارد و تنظیم این رابطه، هنر حقوق و قانون است. اختلاف بینش‌ها و نگرش‌ها در تبیین این مقوله‌ها و نیز قلمرو، اهداف و روش‌های تحقق آن چندان فراوان است که انتخاب یکی از آنها به مثابه مبنای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دشوار، و شاید ناممکن، به نظر می‌رسد. با این همه، دست‌کم برتأثیر دو سویه توسعه از طرفی و فرهنگ و ارتباطات از طرف دیگر، اجماع نظر وجود دارد.

از هنگامی که ادبیات توسعه در میان نظریه‌پردازان مغرب زمین پدید آمد و به سرعت هم جهان‌گستر و فراگیر شد، این باور همگانی مشهود بود که فرهنگ بومی و شبکه ارتباطی هرکشور یکی از مبانی اصلی توسعه و شتاب و عمق آن، به شمار

می‌رود؛ همان‌گونه که میزان توسعه‌یافتگی اثری مستقیم بردگرگونی‌های فرهنگی و ارتباطی به جا می‌گذارد.

با گذشت زمان و رشد حیرت‌انگیز فناوری اطلاعات، گسترش شهرنشینی، افزایش سطح سواد و مطالبات مردم، تنوع رسانه‌ها و آنچه در یک کلام، انقلاب ارتباطات یا انفجار اطلاعات، نامیده می‌شود، نه تنها این رابطه به ضعف و سستی نگرانگارید که روز به روز قوی‌تر و آشکارتر شد به گونه‌ای که فناوری اطلاعات به محور توسعه، و نه ابزار آن، تبدیل شد.^۸

«در دیدگاه جدید، نگرش به فناوری اطلاعات به مثابه ابزار رشد و توسعه دولت‌ها، جای خود را به فناوری اطلاعات به مثابه محور توسعه داده است. تصور حیات یک کشور در نقش عضو فعال جامعه جهانی، بدون توجه به موضوع فناوری اطلاعات به مثابه بستر و محور اصلی توسعه، هم اکنون نیز مشکل است اما در کمتر از هفت سال آینده غیر ممکن خواهد بود. درک نقش بنیادین این مهم و سازماندهی مناسب برای نهادینه کردن آن تضمینی مناسب برای حضور فعال و مقتدر در جامعه جهانی و اکوسیستم بین‌المللی است. از این رو بسیاری از کشورها بازنگری عمیقی را در ساختار و فرایند برنامه‌های توسعه خود آغاز کرده‌اند. برای نمونه:

۱- دولت امریکا مهم‌ترین سرفصل توسعه خود را به موضوع فناوری اطلاعات اختصاص داده و در این راستا، گسترش بزرگراه‌های اطلاعاتی - ارتباطاتی مهم‌ترین رکن تحقق این موضوع است.

۲- دولت انگلستان طی برنامه‌ای به دنبال آن است که تا سال ۲۰۰۴ میلادی کلیه خدمات عمومی و دولتی از طریق اینترنت انجام شود.

۳- اتحادیه اروپا فعالیت‌های گسترده‌ای را برای «بسترسازی فرهنگی»، «استفاده از راهکارهای اقتصاد دیجیتالی» و گسترش مفهوم «دولت الکترونیکی» آغاز کرده است.

۴- دولت آلمان با شعار «اینترنت برای همه» تغییرات وسیعی را، هم از بعد زیرساخت‌های مخابراتی و هم از بُعد فرهنگ سازی عمومی آغاز کرده است و یکی از اهداف این کشور اتصال همه مدارس به اینترنت تا پایان سال ۲۰۰۲ میلادی است.

۵- دولت فرانسه تلاش بسیاری را برای استفاده از اینترنت در کشور و جبهه همت خود قرار داده است و همه ساله در هفته‌ای که آن را «جشن اینترنت» نامگذاری کرده استفاده از اینترنت را در سراسر کشور رایگان اعلام کرده است. در حال حاضر حدود ده میلیون فرانسوی از خدمات اینترنت استفاده می‌کنند و حدود ۳۰ درصد از منازل این کشور، مجهز به اتصال اینترنتی است.

۶- دولت سنگاپور با طرح عظیم «برنامه خدمات رایانه‌ای شهری» و با هزینه سالانه دو میلیارد دلار، سعی دارد تا سال ۲۰۰۴ میلادی، دولت الکترونیکی را به طور کامل در این کشور محقق سازد. هدف اصلی دولتمردان این کشور، تبدیل سنگاپور به «جزیره هوشمند» است.

۷- کشورهای عضو جامعه افریقا درصددند تا سال ۲۰۱۰ میلادی، جامعه اطلاعاتی مشترکی بین خود تشکیل دهند تا همه شهروندان بتوانند به ساده‌ترین روش به اطلاعات مورد نیاز دست یابند.

۸- کشورهای حوزه خلیج فارس با سرمایه‌گذاری عظیم برنامه‌های بلند مدتی را برای دستیابی به فناوری اطلاعات آغاز کرده‌اند که نمونه‌ای از آن پروژه «شهر الکترونیکی دوی» است. شایان ذکر این‌که در حال حاضر میزان دسترسی به اینترنت در کشور امارات متحده عربی ۱۵ درصد است.»

به این ترتیب همه شواهد و قرائن حاکی از آن است که رسانه‌های جدید به عاملی تعیین‌کننده در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر تبدیل شده‌اند و این نقش روز به روز قوی‌تر خواهد شد. همان‌گونه که نتیجه یک پروژه عظیم تحقیقاتی برای تدوین «استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن بیست و یکم»^۹ نشان داده است، این واقعیت را باید پذیرفت که: «اگر هزاره‌ای را که در آستانه پیوستن به تاریخ است، دورانی می‌شناسیم که بشر در آن برای نخستین بار به فضای سیاره‌ای خود پی برد، سده نخست هزاره آینده را می‌توان قرنی دانست که در آن انسانیت بالقوه (و در غیر این صورت بالفعل) به ارتباط کامل در زمان حقیقی دست خواهد یافت. ما شاهد آن چیزی خواهیم بود که آن را «مرگ فاصله» خوانده‌اند.»

پیشرفت فناوری اطلاعات و رسانه‌های نوظهور به راستی شگفت‌انگیز است اما «آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، تاثیرات اجتماعی و سیاسی ابزار ابداعی است نه خود آن وسایل و در اینجا است که آینده مبهم می‌شود. کشفیات نوین علمی و نوآوری‌های تازه فنی همان‌گونه که منافع بی‌شماری را نوید می‌دهند، چالش‌های بسیاری را نیز پدید می‌آورند که برخی از آنها معرفتی و عملی و برخی دیگر اخلاقی و فلسفی هستند.»

به همین دلیل است که نمی‌توان در طراحی آینده از جایگاه و تاثیر رسانه‌ها غفلت کرد. همه می‌دانیم که امروزه «ارتباطات و اطلاعات، رگ‌های حیاتی سیاست، اقتصاد، تجارت، اطلاعات و امنیت هستند» (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۰۷) و از این رو در تدوین برنامه توسعه برای هر کشوری نقش اساسی ایفا می‌کنند.

درست از همین منظر است که «در یک همدستی بی‌سروصدا و در یک تبانی آشکار که کمتر توجه اشخاص و مقامات غیرتخصصی را به خود جلب کرده، امریکا و اروپا مشغول طراحی و تاسیس زیرساخت اطلاعاتی جهانی هستند. این زیرساخت عظیم ارتباطی و اطلاعاتی که به «بزرگراه‌های اطلاعاتی» معروف شده، همانند زیرساخت‌های تلگرافی و راه آهن قرن نوزدهم و بزرگراه‌های حمل‌ونقل و خطوط هوایی قرن بیستم، توازن قدرت را در امریکا و اروپا حفظ کرده و سیادت غرب را در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری‌های مسائل سیاسی، اقتصادی، تجارتي، فرهنگی و نظامی جهانی ضمانت خواهد کرد.»

۲-۲. حقوق رسانه‌ها در برنامه توسعه ایران

بنابر آنچه گفته شد تدوین برنامه توسعه برای هیچ کشوری نمی‌تواند بدون توجه به واقعیت‌های جهانی، قدرت رسانه‌ها و تحول ارتباطات باشد؛ نقطه ضعفی که تاکنون در برنامه‌های توسعه کشور ما مشهود بوده است اما برخلاف «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» که در بخش ارتباطات و مسائل مربوط به رسانه‌ها دچار نارسایی و نقص آشکار بود، خوشبختانه برنامه چهارم توسعه

که از سال ۸۸ - ۱۳۸۴ به اجرا در خواهد آمد، توجه ویژه‌ای به این عرصه نشان داده است. در حالی که برنامه سوم در این زمینه کاملاً ساکت بود، برنامه چهارم در مواد متعددی به این موضوع پرداخته است؛ به گونه‌ای که می‌توان امیدوار بود در صورت اجرا و تحقق آن، حوزه ارتباطات و رسانه‌های کشور با تحول مثبت و شتابداری روبه‌رو خواهد شد. با این توضیح، حتی اگر نوع نگاه یا میزان توجه «برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» را به موضوع ارتباطات و رسانه‌ها نپسندیم یا کافی ندانیم، از این نظر که برخلاف برنامه قبلی به واقعیت‌های دنیای امروز توجه بیشتری نشان داده قابل‌قدردانی است.

رئوس مهم‌ترین پیش‌بینی‌های برنامه چهارم را در زمینه ارتباطات می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- پذیرش استقرار جامعه اطلاعاتی به مثابه هدف و اطلاعات و دانایی به مثابه مبنای برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- ۲- تضمین اصل جریان آزاد اطلاعات و دسترسی شهروندان به آن.
- ۳- گسترش امنیت شغلی و حمایت‌های حقوقی و مالی از سرمایه‌گذاران، فعالان و کاربران عرصه ارتباطات.
- ۴- توجه خاص به نظام بین‌الملل، ارتباطات، حضور در شبکه جهانی رایانه‌ای (اینترنت) و تعمیم بهره‌مندی از آن.
- ۵- گرایش به حاکمیت نظام جامع حقوق مالکیت معنوی در سطح ملی و بین‌المللی.
- ۶- تشویق بخش خصوصی و تعاونی به فعالیت رسانه‌ای و رقابت در این عرصه.
- ۷- حفظ هویت ملی و دینی و مقابله با تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای با روش‌های نوین.
- ۸- تقویت نظام صنفی و حاکمیت اخلاق حرفه‌ای.
- ۹- بازنگری در قوانین رسانه‌ای و تدوین قانون جامع، فراگیر و روزآمد ارتباطات

۲-۳. آینده حقوق رسانه‌ها در قانون برنامه چهارم توسعه

مروری اجمالی بر مواد مختلف این برنامه که در حقیقت می‌تواند دورنمای حقوق ارتباطات در برنامه چهارم توسعه نیز نامیده شود، ضرورت دارد و راه را برای نقد و اصلاح هموار می‌سازد.

نخستین بخش این برنامه به حوزه اقتصاد پرداخته و با پذیرش این نظریه که در آینده «اقتصاد مبتنی بر اطلاعات» خواهد بود، با عنوان «رشد اقتصاد ملی و دانایی محور در تعامل با اقتصاد جهانی» به بیان اهداف و برنامه‌های خود می‌پردازد.

در این بخش، فصل اول، به «بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی»، فصل دوم، به «تعامل فعال با اقتصاد جهانی» و فصل سوم، به «رقابت پذیری اقتصادی» اختصاص یافته است. جالب این که در کنار سرفصل‌های یاد شده، فصل چهارم نیز به «توسعه مبتنی بر دانایی» پرداخته و در ماده ۴۴ تصریح کرده است:

«دولت موظف است به منظور استقرار جامعه اطلاعاتی و تضمین دسترسی گسترده، امن و ارزان شهروندان به اطلاعات مورد نیاز اقدام‌های زیر را انجام دهد:

الف- حمایت از سرمایه‌گذاری در تولید و عرضه انواع محتوا و اطلاعات به زبان فارسی در محیط رایانه‌ای با تکیه بر توان بخش خصوصی و تعاونی.

ب- اتخاذ تدابیر لازم به منظور کسب سهم مناسب از بازار اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی، استفاده از فرصت منطبق‌های ارتباطی ایران از طریق توسعه مراکز اطلاعاتی اینترنتی ملی و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی با تکیه بر منابع و توان بخش‌های خصوصی و تعاونی و جلب مشارکت بین‌المللی.

ج- تهیه و تصویب سند راهبردی برقراری امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور در محیط‌های رایانه‌ای حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم.»

طبق ماده ۴۵ نیز «دولت موظف است به منظور گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش بنیان» اقدام‌هایی را انجام دهد که «طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم» از جمله آنهاست.

«بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی کلیه سطوح و تجهیز مدارس کشور به امکانات رایانه‌ای و شبکه اطلاع‌رسانی» وظیفه دیگر دولت در این زمینه است (بند «ک» ماده ۵۲). ماده ۵۷ نیز در این خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است. به موجب این ماده، «دولت موظف است به منظور توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تحقق اقتصاد مبتنی بر دانایی و کسب جایگاه برتر منطقه اقدام‌های زیر را انجام دهد:

الف- دولت موظف است تا پایان برنامه چهارم به منظور برقراری تسهیلات لازم جهت دسترسی به ارتباطات گسترده با کیفیت و تمهید و گسترش فرصت‌های نوین خدمات و رشد برای آحاد جامعه و خانوارها، مؤسسات و شرکت‌ها، شبکه‌ای شدن قلمروها، برپایی و تقویت اقتصاد شبکه‌ای، زمینه ارتقا ضریب نفوذ ارتباطات ثابت، سیار و اینترنت کشور حداقل به ترتیب ۵۰ درصد، ۳۵ درصد و ۳۰ درصد آحاد جمعیت کشور و همچنین ایجاد ارتباط پر ظرفیت و چند رسانه‌ای حداقل در شهرهای بالای پنجاه هزار نفر و افزایش ظرفیت خدمات پستی به بیست مرسوله برنفر را فراهم آورد.

ب- تأمین و تضمین ارائه خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات در سراسر کشور.

ج- تهیه لایحه «قانون جامع ارتباطات» در سال اول برنامه چهارم، در فصل نهم نیز که به برنامه‌های مربوط به «توسعه فرهنگی» پرداخته است، مقررات متعددی وجود دارد که وضعیت آینده ارتباطات و اصحاب رسانه‌ها را نمایان‌تر می‌سازد... طبق ماده ۱۰۷ که نخستین ماده از این فصل است:

«دولت مکلف است به منظور رونق اقتصاد، فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی و ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر و تأمین فضاهای کافی برای عرضه محصولات فرهنگی» اقدام‌های متعددی انجام دهد که «اقدام قانونی لازم برای تأسیس صندوق‌های غیردولتی ضمانت به منظور حمایت از تولید،

توزیع و صادرات کالاها و خدمات فرهنگی و هنری، سینمایی، مطبوعاتی و ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی» یکی از آن جمله است (بند «ب» ماده ۱۰۷).

همچنین به موجب بند «ط»، اقدام دیگری که دولت مکلف به انجام آن است، عبارت است از: «حمایت‌های لازم از اشخاص حقیقی و حقوقی که در چهارچوب مقررات مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری و مطبوعاتی در محیط‌های رایانه‌ای و اینترنتی فعالیت می‌کنند و به ویژه اعطای تسهیلات لازم برای برپایی پایگاه‌های رایانه‌ای و اطلاع‌رسانی حاوی اطلاعات فرهنگی، دینی، تاریخی و علمی به زبان و خط فارسی توسط بخش‌های مختلف اجرایی کشور جهت استفاده عموم و همچنین ایجاد شرایط لازم توسط صداوسیما جمهوری اسلامی ایران برای دریافت برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی کابلی و کانال‌های ماهواره‌ای براساس ضوابط سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران». ذیل بند فوق یادآوری کرده است:

«آیین نامه اجرایی مربوط با هماهنگی وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

اقدام مناسب دیگر آن است که طبق بند «ی» همان ماده «به دولت اجازه داده می‌شود ۰/۵ درصد از اعتبارات دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۵) این قانون را با پیشنهاد رئیس دستگاه مربوط برای انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی جهت ترویج فضایل اخلاقی و معارف اسلامی کارکنان خود هزینه نماید.

آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

«گسترش فعالیت‌های رسانه‌های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، سالم‌سازی فضای عمومی، اطلاع‌رسانی صحیح...»، «به کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی» و «حمایت از برنامه‌ریزی، نیازسنجی و ارائه آموزش‌های ضروری به مبلغان دینی در جهت بهبود کیفیت تبلیغات

دینی»، از دیگر تکلیف‌هایی است که برنامه چهارم توسعه بر دوش دولت نهاده است (بندهای «ب»، «ط» و «ی» ماده ۱۰۹).

از سوی دیگر «دولت موظف است به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مولفه‌های هویت ایرانی، به ویژه زبان فارسی»، اقدام‌های هفت‌گانه‌ای به عمل آورد که یکی از آنها «حمایت از گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی و تدوین و تصویب استانداردهای ملی و بین‌المللی نمایش الفبای فارسی در محیط‌های رایانه‌ای» است (بند «ج» ماده ۱۱۲).

ماده ۱۱۹ نیز از مهم‌ترین مواد برنامه چهارم است که در صورت تحقق، تأثیرات عمیق و تعیین‌کننده‌ای در عرصه حقوق ارتباطات و رسانه‌ها برجای خواهد نهاد. براساس این ماده:

«دولت مکلف است به منظور حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فرهنگی، هنری و امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر، مطبوعات و قلم، بسترسازی برای حضور بین‌المللی در عرصه‌های فرهنگی و هنری و تنظیم مناسبات و روابط میان اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با امور فرهنگی و هنری اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

الف- تهیه لایحه امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ تا پایان سال اول برنامه چهارم.

ب- بازنگری و اصلاح قوانین مطبوعات و تبلیغات، نظام جامع حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها و تبلیغات.

ج- اصحاب فرهنگ و هنر که شغل خود را از دست می‌دهند به تشخیص دولت به مدت حداکثر سه سال تحت پوشش بیمه بیکاری دولت قرار می‌گیرند. دولت در چهارچوب لوایح بودجه سنواتی کمک‌های اعتباری در اختیار صندوق بیمه بیکاری قرار خواهد داد.»

گفتار سوم: بایسته‌های حقوق رسانه‌ها

چنان‌که گفته شد بند «ب» ماده یکصد و نوزدهم «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به صراحت «بازنگری و اصلاح قوانین مطبوعات و تبلیغات، نظام جامع حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها و تبلیغات» را یکی از وظایف اصلی دولت معین کرده است. این قانون همچنین دولت را موظف به «تهیه لایحه قانون جامع ارتباطات در سال اول برنامه چهارم» (یعنی سال ۱۳۸۴) دانسته است (بند «ج» ماده ۱۵۷).

اینک در آستانه این اقدام مهم باید تلاش کرد تجربه‌های پیشین تکرار نشود، هیجانات، افراط‌ها و تفریط‌ها مانع واقع‌بینی و اعتدال نگردد و قانونی جامع، پویا، کارآمد و همسو با واقعیت‌ها و نیازهای جهان معاصر تدوین شود. براساس تجزیه و تحلیل قوانین موجود و بررسی تجربه‌های عملی و نتایج مطالعات شخصی در قانونگذاری کشورهای پیشرفته، نگارنده رعایت پنج اصل را در بازنگری قانون و تغییر آن ضروری می‌داند.

۱-۳. جامعیت میان حقوق و حدود

دلیل اصلی نیاز به قانون برقراری نظم مطلوب در زندگی اجتماعی است. افراد، مقام‌ها، سازمان‌ها و نهادها به طور طبیعی مایلند هرگونه که می‌خواهند عمل کنند و مانعی در برابر تمایلات خویش نبینند اما ناگفته پیداست که نتیجه پذیرش چنین مبنایی تنها نابودی زندگی جمعی و تبدیل جامعه بشری به صحنه برخوردها، ستم‌ها و تلخی‌های پایان ناپذیر است. از این رو هیچ خردمندی «آزادی» را بدون «حد» و مرز تعریف نکرده است.

خیرخواهان و معماران زندگی مسالمت‌آمیز جمعی، برای جلوگیری از زیاده‌خواهی عده‌ای و تباهی و نابرخورداری عده‌ای دیگر، چاره‌ای جز تن دادن به توافقی همگانی نیافته‌اند. این توافق همگانی که در شکل رسمی خود «قانون» نامیده می‌شود، تلاش می‌کند مرزهای آزادی عمل هر شخص (حقیقی یا حقوقی) را چنان تنظیم کند که از

سویی، حداکثر آزادی عمل و بهره‌مندی از حقوق را برای وی فراهم آورد و از سوی دیگر، آزادی و حقوق دیگران را نیز تضمین کند و مانع تجاوز به حریم آنان شود. این چنین است که هدف اصلی هر قانون را تعیین توأمان «حقوق» و «حدود» می‌دانند. فلسفه تدوین هر قانون تبیین آن است که مخاطبان چه چیزهایی می‌توانند انجام دهند و چه چیزهای دیگری را نمی‌توانند مرتکب شوند. بخش اول که سلطه و توانایی‌ها را تبیین می‌کند، حق خوانده می‌شود و بخش دوم که مرزهای آزادی و استفاده از حق را تعیین می‌کند، حد یا تکلیف.

از همین جا معلوم می‌شود که حق و حد و به تعبیر دیگر حقوق و تکالیف یا مسئولیت‌ها، ذاتاً همزاد و همراهند. این دو هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند و همدیگر را معنی می‌کنند. رعایت نکردن جامعیت و تعادل میان این دو یا فراموش کردن یکی از آنها فلسفه جعل قوانین را از بین می‌برد و آنها را بی‌خاصیت و حتی زیان‌آور می‌کند. تاکید افراطی بر امتیازها و حق‌هایی که افراد و نهادها از آن برخوردارند و غفلت از لزوم نگهداشتن اندازه‌ها و حرمت‌ها، موجب هرج و مرج و سنگین‌تر شدن کفه برخورداری‌های صاحبان قدرت به موازات محرومیت بیشتر بینوایان و ناتوانان می‌شود. اگر در جامعه‌ای، صاحبان قدرت (مالی، سیاسی یا در اینجا رسانه‌ای) خود را مکلف به احترام به حقوق دیگران نبینند و برای به‌کار گرفتن حق خود، حدی نشناسند، پایه‌های اخلاق، قانون و در نهایت همزیستی مسالمت‌آمیز ویران می‌شود. آنان که می‌توانند، هر روز بر وسعت دایره دارایی‌ها و توانایی‌های خود می‌افزایند و آنان که نمی‌توانند، به سوی عقده‌های روانی و اجتماعی و در نهایت شورش و انتقام‌گیری سوق داده می‌شوند.

در نقطه مقابل، اهتمام بیش از اندازه بر محدودیت‌ها و تنگ‌تر کردن دایره حقوق به نفع حدود، موجب خمودی و گرفتن نشاط و ابتکار از انسان‌هاست. پررنگ کردن مسئولیت و یادآوری مداوم جرایم و مجازات‌ها باعث می‌شود عافیت‌طلبی بر طبع آدمی غلبه کند و از بیم گرفتار آمدن در دام مسئولیت‌های خواسته یا ناخواسته، حفظ وضع موجود را بر هر تغییری ترجیح دهد و به سری که درد نمی‌کند، دستمال نبندد.

یافتن نقطه تعادل میان حقوق و حدود همان هنری است که از قانونگذاران انتظار می‌رود و قانونگذاران مطبوعات و رسانه‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. قانون مطبوعات باید چنان متوازن و متعادل باشد که نه راه را بر تضييع حقوق جامعه، برهم‌زدن نظم عمومی و یا تجاوز به حریم خصوصی افراد بگشاید و نه موجب سانسور یا خود سانسوری شود و نیروی جسارت و نوآوری را از فعالان رسانه‌ای باز ستاند. بررسی تحلیلی قوانین مطبوعاتی در کشور ما نشان می‌دهد در برقراری این توازن، کمتر موفق بوده‌ایم و البته این ناکامی بی‌تأثیر از پیشینه تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی نبوده است. برای مثال به دلیل وابستگی رادیو و تلویزیون به دولت، تمایلی به وضع قوانین محدود کننده و مسئولیت آفرین برای آن وجود نداشته است و هم اکنون نیز حداکثر آن است که بتوان به قواعد عمومی استناد کرد اما از سوی دیگر مطبوعات، به دلیل وضع متفاوتی که داشته‌اند، همواره شاهد تکیه بیشتر بر ممنوعیت‌ها بوده‌اند. تغییر و تدوین قانون مطبوعات در دوران‌های گذار و بحران‌های اجتماعی نیز باعث شده است در اکثر موارد ناظر به تعیین حدود و مسئولیت‌ها باشند تا تبیین حقوق و آزادی‌ها (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۴۲). حتی قانون مطبوعات فعلی که پس از استقرار جمهوری اسلامی تدوین شده و بیش از موارد قبلی بر امتیازات و توانایی‌های آنها تأکید دارد، تنها سه ماده به «حقوق مطبوعات» اختصاص داده است. این در حالی است که فصل‌های چهارم و ششم با عنوان «حدود مطبوعات» و «جرایم» حاوی بیش از ۱۵ ماده مفصل است. حمایت نکردن از حقوق و مالکیت‌های معنوی (کپی رایت) نیز از خلأهای آشکار در حقوق رسانه‌ای کشور ماست که به ویژه در حوزه تولیدات سینما، رادیو و تلویزیون مشکل آفرین شده است.

۲-۳. عمومیت و رسانه محوری

«قانون مطبوعات» قدیمی‌ترین قانون رسانه‌ای در جهان است؛ همان‌گونه که در متون حقوق بین‌المللی نیز تنها بر «آزادی مطبوعات» (Freedom of press) تأکید می‌شده است؛

البته مقصود آنان از واژه مطبوعات، معنای لغوی آن یعنی هر نوع مواد چاپی نظیر کتاب و اعلانات بوده و اختصاص به نشریات دوره‌ای نداشته است. به همین دلیل است که برای مثال اولین قانون مطبوعات ایران (مصوب ۱۸ اسفند ۱۲۸۶)، مقررات مربوط به «چاپخانه و کتاب فروش»، «طبع کتب»، «روزنامه‌جات مقرر» و «اعلانات» را به ترتیب در فصل اول تا چهارم گنجانده است.

علت اهتمام به قانون‌مند کردن مطبوعات آن بوده است که در گذشته نه چندان دور تنها رسانه فراگیر، همین مطبوعات بوده‌اند؛ افزون بر آن که فرستنده‌های رادیویی یا تلویزیونی در مالکیت و یا دست کم تحت نظارت کامل دولت‌ها فعالیت می‌کرده‌اند و از این رو نیازی به تدوین مقررات برای آنها احساس نمی‌شده است. این در حالی است که در یک مطالعه تاریخی تردید نمی‌توان کرد «روزنامه‌ها از بدو پیدایش، مخالفان بالفعل یا بالقوه قدرت‌های مسلط بوده‌اند.» (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۳۱) اما دوران ما چنین نیست. مطبوعات، مهم و تاثیرگذار هستند اما رقیبانی جدی پیدا کرده‌اند؛ گذشته از گوناگونی و تنوع نشریات، شبکه‌های مختلف رادیویی یا تلویزیونی به صورت گسترده فعالیت دارند. پیدایش ماهواره و امکان پخش فرامرزی، محدوده و مفهوم حاکمیت ملی و مرزهای جغرافیایی را تحت تاثیر قرار داد و جهان را به دهکده‌ای کوچک برای انتقال پیام‌های متفاوت تبدیل کرد و در نهایت اینترنت توانست مفهوم ارتباطات را چنان دچار دگرگونی و انقلاب کند که مانع مهمی بر سر راه تبادل پیام وجود نداشته باشد؛ به تعبیر دانشمندان امریکایی اگر هزاره دوم را دورانی می‌شناسیم که بشر در آن برای نخستین بار به فضای سیاره‌ای راه پیدا کرد، سده نخست هزاره سوم را می‌توان قرنی دانست که در آن انسان به ارتباط کامل در زمان حقیقی دست خواهد یافت و ما شاهد چیزی خواهیم بود که آن را «مرگ فاصله‌ها» (The death of distance) خوانده‌اند.

به این ترتیب دیگر مطبوعات تنها، و یا حتی قوی‌ترین، رسانه نیستند و هر یک از انواع وسایل ارتباط جمعی در جای خود مهم و تاثیرگذار شده‌اند. از سوی دیگر نمی‌توان برای هر یک از این رسانه‌ها قانونی مستقل و بیگانه از سایر مقررات ارتباطی تدوین کرد؛ زیرا هر قانون برای ایجاد نظم خاصی به وجود می‌آید و

تعدد نظام‌های حقوقی حاکم بر رسانه‌ها به معنای چندگانگی نظام فرهنگی حاکم بر آنهاست. آثار سوء و تبعات ناشی از این چندگانگی چیزی نیست که پنهان یا قابل تحمل باشد. بحران هویت، شکاف نسلی و تعارض‌های اجتماعی برخی از این آثار نامطلوب است. اگر فرهنگ حاکم بر خانواده‌ای با فرهنگ حاکم بر رادیو و تلویزیون ملی آنان متفاوت باشد، فرهنگ القایی در مدرسه با آنچه در کوچه و خیابان و متن جامعه دیده می‌شود تفاوت داشته باشد، بایدها و نبایدهای تبلیغی در نشریات و کتاب‌های غیررسمی و رسمی (نظیر کتاب‌های درسی)، ناهمساز باشد و...، تربیت عمومی، همبستگی ملی و انسجام اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود.

ایراد دیگری که از چندگانگی قوانین رسانه‌ای ناشی می‌شود، حیرت و سردرگمی فعالان این عرصه است. ممنوع یا جرم‌بودن چیزی در یک رسانه و مباح بودن آن در رسانه دیگر نمونه این بی‌تکلیفی است.

برای مثال می‌توان خبرنگاری را در نظر گرفت که همزمان خبری را به یکی از مطبوعات، یکی از خبرگزاری‌ها و یکی از شبکه‌های صداوسیما ارسال می‌کند. در صورتی که این خبر به هر دلیل نادرست باشد، می‌توان علاوه بر مدیر مسئول، شخص خبرنگار را طبق تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات مورد تعقیب و محاکمه قرار داد؛ این در حالی است که در شرایط کنونی اصولاً شیوه رسیدگی به جرایم اینترنتی نامعلوم (و حداکثر مشمول قانون تعزیرات) است و رسیدگی به جرایم صداوسیما نیز وضعیتی مشابه دارد و حداکثر می‌توان از تعقیب مسئولان (در چه حدی؟!) سخن گفت و نه شخص خبرنگار.

به همین جهات است که باید به جای قانون مطبوعات و مانند آن، به دنبال قانون ارتباطات جمعی یا قانون رسانه‌ها بود؛ ضرورتی که خوشبختانه در برنامه چهارم توسعه کشور مورد توجه قرار گرفته است. این برنامه، گرچه از «بازنگری و اصلاح قوانین مطبوعات و تبلیغات» (بند ب ماده ۱۱۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) سخن گفته شده است، اما در نهایت دولت را

موظف به «تهیه لایحه قانون جامع ارتباطات در سال اول برنامه چهارم» (بند ج ماده ۵۷) (یعنی سال ۱۳۸۴) کرده است.

طبیعی است که «رسانه» محوری قانون به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های حقوقی در ساختار و کارکرد رسانه‌ها با یکدیگر نیست. مقصود آن است که در حوزه مشترک میان انواع وسایل ارتباط جمعی (مانند مقررات محتوایی) نظم واحدی حکومت کند و این منافاتی با اشاره به جنبه‌های اختصاصی هر رسانه ندارد. برای مثال تفاوت مطبوعات با صداوسیما در امکان مالکیت خصوصی نیز در جای خود قابل ذکر است.

۳-۳. تقویت جایگاه خود تنظیمی (Self Regulation) و اخلاق حرفه‌ای (Professional Ethics)

قانون برای ایجاد نظم مطلوب در هر عرصه‌ای لازم است اما کافی نیست؛ به ویژه در عرصه فعالیت‌هایی که با مردم و حقوق آنان ارتباط بیشتری دارد. تجربه بشری نشان داده است در این گونه موارد باید علاوه بر استفاده از ابزارهای قانونی، به تقویت انگیزه‌های مشارکت جویانه نیز تاکید کرد و نظارت‌های درونی را به کمک گرفت. فعالان رسانه‌ای نیز از این قاعده مستثنا نیستند و به همین دلیل به موازات وضع قوانین، تدوین نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای نیز متداول شده است. در میان رسانه‌ها، البته، مطبوعات در این زمینه بیشتر مورد توجه و دارای سابقه هستند. کارل هوسمن که دارای مطالعات و آثاری در این باره است، شهادت می‌دهد: «مطالعه اخلاق روزنامه‌نگاری رشدی فزاینده داشته است. با آن‌که تقریباً یک دهه قبل، تعداد کتاب‌ها در زمینه اخلاق روزنامه‌نگاری از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد، امروزه ده‌ها کتاب در این زمینه وجود دارد، چندین نشریه ادواری که در سطح ملی چاپ و منتشر می‌شوند، تماماً به این موضوع اختصاص داشته و ده‌ها نشریه دیگر به گونه‌های منظم مقالات و مطالبی درباره اخلاق روزنامه‌نگاری که برخی از صاحب‌نظران از روی شوخ طبعی این دو واژه را ناقض یکدیگر خوانده‌اند، منتشر می‌کنند.» (هوسمن، ترجمه داود حیدری، ۱۳۷۵: ۷)

طبق گزارش مک براید: «تدوین هنجارهای اخلاق حرفه‌ای برای نخستین بار در سال‌های دهه ۱۹۲۰ آغاز شد. در حال حاضر تعداد شصت کشور در سراسر دنیا نظام‌نامه‌های کم و بیش گسترده‌ای را که اغلب مورد پذیرش خود اشخاص حرفه‌ای قرار گرفته است، پذیرفته‌اند... از سوی دیگر شمار نظام‌نامه‌هایی که حاوی اصول حاکم بر وظایف و مسئولیت‌های روزنامه‌نگاران در قبال جامعه بین‌المللی یا کشورهای خارجی باشد، اندک است... این مسئله برای نخستین بار... در چهارچوب سازمان ملل مورد بحث قرار گرفت. بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۲ کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات و مطبوعات، پیش‌نویس نظام‌نامه بین‌المللی اصول اخلاقی پرسنل اطلاعاتی (Draft International Code of Ethics for Information Personnel) را تهیه کرد. در سال ۱۹۵۴ مجمع عمومی تصمیم گرفت روی این پیش‌نویس اقدامی نکند و بعداً آن را به رسانه‌ها و انجمن‌های صنفی آنها ارسال داشت تا آن طور که مناسب بدانند اقدام کنند.» (مک براید، ترجمه ایرج یاد، ۱۳۷۵: ۱۸۰).

البته اینک باید تهیه و تصویب «پیش‌نویس قواعد اخلاق حرفه‌ای بین‌المللی» (قطعه‌نامه شماره (۱۴) ۴۲۲ (ب) مورخ ۱۹۵۲ شورای اقتصاد و اجتماعی سازمان ملل) در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد را نیز به فهرست این تلاش‌ها افزود. ماده هشت «اعلامیه اصول اساسی نقش رسانه‌های گروهی در تقویت صلح و تفاهم بین‌المللی، ترویج حقوق بشر و مبارزه با نژادپرستی، آپارتاید و تحریک جنگ» (قطعه‌نامه شماره ۴/۹/۳/۲ مورخ ۱۹۷۸ کنفرانس عمومی یونسکو) نیز تاکید کرده است: «سازمان‌های حرفه‌ای و افرادی که در آموزش حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و سایر عوامل رسانه‌های جمعی مشارکت دارند و آنها را در انجام کارهایشان به صورت مسئولانه کمک می‌کنند، بایستی در مقام تهیه و اجرای قواعد اخلاق حرفه‌ای اهمیت خاصی به اصول این اعلامیه بدهند.»

تدوین اصول اخلاق حرفه‌ای و تشویق اصحاب رسانه‌ها به اجرای آن، ضمن آن‌که هزینه‌های مادی و معنوی دولت در وضع قوانین و نظارت بر اجرای آن را کاهش

می‌دهد، چون با تمایلات و انگیزه‌های درونی فعالان رسانه‌ها همسو است، ضمانت اجرای بیشتری خواهد داشت.

این در حالی است که یکی از انتقادات وارد بر قوانین رسانه‌ای موجود در کشورها خلط مرزهای حقوق و اخلاق است. این اشتباه موجب تبدیل قبح اخلاقی به قبح قانونی و سبک‌تر شدن تخلف در نگاه عمومی است به ویژه آن که در این گونه موارد اصولاً مجازات متخلفان نیز ممکن نبوده و نیست.

برای مثال در بند ۳ ماده ۶ قانون مطبوعات «تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر» به مثابه یکی از موارد «اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی» ممنوع تلقی شده است اما باید توجه داشت ضمن ابهام مفهومی و دشواری داوری درباره مصداق‌ها، نه در این قانون و نه در قوانین دیگر، مجازاتی برای متخلفان از آن تعیین نشده است و همین امر این دستور قانونی را در عمل بی‌اثر ساخته است؛ این در حالی است که اگر خودداری از «تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر» یک وظیفه اخلاقی و رسالت اجتماعی تلقی شود، بی‌تردید موثرتر خواهد بود. شاید به همین جهت بوده است که همین موضوع به مثابه یکی از رسالت‌های مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی ایران در بند «د» ماده ۲ همان قانون ذکر شده است و معلوم نیست تکرار آن با عنوان یک عمل مجرمانه چه سودی در برداشته است.

«قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» که در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، مثال روشن دیگری در این باره است. قانون یاد شده طی ۶۴ ماده، به طور مفصل توصیه‌های آرمانی و اخلاقی مورد نظر را تبیین کرده است؛ بدون آن‌که از الزام‌های مرسوم قوانین برخوردار باشد.

بنابراین باید پذیرفت که راه حل همه مشکلات «مقررات‌گذاری» نیست. چه بسا در مواردی «مقررات‌زدایی» مفیدتر و موثرتر از «مقررات‌گذاری» باشد. باید به سمتی رفت که با اعتماد به درک متقابل رسانه، حاکمیت و جامعه و علاقه هر یک به حفظ منافع ملی، رعایت بسیاری از بایدها و نبایدها، برخاسته از انگیزه‌های درونی باشد؛ راه‌حل

سودمند و مفیدی که در دنیای امروز به مثابه «خودتنظیمی» از اهمیت فراوانی برخوردار شده است.

شاید بتوان بارزترین نمونه خود تنظیمی رسانه‌ها را در ایران «مجموعه مقررات و ضوابط تولید و پخش آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی»^{۱۰} دانست. این مجموعه، در قالب ۸۱ اصل به تعیین ضوابطی پرداخته است که باید در تولید و پخش آگهی‌های بازرگانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران رعایت شود. با چشم‌پوشی از نقدهایی که ممکن است از برخی جهات به این مجموعه وارد باشد، تلاش قابل تحسینی است که خود این رسانه برای ضابطه‌مند کردن بخشی از فعالیت‌های خود نشان داده است؛ بدون آن که الزام قانونی بر آن وجود داشته باشد.

۴-۳. تاکید بر نظارت‌های صنفی (Professional Control) و مدنی (Civil Control)

شکی نیست که حتی با وضع بهترین قوانین و نیز ترویج اخلاق حرفه‌ای، باز هم نمی‌توان از نقض عمدی یا غیرعمدی مقررات آسوده خاطر بود. به هر حال و با هر انگیزه، گذر از خط قرمزهای قانونی ممکن بوده و هست. بنابراین نظارت بر کارکرد رسانه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است.

با وجود این، نظارت دولتی که گاه «نظارت قانونی» هم نامیده می‌شود، ضمن آن که هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی بر حکومت‌ها تحمیل می‌کند، به طور طبیعی نمی‌تواند چنان گسترده باشد که همه فعالیت‌های مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما و دیگر انواع وسایل ارتباط جمعی را در بر بگیرد.

به همین جهت، استمداد از نهادهای صنفی و مدنی می‌تواند جایگزین مناسب و یا همکار سودمندی برای نظارت‌های دولتی محسوب شود.

اعطای حق نظارت به نهادهای صنفی و تاکید بر آن، علاوه بر این که بار سنگینی از دوش دولت برمی‌دارد موجب می‌شود، به دلیل تخصص و احیاناً بی‌طرفی نهادهای صنفی، آرای آنان از مقبولیت بیشتری در میان همان حرفه برخوردار باشد. برای مثال، همان‌گونه که حکم سازمان نظام پزشکی در مورد کوتاهی و تخلف یک پزشک در

انجام وظایف حرفه‌ای، مقبولیت بیشتری از حکم یک قاضی در جامعه پزشکی دارد، داوری یک تشکل صنفی خبرنگاری مبنی بر خروج یک خبرنگار از موازین حرفه‌ای نیز پذیرش بیشتری در جامعه رسانه‌ای خواهد داشت.

بنابر گزارش مک براید، «شوراهای مطبوعاتی و رسانه‌ای» تقریباً در تمام مناطق دنیا وجود دارد. این شوراها که برای رسیدگی به موارد نقض اصول اخلاق حرفه‌ای به وجود آمده‌اند، تلاش می‌کنند با ایجاد توافق میان شاکی و رسانه، تا حد ممکن از قضایی شدن پرونده‌ها جلوگیری کنند. ترکیب اعضای این شوراها، در کشورهای مختلف متفاوت است اما «معمولاً احساس می‌شود که یک شورای مطبوعاتی باید از کنترل دولت، آزاد و شامل نمایندگان عامه و نیز مالکان رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران باشد.» در مجموع باید گفت، «به نظر می‌رسد شوراهای مطبوعاتی و رسانه‌ای ضمن این که به طور چشمگیر متفاوتند، دست کم مخرج مشترکی دارند؛ به این معنا که هرگاه رسانه‌ها خود در برپایی شوراها ابتکار عمل را به دست می‌گیرند، این شوراها به مثابه محاکم افتخاری خود انضباطی عمل می‌کنند. این محاکم به وضوح، محاکمی دموکراتیک هستند؛ یعنی همه اشخاص حرفه‌ای قواعد رفتار صنفی را، که از سوی اکثریت وضع می‌شود، رعایت می‌کنند.» (مک براید، همان: ۱۸۳ - ۱۸۱)

همچنین برای نظارت بر عملکرد رسانه‌ها می‌توان از نهادهای مردمی و مدنی (Ngo)ها بهره فراوان برد. در بسیاری از کشورها، سازمان‌های غیردولتی و مردمی، داوطلبانه و براساس علاقه‌های گروهی، مراقب فعالیت رسانه‌ها هستند؛ گروهی، بر این نکته حساسیت دارند که مبدا حقوق کودکان در رسانه‌ها نادیده گرفته شود و گروهی دیگر، حفاظت از حقوق زنان را سرلوحه فعالیت خود قرار داده‌اند. گروهی به مبارزه با دخانیات گرایش دارند و گروه دیگر، به حفظ محیط زیست و ...

با تقویت جایگاه این سازمان‌ها و تشویق آنها به نظارت بر کارکرد رسانه‌ها می‌توان بار سنگینی از دوش دولت و قوه قضائیه برداشت. جالب این که در برخی کشورها، به همین نهادهای صنفی یا مدنی، اجازه طرح شکایت در مراجع قضایی نیز اعطا شده است.

یکی از خلأهای قانونی در کشور ما، نادیده گرفتن این گونه ظرفیت‌های وسیع، موثر و کم هزینه است. با این که در سال‌های اخیر، با گسترش فرهنگ مشارکت عمومی و مردمی شاهد تأسیس و فعالیت چندین تشکل حرفه‌ای و صنفی بوده‌ایم، باید به تحکیم مبانی حقوقی استقلال حرفه‌ای مطبوعات (و به طور کلی رسانه‌ها) نیز بیاوریم.

قانون مطبوعات و دیگر قوانین کنونی اشاره‌ای به جایگاه و اختیارات این گونه تشکل‌ها ندارند و در این زمینه حداکثر به مقررات عام استناد می‌شود. همین وضعیت در مورد نهادهای غیردولتی و مردمی نیز وجود دارد که در مجموع باز اندیشی در سازوکارهای حقوقی را ایجاب می‌کند.

شگفت‌انگیز این که طبق ماده ۲۹ قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲/۷/۲۷: «کارکنان سازمان تا زمانی که در خدمت این سازمان هستند از هرگونه فعالیت سیاسی، حزبی و صنفی در داخل سازمان ممنوع خواهند بود.»

فلسفه ممنوعیت فعالیت‌های سیاسی و حزبی در رسانه ملی روشن است اما معلوم نیست چرا فعالیت صنفی نیز به این ممنوعیت افزوده شده است.

۳-۵. رعایت اصول قانون‌نویسی

قانون‌نویسی متفاوت از قانونگذاری است. پس از آن که نیاز به قانون در زمینه‌ای احراز شد، شیوه نگارش قانون یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در این باره، اشاره به موارد زیر سودمند است:

الف - لزوم انعطاف‌پذیری و تناسب با فناوری‌های نوین

در تدوین قانون جامع رسانه‌ها باید شتاب تحولات فناوری را در نظر گرفت و به گونه‌ای عمل کرد که قانون کارآمدی خود را از دست ندهد. برای مثال تکیه بر عنصر چاپ و انتشار سنتی در تعریف مطبوعات، متناسب با دگرگونی‌های جهان معاصر

نیست. در دنیای امروز، چاپ و «کاغذ» اهمیت اساسی ندارد و نباید مبنای قانونگذاری قرار گیرد. پیدایش مطبوعات و رسانه‌های رایانه‌ای و گسترش روزافزون مراجعه به فضای سایبر برای دسترسی به اطلاعات یا انتقال آن، ایجاب می‌کند در تعریف سنتی «مطبوعات» و محدود ساختن حوزه شمول مقررات به نشریات چاپی و کاغذی، بازنگری شود.

همچنین با توجه به فناوری‌های نوین و انتقال آسان صوت و تصویر از طریق شبکه‌های رایانه‌ای، رفته رفته، فلسفه وجودی ماده ۷ قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران کم‌رنگ می‌شود. طبق این ماده: «تاسیس فرستنده و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در هر نقطه کشور در انحصار این سازمان بوده و چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام به تاسیس یا بهره‌برداری از چنین رسانه‌هایی کنند، از ادامه کار آنان جلوگیری به عمل آمده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.»

ب - شفافیت و دوری از ابهام و اجمال

یکی از بایسته‌های اصلی قانون‌نویسی، اجتناب از استعمال الفاظ و اصطلاحاتی است که تحمل برداشت‌های گوناگون، و حتی متعارض را دارد.

به کارگیری عبارت‌ها و واژگان مبهم و چند وجهی، نه تنها نظم مورد نظر را به وجود نمی‌آورد، که زمینه‌ساز توجیحات شبه قانونی و رسمیت بخشیدن به نزاع و آشفتگی اجتماعی می‌شود. برای مثال طبق ماده ۱۶ قانون مطبوعات، انتشار نیافتن منظم یک نشریه «اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود.»

چنان که ملاحظه می‌شود، در این ماده، اجازه لغو پروانه (که از خطرترین تصمیم‌گیری‌های مطبوعاتی است) به تشخیص اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات نهاده شده است بدون آن که هیچ ضابطه و معیاری برای «عذر موجه» معین شده باشد. طبیعی است در این حالت، اعضای هیئت یاد شده می‌توانند هر عذری را به دلخواه و سلیقه

خود، موجه یا غیرموجه، محسوب کنند. نمونه بارزتر جرم‌انگاری «استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی ...» در بند ۱۰ ماده ۶ همان قانون است؛ در حالی که این الفاظ، دارای مراتب و برداشت‌های گوناگونی است و به این ترتیب، اصل وقوع جرم و مجازات آن به برداشت و سلیقه شخص قاضی بستگی خواهد داشت.

ج - قابلیت اجرا و سودمندی

فراهم نبودن امکان اجرا، بزرگ‌ترین ایراد ممکن بر یک قانون است. این ایراد نه تنها اثر وجودی آن قانون را از بین می‌برد بلکه به طور کلی فرهنگ قانون‌گرایی را نیز تضعیف می‌کند. برای مثال طبق ماده ۱۳ قانون مطبوعات: «هیئت نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه، درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگی‌های لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد، جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید.»

همان‌گونه که می‌دانیم، این تکلیف قانونی، به هر دلیل، اجرا نمی‌شود. آسیب‌شناسی مسئله (که می‌تواند ناشی از ترکیب هیئت نظارت، سازوکار اداری و روند طولانی اخذ پروانه، کوتاه بودن مدت یا هر دلیل دیگر باشد) کمک می‌کند حرمت قانون در ذهن متقاضی و مجری، این‌گونه کم رنگ نشود.

نمونه دیگر قوانینی که عملاً ارزش اجرایی خود را از دست می‌دهند، مقرراتی است که حتی در صورت اجرا بی‌تاثیر خواهند بود. برای مثال حضور هیئت منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، دستور اکید و صریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی است. قانون مطبوعات نیز به تفصیل در فصلی جداگانه (فصل هفتم، مواد ۴۴ - ۳۶) شیوه انتخاب، شرایط اعضا و نحوه مشارکت آنان در دادرسی را تعیین کرده است. با این حال طبق تبصره‌های ماده ۴۳ رای هیات منصفه تنها جنبه مشورتی داشته و مثلاً «در صورتی که تصمیم هیات منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رای بر براءت صادر کند.»! طبیعی است که در این صورت انگیزه‌ای برای عضویت در هیئت منصفه و

مشارکت فعال در روند دادگاه باقی نمی ماند و این خواست قانون اساسی به توصیه ای فاقد اثر حقوقی تبدیل می شود.

نمونه بارز دیگر، «قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» (مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳) است که قابلیت اجرایی خود را از دست داده است.

د- ضمانت اجرا و الزام آوری

قانونی که مخاطبان رعایت آن را الزامی نپندارند و نقض کنندگان آن کیفر نبینند، اثر وجودی خود را از دست می دهد. به همین جهت باید به موازات هر الزام حقوقی، واکنش قانونی متناسب با آن را هم پیش بینی کرد. برای نمونه «تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر»، «ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه»، «استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مردم) در تصاویر و محتوا» و «تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی» در بندهای مختلف ماده ۶ قانون مطبوعات ممنوعیت هایی شمرده شده اند که باید از آن اجتناب شود.

اما این موارد، علاوه بر ابهام در مفهوم و مصداق، دارای ضمانت اجرای مناسب نیستند و به همین دلیل کمتر می توان شاهد پیامدهای حقوقی برای نقض آنها بود. «حق کسب خبر» که در ماده ۵ «حق قانونی مطبوعات» شمرده شده و به صراحت مورد تاکید قرار گرفته است، نمونه دیگری است که به دلیل نامتناسب و ناکافی بودن ضمانت اجرا، در عمل کمتر مورد استناد قرار می گیرد.

پی نوشت ها

- ۱- ساکت، محمد حسین؛ حقوق شناسی؛ دیپاچه ای بر دانش حقوق / مشهد؛ نشر نخست، ۱۳۷۱.
- ۲- کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی حقوقی ایران / چاپ ۱۱، تهران: انتشار، ۱۳۷۷.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق / تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۷.

۴- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق: ۴۸.

5. W.J.Brown, GSCE Law

۶- ساکت، محمد حسین، دیباچه‌ای بر دانش حقوق: ۲۰۱

۷- یادآور می‌شود که اصطلاح حقوق خصوصی، گاه تنها در مقابل حقوق جزا

(Criminal Law) به کار می‌رود که نباید آن را با آنچه گفته شد اشتباه کرد.

۸- برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آد بورن، بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه، ترجمه: مهرسیما فلسفی،

مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۹؛

به‌ویژه بخش سوم (صص ۲۳۵ - ۱۵۵) تحت عنوان «رسانه‌ها در خدمت توسعه»

۹- پروژه استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن بیست و یکم که در سال ۱۹۹۸ توسط وزارت دفاع امریکا

براساس وظایف قانونی محوله طراحی و به مدت سه سال به طول انجامید، یکی از بزرگ‌ترین

پروژه‌های تحقیقاتی پیرامون مسائل استراتژیک و امنیت ملی امریکا بوده است.

۱۰- برای دیدن این مجموعه، ر.ک: آگهی، آگاهی، (از انتشارات نخستین جشنواره آگهی برتر)، اداره

کل بازرگانی صداوسیما، ۱۳۸۰، صص ۳۲ - ۲۱.

حقوق پخش فرامرزی

غلامرضا رفیعی*

چکیده

توسعه فناوری ارتباطات و کارآمدی ابزارهای نوین ارتباطی در پخش برنامه‌های فرامرزی به مثابه عامل تسهیل کننده و فزاینده ارتکاب جرایم مرتبط با پخش این برنامه‌ها، ضرورت تحلیل نظام حقوق کیفری کشورها را در پاسخگویی به حل و فصل مشکلات حقوقی برون مرزی، قطعی نماید. در این مقاله با توجه به اصل ممنوعیت پخش بعضی برنامه‌ها در حقوق بین الملل و قوانین ملی بسیاری از کشورها، به ابعاد گوناگون پخش فرامرزی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی با توجه به نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران توجه شده است. به همین منظور مفهوم جرم در قوانین جزایی ایران بر اساس ۲ قانون مجازات اسلامی تعریف و محدوده اعمال و شمول قوانین جزایی با استناد به سه اصل صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی و صلاحیت واقعی تشریح شده است. آنگاه سه ویژگی عمده جرایم مرتبط با پخش فرامرزی یعنی دخالت عنصر خارجی، قلمرو جغرافیایی و دقت و سرعت اثربخشی تبیین شده و در بخش سوم شمول قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران در دو بخش: جنبه‌های جزایی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ و نظر مقنن در قانون مجازات اسلامی مورد بحث قرار گرفته است.

* مدرس دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری و عضو گروه مطالعات حقوقی اداره کل حقوق سازمان

مقدمه

در این مقاله، اصل ممنوعیت پخش بعضی از برنامه‌ها، چه در حقوق بین‌الملل و چه در قوانین ملی بسیاری از کشورها، امری پذیرفته شده و مفروض انگاشته شده است، از این رو هدف، بررسی موضوع و ابعاد حقوقی آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران است. برای مثال شورای اروپا^۱، مقررات بسیار دقیقی را در خصوص پخش برنامه‌های ممنوعه رادیویی و تلویزیونی در «کنوانسیون اروپایی راجع به پخش برنامه‌های تلویزیونی فرامرزی^۲ و ماهواره‌ای» به تصویب رسانده و ضمن ممنوع دانستن پخش بسیاری از این برنامه‌ها، تصویب قوانین تفصیلی و کامل‌تر را به شرطی که شدیدتر از مقررات کنوانسیون یاد شده و اصول راهنمای^۳ مصوب شورای اروپا باشد، به قوه مقننه کشورهای اروپایی محول کرده است.

از سوی دیگر، مطالعه «سند راهنمای شورای اروپا» در خصوص پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و فرامرزی بیانگر اهمیت موضوع ممنوعیت پخش برنامه‌ها در حقوق بین‌الملل و تمایل کشورهای مختلف به جلوگیری از پخش افسار گسیخته برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و فرامرزی است^۴ نمونه تقنین ملی کشورهای اروپایی، قانون آزادی ارتباطات (یا قانون موسوم به سی. اس. ای) مصوب سپتامبر ۱۹۸۶ با اصلاحات انجام شده در ژانویه سال ۱۹۸۹ و اوت سال ۲۰۰۰ میلادی است^۵ که البته دو مورد از آرای صادره به استناد این قانون، در مورد شبکه ماهواره‌ای المنار لبنان و شبکه ماهواره‌ای سحر (۱) سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، متأثر از انگیزه‌های سیاسی و نفوذ بالای لابی صهیونیست‌ها در کشور فرانسه بوده است.

توضیح این نکته لازم است که کشورهای اروپایی، پیرو تصویب کنوانسیون اروپایی و اصول راهنمای مصوب شورای اروپا، یا قوانین موجود را مورد اصلاح و تغییر قرار دادند یا قوانین جدیدی را در این خصوص به تصویب رساندند که مهم‌ترین نمونه آن کشور فرانسه است.

بحث درباره نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران را با طرح این پرسش آغاز می‌کنیم که آیا اساساً از طریق پخش برنامه‌های فرامرزی رادیویی و تلویزیونی^۱، امکان ارتکاب جرم وجود دارد یا نه؟

در این مورد، بارزترین نمونه، پخش برنامه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی^۲ است. هیچ حقوقدانی منکر این نیست که وسایل و ابزارهای نوین فناوری که در خدمت رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، نه تنها مانع ارتکاب جرم نشده‌اند بلکه در بعضی مواقع، عامل تسهیل‌کننده آن هم بوده‌اند.

امروزه یکی از بارزترین مصادیق ارتکاب جرم از طریق برنامه‌های فرامرزی رادیویی و تلویزیونی، اشاعه فساد و فحشاست. در حال حاضر، بخش اعظمی از برنامه‌های فرامرزی، به‌ویژه آنهایی که متعلق به برخی کانال‌های خاص ماهواره‌ای است، نه به‌طور بیست‌وچهارساعته، اما اغلب در ساعاتی از شبانه‌روز، اقدام به پخش برنامه‌هایی می‌کنند که نمودهایی از اشاعه فحشا و فساد دارد. این امر نه تنها در کشور ما بلکه در کشورهای دیگر نیز مورد اعتراض واقع شده است. برای مثال، کشور چین یا سنگاپور که دارای حکومت‌هایی لائیک هستند و دین رسمی در قانون اساسی آنها وجود ندارد، صرفاً به منظور مقابله با جنبه‌های منفی این برنامه‌ها، از پخش آنها جلوگیری می‌کنند. سنگاپور نیز که جمعیت بسیار کمی دارد و از نظر سیاسی و اقتصادی، یک کشور لیبرال و آزاد محسوب می‌شود، فقط به منظور حفظ آتیه نسل جوان خود اقدام به وضع قوانینی در خصوص آزاد نبودن استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای کرده است.

تحریف و پخش مجدد آثار تلویزیونی پخش شده از سوی سایر شبکه‌های تلویزیونی، از مصادیق دیگر موضوع (ارتکاب جرم) است. نمونه این تحریف، در پخش مجدد مجموعه امام علی (ع) توسط یکی از شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان امریکا اتفاق افتاده است. همان‌گونه که می‌دانید این مجموعه با استناد به منابع علمی و تاریخی مذهب امامیه و مذهب عامه یا برادران اهل سنت و جماعت تهیه شده است چنان که در ابتدای پخش آن در سیمای جمهوری اسلامی ایران عنوان این منابع نمایش

داده می‌شد اما در سال ۱۳۸۱، یک کانال تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی زبان، این مجموعه را به صورت گزینشی پخش کرد و ابتدای آن را که متضمن اعلام منابع روایی شیعه و سنی مجموعه بود حذف کرد. تغییراتی که در نحوه پخش این برنامه ایجاد شد به نحوی بود که اگر فرد بی‌اطلاعی آن را می‌دید، ممکن بود تصور کند این مجموعه در پی سرکوب کردن برادران اهل سنت و جماعت است و صرفاً جنبه اشاعه و یا سلطه‌جویی مذهب شیعه را دارد. از سوی دیگر چنین برنامه‌هایی می‌تواند باعث ضربه زدن به حاکمیت ملی شود، در این زمینه نیز مثالی از کشور مالزی می‌آوریم. در سال‌های ۹۶ - ۱۹۹۵ که مشکلات اقتصادی کشورهای آسیای جنوب شرقی آغاز شد، شبکه تلویزیونی سی.ان.ان آمریکا، برنامه‌ای تلویزیونی را در خصوص جنگ‌های داخلی ۱۹۶۸ مالزی و خونریزی‌های زیادی که در آن زمان در کشور مالزی، رخ داده بود به نمایش درآورد اما نخست وزیر وقت مالزی رسماً به این اقدام اعتراض کرد؛ به این دلیل که اگر چه برنامه یاد شده و یا بخش‌هایی از آن، بیانگر وقایع تاریخی و مستند بود، پخش آن می‌توانست موجب زنده کردن عناد و کینه بین مالزیایی‌های بومی (بومی پوتراها) و سایر اقوام ساکن آن کشور شود و در نهایت، با توجه به چندقومی و چند نژادی بودن کشور مالزی، به امنیت و حاکمیت ملی آن ضربه وارد کند.

مثال دیگر در مورد کشور خود ماست. در حدود دو یا سه سال پیش، فردی به نام احمد بهبهانی که از زندان‌های جمهوری اسلامی ایران (در حین تحمل محکومیت حبس) به خارج از کشور گریخته بود، با این ادعا که از مقامات اطلاعاتی ایران است، اظهارات دروغی را منتشر ساخت. در کمتر از بیست و چهار ساعت، تمام یا اکثر قریب به اتفاق شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی این مطالب را پخش کردند و تبلیغات گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداختند. اگر چه پس از سی و پنج یا شش ساعت، وزیر امور خارجه وقت آمریکا در تلویزیون حاضر شد و گفت بر اساس نظر کارشناسان امنیتی آمریکا، که موفق به دیدن احمد بهبهانی شده‌اند، وی بیشتر یک شیاد و متقلب است، چون حتی نمی‌تواند دستگاه‌های اولیه امنیتی ایران را شناسایی کند و از آن سر

در بیاورد، اما با وجود چنین تکذیبی، همین تبلیغات بیست و چهارساعته جهانی، موجب مخدوش جلوه دادن چهره نظام جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی شد.

بخش اول: نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران

هدف از ذکر چند مثال در مقدمه فوق، این بود که بگوییم نه تنها از جهات متعدد، امکان تحقق بزه یا جرم از طریق پخش فرامرزی و مستقیم برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی وجود دارد بلکه استفاده از فناوری یاد شده ارتکاب بسیاری از جرایم را تسهیل کرده است.

در اینجا به بحث درباره این جرایم از نظر قوانین جزایی ایران می‌پردازیم. ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهیم که مفهوم جرم در قوانین جزایی ایران چیست؟ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی کشورمان می‌گوید «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». تا زمانی که قانونگذار چیزی را در قانون جرم ندانسته و اعلام نکرده باشد، اگر کسی مرتکب انجام یا ترک آن شود، مجرم نیست. پس از این که بررسی شد آیا این جرایم می‌تواند منطبق با قوانین جزایی ما باشد، بحث محدوده اعمال قوانین جزایی به میان می‌آید.

در حقوق جزا، عمدتاً به سه اصل صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی و صلاحیت واقعی استناد می‌شود. اغلب کشورها نیز در خصوص محدوده اعمال و شمول قوانین جزایی، به این سه اصل استناد می‌کنند. به موجب اصل صلاحیت سرزمینی، جرایم در قلمرو حاکمیت یک کشور باید رخ دهد. در ماده ۳ و ۴^۱ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است جرایم ارتكابی در قلمرو حاکمیت کشور ما، تابع قوانین جزایی ماست. حال اگر پخش برنامه‌های فرامرزی اعم از رادیویی و تلویزیونی، در قلمرو سرزمین جمهوری اسلامی ایران باشد، بدون شک مشمول این قانون می‌شود؛ یعنی همین که این برنامه در ایران پخش شود و برای مردم ما قابل دریافت باشد، اگر منطبق با یکی از عنوان‌های مجرمانه باشد، به طور قطع جرم تلقی می‌شود و مشمول قوانین جزایی قرار می‌گیرد.

طبق اصل صلاحیت شخصی، یک کشور به استناد این که مرتکب جرم تابع آن کشور است اگر چه این فرد در کشور ساکن نباشد، می تواند قوانین جزایی خود را اعمال کند. در ماده ۷^۹ قانون مجازات اسلامی ما نیز به این اصل اشاره شده است. طبق این ماده هر ایرانی، اگر خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران نیز مرتکب جرمی شود در صورتی که در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی ایران مجازات خواهد شد؛ یعنی صرف تبعه ایران بودن کافی است تا مشمول این ماده شود.

سومین اصل که صلاحیت واقعی است، به منافع یک کشور بازمی گردد. یعنی ممکن است مجرم و یا مسئول پخش برنامه تلویزیونی نه تبعه جمهوری اسلامی ایران باشد و نه اساساً برنامه او در قلمرو سرزمین جمهوری اسلامی ایران پخش شده باشد اما جرم ارتکاب یافته به منافع کشور مربوط می شود. مستندات ما در قانون مجازات اسلامی نیز، ماده ۵۱۳^{۱۰} و بند یک ماده ۵^{۱۱} قانون مجازات اسلامی است. در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی^{۱۲} گفته شده است هر کس علیه نظام یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف عملیات تبلیغی انجام دهد، به مجازات محکوم می شود. اینجا دیگر قانونگذار مکان فعالیت تبلیغی علیه نظام را مشخص نکرده است که در داخل ایران باشد یا خارج از آن. یا فردی که مبادرت به این عمل کرده تبعه ایران است یا خیر. ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، اهانت به مقدسات اسلام را مشمول مجازات می داند، به خصوص بند یک ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور را جرم تلقی می کند. پس اساساً ما برای این که محدوده اعمال قوانین جزایی خود را در خصوص پخش برنامه های فرامرزی ماهواره ای مشخص کنیم، می توانیم به این سه اصل که در قوانین جزایی ما آمده است، استناد کنیم.

بخش دوم: ویژگی های جرایم ارتكابی

بحث بعدی این است که اساساً جرایمی که از طریق پخش فرامرزی برنامه های تلویزیونی صورت می گیرد، چه ویژگی هایی دارد یا نقاط تمایز آن از بقیه جرایم

چیست؟ با وجود آن که رادیو، تلویزیون و ماهواره‌ها از انواع رسانه‌اند خصوصیات متمایز جرایمی که از طریق آنها ارتکاب می‌یابد، باعث شده است قوانین جزایی کشور ما همانند قوانین جزایی سایر کشورهای جهان متضمن مقررات به نسبت شدیدی باشند.

۱ - دخالت عنصر خارجی

در جرایمی که از طریق پخش برنامه‌های فرامرزی ماهواره‌ای ارتکاب می‌یابند، دخالت یک عنصر خارجی مطرح است. این عنصر ممکن است شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای متعلق به کشور خارجی باشد یا تهیه‌کنندگان یا مرکز پخش این برنامه‌ها، که در این صورت هم اگر جرم در قلمرو سرزمین جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته باشد، طبق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مشمول قوانین جزایی کشور می‌شود. اما اختلاف‌نظرها و تحلیل‌های حقوقی زمانی بیشتر است که یک عنصر خارجی، آن هم خارج از کشور، مرتکب چنین جرمی شود.

۲ - قلمرو جغرافیایی

ویژگی دوم، قلمرو جغرافیایی متأثر از این‌گونه جرایم است. یعنی حتی اگر مطلب یا برنامه‌ای از طریق اینترنت، با همه گستردگی و سرعت انتقال اطلاعات آن، منتشر شود، امکان این که همه افراد به آن دسترسی داشته باشند، خیلی کم است، در حالی که قلمرو مشمول برنامه‌ای که از طریق ماهواره‌ها پخش می‌شود، ممکن است از قاره‌ها هم بگذرد و تعداد بیننده و مخاطبان بسیاری را دربرگیرد. به همین دلیل تأثیرپذیری و نتایج و توابع آن بسیار گسترده‌تر از سایر رسانه‌هاست. یا برای مثال محدودیتی که در شمارگان روزنامه‌هاست در مورد ماهواره‌ها وجود ندارد. بسیاری از روزنامه‌ها از محدوده یک شهر یا کشور خارج نمی‌شوند. برای آن‌دسته از روزنامه‌هایی هم که بین‌المللی محسوب می‌شوند، امکان این که به‌موقع توزیع شوند و در آن واحد، به‌دست همه مردم برسند

وجود ندارد اما رادیو و تلویزیون جغرافیای خاصی نمی‌شناسند و مخاطبان مختلف را از هر قشری در برمی‌گیرند.

۳ - دقت و سرعت اثربخشی

ویژگی دیگر، دقت و سرعت در اثربخشی است. مثال عینی آن نیز قضیه احمد بهبهانی است. هر کشور و هر قانونگذاری درصدد است طبق سیاست‌های قضایی خود، مانع از ارتکاب بعضی جرایم شود اما در خصوص پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، به دلیل نقایص و کمبودهای فنی و با توجه به این که فناوری به سرعت در حال تغییر است، امکان مقابله همزمان و مؤثر یا وجود ندارد یا فناوری آن منحصر به کشورهای خاصی است. نکته بعدی این که، چرا با وجود اهمیت این گونه جرایم؛ یعنی جرایمی که از طریق پخش برنامه‌های فرامرزی ماهواره‌ای ارتکاب می‌یابند، جامعه بین‌المللی و دولت‌ها نتوانستند در خصوص جنبه‌های جزایی آن به یک معاهده بین‌المللی دست پیدا کنند؟ در خصوص مسائل فنی ماهواره از طریق آی تی یو (ITU) به صورت کاملاً کدبندی شده و منظم، توافق‌ها به روز می‌شود و مشکلی بین کشورها وجود ندارد. اما چرا با وجود گرایش رو به تزاید بین‌المللی در یکسان کردن، ساده کردن و یکنواخت کردن مقررات مختلف حقوق بین‌الملل، در زمینه پخش مستقیم و یا غیرمستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی نمی‌توانند به یک نتیجه واحد برسند؟ عمده‌ترین دلیل آن را می‌توان خصوصیات متمایز جرایم ماهواره‌ای دانست؛ جرایمی که از طریق پخش فرامرزی برنامه‌های تلویزیونی واقع می‌شوند. دلیل دیگر این است که بین کشورها وحدت نظری، ولو نسبی، در این زمینه وجود ندارد؛ چون ارزش‌های مذهبی و اعتقادی و ملی هر کشور با کشور دیگر فرق می‌کند. برای مثال ممکن است برنامه‌ای از نظر قوانین جمهوری اسلامی ایران از مصادیق اشاعه فساد و فحشا شمرده شود اما کشور دیگر و یا کشوری که برنامه‌های ماهواره‌ای از آنجا فرستاده می‌شود، چنین نظری نداشته باشند و اصولاً ارزش‌های مذهبی سایر کشورها با جمهوری اسلامی ایران فرق کند. از آنجا که اعمال قوانین جزایی و طبیعتاً اجرای احکام جزایی در ارتباط مستقیم

با حاکمیت و اقتدار ملی کشورهاست و دولت‌ها سعی می‌کنند قوانین جزایی خود را حاکم بر این اعمال و اقدامات مجرمانه بدانند، نسبی بودن مفاهیم و ارزش‌های اعتقادی یکی از علل مهمی است که تا به حال کشورها نتوانسته‌اند به یکسان‌سازی در این زمینه دست یابند؛ هر چند تلاش‌هایی انجام شده است. برای مثال در سازمان ملل کمیته‌ای با عنوان کمیته استفاده صلح‌جویانه از فضای ماورای جو تشکیل شده است و با توجه به این که قلمرو فعالیت ماهواره‌ها در فضای ماورای جو است، اجلاس‌های متعددی را در سی، چهل سال گذشته برگزار کرده‌اند تا بتوانند به نوعی توافق نسبی در خصوص این مسائل دست یابند، اما به دلیل تمایز خاص فناوری فضایی و این‌گونه جرایم از سایر فناوری‌ها و جرایم دیگر و نسبی بودن بعضی از مفاهیم و یا نبود اجماع کلی میان دولت‌ها، این‌گونه اقدامات با شکست مواجه شده است. آخرین بار در سال ۲۰۰۱ در کنفرانس سوم حقوق فضایی، این بحث مجدداً مطرح شد، اما بی‌نتیجه ماند. البته هیچ‌کس مدعی نیست آزادی اطلاعات و پخش آن کاملاً مطلق و بدون هر گونه محدودیت است. امروزه اصل ممنوعیت پخش برخی برنامه‌ها در حقوق بین‌الملل به صورت یک اصل عرفی پذیرفته شده است؛ برنامه‌هایی که منجر به تحریک و شورش مردم یک کشور شود و یا امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد یا برنامه‌هایی که تشویق‌کننده تبعیض نژادی باشد، ممنوع تلقی می‌شود.

بخش سوم: شمول قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران

مسئله بعد بررسی قوانین جزایی کشور و تعیین این است که آیا این قوانین متضمن و دربرگیرنده مصداق‌ها و عنوان‌های جرایمی که از طریق پخش ماهواره‌ای صورت می‌گیرد هستند یا نه؟

۱ - جنبه‌های جزایی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸

ماده یک قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸،^{۱۳} به طور کلی هنرمندان، مؤسسات و سازمان‌های رادیو و تلویزیونی، مؤلفان و کسانی را که دارای

مالکیت ادبی هستند، پدید آورنده، و بلافاصله در ماده ۲^{۱۴} این قانون، آثار هنری و ... را «اثر» ذکر می‌کند. اگرچه در زمان تصویب این قانون در سال ۱۳۴۸، رادیو و تلویزیون فعالیت چندانی نداشتند و طبیعتاً نقض حقوق مالکیت معنوی و مادی آنها به گستردگی امروز نبود، در انطباق این قانون با جرایمی که ممکن است در پخش ماهواره‌ای صورت گیرد، تردیدی نیست. در بندهای یک، دو، سه و چهار و ماده ۲ این قانون که به آثار ادبی مانند نمایشنامه، شعر، سرود، تصنیف و آثار سمعی - بصری و در نهایت موسیقی می‌پردازد، کاملاً روشن و مسلم است که موارد فوق «اثر» تلقی شده‌اند. در ابتدای فصل سوم، این قانون، با عنوان مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت‌های قانونی دیگر به‌خصوص در ماده ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ مواردی را ممنوع اعلام می‌دارد و در فصل بعدی، با عنوان تخلفات و مجازات‌ها، جرایمی را برای آن پیش‌بینی می‌کند. ماده ۱۷^{۱۵} قانون به ممنوعیت القا شبهه از طریق به‌کاربردن غیرمجاز نام و عنوان و نشانه ویژه یک اثر اشاره دارد. ما در حال حاضر در گسترده‌ترین وجه، شاهد نمایش و پخش غیرمجاز برنامه‌ها و آثار متعلق به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران از شبکه‌های ماهواره‌ای به‌خصوص شبکه‌های فارسی زبان هستیم. قسمت اخیر ماده ۱۸^{۱۶} قانون یاد شده نیز ذکر نام پدیدآورنده، عنوان و نشانه ویژه معرف اثر را روی نمونه‌های اصلی یا تکثیر شده لازم می‌داند از این رو استفاده غیرمجاز و بدون مجوز از برنامه‌ها و آثار تلویزیونی ما و پخش آن در برنامه‌های فرامرزی ماهواره‌ای مشمول مواد ۱۷ و ۱۸ این قانون می‌شود نمونه آن، مجموعه امام علی (ع) است، که در ابتدا به آن اشاره شد و مشمول بحث «ممنوعیت تغییر و تحریف آثار بدون اجازه پدیدآورنده» نیز می‌شود.

از سوی دیگر، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی که چند دهه قبل تصویب کرده است، در باب چنین جرایمی کوتاه نیامده و بسیار سخت‌تر از قانون‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ عمل کرده است. طبق قانون سال ۱۳۴۸، کسانی که مواد ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰^{۱۷} قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را نقض می‌کردند، بسته به مورد، به حبس و جبران ضرر و زیان وارد محکوم می‌شدند^{۱۸}. بنابراین، هم سازوکار جبران ضرر و

زیان مادی و معنوی پیش‌بینی شده و از جهت مدنی قوی است و هم از جهت جرم‌شناختن این عمل. همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۶ دی‌ماه ۱۳۵۲. البته این بحث هم مطرح است که آیا برنامه‌های ما که از طریق شبکه‌های فرامرزی پخش می‌شوند، مشمول این قانون هستند یا خیر؟ در ماده ۳^{۱۹} پس از بیان حکم ممنوعیت نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی ضبط‌شده بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر، بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آنان، بلافاصله ذکر می‌شود که حکم مذکور در این ماده، شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد شد. در این قانون، علاوه بر جبران ضرر و زیان شاکی، مجازات حبس از سه ماه تا یک‌سال هم پیش‌بینی شده است.

۲ - نظر مقنن در قانون مجازات اسلامی

در نهایت دیدگاه قانون مجازات اسلامی به مثابه مهم‌ترین بخش نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، در مورد برنامه‌هایی که از طریق شبکه‌های فرامرزی پخش می‌شوند، چیست؟ آیا قانونگذار در خصوص موضوع سکوت کرده است؟ بهتر است پیش از پرداختن به بحث قانون مجازات اسلامی، به این نکته توجه شود که اصل قانونی بودن جرم و مجازات، پذیرش این نکته را نیز اقتضا می‌کند که اگر ما معتقد هستیم نظام کیفری ما عملی را جرم می‌داند، باید قانونی در مورد آن وجود داشته باشد که بتوان به آن استناد کرد. جدا از بحث مربوط به قانون حمایت از مؤلفان، هنرمندان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی در سال ۱۳۵۲، قانون مجازات اسلامی هم موارد متعددی را جرم برشمرده است. پیش از پرداختن به بحث ماهوی این مواد قانونی بهتر است در باب مبانی صلاحیت محاکم ایران بحث شود. بر اساس قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری^{۲۰}، اصولاً اقامه دعوی کیفری، یا به دلیل تخلف از حدود الهی، تعدی به حقوق عامه و اخلال در نظم عمومی است یا به دلیل

تعدی به حقوق شخصی یا اشخاص معین اعم از حقیقی یا حقوقی. هر دعوی کیفری که در محاکم ایران مطرح می‌شود، به یکی از این دلایل است.

شکایات و دعاوی کیفری اشخاص خصوصی نسبت به پخش برنامه‌های تلویزیونی فرامرزی یا ماهواره‌ای عمدتاً جزء شکایات بند دوم است. می‌دانیم اصل ۱۵۹^{۲۱} قانون اساسی، دادگستری جمهوری اسلامی ایران را مرجع رسمی تظلمات و شکایات دانسته است. از ماده ۲ و ۴^{۲۲} آیین دادگستری کیفری استنباط می‌شود که هرکس، پخش یک برنامه تلویزیونی ماهواره‌ای را سند تعدی و تجاوز به حقوق خود بداند در صورتی که برنامه در قلمرو جمهوری اسلامی ایران پخش شده و قابل دریافت باشد، می‌تواند به ادعای نقض حقوق خود به دادگستری مراجعه و اقامه دعوی کیفری کند. دادگاه هم به موجب قانون اساسی نمی‌تواند از رسیدگی به آن استنکاف کند.

مهم‌تر این که ماده ۲۳۸^{۲۳} قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب هم می‌گوید قضاات محاکم عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل ۱۶۷^{۲۴} قانون اساسی، رسیدگی و حکم قضیه را صادر کنند. این امر از حیث آغاز کار و اقامه دعوی یک شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی است که مبادرت به طرح دعوی کیفری علیه یک شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای می‌کند. با اقامه دعوا، دادگاه می‌تواند صلاحیت خود را احراز کند، سپس به مسائل ماهوی آن بپردازد و بگوید آیا این اقدامی که یک شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای انجام داده جرم است و آیا با این مصادیق انطباق دارد؟

در ابتدای این بحث گفته شد ممکن است شکایتی که نزد محاکم ما اقامه می‌شود، به دلیل تعدی به حقوق عامه و یا تخلف از حدود الهی و یا تجاوز و اخلال در نظم عمومی باشد. طبق قوانین کیفری، به خصوص ماده ۲۵۳^{۲۵} قانون آیین دادرسی کیفری، تعقیب متهمان از جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رئیس حوزه قضایی است و یا به استناد بند یک از ماده چهار این قانون، چنانچه رئیس حوزه قضایی این وظیفه را به معاونان خود تفویض کرده باشد، آنان می‌توانند علیه شبکه ماهواره‌ای تلویزیونی نسبت به برنامه‌ای که پخش شده است، اقامه

دعوی کنند. این، نافی آن نیست که به فرض، اگر در یک شبکه تلویزیونی اسرار و اسناد و مدارک امنیتی ما افشا شود، سایر دستگاه‌های دولتی و یا صداوسیما در مقام شاکی به دادگستری جمهوری اسلامی مراجعه کنند. اما اصولاً با توجه به ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری تعقیب اینها از جهت حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی و اخلال در نظم عمومی به عهده رییس حوزه قضایی است که تکلیف این هم در حقوق کیفری ما روشن است.

عمده‌ترین جرایمی که ممکن است از طریق پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای صورت بگیرد و برخی تاکنون صورت گرفته موارد زیر است:

طراحی و ارائه طرح براندازی حکومت اسلامی (ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی)^{۲۶} یا براساس بند ۳^{۲۷} از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، برنامه‌هایی که با هدف براندازی و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شوند.

ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به بحث تبلیغ علیه نظام و یا به نفع گروه‌های مخالف پرداخته است. ماده ۲۸۵۰۴ این قانون تحریک نیروهای مسلح به تمرد، فرار و انجام ندادن وظایف قانونی را مشمول مجازات دانسته است؛ اهانت به بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری (ماده ۵۱۴)^{۲۹}؛ توهین به رییس کشور خارجی و نماینده سیاسی آن در ایران؛ تحریک کارگران به تعطیلی کار در کارگاه و کارخانه؛ تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم‌زدن امنیت کشور؛ اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی آن؛ هتک حرمت اشخاص؛ افتراء، توهین و هتک حرمت از طریق پخش برنامه‌های تلویزیونی فرامرزی؛ ترویج فساد و فحشا و نمایش و در معرض انظار قرار دادن اموری که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند؛ موارد عمده‌ای هستند که تا به حال در بسیاری از کانال‌های ماهواره‌ای تلویزیونی که در حال حاضر برنامه پخش می‌کنند، مصادیق بسیاری داشته است اما این که چرا پیگیری نشده است، موضوعی است که بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد.

از نظر حقوق کیفری، برای اثبات هر جرم به اثبات سه عنصر نیاز است: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی.

عنصر قانونی یعنی قانونی باید در مملکت ما به مثابه یکی از قوانین ساری و لازم‌الاجرا وجود داشته باشد که عملی را جرم تلقی کرده باشد. برای مثال هرگونه اقدام و برنامه تبلیغی و توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران به موجب قانون مجازات اسلامی، جرم است. حالا اگر همین عمل از طریق برنامه‌ای که پخش آن را یک کانال ماهواره‌ای بر عهده دارد، انجام شود، باز جرم است. عنصر مادی جرم چیست؟ شاید این تلقی پیش آید که عنصر مادی جرم، از بحث مادی می‌آید، مانند کشتن یک فرد یا تخریب وی، اما در خصوص پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، عنصر مادی جرم، پدیده و نفس پخش است. پخش یک برنامه به گونه‌ای که برای مردم قابل دیدن باشد. هیچ نیازی هم نیست که به ما ثابت شود این برنامه چند نفر بیننده داشته است. ما فقط برای نفس پخش این برنامه محتاج دلیل هستیم. دیدن، جزء عنصر مادی نیست اما پخش از عناصر مادی تلقی می‌شود. در نهایت، عنصر معنوی جرم که اهمیت زیادی هم دارد. بعضی از جرایم عمدی است برای مثال در حقوق جزا، برای اثبات جرم نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان، علاوه بر سوءنیت عام متهم، باید سوءنیت خاص هم ثابت شود که وی واقعاً به قصد تشویش اذهان عمومی این کار را کرده است اما در مورد بعضی از جرایم، سوءنیت عام کافی است. برای مثال در مورد اهانت به مقام انبیا و ائمه اطهار و حضرت صدیقه کبری (س)، صرف آگاهی و اطلاع شخص از مذموم بودن این امر کافی است و اگر چنین فردی ادعا کند که سوءنیت نداشته قابل قبول نیست یا برای مثال برنامه‌ای تلویزیونی که از طریق ماهواره پخش می‌شود و مردم را به جنگ و شورش داخلی تشویق و ترغیب می‌کند (مانند برنامه پخش شده در کشور مالزی که دارای قومیت‌های مختلف است و شرح آن در مقدمه آمده است). آیا تحقق این جرم یا اقامه دعوی مدعی‌العموم مستلزم این است که حتماً شورش و جنگی هم رخ داده باشد یا در مورد جرم تحریک نظامیان به فرار از خدمت سربازی، آیا لازم است حتماً به تمرد هم بیانجامد؟ خیر. قانون مجازات اسلامی نگفته

است حتماً باید تمرد نیز واقع شود. صرف تحریک و توطئه برای تمرد بدون در نظر گرفتن نتیجه آن جرم دانسته شده است. یا توطئه برای براندازی نظام، برای مثال پخش برنامه‌ای که از روی عناد و برای براندازی پخش می‌شود اگر به براندازی نظام هم منجر نشود، جرم است؟ بله. بعضی حقوقدانان در خصوص عنصر روانی جرم طرح براندازی گفته‌اند که این جرم از جرایم عمدی است و برای مجرم شناختن، تهیه کردن طرح براندازی و سایر وسایل و اسباب کار آن کافی است. یا عنصر روانی جرم تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران که از جرایم عمدی است و برای مجرم شناختن مرتکب، احراز عمد عام مرتکب، ناظر به علم و اطلاع مبلغ به ممنوعیت عمل ارتكابی، کفایت می‌کند. در خصوص تسری دادن و اعمال قانون مجازات اسلامی به محتوای پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، باید گفت در سال ۷۰، پخش ماهواره‌ای و جرایمی که از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای صورت می‌گیرد مانند اکنون گسترش پیدا نکرده بود. قانونگذاری ما نیز، همان توضیح را که قانون سال ۱۳۴۸ در مورد هنرمندان ارائه داده، به این قضایا تسری داده‌اند زیرا قانون برای یک دوره موقت نیست، مگر آنکه ضرورت‌های اجتماعی اقتضا کند قانون قبلی را اصلاح کنند و تغییر دهند. در حقوق جزا، اگر چه اصل بر تفسیر مضیق به نفع متهم است، قانونگذار در مورد بعضی جرایم که ارتباط تنگاتنگی با اخلاق حسنه، نظم عمومی و حقوق و حدود الهی دارد، جنبه تفسیری آن را ذکر می‌کند و در نظر می‌گیرد برای مثال در قانون مجازات اسلامی در خصوص اشاعه فساد و فحشا و یا اقدام علیه امنیت، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور یا هتک حیثیت و حرمت اشخاص یا تبلیغ علیه نظام، قانونگذار نگفته «فقط از این طریق...» بلکه با وجود اصل تفسیر مضیق و قانونی بودن جرم و مجازات، به خود عمل توجه می‌کند. به نفس تبلیغ علیه نظام و به نفس هتک حرمت و حیثیت اشخاص توجه دارد. پس در این خصوص عباراتی از قبیل «از جمله» یا «به هر نحوی» به کار می‌برد و می‌گوید: چنانچه کسی «به هر نحوی» اقدام به عملی کند که به براندازی نظام بیانجامد.... یا کسی مبادرت به اشاعه فحشا کند «از قبیل» چاپ پوسترهای مبتذل، سی‌دی‌های مبتذل و.... بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که ارتکاب عنوان‌های مجرمانه از طریق پخش ماهواره‌ای

برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مشمول قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران است و در صورت طرح شکایت محاکم قضایی ذی صلاح مکلف به رسیدگی به شکایات یاد شده و صدور حکم قانونی هستند.

آخرین نکته در مورد صلاحیت محاکم عمومی و انقلاب اسلامی در خصوص رسیدگی به شکایات طرح شده است. در ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به‌طور کلی اصل بر صلاحیت محاکم عمومی است مگر در مواردی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی باشد (اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، طرح براندازی، شورش و جرم اهانت به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری). بنابراین اصل بر صلاحیت محاکم عمومی است و این دعاوی باید در دادگاه‌های عمومی اقامه شوند، مگر این که از موارد انحصاری صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Council of Europe
2. European convention on transfrontier television
3. Council directives
4. Council directive
5. Freedom of communication Act N.86 – 1067 of 30 September 1986 (revised – on 1989 – 2000)
6. Transfrontier radio and television broadcasting
7. Satellite television broadcasting

۸ - ماده ۳ قانون مجازات اسلامی: «قوانین جزایی دربارهٔ کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

ماده ۴ قانون مجازات اسلامی: «هر گاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است.»

۹ - ماده ۷ قانون مجازات اسلامی: «علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.»

۱۰ - ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سباب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

۱۱ - بند یک ماده ۵ قانون مجازات اسلامی: «اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران»

۱۲ - ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک‌سال محکوم خواهد شد.»

۱۳ - ماده ۱: «از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن بکار رفته «اثر» اطلاق می‌شود.»

۱۴ - ماده ۲: «اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

- کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری
- شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
- اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
- اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.

- نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزیینی و هرگونه اثر تزیینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.
- هرگونه پیکره (مجسمه)
- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان
- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.
- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم
- اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد.
- اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.
- هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.
- ۱۵ - ماده ۱۷: «نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه کند به کار برد.»
- ۱۶ - ماده ۱۸: «انتقال‌گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر این که پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.»
- ۱۹ - ماده ۱۹ - هر گونه تغییر یا تحریف در آثار مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.
- ۱۷ - ماده ۲۰: «چاپخانه‌ها و بنگاه‌های ضبط صوت و کارگاه‌ها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط و یا تکثیر آثار مورد حمایت این قانون می‌پردازند باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه‌هایی که پخش می‌شود با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط بر حسب مورد درج نمایند.»

- ۱۸ - ماده ۲۳: «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً و عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»
- ماده ۲۴: «هر کس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»
- ماده ۲۵: «متخلفین از مواد ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد.»
- ماده ۲۸: «هرگاه متخلف از این قانون، شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند ما به التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود.»
- ۱۹ - ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی: «نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است.
- حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود.»
- ۲۰ - ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح ذیل تقسیم می‌گردد: اول - جرایمی که مجازات آن در شرع معین شده مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی. دوم - جرایمی که تعدی به حقوق جامعه و یا مخل نظم همگانی می‌باشد. سوم - جرایمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است.
- تبصره ۱ - تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات، مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

- تبصره ۲ - جرمی که دارای دو جنبه باشد می‌تواند موجب دو ادعا شود. الف - ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی ب - ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی.
- ۲۱ - اصل ۱۵۹ قانون اساسی: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.»
- ۲۲ - ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «جرائم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند: ۱- جرایمی که تعقیب آنها به عهده رئیس حوزه قضایی است، چه شاکی خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد، رئیس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند. ۲- جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد. ۳- جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.
- تبصره - تفکیک و تعیین این که امر جزایی تابع کدام یک از انواع یاد شده است به موجب قانون می‌باشد.»
- ۲۳ - ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «قضات دادگاه‌های عمومی و انقلاب مکلفند به دعوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروح را صادر نمایند.»
- ۲۴ - اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»
- ۲۵ - ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رییس حوزه قضایی می‌باشد و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می‌گردد.»
- ۲۶ - ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی: «هر فرد یا گروهی که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می‌باشند.»

۲۷ - بند سوم ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری»

۲۸ - ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی: «هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.»

۲۹ - ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی: «هر کس به حضرت امام خمینی رضوان الله علیه، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، و مقام معظم رهبری به نحوی اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

تكاليف و جرایم رسانه‌های

الکترونیك

دکتر محمد اسحاقی*

چکیده

مقاله حاضر تلاشی است برای تبیین برخی جرایم مطرح در حوزه رسانه‌های الکترونیک. نویسندگان، رسانه‌های الکترونیک را شامل پیام‌هایی می‌دانند که از طریق شبکه‌های الکترونیکی منتشر می‌شوند. وی در بخش اول مقاله، به ذکر تکالیف رسانه‌های الکترونیک در نظام اسلامی می‌پردازد که به طور کلی شامل اطلاع رسانی صحیح و به موقع، ترویج فرهنگ نقد سازنده، درج مطالب علمی، اجتناب از درج مطالب حاوی توهین، افترا، هتک حرمت و تصاویر محرک و مبتذل است. سپس عناصر جرایم رسانه‌های الکترونیک شامل عناصر مادی، معنوی و قانونی را برمی‌شمارد. در بخش دوم مقاله، جرایم رسانه‌ای از دیدگاه قانون مجازات اسلامی، قانون مطبوعات و مقررات شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای در ایران بررسی می‌شود. این جرایم بر ضد نظم عمومی و امنیت کشور، اخلاق و عفت عمومی، اشخاص، اخلاق حسنه، اموال و امور صنفی رخ می‌دهد که نویسندگان به ذکر مصادیق هر یک می‌پردازد.

* دکترای فقه و حقوق جزا، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشگر مسائل حقوقی و فرهنگی

در ادامه این بخش شمه‌ای از مفاد پیش‌نویس قانون جرایم رایانه‌ای آمده که طی آن مجازات‌های مقرر درباره جرایمی نظیر: دستبرد به اطلاعات محرمانه، درج اطلاعات دروغین، کلاهبردای سایبر، تولید، ذخیره، نگهداری و نشر مطالب مستهجن (واقعی یا انیمیشن)، تخلف در ارائه خدمات میزبانی الکترونیک، ارائه غیر مجاز رمز عبور و قواعد تخفیف و تشدید مجازات مجرمان ذکر می‌شود. نویسنده در بخش بعدی، مسئولیت این جرایم را از حیث محتوای برنامه و فرد مسئول بررسی می‌کند و فهرستی از جرایم رایانه‌ای ارائه می‌دهد و سپس برخی اصول حقوق جزای بین‌الملل (مانند صلاحیت سرزمینی و صلاحیت شخصی) را درباره این جرایم توضیح می‌دهد. وی در بخش پایانی مقاله، رسانه‌های الکترونیک را به مثابه قربانیان بزه می‌بیند و به اصلی‌ترین آسیب‌هایی که متوجه آنهاست مانند دستکاری اخبار و اطلاعات توسط هکرها و نقض مالکیت معنوی اشاره می‌کند. تحلیل مختصری از وضعیت رسانه‌های الکترونیک در ایران پایان بخش این مقاله است.

مقدمه

آزادی مطبوعات، آزادی بیان، گردش آزاد اطلاعات و یا آزادی ارتباطات با تمام اهمیت، لزوم و ضرورتی که دارند، هیچ‌گاه نمی‌توانند مطلق و بدون محدودیت باشند و واضح است که تعرض به بنیادهای اجتماعی و یا ایجاد خسارات فردی موجب مسئولیت کیفری و مدنی، مجازات و جبران خسارت خواهد شد. براین اساس لازم است میان آزادی ارتباطات از یک سو و پاسداشت منافع فردی و جمعی از سوی دیگر توازن برقرار شود.

در کلیه کشورها و نظام‌های حقوقی سوءاستفاده‌کنندگان از آزادی ارتباطات همانند سوءاستفاده‌کنندگان از سایر آزادی‌ها مورد پیگرد قانونی و مدنی قرار می‌گیرند و در این زمینه علاوه بر قوانین عمومی، به تناسب پیشرفت و ارتقای کمی و کیفی رسانه‌ها مقررات مختلفی تدوین شده است که مرزهای آزادی رسانه‌ها را تبیین می‌کند.

ماده ۱۱ اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق بشر و شهروند این آزادی و محدوده آن را این گونه بیان می‌کند:

«تبادل آزاد افکار و عقاید یکی از گرانبهاترین حقوق بشر محسوب می‌شود و از این رو هر شهروند می‌تواند آزادانه بیان کند، بنویسد و به چاپ برساند مگر در مواردی که قانون آن را به عنوان سوءاستفاده از این آزادی برشمرده باشد.»

جرایم مرتبط با فعالیت‌های ارتباطی و رسانه‌ای علاوه بر تنوع و تفاوت‌های ماهیتی، شباهت‌هایی نیز دارند که لازم است به طور ویژه مورد بررسی قرار گیرند.

محتوای اطلاعات، پیام‌ها، عقاید، مطالب و در یک کلام هر آنچه از طریق یکی از وسایل ارتباطی نشر می‌یابد و به اطلاع عمومی می‌رسد، ممکن است در صورت تجاوز از محدوده‌های مقرر و سوءاستفاده از امکانات رسانه‌ای موجب پیامدهای منفی برای فرد یا جامعه از قبیل خسارت فردی و یا بروز بی‌نظمی‌های اجتماعی شود که در نتیجه مسئولیت عاملان را به دنبال خواهد داشت.

از سوی دیگر باید گفت مسائل مربوط به ارتباطات و اطلاعات به نحو شگرفی با پیشرفت‌های شگفت بشر در صحنه وسایل ارتباطی و ابزارهای اطلاع‌رسانی عجین شده است.

به طور کلی هر یک از ساخته‌ها و مصنوعات بشری به دلیل آثار گسترده‌ای که در زندگی انسان‌ها داشته‌اند موجب پدید آمدن حقوق ویژه‌ای شده‌اند.

برای نمونه ساخت هواپیما و کشتی و بهره‌گیری گسترده از آنها در سرتاسر جهان، موجب پدید آمدن رشته‌های جدیدی از حقوق، همانند حقوق هوایی، حقوق دریاها و رشته‌های تحقیقاتی مرتبط شده است.

در این میانه رایانه‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی نیز از مصنوعات مهم بشری هستند که در مدت کوتاهی کلیه امور زندگی فردی و اجتماعی بشر امروز را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند به گونه‌ای که هیچ عرصه‌ای از زندگی بشر را نمی‌توان یافت که رایانه‌ها در آن مشغول فعالیت نباشند. این تحولات و آثار گسترده آن در زندگی بشر موجب بروز مسائلی شده که لازم است از دیدگاه حقوقی بدان پرداخته شود.

نکته مهم در این میان افزایش روزافزون تعداد کاربران اینترنت در جهان و ایران است. تعداد کاربران اینترنت و مدت زمانی که هر کاربر با آن سروکار دارد در سراسر دنیا رو به افزایش است. تعداد کاربران اینترنت^۱ در ایران با رشد ۹۰ درصد از ۱/۷ میلیون نفر و ضریب نفوذ^۲ ۲/۵ درصد در سال ۸۰ به ۳/۲ میلیون نفر با ضریب نفوذ ۴/۹ درصد در پایان سال ۸۱ افزایش یافته است.^۳ همچنین براساس گزارش رسمی وزارت فناوری اطلاعات و فناوری ارتباطات که با عنوان «ربع قرن تلاش» منتشر شده است تعداد کاربران اینترنت در ایران در سال ۱۳۸۲ بیش از ۵ میلیون نفر ذکر شده است که البته کمتر از ۷ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. آماري که مسئولان و صاحب‌نظران در پایان سال ۱۳۸۳ اعلام کرده‌اند حدود ۵/۵ میلیون کاربر در کشور است.

با توجه به آمار ارائه شده روشن می‌شود ضریب رشد کاربران اینترنت در ایران بسیار زیاد است. بنابر آمارهای ارائه شده از سال ۸۲ - ۷۸ شمار کاربران اینترنت در ایران بیش از یک هزار و ۱۶۷ درصد افزایش داشته است که این رقم در میان تمامی کشورهای خاورمیانه بالاترین میزان محسوب می‌شود. در همین دوره زمانی، سوریه با ۶۳۳ درصد افزایش کاربران اینترنت و عربستان با ۶۱۰ درصد رشد استفاده از اینترنت، پس از ایران در مکان‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.^۴ با این حال جایگاه ایران در رده‌بندی کشورهای استفاده کننده از فناوری اطلاعات (IT) جایگاه مناسب و شایسته‌ای نیست. براساس یک پژوهش جهانی، ساختار و روند توسعه در ۶۰ کشور جهان با توجه به شاخص‌هایی همچون تعداد رایانه، تلفن همراه و کاربران اینترنت مورد سنجش قرار گرفت که طبق آمار به دست آمده، کشور سوئد با کسب ۸/۶۷ نمره از ۱۰ نمره توانست، رتبه اول را به دست آورد. در این رده‌بندی ایران با ۳/۴ نمره در رده ۵۲ قرار دارد که با توجه به تعداد کشورهای حاضر در این رده‌بندی می‌توان گفت ایران در صنعت IT در سطح مناسبی قرار ندارد.^۵

اهمیت و ضرورت

از جمله عرصه‌هایی که به سرعت تحت نفوذ مؤثر رایانه‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اینترنت قرار گرفت، عرصه رسانه‌ها بود. هم‌اکنون هر یک از رسانه‌ها اعم از رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری به مدد توانایی شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اینترنت هویت جدیدی یافته‌اند و با عنوان رسانه‌های الکترونیک جایگاه ویژه‌ای در صحنه ارتباطات جهانی به خود اختصاص داده‌اند.

حقوق ارتباطات رسانه‌ها در زمینه رایانه و اینترنت و رسانه‌های الکترونیک از تازگی و پیچیدگی بیشتری نسبت به سایر رسانه‌ها برخوردار است زیرا موضوع رسانه‌های الکترونیک و بهره‌گیری از اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی در امر رسانه‌ها در چند سال اخیر مطرح شده و به سرعت گسترش یافته است. به همین خاطر بسیاری از کشورها تجربه‌چندانی در زمینه مسائل حقوقی اینترنت و جرایم رایانه و حقوق و جرایم رسانه‌های الکترونیک ندارند.

این موضوع در کشور ما نیز دارای حساسیت است زیرا مراجع قضایی، کاربران و مراکز و مؤسسات ما نیز جز در چند مورد جزئی، فاقد تجربه قانونی و عملی مشخص در زمینه جرایم رایانه‌ای به طور عام و جرایم رسانه‌های الکترونیک به طور خاص هستند. از این رو لازم است همزمان با فراگیر شدن بهره‌گیری از اینترنت و راه‌اندازی رسانه‌های الکترونیک از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی، حقوق شبکه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های الکترونیک در مجامع ذی‌ربط مورد بررسی قرار گیرد و حدود و مسئولیت و تکالیف و جرایم آنها مدون و به اجرا گذاشته شود. در این نوشتار سعی می‌شود موضوع جرایم رسانه‌های الکترونیک و رایانه‌ای به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف رسانه‌های الکترونیک

به طور کلی بین صاحب‌نظران ارتباطات و رسانه‌ها توافقی بر سر تعریف رسانه الکترونیک وجود ندارد. در یک تعریف ساده می‌توان انتشار هر گونه پیام، اعم از متن،

تصویر، صدا و حتی فیلم را از طریق شبکه اطلاع‌رسانی یا اینترنت رسانه الکترونیک دانست. رسانه‌های الکترونیک شامل، روزنامه، رادیو و تلویزیون و تله‌تکست می‌شود. روزنامه‌نگاری الکترونیک به طور خاص یکی از مصادیق ویژه رسانه‌های الکترونیک است که البته با توجه به توانایی‌ها و امکانات اینترنت کاملاً با روزنامه‌های چاپی و کاغذی تفاوت دارد.

امروزه با پدید آمدن فناوری اینترنت و با توجه به هزینه‌های چاپ شاهد ظهور روزنامه‌های الکترونیکی زیادی هستیم که افراد عادی تهیه و منتشر می‌کنند. به تعبیر دیگر، هر کس می‌تواند با نشر مطلبی در شبکه وب، به یک ناشر و روزنامه‌نگار تبدیل شود، بدون اینکه خود روزنامه‌نگار باشد و با اقتضائات حرفه‌ای رسانه‌ای آشنا و یا از آن برخوردار باشد. بر این اساس انبوه روزنامه‌نگاران تازه‌کار غیرحرفه‌ای که فرایند کارآموزی را درباره اصول اخلاق حرفه‌ای طی نکرده‌اند و زیر نظر مدیر مسئول و سردبیر و ... فعالیت نکرده و کارآموده نشده‌اند، به بازار کار حرفه‌ای سرازیر می‌شوند. همچنین هر کس می‌تواند با یک دوربین فیلمبرداری ساده و استفاده از وسایلی نه چندان پیچیده، که امکان ارتباط او را با شبکه‌های اطلاع‌رسانی فراهم می‌کند، یک شبکه تلویزیونی راه‌اندازی کند. او در این شبکه می‌تواند از هر موضوعی فیلم و گزارش تهیه کند و به رایگان و بدون هیچ گونه محدودیتی امکان دیدن آن را برای همگان فراهم سازد یا با تهیه وسایلی (همچون یک دوربین کوچک و یا DVD-ROM)، به طور قانونی یا غیرقانونی هزاران نسخه از آخرین فیلم‌های سینمایی ساخته شده را پیش از اکران عمومی آنها تهیه و از طریق گروه‌های خبری و نامه‌های الکترونیک در اینترنت پخش کند.

وبلاگ‌ها که ابتدا همچون دفترچه خاطرات الکترونیکی پا به عرصه اینترنت گذاشتند، به سرعت به محلی برای درج و انتشار اخبار، گزارش‌ها، تحلیل و بررسی‌ها تبدیل شدند و عرصه رسانه‌های الکترونیک را بیش از پیش گسترده کردند. در حال حاضر ۶۵ هزار وبلاگ فعال فارسی در محیط‌های گوناگون وجود دارد که حدود ۹۳ درصد آن مربوط به خدمات پرشین بلاگ است. این در حالی است که براساس اعلام

مسئولان این خدمات حدود ۲۷۰ هزار وبلاگ نویس در محیط پرشین بلاگ به ثبت رسیده است و روزانه حدود ۵۰۰ هزار بازدیدکننده دارد. به طور متوسط در هر دقیقه ۱/۷ یادداشت ارسال می‌شود؛ تا تاریخ ارسال خبر حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار یادداشت نوشته شده که در مقابل آن ۵ میلیون نظر وجود دارد.^۶ به همین خاطر موضوع تخلفات و جرایم رسانه‌های الکترونیک از وسعت و اهمیت دو چندانی برخوردار شده است.

چنان که گفته شد در خصوص رسانه الکترونیک تعریف توافق شده و مقتضی وجود ندارد و هنوز بین صاحب‌نظران علوم رسانه‌ها و ارتباطات بحث‌ها و اختلافات فنی مختلفی جریان دارد.

براساس یک دیدگاه^۷ می‌توان چهار نوع رسانه را مورد شناسایی قرار داد:

۱- رسانه‌های چاپی (Printed media): نشریاتی که بر روی کاغذ چاپ می‌شوند.

۲- نشریات الکترونیک (E-Journal): نشریات الکترونیک از آنالوگ شروع شد و

محتوا از قالب خط به الکترونیک تغییر کرد. تفاوت این نشریات با نشریات چاپی در جنس عرضه آنها است. بر این اساس اگر محتوای یک نشریه چاپی از رادیو پخش شود، نشریه الکترونیک خواهد بود.

۳- رسانه‌های دیجیتال (Digital media): محتوای این رسانه‌ها از صفر و یک تشکیل

می‌شود؛ یعنی متن به صورت صفر و یک بر روی اینترنت قرار می‌گیرد و با فرمت مختلفی همچون html منتشر می‌شود.

۴- رسانه‌های سایبر (Cyber media): رسانه‌های سایبر از نظر جنس و فیزیک، همان

جنس و فیزیک دیجیتال را دارند، اما عین نسخه چاپی نیستند بلکه لینک متن، تصویر، صوت و یا ویژگی‌های دیگر در آنها وجود دارد.»

در حقیقت تفاوت رسانه‌های سایبر با سایر رسانه‌ها در قدرت لینک‌دهی آنهاست و

این ویژگی آنها را از سایر رسانه‌ها به طور کامل متمایز می‌کند. با این حال با یک

تعریف موسع که در ابتدا به آن اشاره شد، کلیه نشریات سایبر، دیجیتال به نحوی در زمره نشریات الکترونیک محسوب می‌شوند.

بنابراین هر پیامی که از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی به صورت الکترونیک انتشار یابد رسانه الکترونیک محسوب می‌شود. براساس این تعریف تفاوتی ندارد نشریه موجود در یک پایگاه اینترنتی، دقیقاً همان صفحات مکتوب و چاپ شده یک روزنامه، مجله و ... باشد یا این که نسخه چاپی نداشته باشد و به صورت زمان‌مند یا غیرزمان‌مند و براساس web based، به صورت فردی یا گروهی در پهنه اینترنت منتشر شود.

تکالیف رسانه‌های الکترونیک

در کشور ما مطبوعات و رسانه‌ها از جمله رسانه‌های الکترونیک جدید، ابزارهای فرهنگی، مدافع و نشر دهنده ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی محسوب می‌شوند. براساس اصل بیست و چهارم قانون اساسی که مقرر می‌دارد «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که منخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند» اصل بر «آزادی» نشریات و مطبوعات است و محدودیت‌های آن نیز استثنای این اصل هستند. این محدودیت‌ها بیشتر برای آن است که مطبوعات در مسیر تعالی خود حرکت کنند و از انحراف و بازدارندگی فرهنگی مصون بمانند.

براساس اصل فوق و همچنین «سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات» که در جلسات ۴۷۸ و ۴۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ و ۱۳۸۰/۴/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید، تکالیف رسانه‌ها اعم از رسانه‌های مکتوب، دیداری - شنیداری و یا الکترونیک مشخص شده است: بر این اساس مطبوعات مکلفند به گونه‌ای فعالیت کنند که در مبانی اسلام و حقوق عمومی اخلال ایجاد نشود. مراد از «اخلال در مبانی اسلام» عمل یا بیان یا اثری است که در اعتقاد یا التزام عملی جامعه به ضروریات اسلام ایجاد رخنه و تزلزل کند و یا موجب هتک حرمت اسلام، ضروریات دینی و شعایر و مقدسات آن شود. «اخلال در حقوق عمومی» نیز تعرض و زیر پا نهادن حقوق مردم (فردی یا گروهی)، شخصیت‌ها و حکومت و تجاوز به حریم این حقوق است.

همچنین براساس همان مصوبه، حقوق عمومی مورد نظر در سیاست فرهنگی رسانه‌ها و مطبوعات عبارت است از همه حقوق الزامی پذیرفته شده در اسلام و قانون اساسی برای فرد، جامعه و حکومت در روابط گوناگون فردی و اجتماعی که شامل حقوق خصوصی حاکم میان افراد و شخصیت‌ها و نیز حقوق عمومی در قلمرو روابط میان مردم و حکومت می‌شود. کلیت نظام اسلامی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، نظم اجتماعی، امنیت، شئون اخلاقی و حیثیت اشخاص حقیقی و حقوقی نیز از مصادیق بارز حقوق عمومی به شمار می‌آید.

افزون بر این نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های فعالیت‌های فرهنگی وجود دارد که از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که از جمله تکالیف رسانه‌ها محسوب می‌شوند:

- ۱- اطلاع‌رسانی صحیح و بهنگام در جهت انعکاس نظرها، انتقادهای سازنده، پیشنهادها و توضیحات مردم و مسئولان و طرح اشکالات و بیان نارسایی‌ها به قصد ریشه‌یابی و شناخت دقیق مسائل و دست‌یابی به راه‌حل‌های مناسب و سازنده برای پیشرفت کشور با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه و قانون اساسی.
- ۲- نقل افکار، گفتار و مواضع فکری و عملی مخالفان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور نقد و بررسی محققانه و آزادانه و رد اندیشه‌های آنان به نحوی که موجب تضعیف نظام نشود.
- ۳- ترویج فرهنگ نقد و انتقاد سازنده با پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب اشخاص.
- ۴- نقد و نفی آداب و سنن غلط و انحرافی.
- ۵- درج مقالات و مطالب علمی، تحقیقاتی و استدلالی و امثال آن در زمینه افکار و مکاتب الحادی در نشریات تخصصی که فاقد موضع‌گیری تبلیغی و ترویجی باشد.
- ۶- درج مطلب و تصویر در زمینه‌های اخلاقی، هنری، ورزشی، علمی، تخصصی به دور از تحریک و ابتذال و به منظور ایجاد شناخت بیشتر و توسعه بینش مخاطب، به گونه‌ای که بافت طبیعی مطالب مغایر با عفت عمومی نباشد.

۷- انتشار و درج تصاویر، مطالب طنز، طرح‌ها و کاریکاتورهایی که حاوی توهین، افترا و هتک افراد حقیقی نبوده و به قصد انتقاد سازنده و اصلاح امور صورت گیرد.

تعریف جرایم رسانه‌های الکترونیک

به طور کلی ارائه تعریفی از جرایم رسانه‌ای که با جرایم عادی متفاوت باشد کمی دشوار است. چنان که در تعریف جرایم مطبوعاتی نیز این اختلاف‌ها و برداشت‌های مختلف وجود داشته است زیرا قانونگذار تعریف مشخصی از آن ارائه نداده و تنها به ذکر مصادیقی به عنوان جرایم مطبوعات اکتفا کرده است.

این مشکل در مورد جرایم رسانه‌های الکترونیک دو چندان می‌شود زیرا قانونی که در مورد رسانه‌های الکترونیک به طور جامع تدوین و در ضمن آن به جرایم رسانه‌های الکترونیک اشاره شده باشد، وجود ندارد. با این حال در اینجا سعی می‌شود تعریفی از جرایم رسانه‌های الکترونیک ارائه شود.

به طور کلی جرایم رسانه‌های الکترونیک، جرایمی هستند که احتمال ارتکاب آنها از طریق ابزارهای الکترونیکی وجود دارد. به عبارت دیگر جرایم ارتكابی از طریق رسانه‌های الکترونیک جرایم رسانه‌های الکترونیک محسوب می‌شود. بر این اساس کلیه فعالیت‌های ارتباطی و ارسال پیام که از طریق رسانه‌های الکترونیک صورت می‌گیرد اگر متضمن جرم باشد از جرایم رسانه‌های الکترونیک محسوب می‌شود. ارسال پیام می‌تواند اعم از ارسال نوشتار، صدا، تصویر و فیلم در شکل‌ها و قالب‌های مختلف اعم از روزنامه و مجله الکترونیکی، سخنرانی، کنفرانس، آگهی‌های بازرگانی، کتاب‌های الکترونیک، پخش فیلم و ... باشد.

عنصر مهم مورد توجه در این تعریف خصوصیت ارسال و انتشاردهندگی مطالب است. بنابراین جرم رسانه الکترونیک در صورتی محقق می‌شود که مطلبی که متضمن جرم است، از طریق این رسانه انتشار یابد.

برای بررسی چگونگی تحقق جرایم رسانه‌های الکترونیک لازم است عناصر تشکیل‌دهنده و مسئولیت ناشی از این جرایم شناخته و بررسی شود.

عناصر جرایم رسانه‌های الکترونیک

به طور کلی در تحقق هر جرمی وجود عناصر و ارکان سه گانه مادی، معنوی و قانونی ضروری است که در اینجا به بررسی این سه رکن در جرایم رسانه‌های الکترونیک می‌پردازیم.

عنصر مادی: انتشار و در معرض اطلاع عموم قرار دادن

بدون تردید انتشار، ویژگی اصلی و اساسی‌ترین عنصر در جرایم مرتبط با محتوای برنامه‌های رسانه‌ای محسوب می‌شود و اصولاً جرمی از این نوع بدون انتشار و بی‌آن که در معرض اطلاع عموم قرار گیرد قابل تصور نیست. بر این اساس لازم است تعریف روشنی از انتشار الکترونیک ارائه شود. چنان که پیش از این گفته شد نشر الکترونیک شامل همه گونه پیام‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری می‌شود و در همه این موارد کافی است فایل‌های رایانه‌ای صفحات وب نسخه جدید و پیام الکترونیکی در محل مخصوصی در حافظه رایانه خدمات دهنده شبکه اطلاع‌رسانی قرار گیرند که در این صورت کاربران با اتصال به شبکه می‌توانند پیام‌ها را دریافت کنند. همچنین یک ناشر الکترونیکی می‌تواند مطالب مورد نظر را از طریق پست الکترونیک (E-mail) برای افراد مورد نظر ارسال کند.

بر این اساس تا زمانی که پیام‌های مجرمانه به شیوه‌های پیش‌گفته نشر الکترونیکی نیابند، عنصر مادی جرم رسانه الکترونیک محقق نمی‌شود و صرف تهیه مطالب مجرمانه و نگهداری آنها در فایل‌های بسته و حفاظت‌شده جرم محسوب نخواهد شد. جرم رسانه‌های الکترونیکی زمانی واقع می‌شود که توهین، عکس، تصویر و یا مطالب خلاف واقع و مجرمانه از طریق یکی از رسانه‌های الکترونیکی نشر یافته و در معرض بهره‌برداری کاربران قرار گیرد. البته اقدامات صورت گرفته تا پیش از مرحله نشر را می‌توان به عنوان شروع به جرم مورد بررسی و پیگرد قرار داد.

عنصر معنوی: قصد مجرمانه

برای تحقق جرایم مرتبط با رسانه‌های الکترونیکی علاوه بر فعل انتشار، لازم است قصد مجرمانه نیز وجود داشته باشد. به اعتقاد غالب حقوقدانان وجود یک عامل مادی که قانون آن را جرم شناخته است، برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرایم عمدی) و یا در اجرای عمل به نحوی از انحا و بی آن که قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند، خطایی انجام دهد که بتوان او را مستحق مسئولیت جزایی شناخت (جرایم غیر عمدی).

بر این اساس برای تحقق جرایم مرتبط با رسانه‌های الکترونیکی لازم است علاوه بر فعل انتشار، قصد مجرمانه نیز وجود داشته و در محکمه نیز با ارائه دلایل و مستندات به اثبات برسد. برای نمونه به ماده ۶۹۸ قانون مجازات که مربوط به جرایم رسانه‌ای متضمن نشر اکاذیب است، اشاره می‌شود. در صدر این ماده به «قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات» اشاره شده است که در حقیقت عنصر روانی جرم نشر اکاذیب محسوب می‌شود و برای اثبات مجرمیت مرتکب باید قصد مذکور احراز شود. با این حال در برخی موارد همچون «جرایم رسانه‌ای توهین‌آمیز» وجود قصد مجرمانه و سوءنیت مفروض تلقی می‌شود و نیازی به اثبات در محکمه ندارد، زیرا نوع و ماهیت پیام و هن‌آور و توهین‌آمیز خود کاشف از سوءنیت مرتکب است. بنابراین اگر کاربران و روزنامه‌نگاران الکترونیکی با آگاهی و قصد ارتکاب جرم نسبت به انتشار یک نوشتار یا سخنرانی، عکس، فیلم و... از طریق یکی از رسانه‌های الکترونیکی اقدام نمایند مسئول شناخته خواهند شد.

عنصر قانونی

یکی از ارکان و عناصر مهم جرم، عنصر قانونی جرم است. اصل قانونی بودن جرم و مجازات از اصول اولیه و مورد پذیرش همگان است. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در

این خصوص مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.»

قوانین مربوط به جرایم رسانه‌ای

قوانین، ضوابط و مقرراتی که به نحوی به جرایم رسانه‌ای مرتبط است و جرایم رسانه‌های الکترونیک را نیز در بر می‌گیرد در سه دسته مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف - جرایم رسانه‌ای مندرج در قانون مجازات اسلامی

این جرایم شامل توهین، افتراء، نشر اکاذیب خلاف عفت و اخلاق عمومی و سیاسی می‌شود که در زیر تنها به مواد قانونی آن اشاره می‌شود.

۱- جرایم رسانه‌ای توهین‌آمیز: توهین به افراد عادی (ماده ۶۰۸)، توهین به کارکنان دولت به سبب انجام وظیفه (ماده ۶۰۹)، توهین به مقدسات مذهبی یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) (ماده ۵۱۳)، توهین به حضرت امام (ره) یا مقام معظم رهبری (ماده ۵۱۴) و توهین به مقامات سیاسی خارجی (ماده ۵۱۷)

۲- جرایم رسانه‌ای افتراءآمیز (ماده ۶۹۷)

۳- جرایم رسانه‌ای متضمن نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸)

۴- جرایم رسانه‌ای هجوآمیز (ماده ۷۰۰)

۵- جرایم رسانه‌ای خلاف عفت و اخلاق عمومی (مواد ۶۳۹ و ۶۴۰)

۶- جرایم رسانه‌ای سیاسی (مواد ۴۹۸ الی ۵۰۶ و ۵۰۸ و ۵۱۱ و ۵۱۲)

ب - جرایم رسانه‌ای مندرج در قانون مطبوعات

هر چند قانون مطبوعات درصدد بیان جرایم رسانه‌ای نوشتاری و به عبارت دیگر جرایم مطبوعاتی مستلزم کتاب و نوشتار است با رسانه‌های دیگر و جرایم مرتبط آنها در بسیاری از عناصر مشترک است. بنابراین برای پیگیری عنصر قانونی جرایم رسانه‌های

الکترونیکی به مندرجات قانون مطبوعات نیز می‌توان اشاره کرد. علاوه بر این که بر اساس تبصره ۳ ماده یک قانون مطبوعات (اصلاحیه سال ۱۳۷۹) کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است که در یک تقسیم‌بندی می‌توان جرایم رسانه‌های الکترونیک را بر اساس قانون مطبوعات در هفت دسته زیر قرار داد:

اول - جرایم رسانه‌ای علیه نظم عمومی

- ۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی (بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات)
- ۲- اهانت به دین اسلام و مقدسات آن، اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید (بند ۷ ماده ۶)
- ۳- پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران (بنابراین ماده ۶)
- ۴- انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی (بند ۱۲ ماده ۶)

دوم - جرایم رسانه‌ای علیه امنیت

- ۱- نشر مطلبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه می‌زند (بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات)
- ۲- ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه (بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات)
- ۳- تحریص و تشویق علیه امنیت و حیثیت و منافع جمهوری اسلامی (بنابراین ماده ۶)
- ۴- افشای اسرار و دستورها و مسائل محرمانه نظامی (بند ۶ ماده ۶)
- ۵- افشای مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون افشای آن مجاز نیست (ماده ۲۹)
- ۶- تخلف از مصوبات شورای عالی امنیت ملی (تبصره ۲ ماده ۵)

سوم - جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی

- ۱- اشاعه فساد و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی (بند ۲ ماده ۶)

چهارم - جرایم علیه اشخاص

- ۱- افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد (بند ۸ ماده ۶)
- ۲- استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن (بند ۱۰ ماده ۶)
- ۳- انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد (ماده ۳۱)

پنجم - جرایم علیه اخلاق حسنه

- ۱- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر (بند ۳ ماده ۶)
- ۲- تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی، طرح مطالب موجب تضاد میان زن و مرد از طریق دفاع غیرشرعی از حقوق آنان (بند ۱۰ ماده ۶)

ششم - جرایم علیه اموال

- ۱- سرقت‌های ادبی (همچون نقل مطالب دیگران، نسبت دادن عمومی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه) (بند ۹ ماده ۶)

هفتم - جرایم صنفی

- ۱- چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است (بند الف ماده ۷)
 - ۲- انتشار بدون پروانه، تصدی غیرقانونی مدیر مسئولی (ماده ۳۲)
 - ۳- نشر نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه متقاضی به نوع آن متعهد شده است (بند ب ماده ۷)
 - ۴- شباهت با نشریه تعطیل شده (بند ج ماده ۷)
 - ۵- عدم درج شناسنامه (بند د ماده ۷)
 - ۶- استفاده از سرمایه خارجی (ماده ۸)
 - ۷- واگذاری غیرقانونی پروانه (تبصره ۳ ماده ۸)
 - ۸- شباهت با نشریه دیگر (بند الف ماده ۳۳)
 - ۹- انتشار نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده (بند ب ماده ۳۳)
 - ۱۰- تخلف از مقررات قانون مطبوعات (ماده ۳۵)
- بر این اساس کلیه جرایم مطبوعاتی در مورد نشریات الکترونیکی نیز صادق خواهد بود.

با این حال گروهی اساساً قانون مطبوعات را برای برخورد با جرایم رسانه‌های الکترونیک مناسب نمی‌دانند و قوانین دیگر را نیز در این مورد به رسمیت نمی‌شناسند و در عمل معتقدند به جز تصویب قانون ویژه رسانه‌های الکترونیکی هیچ راهی برای برخورد با این جرایم وجود ندارد و در وضعیت کنونی، رسانه‌های الکترونیک از آزادی مطلق برخوردار هستند.

اما واقعیت این است که از هفت دسته جرایم مطرح در قانون مطبوعات، شش دسته اول، بدون هیچ‌گونه تردیدی در مورد رسانه‌های الکترونیک و سایبر نیز صادق است؛ گرچه نسبت به دسته هفتم از جرایم که مربوط به جرایم صنفی است، می‌توان تأملاتی داشت.

ج - مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای در ایران

(مصوب آبان ماه ۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

برای اولین بار شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور انتظام امور و فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و توسعه خدمات دسترسی به اینترنت در کشور، اقدام به تصویب مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای در کشور کرد. در تنظیم این مقررات و ضوابط، نکات زیر مورد توجه بوده است:

- ۱- حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و دانش
 - ۲- مسئولیت مدنی و حقوقی افراد در قبال فعالیت‌های خود
 - ۳- رعایت حقوق اجتماعی و صیانت فرهنگی و فنی کشور در این قلمرو
 - ۴- ایجاد حداکثر سهولت در ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت به عموم مردم
- چنان که ملاحظه می‌شود در این ضوابط ضمن پذیرش اصل آزادی جریان اطلاعات و لزوم ایجاد سهولت در دسترسی به خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت، موضوع مهم مسئولیت مدنی و حقوقی فعالیت‌های شبکه‌های اطلاع‌رسانی و لزوم رعایت حقوق اجتماعی و صیانت فرهنگی کشور مورد تأکید و عنایت قرار گرفته است.
- این مقررات که در جلسات متعدد شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۸۰^۸ به تصویب رسید، در حقیقت مشتمل بر سه آیین‌نامه^۹ است که در آنها الزامات و تکالیف در نظر گرفته شده، محدوده فعالیت تعیین و تولید و عرضه اطلاعات در برخی موارد ممنوع شده است. در حقیقت این محدوده ممنوعه تکالیف و جرایم رسانه‌های الکترونیک را نیز نشان می‌دهد.

براساس این آیین‌نامه تولید و عرضه موارد زیر توسط رساها (I.S.P) شبکه‌های انتقال اطلاعات رایانه‌ای و کاربران ممنوع است و اگر یکی از رسانه‌های الکترونیک متضمن یکی از این موارد باشد و از طریق دستگاه سرور خود اقدام به انتشار آنها کند مرتکب جرم شده و مستحق مجازات خواهد بود.

گفتنی است ممنوعیت‌های اعمال شده در مورد رساها (I.S.P) و کاربران با ممنوعیت در نظر گرفته شده برای شبکه‌های انتقال اطلاعات رایانه‌ای در اکثر موارد یکسان است و در بعضی موارد تفاوت دارد که در اینجا به طور کلی به آنها اشاره می‌شود:^{۱۰}

- ۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی
- ۲- اهانت به دین اسلام و مقدسات آن
- ۳- ضدیت با قانون اساسی و هر گونه مطلبی که استقلال و تمامیت ارضی کشور را خدشه‌دار می‌کند.
- ۴- اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید
- ۵- تحریف یا تحقیر مقدسات دینی، احکام مسلم اسلام، ارزش‌های انقلاب اسلامی و مبانی تفکر سیاسی امام خمینی (ره)
- ۶- اخلال در وحدت و وفاق ملی
- ۷- القای بدبینی و ناامیدی در مردم نسبت به مشروعیت و کارآمدی نظام اسلامی
- ۸- اشاعه و تبلیغ گروه‌ها و احزاب غیرقانونی
- ۹- انتشار اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده دولتی و امور مربوط به مسائل امنیتی، نظامی و انتظامی
- ۱۰- اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف اخلاق و عفت عمومی
- ۱۱- ایراد افترا به مقامات و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی
- ۱۲- ترویج مصرف سیگار و مواد مخدر
- ۱۳- افشای روابط خصوصی افراد و تجاوز به حریم اطلاعات شخصی
- ۱۴- انتشار اطلاعات حاوی کلیدهای رمز بانک‌های اطلاعاتی، نرم‌افزارهای خاص، صندوق‌های پست الکترونیکی و یا روش شکستن آنها
- ۱۵- فعالیت‌های تجاری و مدنی غیرقانونی و غیرمجاز از طریق شبکه اطلاع‌رسانی و اینترنت از قبیل جعل، اختلاس، قمار و ...

- ۱۶- خرید، فروش و تبلیغات در شبکه اطلاع‌رسانی و اینترنت از کلیه کالاهایی که منع قانونی دارند.
- ۱۷- هرگونه نفوذ غیرمجاز به مراکز دارنده اطلاعات خصوصی و محرمانه و تلاش در جهت شکستن قفل رمز سیستم‌ها
- ۱۸- هرگونه حمله به مراکز اطلاع‌رسانی و اینترنتی دیگران برای از کار انداختن و یا کاهش دارایی آنها
- ۱۹- هرگونه تلاش برای انجام شنود و بررسی بسته‌های اطلاعاتی در حال گذر در شبکه که به دیگران تعلق دارد.
- ۲۰- ایجاد هرگونه شبکه و برنامه رادیویی و تلویزیونی بدون هدایت و نظارت سازمان صداوسیما
- ۲۱- ترویج ترور، خشونت و آموزش ساخت مواد تخریبی از قبیل مواد محترقه و یا منفجره. دسته‌ای از این جرایم همچون بندهای ۱ تا ۱۲ در قانون مطبوعات نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند اما به بعضی از آنها با توجه به طبیعت شبکه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های الکترونیک برای اولین بار توجه شده است که می‌توان از آنها با عنوان جرایم رسانه‌ای و به تبع آن جرایم رسانه‌های الکترونیک یاد کرد. این دسته از جرایم با توجه به وقوع رو به افزایش آن در شبکه‌های اطلاع‌رسانی و بروز خسارات و صدمات فراوان موجب نگرانی جهانی شده‌اند.
- در زمینه عنصر قانونی لازم است به دو مورد دیگر اشاره کرد که به طور ویژه سعی دارند محیط سایبر را قانونمند کنند. مورد اول «پیش‌نویس قانون جرایم رایانه‌ای» است که توسط قوه قضاییه در قالب لایحه قضایی تهیه شده و در حال طی مراحل قانونی جهت تصویب در مجلس شورای اسلامی است و دوم «پیش‌نویس لایحه قانون جامع رسانه‌ها» است که توسط دولت تهیه شده و در حال بررسی است. چنان که ملاحظه می‌شود تلاش برای تدوین قانون ویژه محیط‌های مجازی و دنیای سایبر، جرایم سایبری، رایانه‌ای و اینترنتی، رسانه‌های الکترونیک به طور خاص و عام در حال انجام است. گرچه هیچ‌کدام از این دو مورد هنوز به صورت نهایی جنبه قانونی و

لازم الاجرایی نیافته‌اند در اینجا به طور گذرا به فهرست عنوان‌های جرایم رایانه‌ای اشاره می‌شود:

نگاهی گذرا به پیش‌نویس قانون جرایم رایانه‌ای

پیش‌نویس این قانون در چهار بخش و ۴۱ ماده تنظیم شده است. بخش اول مربوط به کلیات است که یک ماده دارد. در این ماده اصطلاحات اساسی به کار رفته، از قبیل داده رایانه‌ای (Computer Data)، داده محتوا (Content Data)، داده حاصل از تبادل داده محتوا (Traffic Data)، اطلاعات (Information)، اطلاعات کاربر (Subscriber Information)، سیستم رایانه‌ای (Computer System)، سیستم مخابراتی (Communication System)، ارائه‌دهنده خدمات میزبانی (Hosting) و ... تعریف شده است. بخش دوم مربوط به جرایم و مجازات‌هاست که دارای چند فصل است. فصل اول مربوط به جرایم علیه محرمانه بودن داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی است که عنوان‌هایی همچون دسترسی غیرمجاز و جرایم علیه امنیت را در بر می‌گیرد. فصل دوم مربوط به جرایم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی است. این جرایم عبارتند از: جعل، تخریب و ایجاد اختلال در داده‌ها و سیستم. فصل سوم مربوط به جرم کلاهبرداری سایبری است که ضمن تعریف مجازات آن را نیز بیان می‌کند. فصل چهارم، جرایم مرتبط با داده‌ها را بیان می‌کند که طی آن هر کس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی محتویات مستهجن را تولید، ارائه، انتشار و یا مورد هر نوع معامله قرار دهد، به مجازات حبس و جزای نقدی و ضبط تجهیزات مربوط محکوم خواهد شد. همچنین در این فصل برای کسانی که محتویات مستهجن را به اشخاص زیر ۱۸ سال ارائه دهند یا محتویات مستهجن اشخاص زیر ۱۸ سال را تولید یا ارائه یا منتشر کنند و یا مورد هر قسم معامله قرار دهند و یا تهیه یا نگهداری یا ذخیره کنند به حداکثر مجازات حبس و جزای نقدی و ضبط تجهیزات محکوم خواهند شد. همچنین «هر کس به منظور دستیابی اشخاص زیر ۱۸ سال تمام به محتویات مستهجن یا به منظور ارتکاب جرایم یا استعمال مواد روان‌گردان یا خودکشی و یا انحرافات جنسی مبادرت به تبلیغ

یا تحریک یا تشویق یا دعوت یا فریب یا تهدید آنها نموده و یا طریق دستیابی یا ارتکاب یا استعمال موارد مذکور را برای آنها تسهیل نموده یا آموزش دهد به مجازات حبس از نود و یک روز تا یک سال با جزای نقدی از سه میلیون ریال تا دوازده میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

در بند ج ماده ۱۰ این پیش‌نویس به تهیه، تولید، ذخیره یا نگهداری محتویات مستهجن غیرواقعی (پویانمایی، طراحی یا نقاشی) اشاره شده و برای مرتکبان آن مجازات تعیین شده است. موضوع نشر اکاذیب و یا نسبت دادن خلاف واقع به اشخاص به وسیله سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی نیز در این پیش‌نویس مورد حکم قرار گرفت. همچنین تغییر و یا تحریف فیلم یا صوت دیگری و انتشار آن جرم دانسته شده است. همچنین است اگر شخصی با علم به تغییر یا تحریف فیلم یا صوت دیگری آنها را از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی انتشار دهد به نحوی که منجر به هتک حرمت یا ضرر وی شود. ماده ۱۳ این پیش‌نویس در خصوص افشای سیر است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی و خانوادگی یا اسرار دیگری را در غیر از موارد قانونی، بدون رضایت او منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد به نحوی که منتهی به ضرر وی گردد یا عرفاً موجب هتک حیثیت او تلقی شود به مجازات مقرر برای افشای سر محکوم خواهد شد.»

در فصل ششم به مسئولیت کیفری ارائه‌دهندگان خدمات از قبیل ایجادکنندگان نقطه تماس بین‌المللی و ارائه‌کنندگان خدمات میزبانی اشاره شده است. گروه اول موظف شدند با به کارگیری تدابیر و تجهیزات فنی متعارف، محتویات مستهجن را پالایش (Filter) کنند که در صورت کوتاهی مشمول شناخته شده و به مجازات‌های مقرر محکوم خواهند شد. ارائه‌کنندگان خدمات میزبانی نیز موظفند پس از اطلاع از وجود محتویات مستهجن در فضای واگذار شده توسط آنها، فوراً محتویات یاد شده را غیرقابل دسترس کرده و مراتب را به مراجع قضایی یا انتظامی محل اعلام و طبق دستور

مقام قضایی اقدام کنند، در غیر این صورت متخلفان به مجازات مربوط محکوم خواهند شد.

همچنین ارائه غیرمجاز رمز عبور یا کد دستیابی به داده‌های رایانه‌ای به دیگران به گونه‌ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و یا مخابراتی دیگری را فراهم آورد، جرم شناخته شده است که در فصل هفتم به این موضوع پرداخته شده است.

فصل هشتم این پیش‌نویس مربوط به تخفیف و تشدید مجازات است. براساس ماده ۱۷، اطلاع به مأموران قبل از کشف جرم، فراهم کردن تسهیل تعقیب سایر مرتکبان، کمک به مأموران دولتی و راهنمایی آنان در کشف جرم به نحو مؤثر و یا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در مرحله تحقق از مواردی است که موجب تخفیف، تعلیق و یا حذف مجازات خواهد شد.

تشدید مجازات مقرر در این پیش‌نویس نیز مربوط به کارمندان و کارکنان ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، نهادهای انقلابی، دیوان محاسبات، مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح است که به مناسبت انجام وظیفه مرتکب جرایم رایانه‌ای موضوع این قانون می‌شوند که حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

بخش سوم مربوط به آیین دادرسی سایبری است که در چند فصل به صلاحیت محاکم در رسیدگی به جرایم رایانه‌ای، جمع‌آوری ادله الکترونیکی (نگهداری و حفظ فوری داده‌ها، افشای آنها به دستور مقامات قضایی)، تفتیش و توقیف داده‌ها و سیستم‌ها و شنود داده‌ها پرداخته است.

بخش چهارم این پیش‌نویس با توجه به طبیعت جرایم رایانه‌ای که مرز زمان و مکان را درمی‌نوردند، به موضوع معاضدت بین‌المللی اختصاص دارد. براساس ماده ۳۹ این پیش‌نویس، معاضدت بین‌المللی، هرگونه تبادل اطلاعات و انجام امور اداری و پلیسی و

قضایی که دولت ایران و سایر دول را قادر به کشف، پیگیری، رسیدگی به اجرای حکم نماید، دربر خواهد گرفت.

مسئولیت ناشی از جرایم رسانه‌های الکترونیک

جرایم رسانه‌ای به طور عمومی می‌توانند سبب بروز بی‌نظمی اجتماعی و یا خسارات فردی شوند و به عبارتی جنبه عمومی یا خصوصی داشته باشند که به تناسب نوع جرم و افراد خسارت‌دیده و خسارت وارده، مسئولیت مدنی یا کیفری مرتکب را به دنبال خواهد داشت.

در مسئولیت مدنی، مرتکب ملزم و متعهد به جبران خسارات وارده به افراد یا گروه‌ها خواهد شد و در مسئولیت کیفری نیز به مجازات متناسب با جرم که در قانون مقرر شده است محکوم خواهد شد.

ویژگی رژیم مسئولیت کیفری جرایم رسانه‌های الکترونیک همانند هر یک از جرایم رسانه‌ای دیگر از حیث محتوای برنامه، تعیین فرد مسئول است که تقریباً همان مسائل و مباحث مطرح در جرایم مطبوعاتی در اینجا نیز رخ می‌نماید.

چنان که پیش از این گفته شد به مدد فناوری شبکه‌های اطلاع‌رسانی و تولید نرم‌افزار ویژه، امروزه افراد به تنهایی نیز می‌توانند یک رسانه الکترونیک راه‌اندازی کنند که در صورت بروز جرم واضح است براساس اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها، مرتکب مجازات خواهد شد. اما اگر گروهی از افراد بر مبنای یک فعالیت جمعی در راه‌اندازی نشریه الکترونیک نقش داشته باشند، در صورت وقوع جرم همچنان براساس اصل شخصی بودن، گروهی شامل مدیر مسئول که اجازه انتشار مطالب مجرمانه را داده است، نویسنده، تهیه‌کننده مطلب و هر کس دیگری را که در آن دخالت داشته است مستحق مجازات می‌دانند و در مقابل، عده‌ای مسئولیت در جرایم رسانه‌ای را مبتنی بر سلسله مراتب می‌دانند.

در رژیم مسئولیت مبتنی بر سلسله مراتب، ابتدا مدیر مسئول رسانه الکترونیک مسئول شناخته می‌شود و در مراتب بعدی به ترتیب نویسنده و چاپ‌کننده و حتی

توزیع کننده نشریه قابل تعقیب هستند. در هر حال آنچه در ایران قدرت اجرایی یافته است رژیم مسئولیت براساس اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها در خصوص جرایم رسانه‌ای است که در تبصره ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات (اصلاحی سال ۷۹) که شامل رسانه‌های الکترونیک نیز می‌شود، به آن اشاره شده است: «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود.»

با این همه اثبات مسئولیت در اینترنت در بسیاری از موارد به سادگی میسر نیست، زیرا پیام ارائه شده از طریق اینترنت، ممکن است پس از ارائه در مدت زمان کوتاه یا طولانی در پهنه اینترنت باقی باشد و سپس پیش از هر گونه پیگرد قانونی، از صفحه اینترنت حذف شود. در این صورت آیا نسخه چاپ شده یک مقاله، تصویر و یا هر پیام دیگر بدون این که در اینترنت بتوان نشانی از آن یافت، می‌تواند مستند رأی یک دادگاه قرار گیرد؟ احتمال این که متهم کلیه مدارک جمع‌آوری شده را انکار کند و آن را یک صحنه‌سازی جلوه دهد وجود دارد و به همین خاطر فرار از مسئولیت در اینترنت بسیار ساده است. براین اساس لازم است اطلاعات کلیه پایگاه‌های خبری، سایت‌های اینترنتی و ... در یک بایگانی مرکزی رایانه‌ای مطمئن و بی‌طرف ثبت شود و همانند پزشک قانونی، اظهارنظر این مرکز و ارائه مدارک و مستندات مبنای رسیدگی جزایی قرار گیرد. برای تحقق این امر لازم است ایجادکنندگان نقاط تماس بین‌المللی و ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی اینترنتی موظف به نگهداری و حفظ داده‌ها و پیام‌های ارائه شده تا مدت زمان مشخص باشند و در صورتی که حفظ داده‌های ذخیره شده لازم باشد مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از داده‌های ذخیره شده را به اشخاصی که به نحوی آنها را در تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در حقیقت جمع‌آوری ادله الکترونیک از الزامات رسیدگی به جرایم رسانه‌های الکترونیک است و در صورتی که با توجه به ماهیت رسانه‌های الکترونیک و سایر نسبت به حفظ، نگهداری و جمع‌آوری ادله اقدام شود می‌تواند برای اثبات جرم در دادگاه مورد استناد قرار گیرد. در جمع‌آوری داده‌ها

می‌توان از روش‌هایی همچون غیرقابل دسترس کردن داده‌ها و پیام‌ها، چاپ فایل‌های متن و تصویر، ضبط حامل‌های داده‌ها و ... عمل کرد. با این اقدام می‌توان دنیای مجازی اینترنت را برای مجرمان و تبهکاران ناامن کرد و مرتکبان جرم را تحت تعقیب کیفری قرار داد و به مجازات مناسب و بازدارنده محکوم نمود.

شبکه‌های اطلاع‌رسانی به مثابه ابزار جرم

هم اکنون کاربردهای سوء این فناوری نوین، وضعیت ناامنی در جهان مجازی شبکه‌های اطلاع‌رسانی به وجود آورده است. شبکه‌های اطلاع‌رسانی همانند یک جهان واقعی عمل می‌کنند. در این جهان افراد بداندیش، بیماران روانی، بزهکاران با سابقه، جاسوسان حرفه‌ای و ... به مدد توانایی‌های شبکه‌های اطلاع‌رسانی مشغول اعمال خلاف هستند. در این جهان ناامن هیچ شبکه خصوصی و ملی و دولتی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و علمی از نفوذ و هجوم و تخریب ایمن نیست. سوءاستفاده از اینترنت که بستر شبکه‌های نوین اطلاع‌رسانی است، هر روز از تنوع و پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌شود و قانونگذاران کشورهای مختلف هر روز با شکل تازه‌ای از بزهکاران مواجه می‌شوند و همین امر موجب سردرگمی مسئولان و دست‌اندرکاران نیز شده است که در اینجا تنها به ذکر عنوان اهم آنها اشاره می‌شود:

- ۱- مخابره مطالب و تصاویر جنسی وقیح و نمایش صحنه‌های خارج از نزاکت
- ۲- نقض حقوق نویسندگان، هنرمندان و ناشران
- ۳- نقض حاکمیت ملی
- ۴- تجاوز به قلمرو خصوصی افراد
- ۵- ایجاد خبرنامه و رسانه‌های اختصاصی جنایتکاران، بزهکاران و نژادپرستان
- ۶- آموزش انواع جرایم به هر کاربر، به خصوص کودکان و نوجوانان
- ۷- فروش نوزادان از طریق اینترنت
- ۸- تخریب اطلاعاتی (پاک کردن متن ثبت شده در CDها)

- ۹- دستکاری اطلاعات موجود در پایگاه‌ها و سایت‌های افراد و مؤسسات خصوصی و دولتی
- ۱۰- توقف خدمات از طریق ورود غیرقانونی به سیستم رایانه‌ای و ایجاد فایل‌های جدید و در نتیجه توقف سیستم
- ۱۱- سرقت اطلاعات
- ۱۲- حمله اینترنتی به مراکز اطلاع‌رسانی
- ۱۳- ارتکاب انواع مختلف جعل، اختلاس، قمار و ... رایانه‌ای
- ۱۴- شنود و بررسی نامه‌های الکترونیکی
- ۱۵- تجارت الکترونیکی غیرقانونی

جنبه فراملی جرایم رسانه‌های الکترونیک

از خصوصیات عمده و مهم رسانه‌های الکترونیک که در بستر شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اینترنت جای دارند، سرعت و وسعت ارسال پیام است. این رسانه‌ها بدون هرگونه محدودیت با سرعت زیاد از یک نقطه به نقطه دیگر سیر می‌کنند و با آثار و نتایجی که در سطح وسیع به جا می‌گذارند کل جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. قرار دادن یک پیام در پایگاه‌های اینترنتی به معنای آن است که پیام یاد شده در همان زمان آماده دریافت از سوی همه کاربران فعال در اقصا نقاط جهان است.

بر این اساس جرایم ارتكابی از طریق اینترنت و رسانه‌های الکترونیکی که همه یا بعضی از عناصر تشکیل‌دهنده آن در خارج از مرزهای کشور دریافت‌کننده تحقق می‌یابد، به سادگی جنبه فراملی و بین‌المللی پیدا می‌کند و به این ترتیب رشته‌ای خاص از حقوق جزا یعنی حقوق جزای بین‌الملل و یا حقوق بین‌المللی جزایی با ویژگی خاص خود رخ می‌نماید.

حقوق جزای بین‌الملل در حقیقت شاخه‌ای از حقوق داخلی یک کشور است که براساس آن، مقررات و مجازات‌های مربوط در مورد مرتکبان اعمال می‌شود، به عبارت دیگر اصل صلاحیت سرزمینی را در اجرای قوانین کیفری مقرر می‌دارد و بر این اساس

جرایم ارتكابی در قلمرو حاکمیت هر کشور تابع قوانین جزایی همان کشور است. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد:

«قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند اعمال می‌شود، مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

همچنین ماده ۴ همان قانون به بخش دیگری از این موضوع این گونه اشاره می‌کند: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود یا قسمتی از جرم در ایران یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود، حکم واقع شده در ایران است.»

براین اساس اگر یکی از رسانه‌های الکترونیک (برای مثال یکی از مجلات یا روزنامه‌های الکترونیکی و یا رادیو و تلویزیونی که از طریق اینترنت اقدام به پخش برنامه می‌کند و در خارج از قلمرو حاکمیت ایران، در یکی از کشورهای دور یا نزدیک و یا در قلمرو دریایی یا هوایی کشوری دیگر و یا حتی در سفارتخانه‌ها و نمایندگی کشورهای خارجی در ایران، مستقر است) اقدام به پخش و ارسال دیجیتالی پیام نوشتاری، شنیداری و یا دیداری نماید که براساس قوانین ایران جرم به شمار می‌رود و آثار و نتایج آن در قلمرو ایران ظاهر شود براساس اصل سرزمینی بودن، از آنجا که جرم در ایران واقع شده است، طبق قانون ایران تابع تعقیب است. یکی دیگر از اصول مطرح در حقوق جزایی بین‌الملل، اصل صلاحیت شخصی است. برابر این اصل، کشور متبوع مجرم یا بزه دیده به اعتبار تابعیت شخص، صالح به رسیدگی بر جرم و اعمال مجازات است.

ماده ۷ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد:

«... هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.»

بر این اساس اگر یکی از اتباع ایران در خارج از کشور از طریق یکی از رسانه‌های الکترونیک مرتکب جرم رسانه‌ای شود، قابل تعقیب کیفری از سوی محاکم ایرانی

خواهد بود و به محض ورود به ایران طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی مجازات خواهد شد.

گفتنی است مباحث مربوط به جنبه فراملی جرایم رسانه‌های الکترونیک به لحاظ گستردگی مجال ویژه‌ای می‌طلبد و در اینجا به همین میزان اکتفا می‌شود.

رسانه‌های الکترونیک به مثابه یک بزه دیده

یکی از خطراتی که رسانه‌های الکترونیک را تهدید می‌کند نفوذ کاربران ماجراجو و تبهکار در پایگاه خبری و دستکاری اطلاعات و اخبار و تصاویر و فیلم‌های آن است. این نفوذ با هدف تغییر اخبار و جایگزین کردن اخبار جعلی و دروغین به جای اخبار واقعی و صحیح صورت می‌گیرد. طی این عملیات مراجعه‌کنندگان به پایگاه هیچ‌گاه از واقعیت تغییرات انجام یافته مطلع نمی‌شوند و با توجه به عنوان و نشانی پایگاه خبری آنچه را می‌بینند و می‌شنوند اخبار مورد نظر صاحبان پایگاه و رسانه‌های الکترونیک تصور می‌کنند. این موضوع می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای روزنامه‌نگاران الکترونیک داشته باشد.

علاوه بر این که در درجه اول اعتبار و جایگاه حرفه‌ای آن مخدوش می‌شود، ممکن است از سوی افراد زیان‌دیده نیز مورد پیگیری جزایی قرار گیرند.

نکته مهم آن است که تغییر اخبار در پایگاه‌های خبری «آن لاین» به صورت واضح و یا مضحک و توأم با شوخی به گونه‌ای که جعلی بودن آن مشخص شود، چندان نگران‌کننده نیست مسئله وقتی نگران‌کننده و مشکل‌آفرین می‌شود که اخبار از سوی افراد متخصص و سازمان‌های ویژه به صورت کاملاً حرفه‌ای و به شکل تغییرات کاملاً جزئی اما تعیین‌کننده دستکاری شود و به نحوی این عمل انجام گیرد که تشخیص تغییر انجام شده غیرممکن باشد.

تعداد زیاد بازدیدکنندگان بعضی از پایگاه‌های خبری ممکن است سبب شود کوچک‌ترین تحریف خبری به یک فاجعه منجر شود؛ بر این اساس امنیت و نظارت مداوم در چنین پایگاه‌هایی مهم و حیاتی است.

برای مثال پایگاه USA Today یکی از پایگاه‌های خبری اینترنت که ماهانه حدود ۹ میلیون بازدیدکننده دارد، بارها مورد حمله نفوذی‌ها و هکرها قرار گرفته است. همچنین پایگاه خبری نیویورک تایمز و یاهو که از حمله نفوذی‌ها در امان نمانده‌اند.

مالکیت معنوی در رسانه‌های الکترونیک

از کارکردهای مهم و سازنده اینترنت و رسانه‌های الکترونیک فراهم آوردن امکان ارتباط آسان، سریع و مؤثر علمی بین اندیشمندان و پژوهشگران است، این معبر هم اکنون به عنوان یک معبر مناسب و ضروری برای ارتقای دانش مطرح شده است چنان که کلیه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، پژوهشگران، مخترعان و صاحبان اندیشه به مدد آن با یکدیگر ارتباط می‌یابند، از پیشرفت‌های علمی یکدیگر باخبر می‌شوند و از این راه به مشاوره علمی و همکاری‌های پژوهشی می‌پردازند. نگاهی به سایت‌ها و پایگاه‌های علمی و پژوهشی موجود در اینترنت و مراجعه روزافزون کاربران نشان دهنده این واقعیت است که بستر ایجاد شده ناخودآگاه به یک نیاز علمی بشر پاسخ مناسبی داده است.

با این حال دسترسی آزاد به میلیون‌ها رکورد اطلاعاتی و بهره‌برداری بی‌ضابطه از اطلاعات و داده‌های علمی اینترنت و سوءاستفاده از نتایج تحقیقاتی که ثمره تلاش و هزینه بسیار افراد و مراکز متعدد بوده است از موضوعات مطرح در باب شبکه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های عصر نوین اطلاعات است. از سوی دیگر نبود امکان نظارت بر رسانه‌های الکترونیک و کنترل اطلاعات بر پیچیدگی موضوع بیش از پیش افزوده است. در این حال هر کسی می‌تواند به سادگی به اطلاعات موجود در اینترنت دست یابد و به راحتی از آن - اعم از متن، تصویر و پرونده‌های صوتی - نسخه‌برداری کند. تاکنون ایجاد دیوارهای امنیتی و موانع الکترونیکی نیز چاره‌ساز نبوده است. بدین ترتیب حقوق پدیدآورنده و ناشر به راحتی نادیده گرفته می‌شود. زیرا هیچ قانون مشخصی برای جلوگیری از استفاده مجدد مطالب از سوی دیگری وجود ندارد.

نکته مهم دیگر به خصیصه ذاتی رسانه‌های الکترونیک برمی‌گردد و آن محدود نبودن به یک مرز جغرافیایی خاص است. به طور کلی رسانه‌های جدید الکترونیک از طریق فناوری به کار گرفته شده، به رسانه‌های جهانی تبدیل شده‌اند و هیچ محدودیت و مانعی در ارسال و دریافت اطلاعات وجود ندارد. به همین خاطر به محض قرار گرفتن اطلاعات علمی و یا آخرین دستاوردهای پژوهشی و مطالعاتی یک مرکز تحقیقاتی بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی، کلیه کاربران توانایی دستیابی و نسخه‌برداری از آن را می‌یابند. بنابراین از آنجا که محیط دیجیتالی رسانه‌های الکترونیک بی‌مرز است برای مقابله با آسیب‌های وارد به صاحبان اثر، لازم است قوانین فراملی و فرامرزی و جهان‌شمول از طریق سازمان‌های جهانی تدوین شده و به تصویب کلیه کشورها برسد.

وضعیت رسانه‌های الکترونیک در ایران

امروزه به مدد دستاوردهای فناوری اطلاعات و مخابرات، تحولی شگرف در رسانه‌های الکترونیک ایجاد شده است. برای نمونه هم اکنون یک روزنامه الکترونیک علاوه بر انتقال ساده متن پیام همانند رادیو و تلویزیون شامل تصویر، صدا، فیلم و انیمیشن نیز می‌شود. همچنین از آنجا که با فراهم آمدن امکان تعامل دو سویه خوانندگان و مخاطبان نیز می‌توانند در یک ارتباط ساده نقشی همانند رسانه ایفا کنند ظهور و نفوذ این رسانه‌ها روزبه‌روز افزایش می‌یابد. به همین خاطر استفاده از اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی برای ارسال پیام در ایران به سرعت آغاز شده و رشد فزاینده‌ای یافته‌است. امروزه مطبوعات چاپی علاوه بر حفظ شکل کاغذی و چاپی که طرفداران و جایگاه خاص خود را دارد، در دنیای مجازی اینترنت و سایبر نیز قرار گرفته‌اند. در حال حاضر قریب به اتفاق روزنامه‌ها و اکثر مجلات، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها به انتشار نسخه الکترونیک خود نیز اقدام کرده‌اند. این نسخه الکترونیک در قالب PDF و قالب‌های مشابه نسخه چاپی ارائه می‌شود. نسخه‌های الکترونیکی نیز طرفداران خاص خود را دارند. از آنجا که نسخه‌های الکترونیکی در ساعات اولیه بامداد در اینترنت قابل دسترسی هستند میزان دسترسی افراد به رسانه‌ها افزایش یافته است. هم اکنون نسخه‌های الکترونیکی نشریات

چاپی بدون تبعیت از مقررات و قاعده خاصی در اینترنت منتشر می‌شوند. از نظر شمول قانون مطبوعات بر این دسته از نشریات الکترونیکی در بین صاحب‌نظران عرصه حقوق و ارتباطات اتفاق نظر وجود دارد. اما در عین حال این ابهام مطرح است که آیا همان گونه که راه‌اندازی نشریات چاپی نیاز به اخذ مجوز از مراجع ذی‌صلاح دارد، قراردادن نشریه در اینترنت نیز نیاز به مجوز خاصی دارد یا مجوز چاپی آن در این امر کفایت می‌کند. از سوی دیگر، مشکل اصلی بر سر رسانه‌هایی است که به معنای واقعی الکترونیک هستند و در دنیای مجازی به وجود آمده و به فعالیت و حیات خود ادامه می‌دهند. هم‌اکنون روزنامه‌های الکترونیکی فراوانی وجود دارند که تنها بر روی شبکه اینترنت منتشر می‌شوند و هیچ نسخه چاپی ندارند. افراد و گروه‌های مختلف به خصوص گروه‌های سیاسی و روزنامه‌نگارانی که روزنامه‌هایشان به خاطر تخلف و برابر موازین قانونی تعطیل شده است بار دیگر با راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی و پایگاه‌های خبری به فعالیت می‌پردازند. به طور کلی رسانه‌های الکترونیک به دلیل قابلیت‌های خاصی همچون سهولت راه‌اندازی، هزینه اندک، محدود نبودن به مرز زمانی و مکانی، سرعت در انتقال پیام و کنترل نشدن از سوی دولت‌های حاکم، مورد توجه جدی گروه‌های مخالف هستند. هم‌اکنون پایگاه‌های خبری متعددی به زبان فارسی در شبکه اینترنت یافت می‌شود که از سوی مخالفان جمهوری اسلامی مستقر در کشورهای خارجی راه‌اندازی شده‌اند و بر خلاف قوانین موضوعه فعالیت می‌کنند.

الزامات قانونی راه‌اندازی سایت‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی

براساس تبصره ۳ ماده یک قانون مطبوعات، نشریات الکترونیکی نیز مشمول قانون مطبوعات هستند و ضوابط و مقررات در خصوص آنها قابل اجراست. براین اساس لازم است کلیه نشریات الکترونیک پیش از انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز لازم را دریافت دارند در غیر این صورت طبق بند الف ماده ۷ و ماده ۳۲ قانون، متخلف شمرده می‌شوند و انتشار آنها ممنوع بوده و پیگرد قانونی خواهد داشت.

ملاحظه و نتیجه گیری

- ۱- ظهور و گسترش روزافزون محیط‌های مجازی و رایانه‌ای، همچنان که فرصت‌ها و توانمندی‌های فراوانی را برای رشد، توسعه و پیشرفت دانش بشری، سطح فرهنگ و برخورداری افراد و جوامع از رفاه و آگاهی بیشتر در اختیار انسان‌ها قرار داده است موجب بروز نگرانی‌ها و تهدیدهای فراوانی شده است. فناوری مدرن رایانه‌ای به گونه‌ای است که طیف گسترده‌ای از فرصت‌ها را برای پیگیری اهداف مثبت و منفی، صلح‌جویانه و خشونت‌آمیز، سیاسی و اجتماعی، سازنده و مخرب، خیرخواهانه و مجرمانه در اختیار گروه‌های سیاسی، اجتماعی و ... قرار می‌دهد.
- ۲- به مدد فناوری‌های رایانه‌ای، هم اکنون تحولاتی جدی در عرصه رسانه‌ها و ارتباطات به وجود آمده است. قدرت و توانمندی‌های این فناوری سبب شده است دنیای جدیدی با ویژگی‌های خاص، پیچیده، متنوع و در عین حال جذاب و خیره‌کننده در عرصه رسانه‌ها به وجود آید. امروزه رسانه‌های الکترونیک به طور عام و رسانه‌های سایبر به طور خاص در حال نقش‌آفرینی در عرصه ارسال اطلاعات و پیام هستند و تمام مرزهای موجود را درنوردیده‌اند. محدودیت‌های دنیای حقیقی باعث شده است که دنیای سایبر مورد توجه روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، نویسندگان، نویسندگان، تهیه‌کنندگان و همه اقشار جامعه قرار گیرد و هر کس خود را برای تهیه خبر و ارسال آن صالح ببیند.
- ۳- با ورود افراد تازه‌کار و همچنین گروه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به محیط رسانه‌های سایبر و الکترونیک، کشورها با نوع جدیدی از هنجارشکنی‌ها، تخلفات، جرایم و بزه‌ها مواجه شدند و پس از مدتی ناامنی بر سراسر شبکه حاکم گردید. گروه‌های تبهکار و مجرمان رایانه‌ای و اینترنتی که عرصه جدیدی برای ارتکاب بزه، تخلف، افشای اسرار، تجاوز به حریم خصوصی، تحریف حقایق و نشر اکاذیب، کلاهبرداری، جعل، سرقت و ... پیدا کردند به سرعت در حال نشو و نما و گسترش و شیوع هستند.
- ۴- این پدیده در مورد همه کشورهای جهان از جمله ایران صادق است. هم اکنون وبلاگ‌ها، پایگاه‌های اینترنتی، نشریات الکترونیک و سایبر و ... به سرعت در حال گسترش هستند و جلوه‌های بزه‌ها و جرایم اینترنتی در عرصه رسانه‌های الکترونیک

نمود پیدا کرده است. پرونده‌های قضایی نیز در این خصوص در محاکم دادگستری مورد رسیدگی قرار گرفته و احکامی صادر شده است.

۵- در رسیدگی به جرایم سایبر علاوه بر قوانین و مقررات لازم‌الاجرای موجود که ارتکاب جرم و بزه در هر محیطی را شامل می‌شود و براساس قوانین موضوعه، قاضی موظف به رسیدگی و صدور حکم براساس آن است، نیاز به قوانین و مقررات خاص محیط سایبر، جرایم سایبری، رسانه‌های الکترونیک و سایبر نیز احساس می‌شود. بر همین اساس در سراسر جهان و از جمله ایران تلاش برای تهیه و تدوین قانون ویژه جرایم رایانه‌ای و سایبری ادامه دارد و در ایران پیش‌نویس آن تهیه شده که پس از طی مراحل قانونی لازم‌الاجرا می‌شود.

منابع

- ۱- قانون مجازات اسلامی
 - ۲- سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی)
 - ۳- قانون مطبوعات (مصوبه مجلس شورای اسلامی)
 - ۴- مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع رسانه‌ای رایانه‌ای در ایران (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)
 - ۵- مباحث مطرح شده در میزگرد علمی - تخصصی بررسی جایگاه حقوقی و حرفه‌ای نشریات الکترونیک، ۸۲/۲/۱۵، نمایشگاه جشنواره مطبوعات
 - ۶- پیش‌نویس لایحه قضایی «قانون جرایم رایانه‌ای» تهیه شده توسط قوه قضاییه
7. <http://www.itna.ir>

پی‌نوشت‌ها

- ۱- کاربر اینترنتی به کسی گفته می‌شود که به طور متوسط هفته‌ای حداقل یک بار از خدمات اینترنتی استفاده کند.
- ۲- ضریب نفوذ اینترنت عبارت است از درصد نسبت کاربران اینترنت با کل جمعیت کشور
۳- <http://www.itna.ir>، جمعه ۲۴ فروردین ۱۳۸۳
- ۴- همان، دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۲
- ۵- همان، جمعه ۱۵ خرداد ۱۳۸۳

6. <http://www.itna.ir>

- ۷- شکرخواه، یونس، سخنرانی ایراد شده در میزگرد علمی - تخصصی بررسی جایگاه حقوقی و حرفه‌ای نشریات الکترونیک (نشست‌های تخصصی نمایشگاه جشنواره مطبوعات)، ۱۳۸۲/۲/۱۵
- ۸- جلسات ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶ و ۴۸۸ مورخ ۸۰/۵/۹، ۸۰/۵/۲۳، ۸۰/۶/۶، ۸۰/۷/۳، ۸۰/۷/۱۷ و ۸۰/۸/۱۵
- ۹- این سه آیین‌نامه عبارتند از: الف - آیین‌نامه نحوه اخذ مجوز و ضوابط فنی نقطه تماس بین‌المللی (A.S.P)؛ ب - آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت رسا (I.S.P)؛ ج - آیین‌نامه دفاتر خدمات حضوری اینترنت (Coffee net).
- ۱۰- ردیف ۱ تا ۲۰ بند ۶ آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت رسا (I.S.P) و ردیف ۱ تا ۲۲ بند ۷ آیین‌نامه خدمات حضوری اینترنت (Coffee net).

حقوق مرتبط با حقوق

پدید آورندگان

آثار ادبی و هنری

محسن صادقی*، حسن محسنی**

چکیده

این مقاله برگرفته از تحقیقی است که با عنوان «بررسی تطبیقی کنوانسیون‌های برن، رم و موافقتنامه تریپس درباره مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط و تأثیر پیوستن به آنها بر فعالیت سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» در موسسه حقوق تطبیقی به سفارش سازمان صداوسیما انجام شده است. در کنار پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، اشخاص و سازمان‌هایی که از طریق اجرا، تولید آثار صوتی و پخش رادیویی و تلویزیونی، اثری را به دیگران عرضه می‌دارند باید از حمایت موثر قانونی برخوردار باشند. این اشخاص که به دارندگان حقوق مرتبط (مجاور) با حقوق پدیدآورنده معروفند، در کنوانسیون ویژه‌ای به نام کنوانسیون رم مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در این مقاله، بیان ماهیت حقوق مرتبط، بررسی مقررات کنوانسیون رم، موضع حقوق ایران در قبال این حقوق و تبعات الحاق کشور ما به این کنوانسیون در سه فصل به شرح زیر مورد بحث قرار گرفته است: در فصل نخست کلیات درباره تعریف مفاهیم، تاریخچه و فلسفه حمایت از حقوق مرتبط ارائه شده است؛ و در فصل دوم کنوانسیون رم (۱۹۶۱) با توجه به مبنای حمایت، معیار حمایت، آثار

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران و پژوهشگر موسسه حقوق تطبیقی
** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران و پژوهشگر موسسه حقوق تطبیقی

مورد حمایت، حقوق مادی و معنوی اشخاص ذی‌نفع، مدت حمایت و مقررات شکلی کنوانسیون مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل پایانی نیز حقوق مرتبط در نظام حقوقی ایران با توجه به دارندگان این حق، موضوعات مورد حمایت، معیار حمایت، حقوق مادی و معنوی اشخاص ذی‌نفع، مدت حمایت و محدودیت‌ها و استثناهایی که قانونگذار در قوانین سال‌های ۴۸ و ۵۲ ایران مقرر کرده بررسی شده است.

مقدمه

پس از آن که تلاش‌های بین‌المللی برای پذیرش و حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در چهارچوب کنوانسیون برن^۱ به نتیجه رسید، مسئله حمایت از حقوق مرتبط یا حقوق مجاور^۲ به طور جدی مورد توجه متخصصان مالکیت فکری قرار گرفت. هر چند نو بودن این موضوع در ابتدا مخالفت‌های زیادی را به همراه داشت، گذشت زمان و افزایش نقش و اهمیت اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی در عرضه عمومی آثار ادبی و هنری و تجاوز به حقوق آنها، کشورها را متقاعد ساخت که مقررات خاصی را برای حمایت از حقوق این اشخاص در سطح بین‌المللی وضع و تدوین کنند. نقطه عطف این تلاش‌ها، کنوانسیون رم^۳ ۱۹۶۱ بود که در قالب ۳۴ ماده به حمایت از حقوق مرتبط پرداخت. آنچه در این مقاله ارائه می‌شود، بررسی این دسته از حقوق است. در فصل نخست، کلیاتی درباره حقوق مرتبط مطرح می‌شود. در فصل دوم، ابعاد مختلف کنوانسیون رم بررسی خواهد شد و در فصل سوم، وضعیت حقوق ایران در مورد حقوق مرتبط و آثار الحاق ایران به کنوانسیون رم مورد توجه قرار خواهد گرفت.

فصل نخست - کلیاتی در باب حقوق مرتبط

الف) مفهوم، تاریخچه و فلسفه حمایت از حقوق مرتبط

در کنوانسیون رم و مقررات داخلی کشورها، تعریفی از حقوق مرتبط ارائه نشده است و این خلأ باعث شده است مفهوم این حقوق در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد، به نحوی که

برخی آن را بخشی از حقوق پدیدآورنده تصور کرده و دارندگان حقوق مرتبط را در حقوق پدیدآورنده شریک دانسته‌اند. این ابهام در تشخیص قلمرو حقوق مرتبط نیز دیده می‌شود چنان که بعضی آن را به طور مضیق و بعضی به طور موسع تعریف کرده‌اند. برای مثال دسته اول معتقدند حقوق مرتبط شامل مجریان آثار ادبی و هنری، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی می‌شود (Stewart, 1989:190) در حالی که به اعتقاد دسته دوم، حقوق مرتبط علاوه بر این سه مورد، موارد دیگری را نیز در بر می‌گیرد.

علی‌رغم خلأ قانونی، برخی از حقوقدانان، حقوق مرتبط را تعریف کرده‌اند. برای نمونه، استرلینگ حقوقدان انگلیسی چنین می‌گوید: «حقوق مرتبط یا حقوق مجاور، به طور کلی حقوق اشخاصی است که آثار خلاقانه‌ای^۴ را به عموم عرضه می‌کنند، بی آن که خود پدیدآورنده آن محسوب شوند.» (Sterling, 1998: 62).

تعریف فوق، هرچند ماهیت حقوق مرتبط را روشن می‌سازد، دارای این ایراد است که آن را منحصر به عرضه عمومی آثار خلاقانه کرده است، در حالی که اگر شخصی، اثری غیر خلاقانه به عموم عرضه کند ممکن است تحت شرایطی از حقوق مرتبط برخوردار شود همچنان که اجرای مبتکرانه یک بازیگر از فرهنگ عامه (فولکلور) یا یک اثر معمولی نیز می‌تواند اجرا کننده را از حقوق مرتبط بهره‌مند سازد همان‌گونه که در بند الف ماده ۲ معاهده واپو در مورد اجراها و آثار صوتی^۵ آمده است.

برخی از حقوقدانان فرانسوی در تعریف این مفهوم چنین می‌گویند: «حقوق مرتبط، ناظر به امتیازاتی است که برای وابستگان آفرینش ادبی و هنری در نظر گرفته می‌شود.» (Lucas et Jacques Lucas, 2001: 1).

این تعریف می‌تواند شامل اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی^۶، سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی^۷، تولیدکنندگان آثار تصویری^۸ و پایگاه داده‌ها^۹ و ناشران شود هر چند مقصود کنوانسیون رم از دارندگان حقوق مرتبط، تنها سه دسته اول است. پیشینه طرح مسئله حقوق مرتبط به کنوانسیون رم محدود نمی‌شود بلکه این نهاد از تاریخچه‌ای قدیمی‌تر برخوردار است. در پایان قرن نوزدهم، پیشرفت‌های علمی و

فناوری جدید، منجر به اختراعاتی در خصوص ضبط‌های صوتی و تصویری شد. پدیدآوردندگانی که مطابق کنوانسیون برن مورد حمایت قرار می‌گرفتند دریافتند که آثار آنها توسط این فناوری جدید مورد تعرض قرار می‌گیرد. از این رو در بازنگری این کنوانسیون در سال ۱۹۰۸، حمایت از آثار ادبی و هنری در برابر این فناوری‌ها پیشنهاد شد و در بازنگری‌های بعدی گسترش یافت. در مقابل، ضبط‌کنندگان و متصدیان تولید آثار صوتی و تصویری در صدد برآمدند حمایتی را به نفع خود جلب کنند؛ زیرا از یک سو، تجربه، تخصص و سرمایه‌های مالی‌ای که صرف تولید آثار صوتی و تصویری کرده بودند، در معرض خطر بود و از سوی دیگر، کنوانسیون برن تنها از آثار تصویری تحت عنوان آثار سینمایی حمایت می‌کند^۱ و ضبط آثار صوتی مورد حمایت آن قرار نگرفته است دلیل این تبعیض نیز چندان روشن نیست (Sterling, 1998: 502). علاوه بر این تولیدکنندگان آثار صوتی - تصویری که آثارشان به صورت تجاری مورد بهره برداری قرار می‌گرفت با اجرا کنندگان این دسته از آثار نیز اختلاف پیدا کردند زیرا ضبط صوتی - تصویری، مشکلاتی را برای اجرا کنندگان ایجاد کرده بود به این ترتیب که عملاً جایگزین اجرای زنده نوازندگان و بازیگران نمایش‌ها در محافل می‌شد و امکان کنترل پخش آن از سوی اجرا کنندگان وجود نداشت. از این رو در دهه ۱۹۲۰، پیشنهادهایی برای حمایت از حقوق این افراد ارائه شد و با توجه به شرایط و ضرورت‌های زمانی روشن شد که سه دسته ذی‌نفع باید مورد توجه قرار گیرند: اجراکنندگان، تولیدکنندگان ضبط‌های صوتی و پخش‌کنندگان رادیویی و تلویزیونی. در سطح ملی، کشور اتریش در حمایت از حقوق این افراد پیش قدم بود زیرا در قانون سال ۱۹۳۶، از حقوق مرتبط سخن به میان آورد (Ibid). پس از آن، کشورهای ایتالیا در ۱۹۴۱، آلمان و فرانسه در ۱۹۸۵ و انگلیس در ۱۹۸۸ حمایت از آن را در دستور کار خود قرار دادند.

در سطح بین‌المللی، موضوع حمایت از این حقوق را برای نخستین بار دولت بریتانیا، در کنفرانس ۱۹۲۸ برلین، مطرح کرد اما نتیجه‌ای حاصل نشد تا این که در تاریخ ۲۶ - ۱۰ اکتبر سال ۱۹۶۱ میلادی، کنفرانس دیپلماتیک در خصوص حمایت از

اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی - تلویزیونی در شهر رم تشکیل شد و ۱۴ کشور، مقررات کنوانسیون جدید، معروف به کنوانسیون رم را پذیرفتند و برای آن سه پیش‌نویس تهیه کردند که همگی در «پیش‌نویس لاهه»^{۱۱} ادغام شد و اساس کنوانسیون رم را تشکیل داد (Stewart, 1989: 192). هر چند تعداد اعضای این کنوانسیون زیاد نبوده و این کنوانسیون درخشش برن را نداشته است از آنجا که میان حقوق سه دسته اشخاص ذی نفع توازن ایجاد کرده در نوع خود کم‌نظیر بوده و تاثیر شگرفی بر قوانین ملی کشورها داشته است. علاوه بر این کشورهایی که عضو سازمان تجارت جهانی و در نتیجه موافقتنامه تریپس هستند، حتی اگر عضو کنوانسیون رم نیز نباشند، باید به مواد ۶-۱، ۱۰، ۱۵-۱۲ و ۱۹ این کنوانسیون که مواد اصلی و ماهوی آن است ملتزم باشند.

ب) ارتباط میان حقوق مرتبط و حقوق پدیدآورنده

وقتی سخن از «حقوق مرتبط» به میان می‌آید، نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که این حقوق با چه چیز، مرتبط یا مجاور هستند؟ تلاش برای پاسخ به این پرسش منجر به خلق نظریه‌ای به نام «نظریه کیک»^{۱۲} شد که به شدت از سوی سازمان‌های حمایت از حقوق پدیدآورندگان حمایت می‌شد. به موجب این نظریه، اگر حقوق پدیدآورنده را به کیک تشبیه کنیم که متعلق به پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری است، هر چه به دارندگان حق مرتبط پرداخت می‌شود تکه‌ای از همان کیک است که متعلق به پدیدآورنده است در نتیجه، پس از برداشتن تکه‌های یاد شده آنچه برای پدیدآورنده باقی می‌ماند تنها تکه‌ای کوچک از آن است (Stewart, 1989: 192). از این رو پدیدآورندگان و سازمان‌های حمایت‌کننده از آنها با این دیدگاه که این کیک به طور کامل به پدیدآورنده اثر ادبی و هنری تعلق دارد با حقوق مرتبط مخالفت می‌کردند و این مسئله باعث بروز نگرانی برخی کشورها از برقراری حقوق مرتبط شد، زیرا حقوق پدیدآورنده، پس از سال‌ها تلاش و بحث، مورد حمایت قرار گرفته بود و برقراری حقوقی برای اجرا کنندگان یا تولیدکنندگان می‌توانست به حق پدیدآورنده لطمه‌ای

جدی وارد سازد، اما تجربه و رویه عملی ثابت کرد که این نگرانی بی اساس و ناموجه بوده است، زیرا کمیته بین‌الدولی کنوانسیون رم در گزارش خود اعلام داشت: «برقراری امتیاز برای دارندگان حقوق مرتبط، لطمه‌ای به حقوق پدیدآورنده وارد نمی‌کند» (Ibid)؛ ضمن آن که نه تنها دلیلی برای کاهش حقوق پدیدآورنده وجود ندارد بلکه شواهدی هست که مطابق آن، حقوق مزبور، روند صعودی نیز داشته به علاوه نظریه کیک خود می‌تواند متضمن این الزام باشد که استفاده کننده تا حد ممکن باید حقوق پدیدآورنده را رعایت کند (Sterling, 1998: 70). کنوانسیون رم برای رفع این نگرانی در نخستین ماده خود تصریح می‌کند: «حمایت اعطا شده به موجب این کنوانسیون، حمایت از حقوق مکاتبه پدیدآورنده آثار ادبی و هنری را نفی نمی‌کند و به هیچ وجه تأثیری بر آن نخواهد داشت. در نتیجه هیچ مقرره از این کنوانسیون نمی‌تواند به نحوی تفسیر شود که به این حمایت لطمه وارد کند.»

اما این پایان نگرانی‌ها برای شناسایی حقوق مرتبط نبود زیرا این بیم وجود داشت که برخی کشورها از دارنده حقوق مرتبط حمایت کنند بدون آن که پدیدآورنده را مورد حمایت قرار دهند، اما کنوانسیون رم در مواد ۲۳ و ۲۴ خود، این نگرانی را نیز برطرف ساخت. به موجب این دو ماده، کشورها تنها در صورتی می‌توانند کنوانسیون رم را امضا کنند که پیش از آن، عضو کنوانسیون جهانی مالکیت ادبی و هنری^{۱۳} یا کنوانسیون برن شده باشند (Stewart, 1989: 192).

سومین نگرانی در مورد شناسایی حقوق مرتبط این بود که استفاده از یک اثر گاه نیازمند کسب اجازه از پدیدآورنده و دارنده حق مرتبط است و به رغم موافقت اولی، شخص دوم از اعطای اجازه خودداری می‌کند. برای مثال نوازنده یک قطعه پیانو که به علت اجرای یک اثر حمایت شده است ممکن است به رغم موافقت پدیدآورنده اثر، از تثبیت اجرای آن جلوگیری کند. این نگرانی نیز بی‌مورد است زیرا از یک سو چنین مواردی بسیار نادر است و از سوی دیگر، دارنده حق مرتبط اغلب زمانی از استفاده دیگران جلوگیری می‌کند که این استفاده به حق معنوی پدیدآورنده و دارنده حق مرتبط لطمه وارد می‌کند؛ برای مثال زمانی که شرایط تثبیت مناسب نیست (Ibid).

از آنچه گفتیم می‌توان نتیجه گرفت که میان حقوق مرتبط و حقوق پدیدآورنده نه تنها تعارضی وجود ندارد بلکه آنها از جهاتی با یکدیگر تشابه دارند. حتی عده‌ای از حقوقدانان این حقوق را «شبهه حقوق پدیدآورنده» نامیده‌اند.^۴ برای مثال بسیاری از اصول کلی حاکم بر اعطای حقوق پدیدآورندگان بر حقوق مرتبط نیز حاکم است؛ از جمله عدالت طبیعی ایجاب می‌کند که اگر کسی بدون اجازه از حق یا مال دیگری استفاده کند مجازات شود؛ به همین نحو باید قائل به مجازات کسی شد که بدون اجازه از حقوق دارندگان حق مرتبط استفاده کرده است. علاوه بر این اصولی مانند انصاف، رعایت حقوق بشر و لزوم پرداخت حق‌الزحمه بر هر دو دسته از حقوق مرتبط و حقوق پدیدآورنده حاکم است. وجوه تشابه این دو دسته به قدری است که یکی از حقوقدانان فرانسوی معتقد به تشابه ساختاری آنها شده است (Gautier, 1996: 38). برخی دیگر نیز قائل به تشابه مبانی حقوق پدیدآورنده و حقوق مرتبط به ویژه حقوق اجرا کنندگان شده‌اند (Sterling, 1998: 70). همچنین دارندگان هر دو دسته از حقوق یاد شده از امتیازات مشابهی نظیر حق انحصاری منع یا تجویز تکثیر اثر خود برخوردارند. به رغم وجود این تشابهات نمی‌توان تفاوت میان آنها را نادیده گرفت. در اینجا به بعضی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

- ۱ - در حالی که حق پدیدآورنده اثر در ابتدا با خلق آن برقرار می‌شود حقوق مرتبط منوط به وجود اثری است که قبلاً پدید آمده است (Stewart, 1989: 196).
- ۲ - قلمرو و حوزه‌های حقوق پدیدآورندگان، وسیع‌تر از حقوق مرتبط است؛ یعنی اجرا کنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی مشمول حقوق مرتبط هستند در حالی که این احصا در مورد حقوق پدیدآورنده دیده نمی‌شود.
- ۳ - یک اثر ممکن است در کشوری از حمایت حقوق پدیدآورنده برخوردار باشد، در حالی که در کشور دیگر تنها از حقوق مرتبط بهره‌مند شود مانند عکاسی که در فرانسه از حقوق پدیدآورنده برخوردار است اما در چند کشور دیگر از حقوق مرتبط (Ibid: 189).

۴ - مدت حمایت از حقوق مرتبط همواره کوتاه‌تر از حقوق پدیدآورنده است. برای مثال ماده ۷ کنوانسیون برن، مدت حمایت از حقوق پدیدآورنده را تا ۵۰ سال پس از مرگ او مقرر کرده است در حالی که کنوانسیون رم این مدت را برای حقوق مرتبط ۲۰ سال پس از اجرا یا تثبیت یا پخش اثر تعیین کرده است و در برخی کشورها مانند کشورهای اسکاندیناوی مدت حمایت ۲۵ سال و در ایتالیا ۳۰ سال پس از تاریخ مزبور است (Ibid: 193).

۵ - دارنده حقوق پدیدآورنده می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد در حالی که دارنده حقوق مرتبط در برخی موارد مانند اجرا کننده نمی‌تواند شخص حقوقی باشد.

۶ - شرط حمایت از اثر ادبی و هنری، اصیل بودن (ابتکاری و خلاقانه بودن) آن است در حالی که چنین شرطی در مورد حقوق مرتبط ضروری نیست و در هیچ یک از اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون رم و معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری در مورد اجراها و آثار صوتی^{۱۵} و همچنین در اسناد منطقه‌ای نظیر دستورالعمل اتحادیه اروپا این شرط دیده نمی‌شود (Sterling, 1998: 274-5).

۷ - به عقیده عده‌ای از حقوقدانان مهم‌ترین تفاوت حقوق پدیدآورنده و حقوق مرتبط در تعهدات بین‌المللی ناشی از آن است. توضیح این که اگر کشور «الف» اجرا و تولید اثر صوتی یا پخش رادیویی و تلویزیونی را موضوعی جدا از آثار ادبی و هنری تعریف کند، مسئله خارج از تعهد آن کشور نسبت به کنوانسیون برن در خصوص رعایت حداقل ضوابط کنوانسیون و اصل رفتار ملی^{۱۶} نسبت به آثار کشور «ب» است و اگر کشور «ب» همان اثر را در قانون مالکیت ادبی و هنری خود به عنوان اثر ادبی و هنری تعریف کند، ملزم به حمایت از آثار کشور «الف» مطابق حداقل ضوابط کنوانسیون برن و اصل رفتار ملی می‌شود (Goldstein, 2001: 11).

۸ - در مورد حقوق معنوی باید گفت بر خلاف حقوق پدیدآورنده آثار ادبی و هنری که در قوانین داخلی کشورها و در عرصه بین‌المللی به ویژه کنوانسیون برن از جهت حمایت از نام و تمامیت خود اثر حمایت شده است، در مورد بهره‌مندان از حقوق مرتبط چنین چیزی صادق نیست به نحوی که کنوانسیون رم هیچ اشاره‌ای به آن

نکرده و ماده پنج معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری در مورد اجراها و آثار صوتی نیز تنها در مورد اجراهای شنیداری زنده و اجرایی که در آثار صوتی ضبط شده است قائل به حقوق معنوی شده است. با این حال قوانین داخلی بسیاری از کشورها از جمله آرژانتین، اتریش، بنین، کامرون، جمهوری دموکریک، اکوادور، السالوادور، فرانسه، آلمان، غنا، یونان، گینه، ایتالیا، پاراگوئه، پرو، اسپانیا و یوگسلاوی حداقل یکی از دو حق نام یا تمامیت خود اثر را برای اجرا کنندگان شناسایی کرده است (Sterling, 1998: 294).

۹ - همان‌گونه که خواهیم دید برخی از مصادیق حقوق مادی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در مورد دارندگان حقوق مرتبط مانند حق تعقیب یا حق اقتباس مصداق ندارد.

از آنچه ذکر شد چنین بر می‌آید که حقوق مرتبط و حقوق پدیدآورنده دو دسته حقوق متفاوتند و قواعد خاصی بر هر یک حاکم است از این رو باید نظر حقوقدانانی^{۱۷} را تایید کرد که میان این دو قائل به تمایز شده و با برقراری یک سلسله مراتب طولی، حقوق معنوی پدیدآورنده را در فرض تعارض با حقوق معنوی دارندگان حقوق مرتبط بر حقوق دسته اخیر مقدم می‌دارند. همچنان که در رای مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۹۰، دادگاه پاریس با رد تقاضای یک نوازنده ویلون برای حذف اجرای او از فیلم، بر همین تفاوت صحه گذاشت^{۱۸}.

فصل دوم: بررسی کنوانسیون رم (۱۹۶۱)

کنوانسیون رم از دو دسته مقررات تشکیل شده است: مقررات ماهوی و مقررات شکلی. از آنجا که مقررات ماهوی، اهمیتی بسیار بیشتر از مقررات شکلی دارد و محدودیت حجم مقاله نیز اجازه بررسی تفصیلی مقررات اخیر را نمی‌دهد با تفصیل بیشتر به مقررات ماهوی می‌پردازیم و مقررات شکلی را تنها فهرست‌وار مورد اشاره قرار می‌دهیم. علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر در این زمینه به منابع مربوط مراجعه کنند (Sterling, 1998: 504).

الف: مبنای حمایت

هر چند مقررات این کنوانسیون از سه گروه ذی‌نفع حمایت می‌کند مبنای حمایت آنها یکسان نیست. از یک سو تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی مطابق مواد ۱۰ و ۱۳ از حقوق انحصاری خاصی از جمله حق تکثیر برخوردارند و از سوی دیگر اجرا کنندگان طبق ماده ۷ تنها حق منع برخی اعمال را مانند منع پخش رادیویی و تلویزیونی بدون رضایت آنها دارند و از بسیاری حقوق انحصاری برخوردار نیستند. علت این تفاوت آن است که در سال ۱۹۶۱ برخی از کشورها برای تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی حقوق قانونی خاصی را تصویب کردند یا در صدد تصویب آن بودند در حالی که کشورهای دیگری مانند انگلیس برای حمایت از اجرا کنندگان در برابر استفاده‌های غیرمجاز ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته بودند (Sterling, 1998: 504).

قلمرو حمایت کنوانسیون از یک سو ناظر به حمایت بین‌المللی از حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی بوده است و از سوی دیگر به آثار ادبی و هنری که اجرا، ضبط یا پخش رادیویی و تلویزیونی شده‌اند نظر دارد. همچنین کنوانسیون در ماده یک خود مقرر داشته است حمایت از این سه گروه، حقوق مکتسبه پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری را مخدوش نمی‌سازد. با توجه به این که کنوانسیون موضوع حمایت (آثار ادبی و هنری) را به طور دقیق تعریف نکرده و قلمرو حمایت را به دول امضاکننده واگذار کرده است، تضمینی که کنوانسیون در ماده یک مقرر کرده است، به عقیده عده‌ای از حقوقدانان، بیشتر جنبه نمادین دارد تا تضمین واقعی (Lucas, 2001: 914). با این حال می‌توان گفت علی‌رغم این که تعریفی از آثار ادبی و هنری در کنوانسیون رم ارائه نشده است، منظور همان آثار ادبی و هنری یاد شده در ماده ۲ کنوانسیون برن است.

ب: معیار حمایت

طبق بند یک ماده ۲ کنوانسیون «رفتار ملی به معنای رفتار اعطا شده‌ای است که مطابق حقوق داخلی کشور عضوی که حمایت در آنجا تقاضا شده است، انجام می‌شود.»
(الف) نسبت به اجراکنندگانی که اتباع آن کشورند، در خصوص اجراهایی که در قلمرو آن کشور انجام شده یا برای نخستین بار ضبط یا پخش رادیویی یا تلویزیونی شده باشد.

(ب) نسبت به تولیدکنندگان آثار صوتی که اتباع آن کشورند، در خصوص آثار صوتی‌ای که ابتدا در قلمرو آن کشور تثبیت یا منتشر شده باشد.

(ج) نسبت به سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی که مقر اصلی آنها در قلمرو آن کشور است، در خصوص پخش‌هایی که از طریق فرستنده مستقر در قلمرو آن کشور ارسال شده است. بدین ترتیب کنوانسیون به روشنی وجوه خاص رفتار ملی را تعریف کرده است. در مورد اجراکنندگان، رفتار ملی محدود به رفتار اعطا شده به اجراکنندگان اتباع آن کشور و در خصوص اجراهایی است که در آنجا پخش یا ابتدا تثبیت شده‌اند. ماده ۴ این کنوانسیون اصل رفتار ملی نسبت به اجراکنندگان را منوط به وجود یکی از شرایط زیر دانسته است:

(الف) اجرا در یک کشور دیگر عضو کنوانسیون انجام شود؛

(ب) اجرا در اثر صوتی گنجانده شده باشد که مطابق ماده ۵ این کنوانسیون حمایت می‌شود؛

(ج) اجرایی که در یک اثر صوتی تثبیت نشده است، اما توسط سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی که مطابق ماده ۶ این کنوانسیون حمایت می‌شود پخش شده باشد.

اصل رفتار ملی در قبال تولیدکنندگان آثار صوتی در بند یک ماده ۵ کنوانسیون آمده و منوط به احراز یکی از شرایط زیر است:

«الف) تولیدکننده اثر صوتی تبعه یک کشور دیگر عضو کنوانسیون باشد؛

(ب) اولین تثبیت آن صوت در یک کشور دیگر عضو کنوانسیون انجام شده باشد؛

ج) آن اثر صوتی برای نخستین بار در یک کشور دیگر عضو کنوانسیون منتشر شده باشد.

همچنین بند ۲ همین ماده می‌افزاید «اگر یک اثر صوتی برای نخستین بار در یک کشور غیر عضو منتشر شده باشد ولی ظرف ۳۰ روز از تاریخ اولین انتشار در یک کشور عضو کنوانسیون هم منتشر گردد (انتشار همزمان)، به منزله اثری که برای نخستین بار در کشور عضو منتشر شده تلقی می‌شود».

اگرچه در کنوانسیون معیارهای تابعیت، تثبیت و انتشار نسبت به اشخاص یاد شده پذیرفته شده است در برخی کشورها مانند کشورهای اسکاندیناوی تنها معیار ضبط، و در کشور انگلستان معیار تابعیت و انتشار پذیرفته شده است.

بند یک ماده ۶ کنوانسیون رم لزوم رفتار ملی نسبت به سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی را پیش‌بینی کرده و آن را منوط به تحقق یکی از شروط زیر دانسته است: «الف) مرکز اصلی سازمان پخش‌کننده در یک کشور دیگر عضو کنوانسیون مستقر باشد؛

ب) پخش رادیویی و تلویزیونی از یک فرستنده مستقر در یک کشور دیگر عضو کنوانسیون انجام شده باشد.»

اصل رفتار ملی در کنوانسیون با محدودیت‌هایی رو به رو شده است. از این رو بند ۲ ماده ۲ مقرر می‌دارد: «رفتار ملی مشروط به حمایت و محدودیت‌هایی است که به طور خاص در این کنوانسیون تضمین و مقرر شده است». این بند بدین صورت تفسیر شده است که کشورهای عضو کنوانسیون رم ملزم به رعایت رفتار ملی نسبت به حقوق مرتبگی نیستند که طبق حقوق داخلی خود بیشتر از تضمینات مقرر در کنوانسیون است.^{۱۹} بر این مبنا، بند ۲ ماده ۲ می‌تواند به رفتار ملی اثر محدودی بدهد و از طریق حق شرط، (ماده ۶ (۱) (a) (i) مجوزی برای کشورها باشد تا اتباع دیگر کشورهای عضو را از حق الزحمه اجرای آثار صوتی علی‌رغم این که چنین حقوقی را به شهروندان خود می‌دهند، محروم سازند (Sterling, Ibid).

همانند کنوانسیون برن که صلاحیت بین‌المللی خود را از طریق سه معیار پدیدآورنده، اثر و تجاوز به حق روشن ساخته است، کنوانسیون رم نیز در خصوص حقوق مرتبط از معیارهای زیر استفاده کرده است:

۱ - معیار شخصی^{۲۰} که مربوط به تابعیت دارنده حق است، نه اقامتگاه دائمی او،

۲ - معیار عینی^{۲۱} که به موجب آن ملاک حمایت کنوانسیون از سه دسته، عملکرد

هر یک از آنها است و به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

الف) معیار اجرا^{۲۲} که مربوط به اجرا کنندگان است؛ بنابراین یک هنرمند باید اثر

ادبی یا هنری را اجرا کند تا مشمول حمایت کنوانسیون قرار گیرد هر چند به موجب

ماده ۹ هر کشور عضو می‌تواند بر اساس قوانین داخلی خود حمایت کنوانسیون را به

هرمندانی که آثار ادبی و هنری را اجرا نمی‌کنند (هنرمندان سیرک و برنامه‌های متنوع^{۲۳})

نیز تعمیم دهد (Grand Larousse).

ب) معیار نخستین تثبیت^{۲۴} که مربوط به تولیدکنندگان آثار صوتی بوده و در بعضی

موارد به اجرا کنندگان نیز قابل تعمیم است.

ج) معیار نخستین انتشار^{۲۵} که نسبت به تولیدکنندگان اعمال می‌شود.

د) معیار پخش یا معیار مقرر اصلی^{۲۶} که قابل اعمال در مورد سازمان‌های پخش

رادیویی و تلویزیونی است و می‌تواند به اجرا کنندگان نیز تعمیم داده شود.

پ: ذی‌نفعان حمایت

در کنوانسیون رم از سه دسته ذی‌نفع حمایت می‌شود:

۱- اجرا کنندگان (ماده ۴) که مطابق بند الف ماده ۳ عبارتند از: «بازیگران،

خوانندگان، نوازندگان، رقاصان و اشخاصی که آواز می‌خوانند یا با بازخوانی، دکلمه،

بازی و یا به هر نحو دیگری، آثار ادبی یا هنری را اجرا می‌کنند».

۲- تولیدکنندگان آثار صوتی (ماده ۵) که طبق بند ج ماده ۳ عبارتند از: اشخاصی

حقیقی یا حقوقی که برای نخستین بار اصوات یک اجرا یا دیگر اصوات را تثبیت

می‌کنند.

۳- سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی (ماده ۱۶): این قبیل سازمان‌ها در کنوانسیون تعریف نشده‌اند اما به موجب بند و ماده ۳ کنوانسیون رم «پخش رادیویی و تلویزیونی به معنای ارسال «اصوات» یا «تصاویر و اصوات» از طریق وسایل بی‌سیم برای دریافت عمومی است».

این اشخاص مطابق کنوانسیون، مستحق برخورداری از اصل رفتار ملی هستند. همچنین به موجب ماده ۷، اجرا کنندگان، و مطابق ماده ۱۰، تولیدکنندگان آثار صوتی و بر اساس ماده ۱۳، سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی مورد حمایت قرار می‌گیرند. ماده ۱۲ نیز در مورد حق‌الزحمه استفاده ثانوی از آثار صوتی مقررات حمایتی پیش‌بینی کرده است.

هدف کلی کنوانسیون، حمایت از این اشخاص در سطح بین‌المللی است، به نحوی که در داخل هر یک از کشورهای عضو مسئله حمایت از این سه گروه کاملاً داخلی تلقی می‌شود. از این رو تولیدکننده اثر صوتی‌ای که تبعه یک کشور عضو است در سطح داخلی تنها می‌تواند حمایت مقرر در قوانین داخلی آن کشور را مطالبه کند و نه حمایت پیش‌بینی شده در کنوانسیون رم را.

این کنوانسیون همانند کنوانسیون برن به قائم مقامان این سه دسته اشاره نمی‌کند اما مطابق اصول کلی حقوقی، این افراد نیز می‌توانند از حمایت‌های مقرر شده بهره‌مند شوند، همچنان‌که برخی از صاحب‌نظران بر این موضوع تاکید کرده‌اند.
(Lucas. A Lucas, H, 2001: 921).

ت: آثار مورد حمایت

آثار مورد حمایت کنوانسیون عبارتند از:

۱ - اجراها: مقصود از اجرا، فعالیت اجرا کننده است. این فعالیت مجموعه واحدی از اصوات یا تصاویر یا هر دو آنهاست که پس از ادغام با فعالیت اجرا کننده به منصفه ظهور می‌رسد. هنگامی که یک خواننده معروف غزلی از حافظ را در دستگاه شور می‌خواند آنچه از ترکیب تن صدا، ذوق، گیرایی، خلاقیت، متن شعر و هارمونی دستگاه

شور به دست می‌آید اجرا است که موجب ایجاد حق برای اجرا کنندگان می‌شود. اجرا به موجب این کنوانسیون شامل بازی، آوازخوانی، اجرای موسیقی، رقص، بازخوانی، دکلمه یا هرگونه اجرای آثار ادبی و هنری می‌شود. با این حال به موجب ماده ۹ کنوانسیون رم کشورهای عضو می‌توانند بر اساس قوانین داخلی خود حمایت مقرر در کنوانسیون را به هنرمندانی که آثار ادبی یا هنری را اجرا نمی‌کنند (مانند هنرمندان سیرک و اجرا کنندگان نمایش‌های تفریحی متنوع) نیز تعمیم بدهند.

۲ - آثار صوتی: ^{۲۷} تنها آثاری مورد حمایت این کنوانسیون قرار می‌گیرند که منحصراً صوتی از اصوات یک اجرا یا دیگر اصوات باشند. تولیدکننده این آثار نیز صرفاً زمانی مورد حمایت قرار می‌گیرد که برای نخستین بار آن را تثبیت شنیداری کرده باشد. قصد تدوین کنندگان کنوانسیون این بوده است که ضبط‌های صوتی در حد وسیعی مورد حمایت قرار گیرند و این نکته از قید «تثبیت دیگر اصوات» مندرج در ماده ۳ به راحتی استنباط می‌شود.

ماده ۱۱ کنوانسیون برای حمایت از آثار صوتی، تشریفات را مقرر کرده است؛ به موجب این ماده «کشور عضو می‌تواند به موجب حقوق داخلی خود رعایت تشریفات را به عنوان شرط حمایت از حقوق تولیدکنندگان آثار صوتی یا اجرا کنندگان یا هر دو در ارتباط با آثار صوتی مقرر بدارد. [رعایت] این تشریفات هنگامی محقق شده تلقی می‌شود که تمام نسخه‌های موجود در بازار آثار صوتی منتشر شده یا جلد آنها دارای یادداشتی باشد که شامل علامت (P) به همراه تاریخ سال نخستین انتشار بوده و به نحوی درج شده باشد که اطلاع رسانی مناسبی از ادعای حمایت ارائه دهد؛ و اگر آن نسخه‌ها یا جلد آن، تولیدکننده یا دارنده مجوز از سوی تولیدکننده را (با درج نام علامت تجاری یا مشخصه‌های مناسب دیگر) معین نمی‌کند یادداشت باید مشتمل بر نام دارنده (انتقال گیرنده) حقوق تولیدکننده نیز باشد؛ اگر نسخه‌ها یا جلد آن، اجراکنندگان اصلی را مشخص نمی‌کند یادداشت باید شامل نام شخصی باشد که در کشوری که تثبیت در آنجا انجام شده است، از حقوق چنین اجرا کنندگانی برخوردار است.

۳ - پخش رادیویی و تلویزیونی: اصطلاح پخش رادیویی و تلویزیونی گویای آن است که پخش‌هایی مورد حمایت قرار می‌گیرند که به صورت مجموعه‌ای از سیگنال‌های تشکیل دهنده ارسال بی‌سیم اصوات، تصاویر یا هر دو، درآمده‌اند. آنچه باید به آن توجه کرد این است که ارسال‌های کابلی در این کنوانسیون مورد حمایت قرار نگرفته است.

ث: حقوق اشخاص ذی‌نفع

اجرا کنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی اصولاً از دو دسته حقوق مادی و معنوی برخوردارند از این رو در بخش اول و دوم از حقوق مادی و معنوی سخن می‌گوییم و در ادامه، این موضوع را بررسی خواهیم کرد که این دو دسته حقوق در کنوانسیون تا چه میزان مورد حمایت قرار گرفته‌اند:

۱ - حقوق مادی^{۲۸}

الف) حقوق مادی اجرا کنندگان: در هنگام تدوین مقررات کنوانسیون رم، در مورد اعطای حق انحصاری به اجرا کنندگان میان نمایندگان برخی کشورها اختلاف نظر پیش آمد. دلایل مهمی که مخالفان اعطای حق انحصاری مطرح می‌کردند بدین شرح بود:

- ۱ - اگر استفاده از اجرا کننده نیازمند کسب رضایت باشد این امر سبب ایجاد مشکلات اداری می‌شود به عبارت روشن‌تر اگر استفاده کننده ناچار باشد علاوه بر کسب رضایت پدیدآورنده به دنبال کسب رضایت اجرا کننده نیز باشد، به ویژه در اجراهای گروهی، بروز مشکلات و تشریفات اداری موانعی برای او ایجاد می‌کند.
- ۲ - اگر چنین حقوق انحصاری برای اجرا کننده در نظر گرفته شود قوانین تازه وضع شده بسیاری از کشورها از جمله انگلیس که ضمانت کیفری را مقرر کرده است مجدداً باید دستخوش بازنگری شود.
- ۳ - اگر استفاده از یک اثر ادبی و هنری اجرا شده علاوه بر رضایت پدیدآورنده، نیازمند کسب اجازه از اجرا کننده باشد ممکن است به رغم اجازه اولی، دومی از

موافقت کردن خودداری کند و این مسئله محدودیت‌هایی را در راه استفاده از این آثار موجب شود (Sterling, 1998: 208).

اما با توجه به مخالفت‌های صورت گرفته حداقل حمایتی که از اجرا کنندگان به عمل آمده است قابل ملاحظه نیست (Dbois, Fanon, Kerever, 1976: 327 – 8, 281 – 2). با این حال توافق حاصل شد که در کنوانسیون رم برای اجرا کنندگان برخی حقوق انحصاری پیش‌بینی شود که عبارتند از:

بند یک) منع برخی اعمال:^{۲۹} به موجب بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون حمایت مقرر شده برای اجرا کنندگان شامل امکان منع از امور زیر خواهد بود:

الف) پخش رادیویی و تلویزیونی و عرضه عمومی اجرای بدون رضایت آنها، مگر در مواردی که آن اجرا در پخش رادیویی و تلویزیونی یا در عرضه عمومی مورد استفاده قرار گرفته است و قبلاً به نوبه خود یک اجرای پخش شده از رادیو یا تلویزیون بوده یا براساس یک اجرای تثبیت شده انجام شده است؛

ب) تثبیت بدون رضایت آنها در نگهدارنده‌ای مادی از اجرای تثبیت نشده؛

ج) تکثیر از اجرای تثبیت شده بدون رضایت آنها؛

۱ - اگر تثبیت اصلی به نوبه خود بدون رضایت آنها انجام شده باشد؛

۲ - اگر تثبیت با هدفی متفاوت با آنچه اجرا کننده بدان رضایت داده انجام شده

باشد؛

۳ - اگر تثبیت اصلی مطابق مقررات ماده ۱۵^{۳۰} و تکثیر با هدف‌هایی متفاوت^{۳۱} با آنچه در آن مقررات اشاره شده، انجام گرفته باشد.

بند دو) حق برخورداری از حق‌الزحمه منصفانه اجرای آثار صوتی:^{۳۲} طبق ماده ۱۲ کنوانسیون «اگر اثر صوتی منتشر شده برای اهداف تجاری یا تکثیر چنین اثری مستقیماً در پخش رادیو و تلویزیون استفاده شده یا به عموم عرضه شود از سوی استفاده کننده حق‌الزحمه‌ای منصفانه به اجرا کنندگان یا تولیدکنندگان آثار صوتی یا هر دو پرداخت خواهد شد. در صورت به توافق نرسیدن اشخاص ذی‌نفع قانون داخلی می‌تواند شرایطی برای تسهیم این حق‌الزحمه مقرر کند».

بند سه) اجرای آثار غیر ادبی و غیر هنری: ^{۳۳} همان گونه که گفته شد برقراری حقوق انحصاری برای اجرا کنندگان با مخالفت برخی کشورها مواجه شد و همین امر موجب گردید حمایت کنوانسیون طبق بند الف ماده ۳ محدود به اجرا کنندگانی شود که یک اثر ادبی یا هنری را اجرا می‌کنند. با این حال کنوانسیون در ماده ۹ خود این اجازه را به قانونگذار داخلی کشورهای عضو داده است که حمایت مقرر در کنوانسیون را به افرادی که آثاری غیر از آثار ادبی و هنری اجرا می‌کنند تعمیم دهد.

بند چهار) تثبیت صوتی - تصویری: ^{۳۴} مطابق ماده ۱۹ «... به محض این که اجراکنندگان به درج اجرای خود در یک تثبیت تصویری یا سمعی - بصری رضایت دهند، دیگر ماده ۷ در مورد آنان اعمال نخواهد شد». ^{۳۵} از مفهوم مخالف ماده استنباط می‌شود که تا قبل از این رضایت، اجرا کننده از حق انحصاری منع درج اجرای خود در چنین تثبیتی برخوردار است.

ب) حقوق مادی تولید کنندگان آثار صوتی: حقوق مادی مقرر شده در کنوانسیون برای این گروه، به دو دسته تقسیم می‌شود:

بند یک) حق تکثیر: مطابق ماده ۱۰ کنوانسیون «تولیدکنندگان آثار صوتی از حق اجازه یا منع تکثیر مستقیم یا غیر مستقیم آثار صوتی خود برخوردار خواهند بود.» منظور از تکثیر مستقیم این است که این عمل بی‌واسطه از یک اثر صوتی انجام شود و تکثیر غیر مستقیم ناظر به تکثیرهایی است که از طریق یک پخش واسطه‌ای انجام می‌گیرد و نه به صورت مستقیم (Lucas. A, Lucas H, 2001: 938)، گاه تکثیر از پخش رادیویی و تلویزیونی یک اثر صوتی انجام می‌شود که به آن تکثیر غیر مستقیم می‌گویند و گاه تکثیری بی‌واسطه از یک اثر صوتی است برای مثال از لوح فشرده آواز یک خواننده معروف که شرکت خاصی تولید کرده است و به آن تکثیر مستقیم می‌گویند.

بند دو) حق برخوردار از دستمزد منصفانه اجرای اثر صوتی: به استناد ماده ۱۲ «اگر اثر صوتی منتشر شده برای اهداف تجاری، یا تکثیر چنین اثری، مستقیماً در رادیو و تلویزیون استفاده شود، یا به عموم عرضه گردد، حق‌الزحمه منصفانه از سوی استفاده‌کننده به اجراکنندگان یا تولیدکنندگان آثار صوتی یا هر دو پرداخت خواهد شد.

در صورت به توافق نرسیدن اشخاص ذی‌نفع قانون داخلی می‌تواند شرایطی را برای تسهیم این حق‌الزحمه مقرر کند».

هر چند مطابق قسمت دوم این ماده قانون داخلی کشورهای عضو می‌تواند شرایطی را برای تسهیم این حق‌الزحمه مقرر کند در اکثر موارد اجرا کنندگان و تولیدکنندگان به طور برابر سهم می‌برند (Sterling, 1998: 518).

متن کنوانسیون رم روشن نمی‌سازد که آیا ارسال‌های کابلی نیز مشمول حمایت ماده ۲ قرار می‌گیرد یا نه؛ به عبارت دیگر آیا تولیدکنندگان آثار صوتی در مقابل ارسال‌های کابلی رادیویی و تلویزیونی نیز حمایت می‌شوند یا ماده ۱ منحصر به ارسال‌های بی‌سیم است؟ در این خصوص تفاسیر مختلفی وجود دارد: برخی معتقدند ارسال‌های کابلی از شمول ماده مستثنا شده‌اند و برخی معتقدند ارسال‌هایی که برای نخستین بار از طریق کابل انجام شده مشمول این ماده‌اند اما ارسال‌های مجدد کابلی مشمول آن نمی‌شوند برخی از صاحب‌نظران نیز با توجه به قید «مستقیماً» چنین استنباط کرده‌اند که ارسال‌های کابلی هم مشمول ماده مزبور قرار می‌گیرند (Ibid).

کشورهای عضو کنوانسیون می‌توانند با استناد به قست الف بند یک ماده ۱۶ اعمال ماده ۱۲ را به طور کلی یا در برخی موارد استثنا کرده و از حق شرط استفاده کنند.

ج) حقوق مادی سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی: مطابق ماده ۱۳ کنوانسیون «سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی از حق تجویز یا منع امور زیر برخوردارند:

الف) پخش مجدد برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خود؛

ب) تثبیت برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خود؛

ج) تکثیر:

۱ - تکثیر تثبیت‌هایی که بدون رضایت آنها از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی‌شان

صورت گرفته است؛

۲ - تکثیر تثبیت‌هایی که مطابق مقررات ماده ۱۵ از برنامه‌های رادیویی و

تلویزیونی‌شان انجام شده است، در صورتی که این تکثیر با اهدافی متفاوت با آنچه در مقررات یاد شده به آنها اشاره شده است صورت گرفته باشد.

د) عرضه عمومی پخش‌های تلویزیونی خود، در صورتی که در محلی قابل دسترس برای عموم در برابر پرداخت حق ورود^{۳۶} انجام شده باشد. تعیین شرایط اعمال حق یاد شده در اختیار قانونگذار داخلی کشوری است که حمایت از این حق در آنجا مطالبه شده است».

۲ - حقوق معنوی^{۳۷}

در کنوانسیون رم همانند موافقتنامه تریپس و دستورالعمل اتحادیه اروپایی، حق معنوی ذی‌نفعان مورد حمایت قرار نگرفته است اما در بند یک ماده ۵ معاهده اجرا و آثار صوتی و ایپو حقوق معنوی اجرا کننده آن هم به صورت محدود مورد حمایت قرار گرفته است این بند بیان می‌دارد: «صرف‌نظر از حقوق مادی و حتی پس از انتقال آن حقوق، اجرا کننده در قبال اجراهای زنده شنیداری خود یا اجراهایی که در آثار صوتی تثبیت شده‌اند از حق ذکر نام^{۳۸} به عنوان اجرا کننده برخوردار است؛ مگر در مواردی که شیوه استفاده از آن اجرا ذکر نشدن نام را ایجاب کند؛ همچنین حق دارد با هر گونه تغییر، تنقیص یا دیگر تغییرات در اجرا که شهرت او را خدشه‌دار می‌کند مخالفت نماید.»

آنچه باعث شده است در کنوانسیون رم به حقوق معنوی ذی‌نفعان توجه نشود به دیدگاهی بر می‌گردد که مطابق آن، فلسفه حمایت از حقوق مرتبط، حمایت از سرمایه، مهارت و وقتی است که صرف شده است. این دیدگاه در حقوق کامن لا رایج بوده و بر اساس آن در نظر گرفتن حقوق مادی برای ذی‌نفعان، حمایت از آنان را تأمین خواهد کرد. در مقابل، در حقوق رومی - ژرمنی، صرف شناسایی حقوق مادی و بی‌توجهی به حقوق معنوی، به طور کامل پاسخگوی فلسفه حمایت از دارندگان حق نخواهد بود زیرا حمایت از این اشخاص به خاطر شخصیت آنان است با توجه به حمایت نکردن معنوی از دارندگان حق مرتبط در کنوانسیون، به نظر می‌رسد تفکر حقوق کامن لا در زمان تدوین مقررات آن، غالب بوده است.

حمایت از حقوق معنوی چندان مورد توجه اسناد بین‌المللی و قانونگذار داخلی کشورها قرار نگرفته است. در مواردی هم که به این حقوق اشاره شده تنها ناظر به اجراکنندگان بوده است، زیرا در میان سه دسته ذی‌نفع تنها اجراکنندگان حقیقی هستند که بر مبنای شخصیت خود به اجرای اثر ادبی و هنری می‌پردازند. هر چند باید گفت چنین تبعیضی منطقی نیست، زیرا تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی نیز باید از حق حرمت نام و اثر خود برخوردار باشند چرا که نام آنان بر روی اثر صوتی و یا برنامه رادیویی و تلویزیونی درج شده و باید این حق را بدان‌ها داد که بتوانند دیگران را از تغییرات یا تحریف نام اثر یا نام تولیدکننده و سازمان پخش رادیویی و تلویزیونی منع کنند؛ هم‌چنان‌که رعایت مقتضیات نظم عمومی نیز این امر را ایجاب می‌کند.

ج: مدت حمایت

کنوانسیون رم در ماده ۱۴ با بیان قاعده‌ای کلی، مدت حمایت را ۲۰ سال تعیین کرده است اما مبدأ شروع این مدت، متفاوت است:

- ۱ - اجراکنندگان: برای اجراهایی که به شکل یک اثر صوتی، تثبیت نشده‌اند، مدت ۲۰ سال از پایان سالی آغاز می‌شود که اجرا در آن واقع شده است و برای اجراهایی که تثبیت شده‌اند از پایان سالی که تثبیت در آن واقع شده است (بند الف و ب ماده ۱۴).
- ۲ - تولیدکنندگان آثار صوتی: مطابق بند الف ماده ۱۴ کنوانسیون، مدت حمایت برای آثار صوتی، ۲۰ سال از پایان سالی است که در آن تثبیت انجام شده است.
- ۳ - سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی: مطابق بند ج ماده ۱۴ کنوانسیون رم، مدت حمایت از این پخش‌ها، ۲۰ سال از پایان سالی است که پخش در آن رخ داده است.
- ۴ - محدودیت‌ها و استثناءها: کنوانسیون رم همانند کنوانسیون برن، محدودیت‌ها و استثنایایی را بر اعمال مقررات خود پیش‌بینی کرده است. به موجب ماده ۱۵ «۱- هر

کشور عضو می‌تواند در قوانین و مقررات داخلی خود، استثناهایی را بر حمایت اعطا شده کنوانسیون در ارتباط با امور زیر مقرر کند:

الف) استفاده خصوصی؛^{۳۹}

ب) استفاده از گزیده‌های کوتاه^{۴۰} به منظور گزارش وقایع جاری^{۴۱} (روزمره).

پ) تثبیت‌های ناپایدار^{۴۲} که توسط سازمان رادیو و تلویزیون با استفاده از امکانات

سازمان و برای همان سازمان انجام می‌شود؛

ت) استفاده صرف برای اهداف آموزشی یا تحقیقات علمی^{۴۳}.

۲ - صرف‌نظر از بند یک این ماده، هر کشور عضو می‌تواند در قوانین و مقررات

داخلی خود نسبت به حمایت از اجرا کنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های

پخش رادیویی و تلویزیونی، همان نوع محدودیت‌هایی را که در قوانین و مقررات

داخلی خود نسبت به حمایت از حقوق پدیدآورنده آثار ادبی و هنری اعمال می‌کند،

مقرر دارد. با وجود این، ممکن است مجوزهای اجباری تنها تا میزانی صادر شود که با

این کنوانسیون منطبق باشد».

علاوه بر استنهاها و محدودیت‌های یاد شده مقررات کنوانسیون نمی‌تواند، قواعد

انتظامی^{۴۴} نظیر قواعد امری اداری و مالیاتی کشورهای عضو را نفی کند از این رو این

قواعد را در صورت مغایرت با کنوانسیون باید جزء محدودیت‌های کنوانسیون دانست

(Lucas, A, Lucas H, 2001: 928 – 9).

۵ - اجرای حق^{۴۵}، تجاوز به حق و ضمانت اجرای آن: مطابق ماده ۸ کنوانسیون «هر

کشور عضو می‌تواند به موجب قوانین و مقررات داخلی خود، شیوه‌ای را معین کند که

مطابق آن اجرا کنندگان در مورد اعمال حقوق خود نماینده داشته باشند، اگر چند نفر از

آنان در اجرای واحدی مشارکت داشته‌اند». به بیان دیگر کشورها می‌توانند مقرراتی

وضع کنند که حقوق اعطا شده به اعضا گروه ارکستر و مانند آن از طریق نمایندگان

آنان اعمال شود. همچنین کنوانسیون، مقررات خاصی در مورد تجاوز به حقوق

ذی‌نفعان و ضمانت اجراهای مدنی و کیفری ندارد. با این حال در ماده ۲۶ مقرر داشته

است:

«۱- هر کشور عضو، متعهد است اقدامات لازم را برای تضمین اجرای این کنوانسیون، مطابق قانون اساسی خویش اتخاذ کند.

۲- در زمان تودیع سند تصویب، پذیرش یا الحاق، هر کشور باید مطابق حقوق داخلی خود در موقعیتی باشد که به مقررات این کنوانسیون اثر بخشد.»

در حقوق انگلستان تجاوز به حقوق دارندگان حقوق مجاور دارای ضمانت اجرای کیفری است (Ibid: 925).

در حقوق فرانسه، قانونگذار هر دو نوع ضمانت اجرای مدنی و کیفری را پیش بینی کرده است.

د: مقررات شکلی کنوانسیون

مقررات شکلی کنوانسیون عبارتند از: حق شرط، نحوه عضویت در کنوانسیون، رعایت حقوق مکتسبه در هنگام قبول عضویت کنوانسیون، توافقات خاص، خروج از کنوانسیون و بازنگری در کنوانسیون، چگونگی حل و فصل اختلافات، کمیته بین‌الدولی، زبان‌ها و اعلامیه‌ها.

فصل سوم - بررسی حقوق مرتبط در نظام حقوقی ایران

اگرچه مطابق ماده ۱۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ «مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد» و از این لحاظ میان حقوق ایران و کنوانسیون رم (ماده ۱) تشابه کامل دیده می‌شود بر خلاف حقوق کشور فرانسه که آثار صوتی و تصویری، اجرا کنندگان، بنگاه‌های پخش سمعی و بصری و اخیراً پایگاه داده‌ها را تحت عنوان «حقوق مجاور حقوق پدیدآورنده»^۶ مورد شناسایی قرار داده است، در کشور ما ظاهراً چنین تفکیکی مورد توجه نبوده و تمامی این حقوق تحت عنوان «حقوق پدیدآورنده» بررسی شده است بنابراین نمی‌توان در حقوق ایران برای دارندگان حقوق مجاور ساختار، مبنا و مدت حمایت مجزا، تصور

کرد و تمام تفاوت‌های مورد بحث با وجود این که بهره‌ای از حقیقت دارند، در اینجا مطرح نیستند و تنها در قانون سال ۵۲ برای تولید آثار صوتی معیار حمایت متفاوت پیش‌بینی شده است.

در بررسی حقوق ایران نگاه اصلی به دو قانون «حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۴۸ و قانون «ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» مصوب ۶ دی ماه ۱۳۵۲ خواهد بود.

الف. دارندگان حق: از بررسی قانون ۱۳۴۸ و قانون ۱۳۵۲ برمی‌آید که قانونگذار ما همانند کنوانسیون رم سه دسته اشخاص را مورد حمایت قرار داده است:

۱ - اجرا کنندگان: در دو قانون یاد شده به صراحت از واژه اجرا کنندگان نامی به میان نیامده است اما از آنجا که برخی مواد اجرا حمایت شده است می‌توان دریافت که اجرا کنندگان نیز مورد حمایت قانونی قرار دارند برای مثال ماده ۱ قانون ۴۸ از هنرمند به پدیدآورنده تعبیر کرده و او را مورد حمایت خود قرار داده است و از آنجا که مطابق اسناد بین‌المللی اجرا کننده شامل بازیگران، آوازخوانان، نوازندگان، رقاصان، دکلمه‌کنندگان و بازخوانندگان و هر شخصی که اثری ادبی و هنری را اجرا کند می‌شود که جملگی هنرمند تلقی می‌شوند می‌توان گفت واژه هنرمند در حقوق ما اجرا کنندگان را در برمی‌گیرد.^{۴۷}

همچنین قسمت دوم ماده یک، آنچه را از راه هنر پدید می‌آید اثر دانسته و مشمول این حمایت قرار داده است و از آنجا که اجرا ناشی از هنر و ابتکار اجرا کننده است، می‌توان گفت حمایت از اجرا کنندگان نیز مدنظر قانونگذار بوده است اما با این تفاوت که بر خلاف اسناد بین‌المللی و حقوق کشورهای که مورد بررسی قرار گرفت، قانونگذار ما به این امر اشاره نکرده است که هنرمند باید اثر ادبی و هنری را ضرورتاً به اجرا درآورد. در ماده ۳ قانون ۴۸ نیز یکی از مصادیق حقوق پدیدآورنده حق اجرای اثر ذکر شده است از این ماده نیز می‌توان دریافت که حمایت از پدیدآورنده در برابر اجرا مورد توجه قانونگذار بوده است؛ هر چند ماده مزبور حق اجرا را از حقوق پدیدآورنده دانسته و آن را حق مستقلی برای اجرا کننده نشناخته است.

۲- تولیدکنندگان آثار صوتی: بند ۲ ماده ۲ قانون ۴۸ «شعر و ترانه و سرود و تصنیف را به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد» به عنوان اثر مورد حمایت این قانون معرفی کرده است. بند ۴ ماده ۲ نیز «اثر موسیقی را به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد» مورد حمایت قرار داده است. از این دو بند استنباط می شود که تولیدکنندگان این آثار به عنوان پدیدآورنده از حمایت قانونی برخوردارند. اما ماده ۳ قانون ۱۳۵۲ به صراحت از تولیدکنندگان آثار صوتی یا قائم مقام قانونی آنان حمایت کرده است: «نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحب حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است...»

۳- سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی: در قانون سال ۴۸ مقررهای که به صراحت از اعطای حقوق مجزا به این دسته سخن بگوید وجود ندارد با این حال از آنجا که مطابق این قانون، شخص حقوقی می تواند یا پدیدآورنده و دارنده حق باشد و یا منتقل الیه آن (ماده ۱۶ بند ۲)، می توان برای سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی نیز قائل به حقوق (البته نه حقوق مجاور بلکه حقوق پدیدآورنده) شد. ماده ۳ قانون ۱۳۵۲ حمایت قانونی را شامل برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز دانسته است به موجب قسمت اخیر این ماده «حکم مذکور در این ماده شامل نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو و تلویزیون و هر گونه پخش دیگر نیز خواهد بود».

ب. موضوعات مورد حمایت: موضوعاتی که براساس قانون ۴۸ و ۵۲ در خصوص حقوق مجاور مورد حمایت قرار گرفته اند عبارتند از:

۱- اجراها: هر چند در قوانین ۴۸ و ۵۲ اجرای اجراکنندگان به صراحت مورد حمایت قرار نگرفته است با توجه به تعریف عامی که قانونگذار در ماده ۱ قانون ۴۸ از اثر ارائه داده است و «آنچه را از راه هنر یا ابتکار پدید می آید» اثر دانسته است می توان چنین تفسیر کرد اجراهایی که از راه هنر یا ابتکار پدید می آیند مورد حمایت قانون قرار دارند و مقرراتی که در مورد مولفان و مصنفان و هنرمندان پیش بینی شده است در مورد اجرا کنندگان نیز اعمال می شود.

۲- تولید آثار صوتی: آثار صوتی یکی از موضوعات مورد حمایت قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۵۲/۱۰/۶) است و تولیدکنندگان آثار مطابق قسمت نخست ماده ۳ این قانون حمایت شده‌اند. مطابق این ماده «نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است.»

۳- برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی: حمایت مقرر شده در قانون ۵۲ شامل برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز می‌شود. مطابق قسمت اخیر ماده ۳ قانون یاد شده «حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود.»

پ. معیار حمایت: با توجه به قانون‌های ۴۸ و ۵۲ می‌توان دو معیار را برای حمایت استنباط کرد:

۱- به موجب ماده ۲۲ ق. ۴۸ یک اثر زمانی مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد که برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

این ماده تنها ناظر به حمایت از حقوق مادی است و حقوق معنوی آثاری نیز که معیار حمایت فوق در مورد آنها قابل اعمال نیست باید مورد حمایت قرار گیرد (ماده ۴. ق ۴۸).

۲- در مورد تکثیر آثار صوتی، مطابق ماده ۶ قانون ۵۲ معیار دیگری اعمال می‌شود؛ مطابق این ماده «در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت‌های یاد شده در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل، نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است» همان‌گونه که می‌بینیم در این ماده معیار تابعیت دارنده حق مدنظر قرار گرفته است.

ت. حقوق اشخاص ذی نفع:

۱ - حقوق مادی: به موجب ماده ۳ قانون ۴۸ حقوق مادی پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و بهره‌برداری مادی است. همچنین به موجب ماده ۵ پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد به غیر واگذار کند از جمله: تهیه فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، نمایش صحنه‌ای، ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا وسیله دیگر، پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر.

در قانون سال ۵۲، به موجب ماده ۳؛ «نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحب حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است. حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود».

۲ - حقوق معنوی: از آنجا که این سه دسته ذی نفع در حقوق ایران ظاهراً پدیدآورنده محسوب می‌شوند، بر خلاف کنوانسیون رم و حتی برخی کشورها که به حقوق معنوی نپرداخته‌اند، در حقوق کشور ما رعایت حقوق معنوی برای آنان قابل اعمال است. مطابق ماده ۳ قانون سال ۴۸ پدیدآورنده دارای حق معنوی نسبت به نام و اثر خود است و حق مزبور مطابق ماده ۴ محدود به زمان و مکان نبوده و غیر قابل انتقال است در قانون سال ۵۲ تصریحی به حقوق معنوی نشده است اما با توجه به ماده ۱ این قانون که مقرر می‌دارد: مقررات قانون مولفان و مصنفان و هنرمندان نسبت به آثار موضوع این قانون اعمال می‌شوند، می‌توان گفت ماده ۳ قانون ۴۸ نسبت به تولیدکنندگان آثار صوتی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز اعمال می‌شود.

مهم‌ترین مصادیق حقوق معنوی در ایران عبارتند از: ۱ - حق ولایت بر اثر (حق نام) (ماده ۳ و ۱۷ قانون ۴۸) ۲ - حق حرمت اثر (تمامیت اثر یا حق برخورد اثر) (ماده ۳ و ۱۷ قانون ۴۸) ۳ - حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر (ماده ۳ قانون ۴۸).

ث. مدت حمایت: مطابق ماده ۱۲ قانون ۴۸ مدت حمایت از حقوق مادی تا ۳۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده است و این مدت از این لحاظ بیشتر از مدت مقرر در کنوانسیون رم (حداقل ۲۰ سال) است، به موجب تبصره همین ماده «مدت حمایت از اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون ۳۰ سال پس از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود».

در خصوص آثار متعلق به اشخاص حقوقی یا آثاری که حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد مدت حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده ۳۰ سال از تاریخ نشر یا عرضه است (ماده ۱۶) که همین مدت هم از مدت مقرر در کنوانسیون رم بیشتر است.

حقوق معنوی نیز اگرچه در برخی کشورها محدود به زمانی خاص است در حقوق ایران دائمی است.

ج. محدودیت‌ها و استثناءها: قانونگذار ما در قوانین سال‌های ۴۸ و ۵۲ محدودیت‌ها و استثناهایی را بر حقوق پدیدآورنده مقرر کرده است. این محدودیت‌ها عبارتند از: ۱ - به موجب ماده ۷ قانون ۴۸ «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر ماخذ در حدود متعارف مجاز است»؛

۲ - مطابق ماده ۸ قانون ۴۸ «کتابخانه‌های عمومی و موسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیر انتفاعی اداره می‌شوند می‌توانند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه عکس‌برداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند»؛

۳ - مطابق ماده ۱۱ قانون ۴۸ «نسخه‌برداری از اثرهای مورد حمایت قانون مذکور در بند یک از ماده ۲ ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد مجاز است».

۴- بر اساس ماده ۵ قانون ۵۲ تکثیر و نسخه برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی که دارای جنبه انتفاعی نیست و اجازه نسخه برداری از آنها قبلاً به تصویب وزارت فرهنگ و هنر رسیده باشد مجاز است. همچنین به موجب تبصره همین ماده نسخه برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی در صورتی که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد، بلا مانع است.

قابل ذکر است که حقوق مادی و معنوی صاحبان حقوق مرتبط از طریق ضمانت اجرای کیفری و مدنی مقرر در مواد ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۳ و ۲۹ قانون ۴۸ و ماده ۷ قانون ۵۲ تضمین شده است.

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله مطرح شد بر می آید که الحاق ایران به کنوانسیون رم، کشور ما و سازمان صداوسیما را با حقوق و تکالیف زیر مواجه می سازد:

الف) حقوق:

۱- صاحب حقوق مرتبط می تواند مطابق بند ج ماده ۲ از مزایای اصل رفتار ملی برخوردار شود.

در حال حاضر معیار حمایت مقرر در حقوق ایران علی الاصول معیار پخش، نشر یا اجرا برای نخستین بار در ایران است، مگر در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی که معیار حمایت از آنها وجود عهدنامه یا معامله متقابل است. اما در صوت الحاق به کنوانسیون این معیار تغییر خواهد کرد زیرا در این صورت، صاحب حق (سازمان رادیو و تلویزیون) زمانی می تواند از مزایای اصل رفتار ملی برخوردار شود که اقامتگاهش در یک کشور عضو باشد یا پخش برنامه متعلق به او از یک فرستنده مستقر در کشور عضو دیگر انجام شده باشد (قسمت ب بند یک ماده ۶).

۲ - نهادهایی مانند سازمان صداوسیما (در صورت الحاق) تنها ملزم به رعایت حقوق مرتبط به میزان مقرر در این کنوانسیون است و نه بیشتر از آن (تفسیر بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون).

۳ - صاحب حق از حق تجویز یا منع امور زیر برخوردار خواهد بود:

(الف) پخش مجدد برنامه‌های خود؛

(ب) تثبیت مجدد برنامه‌های خود؛

این دو حق به حق تکثیر و عرضه عمومی (حقوق مادی) که در قانون‌های ۴۸ و ۵۲ آمده است، افزوده خواهد شد.

۴ - با این که مدت حمایت از اجرای اجرا کنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی در کنوانسیون ۲۰ سال پس از اجرا یا ثبت یا نشر (حسب مورد) است، طبق اصل رفتار ملی، بیگانگان می‌توانند از مدت حمایت ۳۰ ساله که در قانون ایران پیش بینی شده است برخوردار شوند.

۵ - در صورت الحاق، اگر اجرا کننده یا تولیدکننده آثار صوتی به دستور صداوسیما و برای این سازمان اثری را اجرا کرده یا اثر صوتی را تولید کند صداوسیما می‌تواند از حقوق مادی که کنوانسیون برای این دسته افراد در نظر گرفته است بهره‌مند شود.

۶ - می‌توان از محدودیت‌ها و استثناهایی که کنوانسیون بر حقوق اجرا کنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی وارد کرده است یا استثناهایی که در ماده ۱۵ کنوانسیون مقرر شده است بهره‌مند شد.

۷ - ایران در صورت پیوستن به این کنوانسیون می‌تواند با توجه به ماده ۲۲ کنوانسیون، در توافقی‌های خاصی که با سایر کشورهای عضو منعقد می‌کند، حقی بیش از حقوق اعطا شده کنوانسیون را برای صداوسیما در نظر گیرد.

(ب) تکالیف:

۱- کشور ما مطابق اصل رفتار ملی حاکم بر کنوانسیون مکلف است همان حقوقی را که برای آثار داخلی لحاظ می‌کند برای آثار خارجی از جمله برنامه‌های رادیویی و

تلویزیونی کشورهای عضو در نظر گیرد. همچنین ملزم می‌شود حداقل حقوق مقرر در کنوانسیون را برای آثار خارجی در نظر بگیرد.

۲ - در حال حاضر کشور ما تنها ملزم به رعایت حقوق آثاری است که برای نخستین بار در ایران نشر، پخش یا اجرا شده باشد مگر در مورد آثار صوتی که معیار حمایت از آنها وجود عهدنامه یا معامله متقابل با سایر کشورهاست اما در صورت الحاق با توجه به تغییر معیار حمایت، باید حقوق آثار بیشتری را رعایت کرد حتی اگر معیار حمایت حاکم بر قوانین فعلی ایران بر آن صادق نباشد.

۳ - حق الزحمه منصفانه در قبال استفاده از آثار صوتی و اجراهایی که در آثار صوتی درج شده‌اند، باید پرداخت شود.

۴ - نه تنها حق تکثیر و عرضه عمومی آثار خارجی بلکه حقوق مربوط به پخش مجدد و تثبیت این آثار نیز باید رعایت شود.

۵ - اگر اجرا کنندگان یا تولیدکنندگان آثار صوتی به دستور صداوسیما اثری را اجرا یا تولید کرده باشند، از یک سو محدودیت‌ها و استثنای مقرر در کنوانسیون برای این آثار بر صداوسیما تحمیل می‌شود و از سوی دیگر مدت حمایت از آنها به ۲۰ سال تغییر می‌یابد. البته باید گفت این مدت حداقل مدت حمایت است و کشورها می‌توانند مدت بیشتری مقرر کنند.

منابع

1. Code de la propriété intellectuelle, Paris: Litec, 2003
2. Colombet, Claude, 1997, Propriété Littéraire et Artistique et droits voisins, 8e éd, Paris DALLOZ.
3. Désbois, H. Françon, A. Kerever, A. 1976, Les Conventions internationales du droit d'auteur et droits voisins, Paris, DALLOZ.
4. Gautier, Pierre Yves, 1996, Propriété Littéraire et Artistique, 2e éd Paris: P. U.F.
5. Goldestein, Paul, 2001, International Copyright, Oxford: Oxford. U.P.

6. GRAND LAROUSSE Encyclopédique, édition Familiale, Paris: Librairie Larousse.
7. Lucas, A; Lucas, H – Jacques, 2001, traité de la propriété littéraire et artistique, 2e éd, Paris: Litec.
8. Sterling. J.A.L. 1998, World Copyright Law, London: Sweet & Maxwell, 1998.
9. Stewart, S.M. 1989, International Copyright and Neighbouring Rights. 2nd ed., Butterworths.
10. www. wipo.

پی نوشت‌ها

1. Berne Convention
2. Related Rights or Neighboring Rights (Droits connexes ou voisins)
3. Rome Convention 1961 (The International Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broadcasting Organizations)
4. Creative works
5. WPPT (WIPO Performances and Phonograms Treaty)
6. Performers (Artistes interprètes ou exécutants)
7. Broadcasting Organizations (mission de radiodiffusion)
8. Film Producers (Producteurs de Vidogrammes)
9. Data Base (Producteurs de bases de données)
10. Art. 2(1)
11. The Hague Draft
12. Théorie de gâteau (Cake Theory)
13. Universal Copyright Convention (U.C.C.), 1952 to 1971

14. Pseudo – droit d'auteur

15. WPPT (WIPO Performers and Phonograms Treaty)

۱۶ - منظور از اصل رفتار ملی این است هر کشور عضو کنوانسیون باید همان حمایتی را که نسبت به آثار اتباع خود اعمال می‌کند نسبت به آثار اتباع خارجی نیز که در آن کشور ادعای حمایت از آن می‌شود، اعمال کند.

17. A. BERTRAND, p.872. – B. EDELMAN, Enquete sur le droit moral des artistes interpretes: D. 1999, Chron. p. 240, n. 3 – F. POLL – AUD – DULIAN, Le droit de destination, le sort des exemplaires en droit franais, Thse, Paris – II, 1994, n. 255. cit par: A. Lucas et H.J.Lucas. op. cit. pp.620 et 621.n. 808. note. 30

18. TGI Paris, 1^{re} ch., 10 Janv. 1990

19. J. Reinbothe and S. Von Lewinski, the EC rental directive one year after its adoption: some selective issues [1993] Ent. L. R. 169 at 177, and The EC Directive on Rental and Lending Rights and on Piracy (1993) at pp. 203 – 204. Cited by: J. A. L. Sterling. op. cit. p. 505. Para. 20.30

20. Crite personnel

21. Critre rel

22. Critre de lexcutio

۲۳ - Variétés : برنامه‌های متنوع یا وارپته‌ها به برنامه‌هایی گفته می‌شود که از بخش‌های مجزا تشکیل شده‌اند و هر بخش شامل ساز و آواز، کنسرت، رقص و تئاتر است.

24. Critre de la primire fixation

25. Critre de la premire publication

26. Critre du sige social

27. Phonogram

28. Economic Rights (Droits patrimoiaux)

29. Prevention of certain acts (mettre obstacles)

۳۰ - به ویژه استفاده شخصی (بند الف ماده ۱۵)

۳۱ - مثلاً فروش به عموم

32. Rémunération équitable (Equitable remuneration)

33. Non – works performances

34. Audio – visual fixation (Fixation audiovisuelle)

۳۵ - ماده ۷ در خصوص حداقل حمایت از اجرا کنندگان و حقوق ویژه این افراد در برابر سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی است.

36. Entrance fee (droit d´entrée)

37. Moral rights (Droits moraux)

38. Claim to be identified

39. Private use (utilisation privée)

40. Short excerpts (courts fragments)

41. Current events (événement actualité)

42. Ephemeral fixation (fixation éphémère)

43. Teaching or scientific research (enseignement ou recherche scientifique)

44. Règles de police

45. Exercise of right

46. Droits voisins du droit d´auteur

۴۷ - در حقوق فرانسه نیز گاه از اجرا کننده به «هنرمند» «artiste» تعبیر می‌شود.

حریم خصوصی در رسانه های همگانی

دکتر باقر انصاری*

چکیده

حق حریم خصوصی از مهم ترین مصادیق حقوق بشر محسوب می شود که در بسیاری از اسناد بین المللی به غیر قابل تعرض بودن آن تصریح شده است. اما برخی از صاحب نظران بر این باورند که شناسایی حق حریم خصوصی سبب شده است محدودیتی اساسی بر آزادی بیان و حقوق وابسته به آن نظیر حق جستجو، دسترسی و اشاعه اخبار و اطلاعات وارد شود. نویسندگان در این مقاله می کوشد با بررسی مبانی و قلمرو هر یک، این باور را تبیین کند که حریم خصوصی نه تنها محدودیت اساسی بر آزادی بیان نیست بلکه روشن شدن مفهوم آن سبب توسعه و شکوفایی این آزادی نیز می شود، زیرا مهم ترین نوع بیان در رسانه های همگانی بیان سیاسی و مسائل حائز نفع عمومی است که اصولاً از شمول حریم خصوصی خارج هستند. وی در ابتدا با ارائه دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان مختلف در زمینه تعریف حریم خصوصی دشواری ارائه تعریف مشخصی در این باب را متذکر می شود و با بیان نسبت حریم خصوصی و تفاوت قلمرو این حق در فرهنگ ها و نظام های اجتماعی مختلف و موقعیت های گوناگون، عوامل مؤثر بر قلمرو حریم خصوصی را مورد بررسی قرار می دهد سپس شرایط پدید آمدن «انتظار معقول و متعارف» در این زمینه را مطرح می کند که عبارتند از: مکان مورد نظارت، موضوع مورد نظارت، نحوه استفاده از اطلاعات حاصل از نظارت، وسایل مورد استفاده بر ای نظارت، وضعیت مشخص مورد نظارت، رضایت و روابط بین طرفین

* دکترای حقوق خصوصی و پژوهشگر علوم ارتباطات

در بخش دوم مقاله تعارض بین حق حریم خصوصی و آزادی بیان و عرصه‌های این تعارض و تزاخم و نحوه برقراری سازش در این موارد مطالعه و بررسی شده است این عرصه‌ها عبارتند از: حریم خصوصی قربانیان جرائم و مصاحب؛ حریم خصوصی مصیب‌دیدگان و متألمان؛ حریم خصوصی به هنگام ضبط وقایع در بیمارستان‌ها؛ حریم خصوصی در مراسم تشییع و تدفین؛ حریم خصوصی طرفین دعوا و شهود در رسیدگی‌های قضایی؛ حریم خصوصی و سوابق کیفری گذشته افراد؛ حریم خصوصی و مصاحبه‌های کیفی؛ حریم خصوصی و جمع‌آوری اطلاعات با روش‌های پنهانی؛ حریم خصوصی و جمع‌آوری اطلاعات با روش‌های متقلبانه.

یکی از ویژگی‌های بارز جوامع مردم سالار، شناسایی حقوق و آزادی‌های فردی و احترام به آنهاست. حق حریم خصوصی نیز در زمره حقوق یاد شده است. حقی که روز به روز بر اهمیت آن افزوده شده و حمایت قانونی از آن بیشتر می‌شود. کارکردهای مختلفی برای این حق شناسایی شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ - حریم خصوصی ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد و مانع از آن می‌شود که اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی، به وسیله‌ای برای اعمال سلطه و استفاده ابزاری از انسان‌ها تبدیل شود. از این رو حمایت از شخصیت انسانی مستلزم حمایت از حریم خصوصی است و این حمایت به تکریم «تمامیت مادی و معنوی» انسان می‌انجامد.
- ۲ - حریم خصوصی با آزادی و استقلال انسان و حق تعیین سرنوشت خود نیز ارتباط وثیق دارد زیرا فضای لازم را برای رشد و تکامل افراد فراهم می‌آورد و این امکان را به آنان می‌دهد که با تعقیب اهداف و غایات خصوصی، درجات مختلفی از صمیمیت را مطابق با میل خود با دیگر هم‌نوعان برقرار کنند و به ویژه در عرصه ابراز عواطف و احساسات، شخصیت خویش را شکوفا سازند.
- ۳ - همچنین، حق حریم خصوصی یکی از ابزارهای مشارکت مردم در دموکراسی است که به موازات آزادی بیان در این امر نقش دارد زیرا استقلال معنوی شهروندان یکی از لوازم عمده تحقق دموکراسی است و چون حریم خصوصی به این استقلال

کمک می‌کند باید از آن حمایت کرد. مجاز شمردن بحث‌ها و تبادل نظرهای خصوصی، به ایجاد یک جامعه تکثرگرا کمک کرده و از افرادی که افکار و ارزش‌های غلط را مورد نقد قرار می‌دهند حمایت می‌کند. جلوگیری از انتشار ناخواسته افکار و عقاید اشخاص، مباحثات عمومی و مشارکت فعال در یک حکومت مردم‌سالار را تسهیل می‌کند و حمایت از حریم افراد در قبال مداخله‌های دیگران مانع از تضعیف آزادی بیان می‌شود.

عوامل فوق سبب شده است حریم خصوصی در زمره یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر شناخته شده و در بسیاری از اسناد بین‌المللی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به غیر قابل تعرض بودن آن تصریح شود. همچنین سبب شده است در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان، حریم خصوصی به صورت کلی یا مصداقی مورد شناسایی و حمایت قرار گیرد. از اوایل دهه ۱۹۷۰ وضع قوانینی برای حمایت از حریم خصوصی آغاز شده و تقریباً به صورت یک نهضت فراگیر همه کشورهای را به سمت تصویب قوانین و مقرراتی جامع در این زمینه سوق داده است.

در آیات متعددی از قرآن مجید نیز بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و دیگر مومنان مسلمان سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است. البته، اصطلاح «حریم خصوصی» در آیات قرآن و روایات اسلامی استعمال نشده است زیرا موضع اسلام در مواجهه با این مقوله یک موضع به اصطلاح «تحویل گرایانه»^۱ است. یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده بدون آن که نامی از آن برده شود: حریم خصوصی، در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت و حق غیر قابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است.

شناسایی حق حریم خصوصی سبب شده است که یک محدودیت اساسی بر آزادی بیان و حقوق وابسته به آن نظیر حق جستجو و دسترسی و اشاعه اخبار و اطلاعات وارد شود، زیرا حمایت از این حریم بدین معناست که اطلاعات مربوط به زندگی

خصوصی افراد نباید برای دیگران افشا شود البته حمایت از آزادی بیان ایجاب می‌کند که اطلاعات حایز نفع عمومی به اطلاع همگان رسانده شود حتی اگر به یک شخص خاص مربوط باشد. اینجاست که تعارض بین حریم خصوصی و آزادی بیان ظاهر می‌شود و باید برای حل این تعارض چاره اندیشید. باید مبانی هر کدام را بررسی و قلمرو هر یک را مشخص کرد.

نویسنده بر این باور است که حریم خصوصی نه تنها محدودیت اساسی بر آزادی بیان نیست بلکه مشخص و روشن شدن مفهوم آن سبب توسعه و شکوفایی این آزادی نیز می‌شود زیرا مهم‌ترین نوع بیان در رسانه‌های همگانی، بیان سیاسی و مسائل حایز نفع عمومی است که اصولاً از شمول حریم خصوصی خارج هستند. مشخص شدن مفهوم حریم خصوصی مانع از آن می‌شود که به بهانه حمایت از این حریم بر سر راه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در دسترسی به اطلاعات سیاسی یا حایز نفع عمومی مانع ایجاد شود. علاوه بر این، حمایت از حریم خصوصی، آزادی بیان یا حق جستجو و دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات را نظام‌مند و تابع محذورات حقوقی یا اخلاق حرفه‌ای می‌سازد و در نتیجه، اعتماد عمومی را به روزنامه‌نگاران و خبرنگاران افزایش می‌دهد. در این مقاله، ابتدا مفهوم حریم خصوصی توضیح داده می‌شود و سپس تعارض آن با برخی جنبه‌های آزادی بیان در رسانه‌های همگانی تشریح شده و مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بخش اول - مفهوم حریم خصوصی

بند اول - تعریف حریم خصوصی

با آن که عبارت «حریم خصوصی» در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر استعمال می‌شود، هنوز تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی، ریشه‌های عمیقی در مباحث جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در خصوص این که چگونه در فرهنگ‌های مختلف برای آن ارزش قایل شده‌اند، دارد.

«حریم خصوصی» یک مفهوم سیال است که امروزه مواردی از جمله آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، خلوت و تنهایی در منزل، کنترل بر اطلاعات شخصی، آزادی از نظارت‌های دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها را شامل می‌شود. فلاسفه‌ی حال و گذشته، نظریه‌پردازان حقوقی و قضات همواره از دشواری ارائه تعریف اقناع کننده از مفهوم حریم خصوصی شکوه کرده‌اند. برای مثال، برخی صاحب‌نظران درباره تعریف حریم خصوصی این چنین اظهار نظر کرده‌اند: (Solore, 2002: 1088 – 89)

۱ - آرتور میلر^۲: «تعریف حریم خصوصی دشوار است زیرا یک مفهوم بسیار مبهم و شکننده است»؛

۲ - ویلیام بی نی^۳: «حتی جدی‌ترین مدافعان حق حریم خصوصی باید اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد»؛

۳ - تام گرتی^۴: «حریم خصوصی برای حقوقدانان بیش از هر مفهوم دیگری واجد یک ظرفیت متلون و متغیر است».

دشواری تعریف حریم خصوصی سبب شده است که برخی نظریه‌پردازان، هویت مستقلی برای آن قایل نشوند و حمایت از آنچه را به حریم خصوصی موسوم شده به دیگر حقوق تثبیت شده احاله دهند. بنابراین، امروزه دو رویکرد مختلف در مورد هویت استقلالی حریم خصوصی وجود دارد^۵:

۱ - برخی علما با یک نگاه شکاکانه و انتقادی حق حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مهم‌ترین ادعای این افراد آن است که حق مستقلی به نام حق حریم خصوصی وجود ندارد و حق یاد شده ادعای تازه‌ای ندارد و مطلب خاصی هم نمی‌گوید زیرا می‌توان هر امری را که به عنوان امر خصوصی مورد حمایت حق حریم خصوصی قرار می‌گیرد در قالب دیگر منافع یا حقوق و به ویژه حق مالکیت و حق امنیت جسمی مورد حمایت قرار داد. از این گروه به «تحویل‌گرایان» یاد می‌شود.

۲ - بسیاری از نظریه‌پردازان بر این باورند که حریم خصوصی یک مفهوم مستقل و جدا از سایر حقوق فردی است. اینان، تعاریف مختلفی از حریم خصوصی ارائه کرده‌اند که آنها را می‌توان در شش دسته کلی تقسیم بندی کرد: (4, : Foord)^۶

۱ - حق تنها ماندن؛

۲ - دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته؛

۳ - محرمانه نگه داشتن و پنهان ساختن برخی امور از دیگران؛

۴ - کنترل اطلاعات شخصی؛

۵ - حمایت از شخصیت و کرامت؛

۶ - حق بر عالم صمیمیت و کرامت انسان‌ها.

برخی از این تعاریف و برداشت‌ها برای افاده مفهوم حریم خصوصی به وسیله متوسل شده‌اند و برخی به هدف. بین این برداشت‌ها تداخل و هم پوشانی نیز وجود دارد. برای مثال کنترل بر اطلاعات شخصی برابر است با محدود ساختن دسترسی دیگران به انسان. بنابراین، برداشت‌های یاد شده بر اساس اصول طبقه‌بندی بیان نشده‌اند بلکه گزینش و ارائه آنها در شش دسته برای نشان دادن نظریه‌هایی است که درباره حریم خصوصی ارائه شده‌اند. (Solore, : 1092)

به علاوه برخی از تعاریف در تعیین ماهیت و اهمیت حریم خصوصی مضیق عمل کرده‌اند و برخی دیگر موسع. برخی مضیق هستند زیرا بعضی از جنبه‌های زندگی را که نوعاً خصوصی شناخته می‌شوند در بر نمی‌گیرند و برخی دیگر موسع هستند زیرا اموری را که نوعاً خصوصی شناخته نمی‌شوند از شمول تعریف خارج نمی‌سازند. (Ibid:1094)

اکنون به بررسی برخی تعاریف مشهور از حریم خصوصی می‌پردازیم:

ادوارد بلوستین^۷ نقض حریم خصوصی را یک اقدام توهین‌آمیز نسبت به شرافت بشری قلمداد می‌کند. به اعتقاد او ورود به زندگی خصوصی افراد، شرافت فردی،

حیثیت و تمامیت آنان را نابود می‌سازد و آزادی و استقلال فردی را از خاصیت می‌اندازد. به گفته بلوستین:

«انسانی که مجبور است تمام دقایق زندگی‌اش را در میان دیگران بگذراند و تمامی نیازها، افکار، آرزوها، تمایلات یا خشنودی او تابع نظر عموم است محروم از فردیت خویش و تمامیت و شرافت بشری است. چنین فردی با توده مردم ادغام می‌شود، نظر او هرگز از نظر عموم متفاوت نیست و خواسته‌های او شناخته شده و همواره متمایل به خواسته‌های مورد قبول عموم است. احساسات او نیز آنجا که آشکارا نشان داده می‌شود کیفیت صمیمیت منحصر به فرد شخصی را فاقد است و از احساسات دیگر انسان‌ها ناشی می‌شود. چنین موجودی ذی‌شعور و مدرک هست اما مثلی بوده و فرد به شمار نمی‌رود» (Blosustein, 1964: 962 – 71).

توماس کولی نخستین کسی است که حریم خصوصی را «حق نسبت به تنها ماندن»^۸ تعریف می‌کند.

به اعتقاد آلان وستین برای حریم خصوصی افراد چهار مبنا وجود دارد:

(Westin, 1968:31 – 32)

۱ - خلوت و تنهایی^۹: در این صورت افراد از گروه جدا شده و دور از چشم دیگر اشخاص زندگی می‌کنند.

۲ - صمیمیت و الفت^{۱۰}: گاه افراد به عنوان عضوی از یک واحد کوچک مانند خانواده هستند که یک رابطه بسیار نزدیک و صمیمی میان دو یا چند فرد ایجاد می‌کند.

۳ - ناشناس ماندن^{۱۱}: این وضعیت هنگامی حادث می‌شود که افراد در اماکن عمومی حضور یابند اما مایل باشند آزادی خود را نسبت به ناشناس ماندن حفظ کنند.

فرد می‌داند که در خیابان در معرض دید قرار دارد اما انتظار ندارد که هویتش به طور مشخص شناسایی شود و به صورت نظام‌مند در معرض مشاهده دیگران قرار گیرد.

۴ - خویشتن داری (رزرو)^{۱۲}: این وضع هنگامی حادث می‌شود که نیاز افراد به محدود ساختن مخابره اطلاعات مربوط به آنان به دیگران به ویژه کسانی که با آنها روابط شخصی دارند مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد.

وستین تأکید می‌کند در یک جامعه آزاد که استثنائاتی نیز در جهت منافع عموم وجود دارد اختیار تصمیم‌گیری نسبت به این که چه زمانی و تحت چه شرایطی اطلاعات شخصی برای عموم مردم قابل افشا است باید موقوف به نظر افراد باشد (Westin:42) از این رو حریم خصوصی را باید به این صورت تعریف کرد: «حق افراد، گروه‌ها یا موسسات نسبت به این که برای خویشتن تعیین کنند چه زمانی، چگونه و تا چه اندازه‌ای اطلاعات مربوط به آنان به دیگران قابل مخابره باشد» (Ibid:7).

به نظر روت گویسن حریم خصوصی یک فرد زمانی نقض می‌شود که دیگران بتوانند اطلاعاتی درباره او به دست آورند، او را مورد توجه خود قرار دهند و یا به او دسترسی پیدا کنند. وی نتیجه‌گیری می‌کند مفهوم حریم خصوصی از سه عنصر مستقل اما مرتبط تشکیل شده است:

- ۱- محرمانه بودن:^{۱۳} هنگامی می‌توان نقض حریم خصوصی شخص را تایید کرد که او قادر نباشد مخابره اطلاعات مربوط به خویش یا استفاده از آن را که در عرصه عمومی قابل دسترس نیست کنترل کند. هر چه تعداد مردمی که از اطلاعات فرد آگاهی پیدا می‌کنند بیشتر باشد نقض حریم خصوصی وسیع‌تر خواهد بود.
- ۲- ناشناس ماندن یا بی‌نامی:^{۱۴} افراد هنگامی که مورد توجه دیگران واقع می‌شوند حریم خصوصی خود را از دست می‌دهند. مورد توجه واقع شدن به تنهایی لطمه به حریم خصوصی است هر چند هیچ نوع اطلاعاتی درباره فرد به دیگران مخابره نشود. (Ibid: 432).

- ۳- تنهایی و خلوت: دسترسی فیزیکی دیگران حریم خصوصی افراد را از میان می‌برد. دسترسی فیزیکی نه تنها دیگران را قادر می‌سازد اطلاعاتی درباره فرد به دست آورند بلکه «تنهایی مکانی»^{۱۵} را نیز کاهش می‌دهد. (Ibid: 433).
- به اعتقاد ریموند ویکس حریم خصوصی یک فرد زمانی معنا پیدا می‌کند که او مشغول فعالیت‌هایی باشد که عادتاً باید خصوصی و شخصی تلقی شوند. به نظر وی حمایت‌هایی که از جانب قانون به حریم خصوصی اعطا می‌شود باید محدود به

اطلاعاتی باشد که به فرد مربوط است و به طور معقول و متعارف بتوان پیش بینی کرد که وی آن اطلاعات را کاملاً خصوصی یا حساس تلقی می‌کند و در صدد است جمع‌آوری، استفاده یا به گردش افتادن آنها را ممنوع و یا دست کم محدود سازد. (Wacks, 1993:25 – 6).

ویلیام پراسر که یکی از استادان برجسته مسئولیت مدنی در امریکاست پس از بررسی آرای دادگاه‌های این کشور که حق حریم خصوصی را شناسایی کرده‌اند نتیجه‌گیری می‌کند حریم خصوصی «متشکل از چهار نوع تجاوز جداگانه به چهار نفع متفاوت است که با یک نام مشترک به یکدیگر گره خورده‌اند. این منافع چهارگانه جز این که هر کدام نمایانگر تجاوز به حق شاکی نسبت به «تنها ماندن» هستند وجه مشترک دیگری ندارند. وی چهار نوع خطای مدنی را به شرح زیر توصیف می‌کند: (Prosser, 1960:333 – 89).

- ۱ - تجاوز به تنهایی یا خلوت افراد یا مداخله در امور خصوصی آنان؛
- ۲ - افشای همگانی وقایع خصوصی آزار دهنده درباره یک فرد؛
- ۳ - انتشار اطلاعاتی که از یک فرد در انظار عمومی، چهره کاذب به نمایش می‌گذارد؛
- ۴ - تصاحب نام یا شباهت یک فرد برای استفاده.

بدینسان، بسیاری از صاحب‌نظران جوهر و ذات حریم خصوصی را غیر قابل دسترس بودن می‌دانند. حریم خصوصی وسیله کنترل تلقی می‌شود که افراد نسبت به قلمرو زندگی خصوصی خویش دارند. طبق این نظر، حریم خصوصی حق استقلال و خودمختاری را در برخی از جنبه‌های زندگی خصوصی به افراد اعطا می‌کند و از این رو عبارت است از کنترل فرد بر دسترسی دیگران به اطلاعات مربوط به خود و فردی که این حق را با ممنوع ساختن افشای برخی از جنبه‌های زندگی خصوصی اش اعمال می‌کند، در صورت دسترسی دیگران به آنها شاهد نقض حریم خصوصی خویش است.

بند دوم - نسبت حریم خصوصی

با آن که حریم خصوصی از جمله حقوقی است که در قوانین بسیاری از کشورها بدان اشاره شده است نظام‌های حقوقی مختلف هر کدام بر جنبه‌های خاصی از این حق تاکید کرده‌اند و قلمرو این حق از فرهنگی به فرهنگی دیگر، از نظام اجتماعی به نظام اجتماعی دیگر و از موقعیتی به موقعیت دیگر تفاوت دارد. از میان واقعیات مادی و شرایط به نسبت پایدار اجتماعی که تأثیر زیادی بر الگوهای مربوط به «حریم خصوصی» دارند، می‌توان به مواردی همچون «تراکم جمعیت»، «درجه تعامل افراد»، «الگوهای منزل»، «تقسیم کار»، «ماهیت خانواده» و دیگر روابط اجتماعی اشاره کرد (Sivs, 1972:481). برای مثال، جوامع شهری در مقایسه با جوامع روستایی و افراد عادی در مقایسه با سیاستمداران حریم خصوصی وسیع‌تری دارند.

نسبت و تغییر گرایش‌های مربوط به حریم خصوصی در میان کشورها و حتی بخش‌های مختلف یک جامعه، مورد پذیرش بسیاری از صاحب‌نظران این مقوله است. در این زمینه تحقیقات میدانی متعددی صورت گرفته است که نتایج آنها حاکی از آن است که نسبت حریم خصوصی مسلم بوده و مرزی که برای ترسیم آن کشیده می‌شود متغیر است. همان‌گونه که کمیسیون اصلاحات حقوقی ویکتوریا گفته است مرز حریم خصوصی دارای ویژگی‌های زیر است: (5: Foord)

- ۱ - ذهنی یا شخصی است. آنچه برای یک فرد، خصوصی تلقی می‌شود ممکن است برای دیگری چنین نباشد.
- ۲ - از فرهنگی به فرهنگ دیگر متغیر است.
- ۳ - تابع سیاق و اوضاع و احوال است. آنچه در یک کارگاه خصوصی تلقی می‌شود ممکن است در بیرون از آنجا چنین نباشد.
- ۴ - دارای تحول تاریخی است. برداشت‌هایی که از حریم خصوصی وجود دارد از نسلی به نسل دیگر فرق می‌کند.
- ۵ - آن جنبه از جنبه‌های شخصی که حریم خصوصی به آن تعلق می‌گیرد نامتعیین است. آیا کانون غیر قابل تجاوزی که در نفس هر انسان قرار دارد خصوصی محسوب

می‌شود؟ آیا احساسات خصوصی تلقی می‌شوند یا ذهن انسان یا روابطش با دیگران یا منطقه معینی در اطراف جسم افراد و یا تلفیقی از همه جنبه‌های یاد شده؟ در زیر برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر قلمرو حریم خصوصی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم. به دیگر سخن، به اوضاع و احوالی اشاره می‌کنیم که طبق آنها، «انتظار معقول و متعارف»^{۱۶} از حریم خصوصی در برابر دسترسی و نظارت دیگران پدید می‌آید و قابل حمایت است. برای احراز این که آیا حریم خصوصی اشخاص نقض شده است یا نه باید به «انتظار معقول و متعارف» از حریم خصوصی توجه کرد.^{۱۷}

الف - مکان مورد نظارت: منزل یا اماکن خصوصی در مقایسه با اماکن عمومی

هنگامی که انسان در منزل به سر می‌برد حق او نسبت به آسوده بودن از نظارت و دخالت دیگران بالاترین سطح حمایت را به خود اختصاص می‌دهد. به لحاظ منطقی، یک حق متعالی نسبت به چنین حریمی برای اشخاصی هم که در دیگر اماکن خصوصی به سر می‌برند وجود دارد البته در منزل می‌توان به گونه‌ای رفتار کرد که اشخاصی که در اماکن مجاور به سر می‌برند یا رهگذران اتفاقی بتوانند آنچه را در منزل می‌گذرد ببینند یا بشنوند. برای مثال فردی هنگام شب که لامپ اتاق روشن است پرده‌ها را کنار بکشد یا در باغ اقامتگاه خصوصی خود که عموم مردم نیز از بیرون می‌توانند آن را مشاهده کنند کارهایی انجام دهد. در چنین مواردی که ساکن یک منزل از روی آگاهی و به عمد می‌خواهد در معرض دید دیگران قرار گیرد یا از وی تصویربرداری شود نمی‌تواند مدعی نقض حریم خصوصی شود.

بر عکس، انتظار معقول اشخاص نسبت به حریم خصوصی به هنگامی که در یک مکان عمومی حضور دارند محدود می‌شود. اشخاصی که در اماکن عمومی به سر می‌برند باید بپذیرند که تابع و تسلیم حوادث و اتفاقات عادی و طبیعی زندگی اجتماعی روزمره هستند از این رو اخذ تصاویر اتفاقی در یک مکان عمومی عادتاً نباید نقض حریم خصوصی افرادی به شمار رود که تصویرشان به طور اتفاقی و به دلیل حضور آنان در آن مکان در یک زمان خاص گرفته شده است. البته کم کردن انتظار

حریم خصوصی در این اماکن به منزله انکار حق برخورداری از حمایت‌های متناسب در قبال سوء استفاده از کنترل‌های آشکار خیابانی نیست.^{۱۸} علاوه بر این تصمیم‌گیری در این باره که آیا شکار تصویر یک فرد خاص در یک مکان عمومی، خواه به طور اتفاقی و خواه بر خلاف خواست او به ویژه اگر قصد انتشار آن تصویر در میان باشد نقض حریم خصوصی به شمار می‌آید یا نه کاملاً تابع اوضاع و احوال قضیه است. در هر حال، تعقیب عمدی یک شخص از مکانی به مکان دیگر با این قصد که حرکات او ضبط شود مجاز نیست.^{۱۹}

ب - موضوع مورد نظارت: زندگی عاطفی یا خصوصی در مقایسه با زندگی معمولی و روزمره

«انتظار معقول و متعارف» اشخاص از حریم خصوصی ممکن است با توجه به موضوع مورد نظارت متغیر باشد. نظارت حتی اگر در یک مکان عمومی صورت گیرد به هنگامی که هدف آن جستجو و شکار گوشه‌ها و زوایای خصوصی و عاطفی زندگی یا شخصیت اشخاص باشد و به ویژه شخصی که مورد تعرض نظارتی واقع شده است در زمان نظارت، آسیب‌پذیر یا ناتوان از دفاع باشد نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود.

پ - استفاده‌ای که اطلاعات حاصل از نظارت، ممکن است داشته باشد: انتشار عمدی یا سایر استفاده‌هایی که می‌تواند موجب صدمه و لطمه به اشخاص شود در مقایسه با استفاده‌های بی‌ضرر

«انتظار معقول و متعارف» از حریم خصوصی به ویژه جایی پدید می‌آید که به قصد انتشار یا استفاده در زمینه‌ای که ممکن است برای اشخاص زیان‌بار باشد از افراد تصویربرداری یا فیلمبرداری شود.^{۲۰}

ت - وسایلی که برای نظارت مورد استفاده قرار می‌گیرد: چشم مسلح یا شنوایی طبیعی در مقایسه با فناوری پیشرفته

در صورت استفاده از برخی ابزارهای نظارتی پیشرفته، «انتظار معقول و متعارف» نسبت به حریم خصوصی تشدید می‌شود. یعنی استفاده از فناوری ناقض حریم خصوصی می‌تواند فعالیت نظارتی‌ای را که در غیر این صورت مجاز محسوب می‌شد به ویژه در مکان‌های عمومی، غیرمجاز سازد. این استفاده به خصوص اگر پنهانی و با استفاده از وسایل نظارتی دوربرد نظیر لنزهای پر قدرت صورت گرفته باشد به احتمال زیاد، نقض حریم خصوصی به شمار خواهد آمد.^{۲۱}

همچنین استفاده از تجهیزات سمعی و ویدئویی برای مقاصد لب‌خوانی و تجسس در مکالمات مردم چه در اماکن خصوصی و چه در اماکن عمومی، نقض فاحش «انتظار معقول و متعارف» از حریم خصوصی به شمار می‌رود.^{۲۲}

ث - وضعیت شخصی که مورد نظارت واقع می‌شود: اشخاص عمومی در مقایسه با اشخاص خصوصی

انتظار برخورداری از حریم خصوصی برای اشخاصی که در انتظار مردم قرار دارند به ویژه هنگامی که با خواست خویش، خود را در منظر عمومی قرار می‌دهند مانند سیاستمدارانی که خود را آماده انتخابات می‌کنند یا خوانندگان کنسرت‌ها و دیگر اشخاص مشهور نمی‌تواند با سایر شهروندان یکسان باشد.

با وجود این، در نظر عموم قرار گرفتن سبب نمی‌شود که آنان به طور مطلق از حمایت‌های حق حریم خصوصی محروم شوند. حتی اشخاص عمومی نیز در جزئیات کاملاً عاطفی زندگی شخصی خود از حق حریم خصوصی برخوردار هستند و این حق را هنگام ورود به زندگی عمومی از دست نمی‌دهند.

البته، در مورد تأثیر وضعیت اشخاص بر سطح «انتظار معقول و متعارف» آنان از حریم خصوصی دو دکترین وجود دارد:^{۲۳}

۱ - طبق دکترین اول که به دکترین امریکایی معروف است همین که شخصی واجد یک شخصیت عمومی شود کافی است تا تمام جنبه‌های زندگی وی را برای رؤیت و نظارت عموم مجاز گرداند. از این رو هیچ حد منطقی بر آشکارسازی اسرار زندگی خصوصی شخصیت‌های عمومی وجود ندارد.

۲ - طبق دکترین دوم که به دکترین آلمانی موصوف است برخی جنبه‌های زندگی شخصی افراد همواره مصون از نظارت و بازرسی دیگران است حتی اگر موضوع مورد بحث، مستقیماً به وظایف یا صلاحیت‌های یک شخص عمومی نسبت به امور عمومی یا اجرای قانون کیفری علیه آن شخص مربوط باشد.

ج - رضایت: هر نوع فعل قبلی توسط شخصی که مورد نظارت واقع شده دال بر قصد وی به برخورداری از حمایت‌های حق حریم خصوصی یا عدول جزئی از حق حریم خصوصی اشخاصی که از روی آگاهی و به عمد اقدام به انتشار جنبه‌های خصوصی زندگی خود می‌کنند برای مثال جزئیات بسیار خصوصی رفتار و روابطشان را به رسانه‌ها اطلاع می‌دهند نمی‌تواند انتظار داشته باشند که حریم خصوصی آنان در فعالیت‌های رسانه‌ای مصون بماند، آنان با رفتار خود یک انتظار کاهش یافته از حریم خصوصی ایجاد می‌کنند. البته، چنین مردمی با انجام آن افعال کاملاً از حق خود نسبت به حریم خصوصی صرف‌نظر نمی‌کنند و به دیگران برای ورود بدون اجازه به تمامی مسائل زندگی خود چراغ سبز نشان نمی‌دهند.^{۲۴}

چ - روابط بین طرفین

«انتظار معقول و متعارف» از حریم خصوصی ممکن است بر حسب طبیعت رابطه میان طرفین متغیر باشد زیرا عملی که به طور قطع در روابط بین بیگانه‌ها نقض حریم خصوصی به شمار می‌رود ممکن است میان اعضا یک خانواده این چنین نباشد. بنابراین، رابطه می‌تواند سطح «انتظار متعارف و معقول» حریم خصوصی را تحت تأثیر

قرار دهد. با این حال رگه‌ای از حریم خصوصی حتی در صمیمی‌ترین روابط نیز وجود دارد.^{۲۵}

بخش دوم - تعارض بین حق حریم خصوصی و آزادی بیان

همان‌گونه که در ابتدای بحث اشاره شد آزادی بیان ایجاب می‌کند هرگونه اطلاعات حایز نفع عمومی انتشار یابد اما حق حریم خصوصی ایجاب می‌کند که اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی افراد برای دیگران افشا نشود. در نتیجه، گاه بین آزادی بیان و حق حریم خصوصی تعارض ایجاد می‌شود.

گرایش سنتی برای این تعارض عبارت است از به کار گرفتن حق حریم خصوصی و یا حق آزادی بیان به عنوان نقطه شروع و سپس صدور مجوز لازم در چهارچوب آن برای دیگری. اگر نقطه شروع، حق حریم خصوصی باشد افشای حقایق خصوصی هنگامی موجه خواهد بود که به دلیل وجود نفع عمومی بر حق حریم خصوصی برتری داشته یا بر آن حاکم باشد.^{۲۶} اما چنانچه آزادی بیان اصل قرار گیرد در دعوی نقض حریم خصوصی، باید به خواننده اجازه داد تا اثبات کند که در به کار بردن اطلاعات خصوصی یک نفع عمومی وجود داشته است. اگر خواننده بتواند دادگاه را قانع کند باید به خواهان اجازه داد تا خلاف آن را اثبات کند. چنانچه این منافع در نهایت، همسنگ و هم ارزش شناخته شوند دادگاه باید به نفع آزادی بیان حکم کرده و دعوی نقض حریم خصوصی را رد کند.^{۲۷}

اعلامیه شورای مطبوعات انگلستان در این مورد (۱۹۷۶) اعلام کرده است:
«انتشار اطلاعات درباره زندگی خصوصی یا علائق شخصی افراد بدون رضایت آنان در صورتی قابل قبول است که یک نفع عمومی مشروع که حاکم بر حق حریم خصوصی باشد وجود داشته باشد»^{۲۸}.

دیوان اروپایی حقوق بشر با اتخاذ گرایش جدید در دعوی «سان‌دی تایمز علیه انگلستان»^{۲۹} اعلام کرده است با دو اصل متعارض که باید میان یکی از آن دو دست به گزینش بزنند مواجه نیست. بلکه یک اصل وجود دارد و آن هم آزادی بیان است که تابع

شماری از استثنائات است و این استثنائات نیز باید به نحو مضیق تفسیر شوند. کمیته کلکوت انگلستان نیز این نگرش را اتخاذ کرده و آزادی بیان را به عنوان اصل حاکم و غالب در نظر گرفته که ممکن است برخی استثنائات حمایت کننده از افراد بر آن وارد شود.^{۳۰}

کمیسیون اصلاحات حقوقی هنگ کنگ با اتخاذ گرایش سومی اعلام کرده است در مورد حکمت برخورد با حریم خصوصی و آزادی بیان به عنوان حقوق متعارض تردید وجود دارد. بلکه حق حریم خصوصی و حق آزادی بیان هر دو از اهمیت یکسان برخوردارند. آنها به جای این که رقیب همدیگر باشند ارزش‌های هم کفو جامعه آزاد هستند. حمایت بهتر از حریم خصوصی نافی آزادی بیان نیست و بر عکس افراد را قادر می‌سازد حق آزادی بیان را در یک محیط حمایت شده اعمال کنند.^{۳۱}

همچنین، دادگاه‌های فدرال و نیز ایالتی آمریکا این ادعا را که حمایت‌های اساسی از مطبوعات، آنها را در برابر مسئولیت‌های کیفری و مدنی مصون می‌سازد رد کرده‌اند. در دعوی دایتمن علیه تیم^{۳۲} دادگاه بخش رسانه‌ها را در قبال مسئولیت‌های مدنی یا جرایمی که در جریان جمع‌آوری اخبار مرتکب می‌شوند مسئول شناخت: «به اعتقاد ما جمع‌آوری اخبار، یک بخش جدانشدنی از پخش و انتشار اخبار است اما کاملاً مخالفیم که نقشه‌ها و تدابیر مکانیکی پنهانی، ابزارهای اجتناب‌ناپذیر جمع‌آوری اخبار باشند. گزارشگری تحقیقی، یک هنر قدیمی است و عملکرد موفق آن به سال‌ها پیش از اختراع دوربین‌های کوچک و وسایل الکترونیکی بر می‌گردد. اصلاحیه اول قانون اساسی مجوزی برای سرقت یا ورود به چهار دیواری یا محل کار دیگران به وسیله وسایل الکترونیکی نیست. زیرا شخصی که مرتکب ورود می‌شود به طور متعارف و معقول مظنون به ارتکاب جرم است».^{۳۳}

بر اساس ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی بیان شامل آزادی جستجو و دریافت و انتشار و افشای اطلاعات و عقاید از هر نوعی که باشد می‌شود. پیشنهاد به کار بردن واژه «جست و جو»^{۳۴} به جای «جمع‌آوری»^{۳۵} که منجر به حذف جستجوی فعال در جمع‌آوری اخبار می‌شد، در مجمع عمومی سازمان ملل مورد

پذیرش قرار نگرفت. بسیاری از کشورها معتقد بودند که گام‌های فعال برای تهیه و مطالعه اطلاعات باید مورد حمایت قرار گرفته و هر نوع سوء استفاده از جانب روزنامه‌نگاران باید طبق محدودیت‌های پیش بینی شده در بند ۳ ممنوع شود که رعایت حریم خصوصی دیگران در زمره آن محدودیت‌ها است.^{۳۶}

آزادی یاد شده به ویژه در عرصه‌های زیر با حریم خصوصی متزاحم می‌شوند و باید بین آنها سازش ایجاد کرد. این سازش گاه با ترجیح آزادی جستجو، اشاعه و دریافت اطلاعات صورت می‌گیرد و گاه با تقدم و ترجیح حریم خصوصی:

- الف) حریم خصوصی قربانیان جرایم و مصائب
- ب) حریم خصوصی مصیبت‌دیدگان و متألمان
- پ) حریم خصوصی به هنگام ضبط وقایع در بیمارستان‌ها
- ت) حریم خصوصی در مراسم تشییع و تدفین
- ث) حریم خصوصی طرفین دعوا و شهود در رسیدگی‌های قضایی
- ج) حریم خصوصی و سوابق کیفری گذشته افراد
- چ) حریم خصوصی و مصاحبه‌های کمینی
- ح) حریم خصوصی و جمع‌آوری اطلاعات با روش‌های پنهانی
- خ) حریم خصوصی و جمع‌آوری اطلاعات با روش‌های متقلبانه

الف - حریم خصوصی قربانیان جرایم و مصائب

رسانه‌های خبری نقش مهمی در آگاه ساختن مردم از حوادث با اهمیت و حایز نفع عمومی بازی می‌کنند. هر جا که جرم یا حادثه غم‌انگیزی رخ دهد روزنامه‌نگاران در صدد برمی‌آیند از آنجا عکسبرداری کرده و با افراد مربوط مصاحبه کنند. در جریان جمع‌آوری اطلاعات ممکن است برخی روزنامه‌نگاران تصویری از قربانیانی تهیه کنند که آسیب دیده‌اند و مایل به انجام مصاحبه نیستند و یا حتی توانایی اعلام رضایت یا نارضاتی خود را ندارند. در گزارش چنین حوادثی ممکن است هویت قربانی، نام، سن، مشخصات محل سکونت و اشتغال وی ذکر شود. این امر می‌تواند سبب اضطراب،

آشفتنگی و ناراحتی قربانی شود به ویژه آن که ممکن است به هیچ وجه مایل نباشد دیگران از جزئیات آسیب وی یا وقایعی که منجر به جرم یا حدوث آن حادثه غم‌انگیز شده است آگاه شوند. اگرچه ممکن است در گزارش منتشر شده برخی از حروف نام قربانی حذف شود و یا توصیف مختصری از محل سکونت یا اشتغال او ارائه شود خویشاوندان، دوستان و همکاران و همسایگان یا آشنایانش ممکن است به راحتی او را شناسایی کنند. همچنین ممکن است چشمان یک قربانی در عکس منتشر شده تاریک شده باشد اما در بسیاری از موارد این امر مانع از تشخیص هویت وی توسط دیگران نمی‌شود. برخی روزنامه‌ها به منظور این که زندگی چنین اشخاصی را به داستان تبدیل کنند تمام جزئیات حادثه‌ای را که گزارش آن سبب صدمه روحی شدید فرد مربوط می‌شود منتشر می‌سازند. در چنین مواردی با تمایز بین گزارش جزئیات یک حادثه و گزارش همان جزئیات به همراه هویت آن فرد گزارش نوع دوم ناقض حریم خصوصی تلقی می‌شود.

در مورد ممنوعیت افشای هویت قربانیان جرائم و مصائب، قواعد رفتاری روزنامه‌نگاران برخی کشورها احکامی به شرح زیر پیش‌بینی کرده‌اند:

۱ - آلبانی

۱۱- مطبوعات نباید کسانی را که به عنف قربانی جرایم جنسی (زنا یا به عنف) شده‌اند معرفی کنند و باید از انتشار مطالبی که به شناسایی هویت آنان کمک می‌کند اجتناب ورزند.^{۳۷}

۲ - ایتالیا

نام کسانی که به عنف قربانی جرایم جنسی شده‌اند قابل انتشار نیست و روزنامه‌نگار نمی‌تواند جزئیاتی ارائه دهد که منجر به شناسایی هویت این اشخاص شود مگر این که خود قربانیان به خاطر نفع عمومی چنین بخواهند.^{۳۸}

۳ - لیتوانی

۴۳ - روزنامه‌نگار نمی‌تواند نام قربانیان جرایم را منتشر سازد به خصوص در مورد تجاوزهای جنسی^{۳۹}.

۴ - نروژ

همواره توجه داشته باشید که گزارش‌های مربوط به تصادفات و جرایم ممکن است قربانی یا خویشاوندان او را متأثر سازد. قربانیان جرایم یا اشخاص گمشده را معرفی نکنید مگر پس از اطلاع دادن موضوع به خویشان آنها. همواره مردمی را که دچار مصیبت شده‌اند یا در حالت بی‌قراری به سر می‌برند مدنظر داشته باشید.^{۴۰}

۵ - افریقای جنوبی

هویت قربانیان زنا‌ی به عنف و دیگر قربانیان خشونت‌های جنسی نباید بدون رضایت آنان منتشر یا پخش شود.^{۴۱}

برخی معتقدند انتشار مشخصات افراد یا حادثه برای نشان دادن صحت و اعتبار اخبار ضروری است. ارائه اخبار با تصاویری که وضعیت وخیم یک شخص را نشان می‌دهد عمق واقعی آن وضعیت را به مردم نشان می‌دهد.

با وجود این، در بیشتر موارد، وقایع خصوصی یک فرد قابل شناسایی، تنها برای ارضای حس کنجکاوی گزارش می‌شود. اگر افراد مربوط به وسیله همسایگان یا خویشاوندانشان قابل شناسایی باشند این امر می‌تواند پریشانی‌های زیادی برای آنان به دنبال آورد. قربانیان جرایم و حوادث مستحق برخورداری از کرامت و احترام هستند، حتی اگر حوادث آنان را بخشی از اخبار ساخته باشد تصمیم به منتشر نساختن مشخصات و هویت قربانیان نه تنها از حریم خصوصی حمایت می‌کند بلکه سلامت جسمانی آنان را نیز تأمین می‌کند و دیگر قربانیان را تشویق می‌کند بدون آن که واهمه‌ای از انگشت‌نما شدن داشته باشند، جرایم را گزارش دهند.^{۴۲}

همچنین، ممکن است انتشار کامل نام، تصاویر و جزئیات زندگی افرادی که اقدام به خودکشی کرده اما ناموفق بوده‌اند نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود. مطبوعات باید صدمه و لطمه‌ای را که در نتیجه انتشار خودکشی‌ها به تمامیت قربانیان خودکشی وارد می‌شود با ارزش خبری این گزارش مورد مقایسه قرار دهند. قانون مطبوعات آلمان با انجام چنین مقایسه‌ای مقرر می‌دارد مطبوعات باید به هنگام گزارش خودکشی‌ها محدودراتی را رعایت کنند. تنها استثنای ممکن هنگامی است که خودکشی حاوی اهمیت تاریخی معاصر و نفع عمومی باشد^{۴۳}.

برخی صاحب‌نظران نیز معتقدند مادام که اوضاع و احوال خاص برای توجیه افشای هویت افراد وارد در یک داستان خبری وجود نداشته باشد مردم نیازی به دانستن آن ندارند و رسانه‌ها نیز حقی نسبت به انتشار هویت آنان ندارند. گزارش مفاد یک خبر بدون آشکار ساختن هویت فردی که خبر به او مربوط است، معمولاً به توجه عموم و نیز اهمیت مباحثات عمومی درباره مسائل اجتماعی، جامه عمل می‌پوشاند از این رو هویت قربانیان باید ناشناخته بماند. مگر این که نفع عمومی افشای آن را ایجاب کند. برای مثال قواعد رفتاری سوئد در زمینه مطبوعات و رادیو و تلویزیون از آنان می‌خواهد:

« ۱۵ - به دقت نسبت به نتایج و عواقب زیانباری که در صورت انتشار نام اشخاص ممکن است برای آنان به بار آید فکر کنند. از انتشار نام‌ها خودداری کنند مگر آن که نفع عمومی آشکاری وجود داشته باشد.

۱۶ - اگر نام یک شخص نباید اعلام شود امتناع از انتشار تصویر یا شغل، سمت، سن، تابعیت، جنسیت و غیره که ممکن است به شناسایی شخص مورد بحث منجر شود ضروری است»^{۴۴}.

کمیسیون اصلاحات حقوقی هنگ‌کنگ نیز در این باره می‌گوید سردبیر باید برای احراز این که هویت یک فرد در یک برنامه خبری قابل انتشار است یا نه توجه کند آیا افشای هویت بر مبنای نفع عمومی قابل توجیه است یا نه. علاوه بر این، روزنامه‌نگاران

به طور معمول باید پیش از استفاده از تصاویر قربانیان برای گزارش‌های خبری خود از آنان یا خانواده‌شان اجازه بگیرند.

به اعتقاد ما، رهنمودهای زیر که در شورای مطبوعات آلمان تهیه شده است می‌تواند روزنامه‌نگاران را در تصمیم‌گیری درست نسبت به انتشار کم و کیف جرایم و حوادث غم‌انگیز کمک کند:

«به عنوان یک قاعده کلی، در گزارش‌های مربوط به تصادفات، تخلفات کیفری، تحقیقات کیفری یا رسیدگی‌های محاکم هیچ‌گونه توجیهی برای انتشار نام و تصاویر مرتکبان یا قربانیان آنان وجود ندارد. در تمام موارد یاد شده باید دقت لازم صورت گیرد تا حق مردم نسبت به دانستن در مقایسه با حقوق شخصی افراد، مورد ارزیابی قرار گیرد. قربان تصادفات یا جرایم مستحق حمایت خاص در برابر افشای نام خود هستند. افشای هویت قربانی، ارتباط چندانی به فهم وقایع حاکم بر تصادف یا جرم ندارد مگر در مورد شخصی که جزئی از تاریخ معاصر محسوب می‌شود یا در اوضاع و احوالی صورت گیرد که حاوی نفع عمومی است. به عنوان یک اصل کلی، در مورد خویشاوندانی که هیچ ارتباطی با حادثه ندارند رعایت حقوق شخصی مشروع آنان باید بر حق مردم بر دانستن ارجحیت و برتری داشته باشد»^{۴۵}.

ب - حریم خصوصی اشخاص مصیبت زده یا عزادار

بیشتر روزنامه‌نگاران نسبت به حریم خصوصی، کرامت و آرامش اشخاصی که در جریان جمع‌آوری خبر با آنان مواجه می‌شوند احترام قائلند، همچنین به هنگام مصاحبه یا عکسبرداری نسبت به احساسات اشخاصی که دچار مصیبت شده‌اند حساس هستند. با وجود این، گاه پس از وقوع یک حادثه یا یک واقعه ناگوار به مصیبت خصوصی افراد وارد می‌شوند.^{۴۶}

گاه ورود به حریم خصوصی افراد عزادار و مصیبت‌زده بر این مبنای توجیه شده است که مصیبت‌زدگان و خانواده‌های آنان ترجیح می‌دهند با بیان این مصیبت از طریق رسانه‌ها، مرهمی بر درد خود بگذارند. در مقابل، برخی اندیشمندان این ادعا را رد کرده

و معتقدند هنگام انتشار خبر ناگهانی مرگ یک شخص، اشخاص مصیبت‌زده در وضعیتی نیستند که تصمیم عقلانی درباره انجام یا خودداری از انجام مصاحبه اتخاذ کنند، در نتیجه ممکن است آلت دست رسانه‌ها شوند.^{۴۷}

برای مثال، گزارشگر یک رسانه برای فیلمبرداری از قربانیان یک منزل در حال اشتعال و انجام مصاحبه با آنان اعزام می‌شود. اگر قربانیان این آتش‌سوزی نخواهند با رسانه خبری مصاحبه کنند روزنامه‌نگاری که بر این امر اصرار می‌ورزد مصیبت قربانیان را افزایش می‌دهد. اگر از قربانی بر خلاف میل او فیلمبرداری شود، او با صدمه و لطمه‌ای مواجه خواهد شد که در مقایسه با آسیب‌های ناشی از آتش‌سوزی بسیار زیاد است از این رو اگر چه خانه در حال اشتعال، علت آتش‌سوزی و میزان آتش‌سوزی حائز اهمیت عمومی است مصیبت‌های خصوصی قربانیان چنین اهمیتی ندارد. یعنی می‌توان این حادثه غم‌انگیز را گزارش داد بدون آن که نیازی به انجام مصاحبه و فیلمبرداری از قربانی باشد.^{۴۸}

با توجه به این که قربانیان حوادث غم‌انگیز اغلب پس از وقوع جرم یا حادثه تعادل خود را از دست می‌دهند رسانه‌ها ممکن است با اصرار بر انجام مصاحبه و یا فیلمبرداری سبب شوند احساسات و تعادل روانی یا کنترل آنها از دستشان خارج شود و در نتیجه خودشان و یا با سایر بازماندگان حادثه، مرتکب جرائم بعدی شوند. هم قربانیان و هم خانواده آنان در چنین مواردی باید در آرامش قرار گیرند تا از تمام تجربیات و فکر خود برای حل مشکل و تسکین دردشان استفاده کنند.^{۴۹}

مرکز ملی قربانیان امریکا در این باره می‌گوید قربانیان به هنگام مواجهه با رسانه‌ها باید از حقوق زیر برخوردار باشند.^{۵۰}

- ۱ - در مصاحبه هیچ چیز نگویند؛
- ۲ - بچه‌ها را از مصاحبه حذف کنند؛
- ۳ - از پاسخ دادن به سوالاتی که موجب احساس ناراحتی و ناامنی می‌شود یا آنها را بی‌ربط می‌داند امتناع کنند؛
- ۴ - هنگامی که اطلاعات نادرستی از آنان گزارش می‌شود تقاضای اصلاح کنند؛

- ۵ - تقاضا کنند تصاویر یا فیلم‌های موهن، به هنگام نمایش یا انتشار حذف شود؛
- ۶ - در مصاحبه تلویزیونی شرکت کنند بدون این که تصویرشان پخش شود و یا مصاحبه روزنامه‌ای انجام دهند بدون این که از آنان عکس گرفته شود؛
- ۷ - بدون هرگونه مزاحمت بتوانند در خلوت خود، دردشان را تسکین دهند.
- همچنین، اصول و خط مشی‌های حرفه‌ای هرالد و ویکی تایمز در استرالیا^{۵۱} حاوی مقرراتی در مورد انتشار اخبار مربوط به حوادث اندوه بار و شوک‌های عاطفی است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد^{۵۲}:
- «۸-۱ - با همه مردم از جمله شخصیت‌های عمومی، باید در زمان اندوه و مصیبت و شوک‌های عاطفی با حساسیت و احتیاط بیشتری رفتار شود.
- ۸-۲ - شهروندان معمولی که در حوادث واجد ارزش خبری وارد می‌شوند، از رویه ژورنالیستی آگاه نیستند و این جهل آنان نباید مورد سوء استفاده واقع شود.
- ۸-۳ - هنگام اخذ اجازه برای مصاحبه یا تصویربرداری از قربانیان یا اشخاص مصیبت‌زده، تمام تلاش‌های لازم برای نزدیک شدن به آنان از طریق یک واسطه، نظیر یک عضو خانواده، دوست، مشاور و غیره به عمل آید. تماس مستقیم با قربانیان یا مصیبت‌زدگان در صورتی مجاز است که واسطه‌ای در میان نباشد.
- مجموعه قواعد شفافیت و حریم خصوصی انگلستان در این باره مقرر می‌دارد^{۵۳}:
- ۲۸ - رسانه‌ها نباید به اضطراب افرادی که در وضعیت‌های اضطرابی قرار دارند یا یک حادثه اندوه‌بار برای آنان رخ داده است بیفزایند. نباید کسانی را که در وضعیت اضطراب و فشار روحی قرار دارند برای انجام مصاحبه تحت فشار قرار داد. صرف این امر که پلیس یا مقامات دولتی از فلان شخص نام برده‌اند یا او را برای مصاحبه دعوت کرده‌اند استفاده از مطالبی را که حریم خصوصی آن شخص را نقض می‌کند یا بر فشار روحی او می‌افزاید توجیه نمی‌کند. تنها در صورت در میان بودن نفع عمومی برتر می‌توان چنان استفاده‌ای را توجیه کرد. پخش‌کنندگان باید دقت کنند هویت اشخاصی را که در نتیجه تصادفات یا جرایم خشن فوت کرده‌اند یا مجروح شده‌اند افشا نکنند مگر این که مسلم باشد خویشان‌شان مطلع شده‌اند.

- ۲۹ - تولیدکنندگان برنامه‌ها باید هوشیار باشند به هنگام فیلمبرداری یا ضبط، بر اضطرار یا فشار روحی اشخاصی که برای مثال در مراسم تشییع جنازه یا بیمارستان‌ها حضور دارند و دچار شوک یا ناراحتی‌های شدید شده‌اند نیفزایند.
- در تشییع جنازه‌ها، برنامه‌سازان باید حق عدول مصاحبه‌شوندگان را محترم شمارند. باید از هر گونه تلاش برای ورود به بخش‌های بیمارستان یا دیگر مکان‌های معالجه بدون اخذ اجازه صریح کادر پزشکی و افراد مسئول یا نمایندگان آنان اجتناب کنند. پخش‌کنندگان باید ترتیبات معقولی را که بخش اورژانس بلافاصله پس از وقوع حادثه برای نحوه دسترسی رسانه‌ها به قربانیان جرایم یا تصادفات یا بلایا و خویشان آنان اتخاذ می‌کند محترم شمارند.
- ۸- ۴ - اگر شخص اندوهگین یا مصیبت‌زده از اجازه دادن خودداری کند، نباید اصراری صورت بگیرد (با وجود این، می‌توانید شماره تماس یا کارتی را در اختیار آن شخص قرار دهید که در صورت تمایل بتواند بعداً با شما تماس بگیرد).
- ۸ - ۵ - وارد عرصه‌های غیر عمومی مؤسساتی که شغل آنها مشاوره با قربانیان و یا خانواده‌های آنهاست نظیر بیمارستان‌ها، موسسات توان بخشی، مرکز تشییع جنازه و تدفین و غیره) نشوید مگر با معرفی خود به مقامات مسئول یا اخذ اجازه صریح از افراد متأثر یا واسطه‌ها و یا مشاور حقوقی، پزشکی، توان بخشی یا محافظ آنان.
- ۸ - ۶ - قربانی یا شخص مصیبت‌دیده حق دارد هر زمان که بخواهد به مصاحبه یا عکسبرداری خاتمه دهد و باید پیش از تشکیل جلسه مصاحبه یا تصویربرداری از این حق خود مطلع شود.
- ۸ - ۷ - اگر قربانی یا شخص مصیبت‌زده از ادامه مصاحبه عاجز شود می‌تواند ختم جلسه را تقاضا کند.
- ۸ - ۸ - مصاحبه باید با نهایت حساسیت نسبت به آشفتگی که مصاحبه‌شونده ممکن است دچار آن شود و با توجه به اثر احتمالی انتشار اطلاعاتی که در زمان فشار روانی و پریشانی او ارائه شده است صورت گیرد.

- ۸- ۹- هر زمان که احساس می‌کنید شهروندان معمولی نمی‌توانند از اهمیت آنچه می‌گویند آگاه باشند این امر را با آنان در میان بگذارید و فرصت دهید از گفته‌های خود بگردند یا آنها را اصلاح کنند.
- ۸- ۱۰- سردبیر نهایی را از هر نوع مطلب یا تصویری که ممکن است حساس باشد یا تحت شرایطی شما را به حذف آن از اثر خود ناچار کند آگاه سازید.
- ۸- ۱۱- تصاویر قربانیان یا مردم مصبت‌زده، تنها پس از ملاحظه بایسته و شایسته حساسیت قضیه و حریم خصوصی آنان قابل انتشار است.
- ۸- ۱۲- هرگونه محدودیتی که خانواده بلافصل یا یک واسطه نسبت به استفاده از تصاویر ارائه شده تعیین کرده‌اند باید محترم شمرده شود.
- ۸- ۱۳- از هرگونه اشاره تأثیرانگیز یا رقت‌آور نسبت به وضعیت جسمانی قربانی یا اعضای بدن او باید اجتناب شد.
- ۸- ۱۴- هنگام انتشار هر گونه مطلب درباره سالگرد یک حادثه‌اندوه‌بار یک جرم، قربانیان یا خانواده آنان را دچار پریشانی بی‌مورد نسازید.
- بدین ترتیب، دانستن جزئیات حوادث و اتفاقات اندوه‌بار، به ویژه اسباب و علل و اهمیت آن برای مردم سودمند است اما چنین نفعی ضرورتاً مستلزم مصاحبه با یک همسر ماتم‌زده یا والدینی که هنوز در حالت شوک به سر می‌برند نیست. حق حریم خصوصی افراد در ایام از دست دادن عزیزان یا حوادث به شدت اندوه‌بار باید رعایت شود. انجام تحقیقات و انتشار مطالب مربوط به آنان باید همراه با همدردی و دقت لازم برای حمایت از خانواده‌ها باشد. افراد مصیبت‌زده نباید برای مصاحبه تحت فشار قرار گیرند. فیلمبرداری یا ضبط صدای آنان باید به گونه‌ای باشد که منجر به افزایش اندوه و یا رنج خانواده نشود. از مطالب جمع‌آوری شده در یک حادثه یا مصیبت، نباید برای مقاصد شهوانی و حیوانی استفاده شود حتی اگر در اماکن عمومی انجام شده باشد.
- تصاویری که احتمال دارد اندوه یا پریشانی مصیبت‌زدگان را تشدید کند تنها زمانی قابل انتشار هستند که افراد مربوط اجازه داده باشند یا نفع عمومی چنین انتشاری را توجیه کند.^{۵۴}

پ - حریم خصوصی به هنگام ضبط وقایع در بیمارستان‌ها

هنگامی که برای فیلمبرداری یا ضبط وقایع در سازمان‌ها از مدیریت آنها اجازه گرفته می‌شود، روزنامه‌نگاران، دیگر ملزم نیستند رضایت تک تک افرادی را که به صورت اتفاقی در آن سازمان‌ها حضور دارند یا بخشی از اعضای ناشناس یک جمعیت کلی به حساب می‌آیند اخذ کنند. با این حال در مکان‌های حساسی چون بیمارستان‌ها، عموماً رضایت افراد نیز باید اخذ شود مگر آن که هویت آنان پنهان بماند.^{۵۵}

بیمارستان‌ها در زمره اماکنی هستند که روزنامه‌نگاران می‌توانند اطلاعاتی را از آنها برای گزارش به مردم جمع‌آوری کنند. برای مثال عکاسان مطبوعاتی ممکن است از مجروحانی که در حال ورود به بیمارستان هستند تصویربرداری کنند. تصاویر قربانیانی که از یک آمبولانس خارج می‌شوند یا روی برانکار قرار دارند یا بر صندلی چرخدار نشسته‌اند و منتظر معالجه یا پذیرش در سالن انتظار بیمارستان هستند در روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی به وفور دیده می‌شود. این تصاویر اغلب بدون رضایت قربانیان گرفته می‌شود. قربانیان وقتی به بیمارستان می‌رسند حتماً یا مجروح هستند یا بیمار، یا دچار اختلال روانی و یا ناتوان از پاسخگویی و حرکت. از این که قربانی یا بیمار به هنگام عکسبرداری به روزنامه‌نگار اعتراض نکرده است نمی‌توان رضایت او را استنباط کرد چه بسیار مشاهده شده است که پرستاران بیمارستان با پرونده‌هایی که در دست دارند یا حتی با دستان خود چهره قربانیان را از دوربین‌های عکاسان می‌پوشانند.^{۵۶}

اگرچه بیمارستان‌ها دسترسی همگانی به اماکنی را که بیماران در آنجا معالجه می‌شوند یا بستری هستند محدود می‌سازند گاه حریم خصوصی قربانیانی که در بیمارستان‌ها پذیرفته می‌شوند از سوی اشخاصی که می‌خواهند جزئیات بیشتری درباره زندگی آنان بدانند نادیده گرفته می‌شود. روزنامه‌نگاران ممکن است خود را از دوستان یا خویشاوندان قربانی معرفی کنند تا به اتاق مراقبت دسترسی پیدا کنند و علاوه بر کسب اطلاعات درباره قربانیان و حوادثی که منجر به تصادف شده است از قربانیانی که در تخت بیمارستان بستری هستند عکسبرداری کنند. در حالی که به خوبی می‌دانند

شخص قربانی خواب، فلج یا بی‌هوش است یا اختلال ذهنی و یا معلولیت‌های دیگری دارد که به او فرصت و امکان رضایت دادن نمی‌دهد. چه بسا ممکن است بیماری نیز که به ظاهر رضایت خود را از مصاحبه یا تصویربرداری اعلام کرده است شرایط مناسبی برای این کار یا اعلام رضایت آگاهانه نداشته باشد.^{۵۷}

ورود رسانه‌ها به بیمارستان‌ها در زمره شدیدترین اشکال نقض حریم خصوصی است. یک دادگاه امریکایی در این باره می‌گوید: حق مطبوعات یا خبرگزاری‌ها هر چه باشد، برای عکسبرداری از اشخاصی که در اماکن عمومی هستند مطمئناً حق حریم خصوصی، باید از اشخاصی حمایت کند که انتشار تصویر گرفته شده از آنان بدون رضایتشان و یا به هنگامی بوده است که آنان بیمار و یا در تخت بیمارستان بستری بوده‌اند.^{۵۸}

به اعتقاد کمیسیون اصلاحات حقوقی هنگ‌کنگ استفاده از یک وسیله ضبط کننده در بخش‌هایی از بیمارستان که بیماران معالجه می‌شوند و یا بستری هستند، تقصیر یا جرم است مگر آن که روزنامه‌نگاران رضایت صریح بیمارستان و نیز بیمار را اخذ کرده باشند. آنان نباید در این بخش‌ها عکسبرداری کنند. همچنین برای حمایت از حریم خصوصی و بهداشت بیماران که منتظر معالجه یا پذیرش در بیمارستان هستند عکسبرداری در بخش‌های انتظار یک بیمارستان باید به طور کلی ممنوع شود.^{۵۹}

ت - حریم خصوصی در مراسم تشییع و تدفین

روزنامه‌نگاران در صورتی می‌توانند مراسم تشییع جنازه را تحت پوشش خبری قرار دهند که شخصیت‌های عمومی در آن حضور داشته باشند یا شخص متوفی، موضوع حادثه‌ای باشد که واجد ارزش خبری است. به اعتقاد کمیسیون اصلاحات حقوقی هنگ‌کنگ، روزنامه‌نگاران هنگام گزارش مراسم تشییع جنازه، باید از اقدام به رفتارهای ناقض حریم خصوصی نظیر عکسبرداری از مردمی که در حال سوگواری هستند اجتناب کنند.^{۶۰}

عکسبرداری از یک مجلس سوگواری در صورتی ناقض حریم خصوصی محسوب می‌شود که بر خلاف خواست صریح خویشاوندان متوفی صورت گیرد. طی قضیه‌ای، پنج زن مرده در یک طبقه از ساختمانی پیدا شدند. پیش از انجام تشریفات تشییع جنازه یکی از متوفیان، خویشاوندان اعلامیه‌ای را به درب سالن نصب کردند که به روزنامه‌نگاران هشدار می‌داد از عکسبرداری از وقایع داخل سالن و خویشاوندانی که در مراسم سوگواری شرکت دارند امتناع کنند اما روزنامه‌نگاران این تذکر را نادیده گرفتند و دوستان متوفی به ناچار مقابل درب ورودی سالن به مراقبت ایستادند. پس از اخراج روزنامه‌نگاران از سالن، گزارش یکی از آنان به همراه تصویری از داخل سالن منتشر شد. برخی از اشخاص که نزدیک گل‌های فرستاده شده برای دوستان و خویشاوندان متوفی نشسته بودند در تصویر قابل مشاهده بودند. بدیهی است که انتشار چنین تصویری بر خلاف میل دوستان و خویشاوندان متوفی است.^{۶۱}

بی بی سی نیز مقرراتی در این باره دارد. این مقررات توضیح می‌دهد سازمان‌های خبری در پوشش خبری یک تشییع جنازه چگونه باید رفتار کند:

«به طور معمول، برنامه‌ها تنها زمانی می‌توانند تشییع جنازه‌ها را تحت پوشش خبری قرار دهند که اجازه خانواده اخذ شده باشد. دلایل قابل قبولی لازم است تا بر خلاف میل خانواده رفتار شود. ما باید تضمین کنیم که تشییع جنازه‌ها با حساسیت بیشتر تحت پوشش قرار گیرند و از هرگونه رفتاری که مداخله در حریم خصوصی تلقی شود نظیر، عکسبرداری نزدیک از مردمی که در سوگواری شرکت دارند، پرهیز شود»^{۶۲}.

ث - حریم خصوصی طرفین دعوا و شهود در رسیدگی‌های قضائی

بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی مقرر می‌دارد طرف یک رسیدگی کیفری یا مدنی، مستحق است یک رسیدگی منصفانه و علنی به وسیله یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون ایجاد شده است، داشته باشد. از آنجا که همه اعضای جامعه نمی‌توانند همزمان در جلسه رسیدگی حضور داشته باشند روزنامه‌نگارانی که در کرسی مطبوعاتی اتاق دادگاه حضور دارند به عنوان چشم و

- گوش مردم توصیف شده‌اند. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، گزارش مطبوعات از دعاوی حقوقی، فضایل مهمی به دنبال دارد: (Robertson & Nicol, 1992: 14 – 18).
- ۱ - علنی بودن رسیدگی‌ها، روح عدالت است. این امر تضمینی است علیه اشتباه یا سوء رفتار قضائی؛
 - ۲ - از سوگندهای دروغ باز می‌دارد. اگر شهود بدانند ممکن است دروغ آنان منتشر شود و دیگران نیز تشویق شوند که آنان را بی‌اعتبار سازند تمایل پیدا می‌کنند که حقیقت را بگویند؛
 - ۳ - دانش عمومی و ارزیابی عموم را از عملکرد قانون بالا می‌برد؛
 - ۴ - به نقش بازدارندگی محاکمات کیفری کمک می‌کند؛
 - ۵ - آشکار شدن امور حائز نفع عمومی واقعی را میسر می‌سازد.
- بند یک ماده ۱۴ میثاق، مقرر می‌دارد مطبوعات و مردم ممکن است به دلایل «اخلاق حسنه، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک یا هنگامی که نفع خصوصی طرفین دعوا ایجاب می‌کند» از حضور در محاکمه محروم شوند.
- بر این اساس است که مردم و از جمله مطبوعات، برای مثال، در جرایم جنسی به دلیل ارتباط این گونه جرایم با اخلاق حسنه از حضور در دادگاه منع می‌شوند. همچنین حق حریم خصوصی طرفین نیز در مواردی قابل استناد است که امور خانوادگی یا جرایم جنسی یا دعاوی موضوع رسیدگی دادگاه باشد که علنی شدن آنها بتواند قلمرو خصوصی و خانوادگی طرفین را نقض کند.
- مطبوعات، عموماً در گزارش زندگی خصوصی طرفین تا آنجا آزادند که این وقایع در یک دادگاه علنی گفته شود اما این امر بدان معنا نیست که به هنگام گزارش وقایع خصوصی در اوضاع و احوالی که پای هیچ گونه نفع عمومی در میان نیست نتوان ممنوعیتی پیش بینی کرد.

ج - حریم خصوصی و سوابق کیفری گذشته افراد

گاه در مطبوعات افشا می‌شود که فلان کس در گذشته به دلیل ارتکاب یک تخلف کیفری محکوم شده است. در پاسخ به این پرسش که آیا چنین اقدامی نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود یا نه برخی معتقدند سوابق کیفری در زمره اسناد عمومی محسوب می‌شوند که انتشار آنها را بر مبنای نقض حریم خصوصی نمی‌توان منع کرد. اما برخی معتقدند اشخاصی که به ارتکاب جرایم کوچک محکوم شده‌اند باید این حق را داشته باشند که سوابق کیفری آنان فراموش شود. اینان استدلال می‌کنند دانش عمومی و آگاهی مردم از جرم به خصوص را می‌توان از طریق مورد بحث قرار دادن سوابق کیفری افراد افزایش داد بدون آن که افشای هویت مرتکبان لازم شود. انتشار چنین سوابقی می‌تواند اعتبار مجدد به دست آمده مجرمان سابق را بر باد دهد.
(Ibid:2-45).

به اعتقاد کمیسیون اصلاحات حقوقی هنگ‌کنگ در ایجاد تعادل میان حق مردم در دانستن سوابق کیفری یک فرد و نفع آن فرد در فراموش شدن واقعه‌ای که به خاطر آن محکوم شده است مطبوعات باید معیارها و ملاک‌های زیر را مورد توجه قرار دهند:
(Ibid:2-47).

۱- آیا فرد یاد شده یک شخصیت عمومی است یا نه، اگر شخصیت عمومی است آیا بین جرمی که به خاطر آن محکوم شده و سمت عمومی یا مقامی که اکنون دارد ارتباطی وجود دارد یا نه؛

۲ - آیا جرم مورد بحث با تصویر عمومی آن شخص سازگار است یا نه؛

۳ - شدت جرم؛

۴ - چند سال از زمان محکومیت آن شخص می‌گذرد؛

۵ - آیا شخص مورد نظر به طور کامل اعاده حیثیت کرده است یا نه و

۶ - آیا انتشار هویت آن فرد بر مبنای سایر دلایل، قابل توجیه است یا نه.

چ - حریم خصوصی و مصاحبه‌های کمینی

روزنامه‌نگاران به منظور جستجوی حقایق و گزارش آنها، ممکن است بدون هر گونه تمهید قبلی، افراد را در اماکن عمومی یا خصوصی در آستانه ورود به ساختمان یا خروج از آن مورد مصاحبه قرار دهند. این تاکتیک که به «مصاحبه کمینی» یا «مصاحبه دم دری» موسوم است اغلب زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که روزنامه‌نگار می‌خواهد اطلاعاتی را از شخصی به دست آورد که تن به مصاحبه نمی‌دهد یا مایل نیست از او عکسبرداری شود، گاه نیز روزنامه‌نگار می‌خواهد یک سری اطلاعات را از داخل اماکن خصوصی که دسترسی به آنها اجازه داده نمی‌شود به دست آورد. این مصاحبه‌ها بر این اساس قابل ایراد هستند که: (Ibid:2-47).

«اولاً - هنگامی که برای ضبط کردن صوت و پخش آن کمیت صورت می‌گیرد غافلگیر شدن شخصی که کمین برای او گذاشته شده است اغلب به آشکار شدن تقصیر آن شخص منجر می‌شود. به ویژه، هنگامی که مصاحبه شونده در برخورد با رسانه‌ها بی‌تجربه یا کم تجربه است، تلاش وی برای رهایی از دست پرسش‌های غیرمنتظره یک گزارشگر مصمم و سمج، می‌تواند تصویری تقصیرکارانه از وی ارائه دهد. ثانیاً - مصاحبه‌های کمینی می‌توانند استانداردهای بنیادین روزنامه‌نگاری را در زمینه تعادل و شفافیت نقض کنند. همه کسانی که موضوع یک تحقیق رسانه‌ای قرار می‌گیرند حتی افراد مظنون به انجام فعالیت‌های غیر قانونی، حق دارند یا اصلاً مصاحبه نکنند و یا دست کم، پاسخ‌های سنجیده‌ای به پرسش‌های گزارشگران بدهند».

ح - حریم خصوصی و جمع‌آوری اطلاعات با روش‌های پنهانی

یکی از اهداف اولیه روزنامه‌نگاری، جمع‌آوری و گزارش حقایق است. با وجود این، اغلب مردم اطلاعات حائز اهمیت عمومی را که در صورت افشا ممکن است در دسرهایی برای آنان ایجاد کند یا سبب خسارت شود از عموم پنهان می‌سازند. در چنین اوضاع و احوالی، روزنامه‌نگاران وسوسه می‌شوند حقیقت را با استفاده از روش‌های پنهانی کشف کنند. بنابراین، ممکن است دوربین‌های مخفی و یا ضبط

صوت‌های پنهانی در اماکن خصوصی یا محل‌های عمومی بدون اخذ رضایت افراد مورد نظر به کار برند و یا مکالمات تلفنی اشخاص را بدون اطلاعشان ضبط کنند. بدون چنین روش‌هایی، روزنامه‌نگاری تحقیقی گاه غیرممکن می‌شود و ادله جرم، رفتار ضد اجتماعی یا بی‌کفایتی ماموران دولت ممکن است هرگز کشف و افشا نشود. با وجود این، روزنامه‌نگاران باید از نقض حریم خصوصی اشخاص بدون وجود دلایل موجه پرهیز کنند. روزنامه‌نگاران باید این اصل را رعایت کنند که درجه تجاوز به حریم خصوصی با استفاده از روش‌های پنهانی با شدت و اهمیت موضوع مورد تحقیق، مناسبت دارد. صرف این واقعیت که مردم نسبت به یک موضوع علاقه‌مند هستند دلیل موجهی برای روزنامه‌نگاران نیست تا به استناد آن برای جمع‌آوری خبر از روش‌های پنهانی استفاده کنند (Ibid: 2-64).

کمیتة قواعد روزنامه‌نگاری انجمن روزنامه‌نگاران هنگ‌کنگ که شکایت‌های بسیاری در زمینه کسب اطلاعات و اخبار با وسایل ناصواب دریافت کرده است، می‌گوید: «گاه عکس‌هایی با استفاده از یک دوربین مخفی و یا ضبط ویدئویی گرفته شده است بدون آن که رضایت قبلی افراد جلب شده باشد. شاکیان، همچنین از به کارگیری تکنیک‌های گزارشگری پنهانی توسط روزنامه‌نگاران، ناخرسند هستند. گاه گزارشگران، توافق‌هایی در زمینه محرمانه نگهداشتن برخی اطلاعات منعقد می‌سازند، سپس آن را نقص می‌کنند»^{۶۳}.

این پرسش را که چگونه می‌توان آزادی مطبوعات را در هر یک از اوضاع و احوال زیر با قوانین حریم خصوصی سازش داد، می‌توان در هر یک از موارد زیر به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد^{۶۴}:

- ۱ - ضبط کردن پنهانی در اماکن عمومی؛
- ۲ - نظارت‌های خارج از اماکن مورد نظارت؛
- ۳ - استفاده از وسایل متقلبانه برای جمع‌آوری اطلاعات؛
- ۴ - ضبط کردن پنهانی در اماکن خصوصی؛
- ۵ - ضبط کردن مکالمات عادی یا تلفنی افراد بدون رضایت - یکی از طرفین؛ و

۶- رهگیری مکالمات تلفنی.

با توجه به این که از میان مواد شش‌گانه فوق، پنج مورد آن پیش از این مورد بررسی قرار گرفته است در زیر به بررسی یکی از آنها می‌پردازیم.

خ- حریم خصوصی و استفاده از وسایل متقلبانه برای جمع‌آوری اطلاعات

روزنامه‌نگاران ممکن است اطلاعات و یا تصاویر شخصی افراد را از طریق ظاهرسازی یا معرفی دروغین خود به دست آورند. آنان ممکن است هویت خود را به گونه دیگری معرفی کنند و خود را مشتری، بیمار، کارگر، مأمور یا ناظر جا بزنند تا از طریق تلفن یا دسترسی به اماکن خصوصی با طرف مورد نظر صحبت کنند و بدین طریق اطلاعات دست اولی کسب کنند که در غیر این صورت نمی‌توانستند به آن دست پیدا کنند. همچنین، ممکن است با استفاده از دوربین‌های پنهانی که همراه خود حمل می‌کنند، بدون رضایت افراد از آنان عکسبرداری کنند.^{۶۵}

استفاده از وسایل متقلبانه که البته ممکن است به روزنامه‌نگاران اجازه افشای فعالیت‌های غیر قانونی و مفساد اجتماعی را بدهد موجب تضعیف اعتماد عمومی به رسانه‌ها شده و اعتبار روزنامه‌نگاری را با تردید مواجه می‌کند. همچنین می‌تواند در درازمدت به طور محسوس، توانایی روزنامه‌ها را در جمع‌آوری اخبار تحت تأثیر قرار دهد. استفاده از روش‌های متقلبانه برای تحلیل اطلاعات همواره در معرض این ایراد است که «از دو خطا یک درست ایجاد نمی‌شود».

دورویی و نفاق، اثر دیگر به کارگیری روش‌های متقلبانه در جمع‌آوری اطلاعات است:

«با فرض این که دست کم بخشی از وظایف رسانه‌های جدید جستجوی خطا کاری‌ها و افشای آنهاست، اگر در انجام این کار از دورویی و نفاق اجتناب نکنند، مرکب گناهی می‌شوند بدتر از آنچه می‌خواهند افشا کنند. از این رو روزنامه‌نگاران باید دائماً هدف خود را رعایت آن استانداردهای اخلاقی و رفتاری قرار دهند که انتظار دارند دیگران رعایت کنند»^{۶۶}.

«مؤسسه پوینتر مطالعات رسانه‌ها» در ایالات متحده، در مطالعات خود بدین نتیجه رسیده است که در استفاده از دوربین‌های مخفی یا معرفی دروغین خود برای تحصیل خبر، معیارهای زیر باید مورد توجه قرار گیرد:^{۶۷}

۱- اطلاعات جمع‌آوری شده دارای اهمیت فراوان هستند یا نه، این اطلاعات باید نفعی عمومی و اساسی نظیر افشای خطاکاری‌های نظام در سطوح بالایی حکومت یا جلوگیری از صدمه دیدن افراد را در برداشته باشد.

۲- دیگر جایگزین‌های جمع‌آوری آن اطلاعات استفاده شده و جواب نداده باشد.

۳- روزنامه‌نگاران پی‌گیر موضوع، در صدد باشند ماهیت یک تقلب و دلایل آن را افشا کنند.

۴- افراد پی‌گیر موضوع و سازمان‌های خبری در جمع‌آوری خبر نجات به خرج داده به عنوان افراد با تدبیر و متعهد به وعده‌های زمانی عمل کرده و هزینه‌های لازم را برای تعقیب کل داستان پرداخت کرده باشند.

۵ - خسارتی که با انتشار اطلاعات تحصیل شده از طریق تقلب، از ورود آن جلوگیری شده است در مقایسه با هر گونه خسارتی که از عمل متقلبانه ناشی می‌شود بیشتر بوده و بر آن اولویت داشته باشد.

۶ - روزنامه‌نگاران پی‌گیر موضوع، در مورد مسائل اخلاقی و حقوقی قضیه همکاری کرده و با اتخاذ تدابیر برای تصمیم‌گیری آگاهانه اقدام کرده باشند.

قانون مطبوعات آلمان نیز رهنمودهایی در زمینه شرایط استفاده از تقلب برای جمع‌آوری اخبار و اطلاعات پیش‌بینی کرده است، از جمله این که:

«تحقیق، یک وسیله مشروع [جهت اطلاع] از مسئله مورد توجه عموم مردم است اما باید در چهارچوب قانون اساسی و قوانین عادی و با احترام به کرامت انسانی صورت گیرد. به عنوان یک اصل کلی، روزنامه‌نگار محقق که اظهارات غیر حقیقی درباره هویت خود ارائه می‌دهد یا هویت مطالبی را که منتشر می‌شود غیر واقعی معرفی می‌کند به خاطر ارتکاب فعلی که با شرافت مطبوعاتی و نقش مطبوعات، ناسازگار است، مقصر است. تحقیقات پنهانی، تنها در موارد معدودی قابل توجیه است، مشروط

بر آن که اطلاعاتی که حائز نفع عمومی است منتشر شود و این اطلاعات با وسایل دیگر قابل دستیابی نباشد.

در مورد تصادفات و بلایای طبیعی، مطبوعات باید به خاطر داشته باشند عملیات نجات قربانیان و اشخاص در معرض خطر بر حق مردم به دانستن تقدم و ترجیح دارد. نفع عمومی در دانستن، ارتکاب عمل غیر قانونی روزنامه‌نگاران را در کسب مطالب خبری توجیه نمی‌کند»^{۶۸}.

منابع

1. Foord Kate, Defining Privacy
2. G. Robertson & A. Nicol, 1992, Media Law, Harmondsworth: Penguin, 3 re ed.
3. International Encyclopedia of the Social Sciences” vol. 11 and 12, London: the Macmillan Company
4. Prosser, William, Privacy, California Law Review, N. 48, vol. 3, 1960.
5. Solove Daniel J. Conceptualizing Privacy, California Law Review, 2002, vol. 90.
6. Solove Daniel J. op.cit.,p. 1092
7. Wacks Raymond; 1993, Personal Information – Privacy and The Law, Oxford: Clavendon Press

پی‌نوشت‌ها

1. Reductionist Approach
2. Arthur Miller
3. William Beaney
4. Tom Gerety
5. Stanford Encyclopedia of Philosophy op.cit.

6. seq., Victorian Law Reform Commission, 2002.
7. Edward Bloustein
8. Right to be let alone
9. Solitude
10. Intimacy
11. Anonymity
12. Reserve
13. Secrecy
14. Anonymity
15. Spatial aloneness
16. Reasonable expectation of privacy
17. The Law Reform Commission of Ireland; Report on Privacy, Surveillance and the Interception of Communication, 1998, para. 2 – 9
18. Ibid., para. 2 - 13
19. Ibid.
20. Ibid., para. 2 - 15
21. Ibid., para. 2 - 16
22. Ibid.
23. Ibid.
24. Ibid., para. 2 – 18
25. Ibid., para. 2 – 19
26. LRCH; op. cit., paras. 2 – 1 & 2 – 2
27. LRCH’ op. cit., para. 2 – 4
28. the Press Council Declaration of Principle on Privacy in th UK (1976)

29. Sunday Times v United Kingdom
30. Calcutt Report; op. cit., para. 3 – 18
31. Ibid., para. 2 – 5
32. Dietemann v Time
33. LRCH; op.cit., para. 1 – 50
34. Seek
35. Gather
36. M Nowak; op.cit., p.343
37. Available at:<http://www.ijnet.org/3a718b26e0d8.html>
38. Available at:<http://www.ijnet.org/3a6de101a57d0.html>
39. Available at:<http://www.ijnet.org/code-of-Ethics2/Lithuania-Lithuanian-Union-of-Journalists.html>
40. Available at:<http://www.ijnet.org/code-of-Ethics2/Norway-Norwegian-Press-Association.html>
41. Available at:<http://www.ijnet.org/3a64b51d65f97.html>
42. Ibid.,para.2-7
43. Ibid., para. 2 – 8
44. Available at:<http://www.ijnet.org/3a5db2a931bd.html>
45. Available at: <http://www.ijnet.org/5129.html>
46. LRCH; op.cit., para. 2 - 13
47. Ibid., para. 2 – 14
48. LRCH; op.cit., para. 2 – 15
49. AI bid., para. 2 – 16

50. The National Victim Center (US); Crime Victim's Privacy Rights in the Media, available at: <http://www.Nvs.org/ddir/in/fo35.HTM>>
51. Professional Practice Policy of Herald and Weekly Times Limited in Australia, Available at: <http://www.ijnet.org/FE-Article/Codeethics.asp?UILang=1&CID = 158548&CIDLang=1>
52. LRCH; op.cit.,para. 2 – 19
53. Code on Fairness and Privacy Available at:<http://www.ijnet.org/FE-Article/Codeethics.asp?UILang = 1&CID = 158633&CIDLang=1>
54. Ibid., para.2-20
55. Ibid., para. 2 – 21
56. Ibid., para. 2 – 22
57. Ibid., para. 2 – 23
58. Ibid., para. 2 – 24
59. Ibid., para. 2 – 25
60. Ibid., para. 2 – 34
61. Ibid., para. 2 – 35
62. BBC PRODUCERS GUIDELINES; available at:
<http://www.users.dircon.co.uk/niits/newalliance/bbcprodg.htm>
63. Hong Kong Journalists Association; at:<http://www.ijnet.org/FE-Article/Codeethics.asp?UILang=1&Cid = 8305&Cidlang=1>
64. LRCH; op.cit., para. 2 – 70
65. Ibid; para. 2 – 76
66. Ibid., para. 2 – 79

67. B Steele, Deception/ Hidden Cameras Checklist – A Pointer Institute Hand out, available at:[http://www.poynter.org/research/me/me decho.htm](http://www.poynter.org/research/me/me%20decho.htm)>

68. German Press Council; Press Code (February 1994), Guideline 4 – 1

ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی

سیدعلی محسنیان*

چکیده

مسئله ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی یا خلوت افراد یکی از بارزترین مسائل اخلاق رسانه‌هاست. این مسئله حایز دو معناست: وسیع و محدود، معنای وسیع اقداماتی را در بر می‌گیرد که حس زیبایی‌طلبی، سلیقه‌های اقتصادی و در یک کلام سبک زندگی مخاطبان را جهت می‌دهد. برخی این معنا را مقتضای ذات و ماهیت رسانه‌ها می‌دانند که نمی‌توان در حقوق رسانه‌ها از آن سخن گفت. اما معنای محدود در مراجع قضایی یا صنفی به عنوان ورود غیرمجاز به حریم خصوصی قابل پیگیری است.

براساس رویه قضایی و دکترین‌های ارائه شده در حقوق عرفی، تجاوز به حریم خصوصی در چهار گروه خلاصه می‌شود که عبارتند از:

- ۱- تجاوز به حریم خلوت و تنهایی عینی و فیزیکی افراد
 - ۲- انتشار (پخش) موضوعات مربوط به حریم خصوصی
 - ۳- نمایش شخص در حالت نامناسب یا غیرواقعی
 - ۴- تصاحب نام یا سوءاستفاده از تشابه یک شخص برای اهداف تجاری
- از سوی دیگر علی‌رغم فقدان تعریف قانونی روشن و صریح از حریم خصوصی در غالب کشورها؛ حمایت از این حق در مقابل رسانه‌ها با استفاده از سازوکارهای مدنی، کیفری و شیوه‌های خود تنظیمی صورت می‌گیرد و ضروری است در حقوق رسانه‌ای ایران نیز در جهت تکمیل این حمایت‌ها پیش‌بینی لازم در قوانین و مقررات صورت گیرد.

* کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پژوهشگر گروه حقوق رسانه مرکز تحقیقات

مقدمه

حق حریم خصوصی یا [حق] خلوت^۱ اشخاص یکی از بارزترین مسائلی است که درباره اصول اخلاقی رسانه‌ها مطرح می‌شود. به طور کلی پنج مسئله اصلی، رابطه اخلاقی رسانه‌ها را با افراد، گروه‌ها و جامعه شکل می‌دهد که عبارتند از:

«تجاوز به زندگی خصوصی افراد»، «حقیقت‌جویی و تخلف از آن»، «بهره‌برداری نامشروع و سوءاستفاده»، «خشونت و جنایت» و «مشارکت مردم و یا فقدان آن در ارتباطات رسانه‌ای» (مولانا، ۱۳۸۲ : ۱۳۲) به این ترتیب تجاوز به زندگی خصوصی افراد در رأس مسائل اخلاقی رسانه‌ها قرار می‌گیرد و به دلیل اهمیت موضوع اصل ششم اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری که پایه‌ای برای تهیه قوانین در سطوح ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود، به این موضوع اختصاص یافته است. در این اصل تصریح شده است: احترام به حق فردی، حفظ حریم و اسرار خصوصی و شئون انسانی که با قوانین ملی و بین‌المللی مربوط به حفظ حقوق و شهرت افراد و ... هماهنگ است، بخشی جداناپذیر از معیارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به شمار می‌آید. این موضوع از مسائل بحث‌انگیز اواسط دهه ۷۰ در غرب بود و همین عامل باعث شد در سال ۱۹۷۴ م قانون حریم خصوصی در امریکا به تصویب برسد.

تجاوز به حریم خصوصی افراد از سوی رسانه‌ها در بردارنده دو معنا است: معنای محدود و معنای وسیع، در معنای وسیع بیشتر کسانی که در رسانه‌ها کارهای پخش را انجام می‌دهند، از جمله افرادی که آگهی می‌دهند و یا برنامه‌های سرگرم‌کننده می‌سازند، خواه ناخواه مهمان ناخوانده به شمار می‌روند. آنان در پی این هستند که حس زیبایی‌طلبی و سلیقه‌های اقتصادی را جهت دهند. البته در محیط رسانه‌ای که به شدت رقابتی است، این روند اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در این معنا مخاطب رسانه به موجودی منفعل و فاقد قدرت تصمیم‌گیری در زندگی خصوصی‌اش تبدیل می‌شود و عملاً این برنامه‌سازان و مراکز تجاری و تبلیغاتی هستند که به تصمیم‌گیری در این زمینه می‌پردازند. از سوی دیگر همان‌گونه که خواهد آمد، یکی از حقوق فرد نسبت به حریم خصوصی حق تصمیم‌گیری مستقلانه در موضوعات مربوط به زندگی خویش

است. بنابراین در بسیاری از اقدامات رسانه‌ها در واقع به زندگی خصوصی افراد تعرض می‌شود. این معنا از نقض زندگی خصوصی افراد به وسیله رسانه‌ها، موضوعی نیست که بتوان در حقوق رسانه‌ها از آن سخن گفت و به تعبیری اقتضاء ذات و ماهیت رسانه‌ها چنین است.

اما تجاوز به زندگی خصوصی افراد به وسیله رسانه‌ها معنای دیگری نیز دارد. این معنا رفتارهایی را در بر می‌گیرد که می‌توان در مراجع قضایی یا حرفه‌ای به عنوان تجاوز به حریم خصوصی به رسمیت شناخت. این رفتارها در سال ۱۹۶۰، مطابق رویه قضایی امریکا، در چهار گروه طبقه‌بندی شده‌اند: تجاوز فیزیکی و عینی به حریم خلوت و تنهایی افراد، انتشار امور مربوط به زندگی خصوصی، نمایش شخص در حالت نامناسب یا غیرواقعی و سوءاستفاده از نام یا ظاهر شخص برای مقاصد تجاری. از این تاریخ به بعد، حق حریم خصوصی در حقوق عرفی تبدیل به حق بنیادین شده است. از سوی دیگر با توجه به قوانین خاص برخی کشورها در این باره، «حریم خصوصی» یک رشته مستقل دانشگاهی به شمار می‌رود و در کنار سایر رشته‌ها تدریس می‌شود و در زمینه آن دکترین، قوانین و رویه‌های قضایی ایجاد شده است. در حالی که هنوز مفهوم حریم خصوصی و برخی مسائل حقوقی مربوط به آن برای جامعه حقوقی ما ناشناخته است و اشخاص بسیاری وجود دارند که همواره از نقض حریم خصوصی خود، در رسانه‌های همگانی رنج می‌برند اما نمی‌دانند با چه عنوانی و با چه مستند حقوقی یا قانونی به دفاع از حق خویش برخیزند. ضرورت همگامی با نیازهای اجتماعی و تحولات حقوقی بیش از پیش ایجاب می‌کند قواعدی جامع در این باره تدوین شود. بی‌شک برخی از موارد نقض حریم خصوصی باید با مجازات‌های کیفری همراه باشد که در برخی متون قانونی نیز این امر دیده شده است و برخی دیگر از موارد نقض حریم خصوصی، الزام نقض‌کننده به جبران خسارات را به دنبال داشته است.

ضرورت موضوع در خصوص رسانه‌ها

ضرورت حمایت از حقوق مربوط به شخصیت مانند حق حریم خصوصی از جمله حق فرد نسبت به تصویر و ... در برابر تجاوزی که ممکن است در فعالیت‌های ارتباطی چهره به چهره به وجود آید، موضوع جدیدی نیست. آنچه خطری جدی برای حقوق فردی از جمله حق حریم خصوصی افراد به حساب می‌آید، پیشرفت فناوری ارتباطی و رسانه‌ای شدن زندگی بشر است که در قالب ارتباطات جمعی بروز می‌کند و حمایت از آن با تقویت سازوکارهای حقوقی و حرفه‌ای تأمین می‌شود.

رعایت این موضوع در صداوسیما به عنوان فراگیرترین، پرمخاطب‌ترین و از نظر کیفی تأثیرگذارترین رسانه جمعی در ایران اهمیت خاصی پیدا می‌کند، زیرا از یک سو این سازمان رسانه‌ای باید در چهارچوب قوانین و دستورالعمل‌های خاص صداوسیما، ارزش‌های اخلاقی، فقهی، حقوقی و حرفه‌ای را رعایت کند و از سوی دیگر باید مروج فضایل اخلاقی و موازین شرعی و قانونی در تعاملات فردی و اجتماعی باشد. بنابراین برای دسترسی به حریم خصوصی افراد و پخش برنامه‌هایی در این مورد نیاز به تعریف، ملاک، نظریه و در نهایت مقررات و دستورالعمل‌های اخلاقی - حرفه‌ای یا حقوقی دارد تا در اقدامات گوناگون رسانه‌ای مانند ضبط، تولید، تأمین، آرشیو، تدوین، دوبلاژ و پخش برنامه‌های تبلیغاتی و غیر تبلیغاتی اعم از خبر، فیلم و مجموعه برنامه‌های مستند و ... مدیران، مجریان، گزارشگران، خبرنگاران، دبیران خبر و ... موظف به رعایت آنها باشند. همچنین در صورت رعایت نکردن این حق، راهکارهای معینی برای جبران ضرر وارد شده به حق حریم خصوصی اشخاص در نظر گرفته شود.

توسعه شبکه‌های سراسری و استانی صداوسیما و نیز افزایش زمان پخش برنامه‌ها از یک سو و جذابیت موضوعات مرتبط با حریم خصوصی افراد از سوی دیگر ضرورت و حساسیت این موضوع را دوچندان می‌سازد.

سابقه حریم خصوصی

انسان‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند نیاز به حریم خصوصی، امری بسیار ریشه‌دار و فطری است که تنها به انسان محدود نمی‌شود؛ بنابراین تفکیک حوزه خصوصی از گستره عمومی به یک معنا، قدمتی به امتداد حیات انسانی دارد.

تحقیقات و مطالعات مردم‌شناسی (Anthropology) نشان می‌دهد در تمام جوامع، تمام زمان‌ها و دوره‌ها، حتی در جوامع ابتدایی، قواعد اجتماعی وجود داشته که ورود به اماکن خاصی را محدود می‌کرده و حضور در اماکن معینی را ممنوع می‌دانسته است. در عین حال مطالعه حریم خصوصی از زوایای حقوقی، فلسفی یا مذهبی و اخلاقی نتایج متفاوتی به دنبال دارد، برای نمونه صاحب‌نظران مسائل حقوقی می‌گویند موضوع حریم خصوصی افراد از منظر حقوقی فاقد سابقه طولانی است. آنان معتقدند مقاله مشترکی که وارن و براندیس (Warren & Brandies) با عنوان «حق مصونیت حریم خصوصی» در سال ۱۸۹۰ م چاپ و منتشر کردند، اولین بحث جدی و صریحی است که موضوع حریم خصوصی افراد را در چهارچوب قوانین حقوقی مطرح کرده است. انگیزه تألیف این اثر نیز آن بود که وارن یکی از مؤلفان این مقاله، از گزارش مطبوعات درباره ضیافتی که در منزل وی برپا شده بود به شدت خشمگین می‌شود و به همراه همکار حقوقی پیشین خود این مقاله را چاپ و منتشر می‌کند (هوسمن، ۱۳۷۵: ۱۴۶). در ایران نیز با آنکه نظام حقوقی کشورمان، حداقل از زمان تصویب اولین قانون اساسی، با عطف به حمایت‌های سنتی از حق حریم خصوصی، مانند رعایت حرمت مسکن اشخاص و منع باز کردن نامه‌های شخصی و غیره، آشنا شده است، در فرهنگ عمومی نیز حریم خصوصی اهمیت خاصی داشته است، تا حدی که کمتر از صد سال پیش در ایران مردم با این استدلال که با صدور شناسنامه می‌خواهند نام خود و متعلقاتشان را در دفتر دولت بنویسند، با ثبت احوال مبارزه می‌کردند و کسی حق نداشته است نام همسر و فرزند یا تعداد زوجات و فرزندان و سن و سال آنان را بداند (شهری باف، ۱۳۷۸: ۳۶۰). ظاهراً به دلایل سیاسی از یک طرف و تلقی ناصواب آموزه‌های مذهبی از طرف دیگر، این حقوق هیچ‌گاه نتوانسته است یک محمل اجرایی منسجم و معطوف به قانون

پیدا کند، از همین روست که در موارد نقض حرمت خصوصی افراد در جامعه و انتشار عمومی اطلاعات مرتبط با آن، بیشتر درباره نادرست بودن یا مغرضانه بودن اطلاعات منتشر شده بحث می‌شود تا درباره خصوصیت و طبیعت این گونه اطلاعات.

تعریف حریم خصوصی

مفهوم حریم خصوصی در چندین رشته از علوم از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق، معماری و فلسفه به کار رفته و مطالعه شده است، اما تعاریفی که در هر زمینه از خلوت به دست داده شده، بسیار متفاوت است. برخی از پژوهشگران تعاریفی از این مفهوم را در نظر گرفته‌اند که بر «انزوا»، کناره‌گیری و نداشتن تعامل تأکید می‌کند (آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۱). گروه دیگری از تعاریف، کمتر به شخصیت «کناره‌جو» و بیشتر بر مفهوم «نظارت انتخابی بر روابط» تأکید می‌کنند؛ آلن وستین در کتابی با عنوان حریم خصوصی و آزادی (۱۹۶۷ م) پیشنهاد می‌کند حریم خصوصی، کنترل شخص بر توزیع اطلاعات مربوط به خود تعریف شود. در مجموع می‌توان گفت صاحب‌نظران برجسته دنیا به رغم چندین دهه مباحثات علمی، هنوز نتوانسته‌اند بر سر تعریف واحد از حریم خصوصی هم عقیده شوند. از سوی دیگر، در غالب کشورها نیز تعریف قانونی از حریم خصوصی وجود ندارد. به بیان دیگر قوانین این کشورها تعریفی از آنچه زندگی خصوصی نامیده می‌شود یا آنچه زندگی خصوصی را شامل می‌شود یا به آن مربوط است؛ در بر ندارد. بدون شک قانونگذارانی که با این موضوع مواجه شده‌اند، دلایلی داشته‌اند که در مقررات قانونی حالات مختلف این مفهوم را به طور دقیق تعریف نکرده‌اند. البته ارائه چنین تعریفی به یقین آسان نخواهد بود، زیرا یک تعریف مختصر نمی‌تواند تمام موقعیت‌هایی را که در تفسیر و اجرا به وجود می‌آید، پیش‌بینی کند. همچنین پیشرفت‌های فنی همانند تحولات بینشی، نگرشی و رفتاری، تعریفی فوری، نامناسب، کهنه، ناکافی و یا فوق‌العاده محدودکننده را نفی می‌کند، ضمن این که پایگاه و موقعیت اجتماعی افراد و نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند، می‌تواند سعه و ضیق یا مصادیق

زندگی خصوصی را تغییر دهد؛ بنابراین با توجه به این دلایل، ارائه تعریف واحد از حریم خصوصی تاکنون غیرممکن بوده است (Derieux, 1999 : 240).

بدیهی است فقدان تعریف قانونی روشن و صریح، به معنای حمایت نکردن از این حق در قوانین و مقررات کشورها نیست؛ بلکه می‌توان در رویه قضایی هر کشور به دنبال تعریف کاربردی حریم خصوصی بود. اجمالاً پیشنهاد می‌شود با دو شیوه زیر به تعریف حریم خصوصی پردازیم تا اندکی از ابهام مفهومی یا مصداقی آن برطرف شود.

الف - تعریف مفهومی و هدفمند (Intentional definition) از نوع تعریف به عام و خاص یا روش تحلیلی تعریف (The analytical method of definition) برای ترسیم هسته اصلی حریم خصوصی.

ب - تعریف مصداقی (Extensional definition) از نوع تعریف فردشمار که از خطاهای اتفاق افتاده در جریان رویه قضایی به دست آمده است.

الف - تعریف تحلیلی حریم خصوصی

منظور از تحلیل، بیان عناصر ماهوی یک مفهوم است. در این روش ابتدا نام مجموعه بزرگ‌تری که آن چیز را در بر می‌گیرد آورده می‌شود و سپس با ذکر یک ویژگی، آن را از باقی چیزها در همان مجموعه متمایز می‌سازد. تعریف به عام و خاص یا تعریف با روش تحلیل، بهترین و دقیق‌ترین روش تعریف است (خندان، ۱۳۷۹: ۸۹ - ۶۱)

با توجه به این روش تعریف و با در نظر گرفتن انتقادات وارد بر سایر تعاریف به نظر می‌رسد تعریف زیر برای حریم خصوصی مناسب‌تر است: «اطلاعات، ارتباطات، فضاها و متعلقاتی که خواه از نظر فطری و خواه از نظر فرهنگی در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و پیش از این به طور علنی و عمومی منتشر نشده است.»

(محسنیان، ۱۳۸۳ : ۲۴ - ۱۷)

ب - تعریف مصداقی از نوع تعریف فرد شمار

منظور از تعریف مصداقی، تعریفی است که در آن برای شناساندن امر مورد نظر، نمونه‌ها و مصداق‌های آن به مخاطب معرفی می‌شود و در روش فردشمار نام آنها بیان می‌شود. برای مثال اگر کسی بپرسد: «سیاره چیست؟» در پاسخ می‌گوییم: «سیاره همان زمین، زهره، عطارد و مریخ است.»

در تعریف حریم خصوصی نیز می‌توانیم از این روش استفاده کنیم. البته علاوه بر نقاط ضعف و انتقادات وارد بر این شیوه تعریف، نکته قابل توجه دیگر اختلاف نظر میان مکتب‌های مختلف در تشخیص مصداق‌های حریم خصوصی از حوزه عمومی است. برای نمونه، مارکسیسم مقوله‌هایی چون مالکیت (یا دست کم، مالکیت ابزار تولید) را مربوط به حوزه عمومی می‌داند از این رو تصمیم‌گیری درباره مالکیت را به دولت و جامعه اختصاص می‌دهد در حالی که لیبرالیسم، مالکیت را به طور مطلق در حوزه خصوصی می‌گنجاند. در مجموع فارغ از این انتقادات، حریم خصوصی دارای مصادیق و افرادی است که از رویه قضایی به دست آمده‌اند و به شرح زیر هستند:

- ۱- نام و سایر مشخصات شناسنامه‌ای (Le nom)
- ۲- نشانی اعم از نشانی محل سکونت یا نشانی الکترونیکی (Adresse, e - mail)
- ۳- تصویر یا حق تصویر (Droit a l'image)
- ۴- وضعیت سلامتی فرد؛ جسمی، روحی و روانی (son etat de sante)
- ۵- سطح تحصیلات فرد (Le mode d'education)
- ۶- وابستگی صنفی و مذهبی (son appartenance syndicale et religieuse)
- ۷- عقاید و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی (ses opinions politiques)
- ۸- اوقات فراغت و چگونگی گذران آن (ses loisis)
- ۹- منابع و شیوه تأمین نیازهای مالی و معیشتی (ses ressources et moyens de existence)
- ۱۰- روابط خانوادگی (ses velations familiale)
- ۱۱- موقعیت خانوادگی (sa situation de famille)
- ۱۲- روابط دوستانه (ses velations amicales)

- ۱۳- زندگی عاطفی - احساسی (sa vie sentimentale)
- ۱۴- شیوه ادامه تحصیل فرزندان (La mode d'éducation choisi pour ses enfants)
- ۱۵- گذشته اشخاص به خصوص سوابق کیفری
- ۱۶- شغل اشخاص
- ۱۷- اعضای بدن، برخی نواحی و اندام جنسی
- ۱۸- تمایلات و آرزوها (مافی‌الضمیر)
- ۱۹- محل سکونت افراد (منزل و مأوای افراد یا محل اقامت و آسایش آنان)
- ۲۰- مکاتبات و مراودات مخابراتی یا کتبی و امثال آن و نیز محمولات پستی
- ۲۱- خانواده فرد: تعرض به حریم خصوصی یک فرد، گاه به معنای تعرض به حریم خصوصی خانواده وی است و گاه نیز صرفاً تعرضی به حریم خصوصی فرد به حساب می‌آید.

چنان‌که وقتی رسانه‌ای از میزان دارایی یک فرد خبر می‌دهد اغلب در حکم تعرض به حریم خصوصی خانواده (سایر افراد) محسوب نمی‌شود اما هر گاه نسبتی خلاف عفت به فرزند یک خانواده داده شود علاوه بر خساراتی که به خود شخص وارد می‌شود تعرضی به حریم خصوصی خانواده نیز صورت می‌گیرد.

مبانی حریم خصوصی

در اندیشه فلاسفه غرب، حق افراد نسبت به حریم خصوصی ریشه در خود انسان، شرافت ذاتی، مالکیت او نسبت به خود، حیثیت درونی و در یک کلام خودمختاری (Autonomie) دارد و این به معنای اصالت دادن به انسان (Humanisme) و آزادی او (Liberalisme) است.

اما در بینش اسلامی، آزادی که ریشه‌ای‌ترین حق انسان محسوب می‌شود و نیز دیگر حقوق ناشی از آن، ملک مطلق انسان به شمار نمی‌رود بلکه ودیعه‌ای الهی است. در این بینش که باطن آن پذیرش ولایت خدا در همه امور از جمله سرپرستی انسان است، توسعه و بسط آزادی در زمینه‌های مختلف مقید و محدود به اراده و رضای

امانت دهنده است. بر این مبنا، خداوند مالک انسان است (ملک الناس)، انسان از خداست و به سوی او بازمی‌گردد (انالله و انا الیه راجعون)، او موجودی تک‌ساحتی نیست، موجودی است که خداوند مرتبه‌ای از روح خود که نزدیک‌ترین مخلوقات به حق است، در او دمیده است (و نفخت فیہ من روحی)، به این ترتیب انسان مظهر و مجلای وجه الله و اسماء و صفات اوست و هیچ‌گونه مالکیتی نسبت به خود، مستقل از آنچه خداوند نزد او به امانت گذارده، ندارد در نتیجه رضای حق و لقای او بالاترین رستگاری‌ها محسوب می‌شود (و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم).

و براساس این بینش توحیدی است که آزادی و سایر حقوق از آن شکل می‌گیرد همچنین حرمت حریم خصوصی در این بینش نه تنها به منظور رعایت حق دیگران بلکه براساس تعالی، رشد و ارتقای وجدان دینی جامعه ایمانی بنیانگذاری می‌شود (هو ازکی لکم) و به این ترتیب در بینش اسلامی با اهتمام به زندگی خصوصی، هویت فرد و جامعه اسلامی ارتقا می‌یابد. از سوی دیگر؛ در هر نظام فکری نسبت معناداری میان حساسیت یک حق و سازوکارهای حمایتی پیش‌بینی شده برای آن وجود دارد. بر این اساس ملاحظه می‌کنیم که از منظر اخلاق اسلامی تجاوز به حریم خصوصی افراد گناه محسوب می‌شود و در نتیجه عقاب اخروی به دنبال خواهد داشت و به تعبیر حضرت امام (رض) در بند ۶ فرمان هشت ماده‌ای «مانند» اشاعه فحشا و گناهان، از کبائر بسیار بزرگ است».

اما از منظر فقهی که رفتار انسان با احکام تکلیفی پنجگانه: حرمت، حلیت، استحباب، کراهت و اباحه ارزش‌گذاری می‌شود تجاوز به حریم خصوصی مردم حرام است و با تعبیر فقه جزا و حقوق این موضوع جرم تلقی می‌شود. حضرت امام خمینی (رض) در فرمان یاد شده در این خصوص می‌فرمایند: «مرتکبان هر یک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی و بعضی از آنان مستوجب حد شرعی هستند».

در مجموع اگر چه تعبیر حریم خصوصی در بیان قرآن کریم و ائمه معصومین به کار نرفته است و حتی در متون فقهی سده‌های پیش نیز چون اصطلاح شناخته‌شده‌ای

استعمال نشده است اهتمام این به حریم و تفکیک آن از گستره عمومی در متون اسلامی و آثار فقهی و اخلاقی معاصر به فراوانی ملاحظه می‌شود.^۲

گونه‌های ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی افراد

رسانه‌ها بیش از پیش به زندگی خصوصی افراد علاقه‌مند شده‌اند. البته ناگفته نماند برخی معتقدند اقتضای کار رسانه‌ها این است که خلوت تنهایی آدم‌ها را برهم بزنند. آنها ذاتاً تمایل به افشای اسرار مردم دارند نه اخفا و سرپوش گذاشتن بر آنها. این تمایل به انتشار زندگی خصوصی، گواه دگرگونی در هنجارهای رفتاری است. خروج از الگوی انضباطی‌ای که تا امروز بر زندگی خصوصی افراد حاکم بوده است و ورود به ارزش‌های جدید و دیگر الگوهای زندگی، از این موضوع حکایت می‌کند. اکنون برملاکردن حریم زندگی خصوصی از یک هنجار جدید اجتماعی تبعیت می‌کند. این هنجار عبارت است از: الزام به اطلاع‌رسانی در تمام زمینه‌ها و آزاد شدن جریان اطلاعات. این هنجار جدید به منظور شفاف‌سازی اطلاعات با پیام جدیدی نیز همراه شده است که چنین بیان می‌شود «همه چیز باید نشان داده شود، همه چیز باید بیان شود و به همه چیز باید نظارت شود» (Tout montre, tout dire, tout voir).

امروزه تعداد برنامه‌های مربوط به زندگی خصوصی در رسانه‌ها بیش از برنامه‌های مربوط به گستره عمومی است و مفهوم زندگی خصوصی از این نظر که منطقه‌ای پوشیده و به دور از نظرات یا هر نوع بررسی باشد، تغییر کرده است، در نتیجه قلمرو زندگی خصوصی اکنون چون موضوعی بدون محدودیت برای مطالعه به حساب می‌آید. هرگز به این اندازه درباره روابط زناشویی، کشمکش‌ها و تنش‌های خانوادگی، خشونت‌های زناشویی، رنج‌ها، بیماری‌ها و مشکلات سلامتی افراد و دیگر موضوعات بسیار خصوصی چاپ و نشر صورت نگرفته است. گواه این موضوع برنامه‌های پخش شده از شبکه‌های تلویزیونی در سطح جهانی است.

این علاقه به نمایش زندگی خصوصی در تلویزیون قدمتی بیش از بیست سال دارد؛ بنابراین از این منظر، دو دوران برای برنامه‌های پخش شده تلویزیونی می‌توان ترسیم کرد:

دوره اول تلویزیون قدیمی (L'archo - television) که براساس الگویی آموزشی - تربیتی بنیان‌گذاری شده است و گزینش پیام‌ها و محتویات پخش بر همین اساس صورت می‌گیرد. دوره دوم تلویزیون جدید (Le neo - television) که در سال‌های دهه ۱۹۸۰ ظاهر شد؛ زمانی که ارتباط تلویزیون با عموم مردم بیش از محتوا، اهمیت داشت و افراد عادی بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شدند. در سال‌های دهه ۱۹۹۰ الگوی دیگری ظهور یافت؛ به طور خلاصه این الگو عبارت بود از:

«نمایش واقعیت» (Tele - realite) که در آن مشکلات بسیاری از مردم بر صفحه تلویزیون نمایش داده می‌شد، گرچه این بار عمل صورت گرفته با انگیزه‌ای نیروبخش تقویت و تأیید می‌شد. با فرارسیدن سال ۲۰۰۰ الگوی «نمایش واقعیت» به بار می‌نشیند؛ یعنی زمانی که بدون حضور در صحنه مخصوص فیلمبرداری و بدون حضور مجری، افراد می‌پذیرند به طور دائم زیر نظر دوربین‌ها زندگی کنند. نخستین نمونه این الگو، برنامه «ناظر کبیر» (Big Brother) است که تاکنون در ۳۰ کشور تولید شده است (Vitalis, 2002: 1).

پس از ذکر این مقدمه به صورت اجمالی گونه‌های تجاوز رسانه‌ها به حریم خصوصی افراد را برمی‌شماریم:

در پی تحلیل حریم خصوصی، تجاوز به حریم خصوصی اصولاً متضمن چهار رکن است:

- ۱- امر اختصاصی: عبارت است از مقتضیات مربوط به منافع و مصالح شخصی که از جمله شامل نام یا تصویر وی می‌شود.
- ۲- فضولی: شامل فضولی در محل خلوت یا انزوای فرد، با تجاوز به خانه، شنود مکالمات و تلفن‌های ناخواسته است.

۳- افشای عمومی حقایق خصوصی، شامل فعالیت‌هایی برای تبلیغ انتقادی این حقایق و ارائه اطلاعات شخصی با فرض این که حقایق کاملاً درست و صحیح هستند.

۴- ایجاد بدبینی در افکار عمومی، شامل تبلیغاتی که فرد را در افکار عمومی خجل می‌سازد.

در این تحلیل، فضولی در انزوای شخص همواره ملازمه با محل (سکونت) یا نوع ارتباط (تلفنی) ندارد و حصری نیست از این رو نظام حقوقی می‌تواند دامنه شمول آن را گسترش کمی و کیفی دهد به این ترتیب موارد زیر را می‌توان در نظر گرفت:

الف - تجاوز به حریم خلوت و تنهایی عینی و فیزیکی افراد

با همان تصویری که از تعدی به حریم خصوصی شخص به ذهن متبادر می‌شود رسانه‌ها را نیز می‌توان در نقض حریم خصوصی عینی مردم مسئول شناخت.

خبرنگاری که به طور سرزده وارد خانه شخصی دیگران می‌شود، حتی اگر این کار را به دستور مسئولان اجرای احکام قضایی انجام داده باشد، ممکن است تحت پیگرد قضایی قرار گیرد. دوربین‌های عکس برداری از راه دور برای شکار تصویر کسی که مورد اتهام نیست و استراق سمع‌های الکترونیکی نیز می‌توانند مشکلات حقوقی ایجاد کنند (لوئیس، ا، دی، ۱۳۸۳: ۲۰).

ب - انتشار (پخش) موضوعات مربوط به حریم خصوصی

این مسئله همان است که وارن و براندیس در زمان چاپ مقاله‌شان در نظر داشتند. رسانه‌ها در صورتی که با انتشار مطالبی باعث افشای اطلاعات اشخاص شوند نمی‌توانند در برابر طرح شکایت علیه انتشار حریم خصوصی به راست و صحیح بودن مطلب استناد کنند.

به منظور پیشگیری از تجاوز رسانه‌ها به حریم خصوصی افراد (به وسیله انتشار یا پخش موضوعات مربوط) برنامه‌سازان باید در موارد زیر احتیاط لازم را مدنظر قرار دهند:

رجوع به وقایع گذشته، گزارش صحنه‌های رنج و اندوه شدید یا حوادث و بلا یا مانند تشییع جنازه‌ها، مصاحبه با مجروحان یا سوگواران، استفاده از میکروفون یا دوربین مخفی، ضبط پنهانی صدا و تصویر در ملک شخصی و پخش آن و ضبط مخفیانه در اماکن عمومی

ج - نمایش شخص در حالت نامناسب یا غیرواقعی

این تخلف با انتشار اطلاعات اشتباه یا اطلاعاتی که شخص را در حالتی غیرواقعی قرار می‌دهد، به وجود می‌آید. البته به شرط اینکه موجب صدمه به حریم خصوصی شخص شود و رسانه‌ها به دلیل سهل‌انگاری در بررسی صحت و سقم اطلاعات محکوم شوند. مطابق رویه قضایی نظام کامن‌لا، برای امکان استناد به حق جبران خسارت، در این خصوص مهم نیست این اطلاعات چه اندازه زیانبار باشد. این تخلف می‌تواند عبارت باشد از:

- زیباسازی: یعنی شخص در وضعیت مناسب‌تری نسبت به آنچه در واقع هست، بازنمایی شود یا ماجرا را برای جذاب‌تر شدن آراسته و زیبا کنند.
- تغییر شکل امور به صورت خیالی: یعنی وضعیت و شرایط به راستی واقعی باشد اما راوی رفتارها و احساساتی را به اشخاص نسبت دهد که دارای آن نیستند.
- تحریف واقعیت به این معنا که اطلاعات خارج از زمینه مربوط پخش شوند برای مثال استفاده از تصویر کودکی که قربانی یک تصادف شده است برای مصور کردن گزارش مربوط به سوء رفتار با کودکان

د - تصاحب نام یا سوءاستفاده از تشابه یک شخص برای اهداف تجاری

کسی که در تلاش است اعتبار تجاری یا شهرت شخص دیگری را تصاحب کند، به سبب این تخلف محکوم می‌شود. این محکومیت در صورتی است که از نام یا تصویر شخص بدون رضایت او برای اهداف تبلیغاتی یا درباره کالای تجاری استفاده شود.

توجیحات رسانه‌ها در ورود به حریم خصوصی افراد

ترسیم مرز میان حق دسترسی جامعه به اطلاعات به وسیله رسانه‌ها و حق حریم خصوصی افراد بسیار بحث‌انگیز است به نظر می‌رسد در دعاوی و شکایات مربوط به این موضوع با دو پرسش مجزا روبه‌رو هستیم:

نخست آیا رسانه‌ها به حریم خصوصی فرد وارد شده‌اند؟ و دوم اینکه آیا ورود آنها غیرمجاز بوده است؟ (کری، ۱۳۸۲: ۲۱۶).

برای پاسخ به پرسش اول توجه به دو محور ضروری است: نخست مفهوم حریم خصوصی افراد و دوم شیوه‌های رسانه‌ای ورود به این حریم. البته تشخیص این امر در جای خود دشواری‌هایی خواهد داشت زیرا در تعریف حریم خصوصی عنصر فرهنگ درج شده است بدین معنا که ممکن است مصداق واحدی بنا به موقعیت و جایگاه اجتماعی فرد یا سایر عناصر فرهنگی، در یک فرهنگ، متعلق به گستره عمومی و در فرهنگ دیگر، جزء حریم خصوصی محسوب می‌شود.

به نظر نگارنده می‌توان در موارد شک‌برانگیز در اکثر موارد، این اماره را تعیین کرد که «آنچه در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و قبلاً به طور علنی و عمومی منتشر نشده است جزء حریم خصوصی او محسوب می‌شود.»

اما معنای پرسش دوم این است که ورود به حریم خصوصی افراد در مواردی قابل توجیه و دفاع است و تلاش ما در این قسمت، مطالعه و ارزیابی این دفاعیات و توجیحات است که پاسخ پرسش دوم را در بر دارد:

این موارد فهرست‌وار به این شرح است:

- ۱- اطلاعات موجود در پرونده‌های عمومی باشد.
- ۲- در بردارنده منفعت عمومی باشد.
- ۳- اخبار قابلیت انتشار داشته باشد.
- ۴- ارزش خبری داشته باشد.
- ۵- رضایت فرد ذی‌نفع را به دنبال داشته باشد.
- ۶- موقعیت اجتماعی فرد چنین اقتضایی داشته باشد.

مطالعه تطبیقی

مطالعه حق حریم خصوصی در هر نظام حقوقی دو پرسش اساسی به دنبال دارد نخست این که آیا این نظام چنین حقی را به رسمیت شناخته است، یا نه تنها در نظام حقوقی به رسمیت شناخته نشده، بلکه هنوز در لایه‌های عمیق تربیتی، فرهنگی، اخلاقی و تمدنی نیز که در نهایت در نظام حقوقی متجلی می‌شوند به عنوان ارزش یا هنجار مورد احترام به آن نگاه نشده است؟

دوم این که در صورت به رسمیت شناختن این حق چه تضمین‌ها و چه راه‌هایی برای حمایت از آن در نظام حقوقی و یا نظام حقوق حرفه‌ای تعبیه شده است؟ پایه پرسش دوم طیف وسیعی از قوانین و مقررات و نیز سامانه‌های حقوقی را در بر می‌گیرد:

- ۱- تضمین‌های حقوقی مدنی مسئولیت قراردادی، مسئولیت خارج از قرارداد و شیوه‌های مدنی رسیدگی به دعاوی و جبران خسارت زیان‌دیدگان
- ۲- تضمین‌های حقوق کیفری با آیین دادرسی خاص آن برای مجازات‌تفرض‌کنندگان حریم خصوصی
- ۳- کدها و دستورالعمل‌های اخلاقی حرفه‌ای در جهت نظارت بر رعایت و احترام و نیز حمایت از طریق تذکر شفاهی یا کتبی، توبیخ یا سلب موقت و دائمی صلاحیت در فرانسه ایده «زندگی خصوصی» که نباید به وسیله بیگانه به آن تعرض شود سابقه طولانی دارد، شاید از زمانی که ایده «زندگی اجتماعی» به وجود آمده است، اما حق حریم خصوصی اخیراً مورد توجه قرار گرفته است، به علاوه این مفهوم در طول زمان و به آرامی با جذر و مدهای بسیار در شکل قانونی و قضایی امروز فرانسه قوام یافته است.

اگر تنها دوره پس از انقلاب فرانسه را در نظر بگیریم، قانون اساسی ۲۲ اوت سال ۱۷۹۵ اعلام کرده است: «خانه هر شهروند پناهگاه غیرقابل نفوذ است». در حقوق فرانسه چهره‌های دیگر این حق از طریق سایر حقوق و یا از طریق ضمانت اجرای مرتبط با حریم خصوصی پوشش داده شده است از جمله حقوق مالکیت، حق حمایت

از محل سکونت شخص، آزادی وجدان و حقوق شخصیت از جمله حق افراد نسبت به نام، شرف، حیثیت و امروز حق حریم خصوصی و حق شخص نسبت به تصویر خود و وظیفه محرمانه داشتن اسرار به خصوص اسرار حرفه‌ای یا محدودیت‌های زیادی که برای فعالیت پلیس و یا مطبوعات در نظر گرفته شده است.

قانون مدنی آلمان از عبارت شخصیت نام نمی‌برد و حق کلی شخصیت را به رسمیت نمی‌شناسد. فقط به نام شخص اشاره می‌کند، یعنی چنانچه حق شخصی استفاده از نام به وسیله دیگری تضییع شود ماده ۱۲ قانون مدنی آلمان (BGB) وی را محقق می‌سازد که درخواست رد اثر کند و در صورت تکرار می‌تواند از دادگاه درخواست توقیف وی را بخواهد. در ضمن قواعدی در زمینه شبیه‌سازی در قانون خلاقیت‌های هنری وجود دارد که هفت سال پس از تصویب مواد ۵۰ - ۲۲ قانون مدنی تصویب شد، به طور کلی شخصی که مایل به حفظ حقوق مربوط به شخصیت خود باشد باید به قواعد مسئولیت مدنی (قهری) متوسل شود. در این زمینه بند اول ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان اشعار می‌دارد:

«هر کس به عمد یا غیرعمد به زندگی، جسم، سلامتی، آزادی، حقوق مالکانه و یا هر حق دیگر به نحو غیرقانونی لطمه وارد کند مسئول جبران آن است.» علمای حقوق آلمان معتقدند عبارت «هر حق دیگر» باید به نحو مضیق تفسیر شده و فقط شامل حقوق مطلق باشد. یعنی حقوقی که از شخص در برابر آزار و صدمات محرز حمایت کلی کرده است.

در ایتالیا مفهوم حریم خصوصی تحت اشکال گوناگون وارد نظام حقوقی شده است و دو عنصر مهم نقش اساسی در این زمینه ایفا کردند که عبارتند از دکترین حقوقی و شرح آکادمیک آرای قضایی. حریم خصوصی مفهومی است که از حقوق کامن‌لا وارد نظام حقوقی ایتالیا شده و از آن پس معنای حقوقی آن توسعه یافته است. این توسعه در سه گام مختلف طی شده است. در خلال گام اول پایه‌های آن در اصل هشتم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محکم شد. در گام دوم ماده ۱۰ قانون مدنی ایتالیا حقوق شخصی نسبت به مالکیت تصویر را به رسمیت شناخت یعنی حق ممانعت استفاده از تصاویر

اشخاص و فامیل به طریقی که به کرامت یا حیثیت شخص یا فامیل لطمه بزند و در گام سوم اصل دوم قانون اساسی ایتالیا اشخاص را به عنوان یک فرد یا گروه اجتماعی در نظر گرفت.

در حقوق ایران نمی‌توان شفافیت و یکدستی کاملی از حق حریم خصوصی به دست داد. بنابراین دو قطب اصلی حریم خصوصی در قوانین ایران به چشم می‌خورد: آزادی فردی در حقوق عمومی و تمامیت شخصی در حقوق خصوصی. در جلد دوم قانون مدنی راجع به اشخاص، بخش‌های متعددی از جنبه‌های بیرونی حریم خصوصی مورد بحث قرار گرفته است. در قانون اساسی ایران اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۲، ۳۳ و ۳۹ به نوعی در جهت تمامیت شخص وضع شده و برخی از این اصول با دقت بیشتری از حریم خصوصی افراد حمایت خواهد کرد.

فصل دهم قانون مجازات اسلامی راجع به تقصیرات مقامات و مأموران دولتی موضوع مواد ۵۷۰ الی ۵۸۷ وضع شده، که اصولاً نه برای حمایت از حریم خصوصی اشخاص بلکه برای حمایت از «تحرک فیزیکی» و یا کلی‌تر از آن برای «آزادی فردی» برقرار شده است. در قانون جزای ایران حمایت‌ها برای اموال و اشخاص و تا حدی حیثیت آنان برقرار شده است اما به طور مستقیم نقض حریم خصوصی را متذکر نشده مانند فصل بیست و هفتم قانون مجازات اسلامی در خصوص افترا و توهین و هتک حرمت موضوع مواد ۶۹۷ الی ۷۰۰ که متضمن انتشار اطلاعاتی است که صحت آنها مورد تردید باشد. تنها حمایتی که بخشی از محدوده حریم خصوصی را محترم شمرده ماده ۶۹۴ از فصل بیست و ششم قانون مجازات اسلامی راجع به هتک حرمت منازل و املاک موضوع مواد ۶۹۰ الی ۶۹۶ است.

به این ترتیب حق حریم خصوصی را باید اخص از حقوق فردی پنداشت و نباید با سایر حقوقی که فرد در حیطه اجتماع، فرهنگ، سیاست و غیره دارد یکی پنداشت گرچه در عمل تفکیک منجز و قطعی با برخی از آنها نمی‌توان ایجاد کرد.

به همین دلیل سه نظام حقوقی بیش از پیش به تمییز و تفکیک این رشته از سایر رشته‌های حقوقی اهمیت می‌دهند و در اغلب موارد قوانین سخت و دقیقی در این عرصه تصویب کرده‌اند.

به این ترتیب مصداق‌های قدیمی‌تر حریم خصوصی در قانون اساسی و قوانین عادی ایران حمایت شده و به نظر می‌رسد محمل‌های اصلی این حق در قوانین داخلی باشد. با این وصف تا زمانی که قانونگذار نظام قضایی از طریق رویه قضایی حد و حدود و نیز ضمانت اجراهای آن را معین و مشخص نکند پیشرفت حقوقی در این زمینه متصور نخواهد بود.

در مجموع، در خصوص تضمین‌های مدنی حق حریم خصوصی در مقابل رسانه‌ها، نکات زیر شایان توجه است:

الف) در تطبیق نظام حقوقی ایران و انگلیس ملاحظه می‌کنیم که در حقوق انگلیس نقض حریم خصوصی نوعی نقض تعهد است. این تعهدگاه به صورت صریح در یک قرارداد تجاری یا غیرتجاری مندرج است.^۳

گاهی نیز تکلیفی ضمنی در جهت اسرار و حریم خصوصی برای همگان وجود دارد و به اصطلاح محرمانه بودن جزء ذات اطلاعات است. در هر حال نقض حریم خصوصی نوعی خطای مدنی محسوب می‌شود. در نتیجه رسانه‌های همگانی صرفاً به دلیل ایراد صدمه به حریم خصوصی دیگران مسئولیت مدنی ندارند. به همین دلیل پیشنهادهای اصلاحی بسیاری تأسیس قانونی یک تخلف جدید را توصیه کرده‌اند که عبارت است از نقض حریم خصوصی، که از نظریه خطر تبعیت می‌کند.

ماده اول قانون مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران نیز براساس نظر خطای مدنی تنظیم شده است، چنان که تصریح می‌کند: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی ... لطمه‌ای وارد نماید ...» از این رو در نظام حقوقی ایران نیز صرفاً به دلیل ایراد صدمه به حریم خصوصی دیگران نمی‌توان رسانه‌های گروهی را مسئول دانست بلکه باید عنصر خطا یا عمد را در اقدامات رسانه‌ای آنها احراز کرد.

از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به پیدایش و توسعه رسانه‌ها و به تعبیر دیگر، رسانه‌ای شدن زندگی بشر در قرن بیست و یکم از یک سو و جذابیت حریم خصوصی افراد برای رسانه‌ها از سوی دیگر و در نتیجه بالارفتن خطر نقض حریم خصوصی افراد در عصر ارتباطات معنای خطر (risk) برای نقض حریم خصوصی در نظر گرفته شود. به تعبیر ساده‌تر، همان‌گونه که ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت کارفرمایان مشمول قانون کار و یا ماده اول قانون دارندگان وسایل نقلیه موتوری ایشان را مسئول جبران خساراتی می‌داند که بر دیگران وارد شده است در این موضوع نیز از نظریه خطر پیروی شود.

ب) همچنین در تطبیق نظام حقوقی ایران و فرانسه ملاحظه می‌کنیم که در نظام حقوقی ایران مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، فردی که به حقوق قانونی دیگری لطمه وارد کرده مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است اما این عبارت به دلیل فقدان دکترین یا رویه قضایی در خصوص اقدامات رسانه‌ها کلی و مبهم به نظر می‌رسد در حالی که مطابق ماده ۹ قانون مدنی فرانسه تضمین‌های مشخصی به ترتیب زیر پیش‌بینی شده است:

۱- اقدامات ویژه برای محدود کردن پخش تعرض

۲- درج تصمیم دادگاه در همان رسانه

۳- مطالبه ضرر و زیان

بنابراین لازم است به دلیل حساسیت موضوع، با همین دقت تضمین‌های مدنی برای حریم خصوصی افراد در مقابل رسانه‌ها در قوانین پیش‌بینی شود و یا لاقلاً رویه قضایی و دکترین در این خصوص توسعه یابد و چنین ملاحظاتی را صورت دهد. ج) همان‌گونه که در مورد انگلیس و فرانسه ملاحظه شد، تضمین زندگی خصوصی افراد از نظر مسئولیت مدنی در نظام‌های مختلف حقوقی به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. در اسپانیا و فرانسه به وسیله یک متن قانونی، در آلمان و ایتالیا از طریق رویه قضایی و در حقوق کشورهای انگلوساکسون تنها برخی لطمات و صدمات به زندگی خصوصی طرد می‌شود. در کشور ما نیز با توجه به قرابت و مشابهت‌هایی که نظام

حقوقی و قضایی ایران با نظام حقوقی و قضایی فرانسه دارد، اولویت آن است که این حمایت مدنی از طریق یک متن قانونی صورت گیرد.

از نظر مسئولیت کیفری نکات زیر قابل ملاحظه است:

الف) در حقوق انگلستان، نقض حریم خصوصی اولاً تنها در برخی موارد طرد می‌شود و ثانیاً نوعی نقض تعهد به شمار می‌رود. اما در عین حال در مورد افترا، چنانچه موجب صدمه بسیار شدید به اعتبار شخص گردد، جرم کیفری محسوب می‌شود. از سوی دیگر، قانون «حمایت در مقابل اذیت و آزار» جرم کیفری جدیدی را تأسیس کرده است که مرتکب را به جریمه نقدی یا حبس تا ۶ ماه محکوم می‌کند. در مجموع می‌توان گفت در کشورهای انگلوساکسون، در قانون جزا کمتر از حریم خصوصی حمایت شده است.

ب) اما از آنجا که از یک سو، حمایت کیفری از زندگی خصوصی در کشورهای اروپای بسیار توسعه یافته و به عنوان نمونه در کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا قانون جزا به صراحت جرایم علیه زندگی خصوصی را تعریف کرده است و از سوی دیگر، به دلیل وجود قرابت و مشابهت میان نظام حقوق کیفری و قضایی ایران با نظام رومی - ژرمنی به ویژه نظام حقوقی فرانسه و با توجه به ضرورت توسعه قضایی در زمینه حمایت کیفری از حریم خصوصی، به نظر می‌رسد شیوه قانونگذاری فرانسه در مواد ۱ - ۲۲۶ و ۲ - ۲۲۶^۴، نمونه عملی مناسبی در کشور ما برای تحول قانونگذاری در این خصوص است.

در خصوص شیوه خودتنظیمی حقوق انگلستان موفق به تنظیم نوعی «نظام خودسامانی» در زمینه مطبوعات شده است (system of voluntary press self - regulation). در این کشور ابتدا شورای مطبوعات (Press council) در سال ۱۹۵۳ م، با هدف خروج قواعد حاکم بر مطبوعات از انحصار قوانین موضوع و با حضور منتخبان نمایندگان مطبوعات تشکیل شد. در سال ۱۹۹۱، «کمیسیون شکایت از مطبوعات» (press complaints) جایگزین شورای مطبوعات شد. این کمیسیون در بدو تشکیل، به منظور رفع ابهام از تخلفات مطبوعاتی و تدوین اصول اساسی اخلاق حرفه‌ای

روزنامه‌نگاری با استفاده از «مقررات رفتاری اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران» مقررات عملی کمیسیون شکایت از مطبوعات (Press complaint commission code of practice) را تصویب کرد و رسیدگی به عدول از آن را به عهده کمیسیون شکایت از مطبوعات نهاد، این مقررات حاوی اصول هجده‌گانه‌ای است که برخی توصیه‌های اخلاقی و حرفه‌ای به مطبوعات را در بر دارد و تاحدودی خلأ ناشی از تخلفات مطبوعاتی را که عنوان مجرمانه ندارند و خطای مدنی نیز نیستند اما به دلیل لطمه به حقوق اشخاص یا مخالفت با اخلاق عمومی قابل سرزنش‌اند برطرف می‌سازد، برای مثال تعرض به حریم خصوصی افراد در انگلستان از سوی مطبوعات عنوان مجرمانه ندارد در حالی که مطابق بند ۱۱ مقررات یاد شده این اعمال منع شده است.

در بند ۴ آمده است: «احترام به زندگی خصوصی افراد، ایجاد مزاحمت یا تفحص در زندگی خصوصی افراد بدون رضایت آنان از جمله با استفاده از دوربین و به صورت گرفتن عکس یا فیلمبرداری از اشخاص یا حریم خصوصی آنان بدون کسب اجازه و رضایت آنان تنها زمانی موجه است که برای منافع عمومی ضروری باشد.» در زمینه رسانه‌های شنیداری - دیداری نیز در حقوق انگلستان کمیسیون موازین پخش (Broadcasting standards) commission; BSC) به طور خاص هر تعرض ناروا به حریم خصوصی را که از سوی یک شبکه رادیویی یا تلویزیونی انجام شود بررسی می‌کند، مقررات رفتاری این کمیسیون از اوایل ژانویه ۱۹۹۸ قابل اجراست، در صورتی که شاکی از طریق قانونی بتواند به دادگاه مراجعه کند، شکایت در کمیسیون پذیرفته نیست.

در فرانسه در زمینه نظام خودتنظیمی، شورای عالی دیداری - شنیداری (Conseil Supérieur de L'Audio, visuel, CSA) به ترتیب پس از مرجع عالی ارتباطات سمعی بصری (۲۹ ژانویه ۱۹۸۲) و کمیسیون ملی ارتباطات و آزادی‌ها (۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶) سومین مرجع وضع مقررات ارتباطی در فرانسه است.

این شورا به موجب قانون مورخ اول فوریه ۱۹۹۴ به دنبال درخواستی که در گزارش شرح فعالیت‌ها برای سال ۱۹۹۳ داده بود دامنه صلاحیتش را افزایش داد چنان

که توانست از قدرت مجازات اداری مؤسسات ملی برنامه‌ای تلویزیون‌ها و رادیوهای دولتی برخوردار شود.

در حال حاضر این شورا دارای صلاحیت‌های متعددی است که عبارتند از: صلاحیت انتصاب، صلاحیت مشاوره‌ای، صلاحیت نسبی هماهنگ‌کنندگی در زمان مبارزات انتخاباتی پارلمان و انتخابات ریاست جمهوری، صلاحیت صدور مجوز، صلاحیت وضع مقررات و صلاحیت اعمال مجازات. این شورا به دلیل داشتن قدرت واقعی اعمال مجازات‌های اداری با دیگر همانندهای اروپایی خود تفاوت دارد. مجازات‌های شورا عبارتند از: تعلیق مجوز (تنها برای شبکه‌های خصوصی) یا جلوگیری از پخش قسمتی از برنامه (برای تمام شبکه‌ها)، مجازات نقدی، کاهش مدت مجوز، دستور لغو مجوز و دستور پخش اعلامیه در میان برنامه‌های شبکه خاطی البته نقض حریم خصوصی چنان که در مواد ۱ - ۲۲۶ و ۲ - ۲۲۶ آمده است، از جمله موارد اداری محسوب نمی‌شود. بنابراین در مورد مجازات‌های کیفری، شورای عالی سمعی - بصری صرفاً از صلاحیت کلی برای اعلام وقوع جرم برخوردار است بدین معنا که شورای عالی سمعی - بصری می‌تواند دادستان کل کشور را از وقوع جرایمی که باید مجازات‌های کیفری بر آنها اعمال شود مطلع کند.

در حقوق ایران در زمینه رسانه‌های نوشتاری چنین مقررات اخلاقی و حرفه‌ای وجود ندارد و در نتیجه مراجع خاص رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای نیز پیش‌بینی نشده است. بنابراین تدوین مقررات اخلاقی برای رسانه‌های نوشتاری و تأسیس مراجع صنفی برای رسیدگی به چنین تخلفاتی پیشنهاد می‌شود.

در زمینه رسانه‌های دیداری - شنیداری در ایران با تمرکز به رادیو و تلویزیون به عنوان فراگیرترین، پرمخاطب‌ترین و از نظر کیفی تأثیرگذارترین رسانه می‌توان گفت دو نوع نظارت وجود دارد. طبق اصول یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۸ اصلاح شده است نظارت برون سازمانی بر صداوسیما بر عهده شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) است.

اما نظارت درون سازمانی به سه قسم تقسیم می‌شود؛ نظارت قبل از تولید که بیشتر توسط مرکز طرح و برنامه‌ریزی و مرکز پژوهش‌های اسلامی و سایر ادارات طرح و برنامه و ... انجام می‌شود، نظارت در حین تولید که در رادیو وجود ندارد و در سیما بر عهده اداره کل نظارت و ارزیابی است و نظارت پس از تولید از سوی مرکز نظارت و ارزیابی صورت می‌گیرد. در نهایت رسیدگی به تخلفات آشکار سیما، صدا و مراکز استان‌ها را «هیأت بررسی برنامه‌های سیما، صدا و مراکز استان‌ها» انجام می‌دهد. بررسی‌های این هیأت‌ها خالی از ضمانت اجرا نیستند که شامل تشویق و تنبیه است. اما متأسفانه در استانداردهای بخش نظارت که در خردادماه ۱۳۸۱ منتشر شده هیچ اشاره‌ای به موضوع حریم خصوصی نشده است. همچنین در قانون موسوم به «خط مشی سازمان» مصوب ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی موضوع حریم خصوصی تصریح نشده و ضمانت اجرایی برای نقش آن پیش‌بینی نشده است. به این منظور با استفاده از دستاوردهای پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه و لایحه پیشنهادی کمیسیون لوایح دولت با عنوان «لایحه حریم خصوصی» و نیز دستورالعمل برنامه‌سازی در رادیو و تلویزیون «بی‌بی‌سی»، دستورالعمل برنامه‌سازی در رادیو و تلویزیون هنگ‌کنگ، قانون تلویزیون‌های خصوصی در انگلستان، مجموعه قواعد پیشنهادی حاکم بر مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی و نیز مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی فرانسه، انگلیس و امریکا در این خصوص دستورالعمل صنفی یا حرفه‌ای زیر به منظور حمایت از حریم خصوصی افراد در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود.

دستورالعمل پیشنهادی حمایت از حق حریم خصوصی افراد در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

بند ۱ - حریم خصوصی افراد عبارت است از آن دسته از ارتباطات، اطلاعات، فضاها و متعلقاتی که از نظر فطری یا فرهنگی، در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و پیش از این به طور علنی و عمومی منتشر نشده است.

بند ۲ - مصادیق بارز حریم خصوصی افراد عبارتند از: نام و سایر مشخصات شناسنامه‌ای، تصویر فرد، نشانی اعم از محل سکونت یا نشانی الکترونیکی، وضعیت سلامتی (جسمی، روحی و روانی)، سطح تحصیلات، وابستگی صنفی و مذهبی، عقاید و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، اوقات فراغت و چگونگی گذران آن، منابع و شیوه تأمین نیازهای مالی و معیشتی، روابط خانوادگی، موقعیت خانوادگی، روابط دوستانه، زندگی عاطفی - احساسی، شیوه ادامه تحصیلات فرزندان، گذشته افراد، اعضای بدن، برخی نواحی و اندام جنسی، شغل، تمایلات و آرزوها، منزل و مأوا، مکاتبات و مراودات مخابراتی و پستی، نظیر نامه‌ها، مکالمات تلفنی و محمولات پستی.

بند ۳ - حقوق فرد نسبت به حریم خصوصی خود عبارت است از: حق دور از دسترس بودن یا نظارت ناپذیر بودن حریم خصوصی. به این صورت که هرگونه آگاهی یافتن دیگران از آن، منوط به رضایت خود فرد باشد و نیز جنبه دیگر این حق تصمیم‌گیری مستقل درباره زندگی خصوصی، به این صورت که تصمیم‌گیری در این باره با دارنده حریم باشد.

بند ۴ - مقامات رسمی یا عمومی اشخاصی هستند که از چنان وظایف و اختیارات مهمی برخوردارند که:

- ۱- در حل و فصل مسائل عمومی نقش مهمی بازی می‌کنند.
 - ۲- اعمال این اشخاص به طور مستقیم با منافع عمومی در ارتباط است.
 - ۳- نقش بسیار مهمی در کنترل حوادث مملکتی دارند.
- رهبر، رؤسا قوای سه گانه و وزرا از جمله این اشخاص به شمار می‌روند.
- بند ۵ - چهره‌ها یا شخصیت‌های عمومی اشخاصی هستند که به دلیل توان علمی، فنی، هنری و ... در میان عموم از مقبولیت یا موقعیت خاصی برخوردارند؛ نظیر دانشمندان، متخصصان رشته‌های مختلف علمی و صاحب‌نظران در مسائل حقوقی یا سیاسی یا اجتماعی.

- بند ۶ - تجاوز به حریم خصوصی افراد در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ممنوع است، مگر به تجویز قانون یا اعلام رضایت کتبی ذی نفع یا کسی که به طور قانونی صلاحیت اعلام رضایت در این خصوص را دارد.
- بند ۷ - هر گونه تجاوز عوامل صداوسیما به حریم خصوصی عینی و خلوت افراد ممنوع است.
- بند ۸ - مصاحبه بدون هماهنگی یا مراجعه بی خبر به منازل باید هنگامی انجام شود که اولاً کار پژوهش مربوط به موضوع با اهمیتی است که مصلحت عموم یا حاجت مردم در گرو آن است. ثانیاً فرد مورد نظر به درخواست‌های مکرر برای مصاحبه پاسخ نداده باشد یا بدون دلیل موجه از این کار امتناع کرده باشد. یا سابقه امتناع یا پاسخ ندادن به درخواست مصاحبه داشته باشد. به این ترتیب مراجعه بی خبر به منازل نباید صرفاً برای هیجان‌انگیز یا نمایشی کردن یک گزارش واقعی صورت گیرد.
- بند ۹ - هنگام تماس تلفنی افراد با برنامه‌های تلویزیونی یا رادیویی و یا تماس تلفنی افراد با روابط عمومی سازمان صداوسیما باید قبل از انجام مکالمه برای ضبط، آرشیو یا پخش مکالمات از تماس گیرنده اجازه گرفته شود و در ضمن مصاحبه‌کننده باید هدف کلی برنامه‌ها را از ضبط یا آرشیو یا پخش مکالمات تلفنی توضیح داده باشد.
- بند ۱۰ - فیلمبرداری یا تصویربرداری از مشترکات عمومی اماکن تحت تصرف اشخاص حقوقی حقوق عمومی آزاد است، فیلمبرداری یا عکسبرداری از درون اماکن یا نهادهای مذکور باید با اطلاع قبلی مقامات ذی صلاح انجام گیرد.
- بند ۱۱ - فیلمبرداری یا تصویربرداری از اماکن عمومی دارای حساسیت خاص، نظیر مراکز نظامی و امنیتی تابع قوانین و مقررات خاص آنهاست.
- بند ۱۲ - به هنگام فیلمبرداری یا تصویربرداری در ادارات و مؤسسات و سازمان‌هایی که قبلاً از مسئولان ذی صلاح اجازه لازم اخذ شده است، اخذ رضایت کارمندان و افرادی که در آنجا تردد می‌کنند و به نحو اتفاقی و جزئی در معرض فیلمبرداری قرار می‌گیرند، ضروری نیست، مگر آن که مکان مذکور در زمره مکان‌های

عرفاً حساس نظیر بیمارستان‌ها، زندان‌ها، کلانتری‌ها و تیمارستان‌ها باشد که در این صورت کسب رضایت افراد مذکور یا اولیا و سرپرستان قانونی آنان لازم است. بند ۱۳ - پخش رادیویی و تلویزیونی موضوعات مربوط به حریم خصوصی افراد در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ممنوع است.

بند ۱۴ - برنامه‌هایی که قصد دارند به بررسی وقایع گذشته مربوط به حوادث تاریخی یا حوادثی که منجر به صدمه به افراد شده است بپردازند، باید به راه‌هایی برای به حداقل رساندن ناراحتی احتمالی بازماندگان و بستگان قربانیان در نتیجه بازگویی آن ماجرا بیندیشند.

در برنامه‌هایی که در این زمینه تهیه می‌شود و قربانیان بازمانده یا بستگان کشته‌شدگان در برنامه حاضر می‌شوند، باید از محتوای برنامه و طرح‌های آن مطلع شوند.

بند ۱۵ - در زمان داغدیدگی یا اندوه شدید، باید حریم زندگی خصوصی افراد رعایت شود برای مثال نباید تصاویر درشت از چهره افراد سوگوار گرفته شود، به کسانی که دچار ناراحتی شدید هستند نباید برخلاف میلشان، برای مصاحبه اصرار کرد. بند ۱۶ - برنامه‌های مربوط به تشییع جنازه باید فقط با اجازه خانواده متوفی تهیه شود، مگر در مواردی نظیر شخصیت‌های اجتماعی.

بند ۱۷ - تصاویر آرشیوی افراد ناراحت و سوگوار قابل شناسایی نیز نباید پخش شود.

بند ۱۸ - ضبط پنهانی صدا و تصویر افراد در ملک شخصی و پخش آن ممنوع است.

بند ۱۹ - پخش تصاویر و صداهایی که در اماکن عمومی به طور پنهانی از افراد قابل شناسایی ضبط و فیلمبرداری شده است، تنها با رضایت کتبی خود افراد توجیه می‌شود. در صورت نارضایتی، پخش مطالب مذکور ممنوع است.

بند ۲۰ - چنانچه از حوادثی که در اماکن عمومی رخ می‌دهد فیلمبرداری یا تصویربرداری به عمل آید، صداوسیما در صورتی می‌تواند بدون رضایت افرادی که از آنها فیلمبرداری یا تصویربرداری شده است، تصاویر یا اعمال و گفتار آنان را پخش کند

که به طور متعارف اطمینان حاصل کند آن موارد کاملاً خارج از حریم خصوصی قرار دارد.

بند ۲۱ - فیلمبرداری یا تصویربرداری از افرادی که در یک جمع یا اجتماع خصوصی حضور دارند، بدون رضایت آنان ممنوع است. صداوسیما می‌تواند از افرادی که در یک جمع یا اجتماع عمومی شرکت دارند بدون رضایت قبلی فیلمبرداری کند، مگر در هر یک از شرایط زیر:

الف - فرد خاصی به صراحت مخالفت خود را با این عمل اعلام کرده باشد یا حضورش در جمع یا اجتماع به گونه‌ای باشد که انتظار متعارف دارد تصویر وی در آن جمع یا اجتماع بدون رضایتش منتشر یا پخش نشود.

ب - هویت صاحب تصویر با ذکر نام یا مشخصات او بیان شده باشد یا حضور وی در آن تصویر به نحوی برجسته شده باشد که وی را به عمد به دیگران معرفی کند.

پ - صداوسیما به قصد بهره‌برداری از نام یا شهرت صاحب تصویر آن را منتشر یا پخش کند.

بند ۲۲ - پخش نام، تصویر و سایر جزئیات زندگی نظیر شغل، سمت، محل سکونت و ... اشخاصی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، در رسانه‌های همگانی ممنوع است؛ مگر با اجازه خود آنان یا نماینده یا قائم‌مقام آن.

بند ۲۳ - هویت، تصویر، محل سکونت و محل کار کودکان و زنانی که قربانی سوء یا جرایم جنسی شده‌اند نباید در رسانه صداوسیما منتشر یا پخش شود.

بند ۲۴ - افشای هویت منابعی که با شرایط «عدم افشای نام» خود حاضر شده‌اند اطلاعاتی را در اختیار رسانه‌ها قرار دهند، بدون رضایت صریح آنان ممنوع است.

بند ۲۵ - ورود عوامل صداوسیما به جلساتی که به صورت غیرعلنی تشکیل می‌شود و نیز انتشار اخبار این قبیل جلسات بدون رضایت مسئول جلسه ممنوع است.

بند ۲۶ - فیلمبرداری یا تصویربرداری از افراد کمتر از ۱۸ سال و مجانین و انتشار یا پخش آن بدون اجازه ولی یا قیم آنان ممنوع است.

- بند ۲۷ - نمایش شخص در حال نامناسب یا غیرواقعی در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ممنوع است.
- بند ۲۸ - بازنمایی و داستان‌پردازی از شخص برای جذاب‌تر شدن ماجرا به نحو آراسته‌تر و زیباتر از واقع ممنوع است.
- بند ۲۹ - تغییر شکل امور به صورت خیالی، یعنی به نحوی که وضعیت و شرایط واقعی است اما راوی رفتارها و احساساتی را به اشخاص نسبت می‌دهد که دارای آن نیستند، ممنوع است.
- بند ۳۰ - پخش اطلاعات افراد خارج از زمینه و بستر مربوط ممنوع است. برای مثال استفاده از تصاویر کودکی که قربانی یک تصادف شده برای مصور کردن گزارشی دربارهٔ سوء رفتار با کودکان.
- بند ۳۱ - استفاده از نام، تصویر و صدای افراد در صداوسیما برای مقاصد تبلیغاتی یا خرید و فروش هر نوع کالا و خدمات و یا به هر طرق دیگر به قصد کسب سود، بدون رضایت و با اجتماع شرایط زیر ممنوع است:
- ۱- در جریان استفاده از نام یا شباهت تصویری و صوتی آن فرد، وی برای مخاطبان رسانه شناخته شده یا قابل شناسایی باشد.
 - ۲- نام او به گونه‌ای ضمیمه کالا یا خدمات شده باشد که وی را برای کل جامعه یا اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، قابل شناسایی سازد.

منابع

- آلمن، ایروین، محیط و رفتار اجتماعی: فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲
- ا. دی، لوئیس، اخلاق در ارتباطات رسانه‌ای (رسانه‌ها و حریم خصوصی، تعادلی ظریف)، ترجمه مهدی فرهنگ، اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما، تابستان ۱۳۸۳

- امام خمینی (رض)، سید روح‌ا... موسوی؛ صحیفه امام (مجموعه آثار)، ج ۱۷، صص ۱۴۳ - ۱۳۹
- انصاری، باقر و ...، مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱
- بروجردی، دکتر مهدخت، حریم خصوصی در عصر ارتباطات، پایگاه اطلاع رسانی پژوهش‌های ارتباطات، اسفند ۸۲ (<http://Iranwsis.org/Default.ASP>)
- خندان، علی‌اصغر، مناطق کاربردی، تهران، سمت - طه، ۱۳۷۹
- شهری (شهری باف)، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۶، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا، چاپ سوم، ۱۳۷۸
- شیخ‌الاسلامی، دکتر عباس، جرایم مطبوعاتی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۰
- کدیور، محسن، پیش درآمدی بر بحث «عمومی و خصوصی» در فرهنگ اسلامی؛ (www.Kadivar.com)
- کری، پیتز، حقوق رسانه‌ها، ترجمه فرشته جعفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، بهار ۸۲
- محسنیان، سیدعلی، مسئله ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی افراد، تهران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما، ۱۳۸۳
- مولانا، دکتر حمید، الگوی مطبوعات و رسانه‌های اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲
- هوسمن، کارل، حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها، ترجمه داوود حیدری، رسانه، سال هفتم، ش ۳، ص ۴۳
- Derieux, Emmanuel, *Droit de la communication*, 3 edition, Paris L.G.D.J. 1999
- Vitalis, Andre; L` *Exposition de la vie privee dans les medias*, premier colleque franco - mexico du 8 au 10 Avril 2002.
- "La protection de la vie privee face aux medias", www.sena.fr .

– حمایت از داده (حمایت قانونی از حریم خصوصی اشخاص در فضای سایبر)،
دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور، www.shci.ir/۱۳۸۱

پی‌نوشت‌ها

۱- «حریم خصوصی» یا «[حق] خلوت» ترجمه‌ای از *privacy* در زبان انگلیسی و *La vie privée* در زبان فرانسه است که ما بنا به موقعیت از این دو به معنای واحد استفاده می‌کنیم. در نوشته‌های فارسی این واژه به «حق فردی»، «حق ویژه فردی»، «حق شخصی» و «زندگی خصوصی» ترجمه شده که به جز مورد آخر اصلاً دقیق نیست زیرا اشاره مشخص به نوع حق ندارد، در ضمن حقوق فردی اعم از *Privacy* است.

این مفهوم تأکیدی است بر بخشی از حقوق فردی که فقط مربوط به «خلوتگاه» فرد می‌شود، واژه «حریم خصوصی» به دو دلیل ترجیح دارد. نخست از نظر شکل کاملاً متمایز از حقوق فردی مانند آزادی‌های اجتماعی، سیاسی، مالی و غیره است و دوم سعی می‌کند حرمت این حق را اثبات کند.

۲- در این خصوص نگاه کنید: آیات ۲۸ تا ۳۰ سوره مبارکه نور، آیه ۲۰ همین سوره، آیه ۱۴ سوره احزاب، آیه ۱۳ سوره حجرات و آیه ۱۸۹ سوره مبارکه بقره

همچنین نگاه کنید اصول کافی، کتاب ایمان و کفر، باب «من طلب عثرات المؤمنین و عوراتهم» نیز باب «الروایه علی المؤمن»

۳- رجوع کنید به پرونده دعوای پرنسس گال علیه کلوپ ژیمناستیک در منبع زیر:

“La protection de la vie privée face aux medias”, www.sena.fr .

۴- قانون جزای فرانسه که در سال ۱۹۹۴ به اجرا درآمد، در ماده ۱- ۲۲۶ جنحه تعرض به حریم خصوصی را که می‌تواند به دو شکل باشد مشخص کرده است:

– تصاحب مزورانه (از راه حیله)، ضبط یا انتقال گفته‌های خصوصی یا محرمانه بدون رضایت گوینده، خواه این سخنان در مکان عمومی بیان شده باشد یا خصوصی

– ثبت، ضبط یا انتقال تصویر شخصی که در یک مکان خصوصی بوده است، بدون اجازه وی. این ماده تصریح می‌کند چنانچه ضبط گفتارها، ثبت تصاویر، انتقال یا ضبط آنها با اطلاع کامل ذی‌نفع بوده و با وجود امکان مخالفت، با این اقدامات مخالفتی نکرده است، این امر به منزله رضایت اوست.

- نگهداری، افشا و استفاده از سخنان یا تصاویر به دست آمده در دو حالت منع شده در ماده ۱ - ۲۲۶ براساس ماده ۲ - ۲۲۶ مجازات می‌گردد.
- چنانچه جرم پیش‌بینی شده در ماده ۲ - ۲۲۶ از سوی رسانه‌های نوشتاری یا شنیداری - دیداری صورت گرفته باشد به تفکیک زیر عمل می‌شود.
- در مورد رسانه‌های نوشتاری، شخص مسئول به ترتیب مندرج در ماده ۴۲ قانون ۲۹ ژوئیه سال ۱۸۸۱ درباره آزادی مطبوعات تعیین می‌شود.
- در مورد رسانه‌های شنیداری - دیداری، شخص مسئول به ترتیب مندرج در ماده ۳ - ۹۳ قانون ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۸۱ مربوط به ارتباطات شنیداری - دیداری تعیین می‌شود.
- هر یک از دو ماده مذکور مسئولیت کیفری را به صورت سلسله مراتبی پیش‌بینی کرده‌اند. مسئول اصلی مدیر انتشار روزنامه یا اداره ارتباطات شنیداری - دیداری است. در مورد رسانه‌های شنیداری - دیداری مدیر تنها وقتی به عنوان فاعل اصلی مسئول است که پیام مجرمانه قبلاً برای اطلاع عموم تولید شده باشد. بنابراین اگر برنامه به صورت مستقیم پخش شود او مسئول نیست.
- مجازات‌های قابل اعمال، بسته به این که مرتکب، شخص حقیقی باشد یا حقوقی، متفاوت است، شخص حقیقی را می‌توان به یک سال حبس و جزای نقدی معادل سیصد هزار فرانک محکوم کرد. همچنین ماده ۳۱ - ۲۲۶ قانون جزا مجازات‌های تکمیلی زیر را پیش‌بینی کرده است:
- محرومیت از [برخی] حقوق شهروندی، مدنی و خانوادگی
- ممنوعیت پنج سال به بالا از تملک یا جواز حمل سلاح
- آگهی یا پخش رای اعلام شده
- توقیف ابزار به کار رفته یا در نظر گرفته شده برای ارتکاب جرم و توقیف وسیله به کار رفته برای ضبط یا مدرکی که به طور غیرقانونی به دست آمده است و شخص حقوقی با مجازات‌های زیر روبه‌رو خواهد شد:
- جریمه نقدی معادل پنج برابر مبلغ پیش‌بینی شده برای اشخاص حقیقی، یعنی یک و نیم میلیون فرانک
- ممنوعیت از پرداختن مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی که در اجرای آن یا به مناسبت آن جرم ارتکاب یافته است، برای مدت پنج سال به بالا یا به طور دائم.
- آگهی یا پخش رأی اعلام شده

رسانه‌ها و حریم خصوصی افراد

شیوه‌های حمایت از حریم خصوصی در حقوق ایران
و
کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا،
انگلیس و امریکا

رضا معین‌آبادی*

چکیده

حق حریم خصوصی، یکی از محدودیت‌های مهم برای آزادی بیان و فعالیت رسانه‌ها محسوب می‌شود. در هر یک از کشورهای مورد مطالعه، برای تضمین این حق تدابیری اندیشیده شده است که شامل حمایت مدنی و کیفری می‌شود. البته این حمایت‌ها با توجه به ساخت حقوقی هر یک از کشورها، از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. در مجموع، تفاوت این کشورها در حمایت مدنی از حریم خصوصی، مهم‌تر و بارزتر از تفاوت آنها در حمایت کیفری است. در حقوق مدنی اسپانیا و فرانسه، حمایت از این حریم با مقررات عمومی ناشی از قانون، تضمین شده است و در آلمان و ایتالیا متون قانونی اشاره‌های پراکنده‌ای به حمایت از حریم خصوصی دارند و این حمایت اساساً از طریق رویه قضایی صورت می‌گیرد. در مقابل، در حقوق انگلیس و امریکا، تنها برخی تعرضات به حریم خصوصی منع شده است. حمایت کیفری از حریم خصوصی نیز در کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا نسبت به انگلیس و امریکا گستردگی بیشتری دارد.

* کارشناس ارشد حقوق خصوصی و پژوهشگر مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های

در حقوق ایران نیز در قوانین عادی، موادی پراکنده از جمله در قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی به این موضوع اشاره دارد و حمایت‌های مدنی و کیفری از این حریم پیش‌بینی شده است اما در صورت تصویب لایحه حریم خصوصی که به طور مشخص به این موضوع پرداخته و جوانب مختلف را در نظر گرفته است، گامی موثر در این زمینه برداشته خواهد شد.

گسترش وسایل ارتباط جمعی و ابزارهای اطلاع‌رسانی تحول بزرگی در روابط انسان‌ها پدید آورده است. تا آنجا که عصر حاضر را عصر ارتباطات نامیده‌اند. تحول در امر اطلاعات، که تحولات دیگری را نیز در امور زندگی مختلف در پی داشته علاوه بر آثار مثبت آثار منفی متعددی از خود به جا گذاشته است. در کنار گسترش و تعمیق آزادی اطلاع‌رسانی، حق حریم خصوصی افراد در معرض تجاوز قرار گرفته است. از جمله نقض‌کنندگان این حق رسانه‌ها هستند که با شیوه‌های مجاز و غیرمجاز اطلاعات شخصی را در مکان‌ها و زمان‌های مختلف گردآوری می‌کنند و در معرض اطلاع همگان قرار می‌دهند. این امر ضرورت حمایت از اطلاعات شخصی و محرمانه، اتخاذ راهکارهای مناسب و نیز مقررات‌گذاری برای حمایت از حرمت زندگی خصوصی را ایجاد می‌کند و دولت‌ها را بر آن می‌دارد که برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از رسانه‌ها به تدریج قواعد و مقرراتی را تدوین کنند. این امر چه در سطح بین‌الملل، چه در سطح منطقه‌ای و چه در حقوق داخلی کشورها ملاحظه می‌شود. در این نوشتار به برخی از این موارد به طور مختصر اشاره می‌کنیم.

در سطح بین‌الملل از جمله در مقدمه منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق به نوعی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در تعدادی توافقنامه منطقه‌ای و قاره‌ای نیز به آن توجه شده است. طبق ماده ۸ عهدنامه اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هر فرد حق دارد خواهان آن باشد که به زندگی خصوصی او و خانواده‌اش و همچنین مراسلاتش احترام گذاشته شود. در عهدنامه شورای اروپا (۱۹۸۱) نیز در خصوص حمایت از زندگی خصوصی، کشورهای اروپایی برای حمایت از اتباع خود مقرراتی وضع کرده‌اند.

طبق این عهدنامه کشورهای عضو باید برای جلوگیری از نابودی تصادفی و یا مفقود شدن اطلاعات شخصی و همچنین دسترسی و یا انتشار غیرمجاز آنها تدابیر امنیتی لازم را اتخاذ کنند. همچنین در کنوانسیون امریکایی حقوق بشر پیش‌بینی شده است به منظور حفاظت موثر از آبرو و حیثیت افراد، هر یک از ناشران، روزنامه‌ها، فیلمسازان، کمپانی‌های رادیو و تلویزیون فرد مسئولی را که فاقد امتیازات مخصوص یا مصونیت است معرفی کنند. طبق این کنوانسیون در صورت لطمه وارد شدن به هر فرد وی می‌تواند از حق پاسخگویی یا تصحیح مطالب منتشر شده استفاده کند.

در حقوق داخلی کشورها نیز با توجه به ساخت حقوقی هر کشور برای حمایت از حریم خصوصی شیوه‌هایی اتخاذ شده است. مطالعه راه‌حل‌های حقوقی در این مورد و بررسی برخی مصداق‌های آن به روشن شدن ابعاد مختلف موضوع کمک می‌کند. در اینجا به اجمال حق حریم خصوصی را در حقوق کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، انگلیس و امریکا بررسی می‌کنیم. کشورهای مورد مطالعه متعلق به دو نظام حقوقی عمده در جهان هستند یعنی حقوق رومی - ژرمنی و کامن لا. در حقوق رومی - ژرمنی قانون نقش اساسی دارد و کامن لا مبتنی بر آرای قضایی است. این دو نظام حقوقی کشورهای بسیاری را در جهان شامل می‌شوند و کشورهای بسیاری نیز از آنها متأثر بوده‌اند. کشورهای فرانسه، اسپانیا، آلمان و ایتالیا از خانواده حقوق رومی - ژرمنی و انگلیس و امریکا متعلق به کامن لا هستند. پیش از بررسی مقررات حاکم بر این کشورها اشاره‌ای گذرا به حقوق کشورمان خواهیم داشت.

در حقوق ایران، در فصل سوم قانون اساسی که مربوط به حقوق ملت است با احصاء مصداق‌هایی از حریم خصوصی به این موضوع توجه شده است. حیثیت انسان‌ها در کنار جان و مال آنان در اصل بیست و دوم مورد حمایت قرار گرفته است و در اصل بیست و پنجم نیز برخی اقدامات مانند ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی و استراق سمع بدون حکم قانونی ممنوع شده است. این دو اصل اقدامات رسانه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. در قوانین عادی نیز موادی پراکنده در متون قانونی به این موضوع اشعار دارد و حمایت‌های مدنی و کیفری از این حریم پیش‌بینی شده است. قانون مسئولیت

مدنی در مواد ۱، ۸ و ۱۰ با اشاره به حیثیت و اعتبار شخصی افراد جبران ضررهای معنوی ناشی از لطمه به این اعتبار را به نفع زیان دیدگان مقرر کرده است. طبق ماده ۸ این قانون کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبار و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. بدیهی است زیان‌های یاد شده ممکن است در نتیجه فعالیت رسانه‌ها باشد. مواد ۵۸۰، ۵۸۲، ۶۴۱ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی نیز به برخی از مسائل مربوط به حریم خصوصی اشخاص توجه کرده و ورود به منزل اشخاص را بدون اجازه و رضایت صاحب آن و مزاحمت‌های تلفنی یا تهدید دیگران را به ضررهای شرفی یا ناشی از افشای اسرار ممنوع اعلام کرده است. بند هشتم ماده ۶ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی را که حرمت شرعی دارند اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور ممنوع کرده است، طبق ماده ۳۱ این قانون انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است.

در قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صداوسیما مصوب ۱۳۶۱ یکی از اصول کلی حاکم بر برنامه‌ها ارج نهادن به حیثیت انسانی افراد و پرهیز از هتک حرمت آنان طبق ضوابط اسلامی اعلام شده است و طبق بند اول ماده ۳ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت، نظارت بر حسن انجام کلیه امور سازمان صداوسیما و تذکرات لازم در خصوص اصلاح تخلف‌ها و انحراف‌ها به عهده شورای نظارت بر صداوسیما گذاشته شده است. طبق بند ۳ همین ماده نظارت بر اجرای قوانین مربوط در سازمان صداوسیما نیز برعهده این شورا است.

خوشبختانه با درک اهمیت مسئله و لزوم وجود قانونی در این زمینه لایحه حریم خصوصی در کمیسیون لوایح دولت در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسیده است. حمایت از جسم افراد، اماکن خصوصی و منازل، حریم خلوت و تنهایی افراد، محل کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات، تبیین نحوه اجرای اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی، شفاف سازی اختیارات و مسئولیت‌های ارکان و اجزای مختلف حکومت در زمینه رعایت حریم

خصوصی و عنایت به تعهدات بین‌المللی دولت از جمله اهداف تصویب این لایحه عنوان شده است. این لایحه مشتمل بر هفت فصل است. تعاریف و کلیات، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی محل کار، حریم خصوصی اطلاعات، حریم خصوصی ارتباطات و مسئولیت‌های ناشی از نقض حریم خصوصی. فصل پنجم به حریم خصوصی اطلاعات و بند دوم این فصل از ماده ۵۷ - ۴۳ به اطلاعات شخصی در فعالیت‌های رسانه‌ای اختصاص دارد. فصل ششم نیز در مورد حریم خصوصی ارتباطات است. در این لایحه حمایت مدنی طبق قواعد مسئولیت مدنی و حمایت کیفری با لحاظ مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۷۶ «چنانچه در نتیجه نقض حریم خصوصی خسارت‌های مادی و معنوی به اشخاص وارد شده باشد زیان دیده می‌تواند طبق قوانین قواعد مسئولیت مدنی جبران کلیه خسارت‌های خود را از دادگاه صالح مطالبه نماید» و طبق ماده ۷۹ «هر کس مقررات این قانون را در زمینه جمع‌آوری، نگهداری، استفاده و افشای اطلاعات شخصی نقض کند، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». حال با این اشاره مختصر در مورد قوانین ایران به بررسی حقوق سایر کشورها می‌پردازیم.

آلمان

در آلمان آزادی بیان به عنوان یک حق در اصل ۱-۵ قانون اساسی تضمین شده است. طبق این اصل «هر کسی حق دارد آزادانه عقیده خود را به طور شفاهی، کتبی یا با تصویر بیان و پخش کند و آزادانه از منابع خبری که عموماً در دسترس هستند آگاه شود. آزادی مطبوعات و آزادی اطلاع‌رسانی از طریق رادیو و فیلم تضمین شده و سانسوری وجود ندارد» اما از آنجا که آزادی بیان می‌تواند به ضرر دیگران مورد سوءاستفاده واقع شود، اصل ۲-۵ این قانون محدودیت‌هایی را برمی‌شمرد که یکی از آنها رعایت حق حیثیت شخصی افراد است.

حمایت مدنی

قانون مدنی آلمان به صورت عمومی از حریم خصوصی حمایت نکرده و تنها در ماده ۱۲ حق نام را تضمین کرده است با وجود این مواد ۲۲ و ۲۳ قانون ۱۹۰۷ درباره حق مولف که از حق تصویر حمایت کرده هنوز قابل اجراست و طبق آن نمایش اشخاص، چه از طریق عکاسی چه غیر آن مگر در موارد استثنا تنها با توافق ذی نفع ممکن است. قانون اخلاق حرفه‌ای شورای مطبوعات آلمان نیز در اصل ۸ خود بیان کرده است «مطبوعات باید حریم خصوصی و حریم خلوت و تنهایی افراد را رعایت کنند» اما یادآور می‌شود «اگر رفتار خصوصی یک شخص منافع عمومی را تحت تأثیر قرار دهد، می‌توان آن را در مطبوعات منعکس کرد. در این صورت باید بررسی کرد حقوق متعلق به شخصیت شخص ثالث، که ارتباطی با موضوع نداشته است، با این انتشار تحت تأثیر قرار نگیرد.»

از طرف دیگر رویه قضایی آلمان از سال ۱۹۴۵ «حق عمومی شخصیت را به عنوان حقی که باید حمایت شود به رسمیت شناخته و آن عبارت است از حق رعایت کرامت انسانی و شخصیتی که فرد در مقابل دیگران دارد. « البته این حق به اشکال گوناگون و متناسب با قلمرو آن اعمال می‌شود.

دادگاه‌ها در جهت اعمال این حق سه قلمرو را از هم تفکیک می‌کنند:

- قلمرو فردی که به ویژه شامل حق استقلال می‌شود و شخصیت فرد را در

روابطش با دنیای بیرون حفظ می‌کند.

- قلمرو خصوصی که مربوط به زندگی خصوصی و خانوادگی است.

- قلمرو محرمانه که به امور سری‌تر فرد مربوط می‌شود (مانند نامه‌های محرمانه).

بر این اساس دادگاه‌ها عقیده دارند حق عمومی شخصیت مانع از انتشار خاطرات

محرمانه، افشای اوراق مربوط به بیماری و ضبط مکالمات شخصی می‌شود.

از آنجا که ممکن است اعمال این حق با اصل آزادی مطبوعات در تعارض باشد

دادگاه قانون اساسی آلمان برای حل این تعارض اصولی تعیین کرده است. این دادگاه

بدون این که یکی از دو حق را بر دیگری مقدم بدارد، عقیده دارد منافع متضاد این دو،

در هر مورد باید در ارتباط با یکدیگر ارزیابی و محاسبه شود اما به طور کلی اعلام جزئیات زندگی اشخاص هنگامی که آگاهی از آن هیچ نفع قانونی ندارد، محکوم است. از سوی دیگر هرچند ماده ۸۴۷ قانون مدنی این کشور جبران ضرر و زیان معنوی را تنها در موارد معدودی (صدمه به جسم، سلامتی و سلب آزادی) پیش‌بینی کرده رویه قضایی از سال ۱۹۵۸ به این نکته توجه کرده است که چون صدمات وارد بر حریم خصوصی منجر به ضرر و زیان معنوی می‌شود باید جبران شود. بر اساس رویه قضایی شخص زیان‌دیده از تعرض به حریم خصوصی می‌تواند:

- طرح دعوی توقف مزاحمت کند که می‌تواند به انتشار تکذیبیه یا حق پاسخ منجر شود.

- در صورتی که مزاحمت هنوز واقع نشده اما قریب‌الوقوع و خطرناک است، درخواست پیشگیری از مزاحمت کند.

در این دو مورد قاضی می‌تواند دستور موقت صادر کند. بدین ترتیب بنا به درخواست ذی‌نفع و بدون حضور مدعی‌علیه می‌توان مانع انتشار مطلب یا عکس لطمه‌زننده به حریم خصوصی شد.

حمایت کیفری

قانون جزای آلمان در بخش طبقه‌بندی جرایم، فصلی را به جرایم مربوط به حریم خصوصی و حریم خلوت و تنهایی اختصاص داده است. براساس ماده ۲۰۱ این قانون، ضبط بدون مجوز سخنانی که در برابر عموم بیان نشده است، استفاده بدون مجوز و یا قرار دادن آن در اختیار دیگری در صورتی که با هدف ایراد صدمه به حقوق ذی‌نفع باشد، موجب مجازات می‌شود.

شنود این سخنان به وسیله میکروفن نیز ممنوع شده است. مجازات این جرم، پرداخت جریمه یا حبس تا ۳ سال است. ماده ۲۰۲ نیز از اصل محرمانه بودن مکاتبات حمایت کرده و نه تنها برای آگاهی یافتن از محتوای یک نامه مهر و موم شده مجازات

تعیین کرده، بلکه اطلاع از هر سند در بسته‌ای را که نباید فاش شود (برای مثال دفتر خاطرات محرمانه) محکوم کرده است. مجازات این جرم نیز جریمه یا حبس تا یک سال است.

اسپانیا

طبق اصل ۲۰ قانون اساسی اسپانیا «حق بیان و پخش آزادانه افکار، عقاید و نظرها به وسیله رادیو، نوشته یا هر وسیله تکثیر به رسمیت شناخته شده و حمایت می‌شود» همچنین است در مورد «حق انتقال یا دریافت آزادانه اطلاعات صحیح با هر وسیله پخش که باشد». با این حال، با توجه به امکان تعارض بین حمایت از حریم خصوصی و آزادی بیان بند چهارم همین اصل حدودی را برای این آزادی تعیین کرده است که حمایت از حریم خصوصی به ویژه حق حیثیت، خلوت و تنهایی و تصویر از جمله آنها است.

حمایت مدنی

حق حیثیت، خلوت و تنهایی شخصی و خانوادگی و تصویر طبق ماده اول قانون سال ۱۹۸۲ جزء حقوق اساسی فرد به شمار می‌رود و باید از آن در مقابل هر نوع تجاوز غیرقانونی حمایت شود. البته این قانون حق یاد شده را تعریف نکرده است؛ تنها در مقدمه خود آورده است میزان حمایت از این حق را تفکر غالب جامعه در هر دوره تعیین می‌کند. «لذا تعیین دامنه این حق و نیز رابطه آن با حق اطلاع‌رسانی با رویه قضایی است». قانون سال ۱۹۸۲ همچنین در ماده ۷ موارد زیر را از تعرضات غیرقانونی به این حق برشمرده است:

«- تهیه هر نوع وسیله شنود، فیلمبرداری، دید یا هر وسیله دیگر که به منظور ضبط یا تکثیر صحنه‌های حریم خصوصی اشخاص به کار می‌رود در هر مکانی که باشد؛

- استفاده از هر نوع وسیله شنود، دید یا هر وسیله دیگر که امکان آگاهی یافتن از حریم خصوصی اشخاص و اشکال مختلف بیانات یا مکاتبات محرمانه آنان را فراهم می‌سازد. همچنین ثبت، ضبط یا تکثیر آنها؛
- افشای امور مربوط به حریم خصوصی یک شخص یا خانواده که موجب صدمه به موقعیت و اعتبار آنان می‌شود همچنین افشا یا انتشار محتوای نامه‌ها، خاطرات یا سایر نوشته‌های محرمانه؛
- افشای امور مربوط به حریم خصوصی یک شخص یا خانواده به وسیله شخصی که به دلیل فعالیت حرفه‌ای یا اداری خود از آنها مطلع است؛
- ثبت، تکثیر یا انتشار عکس‌ها، فیلم‌ها یا سایر ابزاری که تصویر شخص را در مکان‌ها یا اوقات مربوط به حریم خصوصی نشان می‌دهد؛
- استفاده از نام، صدا و تصویر یک شخص با اهداف تبلیغاتی، تجاری یا مانند آن؛
- افشای سخنان یا امور مربوط به یک شخص در صورتی که موجب افترا شود یا این خطر را داشته باشد که او را در نظر دیگران تنزل دهد.»
- البته موارد یاد شده در صورتی که ذی‌نفع به صراحت از حق خود چشم‌پوشی کند یا قانون یا مقام صالح اجازه انتشار آنها را بدهد و یا یک منفعت تاریخی، علمی یا فرهنگی مهم در میان باشد تعرض غیرقانونی محسوب نمی‌شود. طبق این قانون در برخی موارد هر چند رضایت ذی‌نفع جلب نشده باشد، حق تصویر مانعی ایجاد نمی‌کند. از جمله:
- ثبت، تکثیر و انتشار تصویر مربوط به اشخاصی باشد که دارای شغل عمومی هستند یا یک حرفه مشهور یا ماهیت عمومی دارند و تصویر در حین عمل عمومی یا در مکان‌هایی که به روی عموم باز است، گرفته شده باشد؛
- کاریکاتور اشخاص اشاره شده در بالا، براساس عرف اجتماعی؛
- تاکنون رویه قضایی اسپانیا معیارهای عمومی در این زمینه به دست نداده است و دادگاه‌ها مورد به مورد مسئله را بررسی کرده‌اند. با وجود این از آرای صادره می‌توان استنباط کرد:

- قلمرو زندگی عمومی می تواند و باید موضوع اطلاع رسانی باشد.
- قلمرو زندگی شخصی تنها وقتی می تواند موضوع اطلاع رسانی قرار گیرد که رفتار شخصی دارای بعد و وسعت عمومی باشد.
- قلمرو محرمانه نمی تواند موضوع اطلاع رسانی و یا مورد تحقیق و کاوش باشد. در صورت تعرض به حریم خصوصی، زیان دیده می تواند با مراجعه به دادگاه های عمومی درخواست رسیدگی فوری کند. طبق قانون این حمایت شامل ضرر و زیان معنوی نیز می شود. دادگاه برای محاسبه ضرر و زیان معنوی باید به این موارد توجه داشته باشد:
- شمارگان چاپ، تعداد مخاطبان برنامه و نیز سودی که مرتکب از این عمل می برد.
- همچنین قاضی می تواند به زیان دیده حق پاسخ بدهد و دستور انتشار رأی دادگاه را نیز (که عمل انجام شده را محکوم کرده) صادر کند.

حمایت کیفی

تا مدت ها اشخاص زیان دیده از تعرض به حریم خصوصی تنها مشمول حمایت مدنی می شدند زیرا حمایت کیفی بسیار محدود بود و تنها کشف و افشای اسرار موجب مجازات می شد، اما با تصویب قانون جدید جزا یک بخش کامل به جرایم مربوط به حریم خلوت و تنهایی، حق تصویر و مصونیت اقامتگاه اختصاص یافت. با به اجرا درآمدن این قانون در صورت کشف اسرار دیگری یا نقض حریم خلوت و تنهایی وی، تصاحب نوشته ها، مکاتبات پستی، الکترونیکی یا هر مدرک و سند شخصی، جلوگیری از ارتباطات تلفنی یا استفاده از هر روشی برای شنود، انتقال، ضبط و تکثیر صدا یا تصویر یا هر مورد مشابه دیگر، مرتکب به مجازات حبس بین یک تا چهار سال و جریمه از دوازده تا بیست و چهار ماه محکوم می شود. علاوه بر این در صورتی که مرتکب جرایم یاد شده، اطلاعاتی را که به صورت غیرقانونی به دست آورده پخش یا فاش کرده یا به دیگران منتقل کند، مجازات تشدید می شود و مدت حبس بین دو تا پنج سال خواهد بود.

همچنین پخش اطلاعاتی که به صورت غیر قانونی به دست آمده، حتی برای کسی که در به دست آوردن آن شرکت نداشته اما از ماهیت آنها با اطلاع بوده، موجب مجازات می‌شود این مجازات حبس بین یک تا سه سال و جریمه از دوازده تا بیست و چهار ماه است.

فرانسه

در قانون اساسی فرانسه هیچ اشاره مستقیمی به حق حریم خصوصی نشده است اما این کشور به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ملحق شده که طبق ماده ۸ آن چنان که پیش از این اشاره شد «هر شخصی حق دارد حریم خصوصی و خانوادگی، اقامتگاه و مکاتباتش رعایت شود.»

حمایت مدنی

قانون مدنی فرانسه به صراحت حق حریم خصوصی را به رسمیت شناخته است. ماده ۹ قانون مدنی بدون این که این حق را تعریف کند، مقرر کرده است «هر کس حق دارد خواستار رعایت حریم خصوصی اش باشد.» بر اساس این ماده «قضات می‌توانند علاوه بر حکم به جبران خسارت برای ممانعت و یا متوقف ساختن صدمات وارد بر حریم خصوصی به هر اقدام مناسب مانند ضبط، توقیف و یا مانند آن حکم دهند. این اقدامات در صورت فوریت می‌تواند به صورت دستور موقت باشد.»

رویه قضایی فرانسه نیز تعریف روشنی از این حق به دست نمی‌دهد اما از آرای که دادگاه‌ها صادر کرده‌اند می‌توان نتیجه گرفت حق حریم خصوصی عبارت است از آزادی شخص در گذراندن زندگی خود با کمترین مداخله خارجی. این حق از جمله شامل حمایت در مقابل تمام تعرضات به حق نام، تصویر، صدا، خلوت و تنهایی، حیثیت و ... شخص است. ملاک و ضابطه در نظر گرفته شده برای تشخیص حریم غیرخصوصی از حریم خصوصی آن است که اطلاعات دارای منفعت عمومی باشد.

در صورت تعرض به حریم خصوصی، زیان دیده می‌تواند با مراجعه به دادگاه موارد زیر را خواستار شود:

- اقدامات ویژه برای جلوگیری از گسترش صدمات (از قبیل توقیف، ضبط، حذف قطعات و عباراتی که مورد اعتراض واقع شده، الزام شخصی، درج ایضاحیه)؛
- دریافت خسارت برای جبران ضرر و زیان وارده؛
- درج رای دادگاه در رسانه.

اما از آنجا که ضبط، توقیف یا حذف قطعات و عبارات نوعی سانسور محسوب می‌شود، این اقدامات تنها در صورتی اعمال می‌شود که توصیف یا افشاگری به عمل آمده علیه زیان دیده، با توجه به اهمیتش غیرقابل تحمل باشد.

حمایت کیفری

در مورد حمایت کیفری از حریم خصوصی قانون جزای فرانسه در ماده ۱-۲۲۶ دو شکل تعرض به این حریم را مشخص کرده است:

- تصاحب مزورانه (از راه حيله) و ضبط یا انتقال گفته‌های خصوصی یا محرمانه بدون رضایت گوینده، خواه این سخنان در مکان عمومی بیان شده باشد یا خصوصی.
- ثبت، ضبط یا انتقال تصویر شخصی که در یک مکان خصوصی بوده است بدون اجازه وی.

البته در این ماده تصریح شده است ضبط گفتارها، ثبت تصاویر، انتقال یا ضبط آنها با اطلاع کامل ذی‌نفع و بدون مخالفت او (در صورت وجود امکان مخالفت) به منزله رضایت اوست. همچنین در ماده ۲-۲۲۶ این قانون برای نگهداری، افشا و استفاده از سخنان یا تصاویر به دست آمده در دو حالت منع شده در ماده ۱-۲۲۶ مجازات تعیین شده است. چنانچه جرم پیش‌بینی شده در ماده ۲-۲۲۶ به وسیله رسانه‌های نوشتاری صورت گرفته باشد شخص مسئول طبق ماده ۴۲ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ راجع به آزادی مطبوعات تعیین می‌شود و در مورد رسانه‌های صوتی - تصویری طبق ماده ۳-۹۳ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ راجع به ارتباطات صوتی - تصویری عمل می‌شود. در هر یک از دو

ماده یاد شده مسئولیت کیفری به صورت سلسله مراتب (طولی) پیش‌بینی شده است. مسئول اصلی مدیر انتشار روزنامه یا خدمات ارتباطی صوتی - تصویری است. در مورد رسانه‌های صوتی - تصویری مدیر تنها وقتی به عنوان فاعل اصلی مسئول است که پیام مجرمانه از قبل برای اطلاع عموم آماده شده باشد یعنی در موردی که برنامه از پیش ضبط شده است زیرا در این حالت مدیر می‌توانسته از محتوای برنامه مطلع شده و از پخش آن جلوگیری کند، بنابراین اگر برنامه به صورت مستقیم پخش شود مدیر مسئول نیست.

البته مجازات‌های قابل اعمال، بسته به این‌که مرتکب شخص حقیقی باشد یا حقوقی، متفاوت است. در مورد اشخاص حقیقی مجازات یک سال حبس و جزای نقدی معادل سیصد هزار فرانک است. همچنین ماده ۳۱ - ۲۲۶ قانون جزا مجازات‌های تکمیلی زیر را پیش‌بینی کرده است:

- ممنوعیت از حقوق شهروندی، مدنی و خانوادگی؛
- ممنوعیت از پرداختن به فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی که در اجرای آن یا به مناسبت آن جرم ارتکاب یافته است؛
- ممنوعیت پنج سال به بالا از تملک یا جواز حمل سلاح؛
- آگهی یا پخش رای اعلام‌شده؛
- توقیف ابزار به‌کار رفته یا در نظر گرفته شده برای ارتکاب جرم، همچنین توقیف وسیله به‌کار رفته برای ضبط یا مدرکی که به طور غیرقانونی به دست آمده است.
- در مورد اشخاص حقوقی نیز مجازات‌های در نظر گرفته شده عبارت است از:
 - جریمه نقدی معادل پنج برابر مبلغ پیش‌بینی‌شده برای اشخاص حقیقی یعنی یک و نیم میلیون فرانک؛
 - ممنوعیت پرداختن مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی که در اجرای آن یا به مناسبت آن جرم ارتکاب یافته است به طور دائم یا پنج سال و بیشتر
 - آگهی یا پخش رای اعلام‌شده

ایتالیا

براساس اصل ۲ قانون اساسی ایتالیا «حقوق غیرقابل نقض انسان هم به عنوان فرد و هم در اجتماع که شخصیت خود را اعمال می‌کند، به رسمیت شناخته شده است.» در اصل ۱۵ نیز از «آزادی و محرمانه بودن مکاتبات و هر نوع ارتباط دیگر» حمایت شده است. از سوی دیگر قانونگذار در اصل ۲۱ آزادی مطبوعات را تضمین کرده است. طبق این اصل «هر کس حق دارد آزادانه عقایدش را از طریق گفتار، نوشتار یا هر وسیله پخش دیگر اظهار کند.» همچنین «مطبوعات نباید منوط به مجوز یا در معرض سانسور باشند. آنها را نمی‌توان توقیف کرد مگر در صورت ارتکاب جرمی که قانون به صراحت پیش‌بینی کرده و به استناد حکم قضایی ...»

حمایت مدنی

در قانون مدنی ایتالیا به طور صریح به حریم خصوصی یا مفهوم معادل آن اشاره نشده است اما حق تصویر در ماده ۱۰ این قانون با عنوان سوءاستفاده از تصویر دیگری تضمین شده است.

طبق این ماده «اگر تصویر یک شخص یا نزدیکان و همسر و فرزندان غیر از مواردی که قانون مجاز دانسته نمایش داده یا منتشر شود یا به کرامت انسانی یا اعتبار او و یا همسر و فرزندانش لطمه وارد شود، مقام قضایی، بر اساس تقاضای ذی‌نفع و بدون چشم‌پوشی از جبران ضرر و زیان وارده، می‌تواند حکم به توقف این سوءاستفاده بدهد.»

قانون مربوط به حمایت از حق مؤلف نیز از حق تصویر حمایت کرده است. طبق ماده ۹۶ این قانون تصویر شخص را نمی‌توان بدون رضایت او نمایش داد؛ تکثیر نمود یا به بازار عرضه کرد مگر در موارد پیش‌بینی شده در ماده بعد. ماده ۹۷ نیز قید می‌کند «چنانچه تکثیر تصویر به جهات زیر موجه باشد، رضایت شخص نمایش داده شده لازم نیست: شهرت یا اشتغال به مناصب عمومی، الزامات قضایی یا پلیسی و اهداف علمی، آموزشی یا فرهنگی. همچنین تصاویر مربوط به وقایع، رویدادها و مراسمی که

دارای منفعت عمومی هستند یا در برابر عموم روی داده‌اند. با این حال، چنانچه نمایش یا فروش تصویر به حیثیت، اعتبار و نیز کرامت انسانی صدمه بزند، نباید آن را نمایش داد یا به بازار عرضه کرد.»

هر چند قانون تنها حق تصویر را بیان کرده است رویه قضایی ایتالیا سایر حقوق متعلق به حریم خصوصی را نیز به رسمیت شناخته است. دیوان کشور ایتالیا از سال ۱۹۶۳، وجود حق عمومی آزادی و استقلال را بر اساس اصل ۲ قانون اساسی، تایید کرده است. به نظر دیوان این حق وقتی نقض می‌شود که اخبار مربوط به حریم خصوصی پخش شود. مگر این که رضایت ذی‌نفع، هر چند ضمنی، وجود داشته باشد یا اطلاعات پخش شده دارای منفعت عمومی باشد. در صورت تعارض بین حق حمایت از حریم خصوصی و آزادی مطبوعات که از حمایت قانون اساسی برخوردار است، رویه قضایی هیچ‌یک از این دو را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد و هر مورد را جداگانه ارزیابی می‌کند. در قلمرو حمایت از حریم خصوصی، دادگاه‌ها با قراردادن تنها دو حد در مقابل حق وقایع‌نگاری، انتشار اطلاعات مربوط به اموری را که در محوطه محل اقامت شخص رخ داده و نیز افشای اطلاعاتی را که در ابتدا به وسیله پاکت مهرشده منتقل شده است، محکوم می‌کنند. در مقابل عقیده دارند افشای یک خبر هر چند هم واقعیت اطلاعات مربوط به آن، کم باشد در صورتی که پخش آن منفعت و فایده اجتماعی داشته باشد قانونی است؛ اگرچه به اعتبار دیگری لطمه بزند. در صورت نقض حق تصویر دادگاه باید بر اساس تقاضای ذی‌نفع، دستور توقف عمل غیرقانونی را صادر کند و چنانچه امکان تکرار عمل وجود داشته باشد، قاضی می‌تواند دستور اقدام پیشگیرانه بدهد. همچنین می‌تواند حکم دهد که رای صادره (محکومیت عمل انجام شده) منتشر شود.

حمایت کیفری

در مورد حمایت کیفری از حریم خصوصی ماده ۶۱۵ مکرر قانون جزای ایتالیا برای «مداخله غیرقانونی در زندگی خصوصی» مجازات تعیین کرده است. طبق این ماده «هر

کس با استفاده از دستگاه ضبط تصویری یا صوتی، به ناروا، اطلاعات یا تصاویر مربوط به زندگی خصوصی را که در مکان‌های اشاره شده در ماده ۶۱۴ جریان داشته به دست آورد، به مجازات محرومیت از آزادی با کار اجباری از شش ماه تا چهار سال محکوم می‌شود. همچنین هر کس با هر وسیله ارتباطی اخبار یا تصاویر به دست آمده از راه‌های یاد شده را فاش یا بین عموم پخش کند، در صورتی که عمل انجام شده مشمول جرم بزرگ‌تری نباشد، به همان مجازات محکوم می‌شود. مکان‌های اشاره شده در ماده ۶۱۴ محل اقامت دیگری یا محل سکونت خصوصی یا ملحقات آن است.

مواد بعدی قانون جزا برای نقض اصل محرمانه بودن مکاتبات در ماده ۹۳ قانون حمایت از حق مؤلف، حمایت شده و نیز برای شنودهای تلفنی مجازات تعیین کرده است.

طبق اصل یاد شده مکاتبات، نامه‌ها، خاطرات خانوادگی و شخصی یا هر نوشته دیگر با همین ماهیت که محرمانه یا مربوط به حریم خصوصی است قابل انتشار یا تکثیر نیست و به هیچ شکل دیگر نیز نباید به اطلاع عموم برسد، مگر با رضایت نویسنده و در مورد مکاتبات یا نامه‌ها علاوه بر آن رضایت گیرنده هم لازم است.

قانون مربوط به حمایت از اشخاص در مقابل جمع آوری، پردازش و انتقال اطلاعات

بر اساس این قانون هر کسی اطلاعات شخصی را جمع‌آوری، پردازش و منتقل می‌کند، چه با وسایل الکترونیکی و چه بدون آن، باید به گارانتی که نهادی است برای نظارت بر رعایت این قانون، اطلاع دهد. خبرنگاران نیز در حوزه اجرای این قانون قرار دارند اما رویه ساده‌تری برای آنان لازم‌الاجراست.

ماده ۲۲ این قانون پیش‌بینی کرده است اطلاعات حساس را (یعنی آنچه به ریشه‌های نژادی و قومی، اعتقادات مذهبی، یا غیر آن مربوط می‌شود، عقاید سیاسی، شرکت در احزاب، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها یا سازمان‌های مذهبی، سیاسی یا اتحادیه‌ای و نیز اطلاعات خاص مربوط به وضعیت سلامتی و زندگی جنسی) بدون توافق مکتوب

ذی‌نفع و اجازه قبلی گارانت نمی‌توان جمع‌آوری، پردازش و منتقل کرد. با این حال در موارد استثنا، خبرنگاران می‌توانند طبق ماده ۲۵ بدون اجازه ذی‌نفع و در صورت شرایط زیر این اطلاعات را جمع‌آوری، پردازش و منتقل کنند: در راستای اجرای حرفه و صرفاً در جهت اهداف و مقاصد حرفه‌ای؛ در چهارچوب دقیق حق وقایع‌نگاری و زمانی که اطلاعات گزارش‌شده برای منفعت عمومی ضروری باشد. البته این استثنا در اطلاعات مربوط به وضعیت سلامتی و زندگی جنسی وجود ندارد.

انگلستان

در انگلیس حق حریم خصوصی هنوز به نحو مشخص از اعتباری واحد و روشن برخوردار نیست. اگرچه سوابق موجود در نظام حقوقی این کشور بیانگر آن است که دادگاه در بعضی موارد مجازات‌ها و یا جبران خساراتی را برای نقض حریم خصوصی در نظر گرفته‌اند. در این کشور تضمین صریح (ناشی از قانون اساسی) برای حق حریم خصوصی وجود ندارد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز هنوز در حقوق انگلیس اعمال نشده است. با وجود این لایحه قانونی حقوق بشر برای اعمال این کنوانسیون در حقوق داخلی هم اکنون از سوی مجلس در حال بررسی است.

حمایت مدنی

علی‌رغم این‌که حق حریم خصوصی در این کشور به شکل عمومی به رسمیت شناخته نشده است، دادگاه‌ها با استفاده از قواعدی که برای اهداف دیگری تأسیس شده‌اند برخی تجاوزهای رسانه‌ها به این حریم را محکوم و در آرای صادره مجازات‌هایی تعیین کرده‌اند، در مواردی هم که تجاوز موجب مسئولیت مدنی فاعل آن می‌شود (اساساً در مورد افتراء، نقض اقامتگاه و افشای اسرار)، به زیان‌دیده حق مطالبه خسارت می‌دهند. موارد اصلی امکان استناد به مسئولیت مدنی برای دفاع در مقابل تعرض رسانه‌ها عبارتند از:

نقض حریم اقامتگاه: خبرنگاری که بدون اجازه وارد منزل کسی شده و درخواست مصاحبه می‌کند، به اقامتگاه وی تجاوز کرده است و زیان‌دیده در صورت اثبات ضرر و زیان می‌تواند جبران آن را مطالبه کند.

افترا: در انگلستان دو نوع افترا شناسایی شده است؛ کتبی و شفاهی. در افترای کتبی شاکی نیازی به اثبات زیان‌ها و خسارات ناشی از اظهارات افترا آمیز ندارد اما افترای شفاهی نیازمند اثبات ضرر و زیان وارده است، برای مثال وقتی که وی در اثر اهانت شغل خود را از دست داده باشد. امکان اقامه دعوی افترا برای متضرران از انتشار افترا آمیز وجود دارد. این دعوا افتراهایی را نیز که از طریق رسانه‌های شنیداری - دیداری صورت می‌گیرد شامل می‌شود.

از آنجا که قانون هیچ معیاری برای ارزیابی سخن افترا آمیز به دست نمی‌دهد تشخیص این‌که آیا سخنی می‌تواند مدعی را در ذهن اعضای متعارف جامعه تنزل دهد یا به اعتبار او لطمه بزند، برعهده قاضی است. سپس هیئت منصفه افترا یا نبود آن را احراز و مبلغ خسارت را تعیین می‌کند.

افشای اسرار: اقامه این دعوا تضمینی است برای حمایت از حریم خصوصی که امکان جبران خسارت را در این موارد می‌دهد: افشا یا استفاده غیرمجاز از اطلاعاتی که تاکنون منتشر نشده یا اطلاعاتی که به طور محرمانه با دیگران در میان گذاشته شده و لزوم رازداری در خصوص آن با توجه به اوضاع و احوال محرز بوده است. برای طرح دعوی وجود رابطه مبتنی بر اعتماد (هر چند صریح و از پیش موجود نباشد) بین مدعی و مدعی علیه ضروری است. همچنین اطلاعات باید به اندازه کافی خصوصی یا محرمانه باشد.

دروغ همراه با قصد ضرر رساندن: در صورتی که مطالب منتشر شده نادرست بوده اما افترا آمیز نباشد و بتواند با صدمه به حریم خصوصی موجب ضرر و زیان شود، شخص متضرر حق دارد به استناد دروغ به قصد ضرر رساندن ایراد دعوا کند.

اذیت و آزار: قانون مارس ۱۹۹۷ در خصوص حمایت علیه اذیت و آزار، هر گونه رفتار آزار دهنده یا هر رفتاری را که شخص می‌داند ممکن است موجب آزار دیگری شود، منع کرده است.

حمایت کیفری

در مورد حمایت کیفری از حریم خصوصی می‌توان گفت در حال حاضر در این کشور هیچ جرم کیفری عمومی علیه حریم خصوصی وجود ندارد اما افترا چنانچه موجب صدمه بسیار شدید به اعتبار شخص شود، جرم کیفری محسوب می‌شود. از سوی دیگر قانون حمایت در مقابل اذیت و آزار، جرم کیفری جدیدی را تأسیس کرده و مرتکب را به جریمه نقدی یا حبس تا ۶ ماه محکوم کرده است.

کمیسیون استانداردهای پخش و کمیسیون شکایات مربوط به مطبوعات

در انگلستان رسانه‌های صوتی - تصویری و نوشتاری با مجموعه مقررات رفتاری یا دستورالعمل‌هایی بر عملکرد خود نظارت دارند. کمیسیون استانداردهای پخش که طبق قانون مربوط به رسانه‌های صوتی - تصویری با دو هدف استاندارد و رعایت انصاف در پخش تشکیل شده است به طور خاص هر تعرض ناروا به حریم خصوصی را که از طریق یک شبکه رادیویی یا تلویزیونی صورت گرفته مورد رسیدگی قرار می‌دهد. این کمیسیون دارای سه مسئولیت مهم است: ارائه دستورالعمل‌های راهنما در مورد استانداردها و رعایت انصاف - بررسی شکایات و صدور حکم - نظارت، تحقیق و گزارش استانداردها و رعایت انصاف در پخش. در مجموعه مقررات رفتاری یا دستورالعمل‌های راهنما که در این کمیسیون تدوین شده است تعرض به حریم خصوصی تنها در صورت وجود یک منفعت عمومی که مقدم بر هر ملاحظه دیگری است موجه خواهد بود و باید وسایل به کار رفته برای کسب اطلاعات متناسب با آن و حساب شده باشد. کمیسیون همچنین استفاده از دوربین و میکروفن مخفی را هنگامی که اعتبار و صحت اطلاعات ایجاب کند و سخنان و تصاویر ضبط شده به یک منفعت

عمومی که بر هر منفعت دیگری برتری دارد کمک کند، مجاز دانسته است. بر این واقعیت نیز تأکید شده است که مفهوم حریم خصوصی نسبی است و برخی اشخاص یا به سبب موقعیتشان یا به دلیل تبلیغاتی که آنان را احاطه کرده در معرض دید عموم قرار دارند. کمیسیون تصمیمات خود را در یک خبرنامه ماهانه منتشر می‌کند و می‌تواند شبکه‌ها را به انتشار آنها به همان شکل که خود می‌خواهد ملزم کند. برای مثال در یک اطلاعیه کوتاه پس از اخبار شامگاهی. البته در صورتی که شاکی از طریق قانونی بتواند به دادگاه مراجعه کند، شکایت در کمیسیون پذیرفته نیست.

کمیسیون شکایات مربوط به مطبوعات نیز مجموعه مقررات رفتاری را تهیه کرده است و هر شکایتی در مورد تخلف از این مقررات قابل ارجاع به کمیسیون است. در ارتباط با حریم خصوصی، براساس این مقررات استفاده از دوربین‌هایی که برای تصویربرداری از اشیای دور به کار می‌رود و شنود تلفنی تنها وقتی محکوم است که اطلاعات به دست آمده در خدمت منفعت عمومی نباشد. مطابق این مقررات اطلاعاتی که موجب موارد زیر شود، خدمت به منفعت عمومی محسوب می‌شود:

- کشف یا آشکار ساختن یک جنایت یا جرم خطرناک؛
- حمایت از سلامت و امنیت عمومی؛
- جلوگیری از فریب خوردن عموم بر اثر سخنان یا اقدامات یک فرد یا یک سازمان.

امریکا

در قوانین کشور امریکا حق حریم خصوصی به صراحت ذکر نشده اما این موضوع از قرن نوزدهم به بعد در رویه قضایی مورد تأکید قرار گرفته است.

حمایت مدنی

دادگاه عالی امریکا حق حریم خصوصی را در سال ۱۹۶۵ به رسمیت شناخته است. این حق به مقررات هر ایالت بستگی دارد و اعمال آن نیز بر عهده دادگاه‌هاست.

دادگاه‌ها بر این اساس تخلفاتی را به عنوان تجاوز به حریم خصوصی شناخته‌اند که در بازنگری قواعد حاکم بر تخلفات برشمرده و تعریف شده‌اند و به طور خاص شامل چهار مورد می‌شوند:

انتشار امور مربوط به زندگی خصوصی: عبارت است از انتشار اطلاعات شخصی، که از لحاظ قانونی ربطی به عموم ندارد و افشای آن یک شخص متعارف را منجر می‌کند. بر این اساس انتشار اطلاعات در مورد تمایلات جنسی، درآمد، سوابق جنایی و معالجات پزشکی اغلب از موارد افشای امور مربوط به حریم خصوصی محسوب می‌شود.

تجاوز به حریم خلوت و تنهایی: خبرنگاران جز با رضایت مالک نمی‌توانند به مکان‌هایی که وقایع قابل گزارش جریان دارد راه یابند. با وجود این دادگاه‌ها در دو مورد زیر، کسب رضایت از فرد زیان‌دیده را لازم نمی‌دانند:

- چنانچه حضور آرام خبرنگاران در مکان واقعه به صراحت منع نشده باشد، یعنی هنگامی که مکان یاد شده محل رویداد عمومی یا قابل گزارش برای عموم باشد.
- چنانچه ثابت شود رویه‌ای وجود دارد که به رسانه‌ها اجازه می‌دهد در مکان و محل وقایع حاضر شوند. برای مثال، می‌توان ثابت کرد مأموران آتش‌نشانی معمولاً از نمایندگان رسانه‌ها برای بازدید از مکان‌های حادثه دعوت می‌کنند.

در صورت نقض حریم خلوت و تنهایی شخص به وسیله رسانه‌ها، دادگاه‌ها با بررسی شرایطی که شخص در آن قرار داشته و نیز انتظارات قانونی او با توجه به موقعیتش میزان حمایتی را که باید از او به عمل آید، تعیین می‌کنند. بر همین اساس یک شخصیت عمومی هنگامی که در یک مکان عمومی قرار دارد، نمی‌تواند با عکسبرداری از خود مخالفت کند. همچنین شخصی که رفتارش موجب جلب نظر دیگران است و سعی ندارد حریم خصوصی خود را حفظ کند، در صورت نقض این حریم کمتر ممکن است حقی برایش به رسمیت شناخته شود.

دادگاه عالی امریکا اصول کلی زیر را برای شناسایی چهره‌ها یا شخصیت‌های عمومی ارائه کرده است:

- ۱- اشخاصی که خود به خود یا ناخواسته شخصیت عمومی به حساب می‌آیند: چنین اشخاصی در حالی به شخصیت عمومی تبدیل می‌شوند که کار هدفمندی در این زمینه از آنها سر نزده است. این ویژگی شامل کسانی است که در موضوعات اجتماعی دارای برجستگی خاصی هستند.
- ۲- اشخاصی که همواره شخصیت (چهره) عمومی به حساب می‌آیند این افراد کسانی هستند که موقعیت خاصی دارند و از قدرت مجاب کردن یا نفوذی برخوردارند که آنان را در تمام زمینه‌ها تبدیل به شخصیت برجسته کرده است.
- ۳- شخصیت‌های عمومی در زمینه‌های خاص یا کسانی که برای پیشبرد موضوعات خاص و بحث برانگیز عمومی تلاش می‌کنند تا بتوانند آن را حل و فصل کنند. نمایش شخص در حالت نامناسب یا غیر واقعی: این تخلف با انتشار اطلاعات اشتباه یا اطلاعاتی که شخص را در یک حالت غیر واقعی قرار می‌دهد، به وجود می‌آید، البته به شرط این که موجب صدمه به حریم خصوصی شخص شود و خبرنگار به دلیل سهل‌انگاری در بررسی صحت و سقم اطلاعات محکوم شود. برای امکان استناد به حق جبران خسارت، مهم نیست این اطلاعات چه اندازه زیانبار هستند. این تخلف می‌تواند عبارت باشد از:
 - زیباسازی: یعنی هنگامی که ماجرا برای جذاب‌تر شدن آراسته و زیبا می‌شود.
 - تغییر شکل امور به صورت خیالی یعنی هنگامی که وضعیت و شرایط به راستی واقعی است، اما راوی رفتارها و احساساتی را به اشخاص نسبت می‌دهد که دارای آن نیستند.
 - تحریف واقعیت: به این معنا که اطلاعات خارج از زمینه مربوط پخش شوند. برای مثال استفاده از تصویر کودکی که قربانی یک تصادف شده است، برای مصور کردن گزارش دیگری در مورد سوء رفتار با کودکان که تحریف واقعیت است.
 - تصاحب نام یا سوءاستفاده از تشابه شخص: شخصی که سعی دارد اعتبار تجاری یا شهرت شخص دیگری را تصاحب کند، به سبب این تخلف محکوم می‌شود. این محکومیت در صورتی است که نام یا تصویر یک شخص بدون رضایت صاحب آن، برای اهداف تبلیغاتی یا در ارتباط با یک کالای تجاری استفاده شود.

علی‌رغم حمایت‌های فوق‌حق حریم خصوصی با سه‌حد مهم مواجه است:
- اطلاعات موجود در پرونده‌های عمومی: اگر اطلاعات از یک سند عمومی به دست آمده باشد (سند ولادت، گزارش پلیس و...) نمی‌توان خبرنگاران را برای گزارش آن تحت تعقیب قرار داد.

- منفعت عمومی: منفعت عمومی، پخش اطلاعات را توجیه می‌کند هر چند اطلاعات خصوصی باشد. چنانچه اطلاعات افشا شده در مکان‌های عمومی به دست آمده باشد؛ منفعت عمومی مفروض خواهد بود.
اخبار قابل انتشار: یک شخص متعارف می‌تواند تشخیص دهد که آیا عموم مردم می‌توانند به طور قانونی از اطلاعاتی آگاه شوند یا خیر. در تعیین قابلیت پخش اطلاعات، عوامل مختلفی مؤثر است: عرف و قراردادهای اجتماعی، وسعت و دامنه تجاوز به حریم خصوصی، اهمیت اجتماعی اطلاعات، این که شخص زیان‌دیده به اختیار خود یا به دلیل شرایطی که خارج از اختیار اوست دارای شهرت عمومی است و افشای قبلی وقایع.

برای جلوگیری از انتشاری که موجب تعرض به حریم خصوصی می‌شود، فرد می‌تواند از دادگاه بخواهد پیش از انتشار، دستور سانسور آن را بدهد. البته دادگاه‌ها عموماً در صدور چنین دستوری مردد هستند، زیرا این اقدام را آخرین چاره ممکن می‌دانند. یعنی هنگامی که استفاده از سایر راه‌های بازدارنده (که حالت اجباری کمتری دارند) برای رسیدن به این هدف ممکن نباشد.

حمایت کیفری

در آمریکا نیز هیچ جرم کیفری عمومی علیه حریم خصوصی وجود ندارد. با این حال دادگاه می‌تواند در مورد صدمات بسیار بزرگ به حریم خصوصی، شخص مسئول را به پرداخت خسارت به زیان‌دیده محکوم کند. این پرداخت دارای ماهیت کیفری است و برای تنبیه در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، برخی حقوق مرتبط با حمایت از حریم

خصوصی با قوانین جزا تضمین شده است، مانند اصل محرمانه بودن مکاتبات ارسال شده از طریق پست امریکا یا اصل محرمانه بودن مکالمات تلفنی و پیام‌های تلگرافی. چنان که ملاحظه شد در هر یک از کشورهای فوق بر اساس ساخت حقوقی و ارزش‌های حاکم محدودیت‌هایی برای آزادی بیان و فعالیت رسانه‌ها اعمال می‌شود.

جدول مقایسه‌ای انواع حمایت از حریم خصوصی در ۶ کشور مورد بررسی

کشور	حمایت مدنی	حمایت کیفری
آلمان	حق نام، حق تصویر، حق عمومی شخصیت (حق کرامت انسانی و شخصیت)	ضبط بدون مجوز سخنانی که در بین عموم بیان نشده‌اند، استفاده بدون مجوز از آنها و در اختیار دیگری قرار دادن و شنود این سخنان به وسیله میکروفن، آگاهی یافتن از محتوای نامه مهر و موم شده، اطلاع از هر سند در بسته‌ای که نباید فاش شود مانند دفتر خاطرات محرمانه
اسپانیا	حق حیثیت، خلوت و تنهایی شخصی و خانوادگی، حق تصویر	کشف و افشای اسرار دیگری، نقض حریم خلوت و تنهایی وی، تصاحب نوشته‌ها، مکاتبات پستی و الکترونیکی یا هر مدرک و سند شخصی، جلوگیری از ارتباطات تلفنی یا استفاده از هر روش برای شنود، انتقال، ضبط و تکثیر صدا یا تصویر یا هر نشانه دیگر
فرانسه	حق نام، تصویر، صدا، خلوت و تنهایی، حیثیت، اعتبار	تصاحب مزورانه و ضبط یا انتقال گفته‌های خصوصی یا محرمانه بدون رضایت گوینده (خواه در مکان عمومی یا خصوصی) ثبت، ضبط یا انتقال تصویر شخصی که در یک مکان خصوصی بوده است بدون اجازه وی

<p>ضبط تصویری یا صوتی اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی در محل اقامت یا محل سکونت خصوصی یا ملحقات آن، فاش و پخش کردن اطلاعات فوق و نقض اصل محرمانه بودن مکاتبات، شنوهای تلفنی</p>	<p>حق تصویر، حق کرامت انسانی، حیثیت، مسئولیت، خلوت و تنهایی، سرنگهداری و اعتبار</p>	<p>ایتالیا</p>
<p>افترا در صورتی که موجب صدمه بسیار شدید به اعتبار شخص شود، اذیت و آزار</p>	<p>نقض حریم اقامتگاه، افترا، افشای اسرار، دروغ به قصد ضرر رساندن، اذیت و آزار</p>	<p>انگلیس</p>
<p>صدمات بسیار شدید به حریم خصوصی، نقض برخی حقوق مرتبط با حریم خصوصی (اصل محرمانه بودن مکاتبات، مکالمات تلفنی و پیام‌های تلگرافی)</p>	<p>انتشار امور مربوط به زندگی خصوصی، تجاوز به حریم خلوت و تنهایی، نمایش شخص در حالت نامناسب یا غیر واقعی، تصاحب نام یا سوء استفاده از تشابه یک شخص</p>	<p>امریکا</p>

حق حریم خصوصی اشخاص نیز یکی از موارد مهم این محدودیت‌ها است. برای تضمین این حق تدابیری اندیشیده شده است که شامل حمایت‌های مدنی و کیفری می‌شود البته این حمایت‌ها در هر یک از کشورهای مورد مطالعه از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. در مجموع تفاوت این کشورها در حمایت مدنی از حریم خصوصی، مهم‌تر و بارزتر از تفاوت آنها در حمایت کیفری است. در حقوق مدنی اسپانیا و فرانسه حمایت از این حریم با مقررات عمومی ناشی از قانون تضمین شده است. در اسپانیا حق حیثیت، خلوت و تنهایی شخصی و خانوادگی و تصویر برای همه تضمین شده است و قانون موارد متعدد از جمله افشا یا انتشار محتوای نامه‌ها و خاطرات محرمانه و انتشار عکس و فیلم‌هایی را که تصویر شخص را در مکان‌ها یا اوقات مربوط به حریم خصوصی نشان می‌دهد ممنوع کرده است. در فرانسه قانون به صراحت حق حریم

خصوصی را به رسمیت شناخته که از جمله شامل نام، تصویر، صدا، خلوت و تنهایی و حیثیت می‌شود. اما در آلمان و ایتالیا متون قانونی اشاره‌های پراکنده‌ای به حمایت از حریم خصوصی دارند و این حمایت اساساً از طریق رویه قضایی صورت می‌گیرد. در آلمان تنها حق نام و حق تصویر از سوی قانون حمایت شده اما رویه قضایی خود بر اساس قانون اساسی حق عمومی شخصیت را به رسمیت شناخته است؛ حقی که فرد در مقابل هر شخص دارد و عبارت است از رعایت کرامت انسانی و شخصیت. این حق مانع از انتشار خاطرات محرمانه، افشای اوراق مربوط به بیماری و ضبط مکالمات شخصی می‌شود. در ایتالیا نیز قانون تنها حق تصویر را به رسمیت شناخته و سایر حقوق متعلق به حریم خصوصی از طریق رویه قضایی به رسمیت شناخته شده و حق آزادی و استقلال تأیید شده است. این حق وقتی نقض می‌شود که اخبار مربوط به حریم خصوصی منتشر شود بر این اساس نمی‌توان اطلاعات مربوط به اموری را که در محوطه محل اقامت شخص رخ داده و یا در ابتدا به وسیله پاکت مهر شده منتقل شده افشا کرد. در مقابل در حقوق انگلیس و آمریکا تنها برخی تعرضات به حریم خصوصی منع شده است. در انگلستان هیچ قانونی به صراحت رعایت حریم خصوصی را تضمین نکرده است با این حال نظریه مسئولیت مدنی خارج از قرارداد به دادگاه‌ها امکان حمایت در مقابل برخی تعرضات را مانند افتراء، نقض حریم اقامتگاه و افشای اسرار می‌دهد و افشا یا استفاده غیر مجاز از اطلاعات محرمانه موجب جبران خسارت می‌شود. در آمریکا نیز با توجه به این که برخی تخلفات موجب تعرض به حریم خصوصی می‌شود به زیان‌دیده حق جبران خسارت داده شده است. این تخلفات عبارتند از انتشار امور مربوط به زندگی خصوصی، تجاوز به حریم خلوت و تنهایی، نمایش شخص در حالت نامناسب یا غیر واقعی و تصاحب نام یا سوءاستفاده از تشابه شخص.

در چهار کشور متعلق به حقوق رومی - ژرمنی نیز که قانون نقش اساسی دارد رویه قضایی برای حمایت از این حق نقش تکمیلی ایفا کرده است. اگرچه در قوانین

برخی از این کشورها به حریم خصوصی یا مصادیق آن اشاره شده است مفهوم این حریم و حدود آن را عمدتاً رویه قضایی تعیین کرده است.

حمایت کیفری از حریم خصوصی در کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا نسبت به انگلیس و آمریکا گستردگی بیشتری دارد. در آلمان تعرض به حریم خصوصی و حریم خلوت و تنهایی، در اسپانیا جرایم علیه حریم خلوت و تنهایی، حق تصویر و مصونیت اقامتگاه، در فرانسه تعرض به حریم خصوصی و در ایتالیا مداخله غیرقانونی در حریم خصوصی دیگران طبق قانون جزا جرم تلقی شده و برای آن مجازات تعیین شده است اما در انگلستان و آمریکا جرم عمومی علیه حریم خصوصی وجود ندارد. با این حال، در آمریکا چنانچه صدمات وارده بسیار بزرگ باشد، دادگاه مرتکب را ملزم به پرداخت خسارت می‌کند. این خسارت دارای ماهیت کیفری است و برای مجازات مجرم در نظر گرفته شده است. همچنین در انگلستان افترا تنها در موارد بسیار مهم جرم کیفری محسوب می‌شود. از سوی دیگر قانون اخیر در خصوص حمایت علیه اذیت و آزار، یک جرم جدید کیفری به وجود آورده است.

در مجموع باید گفت با توجه به این که ضررهای ناشی از نقض حریم خصوصی در رسانه‌ها بیش از ضررهای ناشی از امور دیگر است وجود قوانین و مقررات خاص در این زمینه ضرورت دارد. این مقررات باید کاملاً منطقی، شفاف و بدون ابهام باشد و مقتضیات فعالیت رسانه‌ها در تدوین آن رعایت شود. توجه به منافع عمومی و تفکیک بین حریم خصوصی شخصیت‌های عمومی و افراد عادی و در نظر گرفتن اصول و ارزش‌های حاکم بر جامعه نیز حائز اهمیت است. تصویب لایحه حریم خصوصی در کمیسیون لوایح دولت با توجه به اینکه به طور مشخص به این موضوع پرداخته و جوانب مختلف را در نظر گرفته حائز اهمیت می‌باشد. جمع بودن تعاریف و مصداق‌های مختلف حریم خصوصی و مسئولیت‌های ناشی از نقض آن (چه مسئولیت مدنی و چه مسئولیت کیفری) در یک قانون و بی‌نیاز بودن از مراجعه به مواد قانونی پراکنده از مهم‌ترین محاسن این لایحه است. تصویب این لایحه که فعالیت‌های رسانه‌ای را نیز در بر می‌گیرد اقدام مناسبی در جهت نظام‌مند کردن حمایت‌ها از حریم

خصوصی است و چنانچه تمامی ملاحظات و ظرافت‌های مرتبط با این حریم در مراحل تصویب نهایی آن در مجلس شورای اسلامی رعایت شود گامی موثر در این زمینه خواهد بود.

منابع

- انصاری، باقر و دیگران، مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۱
- اعتمادی، فرهاد، حمایت از منزلت انسانی و حرمت زندگی خصوصی، تیر ۱۳۸۳، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های ارتباطات: <http://iranwsis.org/default.asp>
- بردبار، محمد حسن، درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱
- دیوید، رنه، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، محمد آشوری و عزت ا... عراقی، تهران مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹
- قاضی، مهدی، کدها و استانداردهای برنامه‌سازی (کمیسیون استانداردهای پخش انگلستان)، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما، ۱۳۷۸
- کدخدایی، عباس، شبکه‌های اطلاعاتی جهانی و نقض حقوق بشر با تاکید بر حق حریم خصوصی، اردیبهشت ۱۳۸۳، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های ارتباطات: <http://iranwsis.org/default.asp>
- کری، پیتر، حقوق رسانه‌ها در انگلیس، ترجمه فرشته جعفری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۲
- Derieux. Emmanuel; droit de la communication; 3 edition; Paris L. G. D. J. 1999
- "La protection de la vie privée face aux medias" www.senat.fr
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹
- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵
- قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹

- قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱
- مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت، ۱۳۷۰
- لایحه حریم خصوصی مصوب کمیسیون لوایح دولت، ۱۳۸۳

محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر پخش در انگلستان و ایران

احمد رنجبر*، فرشته جعفری**

چکیده

پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی با توجه به رسالت و مسئولیت رسانه در برابر مخاطب، دارای محدودیت‌هایی است که در قوانین رسمی و غیر رسمی کشورها به آنها اشاره شده است. شکل‌گیری و تولید محتوای پیام با در نظر گرفتن حقوق فردی و اجتماعی مخاطبان و با توجه به منافع عمومی جامعه، مستلزم رعایت قوانین و مقرراتی است که در حوزه حقوق رسانه‌های دیداری و شنیداری جایگاه ویژه‌ای دارد.

محدودیت‌های حاکم بر پخش برنامه‌ها چه در ایران و چه در دیگر کشورهای جهان، از نظر حقوق مخاطبان، به سه دسته قابل تقسیم است. محدودیت‌هایی که هدف از وضع آن:

- ۱ - حفظ نظم و حمایت از موازین و اخلاقیات مورد قبول جامعه است که می‌توان آنها را محدودیت‌های اخلاقی نامید؛
 - ۲ - حمایت از حریم و حقوق خصوصی افراد است
 - ۳ - حمایت از حیثیت گروه‌ها و اقلیت‌های دینی، قومی، نژادی و زبانی است.
- در این مقاله با توجه به مطالعه تطبیقی که میان محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی انگلیس و ایران صورت گرفته است، قوانین و

* کارشناس ارشد حقوق

** پژوهشگر مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما

مقررات مربوط به پخش برنامه‌های حاوی چهار مقوله خشونت، سکس و مصرف الکل و مواد مخدر (پخش تبلیغات مذهبی و برنامه‌های الحادی و کفرآمیز) به تفکیک برنامه‌های تبلیغاتی و غیر تبلیغاتی (اخبار، فیلم و مجموعه‌های داستانی و برنامه‌های مستند) مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین به سازوکار نظارت و نحوه رعایت قوانین و مقررات مربوط به پخش این برنامه‌ها در انگلیس و ایران اشاره شده است.

مقدمه

در فرایند ارتباط رسانه‌ای فرستنده پیام همواره نیازمند دریافت بازخورد مناسب از مخاطب خویش است تا براساس آن، نحوه تولید و ارسال پیام‌ها را متناسب با شرایط و خواسته‌های دریافت‌کننده تنظیم کند. در یک الگوی ارتباطی سالم، نگاه مثبت مخاطب به رسانه اهمیت فراوانی دارد و همین امر توجه جدی به ساختار شخصیت فردی مخاطب، محیط اجتماعی وی و اساساً تصور او از رسانه را در روند گزینش و تنظیم محتوای پیام ایجاب می‌کند. به عبارت دیگر کیفیت مناسب محتوای رسانه مرهون رضایت مخاطبان است، گو این که تنها عامل تعیین‌کننده نباشد و یکی از عوامل حیاتی در افزایش رضایتمندی مخاطبان مراعات حقوق فردی و نیز توجه جدی به باورها، علائق اجتماعی و حساسیت‌های آنان است. براین اساس پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیونی به طور قطع مستلزم اعمال محدودیت‌هایی از نظر حقوق مخاطبان است. شاید کل محدودیت‌های حاکم بر پخش را از نظر حقوق مخاطبان آن چه در ایران و چه کشورهای دیگر بتوان به سه دسته تقسیم نمود. دسته اول محدودیت‌هایی هستند که اساساً هدف از وضع آنها حفظ نظم و حمایت از موازین و اخلاقیات مورد قبول جامعه است. نظیر ممنوعیت‌های ناظر به مطالب و برنامه‌های حاوی موضوعات جنسی، خشونت، مواد مخدر و یا مضامین کفرآمیز. دسته دوم ضوابط و محدودیت‌هایی هستند که هدف از مقرر کردن آنها حمایت از حریم شخصی و حقوق خصوصی افراد به عنوان یک شهروند یا عضو جامعه است،

برای مثال محدودیت‌هایی که در قوانین کشورهای مختلف به منظور جلوگیری از هتک حرمت افراد مقرر شده است.

اما دسته سوم ضوابطی هستند که قصد قانونگذار یا مرجع قانونی از وضع آنها حمایت از حیثیت گروه‌ها و اقلیت‌های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و غیره است. گروه‌ها و فرقه‌هایی که به دلیل تفاوت در نژاد، مذهب، زبان و یا عوامل دیگر جزء اقلیت جامعه به حساب می‌آیند. البته شاید محدودیت‌های دیگری هم باشد که به طور دقیق در هیچ یک از محدودیت‌های یاد شده نگنجد، نظیر موازین و ضوابط ناظر به حفظ محیط زیست که متصدیان پخش برای حفاظت از محیط زیست و منع تخریب آن موظف به رعایت آنها در مطالب منتشر شده خود هستند. این مورد به محدودیت‌های دسته اول بسیار نزدیک است، هر چند در این نوشتار مورد بحث قرار نگرفته است. محدودیت‌های دسته اول را شاید با اندکی تسامح بتوان محدودیت‌های اخلاقی نامید. یعنی ضوابطی که در آنها حمایت از عموم و اخلاقیات جامعه به عنوان یک کل مدنظر است و می‌توان آنها را ناظر به موضوع‌هایی چون سکس و خشونت، الکلیسم، مواد مخدر و پخش مطالب الحادی و کفرآمیز دانست که در این مطالعه تطبیقی با سه عنوان متفاوت و در دو مقوله برنامه‌های تبلیغاتی و غیرتبلیغاتی (اخبار، فیلم، مجموعه و برنامه‌های مستند) در دو کشور انگلستان و ایران مورد مطالعه قرار گرفته است.

ملاحظات کلی

در انگلستان رسانه‌های چاپی و پخش از جهت سازوکار قانونگذاری و نظارتی اساساً با یکدیگر متفاوتند. این که مبنای این تمایز چیست می‌تواند موضوع بحث جداگانه‌ای باشد اما آنچه ذکر آن در راستای بحث ما ضروری به نظر می‌رسد این است که رادیو و تلویزیون در انگلستان اعم از عمومی، خصوصی یا تجاری تابع چه محدودیت‌ها و مقررات خاصی هستند، مجوز پخش در اختیار چه کسانی قرار می‌گیرد و چه برنامه‌هایی از نظر محتوایی قابلیت پخش دارند. به عبارت دیگر از نظر ساختاری علاوه بر مقررات عمومی چه مقررات رسانه‌ای ویژه‌ای وضع شده است.

در انگلستان مطبوعات از نظر ساختاری تابع هیچ‌گونه محدودیت قانونی پیش‌بینی شده نیستند اما از نظر محتوا از قوانین و مقررات عمومی و سیستم خود نظارتی صنعت مطبوعات تبعیت می‌کنند. صنعت مطبوعات با ایجاد نهادهای ویژه‌ای از قبیل کمیسیون شکایات مطبوعاتی^۱ و مرجع موازین تبلیغاتی^۲ که در چهارچوب مقررات عمومی دارای وظایف و اختیاراتی هستند نظارت خود را بر فعالیت‌های مطبوعاتی اعمال می‌کند. حال آن‌که رادیو و تلویزیون‌ها صرف نظر از مقررات عمومی، تابع محدودیت‌ها و مقررات خاصی هستند که نهادهای قانونی - نه نهادهای خودنظارتی و اختیاری - نظیر مجمع شبکه‌های تلویزیون‌های مستقل^۳، مرجع رادیویی^۴ و یا کمیسیون موازین پخش^۵ وضع می‌کنند.

به منظور بررسی محدودیت‌های حاکم بر پخش در انگلستان از جهت حمایت از معیارهای اخلاقی و موازین اجتماعی مورد قبول جامعه انگلیس، ضروری است به تحلیل مجموعه مقرراتی^۶ که نهادهای قانونی، یعنی مجمع تلویزیون‌های مستقل (ITC)، مرجع رادیویی (RA) و مجمع موازین پخش (BSC)، تدوین کرده‌اند، پرداخته شود. از جمله این مقررات موازین و رویه تبلیغاتی ۱۹۹۸ و مقررات برنامه ۱۹۹۸ مصوب مجمع شبکه‌های تلویزیونی مستقل، مقررات مرجع رادیویی و کمیسیون موازین پخش ۱۹۹۸ است. همچنین لازم است به قوانین و مقررات کلی و دستورالعمل‌ها و ضوابط اروپایی نیز استناد شود.

محدودیت‌هایی که به منظور رعایت موازین اجتماعی و دفاع از اخلاقیات مورد قبول جامعه انگلیس، حاکم بر پخش برنامه‌هاست در سه بخش قابل تفکیک‌اند:

- ۱- محدودیت‌های ناظر به منع ترویج خشونت و سکس
- ۲- محدودیت‌های ناظر به منع ترویج الکلیسم و مواد مخدر
- ۳- محدودیت‌های ناظر بر منع پخش برنامه‌های الحادی و کفرآمیز

پخش و نمایش خشونت در برنامه‌ها

۱- اخبار، فیلم، مجموعه و برنامه‌های مستند

به موجب بخش ۱۰۸ قانون پخش ۱۹۹۶ انگلیس، کمیسیون موازین پخش موظف به تنظیم مجموعه مقرراتی شد که حاوی راهکارهای کلی در زمینه موضوع‌های زیر باشد: الف) رویه و عملکردی که باید در ارتباط با نمایش خشونت در برنامه دنبال شود. ب) رویه و عملکردی که باید در ارتباط با نمایش اعمال جنسی در برنامه‌ها دنبال شود.

ج) رویه و عملکردی که به طور کلی در ارتباط با حساسیت‌ها و ذائقه عمومی و موازین رفتار اجتماعی باید در برنامه‌ها دنبال شود.

مجمع موازین پخش در راستای وظایف فوق در پاییز ۱۹۹۸ مبادرت به تنظیم مقرراتی کرد که در بخشی با عنوان «حساسیت‌ها و ذائقه عمومی و موازین رفتار اجتماعی» متصدیان پخش رادیو - تلویزیونی و نهادهای تنظیم‌کننده مقررات را به رعایت دو اصل فرا می‌خواند. در این مجموعه مقررات تفاوت میان «حساسیت‌ها و ذائقه عمومی»^۷ و «موازین رفتار اجتماعی»^۸ به این نحو تعریف شده است که ذائقه عمومی دستخوش تغییرات سریع است حال آن که موازین رفتار اجتماعی پایدارترند و از اثبات بیشتری برخوردارند. قابل ذکر است که درباره دو اصطلاح «حساسیت‌ها و ذائقه عمومی» و «موازین رفتار اجتماعی» چه در اسناد مربوط و چه از جانب مقامات ذیصلاح از جمله کمیسیون موازین پخش (BSC) و یا کمیسیون تلویزیون‌های مستقل (ITC) هیچ تعریفی ارائه نشده است اما مقررات مربوط در موارد بسیاری از جمله در نمایش صحنه‌های خشونت‌آمیز، سکس و یا مطالب خلاف عقاید دینی مردم، می‌تواند قابل استناد باشد.

به طور خاص بند ۴۵ مجموعه مقررات موازین پخش با عنوان «جنایت» درباره موضوع خشونت مقرر می‌دارد «برنامه‌ها نباید مجرمان و اعمالشان را جذاب جلوه دهند و یا نسبت به آنان اغماض روا دارند، زیرا جرایم به ندرت فاقد قربانی است». همچنین به موجب بند ۴۶ همین مقررات «بازگویی داستان اعمال جنایی یا ضد اجتماعی از

سوی مجرمان یا بستگان آنان نباید منجر به تحصیل منفعت شخصی شود، مگر آن که در بازگویی منفعت عمومی بارزی وجود داشته باشد...».

بخش دیگری از این مجموعه مقررات با نام «نمایش خشونت» به طور مشخص به بحث خشونت در برنامه می‌پردازد و اشکال خشونت از جمله جنگ، منازعات انسانی و ورزش‌های بدنی خشن، اعمال ارتكابی تروریست‌ها را واقعیت‌های زندگی و نمایش ندادن آنها را وظیفه رادیو و تلویزیون می‌خواند.

مطابق بند ۴۸ این آیین‌نامه «منع متصدیان پخش از گفتن یا بازگکردن واقعیت‌های تلخ موجود در دنیا لطمه‌ای اساسی به دموکراسی و اطلاع ما از وضعیت بشر است...» از این رو نمایش واقعیت‌های طبیعی و انسانی قاعداً در برنامه‌های رادیو - تلویزیونی نباید ممنوع باشد اما بند ۴۹ آیین‌نامه متصدیان پخش را متوجه نگرانی‌هایی می‌کند که باید در پخش برنامه‌های حاوی صحنه‌های خشونت‌بار در نظر داشته باشند، از جمله:

الف) نمایش جزء به جزء و مفصل صحنه‌های خشونت‌بار ممکن است باعث ایجاد روحیه بی‌تفاوتی در مردم به هنگام مواجهه با خشونت شود؛ و یا

ب) ممکن است این عقیده را ترویج کند که خشونت می‌تواند راه‌حل مناسبی برای حل اختلاف باشد.

در بخش فرعی این مجموعه مقررات (بند ۵۲) با عنوان «خشونت در اخبار، امور جاری و برنامه‌های مستند» به بیان راهکارهای کلی برای پخش موضوع‌های خشونت‌بار در این گونه برنامه‌ها می‌پردازد. در این راهکارها ضمن آن که پخش رویدادهای خشونت‌آمیزی مانند جنگ، حوادث جنایی و بلاهای طبیعی در برنامه‌های خبری طبیعی تلقی شده است، مسئولیت سنگین متصدیان پخش در زمینه‌های فوق نیز یادآوری شده است:

«متصدیان پخش گاه در تصمیم‌گیری درباره این که پخش جزئیات رویدادهای شوک‌آور تا چه اندازه ضروری یا مناسب است، تا چه میزان برنامه‌ها پیش از پخش باید

ویرایش شوند، حتی اگر قطعه‌ای از آن به منظور اثبات بی‌رحمی موجود در یک رویداد خشونت‌آمیز برای پخش در نظر گرفته شده باشد، مشکلاتی پیش رو دارند...».

در بند ۵۴ آیین‌نامه نیز با اشاره به مسئولیت متصدیان پخش آمده است:

«هر چند متصدیان پخش نباید از نشان دادن پیامدهای خشونت‌آبایی داشته باشند، لازم است در گزینش کلمات و عبارات دقت کنند تا این صحنه‌ها چشم‌انداز مناسبی بیابند و اطمینان حاصل کنند که ویراستاران و تدوین‌گران برنامه‌ها در اعمال نظر خود، نسبت به اثری که این موضوع‌ها می‌تواند بر عموم مخاطبان داشته باشد، آگاهی دارند.» همچنین بند ۵۶ این آیین‌نامه متصدیان پخش را متوجه میزان صراحت موجود در این نوع برنامه‌ها می‌کند و می‌افزاید:

«باید میان لزوم حقیقت‌گویی و خطر ایجاد روحیه بی‌تفاوتی در مردم، در مواجهه با خشونت واقعی، توازن برقرار شود...».

این مجموعه مقررات به اخبار رادیویی نیز توجه دارد و گزینش لحن گزارش

رویدادهای خشونت‌بار را مهم می‌داند و بر این اساس در بند ۶۰ مقرر می‌دارد:

«صداهای طبیعی در رادیو هم مانند تلویزیون، درست همانند تصاویر می‌تواند

اضطراب‌آور باشد، از این رو باید به آن دقت شود.»

در بازسازی جرایم خشونت‌بار؛ پخش فیلم‌های داستانی خشونت‌آمیز؛ یا برنامه‌های

کارتونی، نیز در مجموعه مقررات پخش راهکارهایی مقرر شده است. برای مثال در بند

۷۰ آمده است: «به علاوه متصدیان پخش باید توجه داشته باشند که کارتون‌ها

محدودیت‌های مربوط به خشونت را نقض نکنند.»^۹

اصول و مقررات فوق، دست‌والعمل‌های کلی است که متصدیان پخش رادیو -

تلویزیونی اعم از ملی، دولتی و خصوصی و نهادهای مربوط موظف به اعمال آنها

هستند. شایان ذکر است این مجموعه مقررات صرفاً یکسری راهکارهای کلی و

لازم‌الاجرا نیست بلکه به موجب بخش ۱۱۰ قانون پخش ۱۹۹۶^{۱۰} مجمع موازین پخش

مسئول رسیدگی به شکایاتی است که درباره نقض این مقررات توسط شهروندان مطرح

می‌شود. در بخش‌هایی به تناسب به برخی از این شکایات و آرای صادره توسط کمیسیون خواهیم پرداخت.

مقررات دیگری که مجمع تلویزیون‌های مستقل پیش‌بینی کرده است، مجموعه مقررات پخش برنامه در تلویزیون‌های خصوصی یا تجاری است. شایان ذکر است شبکه تلویزیونی دولتی انگلیس (BBC) اگر چه دارای مقررات خاص خود است از قواعد مشابهی نیز پیروی می‌کند که در دو سند رسمی دولت انگلستان آمده است.^{۱۱} بند ۱۰۷ از بخش یک مجموعه مقررات ITC در چند پاراگراف با عنوان‌های مستقلی ضوابط پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز را یادآور شده است. در پاراگراف اول این بند زیر عنوان «خشونت» انواع آن را از نظر شکل و آثار از یکدیگر تفکیک می‌کند و با عنوان «خشونت موهن»^{۱۲} در آغاز این بند مقرر می‌دارد:

«برخی اعمال خشونت‌آمیز نمایش داده شده، در ساده‌ترین سطح، ممکن است فراتر از حد قابل تحمل باشد، یعنی همان موضوع‌هایی که در قانون پخش ۱۹۹۰ به عنوان مطالبی که می‌تواند نزد احساسات عمومی زننده باشد، از آن نام برده شده است. دارندگان مجوز پخش باید به جنبه‌های ویرایشی از جمله: محتوای برنامه خشونت‌آمیز، زمان پخش، اعلام هر هشدار که از نظر قانونی لازم دانسته شده است و نیز مخاطب احتمالی به دقت توجه کنند؛ هیچ دفاع توجیهی برای نمایش خشونت یا اعمال دگرآزاری^{۱۳} غیرضروری پذیرفته نیست...».

در پاراگراف دوم بند فوق با عنوان «لطمه روانی به بینندگان کم سن و سال و آسیب‌پذیر»، متصدیان پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیونی را متوجه آثار زیانبار پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز برای این گروه از مخاطبان رسانه می‌کند و مقرر می‌دارد: «برنامه‌های خشونت‌آمیز و اضطراب‌آوری وجود دارد که می‌تواند به مخاطبان به ویژه جوانان یا بینندگانی که به لحاظ عاطفی و احساسی آسیب‌پذیرند، لطمه روانی وارد کند...».

پاراگراف سوم بند ۱۰۷ خطرات «خشونت قابل تقلید» را یادآور شده و می‌گوید:

«از برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون ممکن است تقلید شود. نمایش رفتار خطرناک و دارای قابلیت تقلید آسان تنها در صورت ضرورت‌های دراماتیکی یا ویرایشی قابل توجیه است. شیوه‌های ناشناخته صدمه‌زدن با قابلیت تقلید آسان نباید نشان داده شود...».

پاراگراف چهارم همین بند به «خشونت جنسی» اختصاص دارد. در این پاراگراف آمده است:

«... صحنه‌های تجاوز به عنف یا روابط جنسی غیرمتعارف دیگر، به ویژه اگر پخش آن با جزئیات همراه باشد یا پخش هر عمل جنسی با هر مدت زمان، نیازمند توجه و دقت بسیار است. نمایش مفصل و با جزئیات رفتارهای جنسی خشونت‌آمیز یا کاربرد خشونت در صحنه‌های جنسی تنها در موارد بسیار استثنایی قابل توجیه است.» در ادامه این بند از مجموعه مقررات ITC درباره برنامه‌های حاوی خودکشی و خطر تقلید آن از سوی مخاطبان آمده است: «نمایش جزئی‌تر ابزارها یا شیوه‌های خودکشی مجاز نیست مگر این که از جهت متن داستان، زمان پخش و مخاطب احتمالی برنامه قابل توجیه باشد...».

به موجب آخرین قسمت بند ۱۰۷ که به پخش رویدادهای خشونت‌آمیز در اخبار و دیگر برنامه‌ها اختصاص دارد:

«باید به تأثیرات احتمالی پوشش رویدادهای خشونت‌آمیز بر بینندگان محلی انگلستان یا بینندگان کشورهای دیگری که برنامه در آنجا قابل مشاهده است، توجه داشت زیرا ممکن است پخش این رویدادها نگرانی خاصی برای آنان به وجود آورد. در این برنامه‌ها هیچ عاملی نباید منجر به تشویق یا تحریک به ارتکاب جرم یا اغتشاش و بی‌نظمی شود. ... خواه در اخبار و برنامه‌های مربوط به امور جاری و خواه در برنامه‌های دیگر، پخش صحنه‌های واقعی یا صحنه‌های دیگری که مردم آشکارا کشته می‌شوند یا در حال مرگ هستند، نیازمند توجیه خاصی است.»

علاوه بر این مقررات، راهکارها و اصول دیگری نیز در ضمیمه (۲) مجموعه مقررات پخش برنامه با عنوان «اصول کلی نمایش خشونت در تلویزیون» و نیز در

بخش (۵) همین مجموعه با عنوان «تروریسم، جرم، رفتار ضد اجتماعی و ...» ارائه شده است. بند ۳ بخش ۵ در موضوع «فعالیت‌های تروریستی یا جنایی» مقرر می‌دارد: «در پخش برنامه‌هایی که شامل نظر افراد یا سازمان‌هایی است که از خشونت یا فعالیت‌های جنایی دیگر به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا اهداف دیگر در جزایر انگلستان یا خارج از آن استفاده یا حمایت می‌کنند، باید دقت خاصی مبذول داشت برنامه‌ها نسبت به فعالیت‌های جنایی نباید اغماض کنند...»

بند ۴ بخش ۵ مجموعه مقررات پخش برنامه درباره نحوه پخش گزارش از هواپیماربابی و آدم‌ربایی مقرر می‌دارد: «پخش هرگونه اطلاعات حاصل از کنترل مکالمات یا منابع غیررسمی دیگر که ممکن است زندگی افراد را به خطر اندازد یا مانع موفقیت در برخورد با هواپیماربابی یا آدم‌ربایی شود، مجاز نیست.» بند ۵ همین بخش از مقررات می‌گوید: «پخش هر برنامه‌ای که عرفاً باعث تشویق؛ تحریک به اغتشاش یا منجر به آن می‌شود، غیرقابل قبول است.»^{۱۴}

در مجموعه مقررات ناظر به پخش برنامه‌های رادیویی که به موجب بخش ۹۱ قانون پخش ۱۹۹۰ توسط مرجع مربوط تنظیم شده و آخرین بار در مارس ۱۹۹۸ مورد تجدیدنظر قرار گرفته است، نکات مشابهی ذکر شده است.

۲- تبلیغات تجاری

یکی از وظایف مجمع تلویزیون‌های مستقل به موجب قانون پخش ۱۹۹۰ تنظیم اصول و مقررات مربوط به پخش تبلیغات تجاری است. در راستای انجام این وظیفه مجمع پس از مشورت با مراجع و ارکان ذی‌صلاح در پاییز ۱۹۹۸ مبادرت به تنظیم مجموعه مقررات معیارها و رویه‌های تبلیغاتی^{۱۵} کرد. این مجموعه که حاوی ۴۵ قاعده با عنوان‌های جداگانه است در قاعده ۱۳ معیارها و رویه‌های تبلیغاتی با عنوان «دائمه اجتماعی و جرم» اصلی آمده است که شاید بتواند در بحث ما قابل استناد باشد. به موجب این قاعده «هیچ تبلیغی نباید مغایر حساسیت‌های عمومی یا موازین رفتار اجتماعی باشد یا احساسات عمومی را جریحه‌دار کند...».

همچنین در قاعده ۱۶ نیز زیر عنوان «میل به ایجاد ترس» آمده است: «هیچ تبلیغی نباید بدون دلیل موجه باعث ایجاد ترس شود». در قاعده ۱۸ نیز با عنوان «کالاها یا خدمات غیرمجاز»، از تفنگ و کلپ‌های اسلحه به عنوان کالا و خدماتی یاد شده است که تبلیغات آن در تلویزیون مجاز نیست. بدیهی است ممنوعیت مزبور از جهت تأثیری است که تبلیغات اسلحه می‌تواند در ترویج خشونت در جامعه داشته باشد. درخصوص پخش رادیویی تبلیغات، مرجع رادیویی پیرو همان الگوهایی است که در مجموعه موازین و رویه‌های تبلیغات ITC آمده است. در راستای وظیفه‌ای که به موجب بخش ۹۳ قانون ۱۹۹۰ به عهده مرجع رادیویی قرار گرفته بود، مجموعه مقررات و حمایت‌های مالی رادیو آخرین بار در مارس ۱۹۹۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در قالب آیین‌نامه‌ای حاوی اصول کلی و موازین ناظر به نحوه ارائه و محتوای تبلیغات رادیویی، کالاها و خدمات ممنوعه و قواعد مربوط به نحوه حمایت مالی از برنامه‌ها ارائه شد.

در مجموعه مقررات مرجع رادیویی، تنها بند ۲ قاعده ۹، پخش تبلیغات خشن را از جمله تبلیغات حساس برمی‌شمارد و به متصدیان پخش نسبت به زمان پخش این گونه آگهی‌ها هشدار می‌دهد.

همچنین بند ۱۰ با عنوان «لطمه» مقرر می‌دارد: «هیچ تبلیغی نباید رفتار مضر به سلامت و ایمنی را تشویق کند و یا با دیده اغماض به آن بنگرد» و می‌افزاید «تبلیغ درباره کسانی که مرتکب رفتار غیرقانونی یا زیانبار و یا بالقوه زیانبار می‌شوند یا از این رفتارها حمایت می‌کنند، مجاز نیست».

بند ۱۷ تبلیغات اسلحه را منع کرده و این کار را از طرف تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و کلپ‌های سلاح غیرمجاز دانسته است.

پخش و نمایش موضوعات جنسی (سکس) در برنامه‌ها

۱- اخبار، فیلم، مجموعه و برنامه‌های مستند

پخش و نمایش روابط جنسی و آشکارسازی یا در معرض دید قرار دادن آنچه خصوصی تلقی می‌شود و یا زننده به نظر می‌رسد و تأثیر نامطلوبی بر گروه‌های سنی خاص به جا می‌گذارد، در این مجموعه مقررات مورد توجه قرار گرفته و بندهایی از آن را به خود اختصاص داده است. در بند ۷۹ این مجموعه مقررات آمده است: «تحقیقات نشان می‌دهد که مخاطبان در بریتانیا روی هم رفته دربارهٔ نمایش موضوعات جنسی انعطاف‌پذیرتر شده‌اند اما متصدیان پخش نباید فرض کنند که روحیه تساهل نسبت به مطالب آشکار جنسی همه‌گیر شده است. در معرض عموم قرار دادن و آشکارکردن آنچه بسیاری از مردم آن را خصوصی و شخصی تلقی می‌کنند، می‌تواند زننده باشد.»

و به موجب بند ۱۰۸:

«رادیو و تلویزیون باید انتظارات مخاطبان فراوان خود را که دارای حد خاصی از تساهل نسبت به نمایش برنامه‌های جنسی هستند، برآورده سازند. اما حتی آنان که این نوع برنامه‌ها را موهن تلقی نمی‌کنند ممکن است از دیدن گونه‌هایی از این برنامه‌ها در جمع دیگران ابا داشته باشند و یا نگران تأثیر آن بر کودکان خود باشند...».

بند ۸۱ این مجموعه مقررات نسبت به زمان پخش برنامه‌های جنسی هشدار می‌دهد و مقرر می‌دارد:

«درخصوص برنامه‌های حاوی موضوعات جنسی زمان پخش آنها، به ویژه در ساعت‌های عادی پخش، بسیار اهمیت دارد. متصدیان پخش موظفند با عبارتهای واضح و اخطارهای کافی و مناسب، زمان پخش برنامه‌های حاوی صحنه‌های آشکار جنسی را به مخاطبان گوشزد کنند.»

بند ۸۳ درباره برنامه‌های مستند و رویدادهای خبری که موضوع جنسی دارد مقرر

می‌دارد:

«زمانی که یک گزارش خبری جنبه جنسی دارد ارائه آن باید بدون بهره‌برداری ناروا باشد. متصدیان پخش باید در هر شرایطی میزان بی‌پرده بودن این گزارش‌ها را با توجه به زمان پخش آنها در روز و حضور احتمالی اطفال در بین مخاطبان بسنجند ... تولیدکنندگان باید از خود بپرسند آیا گزارش علنی و بی‌پرده قابل توجیه است؟»

بند ۸۴ مجموعه مقررات به برنامه‌های همراه با گزارش‌های تلفنی شهروندان اختصاص دارد و متصدیان پخش را مقید می‌کند شهروندان را از محتوای احتمالی این گونه برنامه‌ها آگاه سازند.

بند ۸۷ به ارائه راهکارهایی درباره پخش اعمال و روابط جنسی آشکار مربوط به اطفال می‌پردازد و مقرر می‌دارد:

«پخش اعمال جنسی آشکار میان بزرگسالان و کودکان و یا میان کودکان (زیر ۱۶ سال) غیر مجاز است.»

بند ۸۹ نیز، پخش برنامه‌هایی را که در آنها سوء استفاده جنسی از کودکان و ارتباط جنسی با محارم مطرح است مدنظر قرار می‌دهد و یادآور می‌شود:

«گنجاندن موضوعات مربوط به سوء استفاده جنسی از کودکان و ارتباط جنسی با محارم در برنامه‌ها یا مجموعه‌ها برای آگاهی عمومی مجاز است و پخش آنها به منظور آگاه‌سازی اطفال مناسب است...».

اما در بند ۹۰ بلافاصله این خطر را گوشزد می‌کند که ممکن است مخاطبان از جمله اطفال، با شخصیت‌ها و داستان فیلم‌ها همذات پنداری کنند و آنها را مدل و الگوی خود قرار دهند، از این رو در بند ۹۱ مقرر می‌دارد که:

«این گونه برنامه‌ها در تلویزیون باید با علائم آشکاری حاکی از محتوای آن همراه باشد، در رادیو نیز به زمان پخش و وجود علائم باید توجه داشت.»

بند ۹۲ مجموعه مقررات موازین پخش، منع پخش روابط جنسی آشکار را میان انسان‌ها و حیوانات یادآور می‌شود. همچنین بند ۹۳ نمایش تصاویر عریان بدن انسان را در صورتی مشروع می‌داند که توجیه روشنی از نظر ویرایش و تدوین داشته باشد این

بند می‌افزاید توجیه پخش این صحنه‌ها باید براساس هدف و ماهیت برنامه باشد زیرا در غیر این صورت ممکن است موهن تلقی شود. اصول مقرر در مجموعه مقررات موازین پخش لازم الاجرا بوده و مرجع رسیدگی به شکایت‌هایی که درباره نقض مقررات صورت می‌گیرد خود مجمع پخش است. در ۲۳ مارس ۱۹۹۹ از شبکه پنج تلویزیون خصوصی انگلیس برنامه‌ای به نام "What's the story? Sex for sale!" به دنبال پخش تصاویر و صحنه‌های جنسی در این برنامه، سه بیننده به مجمع شکایت کردند. مجمع در دفاع از خود چنین اظهار داشت که برنامه یاد شده به سه موضوع پرداخته است:

۱- مشروعیت وجود فاحشه‌خانه‌ها در هلند؛

۲- قابل دسترس بودن عکس‌های مستهجن در اینترنت؛

۳- مجوز داشتن کلپ‌های رقص.

براساس نظر متصدیان شبکه پنج در این برنامه هیچ مطلب یا لحن خیال‌انگیز و یا بیان آشکاری درباره فاحشه‌خانه‌های دارای جواز آمستردام به کار گرفته نشده است. در این برنامه تنها مزایا و معایب آنها با فعالیت‌های مشابه در انگلستان مقایسه شده است. همچنین در مورد تصاویر مستهجن در اینترنت، متصدیان شبکه اظهار داشتند که در برنامه به صراحت میان پایگاه‌های قانونی که دسترسی به آنها مشکل است، و پایگاه‌های غیرقانونی که دسترسی به آنها آسان است، تمییز داده شده است و درباره مجوز کلپ‌های رقص به عنوان آخرین موضوع، متصدیان شبکه معتقد بودند برنامه صرفاً به مخالفت‌های موجود و اختیارات محدود مقامات در اعطای جواز به آنها پرداخته است. شورای مجمع پخش پس از بازبینی برنامه مورد بحث، با توجه به اظهارات متصدی پخش موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

- گزارش حاوی امور جاری بوده و محتوای آن با برنامه سازگاری داشته است.
 - گستردگی نمایش تصاویر و صحنه‌های بسیار آشکار جنسی قابل توجه بوده است.
- رأی مجمع:

بنابراین نظر شورا حجم و ویژگی مطالب نمایش داده شده در این برنامه فراتر از حدود مقرر برنامه‌هایی بوده است که در ساعت عادی روز پخش می‌شود، در نتیجه شکایت‌ها برای بررسی پذیرفته شد (Barendt, pp.145-146).

در مجموعه مقررات ITC نیز بندهایی به پخش مطالب جنسی و برهنگی اختصاص داده شده است. در بند ۱۰۶ آمده است:

«راجع به نمایش برهنگی در ساعت‌های عادی پخش برنامه (بین ۵/۳۰ بامداد تا ۲۱ شب) توجه خاصی باید مبذول شود اما نمایش برهنگی به نحوی غیرجنسی، بنا به اقتضا می‌تواند قابل توجیه باشد. قبل از اتمام ساعت‌های عادی پخش، نمایش مرادوات جنسی مجاز نیست مگر قصد آموزش جدی‌ای در کار باشد. هر نوع نمایش اعمال جنسی، چنانچه قبل از اتمام ساعت‌های عادی پخش باشد، با توجه به اقتضای متن برنامه، باید به نحوی مناسب محدود و غیر آشکار باشد.»

در بند ۱۰۳ مجموعه مقررات ITC با عنوان «اخطارهای مربوط به برنامه‌های مضر برای کودکان» آمده است:

«دستورالعمل ۱۹۹۷ تلویزیون بدون مرز شورای اروپا (بند ۱/ ماده ۲۲) مقرر می‌دارد متصدیان پخش به منظور اطمینان از پخش نشدن برنامه‌هایی که می‌تواند به طور جدی رشد و پرورش فیزیکی، روانی یا اخلاقی کودکان را به خطر اندازد، باید اقدام مقتضی به عمل آورند، به ویژه برنامه‌هایی که حاوی تصاویر مستهجن یا خشونت جنسی بی‌دلیل هستند... قانون متصدیان پخش را موظف می‌کند تا قبل یا در حین پخش، هشدارهای سمعی یا علائم بصری لازم را برای آگاهی مخاطبان در برنامه بگنجانند.»

در اینجا به دو مورد از شکایت‌هایی که نسبت به نقض مقررات ITC صورت گرفته و شورای ITC و مجمع موازین پخش هر دو به آن رسیدگی کرده‌اند^{۱۶}، اشاره می‌شود. شکایت اول مربوط است به برنامه "What's the story? Sex for sale" که شرح آن گذشت. از آنجایی که ITC ادعای شاکیان را نپذیرفت و تنها گستردگی نمایش صحنه‌های آشکار جنسی را قابل توجه اعلام کرد، مجمع BSC شکایت را مورد بررسی

قرار داد. رأی نهایی این مجمع نیز براین قرار گرفت که برنامه یاد شده ناقض مجموعه مقررات نبوده و شکایت مردود است. (Ibid, PP.124 – 125)

اما شکایت دوم مربوط به برنامه « Queer As Folk » است که از تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۹۹ تا ۱۴ آوریل ۱۹۹۹ به صورت مجموعه از کانال ۴ تلویزیون انگلیس پخش شده بود. برنامه درباره زندگی سه همجنس‌باز جوان بود. ITC ، درباره پخش این مجموعه ۱۶۰ مورد شکایت دریافت کرد. بیشتر شکایات‌ها مربوط به قسمت اول برنامه بود که نشان می‌داد نوجوان ۱۵ ساله‌ای را مرد ۲۹ ساله‌ای اغوا می‌کند. بخش دیگری از شکایات‌ها نیز از جملات و الفاظ رکیک به کار رفته در گفتار برنامه بود. اما متصدیان کانال ۴ سن و سال شخصیت فیلم را برای اصل داستان اساسی و صحنه‌های جنسی نمایش داده شده را بسیار گذرا دانستند و اظهار داشتند این صحنه‌ها به هیچ وجه صریح‌تر و بی‌پرده‌تر از بسیاری از صحنه‌های همجنس‌بازی پخش شده از تلویزیون نبوده است؛ همچنین برنامه پخش شده به تأیید عالی‌ترین سطح مدیریتی شبکه رسیده و قسمت اول آن با علاقه‌مندان هشداردهنده همراه بوده است. در پایان نیز افزودند، این مجموعه در چهارچوب آزادی و اختیارات شبکه و به منظور اقناع و برآوردن خواسته‌ها و علائق مختلف مردم عمل کرده است.

رأی شورای ITC براین قرار گرفت که این مجموعه از چهارچوب اختیارات قانونی کانال فزاتر نرفته و برنامه خوش‌ساخت و جذابی بوده است. فضای حاکم بر قسمت اول برنامه جایی برای پرسش باقی نگذاشته است اما وجود سه صحنه صریح جنسی بسیاری از بینندگان را متعجب کرده است. در نهایت مجمع، این مجموعه را ناقض مقررات ITC ندانست؛ هر چند در خصوص نحوه پرداختن به روابط جنسی افراد زیر سن قانونی و صحنه‌های صریح جنسی در قسمت اول برنامه، ابراز نگرانی کرد.

مجمع BSC نیز که چند ماه بعد به شکایات مربوط به این برنامه رسیدگی کرد، تنها شکایات مربوط به پخش صحنه‌های آشکار جنسی مرتبط با شخصیت ۱۵ ساله فیلم و شکایات مربوط به جملات و کلمات رکیک و خلاف اخلاق به کار برده شده در برنامه را وارد دانست.

۲ - تبلیغات تجاری

در مجموعه مقررات موازین و رویه‌های تبلیغاتی مجمع ITC درباره نمایش صحنه‌های جنسی در تبلیغات تجاری دستورالعمل خاصی مقرر نشده است. از این رو قواعد قابل استناد همان است که با عنوان «ذائقه عمومی و جرم» آمده است و در پخش و نمایش خشونت در برنامه‌ها ذکر شد.

در بند ۱۸ این مجموعه مقررات زیر عنوان «کالا و خدمات غیرمجاز» از هزینه‌نگاری^{۱۷} به عنوان کالا یا خدماتی که تبلیغ آن ممنوع است، یاد شده است. به همین جهت مجمع در مورد تبلیغات حاوی صحنه‌های جنسی، از نظر مغایرت داشتن یا نداشتن با ذائقه و حساسیت‌های عمومی به شکایت‌های دریافتی رسیدگی خواهد کرد. صرف نظر از قواعد فوق، در بخش سوم مجموعه مقررات مرجع رادیویی، بند ۱۶ در خصوص تبلیغات رادیویی قاعده خاصی آمده است که به موجب آن «تبلیغات خدمات جنسی نظیر روسپیگری^{۱۸} یا پیام‌های جنسی مجاز نیست.» «تبلیغات حاوی فروش یا توزیع مطالب و موضوعات هزینه‌نگاری و مستهجن مجاز نیست.»

پخش برنامه درباره مواد مخدر و نوشابه‌های الکلی

(۱) اخبار، فیلم، مجموعه و برنامه‌های مستند

در بند ۳۴ مجموعه مقررات کمیسیون موازین پخش (BSC) تحت عنوان مواد مخدر^{۱۹} آمده است: «مواد مخدر می‌تواند موضوع مشروعی، هم برای برنامه‌های واقعی و هم داستانی، باشد اما هیچ چیز نباید باعث ترغیب به استفاده ناروا و غیرقانونی از آنها شود.» در همین خصوص بند ۳۲ و ۳۳ مجموعه مقررات موازین پخش که به شعر و ترانه‌های همراه با موسیقی^{۲۰} می‌پردازد، سازندگان برنامه‌های موسیقی را از گنجاندن برخی موضوعات در ترانه‌ها که می‌تواند باعث تحریک به استفاده از مواد مخدر شود، بر حذر می‌دارد.

در بند ۳۵ مقررات BSC نیز زیر عنوان الکل و سیگار آمده است: «کشیدن سیگار و استفاده از الکل با در نظر گرفتن خطرات سلامتی و دیگر خطرات، هیچ کدام نباید مورد تشویق قرار گیرد، به ویژه در برنامه‌هایی که مخاطبان اصلی آن جوانان هستند.»

در مجموعه مقررات ITC، مقررات مربوط به مشروبات الکلی و مواد مخدر در بخش مربوط به تروریسم، جنایت و رفتار ضد اجتماعی، مطرح شده است. در بند ۸ بخش مزبور با عنوان «سیگار کشیدن و نوشیدن مشروبات الکلی» آمده است: «سیگار و الکل برای سلامتی زیان‌آور هستند، از این رو بهتر است برنامه‌ها به طور کلی حاوی صحنه‌های سیگار کشیدن و نوشیدن مشروبات الکلی نباشند، مگر آن که بنا به ملاحظات حقیقت‌گویی و یا با توجه به اقتضای متن قابل توجیه باشد... در برنامه‌هایی که اطفال و جوانان می‌توانند از مخاطبان آن باشند، باید دقت خاصی مبذول شود.»

بند ۹ این بخش نیز مقرر می‌دارد «نسبت به اجتناب از القای این تصویر که مواد مخدر در جامعه امروز انگلستان مطلوبیت دارد، باید دقت خاصی مبذول داشت، به ویژه در برنامه‌هایی که مورد علاقه خاص اطفال و جوانان است. همچنین از نمایش مفصل شیوه‌های دستیابی غیرقانونی به مواد مخدر که می‌تواند به سادگی مورد تقلید قرار گیرد، باید پرهیز کرد. مواد مخدر و سوء استفاده از اعتبار مالی نباید به شیوه‌ای نشان داده شود که بدون اشکال یا جذاب به نظر برسد.»

در خصوص پخش رادیویی نیز بند (۴) قاعده ۷ مجموعه مقررات برنامه رادیویی مقرر می‌دارد «محتوای برنامه‌های دارندگان مجوز پخش نباید از کشیدن سیگار یا افراط در نوشیدن مشروبات الکلی حمایت کند، ذکر این گونه اعمال و فعالیت‌ها مجاز نیست مگر آن که متن برنامه مورد پخش اقتضا نماید.»

۲) تبلیغات تجاری

مجموعه مقررات موازین و رویه تبلیغاتی کمیسیون تلویزیون مستقل (ITC) در قاعده ۱۸ بندهای الف و ث خود که به تبلیغ کالاها و خدمات ممنوعه اختصاص دارد «کلیه فرآورده‌های تنباکویی» و «کالاها و خدمات مربوط به آزمایش نَفَس را که هدف آن

پوشاندن آثار الکل باشد» جزء کالاها و خدماتی که تبلیغ آنها ممنوع است، محسوب می‌کند. ضمن این که قاعده ۲۰ این مجموعه مقررات نیز با عنوان «سلامتی و ایمنی» مقرر می‌دارد «هیچ تبلیغی نباید رفتار مضر برای سلامت و ایمنی را مورد تشویق قرار داده یا از آن چشم‌پوشی نماید...» با توجه به خطراتی که مصرف الکل، سیگار و مواد مخدر برای سلامتی افراد دربردارد، قاعده مزبور می‌تواند از این جهت قابل استناد باشد. البته این قاعده در ادامه مقرر می‌کند «...این امر تبلیغ کالاها و خدماتی را که در صورت زیاده‌روی یا سوء استفاده می‌تواند سلامتی یا ایمنی را به خطر اندازد، منع نمی‌کند.» گذشته از این، تبلیغ مشروبات الکلی در مجموعه مقررات موازین تبلیغاتی قاعده جداگانه‌ای را به خود اختصاص داده است که به تفصیل محدودیت‌های حاکم بر تبلیغ مشروبات الکلی را برمی‌شمرد.

مطابق بند (۱) قاعده ۴۰ «تبلیغ مشروبات الکلی برای افراد کمتر از ۱۸ سال یا به کارگیری رویه‌ای در تبلیغات که احتمالاً می‌تواند برای آنان جذابیت خاصی داشته باشد ممنوع است. در تبلیغ مشروبات الکلی نباید از اطفال استفاده کرد. در تبلیغ مشروبات حاوی ۱/۵ درصد الکل یا کمتر اشخاص حاضر در تبلیغ یا باید دست کم ۱۸ سال داشته باشند یا سنشان این گونه به نظر برسد. در کلیه تبلیغات دیگر مشروبات الکلی نیز افراد یا باید دست کم ۱۸ سال داشته باشند، یا این گونه به نظر برسند.»

به موجب بند (۲) قاعده ۴۰ «در هیچ تبلیغی برای مشروبات الکلی نباید از شخصیت‌هایی استفاده شود که ممکن است اشخاص زیر ۱۸ سال از آنان پیروی کنند یا برایشان جذابیت خاصی داشته باشد.»

به موجب بند (۳) «تبلیغات نباید متضمن این معنی باشد که مصرف مشروبات الکلی برای موفقیت یا مقبولیت اجتماعی امری اساسی است یا امتناع از آن نشانه ضعف است. همچنین تبلیغ نباید این معنی را القا کند که نتیجه موفقیت‌آمیز یک رویداد اجتماعی به مصرف الکل بستگی دارد.»

مطابق بند (۴) «در تبلیغ نباید ادعا شود که الکل آثار سلامت بخشی دارد یا این که محرک یا آرام‌بخش است. هر چند تبلیغ می‌تواند احساس بعد از فعالیت فیزیکی را

نشان دهد به هیچ وجه نباید این تصور را القا کند که این فعالیت می‌تواند با نوشیدن مشروب بهبود یابد.»

مطابق بند (۵) قاعده ۴۰ «در تبلیغات نباید گفته شود نوشیدنی‌ای به این دلیل که میزان الکل آن بالاتر یا مست‌کننده‌تر است ترجیح دارد و اصولاً نباید تأکید بی‌جایی بر میزان الکل صورت گیرد.»

به موجب بند (۶)، «در تبلیغات نباید نوشیدن مشروبات با رانندگی یا استفاده از ماشین‌های بالقوه خطرناک پیوند داده شود.»

وفق بند (۷) این قاعده، «در تبلیغات نباید ادعا یا پیشنهاد شود که نوشیدن مشروب می‌تواند به کامیابی جنسی کمک کند یا لذت جنسی را افزایش دهد.»
مطابق بند (۸)، «در تبلیغ نباید گفته شود که صرف نوشیدن منظم مشروب مطلوبیت دارد یا ابزاری برای حل مشکلات شخصی است.»

به موجب بند (۹)، «در تبلیغات نباید گفته شود که مشروب‌خواری نشانه اصلی مردانگی است. رفتارهای نشانه شجاعت، طاقت و دلیری نباید با نوشیدن مشروب مرتبط شناخته شود و در متن نمایش یک رفتار تعرضی یا ضد اجتماعی، نباید مشروبات الکلی تبلیغ شود.»

همچنین در بند (۱۰) قاعده ۴۰ آمده است: «مصرف مشروبات الکلی در محیط کار نباید نشان داده شود، مگر آنکه به روشنی معلوم باشد که کار روزانه پایان یافته است.»
در تبلیغات رادیویی نیز مطابق قاعده ۱۰ بخش سوم مقررات تبلیغات مرجع رادیویی تبلیغات سیگار و توتون و کاغذ سیگار ممنوع است.

براساس قاعده ۱۱ این بخش از مجموعه مقررات «تبلیغ مشروبات الکلی باید با حداقل موازین مقرر در این مقررات مطابق باشد. این قواعد در خصوص مشروبات دارای درصد پایین الکل نیز قابل اعمال است مگر آن که به نحو دیگری مقرر شده باشد... در بخش اتفاقی مصرف الکل در تبلیغات برای کالاها و خدمات دیگر باید همواره دقت لازم به منظور تضمین مغایر نبودن با روح این قواعد به عمل آید.»

مطابق بند (۱) قاعده ۱۱ «تبلیغ مشروبات الکلی نباید در برنامه‌های مذهبی یا کنار آنها یا در برنامه‌هایی که خاص اشخاص زیر ۱۸ سال است پخش شود.» قاعده ۱۱ طی بندهای دیگر خود محدودیت‌هایی را در خصوص پخش تبلیغات رادیویی مشروبات الکلی برمی‌شمارد که تقریباً همان است که در مجموعه مقررات ITC آمده است.

تبلیغات مذهبی و برنامه‌های الحادی و کفرآمیز

جرم الحاد در حقوق انگلیس به معنای انتشار هر موضوعی است که حاوی مطالب استهزاآمیز و انکارگرایانه نسبت به خداوند، مسیح، کتاب مقدس یا آیین کلیسای انگلیکان باشد.^{۲۱} از این رو توهین به مذاهب دیگر و آموزه‌های دیگری به جز اصول بنیادی کلیسای انگلیکان جرم تلقی نمی‌شود. بنابراین چنانچه کسی نه بر سیل انتقاد متعارف و معقول بلکه به شیوه‌ای موهن و به نحوی استهزاآمیز عقاید مسیحی را به هر نحوی مورد حمله قرار دهد، مجرم شناخته شده و عمل وی مجازات زندان یا جریمه را به دنبال خواهد داشت^{۲۲} (Carey/ p.74). اکنون می‌خواهیم ببینیم چه محدودیت‌هایی در خصوص پخش برنامه‌های حاوی مطالب الحادی به معنایی که گفتیم در این مقررات وجود دارد.

۱- اخبار، فیلم، مجموعه، برنامه‌های مستند و غیره

در مجموعه مقررات BSC، بند مستقلی با عنوان «جرایم علیه حساسیت‌های دینی» پیش‌بینی شده است. این بند حاوی راهکارهایی است که متصدیان پخش رادیو - تلویزیونی موظف به اعمال آن هستند: «به کارگیری سهل‌انگارانه نام‌ها، کلمات یا علائمی که از جانب مؤمنان، مقدس تلقی می‌شوند، می‌تواند موجبات لطمه (به احساسات) را فراهم سازد. توهین به الفاظ مقدس معتقدان را دچار نگرانی می‌کند و این امر نباید دست‌کم گرفته شود. برای مثال، اکثر مردم نمی‌خواهند با به کارگیری سهل‌انگارانه نام‌های مسیحی به صورت توهین‌آمیز به احساسات دیگران لطمه وارد کنند. به کاربردن این اسامی در الفاظ رکیک و ناسزاهای کفرآمیز جنسی نمونه خاصی

از این دست محسوب می‌شود. اغلب این خلاف‌ها از روی قصد صورت نمی‌گیرد، بلکه به واسطه ناآگاهی از ارزشی است که این الفاظ و نشانه‌های دارای بار مذهبی برای برخی از مخاطبان دارند.» از این رو اهانت به الفاظ و نشانه‌های مقدس مطابق مقررات خلاف تلقی شده و متصدیان پخش در صورت ارتکاب آن مسئول شناخته خواهند شد.^{۲۳}

در مجموعه مقررات ITC نیز بخش ۷ به طور جداگانه به مذهب اختصاص یافته است. بند (۱) این بخش با استناد به قانون پخش ۱۹۹۰، مقرر می‌دارد که برنامه‌ها به ویژه نباید حاوی مطالب زیر باشد:

۱- هر گونه بهره‌برداری ناروا از احساسات مخاطبان

۲- هر گونه برخورد توهین‌آمیز با عقاید و دیدگاه‌های مذهبی کسانی که به یک مذهب خاص یا یک فرقه مذهبی تعلق دارند.

مطابق بند (۲) این بخش از مجموعه مقررات «به منظور اجتناب از هر گونه قلب

واقعیت در خصوص عقاید و اعمال فرق مذهبی و درست و بی‌طرفانه بودن این

برنامه‌ها، باید حداکثر تلاش صورت گیرد. برنامه‌ها و مطالبی که به دنبال آن پخش

می‌شود نباید توهینی به عقاید دیگران روا دارد. ... متصدیان پخش می‌توانند از گروهی

که نماینده سنت‌های اساسی مذهبی در میان مخاطبان‌شان هستند مشورت بخواهند.»

به موجب بند (۳) «به طور کلی برنامه‌های مذهبی در کانال‌های ۳، ۴ و ۵ باید

عبادت، تفکر و عمل سنت‌های اصلی مذهبی موجود در انگلستان را منعکس کنند

ضمن این که اینها را به عنوان سنت‌های اساسی، اگر نه انحصاری، مسیحی بشناسند...»

همچنین مطابق بند (۴) «هویت نهادهای مذهبی در برنامه باید برای بینندگان تا

جایی که عملی باشد، از نظر صدا و تصویر روشن شود.»

از بندهای مهم دیگر بخش ۷ مجموعه مقررات ITC بند ۶ آن است که به موجب آن

«از برنامه‌های مذهبی می‌توان برای معرفی، تبلیغ و نشر عقاید مذهبی استفاده کرد، اما

برنامه‌ها و مطالبی که به دنبال برنامه‌ها پخش می‌شود نباید به منظور تحقیر عقاید

دیگران مورد استفاده قرار گیرد. هدف برنامه‌های مذهبی در کانال‌های غیراختصاصی

نباید مؤمن کردن بینندگان به عقاید مذهبی با تشویق به عضویت در فرقه مذهبی خاصی باشد.»

بند ۷ این بخش مقرر می‌دارد «... برنامه‌های مذهبی نباید با ترساندن مخاطبان، آنان را متقاعد سازند و یا بر آنان تأثیر بگذارند.»

همچنین به موجب بند ۸ «مگر در متن تحقیقی که مشروع و قانونی باشد، برنامه‌های مذهبی نباید حاوی ادعاهای غیرقابل اثباتی از جانب یا دربارهٔ برخی افراد یا گروه‌های موجود باشد مبنی بر این که آنها دارای قدرت یا توانایی‌های خاصی هستند.» اینها عمده محدودیت‌هایی است که مجموعه مقررات ITC در خصوص پخش برنامه‌های مذهبی مقرر داشته است.

در خصوص پخش رادیویی برنامه‌های مذهبی نیز در بند ۷ مجموعه مقررات مرجع رادیویی محدودیت‌هایی آمده است که به دلیل تشابه تام آن با محدودیت‌های حاکم بر پخش تلویزیونی از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.

۲- تبلیغات تجاری

مقررات مربوط به تبلیغات مذهبی یا تبلیغات حاوی موضوعات مذهبی در ضمیمه شماره ۵ مجموعه مقررات موازین و رویه تبلیغاتی ITC با عنوان تبلیغات مذهبی آمده است. بخش مقدمه این ضمیمه با توجه به قاعده ۱۰ آن که تبلیغات دارای اهداف سیاسی را منع می‌کند، یادآور می‌شود هر گونه تبلیغات مذهبی واجد ماهیت سیاسی، ممنوع است.

بند ۴ ضمیمه شماره ۵ تبلیغات (مذهبی) با اهداف زیر را مجاز می‌داند:

۱- پخش و اعلام رویدادهایی نظیر خدمات، نشست‌ها یا جشنواره‌های مذهبی

۲- توصیف فعالیت‌های سازمان‌ها و نحوه تماس با آنها

۳- معرفی کتاب‌ها و نشریات یا تبلیغ فروش یا اجاره کالاهای دیگر

به موجب بند ۵ تبلیغات نهادهای زیر مجاز نیست:

۱- نهادهایی که اعمال غیرقانونی انجام داده یا از آن اعمال پشتیبانی می‌کنند.

- ۲- نهادهایی که مراسم مذهبی یا دیگر فعالیت‌های جمعی آنها به شکل عادی و به طور مستقیم برای عموم آزاد نیست.
- بند ۶ ضمیمه شماره ۵ مجموعه مقررات اصولاً درخواست پول را در تبلیغات ممنوع می‌کند و آن را تابع شرایطی قرار می‌دهد.
- مطابق بند ۷، تبلیغات در حمایت از مذهب به طور کلی مجاز نیست و صرفاً باید در قالب موضوعات مقرر در بند ۴ یاد شده صورت گیرد و به شیوه‌ای باشد که به بینندگان تفهیم کند هدف تبلیغات معرفی عقیده تبلیغ‌گر است.
- بند ۸: «هیچ تبلیغی نباید عقاید مذهبی دیگران یا فلسفه‌های دیگر زندگی را تحقیر کند. ادعاهایی از این قبیل که فلان مذهب «تنها» عقیده یا تنها عقیده «درست» است، مجاز نیست».
- همچنین مطابق بند ۹ «هیچ تبلیغی نباید باعث برانگیختن ترس شود. اشاره به پیامدهای بی‌دینی یا پیروی نکردن از یک عقیده خاص مجاز نیست».
- بند ۱۰: «هر نوع اشاره به فواید مذهب برای زندگی مطلوب شخصی باید محدود باشد. توصیه‌ها و اشاره به سرگذشت فردی مجاز نیست».
- بند ۱۱: «هیچ تبلیغی نباید از ویژگی سالم‌سازی یا اعجاز عقیده‌ای پشتیبانی کند».
- بند ۱۲: «بدون موافقت قبلی کمیسیون، در هیچ تبلیغی نباید پیشنهاد ارائه مشاوره روحی، اخلاقی یا احساسی صورت گیرد».
- بند ۱۳ و ۱۴ ضمیمه شماره ۵ مجموعه مقررات نیز محدودیت‌هایی در خصوص برخی از اقشار جامعه مقرر می‌دارد. بند ۱۳ (الف): «تبلیغات دارای اهداف مقرر در قاعده ۴ (الف) (۱) و یا ۴ (الف) (۲) یاد شده نباید برای جذب افراد زیر ۱۸ سال باشد و هیچ تبلیغی نباید در بین برنامه‌ها یا بلافاصله قبل و بعد از برنامه‌هایی که مخاطبان آن اصولاً افراد زیر ۱۸ سال هستند و یا احتمالاً جذابیت خاصی برای آنان دارد، پخش شود».
- بند ۱۴: «هیچ تبلیغی نباید از تأثیرپذیری مخاطبان خاص (مانند سالمندان، ناتوانان یا اشخاص تنها) بهره‌برداری کند».

بند ۱۵: «در تبلیغات می‌توان ارسال رایگان مطالب (از جمله نوار و فیلم ویدئو) را برای محققان پیشنهاد کرد اما هیچ پیشنهاد رایگان دیگری مجاز نیست.»
بند ۱۷، بخش اعمال عبادی: «نشان دادن مختصر اعمال عبادی در تبلیغات مجاز است اما نه به شیوه‌ای که با الزامات دیگر این قواعد ناسازگار باشد. اعمالی که به نظر می‌رسد بینندگان را درگیر انجام یک عمل عبادی یا نماز می‌کند در تبلیغات مجاز نیست.»

بند ۱۸: «در کلیه تبلیغات، فرد یا سازمان مذهبی‌ای که تبلیغات از طرف آن پخش می‌شود به صراحت باید معرفی شود.»

بند ۱۹: «تبلیغات نباید مستقیماً بینندگان را به تغییر رفتار مذهبی‌شان توصیه کند.»
درخصوص تبلیغات در کانال‌های اختصاصی مذهبی مطابق بند ۲۰ مجمع در صورتی که لازم تشخیص دهد، ملاحظاتی در اعمال قواعد مزبور به عمل خواهد آورد. درباره پخش رادیویی تبلیغات مذهبی ابتدا قاعده ۹ بخش سوم مجموعه مقررات تبلیغات و حمایت مالی مقام رادیویی می‌تواند قابل استناد باشد. این قاعده با اشاره به این که تبلیغات نباید منافی ذائقه و حساسیت‌های عمومی، موازین رفتار اجتماعی یا باعث جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود، متصدیان پخش را به در نظر گرفتن حساسیت‌های طیف‌های مختلف مخاطبان به هنگام زمان‌بندی پخش برنامه و اهانت نکردن به عقاید مذهبی آنان فرا می‌خواند. مطابق بند (د) این قاعده «اشاره به عقاید مذهبی یا سیاسی نباید اهانت‌آمیز یا زیانبار باشد و در به کارگیری موضوعات و رفتارهای مذهبی توسط گروه‌های غیرمذهبی دقت خاصی باید مبذول شود.»
همچنین قاعده ۳ از بخش سوم مجموعه مقررات تبلیغات مرجع رادیویی، انحصاراً به مذهب و اعتقادات مذهبی اختصاص دارد و به طور عمده همان است که در بخش مربوط به تبلیغات تلویزیونی ذکر شده است. نکته‌ای که شاید تازگی داشته باشد بند ۱۰ قاعده ۳ است که به موسیقی‌های مقدس یا مذهبی اختصاص دارد و به موجب آن «در پخش موزیک مذهبی باید دقت خاصی مبذول شود. استفاده بجا چنانچه مرتبط با

موضوع باشد (برای مثال تبلیغ برنامه کنسرت) می‌تواند قابل قبول باشد اما در تبلیغات کالاها غیرمربوط به کارگیری موسیقی مذهبی مناسبت ندارد.»

همچنین مطابق بند ۱۲ «تبلیغ کالاها و خدمات واجد ماهیت فوق‌طبیعی نظیر، پیشگویی، احضار ارواح و نمایشگاه‌های امور غیرطبیعی باید «صرفاً اعلامی»^{۲۴} باشد و به صورت آشکار یا ضمنی با هیچ ادعایی در این زمینه همراه نباشد.

سازوکار نظارت

در انگلستان همان نهادهایی که وظیفه وضع قوانین و مقررات را درخصوص شبکه‌های رادیو و تلویزیونی برعهده دارند، مسئولیت نظارت بر رعایت آنها را نیز عهده‌دار هستند.

مطابق بخش ۲ (۱) قانون پخش ۱۹۹۰، نقش اصلی ITC یا کمیسیون شبکه‌های تلویزیونی مستقل، اعطای مجوز و نظارت بر تلویزیون‌های تجاری (خصوصی) است. به جز BBC و سرویس تلویزیونی ولز^{۲۵} تحت نظارت مرجع ولزی است، کلیه شبکه‌های تلویزیونی اعم از دیجیتالی، ماهواره‌ای و غیره زیر نظر ITC به پخش برنامه می‌پردازند. همان گونه که پیش از این گفتیم یکی از وظایف کمیسیون مزبور تنظیم مجموعه مقررات برنامه است. علاوه بر نظارت بر رعایت تعهدات مقرر در این مجموعه مقررات (و مجموعه‌های مصوب دیگر) مجمع پاسخگوی شکایات بینندگان نیز خواهد بود. در راستای انجام این وظیفه برای مثال طی سال ۱۹۹۸ مجمع در مجموع ۳۶۵۷ مورد شکایت دریافت کرد که بخش عمده آن درخصوص خدمات شبکه‌های تلویزیونی زمینی بود، هر چند ۳۶۱ مورد از این شکایات (یعنی تنها ۱۱ درصد) پذیرفته شد. گذشته از این در ۱۵ مورد نیز مجمع بدون دریافت شکایت، خود مبادرت به رسیدگی کرد.^{۲۶}

به منظور تضمین رعایت هر چه بیشتر مقررات از سوی متصدیان پخش، مجمع می‌تواند مجازات‌هایی را به خاطیان تحمیل کند:

- تصحیح یا پوزش خواهی یا هر دو در مواقعی که بنا به تشخیص مجمع برای جبران تخلف دارنده جواز کافی باشد؛

• عدم امکان پخش برنامه در آینده چنانچه بنا به تشخیص مجمع، پخش آن منافی تعهدات دارنده جواز باشد؛

• دستور پرداخت جریمه به کمیسیون یا کاهش مدت جواز پخش (که البته نباید بیشتر از دو سال باشد) در مواردی که دارنده جواز در انجام تعهدات و یا دستورات قصور ورزد؛

در نهایت لغو جواز پخش از مجازات‌هایی است که در اختیار ITC قرار دارد و بسته به شدت تخلفات اعمال می‌شود.^{۲۷} البته تا سال‌های اخیر شدیدترین مجازات حکم به پرداخت جریمه نقدی بوده است. چنان که در سال ۱۹۹۴ مجمع، شبکه گرانادا^{۲۸} را به پرداخت ۵۰۰/۰۰۰ پوند جریمه محکوم کرد و این سنگین‌ترین مجازاتی بود که ITC تا آن زمان بر یک شبکه تلویزیونی زمینی تحمیل کرده بود و یا در سال ۱۹۹۸ که Central Television را به دلیل نقض شرایط و تعهدات مقرر در جواز، به واسطه پخش برنامه‌ای به نام The Connection، ۲ میلیون پوند جریمه کرد. (Barendt, op. cit, P.135)

مرجع رادیویی (RA) نیز همانند کمیسیون تلویزیونی وظیفه نظارت بر اجرای مجموعه مقررات مصوب خود را برعهده دارد و در صورت تخلف، بسته به مورد، مجازات‌های مختلفی را بر دارندگان جواز تحمیل خواهد کرد. در این راستا مرجع رادیویی از همان الگوی تلویزیون البته با تفاوت‌هایی تبعیت می‌کند.^{۲۹}

کمیسیون موازین پخش (BSC) مرجع سومی است که وظیفه تنظیم یک سری اصول و ضوابط و رسیدگی به شکایات شهروندان را درخصوص موارد نقض آن عهده‌دار است. این وظیفه مربوط به موضوعاتی از قبیل نمایش و پخش خشونت و اعمال جنسی، مسائل مرتبط با ذائقه و حساسیت‌های عمومی، موازین رفتار اجتماعی، تعرض به حریم خصوصی و تبعیض در اعطای جواز است. کلیه متصدیان پخش رادیویی و تلویزیونی اعم از دولتی و خصوصی در هر یک از این موارد در قبال BSC پاسخگو خواهند بود. البته این مراجع موازی مشکلاتی را نیز برای دارندگان جواز در هر دو بخش دولتی و خصوصی ایجاد می‌کنند، زیرا همان گونه که پیش از این گفتیم، در زمینه موضوع‌هایی که رسیدگی به آنها در حیطه صلاحیت BSC است، شبکه‌های رادیو و

تلویزیونی خصوصی در قبال ITC و مرجع رادیویی (RA) نیز مسئولیت دارند و شبکه دولتی BBC علاوه بر این از یک سازوکار نظارتی درونی برخوردار است که وظیفه اعمال آن بر عهده نهادی به نام واحد شکایات برنامه‌ای^{۲۰} است و همین امر ممکن است باعث بروز سردرگمی‌هایی از جهت صدور نظرها و آرای متناقض شود.

مصونیت گزارش‌ها از نظر عرف

بند (۴) ماده ۱۵ قانون با ذکر این مطلب که قانون نباید حتی در جهت محدودساختن نازل‌ترین سطح مصونیت به کار گرفته شود، بقای این دفاع را در گرو انتشار گزارش‌های منصفانه و واقعی از جریان‌ها (دادگاه‌ها، مذاکرات مجلس و ...) ذکر کرده است.

در جایی که مطلب مورد ادعا به گزارش از جریان‌های خارجی مربوط می‌شود، خواننده نمی‌تواند به دفاع مصونیت متوسل شود اما دفاع قانون عرف دارای چنین محدودیت جغرافیایی نیست.

ملاحظات کلی

در ایران از آنجا که قانون خاصی درباره مسئولیت رادیو و تلویزیون وجود ندارد، صداوسیما جمهوری اسلامی از جهت مسئولیت مدنی (یا کیفری) برای پخش برنامه‌های خود اساساً تابع همان ضوابطی است که در قوانین و مقررات عمومی کشور پیش‌بینی شده است و محاکم عمومی کشور مسئولیت رسیدگی و تشخیص آن را بر عهده دارند. در واقع قوانین ناظر به رادیو و تلویزیون در ایران که منحصر به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی است، صرفاً حاوی یک سری اصول و معیارهای کلی است که باید در پخش برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

قانون «خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۷ تیرماه ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی تنها قانونی است که درخصوص محدودیت‌های مورد نظر در این مقاله یعنی ضوابطی که هدف آن حفظ نظم و حمایت

از اخلاقیات مورد قبول جامعه است، می‌تواند قابل استناد باشد. به علاوه قانون اساسنامه صداوسیما، مصوب ۲۷ مهر ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی نیز از این حیث قابل بهره‌برداری است. قوانین خاص ناظر به رادیو و تلویزیون در ایران منحصر به همین دو قانون است که صرفاً حاوی یک سری ضوابط کلی هستند.

اما گذشته از این قوانین عمومی، در درون سازمان صداوسیما از همان ابتدا ضوابطی در چهارچوب اجرای سیاست‌ها و اهدافی که برای صداوسیما در مقررات عمومی کشور ترسیم شده است، از سوی مراجع مختلف درون سازمان از جمله ریاست سازمان و یا شوراهای عالی سیاستگذاری که در حوزه ریاست تشکیل می‌شود به شکل دستورالعمل یا بخشنامه به تصویب رسیده است و متصدیان تولید و پخش برنامه موظف به رعایت آنها در روند تهیه و پخش برنامه‌ها هستند.^{۳۱} البته در زمینه

ممنوعیت‌های اخلاقی که چندان ارتباطی با حقوق خصوصی افراد ندارد، پیش‌بینی نشدن ضوابط و مقررات دقیق، با توجه به دولتی بودن رادیو و تلویزیون، اسلامی بودن نظام و اعمال محدودیت کلی در پخش برنامه‌های حاوی مطالب خلاف اخلاق، مشکل چندان‌ی ایجاد نمی‌کند. اما باید گفت در این زمینه پخش مطالبی که مستقیماً با حقوق خصوصی افراد در ارتباط است، نظیر مطالب حاوی هتک حرمت اشخاص یا تعرض به حریم خصوصی آنان، وضع مقررات دقیق و احیاناً همراه با پیش‌بینی مرجع قانونی خاص جهت رسیدگی به شکایات می‌تواند مطلوب باشد.

درخصوص تبلیغات نیز همان گونه که می‌دانیم در بسیاری از کشورها قانون خاصی برای تبلیغات رسانه‌ای (اعم از چاپی و پخش) وضع شده است اما در ایران تاکنون چنین قانونی به تصویب نرسیده است؛ با این وجود مجموعه‌ای با عنوان «دستورالعمل تهیه آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی» از سوی اداره کل بازرگانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در تابستان ۱۳۷۷ «با رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران ناظر بر موضوع، عرف تبلیغات و ملاحظه قوانین تبلیغاتی برخی از کشورها» تدوین شده است. (مقدمه دستورالعمل بند (ب) که مطابق بند (ج) مقدمه آن

رعایت آن برای پخش آگهی از کلیه شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران الزامی است).

با توجه به نبود ضوابط مدون و مصوب رسانه‌ای در خصوص محدودیت‌های حاکم بر موضوعات جنسی، الکلیسم، مواد مخدر و مطالب الحادی در ایران، در اینجا از تقسیم‌بندهای به عمل آمده در بخش‌های پیشین تبعیت نشده است. این مطالب در دو بخش ارائه خواهد شد: ۱- مصادیق محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی در ایران که در دو عنوان جداگانه برنامه‌های تبلیغاتی و غیر تبلیغاتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و ۲- شیوه و سازوکارهای نظارتی موجود در سازمان.

محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر پخش

۱- اخبار، فیلم، مجموعه و برنامه‌های مستند

در خصوص موضوعات جنسی در ایران محدودیت کاملی بر برنامه‌های صداوسیما حاکم است. در قوانین موجود حتی اصطلاح موضوعات «جنسی» به کار نرفته و برای اشاره به آن همه جا از تعبیر «خلاف عفت و اخلاق عمومی» و یا امور «مستهجن» و «مبتذل» و یا نظایر آن استفاده شده است. مرتکبان و اشاعه‌دهندگان این اعمال نیز مستوجب مجازات شمرده شده‌اند.

بند (۱) ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ذیل فصل هجدهم خود با عنوان «جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی» مقرر می‌دارد، «هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علامت، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد» و به موجب بند ۳ آن «اشیا فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد» حسب مورد مستوجب مجازات حبس، جزای نقدی و شلاق خواهد بود. ناگفته پیداست که پخش برنامه‌های خلاف عفت و اخلاق عمومی از طریق رادیو - تلویزیون از مصادیق بارز جرم یاد شده به حساب می‌آید. به علاوه قانون خط‌مشی کلی

و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما در بند (ج) ماده ۱۹ خود پخش «کلیه برنامه‌ها به ویژه اخبار» را که «موجب فساد اخلاق و هتک حرمت جامعه» شود به عنوان مصداق آیه «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا...» اساساً منع می‌کند.

در ایران موضوعات و مطالب «مستهجن» و «مبتذل» با تعاریف خاص خود از مصادیق امور خلاف عفت و اخلاق عمومی هستند و پخش آنها از رادیو - تلویزیون ممنوع است. تبصره ۵ ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند، (مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ مجلس شورای اسلامی) در تعریف آثار سمعی و بصری «مستهجن» می‌گوید. «آثار سمعی و بصری «مستهجن» به آثاری گفته می‌شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا آمیزش جنسی باشد». مطابق تبصره ۱ بند (ب) ماده ۳ قانون مزبور نیز «آثار سمعی و بصری «مبتذل» به آثاری اطلاق می‌شود که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند.» در این قانون «مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی» در تعریف آثار سمعی و بصری مبتذل مفهوم به نسبت روشنی دارد.

در خصوص پخش خشونت در برنامه‌ها وجود نیاز، ضابطه خاصی در قانون خط‌مشی و اصول برنامه‌های صداوسیما و قوانین عمومی دیگر به چشم نمی‌خورد. همان گونه که در فصل پیش دیدیم در انگلستان، کمیسیون موازین پخش و کمیسیون شبکه‌های تلویزیونی مستقل هر یک ضوابطی را از نظر زمان و چگونگی پخش رویدادهای خشونت‌آمیز و «شوک‌آور» اعم از طبیعی یا انسانی مقرر کرده‌اند. از این جهت نیز با توجه به نبود ممنوعیت خاصی نسبت به پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز از صداوسیما باید به ضوابط کلی موجود اکتفا کرد. به عبارت دیگر، نفس نمایش خشونت در برنامه‌های صداوسیما با ممنوعیت خاصی مواجه نیست مگر آن که هدف یا نتیجه آن ترویج اعمال خشونت‌آمیز و یا ایجاد تشنج در جامعه باشد که در این صورت مشمول ممنوعیت‌های قانونی قرار خواهد گرفت. برای مثال می‌توان به بند (د) ماده ۱۹ قانون خط‌مشی و اصول برنامه‌های صداوسیما اشاره کرد که به موجب آن پخش کلیه

برنامه‌هایی که «موجب... ایجاد تشنج در جامعه گردد» ممنوع است. مقدمه این قانون نیز که صداوسیما را به پرهیز از «اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی» فرامی‌خواند، راهنمای مناسبی در این زمینه محسوب می‌شود.

درخصوص برنامه‌های حاوی موضوعات مربوط به مواد مخدر در کشورهای نظیر انگلستان همان گونه که دیدیم در قوانین مربوط گاه مقرراتی در زمینه زمان و چگونگی پخش و ارائه این برنامه‌ها وضع شده است. شاید از این جهت که در چنین کشورهایی اصل بر جریان و مبادله آزاد اطلاعات و اساساً همه نوع اطلاعات است و همین رویه در اطلاع‌رسانی، وجود ضوابط دقیقی را در خصوص پخش موضوعات مختلف به ویژه موضوعات دارای خصلت اجتماعی طلب می‌کند.

در قانون خط‌مشی و اصول برنامه‌های صداوسیمای جمهوری اسلامی به قاعده خاصی در خصوص نحوه پخش چنین برنامه‌هایی اشاره نشده است اما می‌توان گفت با توجه به اهداف و رسالتی که قانون مزبور و قوانین دیگر برای صداوسیما قایل شده است، پخش برنامه‌هایی که دست کم نتیجه آن ایجاد جذابیت و یا تحریک به استفاده از مواد مخدر باشد ممنوع خواهد بود که البته تشخیص چنین امری با متصدیان پخش است.

در مورد سیگار نیز وضع به همین نحو است. از آنجا که استعمال دخانیات جز در برخی اماکن عمومی در هیچ جا از جمله ایران مشمول ممنوعیت قرار نمی‌گیرد، استعمال دخانیات در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی و یا برنامه‌هایی که اساساً موضوع آن سیگار و فرآورده‌های تنباکویی است با تساهل بیشتری همراه است. در قانون ضابطه‌ای در این مورد به چشم نمی‌خورد، با این وجود همان گونه که درباره مواد مخدر یادآور شدیم، در صورت احراز بدآموزی برنامه‌های مربوط از سوی متصدیان امر، به طور قطع محدودیت‌هایی در پخش برنامه‌ها اعمال خواهد شد.

ممنوعیت پخش مطالب الحادی یا کفرآمیز البته با درجاتی فصل مشترک قوانین حاکم بر رسانه‌های همگانی در اغلب کشورها است. در صداوسیمای جمهوری اسلامی نیز نه تنها پخش چنین مطالبی (نسبت به کلیه ادیان توحیدی) به کلی ممنوع است بلکه

به شکل اثباتی، زدودن «ارزش‌های شرک‌آلود» و «بازشناسی آثار و عواقب آن در همه زمینه‌ها و نمایش و مطرح کردن آنها» جهت از هم گسیختن «قید و بندهایی که مانع آزادی و کرامت انسانی در راه رشد و تکامل است» و «جایگزینی ارزش‌های اصیل و نوین اسلامی» از اهداف و اصول برنامه‌هایی است که برای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی مقرر شده است. به گونه‌ای که فصل سوم قانون مربوط به خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما به «مسائل عقیدتی» اختصاص دارد. این مطلبی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به طور مشخص با اشاره به رادیو-تلویزیون بر آن تأکید شده است.

این مطلبی است که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصل ۱۷۵ و به طور مشخص با اشاره به صداوسیما بر آن تأکید شده است. از این رو با توجه به ماهیت نظام و تأکید فراوانی که در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی بر اشاعه افکار دینی و رعایت موازین اسلامی شده است، قانونگذار چندان خود را موظف به تفصیل و تشریح چگونگی پخش برنامه‌های مذهبی در رادیو-تلویزیون از حیث ممانعت از هتک و اهانت به مقدسات دینی و مذهبی ندیده است.

نکته قابل توجه آن که در قوانین رسانه‌ای انگلیس توهین به مقدسات و پخش مطالب الحادی و کفرآمیز تنها نسبت به مسیحیت مجاز نیست. چنانچه از طریق رسانه‌ها نسبت به سایر ادیان الهی مطالب کفرآمیز و الحادی منتشر شود قانوناً قابل پیگرد نیست.

۲- تبلیغات تجاری

با توجه به این که مجموعه ضوابط تولید آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی اداره کل بازرگانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، همانگونه که در مقدمه و اصل آن اشاره شده است، با رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است و قاعداً نباید مغایرتی با قوانین پیش گفته در خصوص اصول پخش برنامه داشته باشد، نظر به این که پخش آگهی‌های بازرگانی از صداوسیما دستورالعمل جداگانه‌ای را به خود اختصاص داده است که رعایت آن برای صاحبان، تولیدکنندگان، سفارش‌دهندگان

آگهی‌ها و نیز کلیه شبکه‌های رادیو و تلویزیونی جمهوری اسلامی الزامی است، تشریح برخی دقایق آن بحث جداگانه‌ای را طلب می‌کند.

در خصوص مضامین خلاف اخلاق و عفت عمومی در آگهی‌های تبلیغاتی اصولی در دستورالعمل مقرر شده است که می‌تواند قابل استناد باشد، از جمله اصل ۲۸ که به موجب آن «پوشش و آرایش شخصیت‌های مورد استفاده در آگهی باید متناسب با عرف جامعه بوده و با موقعیت سنی و اجتماعی آنها متناسب باشد.»

همچنین مطابق اصل ۵۳ دستورالعمل «استفاده از کلمات و تصاویری که بار منفی دارند در متن آگهی مجاز نیست». البته تشخیص این امر با متصدیان پخش آگهی خواهد بود. اصول دیگری نیز در دستورالعمل اداره بازرگانی صداوسیما مقرر شده است که انگیزه وضع آنها را می‌توان رعایت عفت و اخلاق عمومی دانست. از جمله اصل ۵۴ که مقرر می‌دارد «استفاده از تصاویری که القای رقص نماید در متن آگهی مجاز نیست» و یا اصل ۵۱ و تبصره آن از این جهت می‌تواند قابل ذکر باشد.

به موجب اصل مزبور: «در تولید آگهی‌های آهنگین (موزیکال) رعایت دقیق شئون موازین جمهوری اسلامی ایران ضروری است. این اصل برای پرهیز از هر گونه ابتذال باید مورد توجه سازندگان و سفارش‌دهندگان قرار گیرد.»

تبصره: «موسیقی آگهی نباید از حیث محتوا و اجرا تداعی‌کننده موسیقی‌های مبتذل باشد، از ریتم‌های رقص‌گونه در آن پرهیز شود، حتی‌الامکان از ملودی‌های کوتاه استفاده شده و ترانه‌گونه نباشد...»

همچنین اصل ۵۷ دستورالعمل نحوه حضور خانم‌ها را در تبلیغات آگهی‌های بازرگانی متذکر شده است. مطابق این اصل «حضور خانم‌ها و دخترخانم‌ها در آگهی‌های رادیو تلویزیونی در صورت اقتضا موضوع مورد آگهی بدون آرایش و با رعایت کامل حجاب اسلامی امکان‌پذیر است.»
خشونت نیز اصل خاصی را در دستورالعمل آگهی‌های رادیو و تلویزیونی به خود اختصاص داده است. مطابق اصل ۲۰:

«آگهی نباید القا و حشمت و خشونت کند. تبصره: در جریان آگهی‌های تلویزیونی نباید آزار دیدن هیچ جاننداری به تصویر کشیده شود و یا به نظر رسد که برای ساخت آگهی، جاندار حاضر در آگهی آزار دیده است.»

اصل ۲۱ نیز حاوی محدودیتی است که اگر نه با خشونت، دست کم با رعایت نظم در جامعه در ارتباط است. مطابق این اصل، «در آگهی‌ها به هنگام نشان‌دادن رانندگی با اتومبیل و سایر وسایل نقلیه، باید مقررات راهنمایی و رانندگی مانند سرعت مجاز، ملاحظه قوانین جاده‌ها و بزرگراه‌ها، در نظر داشتن ضوابط ایمنی برای سرنشینان به دقت رعایت شود.»

۱۸ استعمال دخانیات و مواد مخدر در تبلیغات موضوعی است که در اصل دستورالعمل به آن پرداخته شده است. به موجب این اصل «استفاده از صحنه‌های استعمال دخانیات و موارد مشابه دیگر که مضر به سلامت انسان بوده و یا اعتیادآور باشند، در آگهی‌ها مجاز نیست». در همین خصوص اصل بعدی یعنی اصل ۱۹ نیز مقرر می‌دارد، «در آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی نباید رفتارهایی نمایش داده شود که برای بهداشت و ایمنی فردی و اجتماعی زیان‌آور باشد.»

توهین به مقدسات و یا بی‌توجهی به آن به ویژه عقاید و مقدسات شریعت اسلام در تهیه و تولید آگهی‌های بازرگانی نیز موضوعی است که به صراحت در دستورالعمل به آن اشاره شده است.

صرف نظر از اصل یک دستورالعمل که به موجب آن کلیه آگهی‌ها «باید از هر جهت منطبق بر موازین قانونی جمهوری اسلامی ایران باشد ...» اصل ۳ مقرر می‌دارد «در آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی باید به ادیان رسمی کشور^{۳۲} ... به دیده احترام نگاه شود.»

از اصول قابل استناد دیگر در این خصوص اصل ۲۲ را می‌توان ذکر کرد. به موجب این اصل «نمایش مجسمه کامل در آگهی مجاز نمی‌باشد.» همچنین اصل ۲۳ که مطابق آن «آگهی نباید مروج تجمل‌گرایی باشد.» و یا اصل بعدی که تشویق «به مصرف بیش از نیاز و اسراف در استفاده از امکانات» در آگهی‌های بازرگانی غیرمجاز

شناخته شده است. همگی این ضوابط با توجه به ممنوعیت‌ها و احکام شریعت اسلام مقرر شده است.

سازوکار نظارت

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران رسانه‌ای صوتی و تصویری است که با حجم بالای تولیدات برنامه‌ای خود در سطح کشور در عرصه اطلاع‌رسانی فعالیت می‌کند. این سازمان از یک سو باید با نیازهای اقشار مختلف جامعه به عنوان مخاطبان اصلی روبه‌رو شده و دیدگاه‌های آنان را در نظر بگیرد و از سوی دیگر راهبردهای کلی نظام را مدنظر قرار دهد. همین امر مبحث نظارت و ارزیابی برنامه‌ها را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌سازد.

براین اساس و نیز پیرو توصیه‌های مقام معظم رهبری، به منظور نظارت بر برنامه‌های پخش شده از شبکه‌های رادیو - تلویزیونی و حصول اطمینان از رعایت اصول، ضوابط، معیارها و استانداردهای فنی، هنری، محتوایی، اخلاقی، اجتماعی در برنامه‌ها «مرکز نظارت و ارزیابی» سازمان صداوسیما تشکیل شد و به شکلی منسجم و سازمان یافته، ضمن تشکیل واحدها و مدیریت‌های مختلف وظیفه نظارت و ارزیابی برنامه‌های صداوسیما سراسری و مراکز استان‌ها را بر عهده گرفت.

وظایف نظارتی محول به مرکز نظارت و ارزیابی سازمان غیر از وظیفه نظارتی‌ای است که در مراحل تولید و پخش برنامه‌ها برعهده واحدهای دیگر سازمان نهاده شده است. به عبارت دیگر وظیفه این مرکز صرفاً نظارت پسینی بر برنامه‌های تولیدی است که با به کارگیری سیاست‌های تشویقی و تنبیهی تلاش دارد کیفیت برنامه‌های پخش شده را در تمامی ابعاد ارتقا دهد. از این رو باید گفت نظارت پیش از پخش از حوزه وظایف نظارت و ارزیابی سازمان بیرون است.

مرکز نظارت و ارزیابی با تشکیل «مدیریت کل نظارت و ارزیابی سیما» متشکل از مدیریت نظارت و مدیریت ارزیابی، «مدیریت کل نظارت و ارزیابی صدا» متشکل از مدیریت نظارت و مدیریت ارزیابی و همچنین «مدیریت کل نظارت و ارزیابی مراکز

استان‌ها» متشکل از مدیریت نظارت و مدیریت ارزیابی صداوسیما مراکز به کنترل کمی و کیفی برنامه‌های رادیو و تلویزیونی کشور می‌پردازد. وظیفه نظارت و ارزیابی درخصوص برنامه‌های سیما به «هیئت بررسی برنامه‌های سیما» مرکب از ده عضو و درخصوص برنامه‌های صدا به «هیئت بررسی برنامه‌های صدا» مرکب از هفت عضو، سپرده شده است. چنین هیئتی برای بررسی برنامه‌های صداوسیما مراکز نیز وجود دارد. در هیئت بررسی برنامه‌های سیما این ده عضو عبارتند از:

- ۱- معاون سازمان در امور سیما (رئیس)
- ۲- رئیس مرکز نظارت و ارزیابی (نائب رئیس)
- ۳- مدیرکل نظارت و ارزیابی سیما (عضو)
- ۴- مدیرکل حراست سازمان یا نماینده تام‌الاختیار وی (عضو)
- ۵- مدیرکل حقوقی سازمان یا نماینده وی (عضو)
- ۶- مدیرکل ارزشیابی کیفی برنامه‌های سیما (عضو)
- ۷- مدیر نظارت سیما (عضو)
- ۸- رئیس مرکز تولید و فنی سیما (عضو)
- ۹- نماینده ریاست سازمان (عضو)
- ۱۰- نماینده مدیران شبکه‌ها و یا یکی از مدیران شبکه‌ها بنا به تشخیص معاون سازمان در امور سیما.

این هیئت هر پانزده روز یک بار و در موارد ضروری هر هفته تشکیل جلسه می‌دهد. امور اجرایی هیئت بر عهده دبیرخانه آن است که زیر نظر ریاست مرکز انجام وظیفه می‌کند. روند کار هیئت بررسی نیز به این صورت است که پس از مشاهده برنامه‌ها اعم از خبر، فیلم و مجموعه، برنامه‌های مستند، تبلیغات تجاری و غیره چنانچه تخلف آشکاری تشخیص داده شود مراتب به واحدهای مربوط ابلاغ می‌شود. چنانچه تشخیص موارد تخلف نیاز به کارشناسی داشته باشد، موارد مشکوک به مدیر ارزیابی

برنامه‌های سیما ابلاغ می‌شود و مدیر ارزیابی این موارد را به کمیته‌های مربوط ارجاع می‌دهد.

ده کمیته وجود دارد که به طور مستقیم یا مشترک به ارزیابی موارد ارجاعی می‌پردازند.

این کمیته‌ها عبارتند از:

- ۱- کمیته معارف
- ۲- کمیته کودک و نوجوان
- ۳- کمیته امور اجتماعی و خانواده
- ۴- کمیته فیلم و سریال
- ۵- کمیته علم و فن
- ۶- کمیته ورزش
- ۷- کمیته سیاسی
- ۸- کمیته اقتصادی
- ۹- کمیته موسیقی
- ۱۰- کمیته پیام‌های بازرگانی

کمیته‌ها پس از بررسی برنامه‌ها، در صورت تشخیص تخلف مراتب را به هیئت اطلاع می‌دهند و هیئت نیز موارد تخلف را از طریق مقام مسئول به واحدهای مربوط سازمان منعکس می‌کند.

از جمله ضمانت‌های اجرایی که در اختیار هیئت بررسی برنامه‌های صداوسیما قرار دارد موارد زیر است^{۳۳}:

- شفاهی
- تذکر کتبی
- درخواست توبیخ
- درخواست محرومیت از فعالیت‌های برنامه‌سازی در رادیو و تلویزیون

نکته آخر این که بدیهی است چنانچه با پخش برنامه‌ای زیان مادی یا معنوی‌ای متوجه اشخاص حقیقی یا حقوقی شود، سازمان صداوسیما به عنوان شخص حقوقی مستقل، شخصاً یا مشترکاً از این بابت دارای مسئولیت مدنی خواهد بود و هر کس می‌تواند علیه سازمان به محاکم عمومی کشور شکایت کند.

نتیجه‌گیری

محدودیت‌های حاکم بر پخش که در اینجا مورد مطالعه قرار گرفته است، همگی محدودیت‌هایی هستند که هدف از وضع آنها حمایت از موازین و اخلاقیات اجتماعی است. از آنجا که پخش برنامه‌های حاوی موضوعات مورد بحث با توجه به نظام جمهوری اسلامی و غیرخصوصی بودن رادیو و تلویزیون در ایران اساساً مشمول ممنوعیت‌های قانونی واقع می‌شوند ذکر دقایق امر در قوانین مربوط از نظر تعریف و تحدید مفاهیم، رعایت حدود و ثغور و نحوه و زمان پخش این برنامه‌ها آن گونه که در مقررات کشورهای دیگر از جمله انگلستان مشاهده می‌شود، ضروری می‌نماید. وضع مقررات رسانه‌ای می‌تواند راهگشای دست‌اندرکاران رسانه و متصدیان تولید و پخش باشد و آنان را از اتخاذ تصمیم‌ها و رویه‌های مقطعی و موردی باز دارد.

درخصوص هر یک از این موضوعات می‌توان در قانون به شکل سلبی تا حد مقدور به ذکر مواردی پرداخت که قابل پخش نیست، هر چند به لحاظ قانونی منعی برای پخش آنها وجود نداشته باشد. رعایت این امر به ویژه در مقررات مربوط به آگهی‌های بازرگانی می‌تواند مفید باشد. زیرا وجود تصریحات قانونی و وضع معیارهای عینی می‌تواند مانع از اعمال نظرهای شخصی شده و از تحمیل هزینه‌های اضافی به تولیدکنندگان خصوصی آگهی جلوگیری کند. به‌علاوه می‌توان میان انواع برنامه‌ها تفکیک قائل شد. برای مثال در اخبار یا برنامه‌هایی که به تحلیل امور جاری کشور و یا نقاط مختلف دنیا می‌پردازند، نظر به اقتضای این گونه برنامه‌ها و جنبه انعکاس غالب آنها می‌توان در وضع محدودیت‌ها تساهل بیشتری به خرج داد.

درخصوص سازوکار نظارتی می‌توان در مواردی که نقض مقررات مشمول جرم نبوده و از حوزه صلاحیت محاکم خارج است، رسیدگی به شکایات شهروندان را به واحدی به نام رسیدگی به شکایات در داخل سازمان صداوسیما محول کرد. تأسیس چنین مرجعی برای رسیدگی به شکایات مربوط به آگهی‌های بازرگانی که امکان پخش پیاپی آن از رادیو - تلویزیون بسیار است، مفید خواهد بود.

منابع

1. Eric Barendt & Lesley Hitchens, Media Law Cases and Material, Longman 2000.
2. Peter Carey, Media Law, Sweet & Maxwell 1999.
3. Advertising Standards Authority, <http://WWW.Asa.org.uk>
4. Broadcasting standards Commission, <http://WWW.Bsc.org.uk>.
5. Independent Television Commission, <http://WWW.itc.org.uk>.
6. Radio Authority, <http://WWW.radioauthority.org.uk>

پی‌نوشت‌ها

1. Press Complaints Commission (PCC)
2. Advertising Standards Authority (ASA)
3. Independent Television Commission (ITC)
4. Radio Authority (RA)
5. Broadcasting Standards Commission (BSC)
6. Codes
7. Taste
8. Decency

۹ - جهت ملاحظه مجموعه مقررات موازین پخش می‌توانید به آدرس (<http://www.bsc.org.uk>) مراجعه نمایید.

۱۰ - جهت ملاحظه این قانون به آدرس (<http://www.hmsa.gov.uk/acts>) ([1996.960bb-aat.htm](http://www.hmsa.gov.uk/acts)) مراجعه نمایید.

۱۱ - این مقررات در دو سند مختلف آمده است. در منشور سلطنتی (Royal charter) و نیز در موافقت‌نامه منعقد شده میان BBC و وزارت میراث ملی. اسناد مزبور در سال ۱۹۹۶ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. منشور سلطنتی حاوی اهداف، ساختار و کارکرد BBC است و موافقت‌نامه بیشتر به تعهدات و عملکرد آن می‌پردازد. ماده ۵ این موافقت‌نامه ناظر به تعهدات خاصی است که موازین پخش برنامه در BBC را به عهده دارد. علاقه‌مندان به اطلاعات بیشتر می‌توانند به بارنت و هیچنز، صص ۸۲-۷۰ مراجعه نمایند.

12. Offensive Violence

13. Sadisty

۱۴ - متن کامل مجموعه مقررات ITC با نشانی (<http://www.itc.org.uk>) قابل دسترسی است.

15. Codes of Advertising Standards and Practice

۱۶ - درباره برنامه‌های رادیویی - تلویزیونی خصوصی از نظر پخش برخی موضوعات، کمیسیون موازین پخش و کمیسیون تلویزیون مستقل به موازات یکدیگر دارای صلاحیت رسیدگی به شکایات شهروندان هستند. درخصوص برنامه‌های شبکه رادیو - تلویزیونی دولتی تنها کمیسیون موازین پخش دارای صلاحیت است.

17. Pornography

18. Prostitution

19. Drugs

20. Lyrics

۲۱ - جرم الحاد (blasphemy) در حقوق انگلیس و شاید دیگر کشورهای مسیحی ظاهراً ریشه در فرمان دوم از فرامین ده‌گانه حضرت موسی (ع) دارد: «به نام خداوند اهانت روا مدار.»

22. Carey/Peter/Media law; sec. Edi; sweet & Maxwell 1999.

۲۳- از آنجا که توهین به عقاید مذهبی مردم مغایر «ذوق و حساسیت‌های عمومی» و «موازن رفتار اجتماعی» است، متصدیان پخش را از این جهت نیز می‌توان مسئول شناخت. همین موضوع در خصوص نمایش برنامه‌های حاوی موضوعات جنسی و خشونت‌آمیز نیز صادق است.

24. on a “platform only” basis

۲۵- یکی از وظایف عمده C4S مطابق فصل (۶) قانون پخش ۱۹۹۰ پخش برنامه در ولز است و زیر نظر مرجع ولزی عمل می‌کند.

26. ITC, Annual Report and Accounts, P. 37: 1998 - 1999

۲۷- رک به : بخش‌های ۴۰ (۱)، (۴)، (۵)، ۴۱ (۱)، (۷) و ۴۵ الف (۱) قانون پخش ۱۹۹۰

28. Granada

۲۹- برای ملاحظه تفاوت در مجازات‌ها رک به بخش ۱۰۹ بندهای (۱ و ۲) قانون پخش ۱۹۹۰

30. Programme Complaints Unit

۳۱- قابل ذکر است که محتوای این مقاله بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۸۲ - ۱۳۸۱ انجام شده، تنظیم شده است. در این فاصله زمانی ممکن است دستورالعمل‌های رسمی تنظیم و مقرر شده باشد.

۳۲- عبارت «ادیان رسمی کشور» در اصل ۳ دستورالعمل، تسامح در تعبیر است، زیرا مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی ایران اسلام است.

۳۳- به دلیل نبود یا نقصان آیین نامه یا دستورالعمل مکتوب، مطالب مربوط به سازوکار نظارتی از

۸۲ مصاحبه با مدیر محترم نظارت سیما درخصوص رویه عملی نظارت بر برنامه‌های سیما در سال استخراج شده است.

مسئولیت ناشی از جرایم مطبوعاتی

قاسم محمدی*

چکیده

در حقوق ایران، سیاست جنایی افتراقی حاکم بر قلمرو رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، به نظام مسئولیت ناشی از آن نیز سرایت کرده و وضعیت ویژه‌ای پدید آورده است. مقاله حاضر با تحلیل این نظام، واکنش‌های تعیین شده برای این دسته از جرایم را بررسی می‌کند.

ابتدا نظام مسئولیت حاکم بر قلمرو جرایم مطبوعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد در طی آن مسئولیت این گونه جرایم آشکار می‌شود.

دخالت اشخاص متعدد (صاحب امتیاز، مدیر مسئول، سردبیر، نویسنده یا خبرنگار ...) در روند کار مطبوعاتی، ماهیتی گروهی به این کار بخشیده و پیچیدگی‌های خاصی در مسائل حقوقی مربوط به آن پدید آورده است. نظام مسئولیت جرایم مطبوعاتی در ایران نظام مسئولیت جمعی است و تک تک دست‌اندرکاران نشر یک اثر در قبال نتایج آن مسئول شناخته می‌شوند. مدیر مسئول مسئولیت اصلی و مستقیم مطالب را بر عهده دارد. مصونیت نشر مذاکرات مجلس یا روند دادرسی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است، هر چند به نظر می‌رسد انعکاس صحیح و بی‌کم و کاست جریان جلسات علنی مجلس با توجه به مصونیت نمایندگان در ایران لااقل می‌تواند دفاعی معتبر در نظر گرفته شود. با توجه به ماده ۳۵ قانون مطبوعات مجازات‌هایی را که در خصوص جرایم مطبوعاتی اعمال می‌شود در سه حوزه می‌توان مورد بررسی قرار داد: یک؛ جرایمی که قانون مطبوعات همراه با بیان مجرمانه بودن عمل در همان ماده مجازات آن را تعیین کرده است. دو؛

* دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا - مدرسه عالی شهید مطهری

جرایمی که قانون مطبوعات در خصوص مجازات آنها ساکت است اما قانون مجازات اسلامی مجازاتی را مشخص کرده است و سه؛ جرایمی که نه قانون مطبوعات برای آن مجازات تعیین کرده و نه قانون مجازات اسلامی در خصوص آن پیش‌بینی‌ای دارد.

درآمد

شناسایی فرد مسئول در قبال جرایم مطبوعاتی، در حقوق ایران، همواره با مناقشاتی رو به رو بوده است که بررسی آن را در تبیین دقیق مشخصات حقوقی این جرایم الزامی می‌کند. با این حال، روش تقسیم مسئولیت بین افراد دخیل در روند شکل‌گیری و انتشار مطبوعات، بر پیچیدگی مسئله افزوده است.

در این نوشتار ابتدا نظام مسئولیت حاکم در قلمرو جرایم مطبوعاتی را بررسی خواهیم کرد و سپس به امکان وجود مصونیت در حوزه جرایم مطبوعاتی خواهیم پرداخت. در ادامه نیز واکنش‌هایی را که در برخورد با این دسته از جرایم نشان داده می‌شود مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. در این میان، توقیف و لغو امتیاز، موارد ویژه‌ای هستند که مطالعه جداگانه‌ای را می‌طلبند. مسئله مهم دیگری که در این حوزه مطرح می‌شود، امکان جبران خسارت‌های معنوی ناشی از جرایم مطبوعاتی است. با توجه به آنچه گفته شد، مقاله حاضر پاسخگویی به پرسش‌های زیر را بر عهده می‌گیرد:

- ۱ - مسئولیت جرم مطبوعاتی بر عهده کیست؟
- ۲ - مسئولیت دیگر افراد سهیم در ارتکاب جرم چگونه است؟
- ۳ - چه مصونیت‌هایی در حوزه جرایم مطبوعاتی وجود دارد؟
- ۴ - واکنش‌هایی که در برخورد با مجرمان مطبوعاتی نشان داده می‌شود چگونه‌اند؟
۵. مجازات توقیف و لغو امتیاز چگونه و با چه شرایطی در خصوص مطبوعات اعمال می‌شود؟
- ۶ - آیا امکان جبران خسارت‌های ناشی از جرایم مطبوعاتی وجود دارد؟

۱. نظام مسئولیت

دخالت اشخاص متعدد (صاحب امتیاز، مدیر مسئول، سردبیر، نویسنده یا خبرنگار...) در روند کار مطبوعاتی، ماهیتی گروهی به این کار بخشیده و پیچیدگی‌های خاصی در مسائل حقوقی مربوط به آن پدید آورده است. از این رو، شناسایی فرد مسئول در قبال پدیده مجرمانه، یکی از مسائلی است که به واسطه سهیم بودن تمام افراد مجموعه در نتیجه کار مطبوعاتی، در ابهام فرو رفته است.

با این حال، کیفیت خاص رسیدگی به جرایم مطبوعاتی (حضور هیئت منصفه و علنی بودن جلسات)، مجازات‌های خاص (توقیف، لغو امتیاز...) و مصونیت‌ها و تخفیف‌های ویژه در این زمینه، قانون را از شناسایی فرد مسئول ناگزیر می‌سازد.

۱-۱. فرد مسئول

در مراجعه به قانون مطبوعات، عنوان‌های مجرمانه متعددی را می‌توان یافت که به نسبت هر یک از آنها مسئولیت خاصی پیش‌بینی شده است. با این حال، تبصره ۷ ماده ۹ این قانون، مسئولیت تمامی مطالب منتشر شده در مطبوعات را در وهله اول، بر عهده مدیر مسئول گذاشته و مقرر می‌دارد: «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود، به عهده مدیر مسئول است اما این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود».

پیش‌تر تبصره ۴^۱ همین ماده نیز مسئولیت یکایک مطالب چاپ شده و دیگر امور مرتبط با نشریه را با مدیر مسئول دانسته است. همین تبصره مسئولیت رعایت خط مشی کلی نشریه را متوجه صاحب امتیاز دانسته و این تنها موردی است که به صراحت از مسئولیت صاحب امتیاز سخن به میان آمده است.

تبصره ۷، در تأکید بر مسئولیتی که به واسطه لحن برخی از مواد، متوجه نویسنده و افراد دیگر می‌شود، مسئولیت مدیر مسئول را نافی مسئولیت دیگران ندانسته است. استفاده از تعبیراتی چون «اشخاصی که... به وسیله یکی از مطبوعات...» (ماده ۲۴)^۲ «هرکس به وسیله مطبوعات» (مواد ۲۵^۳ و ۲۶^۴) در خصوص ارتکاب جرایم، با عمومی

که دارد، نشان دهنده آن است که در این مواد، مسئولیت گریبان‌گیر پدید آورنده اثر نیز خواهد بود، چیزی که در ماده ۲۷^۲ بدان تصریح شده و به این ترتیب نویسنده مطلب نیز در کنار مدیر مسئول، مسئول شناخته شده است.

تبصره ۷ ماده ۹ که برای رفع ابهامات ناشی از تعارض ظاهری تبصره ۴ و مواد فوق، در آخرین اصلاحیه (۱۳۷۹) به قانون اضافه شد، به فصل بزرگی از مباحث مربوط به مسئولیت در جرایم مطبوعاتی، پایان داد.

هر چند به واسطه اصل مسئولیت، پاسخگویی پدیدآورنده اثر مطبوعاتی در میان حقوقدانان امری بدیهی قلمداد می‌شود در پرتو ابهام ناشی از صراحت نداشتن قانون سابق در این زمینه، گروهی از اهالی مطبوعات و برخی از سیاستمداران، به واسطه شرایط خاص اجتماعی کشور مسئولیت پدیدآورنده را بر نمی‌تابیدند و می‌کوشیدند دایره مسئولیت ناشی از جرایم مطبوعاتی، به مدیر مسئول محدود شود.

عده‌ای از آنان معتقد بودند مسئولیت نویسنده، امنیت شغلی خبرنگاران را به خطر می‌اندازد [رسانه، ش ۳۵، ص ۱۹] و گروه دیگر با این تحلیل که این مسئله موجب نهادینه شدن خودسانسوری می‌شود [همان، ص ۴۴]، به مخالفت با آن می‌پرداختند.

در این میان، برخی بر این باور بودند که مسئول شناختن نویسنده در برابر نوشته‌اش، طراوت فرهنگی موجود در جامعه را نابود می‌کند [همان، ص ۸۴] و جمعی دیگر، آن را موجب ایجاد مضيقه و فشار بر خبرنگاران [همان، ص ۱۴] و مسئله‌ای خطرناک برای جامعه مطبوعات ارزیابی می‌کردند [همان، ص ۱۰].

این گروه بدون آن که استدلال حقوقی محکمی برای مسئول نشناختن پدیدآورندگان بیاورند، می‌کوشیدند با این توجیه که قانون، مدیر مسئول را در برابر تمام جرم‌هایی که در مطبوعات محقق می‌شود، مسئول دانسته و تسری دادن مسئولیت جرم به فردی غیر از او پسندیده نیست، جای پای برای نظر خود مهیا کنند. این در حالی است که حتی با فرض نبود تبصره ۷ ماده ۹ نیز، از موارد متعددی در قانون مطبوعات، مسئولیت پدیدآورنده اثر قابل استنباط است. علاوه بر آنچه در خصوص الفاظ به کار گرفته شده در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ گفته شد، تصریح ماده ۲۷ و فحوای ماده

۲۶، می‌تواند نمونه‌های روشنی برای اثبات این مدعا باشد. در ماده ۲۶ قانون مطبوعات آمده است:

«هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد». بدیهی است مسئله ارتداد را نمی‌توان به مدیر مسئول که تنها نشر مسئله منجر به ارتداد را بر عهده داشته، منتسب دانست و از فاعل واقعی چشم پوشید.

علاوه بر آنچه گفته شد، تاریخ حقوق ایران نیز بر مسئولیت نویسنده تأکید می‌ورزد. اولین قاعده جرم‌انگارانه حقوق ایران در حوزه مطبوعات با تصریح به مسئولیت مدیر نشر و سکوت در قبال مسئولیت نویسنده همراه است اما پس از آن مسئولیت نویسنده همواره اصلی انکارناپذیر بوده است.

در متنی که مظفرالدین شاه در ششم شعبان ۱۳۲۴ هـ.ق به مناسبت تأسیس روزنامه مجلس نوشته است، آمده است:

«اولاً: باید مدیر روزنامه به اسم و رسم معین باشد و ثانیاً: مدیر مذکور ملزم شود، فضولی که برخلاف مصالح عامه و مضر به حال دولت و ملت است، طبع و نشر ننماید و مرتکب تهمت و افترا و غیره که موافق قوانین شرع انور، مستلزم مجازات است، نشود والا به محکمه عدلیه جلب و مورد مواخذه خواهد بود و بعد از رسیدگی در صورت لزوم روزنامه هم توقیف خواهد شد.» [کهن، ۱۳۶۰، ج ۲:۵۰]

متن فوق با صراحت از مسئولیت مدیر نشریه سخن می‌گوید و در خصوص پدیدآورنده مطالب ساکت است اما اصل ۲۰ متمم قانون اساسی مشروطه، اولین سند مکتوب قانونی در حقوق مطبوعات، مسئولیت نویسنده را دایر مدار شناخته بودن او می‌داند که به این ترتیب در صورت متوجه شدن مسئولیت به او، ناشر از مسئولیت مصون می‌ماند.

اولین قانون مطبوعات (۱۸ بهمن ۱۲۸۶)، با پذیرش مسئولیت پدیدآورنده اثر در ماده ۱۳^۷ خود، پا را از حیطه اصل ۲۰ متمم (مسئولیت ناشر) فراتر گذاشت و در ماده ۴۸^۸ خود در هر شرایطی هر دو را مسئول به شمار آورد. دومین قانون مطبوعات (۱۵ بهمن ۱۳۳۱)، روش متمم قانون اساسی را تجدید کرد و در ماده ۲۸ خود مقرر داشت:

«در کلیه جرایم مذکور... مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت ولی هرگاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، مدیر از تعقیب معاف است.»

آخرین قانون پیش از انقلاب نیز (۱۰ مرداد ۱۳۳۴)، در ماده ۲۵^۹ خود تعیین حدود مسئولیت ناشی از جرایم مطبوعاتی را به صراحت به اصل بیست متمم ارجاع داد. لایحه قانونی مطبوعات (مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۵۸) شورای انقلاب نیز با الفاظی مبهم، نظری مشابه رویه بالا ارائه کرد. به موجب ماده ۱۷ این قانون، «مسئولیت مقالات یا مطالبی که در نشریه منتشر می شود، به عهده مدیر مسئول است. در صورتی که مقالات یا مطالب مذکور مضر به منافع اشخاص بوده و منتهی به شکایت شود مدیر مسئول باید نویسنده مقاله یا مطلب را معرفی کند و پاسخگوی آن باشد مگر این که ثابت شود به تمام وظایف و مسئولیت های متعارف عمل کرده است که در این صورت، مسئولیت متوجه کسی است که در این باب تقصیر کرده باشد.»

آنچه آمد، توجه به مسئولیت پدیدآورنده را در حقوق ایران نشان می دهد اما این ابهام را دامن می زند که در گذشته، ناشر (یا مدیر مسئول یا هر فردی که به موجب هر قانونی مسئول اصلی مطالب چاپ شده قلمداد می شده است) هیچ گاه مسئولیتی همدوش پدیدآورنده نداشته و مسئولیت یکی موجب مصونیت دیگری بوده است. نکته ای که موجب می شود مخالفت کسانی که مسئولیت توأمان مدیر مسئول و پدیدآورنده را بر نمی تابند موجه قلمداد شود.

در تاریخ حقوق مطبوعات ایران، سابقه مسئولیت ناشر را نیز می توان مشاهده کرد. به موجب قانون اساسی مشروطه، «اگر کسی، برخلاف مقررات مذکور در اصل» سیزدهم «در روزنامه جات و مطبوعات»، «چیزی طبع» می کرد «قانوناً مورد استنطاق و

محاكمه و مجازات» قرار می‌گرفت. استفاده از واژه طبع نشان دهنده آن است که قانون یاد شده مسئولیت را متوجه ناشر می‌دانسته؛ نکته‌ای که اصل بیستم متمم قانون اساسی مشروطه، بدان تصریح کرده و «نشر دهنده یا نویسنده» را مسئول تحقق جرم مطبوعاتی قلمداد می‌کند.^{۱۰}

در حقوق برخی از کشورها مانند انگلستان، مسئولیت مطالب نشریه بر عهده سردبیر^{۱۱} گذاشته شده است اما این امر موجب سلب مسئولیت از دیگران نمی‌شود [Nicol Andrew and Bowman Caroline , 1993:175]. ماده ۱ قانون افتراء، مصوب ۱۹۹۶^{۱۲} در این خصوص مقرر داشته است: «روزنامه‌نگاران، دست‌اندرکاران چاپ و توزیع‌کنندگان هم ممکن است تحت تعقیب قرار گیرند».

هر چند حقوق انگلستان نظریه مسئولیت جمعی را در خصوص جرایم مطبوعاتی در نظر گرفته است، با توجه به این که مجازات‌ها اغلب جنبه جبران خسارت دارند، معمولاً ناشران که از تمکن مالی بالایی برخوردارند و توانایی پرداخت آن را دارند مورد شکایت قرار می‌گیرند.

با توجه به آنچه در خصوص شناسایی فرد مسئول و گذشته آن در تاریخ قانونگذاری ایران بیان شد، تقسیم مسئولیت ناشی از جرایم مطبوعاتی را در میان افراد گوناگون با توجه به سمت آنان بررسی خواهیم کرد.

۱-۱-۱. مدیر مسئول

همان گونه که گفته شد، به تصریح تبصره‌های ۴ و ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات، مسئولیت مستقیم و اولیه جرم مطبوعاتی متوجه مدیر مسئول است. علاوه بر تصریحات یاد شده، برخی از مواد قانون مطبوعات حاکم (۲۷، ۳۰ و ۳۱) نیز یادآور همین مسئولیت است. برخی تصریح مسئولیت کلی مدیر مسئول را در تبصره‌های ماده ۹ و تأکید بر مسئولیت کیفری او در مواد دیگر را دلیل آن دانسته‌اند که مسئولیت مطلق مورد نظر قانونگذار در تبصره‌های ماده ۹ مسئولیت مدنی است و مسئولیت کیفری مدیر مسئول، منحصر به موارد مصرح در مواد یاد شده است [کریمی ۱۳۷۰: ۸۶].

برخی از حقوقدانان نیز مسئولیت مدیر مسئول را مصداقی از مسئولیت ناشی از فعل غیر دانسته‌اند [اردبیلی ۱۳۷۵: ۲۳۱-۲۳۰] در حالی که با تعریفی که از جرم مطبوعاتی ارائه شد، نشر، یکی از ارکان شکل‌گیری جرم مطبوعاتی، با اراده مدیر مسئول محقق می‌شود. از این رو مدیر مسئول یعنی کسی که آخرین حلقه سلسله علل نشر و تحقق جرم مطبوعاتی را تکمیل می‌کند، در جایگاه مسئول اصلی تحقق جرم، پاسخگوی عملی است که در حقیقت به او منتسب می‌شود. چه این اقدام ناشی از اراده و قصد باشد، چه نوعی مسامحه یا خطای کیفی.

به واسطه همین نکته است که در خصوص جرایم مطبوعاتی، پیگرد مدیر مسئول بر پدیدآورنده اثر و دیگران مقدم است و شاید پیگرد آنان را بتوان تا حدودی منوط به اثبات جرم مدیر مسئول دانست.

رویه دادگستری نیز تنها مدیر مسئول را مجرم مطبوعاتی می‌شناسد و خود را درباره او ملزم به رعایت تشریفات دادرسی جرایم مطبوعاتی می‌داند. به عبارت روشن‌تر، جرم مطبوعاتی تنها به مدیران مسئول نسبت داده می‌شود. بقیه جرایمی که در قانون از آنها یاد شده است فاقد وصف مطبوعاتی قلمداد می‌شوند و مانند یک جرم عادی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

هرچند که تفسیر به نفع متهم در حوزه آیین دادرسی مقتضی تفسیر قواعد حمایتی دادرسی است [آشوری، ۱۳۸۱: ۱۶] و به اتکای این قاعده می‌توان گفت الزامات حمایتی روند دادرسی باید در خصوص دیگران نیز اعمال شود.

۲-۱-۱. صاحب امتیاز

قانون مطبوعات حاکم در دو مورد از مسئولیت صاحب امتیاز سخن گفته است. ابتدا تبصره ۴ ماده ۹، با اشاره به حوزه مسئولیت صاحب امتیاز، آن را به مسئولیت در قبال خط‌مشی کلی نشریه محدود می‌کند و در مقابل، مسئولیت یکایک مطالب و دیگر امور مربوط با نشریه را بر عهده مدیر مسئول می‌گذارد.

۷ به‌رغم اعتراضاتی که مطرح می‌شود^{۱۳} مسئولیت صاحب امتیاز به تصریح ماده جنبه کیفری به خود می‌گیرد. در این ماده آمده است:

«ماده ۷. موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می‌شود: ...

ب. انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه متقاضی به نوع آن متعهد شده است ...».

نکته مهم در خصوص این جرم آن است که با توجه به تأسیس آن توسط قانون مطبوعات و مربوط بودنش به مطالب مندرج در نشریه، آیا مطبوعاتی است و رعایت تضمین‌های مربوط به آن (علنی بودن محاکمه، حضور هیئت منصفه و...) در این خصوص الزامی است یا خیر؟ پاسخ رویه‌ای که در دادگستری جریان دارد، منفی است.

چنان که ماده ۱۴^{۱۴} قانون مطبوعات نیز پیش‌بینی کرده است، در صورت فوت مدیر مسئول یا استعفای او یا از دست دادن شرایط ماده ۹، اگر صاحب امتیاز، فرد واجد صلاحیتی را حداکثر ظرف ۳ ماه به وزارت ارشاد اسلامی معرفی نکند، تمام مسئولیت‌های مدیر مسئول بر عهده صاحب امتیاز خواهد بود.

این مورد علی‌رغم اشکالی که با فرض حقوقی بودن شخصیت صاحب امتیاز، پیش می‌آید، تنها موردی است که در آن صاحب امتیاز به طور قطع در قبال جرمی مطبوعاتی مسئول شناخته می‌شود و تضمینات مخصوص آن درباره‌اش رعایت می‌شود.

البته باید در نظر داشت که قانونگذار در این ماده، با توجه به خالی بودن سمت مدیر مسئولی، مسئولیت‌های آن را به صاحب امتیاز که موظف به ترمیم این نقیصه است، تحمیل می‌کند و صورت حقوقی مسئله به فرض تبصره ۱، ماده ۹ قانون مطبوعات^{۱۵} تبدیل می‌شود. به موجب این تبصره، صاحب امتیاز خود می‌تواند مدیر مسئولی را نیز بر عهده داشته باشد که بدیهی است در این صورت، مسئولیتی که متوجه او می‌شود، ناشی از سمت جدیدی است که به موجب تحمیل قانون بر عهده خواهد داشت.

در خصوص مسئولیت صاحب امتیاز توجه به دو نکته ضروری است.

۱. ماده ۱۶۳۲ قانون مطبوعات فردی را که برخلاف واقع، خود را صاحب پروانه نشریه‌ای می‌خواند یا بدون داشتن پروانه، به انتشار نشریه مبادرت می‌کند، مجرم دانسته است و این قاعده را به کسانی که سابقاً دارای چنین عنوانی بوده‌اند و طبق قانون آن را از دست داده‌اند، تعمیم می‌دهد اما باید توجه داشت که عنوان صاحب امتیاز، در موضوع این ماده ناظر به تصدی ناروا و غیرقانونی آن است و مجرم در حقیقت، واجد چنین عنوانی نیست از این رو، مفاد این ماده را نمی‌توان جزء مسئولیت‌های صاحب امتیاز به شمار آورد.

۲. هر چند صاحب امتیاز در قبال محتوای نشریه و جرایمی که در آن حیطة اتفاق می‌افتد مسئول شناخته نشده است، در مواردی چند^{۱۷} قانونگذار لغو پروانه را جزء مجازات‌هایی که در خصوص نشریات اعمال می‌شود، بر شمرده است. نکته قابل تأمل در این میان آن است که با توجه به مسئول نبودن صاحب امتیاز در قبال جرایم مطبوعاتی، نمی‌توان به موجب عملی که دیگری (مدیر مسئول یا پدیدآورنده اثر) مسئول آن، است، پروانه نشر صاحب امتیاز را لغو کرد؛ به همین علت، برخی حقوقدانان مسئله را از مصادیق مسئولیت فرد در قبال جرم دیگری دانسته‌اند. این بحث در گفتاری که به مجازات‌های مربوط به جرایم مطبوعاتی اختصاص یافته است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با توجه به آنچه گذشت، صاحب امتیاز، مسئول مستقیم جرایم مطبوعاتی قلمداد نمی‌شود اما با تحقق جرم مطبوعاتی امکان لغو پروانه نشر او نیز وجود دارد.

۳-۱-۱. پدیدآورنده اثر

پیش از تصویب اصلاحیه سال ۱۳۷۹، صریح نبودن قانون مطبوعات در خصوص مسئولیت پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی موجب شده بود که گروهی^{۱۸} مسئولیت جرم مطبوعاتی را تنها متوجه مدیر مسئول بدانند و از پذیرش مسئولیت پدیدآورنده اثر شانه خالی کنند.

این در حالی بود که عمومیت برخی از مواد قانون ۱۳۶۴، نویسندگان و سایر پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی را نیز در برمی گرفت و برخی از مواد قانون نیز به صراحت از مسئولیت پدیدآورنده اثر مطبوعاتی سخن می گفت.

علاوه بر این، برخی از قوانین دیگر کشوری نیز عنوان‌های مجرمانه‌ای در خصوص مطبوعات پیش‌بینی کرده بودند که در اکثر آنها مسئولیت نویسنده در نظر گرفته شده بود: «تولید و توزیع مطبوعات جریحه‌دار کننده عفت عمومی»^{۱۹}، «نسبت دادن جرم غیرقابل اثبات به اشخاص»^{۲۰}، «نشر اکاذیب»^{۲۱} و «درج مطلب علیه نامزدهای انتخاباتی از سه روز قبل از اخذ رأی»^{۲۲} از این جمله‌اند.

جدا از موارد بالا، رویه‌ای که محاکم دادگستری در پیش گرفتند، مبتنی بر مسئولیت پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی بود که اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره: ۷/۸۳۲۲ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۱ آن را مورد تأیید قرار داده و اظهار داشت: «مسئولیت کیفری مدیر مسئول نشریه... رافع مسئولیت کیفری نویسنده مطالب... نیست و بزه ارتكابی نویسنده جدا از اتهام مدیر مسئول حسب مورد، قابل تعقیب در دادگاه ذی صلاح است».

متن پرسش مطرح شده در اداره حقوقی و پاسخ آن بدین شرح است: «با عنایت به این که تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، مصوب سال ۱۳۶۴ مقرر می‌دارد: صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود.

از آنجا که مطابق تبصره فوق بعضی نظر دارند که غیر مدیر مسئول فرد توهین کننده یا مفتری، یا ناشر اکاذیب مطابق مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مستقلاً با شکایت شاکی خصوصی یا مدعی العموم حسب مورد قابل تعقیب می‌باشد و مسئولیت مدیر مسئول رافع مسئولیت شخص توهین کننده و مفتری و ناشر اکاذیب نیست و نظر قانونگذار ناظر به این بوده که سایر دست‌اندرکاران نشریه و زیر مجموعه

همکار آن به عنوان معاون یا شریک جرم نخواهند بود و همه مسئولیت آن مجموعه به تنهایی به عهده مدیر مسئول می‌باشد.

نظر دیگر در این رابطه بر این است که قانون مطبوعات در مواردی که مسئولیت کیفری نویسنده و یا هر فرد شریک پذیرفته است آن را احصا نموده (مثل توهین به رهبری و مراجع تقلید و یا افشای اسرار نظامی) و مفهوم مخالف آن این است که در مواردی که احصا نشده نویسنده مسئولیتی ندارد. با توجه به مراتب فوق خواهشمند است پاسخ فرماید.

با فرض مسئولیت قانونی مدیر مسئول در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، فرد نویسنده به عنوان توهین و اهانت یا نشر اکاذیب دارای مسئولیت کیفری می‌باشد یا خیر و در صورت داشتن مسئولیت کیفری، با توجه به درج و انتشار آن در مطبوعات، آیا دادگاه ملزم به رعایت تشریفات رسیدگی به جرم مطبوعاتی و دعوت از اعضا محترم هیئت منصفه خواهد بود یا خیر؟»

اداره حقوقی در پاسخ به این پرسش چنین گفته است: «مسئولیت کیفری مدیر مسئول نشریه به نحو مقرر در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات رافع مسئولیت کیفری نویسنده مطالب توهین و افتراآمیز... نیست و بزه ارتكابی نویسنده جدا از اتهام مدیر مسئول حسب مورد قابل تعقیب در دادگاه ذی صلاح خواهد بود.»

تمام آنچه گفته شد، در کنار اصل مسئولیت افراد در قبال اعمال مجرمانه، در اثبات مسئولیت پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی کافی می‌نمود اما قانونگذار با احساس ضرورت در مورد تصریح مسئولیت «نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتكاب جرم دخالت داشته‌اند»، در بند ۷ ماده ۹ قانون مطبوعاتی اصلاحی ۱۳۷۹، وضعیت حقوقی این مسئله را از پرده ابهام خارج کرد.

در این میان پرسش مهمی که پاسخ به آن ضروری به نظر می‌رسد این است که با توجه به قبول مسئولیت نویسنده و دیگران، آیا رعایت تضمینات راجع به دادرسی جرایم مطبوعاتی (علنی بودن و حضور هیئت منصفه) نیز در رسیدگی به اتهامات این اشخاص لازم است یا خیر؟

هر چند می‌توان به واسطه تحقق این جرایم در مطبوعات، آنها را در عموم اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جای داد و معتقد به حضور هیئت منصفه در رسیدگی به این جرایم شد؛ نه قانونگذار در این خصوص نظری ارائه داده و نه رویه محاکم دادگستری این نظریه را پذیرفته است. قضات، جرم ارتكابی نویسنده و دیگران را، هر چند در ارتباط مستقیم با جرم مطبوعاتی قرار گرفته و به نوعی از شرایط تحقق آن به حساب می‌آید، جرمی عادی قلمداد می‌کنند چنان که تاکنون در رسیدگی به اتهام هیچ نویسنده‌ای، هیئت منصفه حضور نداشته است. گو این که ذیل نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز که می‌گوید: «بزه ارتكابی نویسنده جدا از اتهام مدیر مسئول حسب مورد، قابل تعقیب در دادگاه ذیصلاح است» اشاره به این امر دارد که مورد یاد شده لزوماً در دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم مطبوعاتی رسیدگی نخواهد شد. در صورتی که با توجه به ارتباط این دو جرم، اگر جرم نویسنده نیز مطبوعاتی قلمداد می‌شد، رسیدگی به آن حتماً باید در دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم مدیر مسئول صورت می‌گرفت.

در پایان تذکر این نکته ضروری است با توجه به مبنایی که در خصوص مسئولیت پدیدآورنده اثر مطبوعاتی وجود دارد، چنین فردی اغلب به عنوان مباشر ارتكاب جرمی عادی، اصالتاً مورد تعقیب قرار می‌گیرد و به تبع مدیر مسئول و در معاونت یا مشارکت در ارتكاب جرم او با وی برخورد نمی‌شود؛ هر چند به نظر می‌رسد تعقیب پدیدآورنده اثر، منوط به اثبات مجرم بودن مدیر مسئول خواهد بود. زیرا اولاً وقوع جرم مطبوعاتی را نمی‌توان از مجرمانه بودن مطلب انتشار یافته تفکیک کرد و تحقق هر کدام ملازم با دیگری است ثانیاً آنچه در ماهیت این دسته از جرایم اهمیت می‌یابد مسئله نشر است که مسئولیت آن بیشتر متوجه مدیر مسئول است تا نویسنده ثالثاً قانونگذار نظام خاصی را در قلمرو مسئولیت ناشی از این جرایم پذیرفته است که گمان می‌رود باید بر روش‌های عمومی تقدم داد.

۱-۱-۴. سایر اشخاص (چاپ‌کننده، توزیع‌کننده و فروشنده)

علاوه بر این که سابقه مسئولیت چاپ‌کننده، توزیع‌کننده و فروشنده در برخی از قوانین سابق دیده می‌شود، قوانین فعلی نیز جرایمی را در مورد این افراد پیش‌بینی کرده‌اند اما هیچ‌گاه جرم این افراد در زمره جرایم مطبوعاتی به شمار نیامده است.

تبصره بند د ماده ۷ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹، «مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات» را «مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیئت نظارت، مغایر با اصول مندرج در «قانون مطبوعات» تشخیص داده شوند، نمی‌داند.^{۲۳} این تبصره که قبلاً بند «ه» ماده ۷ در قانون مصوب ۱۳۶۴ بود، تنها «هیئت نظارت» را مرجع تشخیص مغایرت با قانون مطبوعات معرفی می‌کرد.^{۲۴}

ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی^{۲۵} نیز تولید، توزیع و تجارت مطبوعاتی را که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند مستوجب مجازات دانسته است. چاپ‌کننده، توزیع‌کننده و فروشنده در موارد دیگری نیز مسئول شناخته شده‌اند اما در هر حال جرم این افراد جرمی عادی است و عاری از تضمینات پیش‌بینی شده برای جرایم مطبوعاتی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

جرایم یاد شده برای این افراد، عنوانی مستقل دارد و جرم تبعی قلمداد نمی‌شود از این رو منوط به تأسیس قانونی خاص است.

۱-۲. مصونیت‌ها

رسانه‌های انگلیس، درخصوص نشر گزارش‌های مربوط به مذاکرات مجلس یا روند دادرسی قضایی، از مصونیت مطلق برخوردارند. البته این مصونیت منوط به آن است که از حدود واقعیت تجاوز نکنند و «گزارشی منصفانه» و دقیق از آنچه اتفاق افتاده است ارائه دهند. این مصونیت که به سال ۱۶۸۹ برمی‌گردد، شامل مواردی می‌شود که نماینده مجلس یا قاضی در حیطه وظایف کاری سخن گفته باشند.

موارد برخورداری از امتیاز فوق به محاکم زیر خلاصه می‌شود:

۱. دادگاه‌های انگلستان؛

۲. دیوان عدالت اروپایی یا دادگاه بدایت اتحادیه اروپا؛

۳. دیوان اروپایی حقوق بشر و

۴. هر دادگاه جنایی بین‌المللی که توسط شورای امنیت اروپا تشکیل شود یا هر

توافق بین‌المللی‌ای که انگلستان عضو آن باشد [Peter Carey, 1996, :51].

البته به موجب بند ۱۳ قانون افترا (۱۹۹۶)، در صورتی که یک نماینده مجلس

بخواهد دعوی‌ای را در خصوص گزارش منتشر شده‌ای اقامه کند، با سلب مصونیت

پارلمانی خود چنین اقدامی را خواهد داشت. این بند که در پی مختومه اعلام شدن

دادخواست آلاسون علیه هاینز [The Times, 1995:50]. در سال ۱۹۹۵، به تصویب

رسید، تنها در خصوص نمایندگان مجلس یا قضات، که دارای مصونیت پارلمانی یا

قضایی هستند، قابل اجراست، زیرا مصونیت را کسی می‌تواند سلب کند که خودش

دارای آن است.

هرچند چنین مصونیتی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است، به نظر می‌رسد

انعکاس صحیح و بی‌کم و کاست جریان جلسات علنی مجلس با توجه به مصونیت

نمایندگان در ایران، لااقل می‌تواند دفاعی معتبر در نظر گرفته شود، هرچند مصونیت

نمایندگان نیز در رویه فعلی محاکم دادگستری مطلق قلمداد نمی‌شود.^{۲۶}

۲. انواع واکنش

با توجه به ویژگی‌هایی که برای جرایم مطبوعاتی ذکر شد و با در نظر گرفتن تضمیناتی

که در خصوص رسیدگی به این جرایم پیش‌بینی شده، انتظار می‌رود، قانونگذار ایرانی

درخصوص این جرایم مجازات‌های ویژه‌ای در نظر گرفته باشد.

جدای از این مسئله، تعیین وسعت مسئولیتی که در نظام‌های حقوقی دو کشور در

قبال جرایم مطبوعاتی پیش‌بینی شده است، ضروری می‌نماید. سؤال اساسی در این

زمینه آن است که جدای از مسئولیت کیفری، آیا می‌توان در خصوص ضرر و زیان ناشی

از جرم نیز مسئولیتی را متوجه مجرمان مطبوعاتی دانست؟

گفتار حاضر علاوه بر بررسی نکته بالا، مجازات‌هایی را که در حقوق انگلستان برای مجرمان مطبوعاتی اعمال می‌شود، مورد مطالعه قرار خواهد داد و جایگاه مجازات لغو امتیاز و توقیف موقت را به مثابه مجازات‌هایی ممتاز که در خصوص جرایم مطبوعات در نظر گرفته می‌شوند، در دو نظام یاد شده بررسی خواهد کرد. در پایان نیز اشاره‌ای به تخفیف‌های ویژه در خصوص جرایم مطبوعاتی خواهد داشت.

۱-۲. مجازات

با توجه به ماده ۳۵ قانون مطبوعات، مجازات‌هایی را که در خصوص جرایم مطبوعاتی اعمال می‌شود، در سه حوزه می‌توان مورد بررسی قرار داد. یک؛ جرایمی که قانون مطبوعات همراه با بیان مجرمانه بودن عمل در همان ماده، مجازات آن را تعیین می‌کند. دو؛ جرایمی که قانون مطبوعات در خصوص مجازات آنها ساکت است اما قانون مجازات اسلامی مجازاتی را مشخص کرده است که به موجب ماده ۳۵ قانون مطبوعات باید در مورد آنها اعمال شود. سه؛ جرایمی که نه قانون مطبوعات برای آن مجازاتی تعیین کرده است و نه قانون مجازات اسلامی در خصوص آن پیش‌بینی‌ای دارد.

۱-۱-۲. دسته اول

جرایم دسته اول، گاه عنوانی مشابه عنوان‌های مجرمانه یاد شده در قانون مجازات اسلامی دارند اما قانون مطبوعات در ذیل ماده‌ای که به تبیین مجرمانه بودن و کیفیت ارتکاب آنها می‌پردازد، مجازاتی را نیز برای مرتکبان این جرایم تعیین کرده است. مواد ۲۷، ۳۱ و ۳۳ مطبوعات از این جمله‌اند.

ماده ۲۷ هر چند مجازات اصلی مدیر مسئول نشریه‌ای را که به رهبر جمهوری اسلامی یا مراجع تقلید توهین کرده است، بیان نمی‌کند، لزوم لغو پروانه نشر آن نشریه را متذکر می‌شود.

البته در خصوص کیفیت لغو پروانه، دیدگاه‌هایی وجود دارد که در مباحث مربوط به آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ماده ۳۱ با پیش‌بینی توقیف موقت نشریه در موارد چاپ مطالب مربوط به پرونده‌ای که به اتهام تهمت و افترا یا تهدید به هتک حرمت یا افشای اسرار شخصی تشکیل شده است و مراحل تحقیق و رسیدگی را سپری می‌کند، از جمله این موارد به شمار می‌رود. ماده ۳۳ نیز در بندهای الف و ب خود در خصوص تقلید نام یا علامت نشریات دیگر یا انتشار نشریه‌ای به جای نشریه توقیف شده، به نحوی که با نشریه توقیف شده مشتبّه شود مجازات حبس و جزای نقدی در نظر گرفته است.

تبصره بند ۱۰ ماده ۶ قانون مطبوعات نیز مجازات متخلفان از موارد مندرج در آن ماده را مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی می‌داند و اصرار بر ارتکاب جرایم یاد شده را مستوجب لغو پروانه قلمداد می‌کند. با توجه به متن تبصره که از عبارت «موارد مندرج در این ماده» بهره گرفته است، تمامی جرایم یاد شده در ماده ۶ قانون مطبوعات که «توهین و افترا به اشخاص»، «افشای اسرار نیروهای مسلح»، «سرقت ادبی»، «توهین به مقام معظم رهبری» و «تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت» را در بر می‌گیرد، تنها به استناد ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و در محدوده موارد تعیین شده در آن ماده قابل مجازات خواهند بود. هر چند توجه به متن قانون مؤید این نظریه است، آن را به دلایلی چند می‌توان مورد تردید قرار داد:

۱. این نظر بسیاری از مواد موجود در قانون مجازات اسلامی را بدون موضوع می‌کند که مواد ۶۹۷ و ۶۴۰ از آن جمله‌اند.
۲. با توجه به تفاوت میان ماهیت جرایم و طیف وسیعی از مجازات‌ها که در قانون مجازات اسلامی با توجه به همین مسئله در مواد مختلف آن - از جمله مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۷، ۶۰۸، ۶۰۹ و ۱۴۰ - پیش‌بینی شده است، اعمال مجازات واحد در خصوص تمامی جرایم یاد شده در ماده ۶ قانون مطبوعات حکیمانه به نظر نمی‌رسد.
۳. جایگاه تبصره، ذیل بند ۱۰ ماده در حالی که ماده دارای ۱۲ بند است و همچنین مناسبتی که بین مفاد بند ۹ و ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی به چشم می‌خورد،

می‌تواند موجد این نظر باشد که تبصره یاد شده منحصر به بند ۱۰ ماده است و استفاده از واژه «ماده» سهوی بوده است و به جای آن باید از واژه «بند» استفاده می‌شد.

۴. با توجه به هم سنخ نبودن موارد مندرج در ماده ۶ قانون مطبوعات با مفاد ماده ۶۹۸، ارجاع تمام این موارد به ماده یاد شده برای قانونگذار امری قبیح تلقی می‌شود، زیرا به جای این کار می‌توانست مجازات پیش‌بینی شده در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی یا هر مجازات دیگر را بدون نیاز به چنین ارجاع نامتناسبی، به طور مستقل یادآورد شود.

۵. لازمه قبول این نظر، تعارض در خود قانون مطبوعات است، زیرا برخی از مواد بعدی قانون مطبوعات با ذکر مجدد عنوان‌های یاد شده در این ماده، یا مجازاتی برای آن تعیین کرده‌اند (مانند مواد ۲۵ و ۲۸) یا تعیین مجازات را به قانون تعزیرات (مانند مواد ۲۶، ۲۸) یا نظر حاکم شرع (مانند مواد ۲۵ و ۲۸) ارجاع داده‌اند.

کثرت موارد یاد شده به حدی است که طرفداران نظریه بالا به واسطه دچار شدن به قبح «تخصیص اکثر» نمی‌توانند این مواد را مخصص تبصره یاد شده قلمداد کنند. این در حالی است که پذیرش تخصیص نیز در ادبیات حقوقی در چنین مواردی ممکن نیست.^{۲۷}

در پاسخ به ایرادهای یاد شده می‌توان چنین استدلال کرد:

۱. بند ۱۰ و تبصره ذیل آن در تاریخ ۱۳۷۷/۵/۲۱ به صورت یک «ماده واحده» به تصویب رسیده بود و براساس مصوبه یاد شده باید به عنوان بند ۵ و تبصره ۲ به ماده ۶ قانون اضافه می‌شد و با توجه به این که تنها تبصره ماده ۶ قانون سال ۱۳۶۴، مربوط به بند ۹ آن (که براساس این اصلاحیه تبدیل به ۱۰ می‌شد) بود، باید تبصره آن بند را، تبصره ۱ ماده و تبصره الحاقی را، تبصره ۲ به شمار آورد.^{۲۸}
- هر چند این استدلال متین به نظر می‌رسد، اصلاحیه سال ۱۳۷۹، علی‌رغم تبدیل بند مورد بحث، به بند شماره ۱۰، درخصوص تبصره یاد شده سکوت اختیار کرده است و در تدوینی که بر اساس اصلاحیه یاد شده از قانون مطبوعات صورت گرفته، تبصره مورد بحث ذیل بند ۱۰ قرار گرفته است.

۲. مجازات مذکور در تبصره یاد شده تنها در خصوص مدیر مسئول قابل استناد است و در مورد پدیدآورنده اثر مجرمانه، باید به قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. به خوبی روشن است که استدلال‌های فوق نمی‌تواند پاسخگوی اشکالات جدی مطرح شده باشد. از این رو لازمه جمع بین نقاط صحیح بین دو نظر (که ناشی از استدلال‌های تحلیلی حقوقی و توجه به واقعیت اتفاق افتاده در صحن مجلس است)، اذعان به این نکته است که در این مورد، قانونگذار نوعی بی‌دقتی و بی‌توجهی به مصوبات قبلی خود داشته است.

به ناچار راه حل این مشکل را می‌توان اختصاص تبصره یاد شده به بندهایی از ماده ۶، که در مواد دیگر قانون مطبوعات در خصوص مجازات آنها سخنی به میان نیامده است، دانست؛ نکته‌ای که در رویه دادرسی به جرایم مطبوعاتی مشاهده می‌شود. با توجه به آنچه آمد می‌توان نتیجه گرفت بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ماده ۶ قانون مطبوعات که عنوان‌های مجرمانه‌ای را از قبیل «نشر مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه می‌زند»، «نشر مطالب الحادی»، «نشر مطالب خلاف قانون اساسی»، «هتک حرمت اشخاص»، «طرح مطالب موجب تضاد بین زن و مرد»، «استفاده ابزاری از افراد در طرح یا محتوا»، «سرقت ادبی»، «اشاعه فحشا و منکرات» و «پخش شایعه و مطالب خلاف واقع»... دربرمی‌گیرد، مشمول ضوابط تبصره بند ۱۰ خواهند بود و مجازات آنها براساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تعیین خواهد شد.

ماده یاد شده «علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان»، حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تعزیری حداکثر تا ۷۴ ضربه را مجازات موارد مشمول خود ذکر می‌کند.

۲-۱-۲. دسته دوم

این دسته از جرایم مطبوعاتی که شامل عنوان‌هایی چون، «اهانت به دین اسلام و مقدسات آن»^{۲۹}، «افشای مذاکرات غیرعلنی مجلس، محاکم دادگستری و مراجع اطلاعاتی»^{۳۰}، «تهدید به هتک شرف و حیثیت و افشای اسرار شخصی»^{۳۱} و «تحریص و تشویق مردم به ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و سیاست خارجی کشور»^{۳۲} می‌شوند،

کیفری مطابق با مجازات‌های تعیین شده برای جرایم عادی دارند و با استناد به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است که مجازات مرتکبان آنها روشن می‌شود. کیفر هر یک از جرم‌های یاد شده در بالا، در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی، به ترتیب این گونه تعیین شده است: «حبس از یک تا پنج سال»، «حبس از یک تا پنج سال». در میان جرایم یاد شده، در خصوص اهانت به دین اسلام و مقدسات آن، ماده ۲۶ قانون مطبوعات، امکان تحقق ارتداد و اجرای مجازات را نیز مطرح کرده است، در حالی که قوانین موضوعه کشور در خصوص شرایط تحقق ارتداد و مجازات آن سکوت اختیار کرده‌اند.

در عین حال، با توجه به این که اعدام یکی از مجازات‌های معین شده در خصوص ارتداد به شمار می‌رود اجمال قانون موجب می‌شود که آن را نیز بتوان از مجازات‌هایی که امکان اعمال آن در جرایم مطبوعاتی وجود دارد محسوب کرد. این در حالی است که ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی که مرجع تعیین مجازات در خصوص این عنوان است، به صراحت مجازات سباب‌النبی را اعدام معرفی می‌کند.

۲-۱-۳. دسته سوم

دسته سوم از جرایم که عنوان‌هایی چون «عدم درج شناسنامه»^{۳۳}، «نشر نشریه مغایر با پروانه»^{۳۴} و «تخلف از مصوبات شورای عالی امنیت ملی»^{۳۵} را در برمی‌گیرند، براساس ماده ۳۵ قانون مطبوعات، مستوجب جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال یا تعطیل نشریه، حداکثر تا شش ماه، در مورد روزنامه‌ها، و حداکثر تا یک سال، در مورد سایر نشریات، خواهند بود.

با توجه به آنچه گذشت، طیف مجازات‌هایی را که در خصوص جرایم مطبوعاتی در ایران قابل اعمال است، می‌توان چنین دانست:

۱. اعدام (در خصوص سباب‌النبی)؛

۲. حبس حداکثر تا ۵ سال؛

۳. شلاق حداکثر تا ۷۴ ضربه؛

۴. جزای نقدی حداکثر تا ۲۰ میلیون ریال؛
۵. لغو امتیاز و
۶. توقیف موقت نشریه حداکثر تا یک سال.
- که در این میان دو عنوان اخیر را به واسطه این که مجازات‌های ویژه‌ای هستند که در خصوص مطبوعات اعمال می‌شوند، به طور جداگانه بررسی خواهیم کرد. علاوه بر آنچه گفته شد، قضات به استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، «محرومیت از مدیر مسئولی»، «محرومیت از اخذ امتیاز نشریه» و همچنین «منع از تصدی مشاغل مطبوعاتی» را نیز به مثابه مجازات‌های تمیمی در خصوص مجرمان مطبوعاتی اعمال کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به محرومیت ده ساله مدیر مسئول هفته‌نامه توس از هر سه مورد یاد شده، به موجب دادنامه شماره ۸۴/۸۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۱۹ شعبه ۱۱ دادگاه عمومی مشهد^{۳۶} اشاره کرد.
- در حقوق انگلستان، طیف وسیع‌تری از مجازات‌ها می‌تواند از سوی دادگاه‌ها اعمال شود، اما اغلب مجازات‌ها در حوزه جرایم مطبوعاتی، به حبس و جزای نقدی مربوط می‌شود.
- تهدید به خشونت از طریق مطبوعات، به موجب ماده ۵ قانون نظم عمومی، مصوب ۱۹۸۶ این کشور، مجازات حبس یا جزای نقدی به دنبال خواهد داشت. طولانی‌ترین حبسی که در این مورد وجود دارد، مربوط به تهدید به قتل است که حداکثر تا ۱۰ سال تعیین می‌شود.
- انتشار اسناد محرمانه بر اساس ماده ۱ قانون اسرار رسمی ۱۹۸۹، تا حداکثر ۱۴ سال حبس می‌تواند به دنبال داشته باشد.
- قانون انتشار امور مستهجن ۱۹۵۹ نیز در بند ۱ ماده ۲، متخلفان را مستوجب جزای نقدی نامحدود و حبس تا حداکثر سه سال می‌داند [Peter Murphy, 2002, :735]. به نمایش گذاشتن امور شرم‌آور نیز بر اساس بند ۱ ماده ۴ قانونی که با همین نام وجود دارد، می‌تواند حداکثر دو سال حبس یا جریمه نقدی یا هر دو مجازات را در پی داشته باشد [Ibid. :740].

اجبار به اعاده حیثیت فرد، الزام به چاپ حکم دادگاه و وا داشتن شخص به نوعی فعالیت مطبوعاتی، از جمله مجازات‌های تکمیلی‌ای هستند که گاه در برخورد با متخلفان مطبوعاتی به کار می‌رود.

توهین به مجلسین می‌تواند موجب حبس مجرم شود اما این جرم عملاً متروک شده است [Nicol Andrew and Bowman Caroline, 1993, :188].

هرچند توهین، افترا و نشر دروغ به قصد اضرار به غیر، اغلب در قالب مدنی و با پرداخت غرامت مالی جبران می‌شود، گاه نیز واجد جنبه کیفری است و مجازات به دنبال دارد؛ در این میان به موجب ماده ۸ قانون اصلاحی افترا، مرتکب این جرم می‌تواند به دو سال حبس محکوم شود.

۲-۲. توقیف و لغو پروانه

همان‌گونه که گفته شد، توقیف و لغو پروانه از مجازات‌های ویژه‌ای است که در قانون مطبوعات ایران پیش‌بینی شده است. هر چند این نوع مجازات‌ها در تضاد مستقیم با آزادی مطبوعات قرار می‌گیرد، پیش‌بینی آنها در تمام کشورهایی که شیوه اخذ پروانه را در پیش گرفته‌اند، به چشم می‌خورد. این در حالی است که پیش‌بینی لغو پروانه در کشورهایی که شیوه اخذ آن را در تأسیس مطبوعات پذیرفته‌اند سالبه به انتفای موضوع خواهد بود.

در ایران نیز توجه به تعارض مستقیم این مجازات با اصل آزادی مطبوعات موجب شده بود موارد لغو پروانه در قانون ۱۳۶۴ به صراحت احصا شود اما با افزوده شدن تبصره ۲ ماده ۶ (ماده واحده ۱۳۶۷) و ماده ۳۵ (اصلاحیه ۱۳۷۹) موارد امکان لغو امتیاز، در عمل تمام تخلفات مطبوعات را در بر گرفته است.

تبصره الحاقی ماده ۶ که پیش‌تر در مورد آن به تفصیل بحث شد، اصرار بر ارتکاب تخلفات موضوع ماده ۶ قانون را موجب لغو امتیاز نشریه دانسته است. علاوه بر اشکالات مختلفی که بر این تبصره وارد است، استفاده از اصطلاح غیر حقوقی «اصرار»

که می‌تواند به تعدد جرم یا تکرار آن تفسیر شود، مجادلات گسترده دیگری را نیز دامن زده است.

هر چند سنگینی مجازات لغو امتیاز (که در حکم اعلام نشریه است) و کیفری بودن مقررات موجب می‌شود اصل تفسیر مضیع (یا تفسیر به نفع متهم) در این زمینه حاکم شود و تفسیر اصرار به تکرار جرم معتبر قلمداد گردد، آنچه در رویه محاکم رسیدگی‌کننده به پرونده‌های مطبوعاتی مشاهده شده است تمایل به تفسیر این واژه به تعدد جرم است.^{۳۷}

نکته مهم دیگر در این خصوص آن است که هیئت نظارت بر مطبوعات نیز در صورت احراز تحقق جرم در برخی از موارد مجاز به توقیف نشریه یا حتی لغو پروانه نشر آن خواهد بود. تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات مقرر می‌دارد:

«در مورد تخلفات موضوع ماده ۶ به جز بند ۳ و ۴ و بند ب، ج و د ماده ۷ هیئت نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید.»

ماده ۲۷ همان قانون می‌گوید:

«هرگاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.»

البته همان گونه که از ذیل ماده ۲۷ پیداست، رسیدگی رسمی به جرم و مجازات احتمالی مجرم در محاکم صالحه دادگستری صورت می‌گیرد. چنان که ذیل تبصره ماده ۱۲ نیز آمده است:

«... و در صورت توقیف موظف است ظرف مدت یک هفته پرونده را جهت

رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.»

۳-۲. جبران خسارت

امکان پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم، یکی از سؤالات مهم در بررسی جرایم مختلف است اما حضور عنصر نشر در جرایم مطبوعاتی که گستره و عمق آسیب ناشی

از آنها را در مقایسه با جرایم عادی صد چندان می‌کند، موجب شده است پرداخت ضرر و زیان ناشی از این جرایم مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

در حقوق ایران هر چند پرداخت خسارت ناشی از جرم امری پذیرفته شده است^{۳۸}، تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات نیز در خصوص انتشار مطالب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن به صراحت شاکی را مستحق درخواست جبران خسارات ناشی از جرایم یاد شده می‌داند. هر چند این تبصره نسبت به خسارات مادی و معنوی عمومیت دارد، با توجه به این که شورای نگهبان در زمان تصویب آن، با مغایر دانستن تقویم خسارات معنوی با موازین شرعی از درج واژه معنوی (خسارات معنوی) در قانون جلوگیری کرده است، باید خسارت مورد نظر تبصره را به خسارات مادی منحصر کرد، در حالی که در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی نیز جبران مالی خسارت معنوی پیش‌بینی شده است.^{۳۹}

حقوق انگلستان با پیش گرفتن نظام مسئولیت مدنی در خصوص عنوان‌هایی چون هتک حرمت و نشر مطالب خلاف واقع به قصد اضرار به غیر، در عمل بسیاری از تخلفات مطبوعات را با شیوه جبران خسارت ترمیم می‌کند اما در هر حال باب پی‌گیری ضرر و زیان ناشی از جرم (چه مادی و چه معنوی) در آن کشور گشوده است.

افترا، هتک حرمت و انتشار دروغ همراه با سوء نیت علی‌رغم این که می‌توانند واجد وصف کیفری باشند، عموماً در قلمرو tort (شبه جرم یا جرم مدنی) مورد شکایت و رسیدگی قرار می‌گیرند و اغلب غرامت‌های سنگین مالی به دنبال دارند. خساراتی که نشریات محکوم شده می‌پردازند گاه به صدها هزار پوند بالغ می‌شود. جفری آرچر در سال ۱۹۸۷ با شکایت از مقاله افترا آمیزی که در روزنامه The Star به چاپ رسیده بود، پانصد هزار پوند خسارت دریافت کرد. در سال ۱۹۸۸ نیز روزنامه Sun تنها با پرداخت یک میلیون پوند به التون جان توانست رضایت وی را در خصوص یک مطلب منتشر شده جلب کند [Peter Carey, 1996:39].

دست‌آورد

۱. نظام مسئولیت جرایم مطبوعاتی چه در ایران و چه در انگلستان نظام مسئولیت جمعی است و تک تک دست‌اندرکاران نشر یک اثر در قبال نتایج آن مسئول شناخته می‌شوند. در ایران، مدیر مسئول و در انگلستان، سردبیر مسئول اصلی و مستقیم مطالبند.

۲. از دیدگاه نظری بهتر آن است که پدیدآورنده اثر تنها پس از احراز مجرم بودن مدیر مسئول مورد پی‌گردد قرار گیرد در حالی که رویه قضایی کشور سیر دیگری را در پیش گرفته است.

منابع

- آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- اردبیلی، محمد علی؛ مسئولیت ناشی از فعل غیر؛ مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۶ و ۱۷، پاییز ۱۳۷۴ تا بهار ۱۳۷۵.
- کرمی، محمدباقر؛ تحلیلی بر جرایم مطبوعاتی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ دانشگاه آزاد اسلامی تهران؛ ۱۳۷۰.
- فصلنامه رسانه، سال ۹، شماره ۳ (۳۵ پیاپی)؛ پاییز ۱۳۷۷.
- Nicol, Andrew, and Bowman Caroline, 1993 Press Law in the Kingdom in: Press and Practice, Paris. UNESCO, 1993
- Allason v. Hains, The Times, July 25, 1995.
- Carey, Peter, Media Law, 1996, Sweet & Maxwell.
- Peter Murphy (ed), Blackstone's Criminal Practice, Oxford University Press, 2002.

پی‌نوشت‌ها

- ۱ - «ماده ۹؛ تبصره ۴: صاحب امتیاز در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور مربوط با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود».

۲ - «ماده ۲۴: اشخاصی که اسناد و دستوره‌های محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند، به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود».

۳ - «ماده ۲۵: هر کس به وسیله مطبوعات مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است، تحریض و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم، و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع، بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

۴ - «ماده ۲۶: هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

۵ - «ماده ۲۷: هر گاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد».

۶ - «اصل بیستم: عامه مطبوعات غیر از تب ضلال و مواد مضره به دین مبین اسلام، آزادی و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود، اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند».

۷ - «ماده ۱۳: مدیر روزنامه به طبع مسئول مقالات مندرجه در روزنامه است و همچنان مسئول اعلاناتی است که در روزنامه می‌رسد. در مقالات با امضا وقتی مدیر، مسئول نیست که از منهیات مسلمه واضحه چیزی در مقاله مندرج نباشد والا مدیر نیز مسئول است».

۸ - «ماده ۴۸: در موارد تخلف از فصول این قوانین مرتکبین علی قدر مراتبهم در مقابل قانون مسئول خواهند بود و سیاسات مندرجه که به حکم التزام به مرتکبیت وارد است در حق آنها جاری خواهد شد:

۱ - اقدام کنندگان به طبع، مدیران روزنامه و سایر جراید اصالتاً

۲ - دبیران روزنامه جرایم دیگر در صورت مسئولیت آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته و مطلقاً در صورت مساعدت آنها در اقدامات نامشروع منهیه مضره آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته باشد مدیر روزنامه یا مطبوعه باید جلوگیری و به قبول مسئولیت دبیر رفع مسئولیت از ایشان نمی‌شود و منتها دبیر هم مسئول است.

۳ - رئیس مطبوعه

۴ - فروشنده و نشر دهنده

۵ - اعلان کننده

مسئولیت این اشخاص مذکور ۳ و ۴ و ۵ در وقتی است که مشارکت با خیالات مضره مدیر و رئیس جریده و مطبوعه نموده در القا و افشای فتنه و فساد همدست باشند. هر گاه یکی از متصدیان پنجگانه متواری شود سایرین علی قدر مراتبهم مسئول خواهند بود هرگاه نویسنده مقاله در خارج باشد و مقاله از منهیات چیزی را حاوی باشد و به طبع برسد، مطبوعه و مدیر و رقد مسئول خواهند بود و اگر چیزی را حاوی باشد که ثبوت بخوانند مدیر روزنامه با مسئولیت شخصی حق درج دارد و الا فلا».

۹ - ماده ۲۵: در کلیه جرایم مذکوره در موارد فوق طبق اصل بیستم متمم قانون اساسی رفتار خواهد شد».

۱۰ - همان گونه که در متن اصل هم آمده مسئولیت این دو نفر در عرض هم بوده و مسئولیت هر یک مصونیت دیگری را به دنبال داشته است.

11. Editor

12. Defamation Act 1996

۱۳ - متن پیشین ماده (مصوب ۱۳۶۴) بدون اشاره به وصف مجرمانه، این عمل را تنها ممنوع شمرده بود و از این رو گروهی آن را فاقد وصف کیفری می‌دانستند و تخلف اداری به شمار می‌آوردند.

۱۴ - «ماده ۱۴: در صورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود، تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است، مسئولیت‌های مدیر به عهده صاحب امتیاز است».

- ۱۵ - «ماده ۹: تبصره ۱: متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسئول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید».
- ۱۶ - «ماده ۳۲: ... هر کس در نشریه‌ای خود را بر خلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمت‌های مزبور را طبق قانون از دست داده‌اند نیز می‌شود».
- ۱۷ - از آن جمله است مواد ۲۷، ۲۸ و ۳۳ قانون مطبوعات.
- ۱۸ - اغلب اینان را اصحاب مطبوعات تشکیل می‌دادند و کمتر حقوقدانی در میان آنها دیده می‌شد.
- ۱۹ - ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی.
- ۲۰ - ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی.
- ۲۱ - ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی.
- ۲۲ - ماده ۴۲ قانون انتخابات مجلس ۶۴/۴/۵ و ماده ۲۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری ۶۴/۴/۵.
- ۲۳ - «ماده ۷، بند د، تبصره: مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیئت نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی‌باشد».
- ۲۴ - «ماده ۷، بند ه، تبصره: مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی هیئت نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی‌باشد».
- ۲۵ - «ماده ۶۴۰: اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:
- ۱ - هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار، سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد...».

- ۲۶ - علاوه بر نظر تفسیری شورای نگه‌بان (که تفصیل آن تا زمان تنظیم این رساله به طور رسمی منتشر نشده است) در این خصوص می‌توان به محکومیت برخی از نمایندگان در قبال سخنرانی‌های پیش از دستور مجلس اشاره کرد.
- ۲۷ - حقوقدانان بر خلاف نظر فقها معتقدند که عام لاحق توسط خاص سابق تخصیص نمی‌خورد بلکه موجب فسخ آن می‌شود. در حالی که فقها فرقی بین سبق و لحوق عام قائل نبوده و خاص را در هر شرایطی (تقدم یا تاخر) مخصص عام به شمار می‌آورند. در مورد مسئله مورد بحث نیز بدیهی است قبول کردن نظریه تخصیص با دیدگاه حقوقی سنخیتی ندارد.
- ۲۸ - مشروح مذاکرات جلسه علنی ۱۳۷۷/۵/۲۱ مجلس شورای اسلامی نیز مؤید همین نظریه است.
- ۲۹ - بند ۷ ماده ۶ و همچنین ماده ۲۶ قانون مطبوعات.
- ۳۰ - ماده ۲۹ قانون مطبوعات.
- ۳۱ - ماده ۳۱ قانون مطبوعات.
- ۳۲ - بند ۵ ماده ۶ و همچنین ماده ۲۵ قانون مطبوعات.
- ۳۳ - بند د ماده ۷.
- ۳۴ - بند ب ماده ۷.
- ۳۵ - تبصره ۲ ماده ۵.
- ۳۶ - پرونده کلاسه ۱۱/۷۵/۲۲۱۶.
- ۳۷ - در این مورد می‌توان به حکم لغو امتیاز روزنامه جامعه به موجب دادنامه شماره ۸۲ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۸ شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران اشاره کرد، امری که در دادنامه شماره ۳۲۴ تا ۳۲۶ شعبه ۳۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران مورد اشکال قرار گرفت.
- ۳۸ - نظریه شماره $\frac{۷/۵۹۴۷}{۱۳۶۵/۱۰/۳}$ اداره حقوقی
- سؤال:
- آیا به تبع امر جزایی می‌توان دادخواست ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم به دادگاه تقدیم نمود یا خیر؟ و آیا دادخواست مذکور قابل رسیدگی است یا نه؟
- نظریه اداره حقوقی

مقررات مربوط به مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی از جمله ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ نشده و اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است، بنابراین مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از جرم جنبه قانونی دارد.

(ماده ۹ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر است: شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می‌شود و به تبع ادعای داستان مطالبه ضرر و زیان می‌کند مدعی خصوصی است و مادام که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده شاکی خصوصی نامیده می‌شود. ضرر و زیانی که قابل مطالبه است به شرح ذیل می‌باشد: ۱ - ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است. ۲ - ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی. ۳ - منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود.)

۳۹ - «اصل یکصد و هفتاد و یکم: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال متهم اعاده حیثیت می‌گردد.»

نمایه کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های
پژوهشی
و کارهای در دست انتشار
«حقوق رسانه»

گردآوری و تنظیم: نسرين حداد

کتاب‌ها

- آیتی، حمید، حقوق آفرینش‌های فکری با تاکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری / با دیباچه حسین صفائی، تهران: نشر حقوقدان، ۱۳۷۵
- اشتورمان، کیس، تدابیر جانشین برای جلوگیری از جرم کامپیوتری (کدهای رفتاری) / مترجم: محمد حسن دزیانی، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۷۶
- الستی، ساناز، حقوق کیفی مالکیت ادبی و هنری در ایران و بررسی تطبیقی آن با امریکا و قراردادهای بین‌المللی / تهران: میزان، ۱۳۸۲
- الهی، فرج‌الله، حقوق پدید آورندگان / قم: سلسله، ۱۳۸۲
- انصاری لاری، محمد ابراهیم، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران / تهران: سروش، ۱۳۷۵
- انصاری، باقر... [و دیگران]، مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی / تهران: ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، اداره چاپ و انتشار، ۱۳۸۱
- بردبار، محمدحسن، درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی: مطبوعات، ماهواره، اینترنت / تهران: فقنوس، ۱۳۸۱

- برژ، گی و اندره، تدابیر جانشین برای جلوگیری از جرم کامپیوتری (امنیت کامپیوتر) / ترجمه محمد حسن دزیانی، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۷۶
- پخش مستقیم ماهواره‌ای در قرن بیست و یکم؛ چالش‌های حقوقی و فرهنگی / گروه مطالعات حقوقی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، تهران: سروش، ۱۳۸۱
- پلومان، ادوارد، حقوق بین‌الملل ارتباطات و اطلاعات ؛ «مجموعه ای از اسناد مهم» / مترجم: بهمن آقایی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۰
- توسائی سلطانمردادی، ابوذر، حقوق اینترنت در ایران: دستنامه ایجاد مراکز خدمات اینترنت پر ظرفیت (ICP) مراکز ISP خدمات ثبت دامنه / تهران: دبیزش، ۱۳۸۲
- جنانی، عادل، بررسی جرایم صوتی و تصویری در فقه و حقوق موضوعه / ارومیه: ادیبان، ۱۳۸۲
- چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام‌های ملی و بین‌المللی / پژوهشگر گروه مطالعات حقوقی سازمان صداوسیما، تهران: سروش، ۱۳۸۰
- حسینی، بیژن، جرایم اینترنتی علیه اطفال / تهران: افراز، ۱۳۸۲
- حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای / پژوهشگر گروه مطالعات حقوقی سازمان صداوسیما، تهران: سروش، ۱۳۸۰
- حقوق پدید آورندگان نرم افزار / دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور، انتشارات سازمان برنامه و بودجه ۷۳/۰۰/۶۶، آبان ماه ۱۳۷۳
- خداقلی، زهرا، جرایم کامپیوتری / تهران: آریان، ۱۳۸۲
- رویکرد اخلاقی در رسانه‌ها (مجموعه مقالات) / مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۵
- ریک، کاسپرس، تعقیب بین‌المللی جرم کامپیوتری / مترجم: محمد حسن دزیانی، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۷۶
- زیبر، اولریش، جنبه‌های قضایی کامپیوتری از طریق حقوق ماهوی / مترجم: محمد حسن دزیانی، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۷۶

- سفی‌مان، پی جی [و دیگران]، نگاهی دیگر به اخلاق رسانه‌ای / مترجمان: محمود حقیقت کاشانی ... [و دیگران]، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۵
- صابری انصاری، بهزاد، سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو) / [برای] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱
- طاهرنسبی، کوروش، صنعت تبلیغات / تهران: فرزین: ابتکار، ۱۳۸۱
- عربیان، جواد، چشم انداز فقهی و حقوقی «حقوق مالکیت های فکری» / تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۲
- فاضل هرنندی، محی‌الدین، حریم در فقه شیعه / دفتر نمایندگی ولی امر در ستاد مرکزی هیئت‌های هفت نفره، قم: حوزه علمیه قم (دفتر تبلیغات اسلامی)، مرکز انتشارات، ۱۳۷۶
- فخار طوسی، جواد، امام خمینی و رسانه‌های گروهی و مبانی فقهی و حقوقی / تهران: ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (س)، ۱۳۸۱
- فرخیان، ربابه - رکاوندی، احمدرضا، جرایم کامپیوتری (به روایت اینترنت) / گرگان: عشق دانش، ۱۳۸۲
- قوانین میانجیگری و داوری WIPO [وایپو] (Arbitration and mediation rules:WIPO) / مترجمان: علیرضا رشیدی، کمیجانی، نصرالله جهانگرد، تهران: شورای عالی اطلاع رسانی، دبیرخانه، ۱۳۸۲
- کدخدایی، عباس، پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای از دیدگاه حقوق بین الملل / تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۹
- محمدبیگی، علی‌اعظم، بررسی نظام ملی حق مولف در ایران / تهران: روش، ۱۳۷۹
- محمدی، مجید، اخلاق رسانه‌ها / تهران: نقش و نگار، ۱۳۷۹
- معتمدنژاد، کاظم، حقوق ارتباط جمعی / تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، مهر ۱۳۶۹

مقاله - نقد - گفتگو

کلیات

- اتخاذ یک راهبرد عملی برای اجرایی کردن حقوق مالکیت فکری الزامی است: نگاهی به اولین همایش بین المللی تجارت الکترونیکی و مالکیت فکری، بررسی های بازرگانی شماره ۱۷۳

- اسماعیلی، محسن، جایگاه حقوق رسالت رسانه‌ها، پژوهش و سنجش شماره ۳۵

- اسماعیلی، محسن، مالکیت رسانه‌ها در حقوق ایران، جام جم ۸۱/۶/۱۰

- اصلاحیه قانون ماهواره هم نیاز به اصلاح دارد؛ صاحب نظران حوزه رسانه ای، ابرار ۸۰/۱۲/۱۸

- اقتداری، امید، رسانه‌های نو، قوانین نو، پیام یونسکو شماره ۳۵۷

- امیری، محمد، صداوسیما و محدودیت‌های نظارتی: در حاشیه طرح حقوق شهروندان و تلویزیون در مجلس شورای اسلامی، همشهری ۸۰/۳/۵

- بررسی سیاست ماهواره‌ای کشورهای آسیایی: درس‌هایی برای مورد ایران، مجلس و پژوهش شماره ۴۲، زمستان ۸۲

- پورحسن، ناصر، اهداف و سیاست‌های شورای عالی سم عی - بصری در پاریس، شورایی است دارای قدرت اعمال مجازات اداری بر رسانه تلویزیون، رسانه شماره ۳۸ - حسینی، کیوان، سخنرانی یک کودک چند ماهه! بررسی جایگاه حقوقی رسانه های سایر به بهانه نمایشگاه مطبوعات، ایران ۸۲/۲/۱۷

- حسینی، کیوان، نشریات الکترونیک مجوز ندارند، مقدمه‌ای در شناخت مسائل حقوقی رسانه‌های الکترونیک، ایران ۸۲/۲/۱۷

- در انتظار نظام جامع حقوقی رسانه‌ها، حیات نو اقتصادی ۸۳/۵/۱۵

- رجایی، سعید، نبرد بر سر تراشه - وی و تلویزیون سالم!: قوانین جدید پخش برنامه‌های تلویزیونی و شبکه اینترنت، سروش شماره ۹۳۱

- رضایی بایندر، محمدرضا، حقوق کودکان و رسانه‌ها، سروش شماره ۸۶۹

- رضایی بایندر، محمدرضا، حقوق کودکان و رسانه‌ها (۲)، سروش شماره ۹۶۹

- روشن، احمدرضا، قانون اساسی خصوصی سازی و مسئله رادیو و تلویزیون ، نوروز ۸۰/۸/۹
- ساموئل سون، رابرت، حق با مشتری است: قوانین پیچیده رسانه‌ای در امریکا، عبادتی، علیرضا، شرق ۸۲/۶/۴
- سلامی، لادن، تلویزیون خصوصی نیازی که قانون پاسخگوی آن نیست ، حیات نو ۷۹/۴/۴
- شلوندورف، فولکو، بررسی و تحلیل ارتباط میان رسانه‌ها، جرم و عدالت کیفری: مطالعه رسانه‌ها، جرم و عدالت کیفری، فولادی، جمشید، جوان ۷۸/۲/۳۰
- شلوندورف، فولکو، بررسی و تحلیل ارتباط میان رسانه ها، جرم و عدالت کیفری ، فولادی، جمشید، جوان ۷۸/۳/۶
- صدری، سعید، ساختار حرفه‌ای خبرنگاران: نگاهی به ماهیت حقوقی این حرفه در حقوق ارتباط جمعی، خراسان ۱ و ۷۸/۶/۲
- طلائی، فرهاد، بررسی نظام حقوقی ارتباطات بین‌المللی، رسانه سال سیزدهم شماره ۲ (پیاپی ۵۰)، تابستان ۱۳۸۱
- عبادتی، علیرضا، نخست وزیری که همه را می‌خواهد: تغییرات گسترده در قوانین حاکم بر عملکرد رسانه‌های ایتالیا، شرق ۸۲/۶/۴
- فرشاد، محسن، علم حقوق و ماشین‌های هوشمند، وکالت شماره ۶، ۱۳۸۰
- محمدی، مجید، حقوق رسانه‌ها، رسانه شماره ۴۲
- محمدی، مجید، قانون تلویزیون‌های خصوصی در انگلستان، فیلم شماره ۲۵۴
- مولانا، حمید، مالکیت مطبوعات و رسانه‌ها، کیهان ۷۹/۱۱/۶
- میرانی، گودرز، مالکیت و کنترل رسانه‌ها، جوان ۸۲/۳/۲۹
- نظام جامع رسانه‌ای تدوین می‌شود، خراسان ۷۹/۸/۲۳
- نور شرق، جمشید، حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای، وکالت شماره ۶، ۱۳۸۰
- نورشرق، جمشید، حمایت از حقوق و ماشین‌های هوشمند، وکالت شماره ۶، ۱۳۸۰

مقالات ارائه شده در سمینارها و همایش‌ها

- اتفاق، جواد - شهرستانی، طالب، مشکلات کپی رایت محصولات نشر الکترونیکی در ایران / دومین گردهمایی نقش اطلاع رسانی در توسعه فرهنگی؛ کتاب و فناوری اطلاعات، ۱۳۸۰، تهران: موسسه خانه کتاب
- توتونچی مقدم، علی، مقدمه‌ای بر قانون‌گذاری در صنعت تبلیغات بازرگانی / نخستین همایش صنعت تبلیغات ایران، ۱۳۷۹، تهران: اداره کل تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رضادوست، ساسان، جرایم اینترنتی و شیوه‌های مقابله با آن / همایش نظم و دانش، ۲۱-۲۲ دی ۱۳۷۸، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا)، معاونت اجتماعی
- روشن، حسن - نوربخش، کامران، بررسی قوانین و مقررات تبلیغاتی در ایران / نخستین همایش صنعت تبلیغات ایران، ۱۳۷۹، تهران: اداره کل تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- عبدلی، مهشید - کوشا، کیوان، حق مولف در نشر چند رسانه‌ای، چالشی‌نویین در عصر همگرایی رسانه‌ها / دومین گردهمایی نقش اطلاع رسانی در توسعه فرهنگی؛ کتاب و فناوری اطلاعات، ۱۳۸۰ تهران: موسسه خانه کتاب
- محمدبیگی، علی‌اعظم، ارزیابی پدیده‌های الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در حوزه کپی رایت / همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، ۱۵ مرداد ۱۳۷۵، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- معتمدنژاد، رویا، مسائل حقوق بین‌المللی ماهواره‌ای پخش مستقیم تلویزیون / کنفرانس تهاجم فرهنگی: ماهیت و ابعاد آن، ۱۸-۲۰ دی ۱۳۷۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- معتمدنژاد، کاظم، مبانی حقوقی تبلیغات بازرگانی / نخستین همایش صنعت تبلیغات ایران، ۱۳۷۹، تهران: اداره کل تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- منتظر، غلامعلی - رستمی گومه، علیرضا، چالش‌ها و راه‌کارهای مالکیت معنوی در نشر الکترونیکی / دومین گردهمایی نقش اطلاع‌رسانی در توسعه فرهنگی؛ کتاب و فناوری اطلاعات، ۱۳۸۰ تهران: موسسه خانه کتاب

تبلیغات بازرگانی

- ایرانمنش، محمد، مشکلات ساختاری در نظام تبلیغاتی ایران، هنر هشتم شماره ۲۵
- جاودان اصل، بهرام، بررسی اصول و معیارهای تبلیغات تجاری در رادیو و تلویزیون ، پژوهش و سنجش شماره ۲۹
- خلأ قانونی در نحوه تبلیغات بازرگانی، ابرار اقتصادی ۸۳/۴/۲۳
- رضی، فرید، تبلیغات بازرگانی و سه رویکرد تازه دستیابی به یک نظام جامع تبلیغاتی ضرورتی حتمی است، رسانه شماره ۳۲
- شکرخواه، یونس، ملاحظات جهانی پخش آگهی از شبکه‌های تلویزیونی ، پژوهش و سنجش شماره ۲۹
- طالبی، محمد، آگهی‌های میان برنامه‌ای تلویزیون: تجاوز به حقوق مخاطب ، رسانه شماره ۴۴
- نقیب‌السادات، رضا، آسیب‌های فرهنگی: فقدان نظامنامه تبلیغات بازرگانی، پژوهش و سنجش شماره ۲۹
- کریم، جانانان، تبلیغات اینترنتی و حقوق نادیده گرفته شده کاربران ، ثابت سعیدی، شهرزاد، ITIran.com

حریم خصوصی

- چراغیان، مهدیه، تصویری جدید از حریم خصوصی، علم الکترونیک و کامپیوتر شماره ۳۱۳
- بروجردی، مهدخت، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، ابرار اقتصادی شماره ۱۰
- حریم خصوصی مردم و کامپیوتر، ریز پردازنده شماره ۶۶

- حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی را بشناسید، ریز پردازنده شماره ۱۰۲
- شبکه‌های اطلاعاتی جهانی و نقض حقوق بشر با تاکید بر حق حریم خصوصی ، جهان اقتصاد ۸۳/۵/۱۹
- علیزاده طباطبایی، محمود، لایحه حمایت از حریم خصوصی با دغدغه‌ای نو، شرق ۲۵ و ۸۳/۳/۲۶
- سیف زاده، محمد - الله بداشتی، ساناز، حریم خصوصی [گفتگو با محمد سیف زاده]، یاس نو، ۸۲/۳/۱۳
- نورایی بیدخت، حسن، حریم خصوصی افراد در جریان بین‌المللی داده‌ها، رسانه شماره ۳۸
- تصویب لایحه حریم خصوصی، فرهنگ آشتی ۸۳/۳/۱۶
- شبکه‌های اطلاعاتی و حریم خصوصی، فجر ۸۳/۴/۲۱
- فرهمند، جعفر، مقوله حقوقی تجاوز به حریم خصوصی افراد، رسالت ۷۹/۱۱/۱۰

تجارت الکترونیک

- فویل، کلر، حقوق و تجارت الکترونیک، جواهری، بهاره، نوروز ۸۰/۱۲/۱
- امیرپور، مرتضی، اصول حقوق تجارت الکترونیک، وکالت، شهریور ۸۰
- زرگر، عباس، نوآوری‌های قانون تجارت الکترونیک، یاس نو ۸۲/۱۱/۲۶
- سوادکوهی فر، سام، تحلیلی بر قانون تجارت الکترونیکی ایران (۲)، دادرسی شماره ۴۳
- صادقی نشاط، امیر، حقوق تجارت الکترونیک، کانون وکلای دادگستری مرکز ۱۷۰
- صالحی، علیرضا، مبانی حقوق تجارت الکترونیکی و مبحث حکمیت داوری ، عصر کامپیوتر شماره ۵
- طرح تجارت الکترونیکی [قانون تجارت الکترونیکی]، گزارش کامپیوتر شماره ۱۵۱
- قاجار قیونلو، سیامک، تجارت الکترونیک از ایده تا واقعیت: گفتگو با سیامک قاجار قیونلو مشاور حقوقی دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک در خصوص طرح قانونی تجارت الکترونیکی، عصر ارتباط شماره ۴

- قانون تجارت الکترونیکی به تنهایی کارساز نیست، دنیای اقتصاد ۸۲/۲/۱۴
- مبانی حقوقی تجارت الکترونیک، پیام ارتباطات شماره ۳۵
- معتمد نژاد، کاظم، مقررات حقوق بین الملل تبلیغات بازرگانی ، پژوهش و سنجش شماره ۲۹
- هاشمی زاده، علیرضا، تجارت الکترونیک و الزام‌های حقوقی، همشهری ۸۰/۹/۱۶

جرایم اینترنتی

- از فیلترگذاری سلیقه‌ای تا پلیس اینترنتی: بررسی جرایم اینترنتی و ضعف قوانین در ایران، ایران ۸۲/۶/۱۴
 - اسماعیلیان، شاپور، جرایم اینترنتی و قلمرو اجرایی قوانین، حیات نو ۸۱/۶/۲۷
 - تحلیلی بر تدوین قانون مبارزه با جرایم اینترنتی و نشریات الکترونیکی، خبر ۸۱/۹/۲۸
 - سلطانی، محمدرضا، در تدوین قانون مبارزه با جرایم اینترنتی دقت زیادی مورد نیاز است: یک کارشناس اینترنت، ابرار اقتصادی ۸۱/۹/۲۸
 - شریف، شهرام، اولویت‌های کمیته مبارزه با جرایم اینترنتی چیست ؟ ، ابرار اقتصادی ۸۱/۷/۴
 - شمس، کوروش، رفتار شناسی قضایی در برخورد با جرایم اینترنتی، ابرار اقتصادی ۸۱/۹/۱۶
 - قنبری، فاطمه، ضرورت تدوین قانون جرایم رایانه ای و اینترنتی: در گفتگو با صاحب‌نظران بررسی شد [گزارش]، خراسان ۸۱/۶/۲۴
 - مقابله با جرایم اینترنتی قوانین کارآمد می‌طلبد، ابرار اقتصادی ۸۱/۶/۱۰
 - مقابله با جرایم اینترنتی نیازمند پیوستن به کنوانسیون‌ها و به کارگیری تجارب بین‌المللی است، آسیا ۸۱/۹/۲۸
- ### جرایم رایانه‌ای، رسانه‌ای
- آرمان، داریوش، جرایم رایانه‌ای و چالش جدید نیروهای انتظامی - امنیتی، ایران ۸۰/۱۱/۱۰

- ابعاد جزایی کاربرد کامپیوتر و جرایم کامپیوتری، خبرنامه انفورماتیک ، شورای عالی انفورماتیک کشور، سازمان برنامه و بودجه، شماره ۵۸، دی و اسفند ۱۳۷۳
- از نخستین جهنمی تا پلیس سایبر: بررسی چالش جرایم کامپیوتری و اینترنتی در ایران، اعتماد ۸۱/۱۰/۲۱
- با برگزاری دوره‌های آموزشی آشنایی با جرایم رایانه ای: ایران قاضی سایبر تربیت می‌کند، صدای عدالت ۸۱/۱۱/۲۶
- بابازاده، قاسم، پیرامون کنوانسیون اروپایی جرایم کامپیوتری ، خبرنامه انفورماتیک، شورای عالی انفورماتیک کشور، شماره ۸۱، فروردین ۸۱
- پرویزی، رضا، جرایم رایانه‌ای تهدیدی علیه فناوری اطلاعات (بخش پایانی) ، عصر ارتباط شماره ۱۷
- پلیس اینترنتی: مبارزه با جرایم رایانه‌ای قانونمند شد، شرق ۸۲/۷/۲۸
- پیش نویس قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، دنیای اقتصاد شماره ۲۰
- جرایم رایانه‌ای عصر اطلاعات، ابرار اقتصادی ۱۵ و ۱۷ و ۸۳/۵/۱۸
- جرایم رایانه‌ای و روش‌های مقابله با وقوع آن: مطالعه مقایسه ای سیاست های جرایم رایانه‌ای در چند کشور جهان [قسمت دوم مراقبت از سامانه‌های اطلاعاتی حساس کشور]، همشهری ۸۰/۱۱/۱۶
- جرایم رایانه‌ای: مقدمه ای بر جرم، عدالت و مجازات ، ابرار اقتصادی ۱۳ و ۱۴ و ۸۳/۴/۱۵
- جرایم رایانه‌ای؛ چالش‌ها و راهکارها، جوان ۸۳/۳/۲۳
- جعفری، مجتبی، دست‌اندازی به یک سیستم؛ بررسی انواع جرایم رایانه ای در حقوق جزای فرانسه، رسالت ۸۳/۵/۲۴
- حافظی، سعید، جرایم رایانه‌ای: مقدمه‌ای بر جرم، عدالت و مجازات، دی آنجلیز، جینا، دنیای اقتصاد ۱۵ و ۱۶ و ۸۳/۴/۱۷
- حذف کارت اینترنت و تهیه بانک اطلاعاتی کاربران عملی نیست: دو اظهار نظر در نقد پیش‌نویس قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، اقتصاد پویا ۸۳/۳/۱۶

- حقانی، مهری، آماده باش برای مبارزه با جرایم رایانه‌ای، ایران ۸۳/۴/۲۳
- دزیانی، محمد حسن، گزارش توجیهی جرایم کامپیوتری، مقررات لازم در حقوق جزای ماهوی، شورای عالی انفورماتیک کشور، ۱۳۸۱
- دزیانی، محمدمحسن، جرایم کامپیوتری، گزارش کامپیوتر، ماهنامه انجمن انفورماتیک ایران، شماره ۱۲۲، آذر و دی ۱۳۷۲
- دیداری، اکرم - پرویزی، رضا، پیشگیری یا برخورد: مبارزه با جرایم رایانه‌ای؛ گفتگو با رضا پرویزی دبیر کمیته مبارزه با جرایم رایانه‌ای و اینترنتی، دنیای اقتصاد ۸۱/۱۰/۳
- زیبر، اولریش، سایبرلا توسعه حقوق آلمان، احمدی، هما، خبرنامه انفورماتیک، شورای عالی انفورماتیک کشور، شماره ۷۱، مرداد ۱۳۷۸
- ساعدی، طاهره، جرایم رایانه‌ای، خراسان ۸۱/۶/۳
- شمس، کوروش، خشت اول چو نهد ... [جرایم رایانه‌ای]، ابرار اقتصادی ۸۱/۷/۶
- شمس، کوروش، قضات کشور آموزش IT می بینند: از صبح دیروز و توسط کمیته مبارزه با جرایم رایانه‌ای و اینترنتی، ابرار اقتصادی ۸۱/۹/۲۴
- شورای اروپا، توصیه نامه (۹۵) R: آئین دادرسی جرایم کامپیوتری، ترجمه محمد حسن دزیانی، خبرنامه انفورماتیک، شورای عالی انفورماتیک کشور، شماره ۸۱، فروردین ۱۳۸۱
- شورای اروپا، جرم کامپیوتری، ترجمه دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۷۶
- شورای اروپا، کمیته اروپایی متخصصان جرم در سایبرسپیس (استراسبورگ ۱۹۹۷)، ترجمه محمد حسن دزیانی، خبرنامه انفورماتیک، شورای عالی انفورماتیک کشور، شماره ۷۵، ۱۳۷۹
- صفایی تبار، حامد، آنها را رها کنید [جرایم رسانه‌ای]، شرق ۸۲/۹/۲۳
- فانتزی ترسناک: جرایم رایانه‌ای امنیت و خلوت افراد را نیز نشانه رفته است، حافظی، سعید، شرق ۸۳/۳/۲۷
- فهیمی، مهدی، جرایم رایانه‌ای و روش‌های مقابله و پیشگیری از آن، صنایع شماره ۲۹

- قاجار قیونلو، سیامک، جرایم کامپیوتری و مجازات، خبرنامه انفورماتیک، شورای عالی انفورماتیک کشور، شماره ۷۷، فروردین ۱۳۸۰
- قانون مدونی در خصوص جرایم رایانه‌ای وجود ندارد: دبیر شورای عالی انفورماتیک ، ابرار اقتصادی ۸۱/۱۰/۲۴
- قانون مدونی در خصوص جرایم رایانه‌ای وجود ندارد ، ماشین های اداری و رایانه شماره ۱۷
- لایحه جرایم رایانه‌ای را پشت درهای بسته به تصویب نمی رسانیم: در نشست مطبوعاتی همایش ابعاد حقوقی فناوری اطلاعات مطرح شد، اقتصاد پویا ۸۳/۳/۱۸
- متن کامل پیش نویس قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، ابرار اقتصادی ۲۶
- مرادی، جعفر، جرایم دیجیتال در محیط سایبر ، خبرنامه انفورماتیک، شورای عالی انفورماتیک کشور، شماره ۷۹، شهریور ۱۳۸۰
- مومنی، مینو، ترازوی دیجیتالی، وزنه‌های آهنی: جرایم رایانه‌ای با قانون جدید ارزیابی می‌شوند، شرق ۸۳/۳/۲۵
- نخستین قانون، جرایم رایانه‌ای با اشکالات متعدد بالاخره قانونمند شد ، دنیای اقتصاد ۸۳/۳/۲۷
- واسیلاکی، ایرینی، جرم مالی مدیا [چند رسانه ای]: پیدایش پدیده شناسی و مسائل قانونی جرم فوق کامپیوتری، دزیانی، محمد، حسن، وکالت شماره ۱۱
- کمیته مبارزه با جرایم اینترنتی و رایانه‌ای از هفته آینده آغاز به کار می‌کند، آسیا ۸۱/۷/۳

کپی رایت

- دمستز، هرولد، به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت، رنانی، محسن، تامین اجتماعی شماره ۱۰
- «کپی رایت» ارتباط ما با دنیا قطع می‌شود، اطلاعات ۱۳۵۲/۱۲/۱۱
- آقامحمدی، هاله، همایش حقوق مالکیت معنوی در ایران، کتاب ماه [کلیات] شماره‌های ۶۳ و ۶۴

- آیتی، حمید، پیشینه تاریخی حقوق پدید آورندگان در ایران، کتاب ماه (نشر و نوشتار)، آذر ۱۳۷۸
- اخلاقی، بهروز - ناصری، یوسف، الحاق به کنوانسیون مالکیت فکری: گفتگو با بهروز اخلاقی استاد دانشگاه، ایران ۸۳/۴/۱۷
- ادیب، محمد، قلمرو مالکیت معنوی در ایران، یاس نو ۸۱/۱۲/۲۸
- ارجمند، تاج‌الملوک، سیری در قوانین حق مولف، استفاده منصفانه و دسترسی‌پذیری از آغاز و ...، فصلنامه کتاب شماره ۵۲
- اردکان زاده یزدی، سعید، به دنبال قانون جهانی کپی رایت: نرم‌افزاری‌های میلیون دلاری تنها در مقابل چند اسکناس سبز هزار تومانی معامله می‌شوند، شرق ۸۳/۴/۲۴
- ارزیابی پیامدهای الحاق ایران به نظام جهانی حق مولف: از مجموعه نشست های فرهنگی، تحقیقاتی مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی [گزارش]، کتاب ماه [کلیات]، مهر ۱۳۸۰
- از کپی رایت تا حق مالکیت معنوی: بررسی اجمالی یک قانون، قدس ۸۱/۶/۲۱
- اسدی، گلاره، کپی‌های غیر مجاز موسیقی در خاورمیانه بیداد می‌کنند، جهان صنعت ۸۳/۵/۲۰
- الفبای کپی رایت (۱)، اطلاع، آذر ۱۳۸۰
- امامی، نورالدین، حقوق مالکیت‌های فکری، فصلنامه رهنمون، شماره های ۲ و ۳، زمستان ۱۳۷۱
- امامی، کریم، اطلاعات تازه‌ای درباره پیمان حق مولف، نشر دانش، سال چهاردهم، شماره ۴
- امامی، کریم، باز هم درباره پیمان حق مولف، نشر دانش، سال دهم، شماره ۳، ۱۳۶۹
- امامی، کریم، پیوستن یا نپیوستن به پیمان حق مولف، نشر دانش شماره ۱، ۱۳۶۸
- امانی، تقی، حقوق مالکیت فکری: نگاهی به مفهوم حقوق کپی رایت، حیات نو اقتصادی ۸۲/۹/۱۸

- امیدبخش، اسفندیار، شالوده لازم برای حمایت از حقوق مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران وجود دارد، بررسی‌های بازرگانی شماره ۱۷۳
- امیر شاهی، حسن، حقوق مالکیت معنوی و گسترش زیرپا گذاری آن در اینترنت ، اطلاعات ۸۲/۲/۲۵ و ۸۲/۳/۸
- امیری، محمد، نابخشوده: نگاهی به رعایت حقوق مصنفان در رسانه ملی ، همشهری ۸۳/۲/۲۳
- انتظاری، علیرضا، مالکیت معنوی، بصیرت شماره‌های ۳۰ و ۳۱
- ایران به کپی رایت می پیوندد؟، فرهنگ آشتی ۸۲/۳/۲۱
- ایرانی، ناصر، مسئله این است: پیوستن یا نپیوستن به میثاق حق مولف ، نشر دانش شماره ۳، ۱۳۷۳
- باید درباره حق کپی رایت به وضعیت مشخصی برسیم، مهاجرانی در ...، آفتاب امروز، ۷۸/۸/۲۵
- بختیاریان، امیر، پیگرد قانونی دارد ... حقوق مولف، بیان ۷۹/۱/۲۲
- برخی مولفان هم رعایت یکدیگر را نمی‌کنند، آدینه شماره ۱۹، ۱۳۶۶
- برلو، ژاک، قوانین کپی رایت، صبح اقتصاد ۸۲/۱۱/۱
- بزرگمهری، مجید، تحول تاریخی حقوق معنوی و حقوق مولف در حقوق بین الملل و حقوق ایران، اطلاعات ۷۹/۱/۲۵
- بشیر، محمد عثمان، حقوق معنوی پدید آورندگان، الهی، فرج‌الله، کتاب‌های اسلامی ۸
- بشیری، جواد، قوانین حق مولف و تاثیر آن بر اشاعه و دستیابی به مجلات الکترونیکی ، پیام کتابخانه شماره ۳۷
- بویدنس، میریل، کاستی‌های حق مولف، طبایی، داود، پیام یونسکو شماره ۳۵۲
- بهروز، مسعود، جرایم مربوط به مالکیت معنوی: وضعیت و پیش بینی ها ، خبرنامه انفورماتیک شماره ۷۶
- بیات، حسین، حمایت از حقوق مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران ، ابرار اقتصادی ۸۱/۸/۲۰

- بیات، حسین، مالکیت معنوی و شرایط حاکم بر آن، آسیا ۲۰ و ۸۱/۸/۲۱
- بیک، ایمان، بخش خصوصی مغبون و کپی رایت حقی، گرفتنی است، وب شماره ۲۶
- پازوکی، پرویز، ایران و عضویت در سازمان جهانی مالکیت فکری / گفتگو با حسین میرحسینی، همشهری ۸۰/۶/۴
- پرداخت حق تالیف بین‌المللی بررسی شد، رستاخیز ۱۳۵۵/۱/۲۴
- پرویزی، رضا، بررسی نقض حق تکثیر پدیدآورندگان ، دنیای کامپیوتر و ارتباطات شماره ۱۴
- پهلوان، چنگیز ، کپی رایت: روشنفکران، دولت و مصلحت فرهنگ ملی ما ، ارغوان، شماره‌های ۵ و ۶، ۱۳۷۰
- پیلتن، فرزاد، حقوق مالکیت معنوی، ابرار ۸۲/۶/۱۲
- پیمان جهانی برنه یا قانون کپی رایت، خراسان ۸۰/۵/۲۱
- پیوستن به معاهده حق مولف: تهدید یا فرصت، همشهری ۸۱/۱/۲۰
- تابنده، کریم، باز هم کپی رایت، کتاب امروز، بهار ۱۳۵۳
- تحقق کپی رایت در گرو عزم دولت، عصر اقتصاد ۸۳/۵/۲۰
- ترسیم الگوی ملی برای کپی رایت، نوروز ۸۱/۲/۱۷
- ترویج فرهنگ با تامین حقوق مولف رابطه مستقیم دارد، اطلاعات ۱۳۵۶/۷/۹
- تعریف روشنی از حمایت وجود ندارد: گزارش آفتاب امروز از مشکلات پدیدآورندگان در زمینه حقوق مولف، آفتاب امروز ۷۸/۹/۲۲
- توانا علمی، فاطمه، مالکیت معنوی از دیدگاه فقه و قانون گزارشی از گفتگو ... ، خراسان ۸۰/۵/۱۴
- جهانگرد، نصرالله، آئین‌نامه اجرایی کپی رایت به زودی ابلاغ می‌شود: دبیر شورای عالی اطلاع‌رسانی، پول ۸۳/۴/۱۶
- جهانی شدن اطلاعات و قانون کپی رایت، فجر ۸۳/۴/۱۴
- جهانی، علینقی، نگاهی به قوانین کپی رایت، پیام بهارستان، دی ۱۳۸۰
- چرا در اجرای قانون حمایت مولفان در مانده‌ایم، آیندگان ۱۳۵۳/۷/۲۲

- حبیبی، مجتبی، مالکیت ادبی، قانونی فراموش شده، جوان ۸۳/۴/۴
- حجازی، آرش، بحران مالکیت معنوی در ایران: بحثی پیرامون قانون کپی رایت ، ایران ۸۰/۵/۲۳
- حریری، ایلیا، حرکت آهسته ایران به سوی پذیرش مالکیت معنوی، ایران ۸۰/۶/۱۳
- حضرتی، صمد، جایگاه حقوق مولف در حقوق ایران، اسلام و کنوانسیون بین‌المللی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، تابستان ۶۹
- حق مولف در حقوق ایران: گفتگو با آقای حسین صفایی، کتاب‌های اسلامی ۸
- حق مولف منصفانه نیست، آیندگان ۱۳۵۴/۱۲/۲
- حق مولف همچنان مسئله است، آیندگان ۱۳۵۶/۱۲/۲۱
- حق مولف: آیا لازم است ؟ رستاخیز ۱۳۵۴/۱۲/۷
- حقوق مالکیت معنوی، از قرارداد پاریس تا عهدنامه WIPO، خراسان ۸۱/۸/۱۶
- حقوق مولفین در اینترنت: جهان فناوری اطلاعات و ارتباطات در هفته ای که گذشت ، ایران ۸۲/۳/۲
- حقوقی شاهین دژ، محمد، مطالعه تطبیقی حقوقی معنوی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) شماره ۱۰
- خادمیان، مهدی، حق مولف در محیط چاپی و الکترونیکی، پیام کتابخانه شماره ۴۲
- خلفی، مسلم، مالکیت معنوی در ارتباطات ماهواره، کتاب‌های اسلامی شماره ۸
- داستان حق مولف، آیندگان ۱۳۵۴/۱۱/۳۰
- در صورت پیوستن ایران به معاهده حق مولف: یکبار شنیدن آواز ...، کیهان ۱۳۵۴/۱۲/۵
- در مقررات بین‌المللی حق مولف باید تجدید نظر شود، آیندگان ۱۳۵۴/۱۲/۵
- درآمدی بر مسئله کپی رایت، آیندگان ادبی ۱۳۵۳/۹/۳
- دریاباری، محمدزمان، مالکیت معنوی در آینه قوانین، معیار شماره‌های ۵۲ و ۵۳
- ده میری، مسعود، چرا باید مالکیت معنوی را توسعه دهیم؟، فجر ۸۳/۶/۲
- رادلو نالوزی، ژرژ، حق مولف و جهان در حال توسعه، پیام یونسکو، شماره ۳۶، ۱۳۵۱

- رئیسی، علی، نقض آشکار: کپی رایت در رسانه‌های ایران نقض می‌شود، دنیای اقتصاد ۸۲/۱/۲۴
- رستمی گومه، علیرضا، حق مولف در اینترنت، پیام کتابخانه شماره‌های ۴۴ و ۴۵
- رستمی، محمدرضا، پیوستن یا نپیوستن به قانون کپی رایت، جام جم ۸۲/۱/۲۶
- رضایی شریف‌آبادی، سعید، مالکیت معنوی در عصر الکترونیک، فصلنامه کتاب شماره ۳ (۸)
- رمضانی، دانیال، جرم بدون مجازات: بررسی تطبیقی کپی رایت در ایران، دنیای اقتصاد ۸۲/۵/۱۲
- روحانی دزفولی، محمد علی، حمایت از حق مولف در قوانین عراق، وائل عزت رفعت البکری، کتاب‌های اسلامی شماره ۹
- زین العابدینی، سعید، اتصال به حلقه جهانی: گفتگو با رضا هاشمی نژاد درباره کپی رایت، گفتگو از سعید زین‌العابدینی، ه‌مبستگی ۸۱/۱۲/۱۳
- سازمان جهانی حقوق مالکیت فکری [وایپو]، بررسی‌های بازرگانی شماره ۱۷۶
- سازمان جهانی حقوق مالکیت فکری [وایپو]، ابرار اقتصادی شماره ۲۱
- سازمان جهانی مالکیت فکری [وایپو] (۲)، بررسی‌های بازرگانی شماره ۱۷۷
- ساعد وکیل، امیر، مالکیت فکری، رسالت ۱۷ و ۱۹ و ۸۳/۶/۲۱
- سال‌ها تردید بیرون از دایره کپی رایت، اطلاعات ۸۱/۲/۱۵
- سپهر، فرشته، حق مولف در دنیای دیجیتال، پیام کتابخانه شماره‌های ۴۶ و ۴۷
- شاملو، احمد، پیوستن به کپی رایت یک عمل ضد فرهنگی، آیندگان ادبی، ۱۳۵۳/۳/۲۳
- شرافت، امیرحسین، نگاه فقه به مالکیت معنوی: در گفتگو با آیت الله سید محمد خامنه‌ای، ... کتاب هفته شماره ۵۵۱
- شریفی، ساجده، حدیث تکراری و بی‌ثمر کپی رایت، وقایع اتفاقیه ۸۳/۳/۵
- شعاعی، محمدعلی، عدم عضویت در کپی رایت: بزرگترین مانع توسعه نشر بین‌المللی... کتاب هفته شماره ۳۸۳
- شمیرانی، علی، بحثی در خصوص کپی رایت و جایگاه ایران، ابرار اقتصادی ۸۰/۶/۱۴

- شمیرانی، علی، برخورد با پدیده جعل نرم افزار را از مایکروسافت بیاموزیم ، آسیا ۸۰/۱۱/۱۶
- شه میر نوری، آزاده، کپی رایت بودن یا نبودن، مسئله این است، آزاد ۸۰/۱۲/۲۱
- صابری انصاری، بهزاد، کپی رایت حفظ حقوق صاحب فکر، جام جم ۸۱/۲/۲۴
- صالح، فروغ، مالکیت معنوی در ایران، فرهنگ و پژوهش شماره ۱۲۶
- صالحی، مازیار، کپی رایت: بررسی مالکیت معنوی در عرصه‌های بین‌المللی و ملی، کار و کارگر ۸۲/۷/۶
- صفایی، سید حسین، مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت مولفان، مصنفان و هنرمندان، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران شماره ۶، مرداد ۱۳۵۰
- ضرورت عملی کردن مالکیت معنوی، آفرینش ۷۹/۶/۲۷
- طولانی، قاسم، پایان یک رویا [مالکیت معنوی]، حیات نو اقتصادی، ۸۱/۱۰/۲۹ و ۸۱/۱۱/۱
- طیار، جواد، حقوق مالکیت های فکری، خراسان ۸۰/۷/۱۹
- طیار، جواد، نگرشی بر قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان: حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده، کیهان ۸۰/۵/۲۱
- عاشقان قانون جنگل: ایرانی‌ها هر جای دنیا که باشند باز هم کپی رایت را رعایت نمی‌کنند، جهان صنعت ۸۳/۵/۲۱
- عبدلی، مهشید - کوشا، کیوان، حق مولف در نشر چند رسانه‌ای: چالشی نوین در عصر خصوصی سازی و آزادسازی رسانه‌ها، مردم سالاری ۸۱/۳/۲۶
- عسکری، پویا، یکسانه بزرگ به کپی رایت، ابرار اقتصادی ۸۰/۹/۱۷
- علیمحمدی، داریوش - نرمن، سندی، حق مولف در محیط الکترونیکی، پیام کتابخانه شماره ۴۱
- غریبی، ضرغام، روش‌های حل و فصل بین‌المللی اختلافات در حقوق مالکیت معنوی ، مجله حقوقی (دفتر خدمات بین الملل) شماره ۲۹

- فخر داعی، امیر محمود، ایران از پیوستن به قانون بین‌المللی حق مولف سودی نخواهد برد، رستاخیز شماره ۴، اسفند ۱۳۵۴
- فروغی، مجید - الهی، فرج‌الله، حقوق پدیدآورندگان، جنبه‌های پیدا و نهان: ...، کتاب هفته شماره ۵۱۳
- قائد، محمد، چه کسی ما را از دست خودمان نجات خواهد داد [کپی رایت]، همشهری ۸۲/۳/۲۹
- قاسم‌زاده، محمد، پیوستن به کپی رایت یک ضرورت اخلاقی و اقتصادی است، ابرار اقتصادی ۸۰/۴/۲۸
- قانون حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، جوان ۸۳/۴/۴
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزار: مالکیت معنوی، همشهری ۲۰ و ۸۰/۴/۲۷
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزار copy right: مالکیت معنوی، همشهری ۸۰/۴/۲۰
- قدرخان، ثمانه، حکایت همچنان باقی است: نگاهی به شکل حقوق مولفان و مصنفان در ایران، فرهنگ و پژوهش شماره ۱۵۷
- کوثری، عبدالله، کپی رایت، همشهری ۸۲/۶/۱۶
- گادوین، مایک، کپی رایت و هراس از اینترنت، کاوسی، لیدا، همشهری ۱۸ و ۸۰/۱۲/۱۹
- گفتگوی قانون و قدرت: کپی رایت در ایران، ایران ۸۰/۱۰/۱۳
- لایحه کپی رایت و خوف و رجاء، ابرار اقتصادی ۷۹/۹/۸
- لطفی، تقی، حقوق مولفین و مصنفین رو به سوی جهانی شدن: گفتگو با تقی لطفی، کتاب ماه [نشر و نوشتار] [۸۷۳۱ - آذر]
- لطیفی، مهدی، حقوق مالکیت معنوی، معرفت شماره ۵۳
- لواسانی، احمد، کپی غیر قانونی نرم افزارها؛ نگاهی به ...، ایران ۸۱/۹/۱
- ما قانون شکنیم! یک ناشر با اشاره به قانون «حق مالکیت معنوی اثر»، قدس ۸۳/۳/۱۸

- مالکیت فکری و حقوق ناشی از آن، کار و کارگر ۷۹/۶/۲۲
- مالکیت معنوی و لزوم تثبیت آن در ایران، حمایت ۸۲/۱۱/۷
- محجوب، نیکی، بخش خصوصی کپی رایت را اجرا کند: گزارشی از میزگرد بررسی کپی رایت در ایران، کتابخانه شرق، ۸۳/۲/۲۴
- محسن‌زاده کورایم، افسانه، حق مولف در محیط مجازی اینترنت بسیار پررنگ‌تر از قبل شده است، اقتصاد پویا ۸۳/۵/۸
- محمد بیگی، علی اعظم - کریمی، وهاب، بررسی نظام ملی حق مولف در ایران، کتاب ماه (کلیات)، مهر ۸۰
- محمدی، سایر - عربیان، جواد، امروز با ... جواد عربیان، ایران ۸۳/۵/۱۸
- محمدی، مجید، نقص حقوق مولفان و مصنفان در تلویزیون، ماهور شماره ۲
- محمدی، نسرين، بازنگری حقوق مولفان و مصنفان/ از نگاه کارشناسان ، خراسان ۷۹/۱۰/۲۸
- محمودی، فرشاد - حجازی، آرش، پذیرش قانون کپی رایت شرط گفتگوست ، ملت ۸۰/۲/۱۹
- مختاریان، ابوالقاسم، فناوری‌های نوین و بازنگری در حقوق مولف: نگاهی به حق چاپ و نشر در هند، ه‌مشهری ۸۰/۱۰/۱۳
- مختاریان، ابوالقاسم، کپی رایت در هندوستان، ابرار اقتصادی ۱۱ و ۸۰/۴/۱۲
- مرتضوی نسب، مریم، کپی رایت یک حق دوجانبه است، بنیان ۸۰/۱۱/۲۵
- مزروعی، رجبعلی، حق مالکیت و تولید ثروت، ایران ۸۳/۶/۴
- مسئله حق مولف در آسیای جنوب غربی، راهنمای کتاب شماره ۵
- مسئله‌ای به نام کپی رایت، صبح اقتصاد ۸۲/۱۱/۱۴
- مسعودی، علیرضا، کامپیوتر یک اثر ادبی است: بررسی حقوق نرم افزارها در کانادا ، جهان صنعت ۸۳/۶/۱۰
- مطلق، محمد، حقوق مالکیت فکری، احترام به ابتکار و اندیشه (۱): باز کردن ...، جوان ۸۲/۱/۲۶ و ۲۵

- معدوب، اسامه، مالکیت فکری در موافقت‌های بین‌المللی و نگاهی به جایگاه آن در مصر / ...، روحانی دزفولی، محمدعلی، کتاب‌های اسلامی شماره ۹
- مقامی‌کیا، حسام‌الدین، صلاح نیست کپی رایت را بپذیریم: گفتگو با ...، فیلم نگار شماره ۱
- مقیسه، گلی، اولین قانون حمایت از حق مولف، کتاب هفته شماره ۵۶۶
- مقیمی، ابراهیم - صرافانی زاده، محمد، مقدمه‌ای بر شناخت کپی رایت و مالکیت معنوی (۲)، صنعت کفش شماره‌های ۶۶، ۶۷ و ۶۸
- منتظر، غلامعلی - رستمی گومه، علیرضا، چالش‌ها و راهکارهای مالکیت معنوی در رسانه‌های الکترونیکی، پیام ارتباطات شماره ۲۴
- مودودی، محمدرضا، حرمت مخالف با چراغ خاموش کپی رایت، نسیم صبا ۸۲/۳/۲۵
- موسوی، نرگس، حق مولف عامل مهم در دستیابی به منابع و اطلاعات، ایران ۷۹/۶/۳۰
- میرحسینی، حسن، با عضویت در سازمان جهانی مالکیت فکری حقوق طرف‌های تجاری حفظ می‌شود / گفتگو با دکتر حسن میرحسینی ...، بررسی‌های بازرگانی شماره ۱۷۳
- میرحسینی، حسن، مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران، کتاب‌های اسلامی شماره ۱۰
- میرخانی، زهرا، کپی‌رایت در مصاف ...، علم الکترونیک و کامپیوتر ۳۰۹
- میرشاک، حسین، مالکیت معنوی چیست؟ به مناسبت الحاق ایران به سازمان جهانی مالکیت معنوی، رسالت ۸۰/۱۱/۲۰
- میرشاک، حسین، کپی رایت چیست؟، رسالت ۸۱/۱۲/۱۵
- نراقی، مهدی، اهمیت حقوق مولف در دنیا و ایران، کتاب‌های ایران شماره ۱، ۱۳۶۶
- نراقی، یوسف، اهمیت اقتصادی کپی رایت، صبح اقتصاد ۸۲/۱۱/۲۸
- نظام صنفی رایانه‌ای موضوع آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان، آسیا ۸۱/۱/۱۸
- نقیبی، ابوالقاسم، جبران خسارت به حق معنوی: مبانی فقهی و حقوقی، کتاب‌های اسلامی ۹

- نگاهی اجمالی به پژوهش، نظام ملی حق مولف، اطلاعات ۷۸/۵/۲۵
- نیکنام، مهرداد، بررسی ابعاد داخلی قانون آفرینش‌های فکری، قدس ۸۱/۲/۱۷
- واعظی‌نژاد، صغرا، حقوق پدیدآورندگان و قراردادهای الکترونیکی، کتاب‌های اسلامی شماره ۱۰
- همه حق دارند غیر از مولف: کپی رایت در بوته نقد: محمدرضا یوسفی، نویسنده در گفتگو با قدس عنوان کرد، قدس ۸۳/۳/۳
- یثربی، چیستا، کپی رایت آری یا خیر، آزاد ۸۰/۱۲/۲۱
- یزدانی، عباس، حق مولف در اندیشه‌های فقیهان معاصر امامیه، کتاب‌های اسلامی ۹
- یستو، تولها، توسعه قانون کپی رایت در اروپا، اقتصاد پویا ۲۵ و ۸۳/۴/۲۷
- یوسفی فر، شهروز، نظری بر حق مولف، مصنف و هنرمند در نظام حقوقی در ایران ، طبرستان سبز شماره ۴
- کاظمی، امیر اسماعیل، عدم احترام به مالکیت معنوی سدی در مقابل توسعه ، عصر اقتصاد ۸۳/۲/۶
- کاظمی، امیر اسماعیل، مالکیت معنوی و توسعه تجاری، اقتصاد پویا ۸۳/۶/۵
- کاظمی، امیر اسماعیل، واپس و ضرورت‌های آن: مالکیت معنوی ثمرات فکری و مخلوق ذهن انسان‌هاست، فجر ۸۳/۶/۲
- کپی رایت: عامل بازدارنده فرهنگی، اطلاعات ۱۳۵۴/۱۲/۳
- کپی رایت، پیوستن یا نپیوستن؟، کتاب هفته شماره ۴۴۱
- کپی رایت، سراسر زیان، آیندگان ۱۳۵۳/۲/۲
- کرباسیان، مسعود، کپی رایت فرصت‌ها و تهدیدات، بنیان ۸۰/۲/۲۱
- کوثری، عبدالله، کپی رایت، بانی فیلم ۸۲/۹/۱۳
- کهن چی، شبنم، تاوان تعلل در اجرای کپی رایت را چه کسی می پردازد؟، عصر ارتباط شماره ۲۳
- نوری‌ها، حسنعلی، نظام حقوقی فکری در سوریه، کتاب‌های اسلامی شماره ۹

پایان نامه‌ها

- ابراهیم‌زاده پاشا، حسن، حمایت حقوقی از مولفین برنامه های کامپیوتری / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، راهنما: پرویز ساورایی، ۱۳۷۶
- ادراک، مهین‌پرسی تطبیقی حقوق ارتباط جمعی ایران و فراتپلیان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، راهنما: بیژن نفیسی
- افشاری قزوینی، مرتضی، مبانی موجه مالکیت معنوی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، راهنما: میرقاسم جعفری، ۱۳۸۲
- انور عارف، اسعد، ضرورت‌ها و پیامدهای الحاق ایران به کنوانسیون بین المللی حق مولف برن / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، راهنما: محقق داماد، ۱۳۸۱
- ایزدیان، مرضیه، مالکیت معنوی با نگرش خاص به کپی رایت در ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی، راهنما: محمد تقی رضویان
- باستانی، برومند، جرایم کامپیوتری و اینترنتی جلوه‌ای نوین از بزهکاری * / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: دکتر آشوری، ۸۲ - ۱۳۸۱
- پاکزاد، بتول، جرایم کلمپیوتری / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، رشته حقوق، راهنما: محمد علی اردبیلی، ۱۳۷۵
- پورجوهری، کامران، مسئولیت مدنی ناشی از پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی با مطالعه تطبیقی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، راهنما: عبدالله شمس؛ ۱۳۸۰
- پورحسن، ناصر، انقلاب ارتباطات و تحول مفهوم حاکمیت / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم سیاسی، راهنما: محمدعلی فرددانش، ۱۳۷۶

- توکلی، مهرانگیز، حق مولف / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۵۳
- جعفری، فرشته، حقوق رسانه‌ها در انگلیس: ترجمه کتاب media law / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صداوسیما، گروه ارتباطات، رشته پژوهش در ارتباطات، راهنما: محسن اسماعیلی، ۱۳۸۲
- جمشیدیان، مریم، فناوری ارتباطات و حقوق مالکیت فکری: حمایت از حق مولف در اینترنت / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: دکتر جعفرزاده، ۱۳۸۲-۸۳
- چراغزاده، هوشنگ، بررسی پیشینه تاریخی حقوق پدید آورندگان / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی، راهنما: وفادار، ۱۳۷۹
- چیت‌سازیان، مرتضی، حقوق مالکیت‌های فکری / پایان‌نامه دکترای دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، راهنما: علیرضا فیض، ۱۳۷۵
- حضرتی، صمد، حق معنوی مولف در حقوق ایران و اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، راهنما: اسدالله امامی، ۱۳۷۸
- خدابنده سامانی، محمدتقی، حمایت از حقوق مولفان / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: پرویز ساورایی، ۱۳۷۹-۸۰
- ذوقی، زهرا، بررسی میزان همخوانی تبلیغات بازرگانی شبکه اول سیما با مصوبات قانونی تبلیغات / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی، راهنما: سیدرضا نقیب‌السادات، ۸۲ - ۱۳۸۱
- ساعد وکیل، امیر، حمایت از مالکیت معنوی در سازمان تجارت جهانی و حقوق ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: سید باقر میرعباسی، ۱۳۸۳

- سعیدی فر، عباس، حق مولف در حقوق ایران و تطبیق بین سیستم حقوق ایران و فرانسه/ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، رشته حقوق خصوصی، راهنما: مهدی شهبودی، ۱۳۶۲
- سلطانی، نسرین، نقش کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حمایت از مالکیت ادبی و هنری با نگاهی به حقوق ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: صالحی راد، ۸۳ - ۱۳۸۲
- سلیمانی، ندا، بررسی وضعیت کپی رایت در ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی، راهنما: عقیلی، ۱۳۸۳
- شکوری مقدم، محسن، ابعاد حقوقی تجارت الکترونیکی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، راهنما: مهدی شهبودی، ۱۳۸۳
- شیرزاد نیک‌آباد، کامران، بررسی جرایم رایانه‌ای در قلمرو حقوق کیفری ایران و حقوق بین‌الملل / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: دکتر کوشا، ۸۳-۱۳۸۲
- صابری‌انصاری، بهزاد، نظام حل و فصل اختلافات بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت معنوی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رشته حقوق بین‌الملل، ۱۳۸۱
- صادقی نشاط‌نژاد، امیر، حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای کامپیوتری / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، راهنما: حسین صفایی، ۱۳۷۵
- صادقی، محمد حسن - مقدم، هوشنگ، حق وق مولف در ایران و کنوانسیون های بین‌المللی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، راهنما: حسین صفایی، ۱۳۶۷
- صفرعلیزاده، محسن، حمایت از حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری در مقررات کیفری ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: منوچهر خزانی

- عابدی درچه، مرتضی، مالکیت معنوی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، راهنما: گودرز افتخار جهرمی، ۱۳۷۷
- عابدی نیستانک، ربابه، مسئولیت خسارت ناشی از رسانه های گروهی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۵۸
- عبقری، آدینه، جرم کامپیوتری جلوه‌ای نوین از بزهکاری / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، راهنما: محمد آشوری، ۱۳۷۷
- عضوی، سپیده، بررسی جرایم رایانه‌ای و اینترنتی و راه‌های مقابله با آن: تحلیل آن در ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی، راهنما: بدیع، ۱۳۸۰
- قبادی‌زاده، محمد، اثرات احتمالی عضویت ج.ا.ایران در WTO بر سیستم مالکیت معنوی کشور / پایان‌نامه کارشناسی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، راهنما: مهدی فاخری، ۱۳۷۸
- کرمانی‌نژاد بادی، محمد، بررسی حق مادی مولف در حقوق ایران و کنوانسیون های بین‌المللی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، راهنما: عبدالرسول قدک، ۱۳۷۶
- کوچکی‌پور، علی‌اکبر، حقوق پدید آورنده اثر هنری / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، رشته حقوق، راهنما: شمس، ۷۱-۱۳۷۰
- لوسین زهادی، رها، نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای الکترونیکی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: دکتر ربیعا اسکینی، ۸۰-۱۳۷۹
- ماچیانی، بهرام، حمایت کیفی از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری با نگاهی به حقوق انگلیس و ایالات متحده امریکا / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، راهنما: حسین آقایی‌نیا، ۱۳۷۷

- محقق داماد، مصطفی، حقوق آفرینش‌های فکری، فنی و رقابتی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، راهنما: عباس حری، ۱۳۷۳
- محمدی ده چشمه، پژمان، حقوق مولف / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رشته حقوق خصوصی و اسلامی، ۱۳۷۶
- محمودزاده، فریده، حقوق حاکم بر تجارت الکترونیک / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: دکتر ربیعا اسکینی، ۱۳۸۲-۸۳
- مشیریان، محمد، حق مولف و حقوق تطبیقی آن / پایان‌نامه دکترای دانشگاه تهران، راهنما: ستوده تهرانی، ۱۳۳۹
- معظمی فراهانی، یکتا، رویکردهای حقوقی نسبت به مفهوم جرم رایانه ای (از دیدگاه بین‌المللی و ایران) / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۳
- ملکی، مهلا، حمایت کیفری از حریم خصوصی اشخاص در حقوق ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، راهنما: دکتر کوشا، ۱۳۸۲-۸۳
- میرجلال‌اس، علی‌اصغر، نظام حقوقی حاکم بر وسایل ارتباط جمعی ایران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، راهنما: امیر ارجمند، ۱۳۷۹-۸۰
- نورشرق دهاقانی، جمشید، حمایت از برنامه‌های کامپیوتری (نرم افزارها) از لحاظ حقوقی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، راهنما: بهروز اخلاقی، ۱۳۷۴
- نوروزی، علیرضا، مطالعه مزایا و معایب پیوستن ایران به نظام بین‌المللی حق مولف از دیدگاه متخصصان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی / پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه کتابداری، رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۰

طرح‌های پژوهشی

- حسینی پاکدهی، علیرضا، بررسی تطبیقی عملکرد شبکه ۱ و ۲ و ۳ با توجه به نظرات امام راحل، مقام رهبری، قوانین و متون حقوقی / صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، ۱۳۷۶
- دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی / پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷-۱۳۷۹
- طرح مطالعاتی قانون مالکیت معنوی (ثبت علائم و اختراعات) / وزارت صنایع، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، تاریخ اجرای طرح ۱۲/۱۳۷۸ تا ۱۲/۱۳۷۹
- محمدبیگی، علی‌اعظم، نظام ملی حق مولف / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهش‌های بنیادی، ۱۳۷۵
- محمدی ده چشمه، پژمان، حقوق مولف / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شوراهای پژوهشی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها، استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۷۶
- محمدی، حمیدرضا صادق، شناخت کلی جرایم رایانه‌ای و روش‌های مبارزه با آن / دانشگاه علم و صنعت، جهاد دانشگاه، ۱۳۷۸
- مهرافشا، علی‌اکبر، قوانین پخش در جمهوری فدرال آلمان / صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، ۱۳۷۵

کارهای در دست انتشار (مرکز تحقیقات)

۱- سخنرانی‌ها

- سخنرانی‌های برگزار شده در تابستان ۱۳۸۰ با عنوان مجموعه مقالات حقوق رسانه‌ها، تنظیم و تدوین: فرشته جعفری

۲- طرح های پژوهشی

- اسماعیلی، محسن، بررسی تطبیقی اصول و مبانی تبلیغات بازرگانی در جهان معاصر، ایران و اسلام، یک رویکرد حقوقی
- رنجبر، احمد - جعفری، فرشته، محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر پخش در انگلستان و ایران
- محسنیان، سیدعلی، تجاوز به حریم خصوصی افراد به عنوان یکی از محدودیت های حاکم بر پخش

۳- ترجمه‌ها

- آر، پمبردون، هتک حرمت رسانه ای در امریکا ، مترجم: احمد رنجبر، تلخیص و ویرایش: فرشته جعفری
- افترا و هتک حرمت در اینترنت با توجه به نظام حقوقی انگلیس و امریکا ، مترجم: احمد رنجبر
- حمایت از حریم خصوصی در مقابل رسانه‌ها، مترجم: رضا معین‌آبادی
- عصر دیجیتال و کلاهبرداری از راه دور ، مترجمان: نوشین نقش تبریزی و فرشته جعفری
- قانون تبلیغات تجاری جمهوری خلق چین، مترجم: احمد رنجبر
- قانون تبلیغات تجاری دولت فدرال روسیه ، مترجم: احمد رنجبر، ویرایش: فرشته جعفری
- قانون حریم خصوصی و رسانه‌ها، مترجم: مهدی فرهمند صدیق، تلخیص و ویرایش: فرشته جعفری
- قانون حریم خصوصی و رسانه‌ها، مترجم: مهدی فرهمند صدیق، ویرایش: فرشته جعفری
- قوانین و مقررات حاکم بر تبلیغات چاپی و پخش در انگلیس ، مترجم: احمد رنجبر، تلخیص و ویرایش: فرشته جعفری

- کری، پیتر، حقوق رسانه‌ها (در انگلیس)، مترجم: فرشته جعفری
- لوئیس، ای. دی، رسانه‌ها و حق حریم خصوصی: توازنی ظریف و دقیق ، مترجمان: مهدی فرهمند صدیق و فرشته جعفری
- مانکل، لویی، جرایم رایانه‌ای از خطر تا واقعیت ، مترجمان: نوشین نقش تبریزی و فرشته جعفری
- مقررات حاکم بر تبلیغات تجاری در امریکا، مترجم: احمد رنجبر، ویرایش: فرشته جعفری
- وال، دیوید، جرایم رایانه‌ای و اینترنت مترجمان: فرشته جعفری و نوشین نقش تبریزی
- هارت بری، استاین، هتک حرمت در اینترنت، مترجم: احمد رنجبر، تلخیص و ویرایش: فرشته جعفری
- هتک حرمت رسانه‌ای در انگلیس، مترجم: احمد رنجبر، تلخیص و ویرایش: فرشته جعفری

کتاب‌های در دست انتشار (تألیف دکتر کاظم معتمدنژاد)

- حقوق تبلیغات بازرگانی
- مسائل حقوقی بین‌المللی ماهواره‌های تلویزیونی
- حقوق بین‌المللی ارتباطات الکترونی

قوانین و آیین‌نامه‌ها

- قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲
- قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱
- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶
- قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۲۶ ه.ق
- قانون مطبوعات، دکتر مصدق، مصوب ۱۳۳۱ شمسی
- قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۳۴ شمسی
- قانون مطبوعات، مصوب شورای انقلاب ۱۳۵۸

- قانون مطبوعات، مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۴/۱۲/۲۲
- مجموعه قوانین مطبوعات و رسانه‌های گروهی از ابتدای قانونگذاری تا پایان سال ۱۳۶۸
- آئین‌نامه نویسندگان مطبوعات و خبرنگاران، مصوب ۱۳۵۴
- آئین‌نامه نمایندگی توزیع و فروش نشریات، مصوب ۵۸/۱۲/۸
- آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۵
- آئین‌نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار فعالیت کانون‌های آگهی
- شرح وظایف و سازمان اداری وزارت فرهنگ و هنر، مهر ۱۳۵۴
- شرح وظایف و سازمان اداری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰
- قانون اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۹
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸
- قانون آئین‌نامه دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، مصوب ۱۳۷۸
- قانون اساسنامه سازمان صداوسیما ج.ا.ا، مصوب ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی
- قانون اصلاح قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰
- قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۶۲
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸ و آئین‌نامه اجرایی آن ، مصوب ۷۸/۹/۲۱
- قانون مدنی ایرانی، مصوب ۱۳۰۷
- قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹
- قانون اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب اردیبهشت ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، ۱۳۷۵/۳/۲
- قانون تاسیس موسسات خارجی و نمایندگی خبرگزاری های خارجی در ایران ، ۱۳۵۸/۵/۲۰
- قانون خط‌مشی کلی و اصول و برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ، مصوب ۱۳۶۱

- قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ، مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی
- قانون فروش خدمات کامپیوتری، فنی و انتشاراتی و برگزاری دوره های تخصصی ، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۰ مجلس شورای اسلامی
- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند، مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ مجلس شورای اسلامی
- قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی، مصوب تیرماه ۱۳۵۴
- پیش نویس لایحه «قانون جرایم رایانه‌ای»، تهیه شده توسط قوه قضایی

مقررات مربوطه به حقوق رایانه

- حذف مجوز ورود اقلام رایانه‌ای
- رایانه و تجهیزات جانبی آن
- خلاصه جداول و ضوابط آیین‌نامه احراز صلاحیت و طبقه‌بندی شرکت‌های انفورماتیک
- نحوه خرید و عقد قراردادهای طراحی و تولید نرم‌افزار
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای
- انتخاب و روش ارجاع کار به شرکت های داده ورزی (انفورماتیکی) تشخیص صلاحیت شده
- عدم نیاز به اخذ مجوز ثبت شرکت
- مصادیق خدمات کارشناسی در زمینه نرم‌افزار
- طرح صدور شماره شناسایی برای نرم‌افزارهای تولید داخل
- مقررات واردات تجهیزات مختلف رایانه‌ای
- ضوابط واردات مادربرد کامپیوتر توسط شرکت‌های داده‌ورزی در سال ۱۳۷۸
- عدم نیاز به اخذ مجوز شورای عالی انفورماتیک در خصوص ورود کامپیوتر

به نام خدا

رسانه و بحران

مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای در نظر دارد شمارهٔ چهارم و یکم فصلنامه «پژوهش و سنجش» را به موضوع «رسانه و بحران» اختصاص دهد. لذا از تمامی صاحب‌نظران، استادان، پژوهشگران و سایر علاقه‌مندان به این موضوع دعوت می‌شود مقاله‌های خود را (تألیف و ترجمه) حداکثر تا تاریخ ۸۴/۶/۱۵ به دبیرخانه این مرکز طبق آدرس زیر ارسال فرمایند. یادآور می‌شود به مقاله‌هایی که در نشریه درج می‌شوند حق‌الزحمه تعلق می‌گیرد. محورهای مورد نظر به شرح زیر است:

الف) رسانه و بحران؛ تعاریف، نظریه‌ها و مبانی رسانه‌های بحران‌ساز بحران‌های رسانه‌ای رسانه در بحران	تأثیرات رسانه‌ها بر فرآیند تغییر و تحول (و یا تبدیل) بحران‌ها
ب) رسانه و مدیریت بحران نقش و جایگاه رسانه در دوران پیش از ظهور بحران‌ها؛ پیش‌گیری و پیدایش نقش و جایگاه رسانه در دوران وقوع بحران‌ها؛ مهار یا تشدید نقش و جایگاه رسانه در دوران پس از بحران‌ها؛ بازسازی یا بازتولید	د) عناوین و ارکان فرآیند تصمیم‌گیری در وضعیت‌های بحرانی و نقش رسانه‌ها ستاد بحران و جایگاه رسانه‌ها عناصر انسانی در بحران‌ها و الگوی رسانه‌ای مدیریت بحران مشروعیت رسانه و مدیریت بحران اصول اخلاقی، رسانه و بحران
ج) تأثیرات متقابل رسانه و بحران تأثیرات بحران بر ساختار سازمانی رسانه تأثیرات بحران بر کارکردهای متعارف رسانه تأثیرات رسانه‌ها بر انواع بحران‌ها (طبیعی، اجتماعی، سیاسی و ...)	ه) مطالعات موردی بررسی و تحلیل نقش رسانه‌ها در حادثه ۱۱ سپتامبر بررسی و تحلیل نقش رسانه‌ها در حمله آمریکا به عراق و افغانستان بررسی و تحلیل تجربه مدیریت بحران در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران بررسی و تحلیل نقش رسانه‌ها در بحران بم

آدرس: خیابان ولیعصر، خیابان جام‌جم، سازمان صدا و سیما، ساختمان اداری، طبقه دوم، ضلع شرقی
صندوق پستی: ۴۷۴۸-۱۹۳۹۵، شماره تماس: ۳ - ۲۰۱۳۵۹۱

راهنمای تنظیم مقاله

لطفاً در نگارش مقاله به نکته‌های زیر توجه فرمایید:

۱. عنوان مقاله کوتاه و گویای محتوای مقاله باشد.
۲. به جای ذکر منابع در پاورقی، منابع را در داخل پرانتزی در پایان نقل قول یا مطلب استفاده شده به شکل زیر قرار دهید:
الف: برای منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر اثر: شماره صفحه).
مثال: (محمدی، ۱۳۷۵: ۲۵)
ب: برای منابع لاتین: (صفحه: سال نشر اثر، نام خانوادگی مؤلف). مثال:
(Manfield, 1995:250)
۳. معادل خارجی اسامی و مفاهیم مهم داخل پرانتز، جلوی اسم و یا مفهوم مربوط به آن آورده شود.
۴. در صورتی که اصطلاح یا مفهومی نیاز به توضیح دارد در بالای آن شماره گذاشته شود و متناسب با شماره، در پایان مقاله، تحت عنوان یادداشت‌ها، توضیح لازم آورده شود.
۵. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع مورد استفاده فارسی و خارجی به طور جداگانه به صورت زیر ارائه شود:
کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر اثر: نام ناشر، سال انتشار، شماره صفحه.
مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی مترجم، نام نشریه، سال انتشار، شماره نشریه، زمان انتشار.
مثال: سعید، ادوارد. نقش روشنفکر در جامعه، ترجمه دکتر حمید عضدانلو، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال (۹)، شماره (۹۲-۹۱)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.

۶. برای سهولت قرائت و ارزیابی مقاله، آن را در کاغذ A4، یک خط در میان، بر روی یک صفحه، حداکثر در ۱۵ صفحه به صورت تایپ یا با خط خوانا بنویسید.
۷. ارسال اصل متن مقاله‌های ترجمه شده، همراه ترجمه الزامی است. مشخصات دقیق مقاله در مآخذ اصلی و منابع و مآخذ مورد استفاده در متن مقاله را نیز قید بفرمایید.
۸. مقاله‌ها را با ذکر نام و نشانی دقیق خود، میزان تحصیلات، شغل و شماره تماس بفرستید.
۹. همراه با مقاله، چکیده آن را در ۱۰ سطر به نحوی که حاوی نکات اصلی مطرح در مقاله باشد ارسال نمایید.
۱۰. فصلنامه پژوهش و سنجش در ویرایش محتوایی و فنی مقالات آزاد است.

فرم اشتراک فصلنامه پژوهش و سنجش

لطفاً..... نسخه فصلنامه پژوهش و سنجش را برای اینجانب

..... سازمان / مؤسسه / شرکت /

..... آدرس:

..... کد پستی:

..... تلفن تماس:

امضا و تاریخ

به نکات زیر توجه فرمایید:

- حق اشتراک نشریه برای دو شماره شانزده هزار ریال و برای چهار شماره سی هزار ریال است.
- وجه مورد نظر را به حساب شماره ۸۳۸۰۸۳۴۱ بانک تجارت شعبه پارک ملت به نام مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای واریز و اصل فیش واریزی را به همراه فرم اشتراک به آدرس فصلنامه پست نمائید.
- از ارسال وجه نقد جداً خودداری نمائید.
- هرگونه تغییر نشانی خود را فوراً به بخش اشتراک نشریه اطلاع دهید.
- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می‌توانید با تلفن‌های ۲۰۱۳۷۳۴ و ۲۱۶۷۱۴۵ تماس حاصل فرمایید.

نشانی نشریه: تهران - خیابان ولیعصر - صداوسیما جمهوری اسلامی - ساختمان اداری -

طبقه دوم - مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای - صندوق پستی: ۴۷۴۸-۱۹۳۹۵